





jabir.abbas@yahoo.com



تقدیم به صادرم که مرا در تربیت نجف زاد
و به پدرم که با مهر امیرالمؤمنین (علیه السلام) پروراند

الفصلی مصور سفر زیارتی عراق

گرد آورنده : سید احمد علوی

طراحی گرافیک : صادق انصاری

ویراستاران : حمید شریقی مقدم
محمد باقر صلواتی - مرتضی معراجی

امور فنی : سید علی علوی

عکاسان : سید علی علوی - امیر حسامی نژاد
ناصر ابراهیمی - حجة الاسلام ابراهیم جعفری بهاری

لیتوگرافی : سپهر نوین - قم

چاپ : سپهر نوین - قم

نوبت چاپ : دهم - نیمه دوم اردیبهشت ۱۳۹۱

شمارگان : ۵۰۰ نسخه

شابک : ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۸۲۷۵ - ۸۷ - ۲

سرشناسه : علوی احمد ۱۳۴۰ - گردآورنده
عنوان و نام پدیدآور : راهنمای مصور سفر زیارتی عراق
گردآورنده : احمد علوی
طراح و گرافیک : صادق انصاری
عکاسان : علی علوی، امیر حسامی نژاد، ناصر ابراهیمی
مشخصات نشر : قم، معروف، ۱۳۸۹
مشخصات ناشری : ۵۸۸۸ - مصور (ارتقا)، جدول، نمودار
شابک : ۸۰۰۰۰ ریال - ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۸۲۷۵ - ۸۷ - ۲
وضعیت فهرست نویسی : قیفا
موضوع : زیارتگاههای اسیلاسی - عراق - راهنماها
موضوع : زیارتنامه‌ها
موضوع : زیارت - آداب و رسوم
شناسه افزوده : علوی، علی، ۱۳۴۸ - عکاس
شناسه افزوده : حسامی نژاد، امیر، ۱۳۶۱ - عکاس
شناسه افزوده : ابراهیمی، ناصر، ۱۳۶۱ - عکاس
رده بندی کنگره : ۱۳۸۹ - ۲ - ۱۳۴۴ B
رده بندی دیویی : ۳۹۷/۷۶۴
شماره کتابشناسی ملی : ۲۰۱۷۸۹۵

قم - خیابان مصطفی قدس - پلاک ۶۸۲
صندوق پستی : ۳۷۱۶۵ - ۱۵۸
تلفن : ۰۲۵۱ - ۲۹۳۹۱۴۰ - ۱
نمابر : ۰۲۵۱ - ۲۹۲۶۱۷۵
وب سایت : www.marooof.org
ایمیل : nashremarooof@gmail.com

قیمت : ۸۰۰۰۰ ریال

توزیع ایران : سید حسن موسوی ۰۹۱۲۵۵۲۶۶۱۰
توزیع عراق : عزالدین الخرزجی ۰۷۷۱۱۱۹۵۹۲۰



ادخلوها بسلام

پیشگفتار:

کُلُّ الْخَيْرِ فِي بَابِ الْحُسَيْنِ

به قلم استاد جواد محدثی

هرچه آگاهی و شناخت‌های قبل از سفر بیشتر باشد، از این سفر مقدس لذت بیشتری می‌بری و دین شهرها، حرم‌ها و جاهای گوناگون، اطلاعات قبلی تو را به یاد می‌آورد و دیدارها، معنای دیگری می‌یابد و حسن بهتری پیدا می‌کند.

مخبر زیارت‌ها و زیارتگاه‌های عراق، عبارت است از: نجف، کربلا، کاظمین، سامرا.

اگر چه مسافران عتبات را، «زائر کربلا» می‌گویند، ولی تنها زیارت کربلا نیست؛ شهرها و حرم‌های دیگر و جاهایی که در حاشیه این شهرها یا بین این شهرهاست نیز، زیارت می‌شود. شناخت جایگاه زیارت، به ویژه زیارت قبر امام حسین (ع) و آثار

دوست داری قبل از رفتن به کربلا و زیارت عتبات، با سرزمین عراق و شهرها و جاهای دیدنی و زیارتگاه‌هایش و شخصیت امامان معصوم (ع) و اصحاب باوفای ایشان آشنا شوی و بدانی که در این سرزمین چه گذشته است و جاهای دیدنی آن کجاست؟ کربلا و نجف و کاظمین و سامرا کجاست؟ چه شد که امامان ما در این شهرها شهید و مدفون شدند؟ چرا به زیارتشان می‌رویم؟ در زیارت، چه آدابی را باید مراعات کنیم؟ مسجد کوفه و مسجد سهله کجاست؟ و خیلی سؤال‌های دیگر...

و آوازه حوزه هزار ساله آن، در کتب تاریخ و فقه و در همه جا هست، مردان بزرگی در طول تاریخ، خدمت به فقه شیعیه و عقیده امامیه را به عهده گرفتند و به خوبی آنرا به سامان رساندند و در عاقبت امر در این راه مقدس جان به راه جانان باختند. تصاویر و یادمانی از برخی از این بزرگمردان، مخصوصاً در دهه‌های اخیر، در آخر کتاب با عنوان ستارگان حرم گرد آمده؛ گرچه اندک و ناقص، اما به عنوان نمونه کوچکی است از مجموعه عالماتی که رسالت تبلیغ دین حنیف را به خوبی انجام دادند. ۵. در معرفی همسایگان عراق، تلاش شده به بهانه قرار داشتن مراقد و مقامات چهارده معصوم علیهم‌السلام، در کشورهایی مثل ایران و عربستان، شناختی گرچه مختصر از آن انوار پاک، ارائه شود و کتاب با نام مبارکشان زینت یابد.

۶. شاید کتاب برای یک مسافرت کوتاه حجیم به نظر بیاید، اما نیاز و آشنایی مسافر در طول سفر و فراغت مسافران در طی مسیر، فرصت خوبی برای مطالعه و اطلاع از اوضاع و احوال کشور عراق و مسائل پیرامون آن به دست می‌دهد که این کتاب، تحفه خوبی است برای اغتنام از این فرصت ارزشمند و تکمیل اوقات فراغت در این سفر پرمعنویت و تیز یادگاری است از خاطره‌های سفر در بازگشت.

۷. هر مسافر همانطور که به زاد و توشه مادی نیازمند است، به توشه‌های معنوی نیز احتیاج دارد. تا به سفرش، روحانیت بیشتری ببخشد؛ این کتاب، همراه معنوی و راهنمای خوبی برای زائر عتبات عالیات عراق است.

در پایان از همه بزرگوارانی که با راهنمایی‌ها و نظراتشان، نویسنده را در تهیه این مجموعه یاری کردند، صمیمانه سپاسگزار می‌شود.

با همه تلاشی که شده، کار را بی نقص نمی‌بینم. پیشنهادها و نظرات شما خوانندگان محترم، می‌تواند جاب‌های بعدی این کتاب را کم‌عیب‌تر، به مستأفان عرضه کند. پیشاپیش از نظراتی که برای رفع معایب و تکمیل کتاب، ارسال می‌دارید، تشکر می‌شود.

قـم - آبان ۱۳۸۹

سازنده آن و محتوای زیارتنامه‌ها و گوشه‌ای از تاریخچه آنچه بر این مرقدها گذشته است، فضای ذهن و دل را برای پذیرش نسیم رحمت الهی و فیض علوی و حسینی آماده‌تر می‌سازد.

زیارت حرم حسینی در این میان، جذبه بیشتری دارد.

همواره عشق به کربلا و زیارت قبر سید الشهداء علیه‌السلام، همچون گوهری در صدف سینه‌های پدران و ماسادران و تیاگان ما بوده است. چه آن زمان‌ها که راه کربلا بسته بود و عاشقان حرم اباعبدالله علیه‌السلام، قاجاقی و از بیراهه و مخفیانه به زیارت عتبات می‌رفتند و چه دوره‌هایی که این راه گشوده بود و دل‌باختگان حسین علیه‌السلام، با بال عشق و پای شوق، این راه را طی می‌کردند؛ این شعل، روشن بوده و مانده است.

اینک چند نکته را یاد آور می‌شویم که می‌تواند در مطالعه این کتاب بهره بیشتری نصیبتان کند:

۱. در نقشه شهرها، طبق استاندارد کتب جغرافیا و نقشه‌نگاری، شمال نقشه، در بالای صفحه قرار داده شده، ولی در نقشه حرم‌ها و مساجد، برای سهولت زائران، اصالت به قبله داده شده و بالای صفحه قرار گرفته است. در نتیجه در نقشه حرم‌ها، شمال به طرف پایین صفحه قرار می‌گیرد.

۲. در تدوین کتاب سعی شده مطالبی که زائر، در این سفر مقدس به آنها نیازمند است، یک جا گرد آید تا او را از همراه داشتن کتب اضافه و سنگین برهاند. اطلاعات لازم در مورد کشور میزبان، تاریخچه شهرهای زیارتی، اماکن تاریخی، ادعیه و سوره‌هایی که در این سفر زیارتی مورد نیاز است، احکام سفر، آداب زیارت و ... آمده است، اما زائران محترم می‌که این اندک، سیرایشان نمی‌کند، می‌توانند به قرآن، مقاتب و سایر کتب موجود در حرم‌ها و مساجد مراجعه کنند.

۳. امامزادگان فراوانی نیز در سرزمین عراق آرمیده‌اند که فروغ فروزان و انوار تابان ائمه هدی علیهم‌السلام، سبب شده این ستارگان، کمتر در دید همگان باشند. شرح حال مختصر برخی از این بزرگواران نیز، در این کتاب آمده است.

۴. عراقی از دیرباز به عنوان مهمترین پایگاه شیعیه مطرح بوده است

فهرست



۶۹

نجف

- ۷۱ ■ تاریخچه شهر نجف
- ۷۳ ■ تاریخ بنای مرقد امیرالمؤمنین (ع)
- ۷۴ ■ نقشه هوایی کوفه و نجف
- ۷۶ ■ شهر قدیم نجف
- ۷۷ ■ نقشه نجف
- ۷۹ ■ ایام مخصوص زیارت امیرالمؤمنین (ع)
- ۸۱ ■ مشخصات امیرالمؤمنین (ع)
- ۸۵ ■ رابطه خاص کعبه و مولود کعبه
- ۸۶ ■ گشایش درهای آسمان برای زائران
- ۸۸ ■ دعای ورود به شهر
- ۹۰ ■ دعای ورود به محن امیرالمؤمنین (ع)
- ۹۸ ■ زیارت پیش روی مبارک
- ۱۰۴ ■ زیارت آدم و نوح (ع)



۴۵

آمادگی برای سفر

- ۴۶ ■ احکام و آداب سفر
- ۵۰ ■ آداب زیارت
- ۵۳ ■ ایام زیارتی معصومین (ع)
- ۵۴ ■ زیارت نیابتی
- ۵۵ ■ نماز برای گذشتگان
- ۵۸ ■ آشنایی با سرزمین عراق
- ۵۹ ■ مسیرهای تشرف به عتبات
- ۶۰ ■ اطلاعات عمومی عراق
- ۶۱ ■ تاریخ عراق
- ۶۴ ■ پول عراق
- ۶۴ ■ فاصله شهرها از یکدیگر
- ۶۵ ■ تقسیمات کشوری عراق
- ۶۶ ■ تقسیمات قومی و مذهبی عراق



۱۳

قرآن

- ۱۴ ■ فاتحه
- ۱۴ ■ آیه الکرسی
- ۱۶ ■ یس
- ۲۴ ■ الرحمن
- ۲۹ ■ فتح
- ۳۶ ■ ملک
- ۴۰ ■ اعلی
- ۴۱ ■ قدر
- ۴۱ ■ کافرون
- ۴۲ ■ نصر
- ۴۲ ■ اخلاص
- ۴۳ ■ فلق
- ۴۳ ■ ناس



۲۳۳

کربلا

- تاریخچه شهر کربلا ۲۳۶
- نقشه شهر کربلا ۲۳۹
- طرح سفینه النجاة ۲۴۰
- مشخصات امام حسین (ع) ۲۴۳
- تاریخ بنای مرقد امام حسین (ع) ۲۴۴
- فضیلت زیارت امام حسین (ع) ۲۴۸
- ایام مخصوص زیارت امام حسین (ع) ۲۴۹
- نواب پیاده روی برای زیارت ۲۵۰
- انتفاضه شعبانیه ۲۵۱
- باب القیله ۲۵۲
- باب السدره ۲۵۳
- زمین کعبه و زمین کربلا ۲۵۴
- حائر حسینی ۲۶۲
- نماز مسافر در حرم امام حسین (ع) ۲۶۴

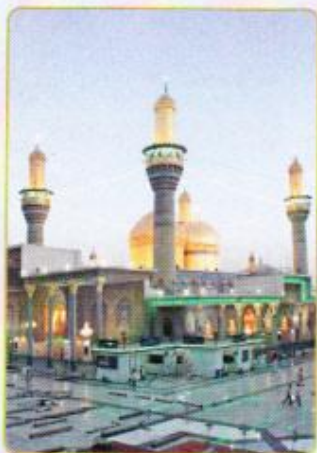


۱۵۷

کوفه

- تاریخچه کوفه ۱۵۸
- میثم تمار ۱۶۳
- خانه امیرالمؤمنین (ع) ۱۶۶
- مسجد کوفه ۱۶۸
- اعمال مسجد کوفه ۱۷۴
- مناجات امیرالمؤمنین (ع) ۱۹۵
- مسلم بن عقیل ۲۰۰
- مختار ۲۰۴
- هانی بن عروه ۲۰۶
- دارالاماره ۲۱۱
- مسجد سهله ۲۱۶
- اعمال مسجد سهله ۲۱۶
- مسجد زید ۲۲۸
- مسجد صعصعه ۲۳۰

- زیارت امین الله ۱۰۸
- زیارت سر مقدس امام حسین (ع) ۱۱۴
- زیارت وداع امیرالمؤمنین (ع) ۱۱۷
- اماکن موجود در استان امیرالمؤمنین (ع) ۱۱۹
- صحن حضرت فاطمه (ع) ۱۲۶
- هنر نمایی های شیخ بهایی ۱۲۷
- اشعار شهریار ۱۳۰
- وادی السلام ۱۳۲
- حضرت هود (ع) ۱۳۶
- حضرت صالح (ع) ۱۳۷
- مقام صاحب الزمان (ع) ۱۳۸
- مقام امام زین العابدین (ع) ۱۳۹
- مرقد صافی صفای یمانی ۱۳۹
- قبور صحابه و تابعین ۱۴۱
- کمیل ۱۴۲
- مسجد حنانه ۱۴۵
- بیت امام خمینی ۱۴۸
- کتابخانه های نجف ۱۴۹
- مساجد نجف ۱۵۰
- بنات الحسن ۱۵۰
- مدارس دینی نجف ۱۵۲
- مراجع تقلید نجف ۱۵۴



کاظمین

- ۳۳۹ تاریخچه شهر کاظمین
- ۳۴۰ نقشه حرم کاظمین
- ۳۴۳ مشخصات امام هفتم و نهم
- ۳۴۶ فضیلت زیارت کاظمین
- ۳۴۷ زیارت مختص امام موسی
- ۳۵۴ زیارت مختص امام جواد
- ۳۵۶ زیارت وداع کاظمین
- ۳۵۸ صحن جدید
- ۳۵۹ عباسی افتاده به خاک

- ۲۹۸ قبله حاجات
- ۲۹۹ حکام فقهی زیارت حضرت ابوالفضل
- ۳۰۰ مقام دست راست
- ۳۰۱ مقام دست چپ
- ۳۰۲ نهر علقمه
- ۳۰۴ رود فرات
- ۳۰۶ مقام صاحب الزمان
- ۳۰۹ خیمه گاه
- ۳۱۰ تل زینیه
- ۳۱۲ زیارت عاشورا
- ۳۱۶ تربت امام حسین
- ۳۱۸ تسبیح تربت
- ۳۲۰ مقام امام صادق
- ۳۲۲ سایر اماکن و مقامات کربلا
- ۳۲۳ مقام شیر فضه
- ۳۲۴ حرمین یزید ریاحی
- ۳۲۷ عون بن عبدالله
- ۳۲۸ طفلان مسلم
- ۳۳۲ قطاره امام علی
- ۳۳۲ آثار باستانی کربلا
- ۳۳۴ مرثیه عربی فارسی
- ۳۳۶ شعر وداع با کربلا

- ۲۶۶ آداب زیارت حضرت سیدالشهدا
- ۲۶۸ اذن دخول حرم
- ۲۷۱ زیارت وارث
- ۲۷۷ زیارت علی اکبر
- ۲۷۹ زیارت سایر شهدا
- ۲۸۰ حبیب بن مظاهر
- ۲۸۱ سید ابراهیم مجاب
- ۲۸۲ قتلگاه
- ۲۸۳ زیارت وداع سیدالشهدا
- ۲۸۴ بوی سیب
- ۲۸۵ نخل مریم



- ۲۸۶ حضرت ابوالفضل
- ۲۸۷ نقشه حرم حضرت ابوالفضل
- ۲۸۹ مشخصات حضرت ابوالفضل
- ۲۹۱ زیارت حضرت ابوالفضل
- ۲۹۷ زیارت وداع حضرت ابوالفضل

- امامزاده سید محمد ۴۱۸
- زیارت امامزادگان ۴۲۰
- قبرهای خاندان عسکریین ۴۲۲
- مسجد جامع سامرا ۴۲۴
- مناره ملویه ۴۲۴
- جامع ابودلف ۴۲۵
- ابراهیم فرزند مالک اشتر ۴۲۵

ره توتیه ۴۲۷



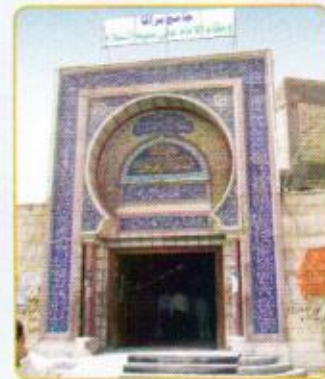
اشترانی یا سایر استان های عراق

- استان بابل ۴۲۸
- شهر تاریخی حله ۴۲۹
- مقام ابراهیم ۴۳۰
- مسجد ردالشمس ۴۳۱
- مقام صاحب الزمان ۴۳۲



سامرا ۳۸۱

- نقشه حرم امامین عسکریین ۳۸۳
- مشخصات امام دهم و یازدهم ۳۸۵
- فضیلت زیارت عسکریین ۳۸۷
- زیارت مشترک ۳۸۹
- زیارت مختص امام هادی ۳۹۰
- زیارت مختص امام عسکری ۳۹۷
- زیارت نوحس خاتون ۴۰۴
- زیارت حکیمه خاتون ۴۰۸
- زیارت وداع عسکریین ۴۱۰
- مشخصات حضرت مهدی ۴۱۱
- سرداب مقدس ۴۱۲
- زمان زیارت حضرت حجت ۴۱۳
- کیفیت زیارت آن حضرت ۴۱۴
- زیارت ال یاسین ۴۱۵



بغداد ۳۶۱

- نقشه بغداد ۳۶۳
- فضیلت مسجد بُرائی ۳۶۴
- ثقة الاسلام کلینی ۳۶۷
- نواب اربعه ۳۶۸
- مشهد التذور ۳۷۱
- سیدادریس ۳۷۱
- سلمان فارسی ۳۷۲
- زیارت سلمان فارسی ۳۷۳
- حذیفه بن الیمان ۳۷۵
- طاق کسری ۳۷۶
- برخی از مشاهیر اهل سنت ۳۷۸

	■ نماز جماعت ۴۸۲	■ مشاهیر حله ۴۳۴
	■ نماز قضا در سفر ۴۸۴	■ استان قادسیه ۴۴۲
	■ روزه مسافر ۴۸۵	■ استان میسان ۴۴۴
	■ نواب نماز در مساجد و حرم انبه ۴۸۶	■ استان مثنی ۴۴۵
	■ سوغات کربلا ۴۸۸	■ استان ذی قار ۴۴۵
	■ دُر نجف ۴۸۹	■ استان بصره ۴۴۶
	■ صلوات نامه ۴۹۱	■ استان واسط ۴۴۷
	■ برخی لغات مورد نیاز زائران ۴۹۶	■ استان نینوا ۴۴۸
	■ چاوش خوانی ۵۰۲	■ پیامبران در عراق ۴۵۰
ادعیه و زیارات	ستارگان حرم	آشنایی با همسایگان عراق
■ ادعیه و زیارات ۵۴۶	علما و بزرگان مدفون در ضریح عقیات	■ آشنایی با همسایگان عراق ۴۵۲
■ دعای کمیل ۵۴۷		■ ایران ۴۵۳
■ دعای ندبه ۵۵۵		■ ترکیه ۴۶۰
■ دعای توسل ۵۶۵		■ سوریه ۴۶۱
■ دعای عهد ۵۶۹		■ اردن ۴۶۴
■ دعای عالیة المضامین ۵۷۱		■ عربستان سعودی ۴۶۶
■ زیارت جامعه کبیره ۵۷۶		■ کویت ۴۷۲
■ زیارت امین الله ۱۰۸		احکام
■ زیارت وارث ۲۷۱	■ ستارگان حرم (نجف) ۵۰۵	■ احکام سفرهای زیارتی ۴۷۴
■ زیارت عاشورا ۳۱۲	■ ستارگان حرم (کربلا) ۵۳۸	■ نماز مسافر ۴۷۵
■ زیارت ال یاسین ۴۱۵	■ ستارگان حرم (کاظمین) ۵۴۰	■ اماکن تخییر ۴۷۶
■ فهرست منابع و مآخذ ۵۸۷		■ احکام مسجد و حرم ۴۷۸



قرآن

سوره های مورد نیاز زائر در اماکن زیارتی عراق

سوره های: فاتحه - بقره (آیات ۲۵۵ تا ۲۵۷ آیه الكرسي) - یس - رحمن -
فتح - ملک - اعلی - قدر - کافرون - نصر - اخلاص - فلق - ناس



سُورَةُ الْفَالِقِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ١

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ٢
الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ٣
مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ ٤
إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ ٥
أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ٦
صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ
غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ ٧

سُورَةُ الْبَقَرَةِ آيَةُ الْكَرْسِيِّ ٢٥٧-٢٥٥

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ

سُورَةُ الْفَالِقِ

لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ
عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ
وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ
الْعَظِيمُ ﴿٢٥٥﴾ لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ
فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ
بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٥٦﴾
اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ
وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ
إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢٥٧﴾

آية الكرسي

سُورَةُ الْيُسْرِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَسَّ ۝ وَالْقُرْآنَ الْحَكِيمَ ۝ إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ۝ عَلَى
 صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ۝ تَنْزِيلَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ ۝ لِتُنذِرَ قَوْمًا
 مَّا أُنذِرَ آبَاؤُهُمْ فَهُمْ غَافِلُونَ ۝ لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلَى أَكْثَرِهِمْ
 فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ۝ إِنَّا جَعَلْنَا فِي أَعْنَاقِهِمْ أَغْلَالًا فَهِىَ إِلَى
 الْأَذْقَانِ فَهُمْ مُقْمَحُونَ ۝ وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا
 وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ ۝ وَسَوَاءٌ
 عَلَيْهِمْ أُنذِرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ۝ إِنَّمَا تُنذِرُ
 مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمَنَ الْغَيْبَ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ

سُورَةُ الْيُسْرِ

وَأَجْرِكِرِيمٍ ۝ إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا
 وَءَاثَرَهُمْ وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ ۝
 وَاضْرِبْ لَهُم مَّثَلًا أَصْحَابَ الْقَرْيَةِ إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ
 ۝ إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ فَقَالُوا
 إِنَّا إِلَهُكُم مُّرْسَلُونَ ۝ قَالُوا مَا أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا
 وَمَا أَنْزَلَ الرَّحْمَنُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَكْذِبُونَ ۝ قَالُوا
 رَبَّنَا يَعْلَمُ إِنَّا إِلَهُكُم لَمُرْسَلُونَ ۝ وَمَا عَلَيْنَا إِلَّا الْبَلَاغُ
 الْمُبِينُ ۝ قَالُوا إِنَّا نَطِيرُ بِكُمْ لَيْلٍ لَمْ تَنْتَهُوا لِنَرْجِمَنَّكُمْ
 وَلِنَمْسِكَكُمْ مِّنْ عَذَابِ الْيَوْمِ ۝ قَالُوا طَرِكُكُمْ مَّعَكُمْ أَيْنَ
 ذُكِّرْتُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ ۝ وَجَاءَ مِنْ أَقْصَا الْمَدِينَةِ

سُورَةُ الْيُونُسِ

jabir.abbas@yahoo.com

رَجُلٌ يَسْعَى قَالَ يَاقَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ ﴿٢٠﴾ اتَّبِعُوا
 مَنْ لَا يَسْأَلُكُمْ أَجْرًا وَهُمْ مُهْتَدُونَ ﴿٢١﴾ وَمَالِيَ لَا أَعْبُدُ
 الَّذِي فُطِرَ لِي وَالْيَه تَرْجِعُونَ ﴿٢٢﴾ أَتَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِ إِلَهَةً
 إِنْ يُرِدْنِ الرَّحْمَنُ بِضُرٍّ لَا تُغْنِ عَنِّي شَفَعَتُهُمْ شَيْئًا
 وَلَا يُنْقِذُونِ ﴿٢٣﴾ إِنِّي إِذَا لَفِيَ ضَلَلٍ مُبِينٍ ﴿٢٤﴾ إِنِّي ءَامَنْتُ
 بِرَبِّكُمْ فَاسْمِعُونِ ﴿٢٥﴾ قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَلَيْتَ قَوْمِي
 يَعْلَمُونَ ﴿٢٦﴾ بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ ﴿٢٧﴾
 * وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَى قَوْمِهِ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ جُندٍ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا
 كُنَّا مُنْزِلِينَ ﴿٢٨﴾ إِنْ كُنْتَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فِإِذَا هُمْ خُمُودُونَ
 ﴿٢٩﴾ يَحْسَرَةُ عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ

سُورَةُ الْيُونُسَ

يَسْتَهْزِءُونَ ﴿٣٠﴾ الَّذِينَ رَوَّاهُمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ
أَنَّهُمْ إِلَيْهِمْ لَا يَرْجِعُونَ ﴿٣١﴾ وَإِنْ كُلُّ لَمَّا جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ
﴿٣٢﴾ وَآيَةٌ لَهُمُ الْأَرْضُ الْمَيِّتَةُ أَحْيَيْنَاهَا وَأَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا
فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ ﴿٣٣﴾ وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنَّاتٍ مِنْ دَخِيلٍ
وَأَعْنَبٍ وَفَجَّرْنَا فِيهَا مِنَ الْعُيُونِ ﴿٣٤﴾ لِيَأْكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ
وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ أَفَلَا يَشْكُرُونَ ﴿٣٥﴾ سُبْحَنَ الَّذِي
خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ
وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٦﴾ وَآيَةٌ لَهُمُ اللَّيْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ
فَإِذَا هُمْ مُظْلِمُونَ ﴿٣٧﴾ وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا
ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ﴿٣٨﴾ وَالْقَمَرَ قَدْرَهُ مَنَازِلَ حَتَّى

سُورَةُ الْأَنْعَامِ

عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ ﴿٢٩﴾ لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ
 الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ ﴿٣٠﴾
 وَآيَةٌ لَهُمْ أَنَا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفَلَكِ الْمَشْحُونِ ﴿٣١﴾ وَخَلَقْنَا
 لَهُمْ مِنْ مِثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ ﴿٣٢﴾ وَإِنْ نَشَأْ نُغْرِقْهُمْ فَلَا صَرِيخَ لَهُمْ
 وَلَا هُمْ يُنْقَذُونَ ﴿٣٣﴾ إِلَّا رَحْمَةً مِنَّا وَمَتَاعًا إِلَىٰ حِينٍ ﴿٣٤﴾ وَإِذَا
 قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا مَا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَمَا خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ
 ﴿٣٥﴾ وَمَا تَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا
 مُعْرِضِينَ ﴿٣٦﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالَ الَّذِينَ
 كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْطَعِمُ مَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ أَطْعَمَهُ إِنْ
 أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ﴿٣٧﴾ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ

سُورَةُ الْأَنْعَامِ

صَدِّقِينَ ﴿٤٨﴾ مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ
 يَخِصِّمُونَ ﴿٤٩﴾ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً وَلَا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ
 يَرْجِعُونَ ﴿٥٠﴾ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ
 يَنْسِلُونَ ﴿٥١﴾ قَالُوا يَوَيْلَنَا مَنْ بَعَثَنَا مِنْ مَرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ
 الرَّحْمَنُ وَصَدَّقَ الْمُرْسَلُونَ ﴿٥٢﴾ إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً
 وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ ﴿٥٣﴾ فَالْيَوْمَ لَا تَفْظَمُ
 نَفْسٌ شَيْئًا وَلَا تَنْجُزُونَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٥٤﴾
 إِنْ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغْلٍ فَكَّهُونَ ﴿٥٥﴾ هُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ
 فِي ظِلِّ عَلَى الْأَرْيَافِ مُتَكَوِّنُونَ ﴿٥٦﴾ لَهُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ
 وَلَهُمْ مَا يَدْعُونَ ﴿٥٧﴾ سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ ﴿٥٨﴾ وَامْتَزُوا

سُورَةُ الْاِنْفِثَارِ

الْيَوْمَ أَيُّهَا الْمَجْرُمُونَ ﴿٣٩﴾ أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَبْنَءَ آدَمَ
 أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ﴿٤٠﴾ وَأَنْ
 أَعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ﴿٤١﴾ وَلَقَدْ أَضَلَّ مِنْكُمْ
 جِبِلًّا كَثِيرًا أَفَلَمْ تَكُونُوا تَعْقِلُونَ ﴿٤٢﴾ هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي
 كُنْتُمْ تُوعَدُونَ ﴿٤٣﴾ أَصَلُّوْهَا الْيَوْمَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ﴿٤٤﴾
 الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَى أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَنَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ
 بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٤٥﴾ وَلَوْ نَشَاءُ لَطَمَسْنَا عَلَى أَعْيُنِهِمْ
 فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ فَأَنَّى يُبْصِرُونَ ﴿٤٦﴾ وَلَوْ نَشَاءُ لَمَسَخْنَاهُمْ
 عَلَى مَكَانَتِهِمْ فَمَا اسْتَطَعُوا مُضِيًّا وَلَا يَرْجِعُونَ ﴿٤٧﴾
 وَمَنْ نَعْمِرْهُ نَنْكِسْهُ فِي الْخَلْقِ أَفَلَا يَعْقِلُونَ ﴿٤٨﴾

سُورَةُ الْاِنْفِشِ

وَمَا عَمَّنْهُ الشَّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُبِينٌ
 ٦٩ لِيُنذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا وَيَحِقَّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ ٧٠
 أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا لَهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَا أَنْعَامًا فَهُمْ لَهَا
 مَالِكُونَ ٧١ وَذَلَّلْنَاهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ
 ٧٢ وَلَهُمْ فِيهَا مِنْفَعٌ وَمَشَارِبٌ أَفَلَا يَشْكُرُونَ ٧٣ وَاتَّخَذُوا
 مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لَعَلَّهُمْ يُنصَرُونَ ٧٤ لَا يَسْتَطِيعُونَ
 نَصْرَهُمْ وَهُمْ لَهُمْ جُنْدٌ مُحْضَرُونَ ٧٥ فَلَا يَحْزَنكَ قَوْلُهُمْ
 إِنَّا نَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ ٧٦ أَوَلَمْ يَرِ الْإِنْسَانُ أَنَّا
 خَلَقْنَاهُ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ ٧٧ وَضَرَبَ لَنَا
 مَثَلًا وَلَسَى خَلْقَهُ إِلَّا قَالٍ مِنْ يَحْيَى الْعِظَمُ وَهِيَ رَمِيمٌ ٧٨

سُورَةُ الْبَقَرَةِ

قُلْ يَحْيِيهَا الَّذِي أَنشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ
 (٧٩) الَّذِي جَعَلَ لَكُم مِّنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنْتُمْ
 مِنْهُ تُوقَدُونَ (٨٠) أَوَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ
 بِقَدِيرٍ عَلَىٰ أَن يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلَىٰ وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ (٨١)
 إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَن يَقُولَ لَهُ وَكُنْ فَيَكُونُ (٨٢)
 فَسُبْحَنَ الَّذِي يَبْدِئُ مَلَكُوتَ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (٨٣)

سُورَةُ الرَّحْمَنِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الرَّحْمَنُ (١) عَلَّمَ الْقُرْآنَ (٢) خَلَقَ الْإِنْسَانَ (٣) عَلَّمَهُ الْبَيَانَ (٤)
 الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ (٥) وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ (٦)

سُورَةُ الرَّحْمَنِ

وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ ۖ (۷) أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ (۸)
وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ (۹) وَالْأَرْضَ
وَضَعَهَا لِلْأَنْعَامِ (۱۰) فِيهَا فَكْهَةٌ وَالتَّخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ (۱۱)
وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ (۱۲) فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ
(۱۳) خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَلٍ كَالْفَخَّارِ (۱۴) وَخَلَقَ الْجَانَّ مِنْ
مَّارِجٍ مِنْ نَارٍ (۱۵) فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۱۶) رَبُّ
الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ (۱۷) فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۱۸)
مَرْجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ (۱۹) بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ (۲۰) فَبِأَيِّ آلَاءِ
رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۲۱) يُخْرِجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤَ وَالْمَرْجَانَ (۲۲) فَبِأَيِّ آلَاءِ
رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۲۳) وَلَهُ الْجَوَارِ الْمُنشَآتُ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ (۲۴)

سُورَةُ الرَّحْمَنِ

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٢٥﴾ كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ ﴿٢٦﴾ وَيَبْقَىٰ وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ ﴿٢٧﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٢٨﴾ يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلُّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ ﴿٢٩﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٣٠﴾ سَنَفْرُغُ لَكُمْ أَيُّهَ الثَّقَلَانِ ﴿٣١﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٣٢﴾ يَمَعَشِرَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ إِنَّ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِإِذْنِ رَبِّكُمْ ﴿٣٣﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٣٤﴾ يُرْسِلُ عَلَيْكُمْ شَوَاطِئَ مِّنْ نَّارٍ وَفُجَاسٍ فَلَا تَنْتَصِرَانِ ﴿٣٥﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٣٦﴾ إِذَا انشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ ﴿٣٧﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٣٨﴾ فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْأَلُ عَنْ

سُورَةُ الزَّحْزَخِ

ذَنبِهِ ۖ إِنَّهُمْ لَأُنَاسٌ وَلَا جَنَّةٌ ۚ ۞ فَبِأَيِّ ءَالٍ رَّبِّكُمْ تُكَذِّبَانِ ۞
 يَعْرِفُ الْمَجْرُمُونَ بِسِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَصِي وَالْأَقْدَامِ ۞
 فَبِأَيِّ ءَالٍ رَّبِّكُمْ تُكَذِّبَانِ ۞ هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا
 الْمَجْرُمُونَ ۞ يَطُوفُونَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ حَمِيمٍ ءَانِ ۞ فَبِأَيِّ ءَالٍ
 رَّبِّكُمْ تُكَذِّبَانِ ۞ وَلَمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ ۞ فَبِأَيِّ
 ءَالٍ رَّبِّكُمْ تُكَذِّبَانِ ۞ ذَوَاتَا أَفْنَانٍ ۞ فَبِأَيِّ ءَالٍ رَّبِّكُمْ
 تُكَذِّبَانِ ۞ فِيهِمَا عَيْنَانِ تَجْرِيَانِ ۞ فَبِأَيِّ ءَالٍ رَّبِّكُمْ تُكَذِّبَانِ
 ۞ فِيهِمَا مِنْ كُلِّ فَاكِهَةٍ زَوْجَانِ ۞ فَبِأَيِّ ءَالٍ رَّبِّكُمْ تُكَذِّبَانِ
 ۞ مُتَكِينِينَ عَلَى فُرُشٍ بَطَاطِنُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ وَجَنَى الْجَنَّتَيْنِ دَانٍ
 ۞ فَبِأَيِّ ءَالٍ رَّبِّكُمْ تُكَذِّبَانِ ۞ فِيهِنَّ قَصَصَتْ الْأَطْرَفُ

سُورَةُ الرَّحْمَنِ

jabir.abbas@yahoo.com
 Rana Jabir Abbas

لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌ ﴿٥٦﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ
 كَانَهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ ﴿٥٨﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ
 هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَنِ إِلَّا الْإِحْسَنُ ﴿٦٠﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا
 تُكَذِّبَانِ ﴿٦١﴾ وَمِنْ دُونِهِمَا جَنَّتَانِ ﴿٦٢﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا
 تُكَذِّبَانِ ﴿٦٣﴾ مُدْهَامَتَانِ ﴿٦٤﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ
 فِيهِمَا عَيْنَانِ نَضَاحَتَانِ ﴿٦٦﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٦٧﴾
 فِيهِمَا فَاكِهَةٌ وَنَخْلٌ وَرَمَانٌ ﴿٦٨﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٦٩﴾
 فِيهِنَّ خَيْرٌ مِّنْ حَسَنٍ ﴿٧٠﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ
 حُورٌ مَّقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ ﴿٧٢﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا
 تُكَذِّبَانِ ﴿٧٣﴾ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌ ﴿٧٤﴾ فَبِأَيِّ

سُورَةُ الرَّحْمَنِ

jabir.abbas@yahoo.com

ءِالَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٧٥﴾ مُتَكَبِّرِينَ عَلَى رَفْرَفٍ خُضِرٍ
وَعَبْقَرِيٍّ حِسَانٍ ﴿٧٦﴾ فَبِأَيِّ ءِالَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٧٧﴾
تَبَرَّكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ ﴿٧٨﴾

سُورَةُ الْفَتْحِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا ﴿١﴾ لِيَغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ
وَمَا تَأَخَّرَ وَيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَيَهْدِيَكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا ﴿٢﴾
وَيَنْصُرَكَ اللَّهُ نَصْرًا عَزِيزًا ﴿٣﴾ هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ
الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿٤﴾ لِيَدْخُلَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

سُورَةُ الْفَتْحِ

جَنَّتِ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَيُكَفَّرُ عَنْهُمْ
 سَيِّئَاتِهِمْ وَكَانَ ذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ فَوْزًا عَظِيمًا ﴿٥﴾ وَيُعَذِّبُ
 الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّالِمِينَ
 بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءَ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ
 وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا ﴿٦﴾ وَلِلَّهِ جُنُودُ
 السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ﴿٧﴾ إِنَّا
 أَرْسَلْنَاكَ شَهِيدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ﴿٨﴾ لَتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ
 وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُ وَتُسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا ﴿٩﴾
 إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ
 أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَى

سُورَةُ الْفَتْحِ

بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَمِيسُوتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿١٠﴾ سَيَقُولُ
 لَكَ الْمُخَلَّفُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ شَغَلَتْنَا أَمْوَالُنَا وَأَهْلُونَا
 فَاسْتَغْفِرْ لَنَا يَقُولُونَ بِأَلْسِنَتِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ قُلْ
 فَمَنْ يَمْلِكُ لَكُمْ مِنْ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ بِكُمْ ضَرًّا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ
 نَفْعًا بَلْ كَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ﴿١١﴾ بَلْ ظَنَنْتُمْ أَنْ لَنْ
 يَنْقَلِبَ الرَّسُولُ وَالْمُؤْمِنُونَ إِلَى أَهْلِيهِمْ أَبَدًا وَزِينَ ذَلِكَ فِي
 قُلُوبِكُمْ وَظَنَنْتُمْ ظَنَ السَّوْءِ وَكُنْتُمْ قَوْمًا بُورًا ﴿١٢﴾ وَمَنْ لَمْ يُؤْمِنْ
 بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَعِيرًا ﴿١٣﴾ وَلِلَّهِ مُلْكُ
 السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ
 وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿١٤﴾ سَيَقُولُ الْمُخَلَّفُونَ إِذَا

سُورَةُ الْفَتْحِ

أَنْطَلَقْتُمْ إِلَى مَغَانِمَ لِتَأْخُذُوهَا ذَرُونَا نَتَّبِعْكُمْ يُرِيدُونَ
 أَنْ يُبَدِّلُوا كَلِمَ اللَّهِ قُلْ لَنْ تَتَّبِعُونَا كَذَلِكُمْ قَالَ اللَّهُ مِنْ قَبْلُ
 فَسَيَقُولُونَ بَلْ تَحْسُدُونَنَا بَلْ كَانُوا لَا يَفْقَهُونَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿١٥﴾
 قُلْ لِلْمُخَلَّفِينَ مِنَ الْأَعْرَابِ سِتْرُكُمْ إِلَى قَوْمِ أُولَىٰ بِأْسٍ شَدِيدٍ
 تَقْتُلُونَهُمْ أَوْ يَسْتَمُونَ فَإِنْ تَطِيعُوا يُؤْتِكُمُ اللَّهُ أَجْرًا حَسَنًا
 وَإِنْ تَوَلَّوْا كَمَا تَوَلَّيْتُمْ مِنْ قَبْلُ يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿١٦﴾ لَيْسَ
 عَلَى الْأَعْمَىٰ حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرْجٌ
 وَمَنْ يَطْعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يَدْخُلْهُ جَنَّتِ تَجْرَىٰ مِنْ تَحْتِهَا
 الْأَنْهَارُ وَمَنْ يَتَوَلَّ يَُعَذِّبْهُ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿١٧﴾ * لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ
 عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي

سُورَةُ الْفَتْحِ

قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَبَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا ﴿١٨﴾ وَمَعَانِمَ
 كَثِيرَةً يَأْخُذُونَهَا وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ﴿١٩﴾ وَعَدَّكُمْ اللَّهُ
 مَعَانِمَ كَثِيرَةً تَأْخُذُونَهَا فَعَجَّلَ لَكُمْ هَذِهِ وَكَفَّ أَيْدِيَ
 النَّاسِ عَنْكُمْ وَلِتَكُونَ آيَةً لِلْمُؤْمِنِينَ وَيَهْدِيَكُمْ صِرَاطًا
 مُسْتَقِيمًا ﴿٢٠﴾ وَأُخْرَى لَمْ تَقْدِرُوا عَلَيْهَا قَدْ أَحَاطَ اللَّهُ بِهَا
 وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا ﴿٢١﴾ وَلَوْ قَتَلَكُمْ الَّذِينَ
 كَفَرُوا لَوْلَا الْأَدْبَرُ ثَمَّ لَا يَجْدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ﴿٢٢﴾ سُنَّةَ
 اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا ﴿٢٣﴾
 وَهُوَ الَّذِي كَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ عَنْهُمْ بِبَطْنِ مَكَّةَ مِنْ
 بَعْدِ أَنْ أَظْفَرَكُمْ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا ﴿٢٤﴾



هُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ
 وَالْهَدْيِ مَعْكُوفًا أَنْ يَبْلُغَ مَحِلَّهُ، وَلَوْلَا رِجَالٌ مُؤْمِنُونَ وَنِسَاءٌ
 مُؤْمِنَاتٌ لَمْ تَعْلَمُوهُمْ أَنْ تَطَّوَّهُمْ فِتْصِيبَكُمْ مِنْهُمْ مَعَرَّةٌ
 بَغَيْرِ عِلْمٍ لِيَدْخُلَ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا
 الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿٢٥﴾ إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا
 فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ حَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ
 عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى
 وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا ﴿٢٦﴾
 لَقَدْ صَدَّقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الْرُّءْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ
 الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ ءَامِنِينَ مُحْلِقِينَ رُءُوسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ

سُورَةُ الْفَتْحِ

لَا تَخَافُوتَ فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا فَجَعَلَ مِنْ دُونِ ذَلِكَ
 فَتَحَاقِرِيًّا ﴿٢٧﴾ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ
 الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا ﴿٢٨﴾
 مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رَحِمَاءُ بَيْنَهُمْ
 تَرْتَبُهُمْ زَكَاتٌ سَجَدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ
 فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي
 الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَفَازَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى
 عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيُغَيِّظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ
 ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا ﴿٢٩﴾

سُورَةُ الْفَتْحِ

jabir.abbas@yahoo.com

سُورَةُ الْمُلْكِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تَبْرَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝
 الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ ۝
 الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَّا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَوتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ ۝
 ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ ۝
 وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصْبِيحٍ وَجَعَلْنَاهَا رُجُومًا لِلشَّيَاطِينِ وَأَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيرِ ۝
 وَلِلَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَيَسُوسُ الْمُصِيرُ ۝
 إِذَا الْقُؤُوسُ سَمِعُوا أَلْهَاتٍ شَهيقًا وَهِيَ تَفُورُ ۝

سُورَةُ الْمُلْكِ

مِنَ الْغَيْظِ كَلِمَاتٍ أَلْقَىٰ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ ﴿٨﴾
 قَالُوا بَلَىٰ قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِن شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ
 إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ ﴿٩﴾ وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ
 السَّعِيرِ ﴿١٠﴾ فَاعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ فَسَحَقَ الْأَصْحَابُ السَّعِيرِ ﴿١١﴾ إِنَّ
 الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ ﴿١٢﴾
 وَأَسِرُوا قَوْلَكُمْ أَوِ اجْهَرُوا بِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿١٣﴾ أَلَا
 يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ ﴿١٤﴾ هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ
 ذُلُولًا فَأَمْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِن رِّزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ ﴿١٥﴾
 ءَأَمِنْتُمْ مِّنَ فِي السَّمَاءِ أَنْ يَخْسِفَ بِكُمُ الْأَرْضَ فَإِذَا هِيَ تَمُورُ ﴿١٦﴾
 أَمْ أَمِنْتُمْ مِّنَ فِي السَّمَاءِ أَنْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا فَسَتَعْلَمُونَ

سُورَةُ الْمَلِكِ

كَيْفَ نَذِيرٍ ۝ وَلَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ ۝
 أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ فَوْقَهُمْ صَفَّتْ وَيَقْبِضْنَ مَا يَمْسُكُهُنَّ إِلَّا
 الرَّحْمَنُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيرٌ ۝ أَمِنْ هَذَا الَّذِي هُوَ جُنْدُ لَكُمْ
 يَنْصُرُكُمْ مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ إِنَّ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي غُرُورٍ ۝ أَمِنْ هَذَا
 الَّذِي يَرْزُقُكُمْ إِنْ أَمْسَكَ رِزْقَهُ بَلْ لَجُوا فِي عْتَوَانٍ فُورٍ ۝ أَمِنْ
 يَمْشِي مُكِبًّا عَلَى وَجْهِهِ أَهْدَى أَمِنْ يَمْشِي سَوِيًّا عَلَى صِرَاطٍ
 مُسْتَقِيمٍ ۝ قُلْ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَرَ
 وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ ۝ قُلْ هُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي
 الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ۝ وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ
 صَادِقِينَ ۝ قُلْ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُبِينٌ ۝

سُورَةُ الْمَلِكِ

فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سَيِّئَتْ وُجُوهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَقِيلَ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ
 بِهِ تَدْعُونَ ﴿٢٧﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَهْلَكْنِي اللَّهُ وَمَنْ مَعِيَ أَوْ رَحِمَنَا
 فَمَنْ يَجْعِلُ لِلْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابِ الْإِيمِ ﴿٢٨﴾ قُلْ هُوَ الرَّحْمَنُ
 عَمَّنَا بِهِ وَعَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا فَسْتَاعِلُونَ مَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ
 ﴿٢٩﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ ﴿٣٠﴾

سوره‌هایی که زینت بخش این کتاب شده‌اند، سوره‌هایی هستند که در سفر زیارتی عراق در مشاهد مشرفه تلاوت می‌شوند؛ در زیر به برخی موارد اشاره می‌شود:

۱. از آداب زیارت ائمه معصومین (علیهم‌السلام)، خواندن دو رکعت نماز است؛ که در رکعت اول بعد از حمد، سوره «یس» و در رکعت دوم بعد از حمد، سوره «الرحمن» خوانده می‌شود؛ البته در صورتی که برای آن امام نماز خاصی وارد نشده باشد و گرنه باید مطابق آنچه وارد شده عمل کرد. مثلاً در نماز امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در رکعت اول «الرحمن» خوانده می‌شود و در رکعت دوم «یس».
۲. از جمله اعمال در حرم امام حسین (علیه‌السلام) دو رکعت نماز است کنار سر مقدس آن حضرت که در رکعت اول بعد از حمد سوره «الرحمن» خوانده می‌شود و در رکعت دوم بعد از حمد سوره «ملک».
۳. در نماز مقام صاحب الزمان (عج) مسجد سهله بهتر است که در رکعت اول این نماز، بعد از حمد، سوره «فتح» و در رکعت دوم بعد از حمد، سوره «نصر» خوانده شود.
۴. دو رکعت نماز حاجت در مسجد کوفه وارد شده که در هر رکعت بعد از حمد باید این سوره‌ها را بخوانند: «ناس»، «فلق»، «اخلاص»، «کافرون»، «نصر»، «قدر» و «اعلی»؛

سُورَةُ الْمَلِكِ

سُورَةُ الْأَعْلَى

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى ۝ الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى ۝ وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى ۝
 ۝ وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَى ۝ فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَى ۝ سَنُقَرِّئُكَ
 فَلَا تَنْسَى ۝ إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا يَخْفَى ۝ وَنُيْسِرُكَ
 لِلْيُسْرَى ۝ فَذَكِّرْ إِنْ نَفَعَتِ الذِّكْرَى ۝ سَيَذَكِّرْ مَنْ يَخْشَى ۝
 وَيَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَى ۝ الَّذِي يَصْلِي النَّارَ الْكُبْرَى ۝ ثُمَّ لَا يَمُوتُ
 فِيهَا وَلَا يَحْيَى ۝ قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى ۝ وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى ۝
 بَلْ تُؤَثِّرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ۝ وَالْآخِرَةَ خَيْرٌ وَأَبْقَى ۝ إِنَّ
 هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى ۝ صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى ۝

سُورَةُ الْأَعْلَى

سُورَةُ الْقَدَرِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ ۝ وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ ۝
 لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ ۝ تَنْزِيلُ الْمَلَكِ وَالرُّوحُ فِيهَا
 بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ ۝ سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطَلَعِ الْفَجْرِ ۝

سُورَةُ الْكَافِرُونَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ يَٰأَيُّهَا الْكَافِرُونَ ۝ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ ۝
 وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ ۝ وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدْتُمْ ۝
 وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ ۝ لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ ۝

سُورَةُ الْقَدَرِ

سُورَةُ النَّازِعَاتِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ ۝ وَرَأَيْتَ النَّاسَ
يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا ۝ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ
وَأَسْتَغْفِرْ لَهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا ۝

سُورَةُ الْاِنْشَاءِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ۝ اللَّهُ الصَّمَدُ ۝ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ۝
وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ۝

سُورَةُ النَّازِعَاتِ

سُورَةُ الْفَلَقِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ ۝۱ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ ۝۲ وَمِنْ شَرِّ
 غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ ۝۳ وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ ۝۴
 وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ ۝۵

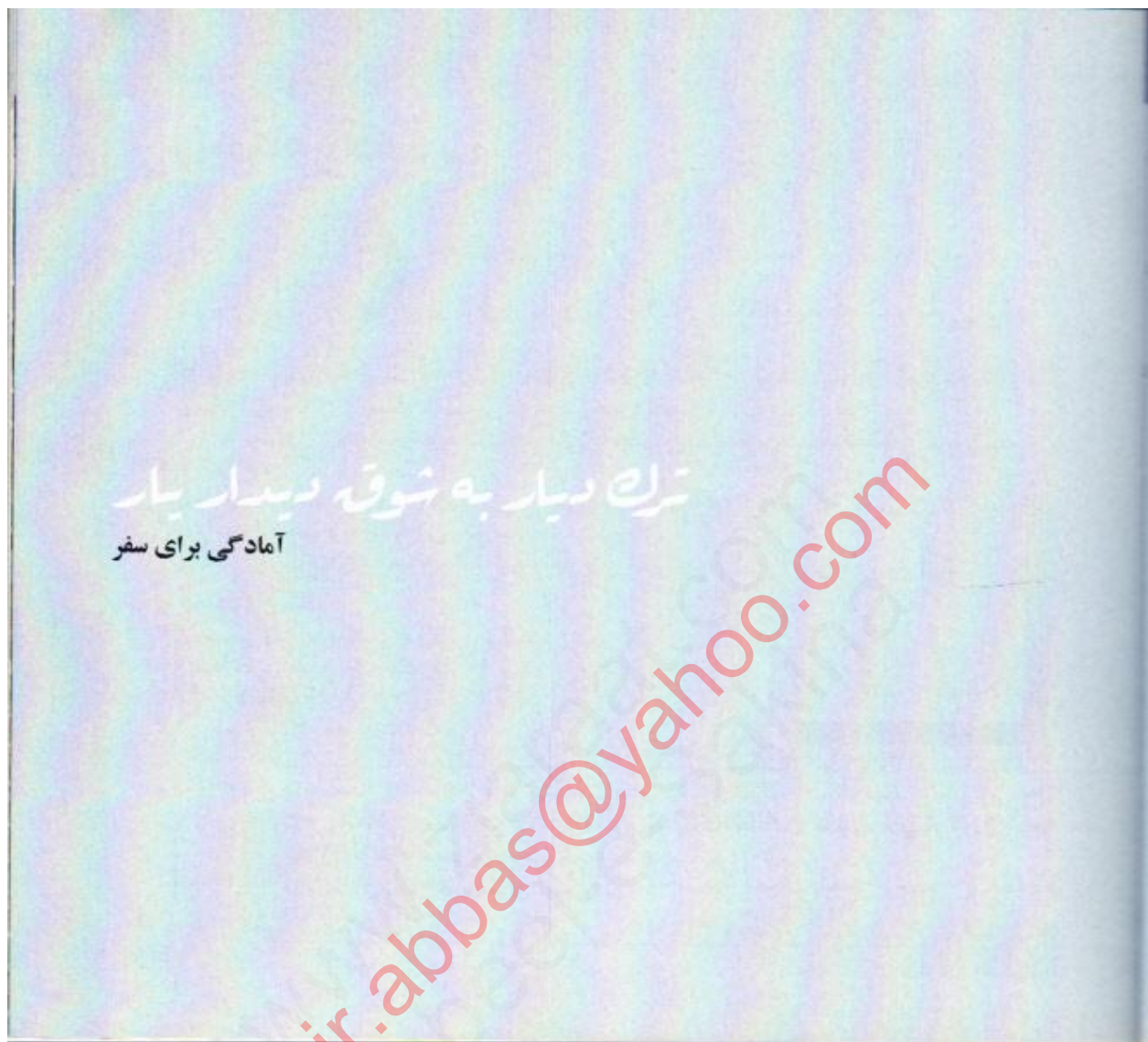
سُورَةُ النَّاسِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ ۝۱ مَلِكِ النَّاسِ ۝۲ إِلَهِ
 النَّاسِ ۝۳ مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ ۝۴ الَّذِي
 يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ ۝۵ مِنَ الْغَيْثِ وَالنَّاسِ ۝۶

سُورَةُ الْفَلَقِ





• احکام و آداب سفر

■ پیش از سفر

این کارها پیش از سفر و در آغاز آن، مستحب است:

۱. طلب خیر از خداوند.
۲. اطلاع به دوستان و بستگان و طلب حلالیت از آنان.
۳. وصیت کردن، به خصوص نسبت به امور واجب.
۴. انتخاب همسفران مناسب و هم شأن از نظر اخلاقی و اقتصادی.^۱
۵. انتخاب زمان مناسب برای سفر؛ روز شنبه و پس از آن، روزهای سه شنبه و پنجشنبه مستحب است و روز جمعه، قبل از نماز جمعه مکروه است. اگر در سایر ایام هفته لازم شد به سفر برود، صدقه بدهد.^۲
۶. غسل کردن.^۳
۷. خواندن دعای سفر؛ آیات و سوره‌های قرآنی و دعا‌های دیگری که وارد شده است؛ از جمله آنها سوره قدر، آیه الکرسی و سوره‌های حمد، ناس و قل.
۸. صدقه دادن، که بهتر است هنگام سوار شدن به وسیله نقلیه انجام گیرد.

■ در هنگام سفر

۱. مستحب است زاد و توشه لازم و کافی همراه داشته باشد.
۲. با همسفران خود، با اخلاق نیکو رفتار کند.
۳. به افراد ضعیف و مریض در طول سفر کمک کند.
۴. به فقرا و مساکین محل، صدقه بدهد.

۱. رسول الله ﷺ فرمود: «الرَّافِقُ نَمُّ الطَّرِيقِ نَحَسْتُ هِمْسَفَرِ انْتِخَابِ كُنْ، بَعْدَ قَدَمٍ دَرِ رَاهِ گُذَارِ». میزان الحکمة، ج ۵، ص ۲۴۸۴.
۲. امام صادق علیه السلام فرمود: «اِفْتَتَحْ سَفَرَكَ بِالصَّدَقَةِ وَاجْرَحْ إِذَا بَدَأْتَ لَكَ فَمَنْكَ تَشْتَرِي سَلَامَةَ سَفَرِكَ. مَسَافَرْتُ نَحْوِي بِأَصَدَقَةٍ أَغَازُ كُنْ وَهَرِ گَاهِ كِهْ خَوَاسَنِي بِيَرُونِ بَرُو زِيَرَا بِأَصَدَقَةٍ دَادِنِ سَلَامَتِ سَفَرْتِ رَا مِي خَرِي». میزان الحکمة، ج ۵، ص ۲۴۸۴.
۳. العروة الوثقى، ج ۲، کتاب الحج، فی آداب السفر، ص ۴۱۱.
۴. همان، ص ۴۱۱.

• دعای سفر

■ وقتی مسافر آماده سفر شد، غسل کند پس از آن دو رکعت نماز بگزارد و از خدا خیر خود را طلب نماید و آیه الکرسی بخواند و حمد و ثنای الهی بجا آورد و صلوات بر حضرت رسول و آل او بفرستد. سپس این دعا را بخواند:

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْتَوْدِعُكَ الْیَوْمَ نَفْسِیْ وَاَهْلِیْ وِمَالِیْ وَوَلَدِیْ وَمَنْ کَانَ مِنْنِیْ بِسَبِیْلِ الشَّاهِدِ مِنْهُمْ وَاَلْغَائِبِ اَللّٰهُمَّ احْفَظْنَا بِحِفْظِ الْاِیْمَانِ وَاَحْفَظْ عَلَیْنَا اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنَا فِی رَحْمَتِكَ وَلَا تَسْلُبْنَا فَضْلَكَ اِنَّا اِلَیْكَ رَاغِبُوْنَ اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَعُوْذُ بِكَ مِنْ وَعْثَاءِ السَّفَرِ وَ کَاَبَةِ الْمُنْقَلَبِ وَسُوءِ الْمَنْظَرِ فِی الْاَهْلِ وَاَلْمَالِ وَاَلْوَلَدِ فِی الدُّنْیَا وَاَلْاٰخِرَةِ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَتُوْجِّهْ اِلَیْكَ هٰذَا التَّوْجِیْهَ طَلْبًا لِّمَرْضَاتِكَ وَتَقَرُّبًا اِلَیْكَ (اَللّٰهُمَّ) فَبَلِّغْنِیْ مَا اَوْمَلْتَهُ وَاَرْجُوْهُ فِیْكَ وَفِیْ اَوْلِیَائِكَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ . ■ مسافر پس از این دعا تسبیحات حضرت

فاطمه علیها السلام بخواند و سوره حمد را از پیش رو و از جانب راست و از جانب چپ بخواند و همچنین آیه الکرسی را از سه جانب بخواند. و بگوید:

اَللّٰهُمَّ اِلَیْكَ وَجَّهْتُ وَجْهَیْ وَ عَلَیْكَ خَلَّفْتُ اَهْلِیْ وِمَالِیْ وَ مَا خَوَّلْتَنیْ وَ قَدْ وَثَّقْتَ بِكَ فَلَا تُخَيِّبْنِیْ یَا مَنْ لَا یُخَيِّبُ مَنْ اَرَادَهُ وَلَا یُضِیْعُ مَنْ حَفِظَهُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ وَ اَحْفَظْنِیْ فِیْمَا غَبْتُ عَنْهُ وَلَا تَكِلْنِیْ اِلَیْ نَفْسِیْ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ

■ سپس مسافر سوره توحید را یازده مرتبه و سوره انا انزلناه و آیه الکرسی و سوره ناس و سوره فلق را بخواند. و صدقه بدهد و سفر را آغاز کند.

■ قال رسول الله ﷺ:

سَافِرُوا تَصَحَّوْا وَتَرَزَّقُوا

مسافرت کنید تا تندرست بمانید
و به شما روزی داده شود.

■ میزان الحکمة، ج ۵، ص ۲۴۸۴.

■ قال الإمام الصادق عليه السلام:

الْمَرْوَةُ فِي السَّفَرِ

كَثْرَةُ الزَّادِ وَطَيِّبُهُ لِمَنْ كَانَ مَعَكَ
وَكَتْمَانِكَ عَلَى الْقَوْمِ أَمْرُهُمْ بَعْدَ مَفَارِقَتِكَ إِيَّاهُمْ
وَكَثْرَةُ الْمَزَاحِ فِي غَيْرِ مَا يَسْخِطُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ.

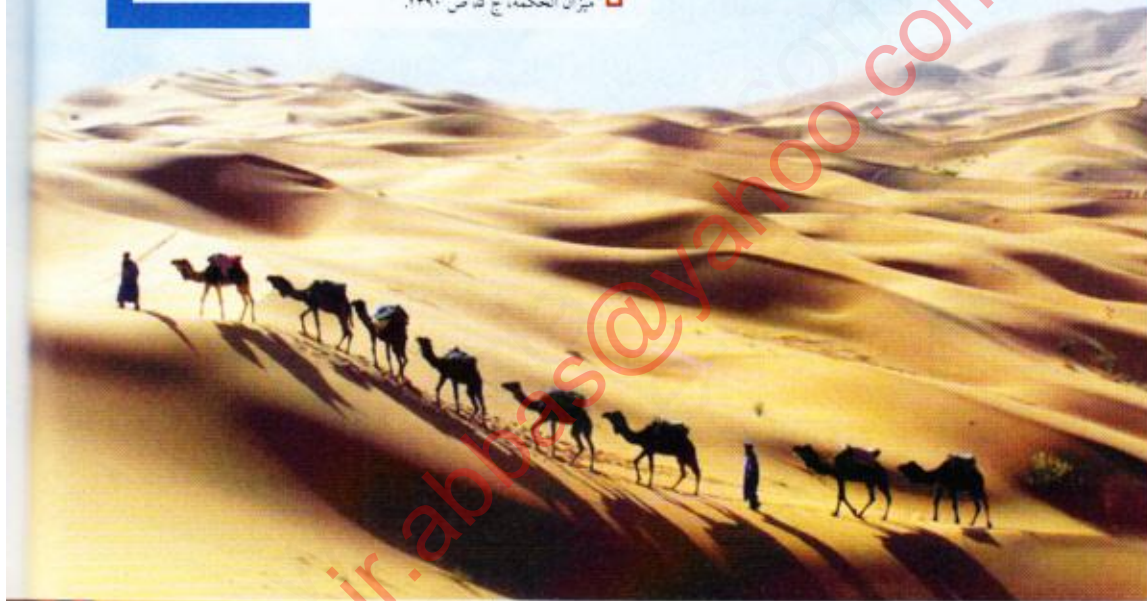
مردانگی در سفر عبارت است از:

بخشیدن از توشه خود به همراهان،

و راز داری بعد از جدا شدن از آنان.

شوخی کردن به گونه‌ای که خشم خدا را همراه نداشته باشد.

■ میزان الحکمة، ج ۵، ص ۲۴۹۰.





■ امام صادق (ع): «لقمان به فرزندش فرمود:

هرگاه با عده‌ای همسفر شوی:

❖ در کارهای مربوط به خودت و آنها، با ایشان بسیار مشورت کن؛

❖ و به آنان بسیار تیشم نما؛

❖ در زاد و توشه‌ات نسبت به آنان بخشنده باش؛

❖ اگر تو را دعوت کردند قبول کن؛

❖ و اگر از تو کمک خواستند کمکشان کن؛

❖ و در سه چیز از آنان برتر باش:

خاموشی،

کثرت نماز

و بخشندگی در مرکب یا خرابی و یا توشه‌ای که همراه داری؛

❖ اگر در امر حقی از تو شهادت خواستند، شهادت بده؛

❖ و اگر از تو مشورت و نظر خواستند، با تمام توان، اندیشه‌ات را برای آنان به کار گیر...

❖ اگر همسفرانت راه افتادند، تو نیز با آنان راه بپوش؛

❖ و اگر دیدی کار می‌کنند، تو نیز با آنان مشغول کار شو؛

❖ اگر صدقه یا قرضی دادند، تو نیز با آنان همراهی کن؛

❖ و از کسی که ستنش از تو بیشتر است، حرف شنوی داشته باش...

❖ هرگاه اترلق کردی، پیش از آنکه بنشینی دو رکعت نماز بگزار...

❖ و هرگاه کوچ کردی نیز دو رکعت نماز بخوان؛

❖ و آن گاه با سرزمینی که در آن فرود آمده‌ای خداحافظی کن؛

و بر آن و مردمش درود فرست؛ زیرا هر سرزمینی را ساکنانی از فرشتگان است...

■ میزان الحکمة، ج ۵، ص ۲۴۸۷

jabir.abbas@yahoo.com

• آداب زیارت

تشرّف به دیدار امامان معصوم علیهم السلام، چه در حال حیات آنان و چه پس از شهادت و هنگام زیارت قبور ائمه علیهم السلام آدابی دارد که آن را از دیدارهای معمولی جدا می کند. رعایت طهارت، ادب، متانت، توجه، حضور قلب از جمله این آداب است.

■ شهید ثانی^۱ آدابی را برای زیارت بیان می کند که خلاصه آنها چنین است:

- ◀ غسل کردن و یا طهارت وارد حرم شدن.
- ◀ اذن دخول طلبیدن و یا خشوع وارد شدن.
- ◀ رو به ضریح و پشت به قبله ایستادن و خواندن زیارتهای وارده.^۲
- ◀ خواندن دو رکعت نماز پس از زیارت.
- ◀ دعا کردن و طلب حاجت پس از نماز.
- ◀ خواندن قرآن و هدیه کردن ثواب آن به امام.
- ◀ حضور قلب داشتن و استغفار کردن از گناه.
- ◀ احسان و احترام به خادمان حرم.
- ◀ خواندن دعای وداع در آخرین زیارت.
- ◀ بهتر شدن نسبت به قبل از زیارت.
- ◀ زود خارج شدن از حرم پس از زیارت.
- ◀ پشت نکردن به ضریح هنگام خروج.
- ◀ پس از بازگشت به خانه، دوباره به حرم و زیارت رفتن.
- ◀ صدقه دادن به نیازمندان و نیز احسان به تنگدستان از سادات آن شهر.

۱. کتاب دروس، ج ۲، ص ۱۹

۲. مانند زیارت جامعه کبیره و زیارت امین الله که از معصومین علیهم السلام رسیده است و زیارت مخصوص هر امام.

jagir.abbas@yahoo.com

■ در بعضی از منابع، آداب دیگری نیز برای زیارت بیان شده است از جمله: ^۱

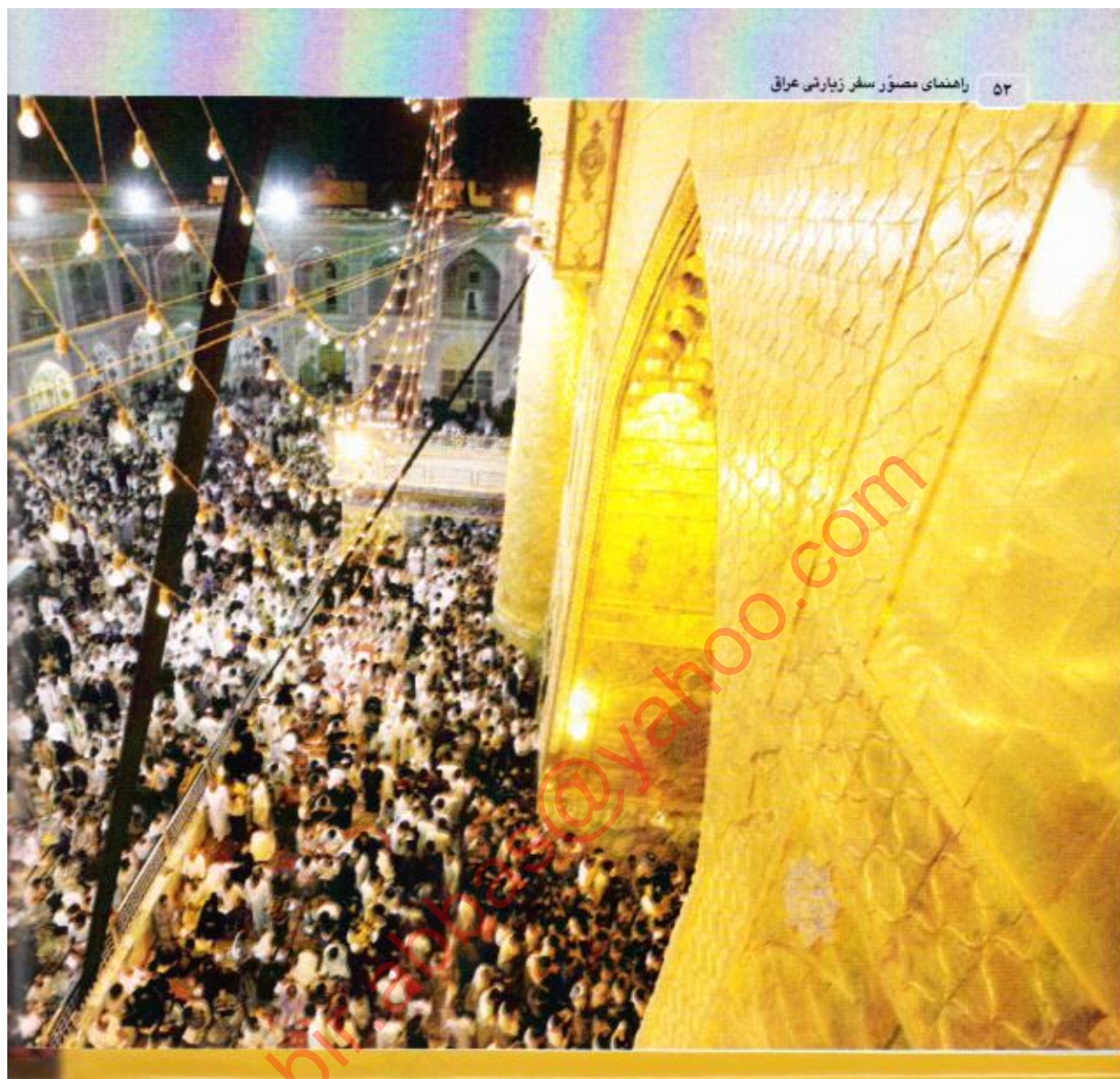
- ◀ پوشیدن لباس پاک و تمیز که بهتر است سفید باشد.
- ◀ عطر زدن و خوشبو بودن.
- ◀ با آرامش و وقار حرکت کردن و گام‌ها را کوتاه برداشتن.
- ◀ مشغول بودن به ذکر، در حال رفتن به زیارت، به خصوص ذکر «الله اکبر» و «الحمد لله».
- ◀ وارد شدن به حرم با پای راست.
- ◀ تکبیر گفتن پیش از زیارت، هنگام دیدن قبر مطهر.
- ◀ پرهیز از امور دنیایی و سخنان لغو بیهوده.

■ زیارت قبر سیدالشهدا^(ع) نیز آدابی دارد، از جمله:

- ◀ عطر نزدن و سرمه نکشیدن: «وَلَا تَذْهَبَنَّ وَلَا تَكْتَحِلَنَّ حَتَّى تَأْتِيَ الْقُرَاتِ» ^۱
- ◀ حرکت به سوی حرم با آرامش و متانت: «وَيَلْزِمُكَ التَّوْقِيرُ لَا تَخْذُ مَا لَيْسَ لَكَ» ^۲
- ◀ دیده از محرمات پوشاندن: «وَيَلْزِمُكَ أَنْ تَغْضُ بَصْرَكَ» ^۳
- ◀ پرهیز از خصومت و نزاع و سوگند زیاد ^۴
- ◀ کم سخن گفتن جز به خیر.
- ◀ پرهیز از شوخی و مزاح: «وَأَقْلُ مِنَ الْكَلَامِ وَالْمُزَاحِ» ^۵
- ◀ مصاحبت نیکو با همسفران: «يَلْزِمُكَ حَسَنُ الصَّحَابَةِ لِمَنْ يَصْحَبُكَ» ^۶
- ◀ زیاد ذکر خدای گفتن: «وَأَكْثَرُ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى» ^۷
- ◀ پابره‌نه همچون بندگان حرکت نمودن: «وَأَشْ حَافِيًا وَأَمْسَ مَتْنَى الْعَبْدِ الذَّلِيلِ» ^۸

و

- ۱- العروة الوثقى، ج ۲، کتاب الحج، فی آداب السفر، ص ۴۹۱ و مزاج الشیعه، فی آداب الشریعه، ص ۴۴۱
- ۲- و ص ۲۵۵ مفتاح الجنان، آداب زیارت، ۲- کامل الزیارات، باب ۷۹ ۳- همان، باب ۴۸
- ۳- همان، باب ۴۸ ۴- همان، باب ۴۸ ۵- همان، باب ۴۸ ۶- همان، باب ۷۹ ۷- همان، باب ۴۸
- ۸- همان، باب ۷۹ ۹- همان، باب ۴۹



• ایام زیارتی معصومین

- زیارت معصومین علیهم السلام در ایام خاصی بیشتر سفارش شده و ثواب بیشتری هم دارد. در روایات، هریک از روزهای هفته، به پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرات ائمه هدی علیهم السلام اختصاص یافته است:
- ◀ روز شنبه: زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله
- ◀ روز یکشنبه: زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام
- ◀ روز دوشنبه: زیارت امام حسن و امام حسین علیهم السلام
- ◀ روز سه‌شنبه: زیارت امام سجّاد و امام باقر و امام صادق علیهم السلام
- ◀ روز چهارشنبه: زیارت امام موسی بن جعفر، امام رضا، امام جواد و امام هادی علیهم السلام
- ◀ روز پنجشنبه: زیارت امام حسن عسکری علیه السلام
- ◀ روز جمعه: زیارت حجة بن الحسن، امام عصر علیه السلام

• برخی از احکام زیارت

- ◀ نماز در حرم امامان علیهم السلام مستحب و بلکه بهتر از مسجد است.
- ◀ انسان باید ادب را رعایت کند و جلوتر از قبر پیغمبر صلی الله علیه و آله و امام علیه السلام نماز نخواند و چنانچه نماز خواندن بی‌احترامی به صاحب قبر باشد، حرام است.
- ◀ حرم ابوعبدالله الحسین علیه السلام و مسجد کوفه و مسجد الحرام و مسجد النبی چهار مکانی هستند که مسافر می‌تواند در آنها نماز را تمام یا شکسته بخواند.
- ◀ برای رفتن به حرم امامان علیهم السلام، و حتی امامزادگان مستحب است انسان وضو بگیرد.
- ◀ بنا بر احتیاط واجب، جنب و حائض و نفساء، نباید در حرم امامان علیهم السلام و مسجد توقف کند، ولی در حرم امامزادگان اشکال ندارد.

- ۱. توضیح المسائل، م ۸۸۴
- ۲. توضیح المسائل، م ۳۲۲
- ۳. توضیح المسائل، م ۳۵۵



زیارت نیابتی

■ کسی که بخواهد از سوی همه برادران ایمانی و یا گروه خاصی به نیابت زیارت کند، پس آنها را به زبان یا در قلب خود نیت می‌کند، و زیارت را به نیابت از سوی آنها می‌خواند سپس دو رکعت نماز زیارت را به جای آورده و می‌گوید:

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ زُرْتُ هَذِهِ الزَّیَّارَةَ وَصَلَّیْتُ هَاتِیْنِ الرَّکْعَتَیْنِ وَجَعَلْتُ ثَوَابَهُمَا (هَدِیَّةً مِنِّیْ اِلَیْ مَوْلَایْ - مثلاً بگوید موسی بن جعفر علیه السلام) عَنْ جَمِیْعِ

اِخْوَانِی الْمُؤْمِنِیْنَ وَالْمُؤْمِنَاتِ عَنْ جَمِیْعِ مَنْ اَوْصَانِی بِالزَّیَّارَةِ وَالِدُعَاءِ لَهُ - اَللّٰهُمَّ تَقَبَّلْ ذَٰلِكَ مِنِّیْ وَ مِنْهُمْ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ

اگر بعد از مراجعت به هر کدام از برادران ایمانی خود بگوید من از سوی تو، امام علیه السلام را زیارت کردم، دروغ نگفته است.

- ۱. «مُتَوَبَّعُهُ» ، یعنی کسی که زائر، به نیابت او زیارت می‌کند؛ پدر، مادر، برادر دینی یا هر کس دیگر.
- ۲. بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۲۵۶، ح ۳.
- ۳. همان، ج ۸۵، ص ۳۱۱ و ۳۱۳.
- ۴. تهذیب، ج ۶، ص ۱۰۵.
- ۵. میراث‌ناظرین فی زیارة امیرالمؤمنین علیه السلام، علی اکبر مهدی پور به نقل از مصباح الزائر، سید بن طاووس، ص ۵۱۶.

■ زیارت کردن به نیابت از دیگران (چه آنان که از دنیا رفته‌اند و چه کسانی که در قید حیات هستند) مستحب است و «نائب» و «مُتَوَبَّعُهُ» هر دو از ثواب آن بهره‌مند خواهند شد.

در حدیث است که داود صرمی به امام حسن عسکری علیه السلام عرض کرد: من پدر شما را زیارت کردم و ثوابش را برای شما نیت کردم، امام فرمود:

«لَكَ مِنْ اَجْرِ و ثَوَابِ عَظِیْمٍ و مِنَّا الْمُحَمَّدَةُ»

برای شما از جانب خداوند اجر و ثواب عظیم است و از جانب ما محمد و ثنا. ■ در روایت دیگری می‌خوانیم که از بعضی از ائمه علیهم السلام سؤال کردند: آیا کسی که دو رکعت نماز می‌خواند یا یک روز روزه می‌گیرد، یا حج یا عمره‌ای به جا می‌آورد، یا رسول گرامی و یا یکی از ائمه علیهم السلام را زیارت می‌کند و ثواب آن را به پدر و مادر یا برادر دینی خود هدیه می‌کند، برای خود او نیز ثوابی هست؟ در پاسخ به این سؤال فرمودند: ثواب آن عمل به «مُتَوَبَّعُهُ» هم می‌رسد بدون آن که از ثواب خودش چیزی کاسته شود.

■ «شیخ طوسی» در «تهذیب» می‌گوید:

نائب در آخر زیارتش این سلام را نیز بگوید:

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مَوْلَایْ عَنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ

اَتَيْتُكَ زَائِرًا عَنْهُ فَاشْفَعْ لَهُ عِنْدَ رَبِّكَ

و به جای فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ، اسم شخص مورد نظر و پدرش را بیآورد.

• نماز برای گذشتگان



• نماز زیارت و نماز هدیه

خواندن نماز زیارت تنها برای ائمه معصومین علیهم السلام و برخی همچون آدم و نوح و حضرت عباس و یا شهدای کربلا وارد شده و برای سایرین اگر پس از زیارت قبورشان نمازی خوانده می‌شود خوب است به نیت هدیه و اهدای ثواب به روح آنان باشد. بنابراین خواندن نماز و هدیه آن به روح هر یک از امامزادگان، اولیای الهی، علما، پدر و مادر، دوستان و بستگان بلا اشکال است و دارای ثواب و اجر معنوی.

■ مرحوم علامه مجلسی می‌فرماید:

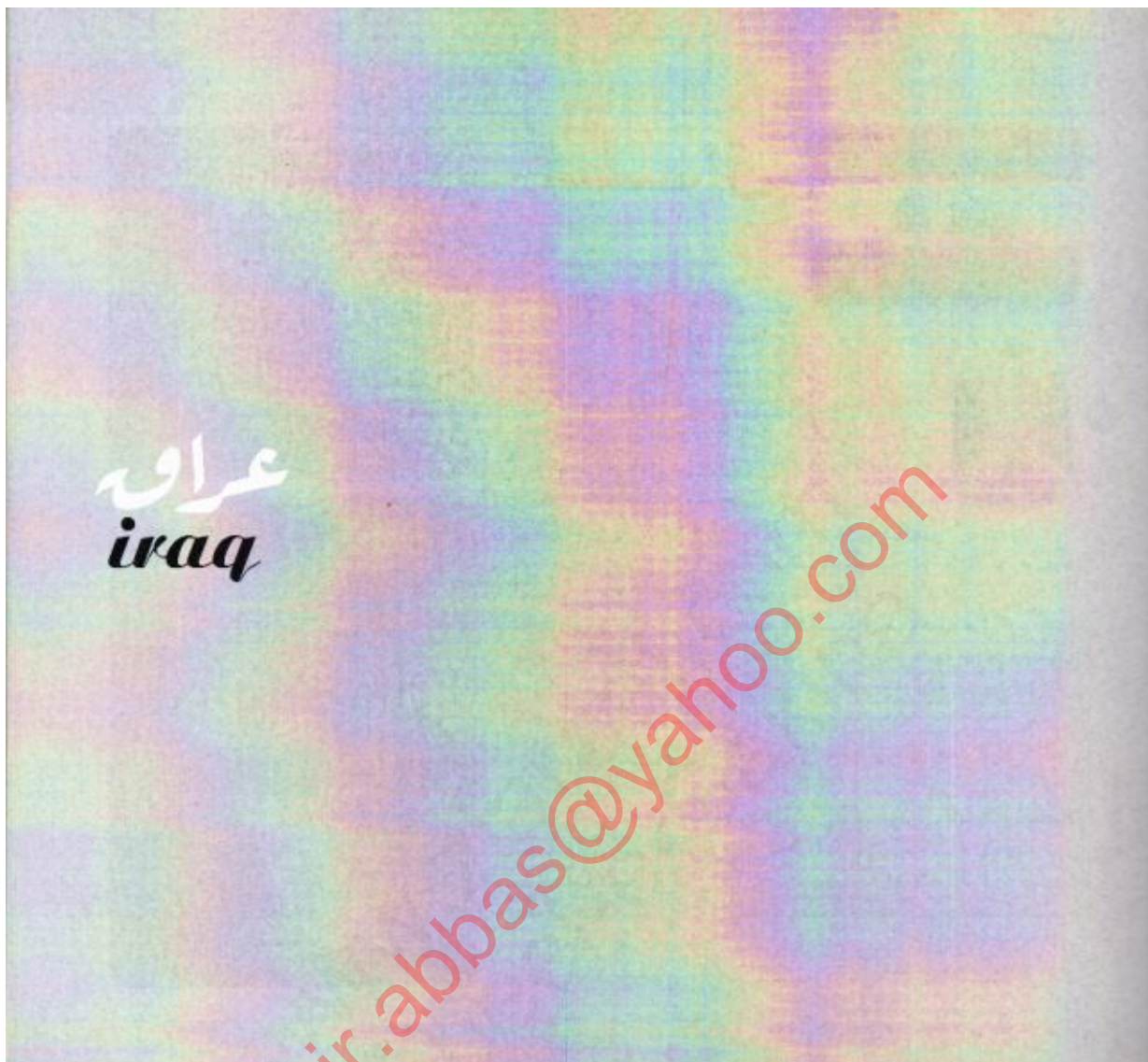
در حدیث صحیحی آمده است که امام صادق علیه السلام در هر شب، برای فرزند خود، و در هر روز، برای پدر و مادر خود، دو رکعت نماز می‌خواندند. در رکعت اول سوره «انا انزلنا» و در رکعت دوم سوره «کوثر». (و به روح آنان هدیه می‌کردند).

■ در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام

نقل شده است که: ثواب اعمال خیری که برای مردگان انجام می‌شود، هم برای مرده نوشته می‌شود و هم برای کسی که آن را انجام داده است.^۱

۱. مفاتیح نون ص ۱۱۹۶
به نقل از زاد المعاد ص ۵۷۳ و ۵۷۴







• عراق

با نام رسمی جمهوری عراق
(به عربی: (الجمهورية العراقية)
از کشورهای خاورمیانه و جنوب غرب آسیاست.



■ پایتخت عراق، شهر بغداد است.
■ این کشور از جنوب با عربستان سعودی و کویت، از غرب با اردن و سوریه، از شرق با ایران و از شمال با ترکیه همسایه است.
■ عراق در جنوب مرز آبی کوچکی با خلیج فارس دارد و دو رود مشهور دجله و فرات که منشأ تمدن‌های باستانی بین‌النهرین در طول تاریخ این کشورند از شمال کشور به جنوب آن روان هستند و با پیوستن به رود کارون، اروندرود را تشکیل داده و به خلیج فارس می‌ریزند.
■ پهناوری عراق ۴۳۸،۳۱۷ کیلومتر مربع است (۵۸۸، حدود یک چهارم ایران).
■ بیشتر سرزمین عراق پست و هموار و گرمسیری است. غرب عراق کویر است و شرق آن جلگه‌های حاصلخیز. ولی بخشی از کردستان عراق (شمال شرق) کوهستانی و سردسیر می‌باشد. عراق یکی از بزرگترین کشورهای دارای منابع نفت می‌باشد.
■ جمعیت عراق حدود ۳۰ میلیون نفر است (آمار ۱۳۸۶).
■ عراق محل زندگی و شهادت ۶ امام شیعه است و شهرهای نجف، کربلا، کاظمین و سامرا زیارتگاه شیعیان جهان است.
■ عراق دارای تمدن و فرهنگ دیرینه و پرباری است. سومریان، اکدی‌ها و آشوری‌ها نخستین تمدن‌های باستانی عراق را چند هزار سال پیش از میلاد بنیاد نهادند. در دوران پیش از اسلام، عراق کنونی جزئی از ایران بود. پس از اسلام عراق مرکز حکومت درازمدت خلافت عباسی شد. از نیمه قرن دهم تا پایان قرن سیزدهم هجری شمسی، عراق تحت حکومت امپراتوری عثمانی قرار داشت. عراق در سال ۱۳۹۸ (۱۹۱۹) از عثمانی جدا شد و به سرپرستی بریتانیا درآمد و در سال ۱۳۱۱ (۱۹۳۲) استقلال یافت.



jabir.abbas@yahoo.com



اطلاعات عمومی کشور عراق

نام رسمی:	جمهوری عربی عراق
نام محلی:	«الجمهورية العربية العراقية» Iraq
پایتخت:	بغداد، جمعیت ۷,۱۴۵,۴۷۰ نفر با حومه (۲۰۰۹)
روز ملی:	انتفاضه شعبانیه = هفدهم شعبان ۱۴۱۱ هـ.ق، ۱۳۷۰ هـ.ش، ۱۹۹۱ م.
نوع حکومت:	جمهوری چند حزبی
رئیس حکومت:	جلال طالبانی
رئیس دولت:	نوری المالکی
قوه مقننه:	قانون اساسی موقت در سال ۱۹۶۸، آخرین تغییرات سال ۱۹۹۵؛ مجلس ملی با ۲۲۰ عضو انتخابی و ۳۰ عضو انتصابی رئیس جمهور به مدت ۴ سال
مساحت:	۴۳۸۳۱۷ کیلومتر مربع (شصت و پنجمین کشور جهان)
جمعیت (۲۰۰۹):	۲۸ ۹۴۵ ۶۵۷ نفر (چهل و دومین کشور جهان)
تراکم جمعیت:	۶۶ نفر در هر کیلومتر مربع
میزان رشد طبیعی جمعیت (۲۰۰۹):	۳۰/۱ نفر در هر هزار نفر
امید به زندگی (۲۰۰۹):	۶۹/۹۴٪ مردان ۶۸/۶ سال، زنان ۷۱/۳۴ سال
توزیع سنی (۲۰۰۹):	۱۴-۰ سال: ۳۸/۸٪؛ ۱۵-۶۴ سال: ۵۸/۲٪؛ ۶۵ سال و بالاتر: ۳٪
جمعیت شهری (۲۰۰۶):	۶۷٪
میزان با سواد (۲۰۰۰):	۷۴/۱۵٪ مردان ۸۴/۱٪، زنان ۶۴/۳٪
تعداد پزشک (۱۹۹۸):	۱۱,۰۳۶ نفر (هر ۱۹۳۷ نفر یک پزشک)
نژاد:	عرب: ۷۵-۸۰٪، کرد: ۲۰-۱۵٪، ترکمن، آشوری و غیره: ۵٪
دین:	مسلمان: ۹۷٪ (شیعه: ۶۵-۶۰٪؛ سنی: ۳۷-۳۲٪) مسیحی و غیره: ۳٪
زبان:	عربی (زبان رسمی) و کردی
واحد پول:	دینار عراق (ID = 1000) فلس: یک دینار = ۱۱ ریال
تقسیمات کشوری:	۱۸ استان
میزان بیکاری (۲۰۰۹):	۱۲٪
کد تلفن عراق:	۰۰۹۶۴

اطلاعات از کتاب: شناسنامه کشورهای جهان - ص ۷۳ + به روز رسانی از طریق اینترنت







● مجسمه تاریخی شیر بابل



● میرزا محمد تقی شیرازی



● شیخ مهدی خالصی



● سید هبة الدین شهرستانی



● ملک فیصل دوم

◀ سال ۶۶ هـ.ق مختار بن ابوعبیده ثقفی، با جلب حمایت محمد حنفیه (فرزند امام علی علیه السلام) شیعیان را گرد خود جمع کرد و دست به قیام زد. قاتلان امام حسین علیه السلام و یارانش را دستگیر و مجازات کرد.

◀ سال ۱۲۲ هـ.ق زید بن علی، (نوه امام حسین علیه السلام) به خونخواهی جدش امام حسین علیه السلام، علیه هشام بن عبدالملک، خلیفه اموی قیام کرد.

◀ سال ۱۳۲ هـ.ق عباسیان جای حکومت اموی را گرفتند. ابوالعباس نخستین خلیفه عباسی بود که در کوفه به خلافت نشست.

◀ ۱۴۵ هـ.ق، منصور دوانیقی، پایتخت عباسی را به شهر نوینباد بغداد انتقال داد. بغداد روستایی در کنار رود دجله و نزدیک تیسفون (مدائن) بود.

◀ سال ۳۳۴ هـ.ق آغاز حکومت آل بویه که تا سال ۴۴۷ هـ.ق (بیش از یک قرن) ادامه داشت. فرمانروایان آل بویه نسبت به برپایی مراسم عاشورا و عید غدیر، تقویت و ترویج مذهب شیعه در عراق، ساخت مقابر شیعه، به ویژه حرم امام علی علیه السلام و امام حسین علیه السلام، سهم به سزایی داشتند.

◀ سال ۶۵۶ هـ.ق حکومت عباسی با یورش هلاکوخان مغول از بین رفت. اواخر قرن ۹ هجری، شاه اسماعیل اول (صفوی)، عراق را مجدداً جزئی از ایران کرد.

◀ سال ۹۸۵ هـ.ق پس از مرگ شاه تهماسب یکم، عراق به دست حکومت عثمانی افتاد، و یکی از ایالت‌های عثمانی محسوب شد.

◀ سال ۱۹۱۰ م (۱۲۹۸ هـ.ق) پس از فروپاشی عثمانی، کشور عراق به تصرف استعمار انگلستان درآمد.

◀ سال ۱۹۲۰ م قیام مردم عراق علیه سلطه انگلیس به رهبری سید مهدی حیدری، میرزا محمد تقی شیرازی و شیخ مهدی خالصی.

◀ ۱۹۳۴ م آغاز پادشاهی ملک فیصل اول در عراق.

◀ سال ۱۳۴۰ هـ.ق، سید هبة الدین شهرستانی، رئیس دیوانعالی کشور شد.

◀ ۱۹۴۷ م اعلام استقلال عراق از سوی سازمان ملل.



● پل مفریبه



● منصور دوانیقی



● ملک فیصل اول



● ملک غازي

● ملک فیصل دوم و
دانش‌اش عبداللّه

jabir.abbas@yahoo.com

عراق ۶۳



عبدالکریم قاسم



عبدالرحمن عارف



احمد حسن البکر



جنگ تحمیلی عراق علیه ایران



اعدام صدام

◀ سال ۱۹۵۸ م کودتای عبدالکریم قاسم علیه ملک فیصل دوم و اعلام جمهوری.

◀ ۱۹۶۳ م کودتای عبدالسلام عارف و کشته شدن عبدالکریم قاسم.

◀ سال ۱۹۶۶ م عبدالسلام عارف در یک سانحه هوایی کشته شد و برادرش عبدالرحمن عارف به جای وی نشست.

◀ سال ۱۹۶۸ م احمدحسن البکر با کودتا، از طریق حزب بعث، به رهبری میشل عفلق، حکومت عراق را به دست گرفت.

◀ سال ۱۹۷۴ م با استعفای حسن البکر، صدام حسین رئیس جمهور عراق شد.

◀ سال ۱۹۷۵ م قرارداد الجزایر، بین ایران و عراق، برای تعیین مرزهای آبی و خاکی بسته شد.

◀ سال ۱۹۸۰ م با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، صدام قرارداد الجزایر را باره کرد.

◀ سال ۱۹۸۱ م صدام به گمان فتح ۳ روزه، به ایران یورش برد و جنگی ۸ ساله را به این کشور تحمیل کرد.

◀ سال ۱۹۹۱ م حمله صدام به کشور کویت.

◀ سال ۲۰۰۳ م حمله نیروهای ائتلاف به ریاست آمریکا و اشغال عراق و سرنگونی صدام.

◀ سال ۲۰۰۴ م دستگیری صدام.

◀ سال ۲۰۰۵ م انتخابات و تشکیل دولت به ریاست جمهوری جلال طالبانی و نخست وزیری ابراهیم جعفری.

◀ سال ۲۰۰۶ م اعدام صدام توسط دولت عراق به نخست وزیری نوری المالکی.

گفتنی است که از زمان اشغال عراق توسط آمریکا، بیش از یک میلیون عراقی در پی حملات اشغال گران و بمب گذاری ها و عملیات انتحاری گروه های افراطی و وهابیون از جمله القاعده در عراق کشته شده اند.



نخست وزیر نوری سعید



عبد السلام عارف



میشل عفلق



قرارداد الجزایر ۱۹۷۵



حمله عراق به کویت

jabir.abbas@yahoo.com

• پول عراق

واحد پول کشور عراق، «دینار» است. و جمع عربی آن «ذنانیر» است. این واژه از دینار یونانی که واحد پول امپراتوری روم بود، گرفته شده است. ارائه دینار توسط بانک مرکزی عراق انجام می‌گیرد. دینار عراقی از سال ۱۹۳۱ به گردش افتاد و از آن زمان تاکنون چند نوع وجود داشته و به کار رفته است. سابقاً واحد پول عراقی «درهم» بود که به صورت سکه رواج داشت ولی امروزه دیگر سکه در عراق رواجی ندارد.

دهوی	موصل	کربلا	سلیمانیه	تکرت	کرکوک	بغداد	رمادی	حله	کربلا	کوت	نجف	نصربه	اماره	سماوه	دیوانیه	بصره
۶۹	۸۳															
۱۵۳	۲۸۸	۲۰۲														
۳۵۵	۲۸۸	۲۰۲														
۲۹۰	۲۲۱	۲۰۵	۲۲۱													
۲۴۸	۱۷۷	۹۳	۱۰۹	۱۱۲												
۵۳۱	۳۹۳	۳۰۸	۲۶۷	۲۳۱	۲۱۵											
۴۶۵	۳۹۶	۳۵۰	۳۳۱	۱۷۵	۲۵۵	۶۶										
۵۷۵	۵۰۶	۴۶۰	۴۴۲	۲۸۵	۳۶۵	۱۷۶	۱۱۰									
۵۶۵	۴۹۶	۴۷۱	۴۳۱	۲۷۵	۳۵۵	۱۶۶	۱۰۰	۲۱۰								
۵۸۳	۵۰۴	۴۶۸	۴۴۹	۲۹۳	۳۷۲	۱۸۴	۱۰۸	۲۱۸	۴۲							
۶۳۷	۵۸۸	۵۵۲	۵۰۳	۳۴۷	۴۲۷	۲۳۸	۱۷۲	۲۸۲	۲۷۲	۲۸۰						
۶۲۶	۵۵۷	۵۱۱	۴۹۲	۳۳۶	۴۱۶	۲۲۷	۱۶۱	۲۷۱	۶۱	۷۸	۳۳۳					
۸۴۰	۷۷۱	۷۲۵	۷۰۶	۵۵۰	۶۴۰	۲۴۱	۳۷۵	۴۸۵	۳۷۵	۴۱۷	۱۸۷	۳۵۸				
۸۳۱	۷۶۲	۷۱۶	۶۹۷	۵۴۱	۶۲۱	۲۳۲	۳۶۶	۴۷۶	۴۶۶	۴۸۴	۱۹۷	۵۲۷	۳۸۴			
۷۳۵	۶۶۶	۶۲۰	۶۰۱	۴۴۵	۶۲۵	۳۳۶	۳۷۱	۳۸۰	۱۷۰	۲۱۲	۲۹۴	۱۵۵	۱۰۵	۴۸۹		
۶۴۶	۵۷۷	۵۲۱	۵۱۲	۴۶۷	۴۳۶	۳۴۷	۳۸۱	۳۹۰	۸۱	۱۲۳	۳۵۳	۶۵	۱۹۴	۵۴۶	۸۹	
۱۰۱۴	۹۴۵	۸۹۹	۸۸۰	۷۳۴	۸۰۴	۶۰۵	۵۴۹	۵۵۹	۴۸۳	۵۲۴	۳۷۷	۴۶۷	۳۰۸	۱۸۲	۳۱۳	۴۰۲

• فاصله شهرها از یکدیگر

jabir.abbas@yahoo.com



• تقسیمات قومی و مذهبی عراق

جمعیت عراق از نظر مذهبی به دو فرقه بزرگ اسلامی یعنی شیعه و سنی تقسیم می‌شوند.

حدود ۶۰٪ مردم عراق شیعه، ۳۷٪ سنی و ۳٪ پیروان سایر ادیان (مسیحیان، یهودیان، آشوریان و...) هستند.

از نظر نژاد، اقوام مختلفی در عراق زندگی می‌کنند: ۷۰٪ عرب، ۲۰٪ کرد، ۴٪ فارس و ۵٪ ترکمن آشوری و سایر اقوام.

در سنوات متمادی، عده‌ای از مردم ایران به آن جا مهاجرت کرده‌اند و به واسطه وجود اعقاب مقدسه، شیعیان به این سرزمین مسافرت می‌کنند.

با آن که زبان رسمی کشور عراق، عربی است، با این وجود به زبان‌های کردی، ترکی و فارسی نیز صحبت می‌شود. زبان‌های دیگر نیز مانند آرامی، عبری و سریانی وجود دارند که ویژه معابد هستند لکن تمام این زبان‌ها در زبان رسمی که عربی است مستهلک گردیده و دین رسمی اسلام است.

◀ نمودار اقوام مردم عراق



◀ نمودار ادیان مردم عراق



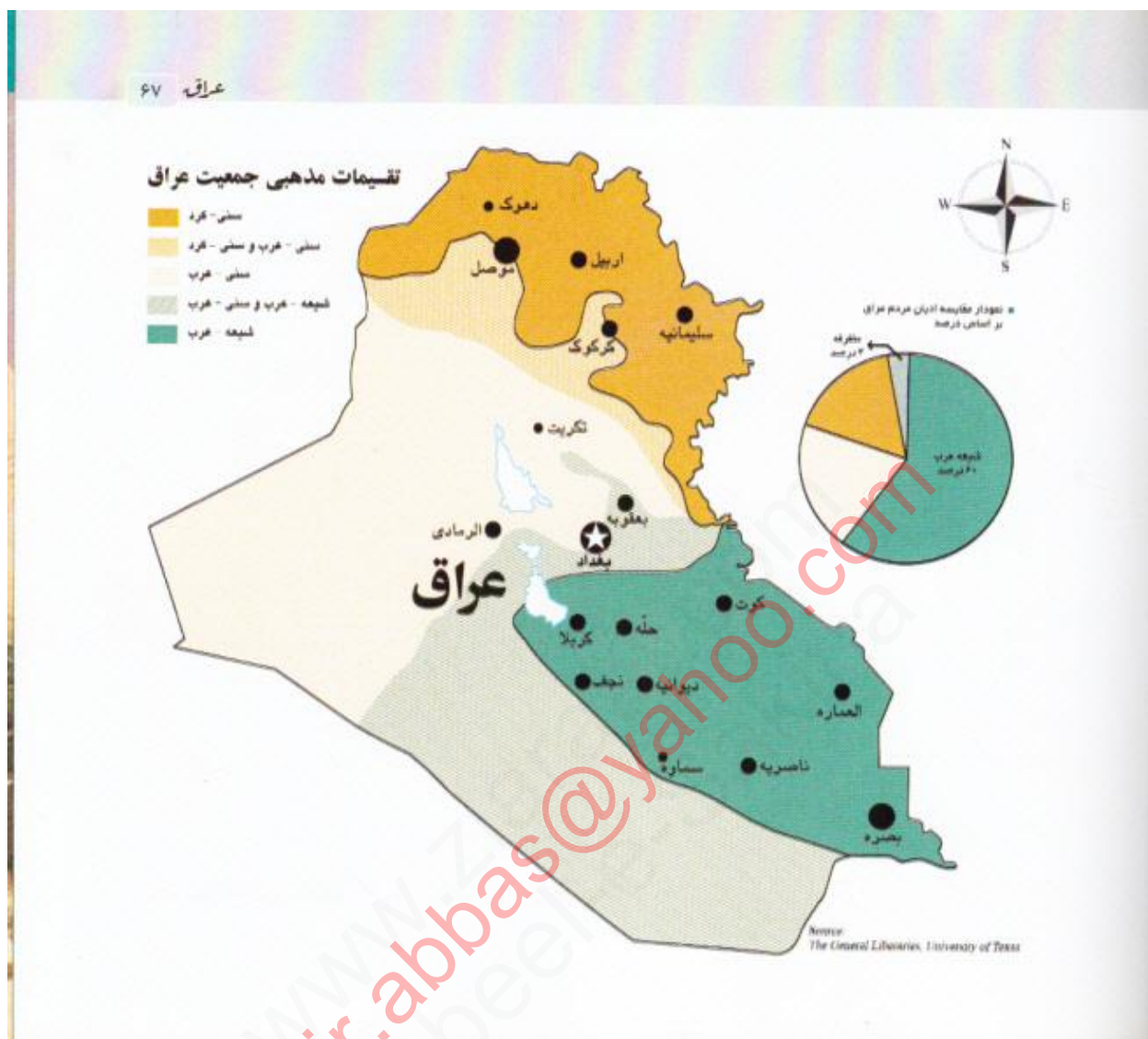
عرب‌های شیعه: شیعیان که اکثریت جمعیت عراق را تشکیل می‌دهند، بیشتر در جنوب عراق ساکنند. **عرب‌های سنی:** عرب‌های سنی ۳۰٪ جمعیت عراق را تشکیل می‌دهند، از نظر جغرافیایی، در بخش شمالی کشور تمرکز یافته‌اند.

کردها: اکثر جمعیت کرد عراق، امروز در مناطق کوهستانی شمال شرق کشور سکونت دارند. سلیمانیه و موصل، کانون اصلی آنها محسوب می‌شود. اکثر آنان سنی شافعی هستند.

سایر اقلیت‌ها: در شهرهای شمالی، ترک زبان‌هایی زندگی می‌کنند که مردم محلی، آنان را **ترکمن** می‌خوانند. این افراد ۲ تا ۳ درصد مردم عراق را تشکیل می‌دهند.

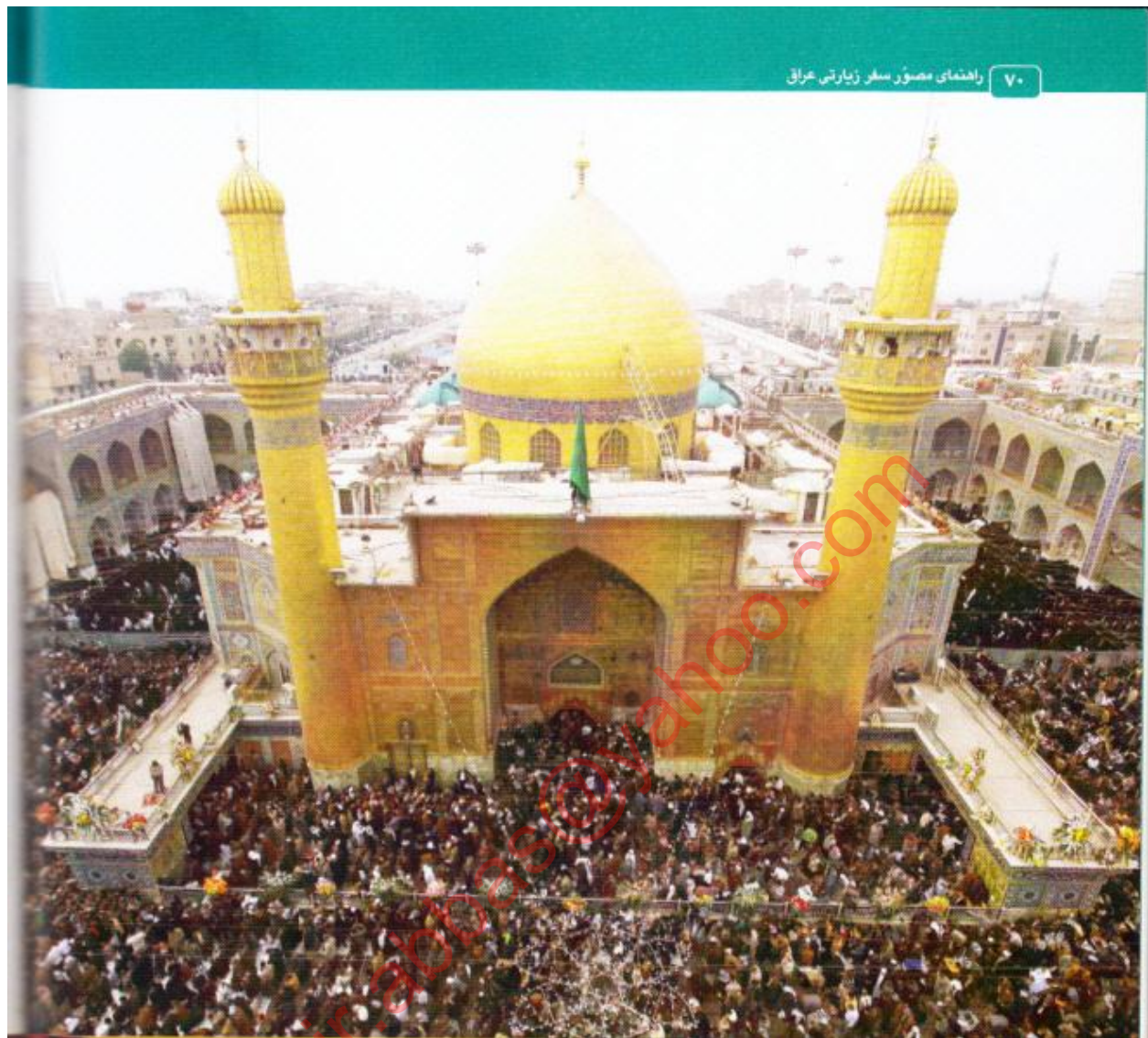
تا سال ۱۹۵۱ م، جمعیت غیرمسلمان عراق تقریباً ۶٪ کل جمعیت را تشکیل می‌داد، که یهودیان بیشترین بودند. با اشغال فلسطین و تاسیس دولت اشغالگر اسرائیل در سال ۱۹۴۸ م تقریباً تمامی یهودیان مهاجرت کردند. مسیحیان که بیشتر پیرو کلیسای کلدانی هستند، حدود ۲٪ جمعیت عراق را تشکیل می‌دهند.

www.abbasj.com









• تاریخچه شهر نجف



شهر نجف که هم اکنون به شهر کوفه متصل شده است، از زمان طوفان نوح، سرزمین بلندی بوده که آب آن را فرا نمی گرفت.

نجف، مخفف «نی جف» است؛ یعنی دریا خشک شد.

در قرون گذشته به نجف «مشهد امیرالمؤمنین علیه السلام» یا «مشهد علی علیه السلام» هم می گفتند. نام این سرزمین «غری» هم بوده، و به ساکنان یا اهل آنجا «غروی» گفته می شود. در روایات، با نام های الطور، الظهور، الجودی، الریون، باغیا، وادی السلام، برائا، حیره و اللسان هم از آن یاد شده است. طبق روایات، نجف مهبط اولیای خدا، خانه هجرت انبیا و محل قرارگشتی نوح علیه السلام بوده و ابراهیم خلیل علیه السلام در این سرزمین زیسته است.

علی علیه السلام نگاهی به وادی مرتفع پشت کوفه (ظهور الکوفه) افکند و فرمود: چه قدر منظرهات زیبا و زرقای درونت پاکیزه و معطر است، خدایا قبر مرا در این سرزمین قرار بده. وقتی حضرت امیر در سال ۴۰ هجری شهید شد، امام حسن و امام حسین علیهما السلام طبق دستور آن حضرت، پیکرش را شبانه و پنهانی تشییع کردند و در مرقد پاکش در نجف به خاک سپردند تا خوارج نسبت به بدن مطهر او جسارت نکنند. در شب دفن، تابوتی را بر شتری بستند و همراه افراد موثق، از کوفه بیرون بردند، تا واثمود کنند که به مدینه می برند. استری را نیز با جنازه ای پوشانده بیرون بردند تا واثمود کنند که در «حیره» دفن می کنند. در مسجد و دارالاماره و منزل یکی از اصحاب و در «کناسه» و «تویه» چند قبر کردند و بدین صورت خبر اصحاب خاص و فرزندان آن حضرت، کسی از محل دقیق دفن حضرت اطلاع نداشت.

علامه مجلسی می نویسد:

«علت پنهان بودن قبر امیرالمؤمنین علیه السلام، ترس از خوارج و منافقین بوده و کسی جز خواص شیعه از جای مخفی آن اطلاع نداشت، تا اینکه در زمان خلفای عباسی، امام صادق علیه السلام به خیره آمد و موضع قبر را نمایاند و از آن پس تاکنون، شیعه، قبر امام را در همان موضع زیارت می کند».^۱

امام سجاد علیه السلام به طور مخفیانه آن را زیارت می کرد، امام باقر علیه السلام در عهد بنی مروان از آن خبر داشت و گاهی به زیارت می رفت، امام صادق علیه السلام در عصر عباسیان که چندین بار به عراق احضار شد، در مسیر راه، موضع قبر شریف را به یاران مخصوص که همراهش بودند، نشان می داد. به تدریج برای همه جایگاه آن آشکار و محل زیارت و رفت و آمد گشت و در زمان هارون کاملاً از آن حالت پنهانی درآمد.

هارون که به شکار رفته بود، در منطقه «غرین» اهوانی را دیدند. در پی آنها باز و سگ شکاری فرستادند. پس از مدتی اهوان به تپه‌ای پناهنده شدند. بازها و سگ‌ها برگشتند. هارون تعجب کرد. اهوان از تپه پایین آمدند، بازها و سگ‌ها دوباره در پی آنها روان شدند. اهوان باز هم به آن تل پناه بردند. سه بار این صحنه تکرار شد. به دستور هارون پیرمردی را از بنی اسد در آن منطقه یافته، آوردند. هارون ماجرای تپه را پرسید. او امان خواست. سپس به نقل از پدرانش گفت که در این تپه، قبر علی بن ابی طالب علیه السلام است. خداوند آن را حرم و پناهگاه قرار داده و هر که به آنجا پناه آورد، ایمن است. هارون متأثر شد و گریست...^۲

پس از آشکار شدن قبر امیرالمؤمنین علیه السلام در نجف، آبادانی در اطراف مرقد مقدس، از سال ۱۷۰ هجری شروع شد و شیعیان به خصوص

علویان در آن جا ساکن شدند و با گذشت زمان آبادتر و پرجمعیت‌تر شد. یک قرن گذشته بود که در نجف، غیر از شیعیان بیش از ۱۹۰۰ نفر از سادات علوی می زیستند و به تدریج رونق بیشتری یافت.^۳

با گذشت زمان، نجف به شهری آباد تبدیل شد که عاشقان حق و شیفتگان اهل بیت علیهم السلام به آنجا روی آوردند. شیخ طوسی در قرن پنجم، حوزه علمیه نجف را تأسیس کرد.^۴ و این شهر، مهد علم و کانون معارف اهل بیت علیهم السلام گشت و از حوزه هزارساله نجف، هزاران دانشمند، فقیه و محدث برخاست. هم اکنون قبر بسیاری از علمای اسلام در نجف است.

اکنون نجف، هم یک شهر مقدس و زیارتی است، هم از لحاظ علمی، شهره آفاق است و در سده‌های اخیر تربیت کننده صدها فقیه و مرجع تقلید بوده است. امام خمینی سال‌های تبعید خود را در نجف گذراند و پایه‌های نظری حکومت اسلامی و ولایت فقیه را در درس‌های خارج فقه این حوزه استوار ساخت.

تلخیص از کتاب فرهنگ غدیر اجداد محدثی

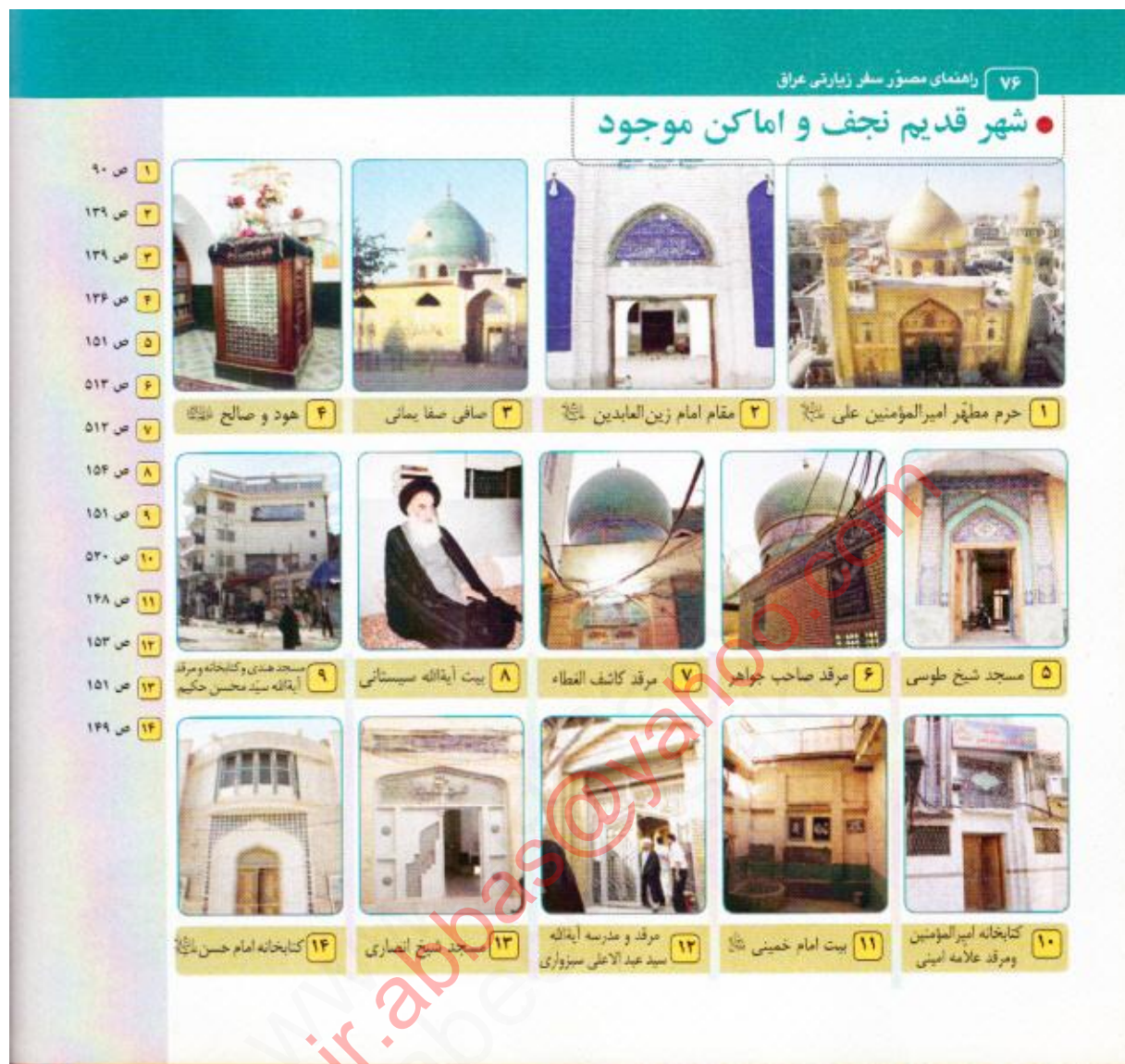
۱. موسوعة العتبات المقدسة، ج ۱ (بخش نجف، ص ۱۲).
۲. موسوعة العتبات المقدسة، ج ۷، ص ۱۲ و ۱۴.
۳. بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۲۳۷.
۴. ارشاد القلوب، دیلمی، ج ۲، ص ۳۸۶.
۵. معجم القبور، سید محمد مهدی موسوی اصفهانی، ج ۱، ص ۳۶۷.
۶. بحار الأنوار، ج ۴۲، ص ۳۳۸.
۷. تاریخ الشیعه، محمد حسین المظفری، ص ۹۴.
۸. ارشاد، مفید، ج ۱، ص ۲۶، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۸۶.
۹. ماضی النجف وحاضرها، جعفر آل حبویه نجفی، ج ۱، ص ۱۸.
۱۰. همان، ص ۳۱.

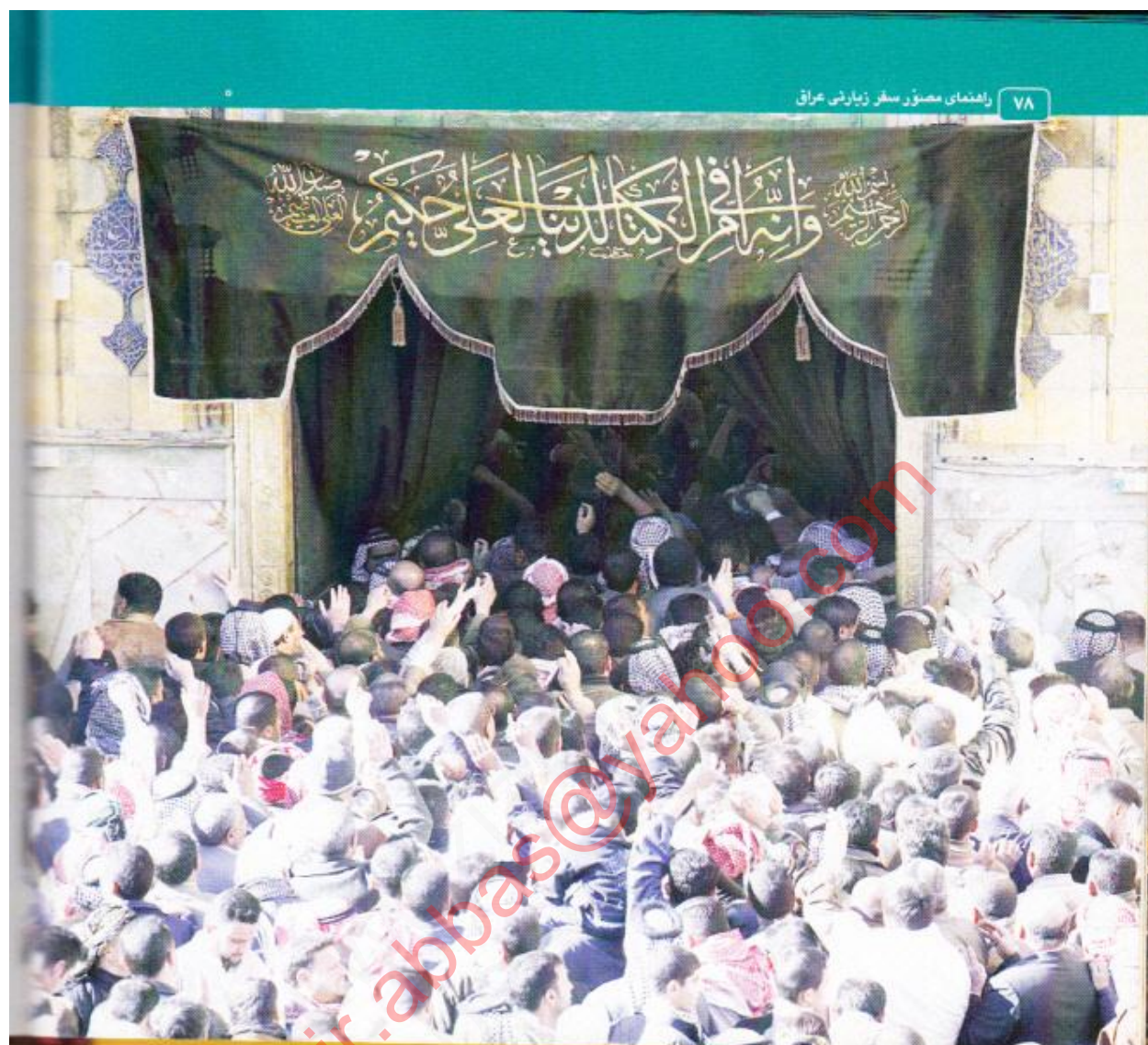
• تاریخ بنای مرقده امام علی (ع)

- بنای مرقده امیرالمؤمنین (ع) تاریخی هزار و چهارصد ساله دارد.
- ۴۰ هـ. ق. ۲۱ رمضان امیرالمؤمنین (ع) به شهادت رسید. حسین (ع) طبق وصیت مولا، حضرت را در نجف به خاک سپردند.
 - ۱۳۳ هـ. ق. امام صادق (ع) در زمان منصور عباسی برای اولین بار، مکان قبر امیرالمؤمنین (ع) را نمایان کرد.
 - ۱۶۵ هـ. ق. در زمان هارون الرشید، ضریحی از سنگ سفید و نخستین بقعه بر مزار امام ساخته شد.
 - ۲۳۶ هـ. ق. متوکل عباسی، مرقده امیرالمؤمنین (ع) را ویران کرد.
 - ۲۸۰ هـ. ق. محمد بن زید از پادشاهان شیعی طبرستان، عمارتی باشکوه بر مرقده مطهر بناکرد که صحن آن هفتاد حجره داشت.
 - ۳۱۷ هـ. ق. ابوالفتح - حاکم شیعی موصل - گنبد با عظمتی بر فراز مرقده مطهر ساخت و حرم را فرش کرد.
 - ۳۶۳ هـ. ق. عضدالدوله - از پادشاهان شیعی آل بویه - حرم را توسعه داد و عظیم‌ترین بنا را بر آن استوار کرد.
 - ۴۴۴ هـ. ق. شیخ طوسی از بغداد به نجف مهاجرت کرد و حوزه علمیه نجف را تأسیس کرد.
 - ۶۷۶ هـ. ق. عطاملک جوینی - صاحب دیوان ایلخانان - با حفر کانالهایی، آب را به نجف آورد.
 - ۷۵۵ هـ. ق. بر اثر آتش سوزی چوبهای نفیس و زیبای آن به سرعت شعله‌ور شد و آتش را به دیگر جاها منتقل کرد.
 - گفته‌اند دو قرآن، که به لفظ مبارک آن حضرت در داخل حرم نگه‌داری می‌شد، سوخت و از بین رفت.
 - ۷۶۰ هـ. ق. ایلخانان مغول و گماشته‌های آنان از جمله سلطان اویس جلایری کار بازسازی حرم را به انجام رساندند.
 - ۱۰۳۳ هـ. ق. شاه عباس صفوی ضمن زیارت مرقده آن حضرت، دستورهایی برای تعمیر حرم گنبد و صحن صادر کرد.
 - ۱۰۴۷ هـ. ق. شاه صفی - نوه شاه عباس صفوی - وزیر خود، میرزا تقی مازندرانی را امر کرد تا اطراف صحن و حرم را توسعه دهد.
 - ۱۱۵۶ هـ. ق. نادر شاه افشار دستور داد کاشی‌های گنبد و گلدسته‌ها را برداشتنند و به جای آن، از خشت طلایی استفاده کردند.
 - ۱۲۱۱ هـ. ق. آقامحمدخان قاجار ضریحی از نقره به آستان تقدیم کرد.
 - ۱۲۳۶ هـ. ق. فتحعلی شاه نیز تعمیراتی در حرم انجام داد.
 - ۱۴۲۴ هـ. ق. با سرنگونی صدام، تغییرات گسترده و بی‌سابقه در حرم انجام شده و طرح توسعه عظیمی هم اکنون در حال اجراست.









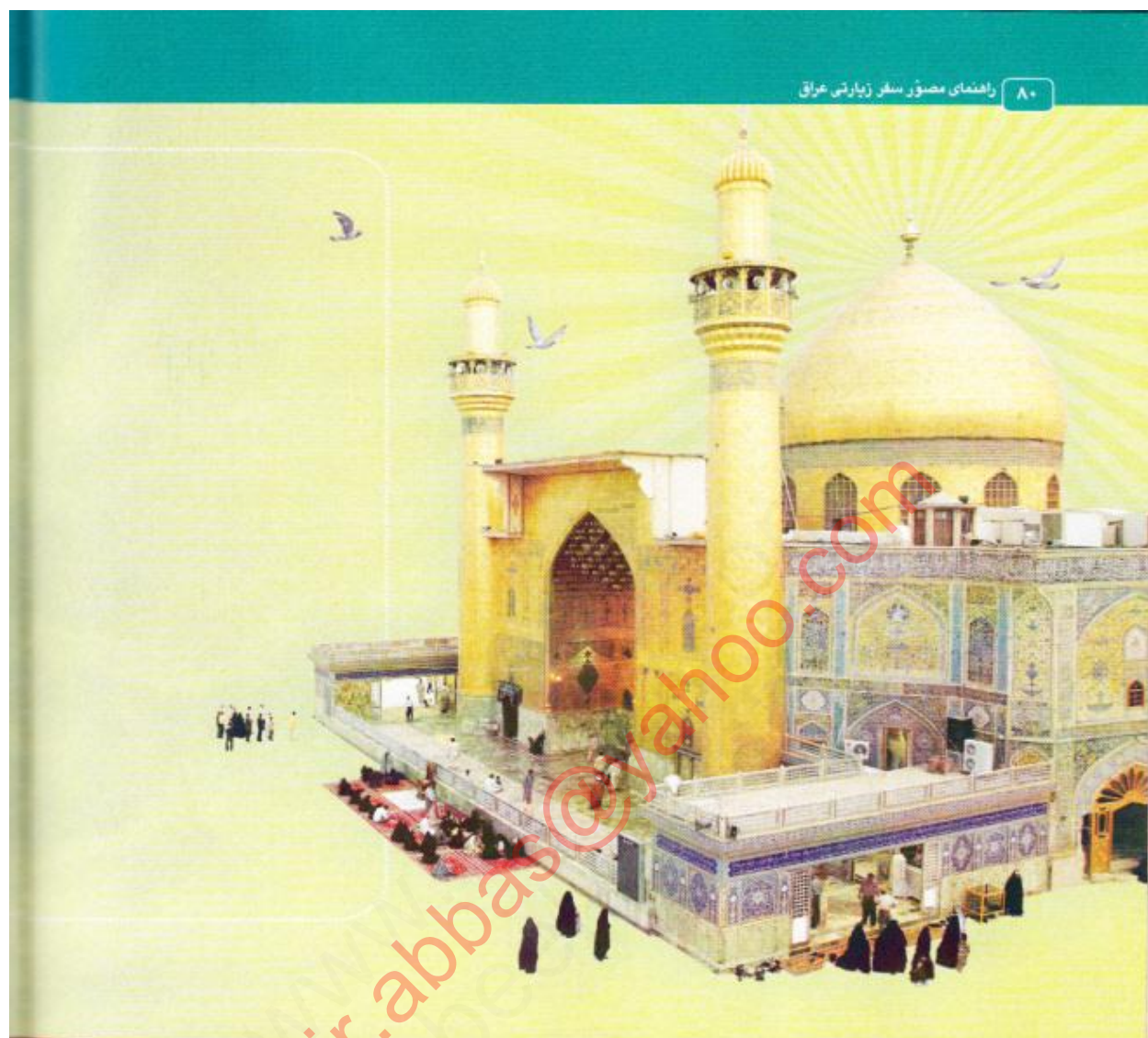
● ایام مخصوص زیارت امیرالمؤمنین (ع)

- ◀ ۱۳ رجب، روز ولادت آن حضرت؛
- ◀ شب اول ربیع الاول که شب خفتن او در بستر پیامبر (ص) در شب هجرت است؛
- ◀ روز ۱۷ رمضان روز پیروزی در جنگ بدر؛
- ◀ روز ۲۰ رمضان روز بالا رفتن آن حضرت بر دوش پیامبر (ص) برای شکستن بت‌ها؛
- ◀ ۲۱ رمضان روز شهادت آن حضرت؛
- ◀ روز ۱۷ شوال روز مواسات حضرت در جنگ احد و روز رد الشمس؛
- ◀ روز ۲۷ رجب روز فتح خیبر به دست آن حضرت و روز میعت؛
- ◀ ۱۵ جمادی الاول روز فتح بصره؛
- ◀ اول ذی حجه روز مأموریت برای قرائت آیات برائت بر مشرکین؛
- ◀ ۹ ذی حجه روز بسته شدن همه درهای منازل به مسجد پیامبر (ص) جز در خانه علی (ع)؛ روز عرقه
- ◀ ۲۴ ذی حجه روز میاهله و روز صدقه دادن انگشتر در نماز؛
- ◀ ۲۵ ذی حجه روز نزول سوره هلاتی، روز ازدواج با فاطمه (ع) و روز بیعت مردم برای خلافت.

۱. بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۳۸۳.

شیخ عباس قمی در کتاب مفاتیح الجنان بعد از نقل زیارات مطلقه امیرالمؤمنین (ع) - که در همه اوقات می‌شود باین زیارات حضرت را زیارت نمود و مطلق است و به روز و شب خاصی اختصاص ندارد - زیارات مخصوصی را برای سه مناسبت زیر نیز می‌آورد:

- الف. هجدهم ذی حجه روز عید غدیر خم
 - ب. هفدهم ربیع الاول روز ولادت نبی مکرم اسلام (ص)
 - ج. بیست و هفتم رجب میعت پیامبر بزرگوار اسلام (ص)
- گمانی که در ایام مخصوص، توقیف تشریف پیدا می‌کنند، برای کسب فیض بیشتر به مفاتیح مراجعه نمایند.



● مشخصات معصوم دوم: امام اول، امیر مؤمنان حضرت علی (ع)

نام:	علی (ع)
کنیه:	ابوالحسن، ابوالحسنین، ابوتراب
لقب:	امیر المؤمنین (ع)، مرتضی
پدر و مادر:	ابوطالب، فاطمه بنت اسد
زمان ولادت:	سیزدهم رجب، ده سال قبل از بعثت
مکان ولادت:	شهر مکه، درون کعبه
نقش انگشتر:	الملک لله الواحد القهار
اولاد:	۲۷ فرزند
دوران خلافت:	سال ۳۶ تا ۴۰ هـ.ق (حدود ۴ سال و ۹ ماه)
آغاز امامت:	۲۸ صفر المظفر سال دهم هجرت
مدت امامت:	۳۰ سال
زمان شهادت:	شب ۲۱ رمضان سال ۴۰ هجری
مکان شهادت:	مسجد کوفه
سبب شهادت:	ضربت ابن ملجم مرادی (علیه اللعنه)
عمر شریف:	۶۳ سال
مرقد شریف:	نصف الشرف
دوران عمر:	در چهار بخش: ۱. دوران کودکی (حدود ۱۰ سال) ۲. دوران ملازمت با پیامبر (ص) (حدود ۲۴ سال) ۳. دوران کناره گیری از دستگاه خلافت (حدود ۲۵ سال) ۴. دوران خلافت (حدود ۴ سال و ۹ ماه)



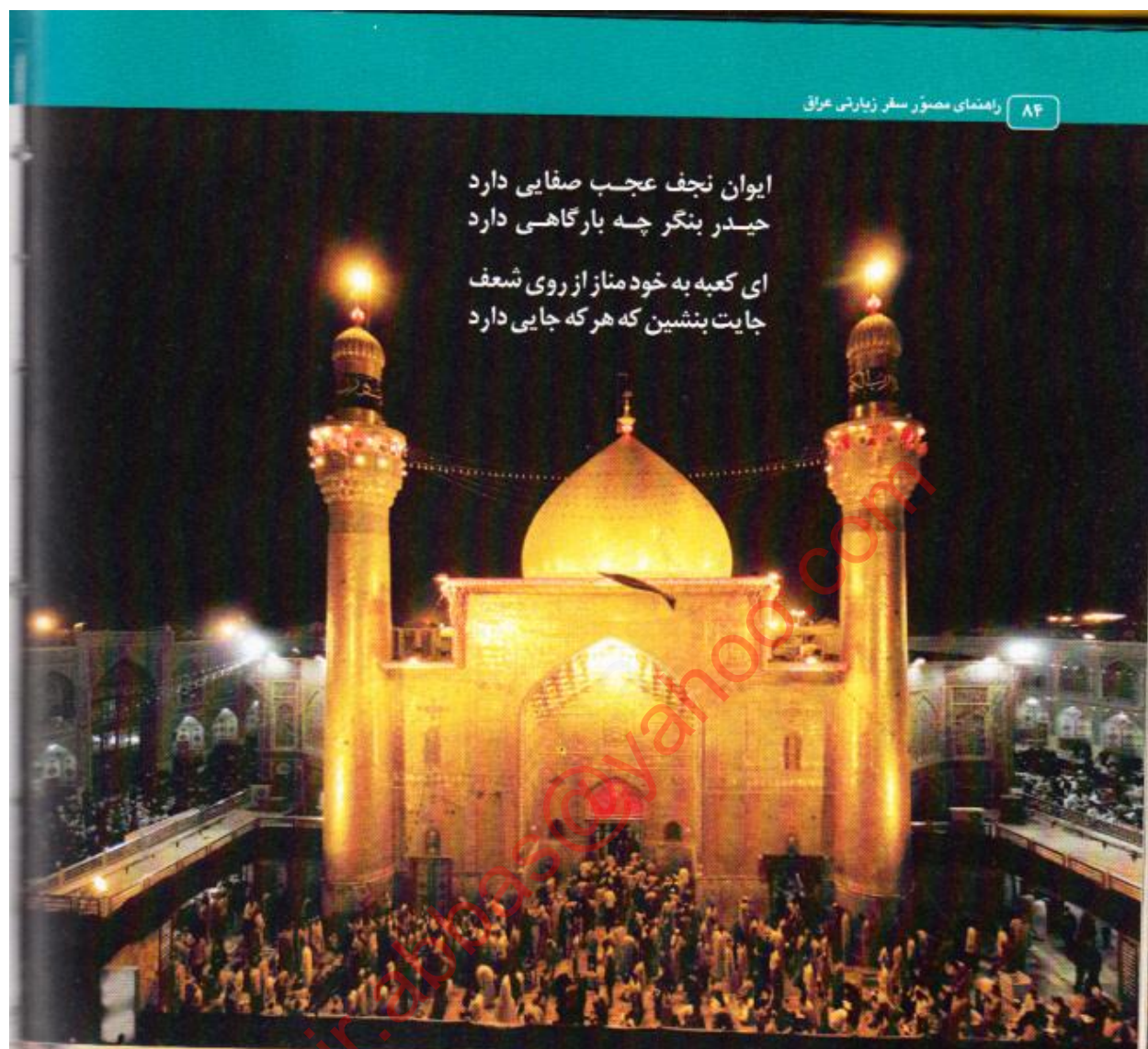
■ رسول خدا ﷺ به حضرت علی (ع) فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ قَدْ جَعَلَ قَبْرَكَ وَ قَبْرَ وَلَدِكَ بَقَاعًا مِنْ بَقَاعِ الْجَنَّةِ وَ عَرَصَةً مِنْ عَرَصَاتِهَا وَ أَنَّ اللَّهَ جَعَلَ قُلُوبَ نَجَبَاءٍ مِنْ خَلْقِهِ وَ صَفْوَةِ عِبَادِهِ تَحِنُّ إِلَيْكُمْ وَ تَحْتَمِلُ الْمَذَلَّةَ وَ الْأَذَى فِيكُمْ وَ يَعْمُرُونَ وَ يَكْثُرُونَ زِيَارَتَهَا تَقَرُّبًا مِنْهُمْ إِلَى اللَّهِ وَ مَوَدَّةً مِنْهُمْ لِرَسُولِهِ، أُولَئِكَ يَا عَلِيُّ الْمُخْصُوصُونَ بِشَفَاعَتِي وَ الْوَاردُونَ حَوْضِي وَ هُمْ زَوَارِي غَدَا فِي الْجَنَّةِ»

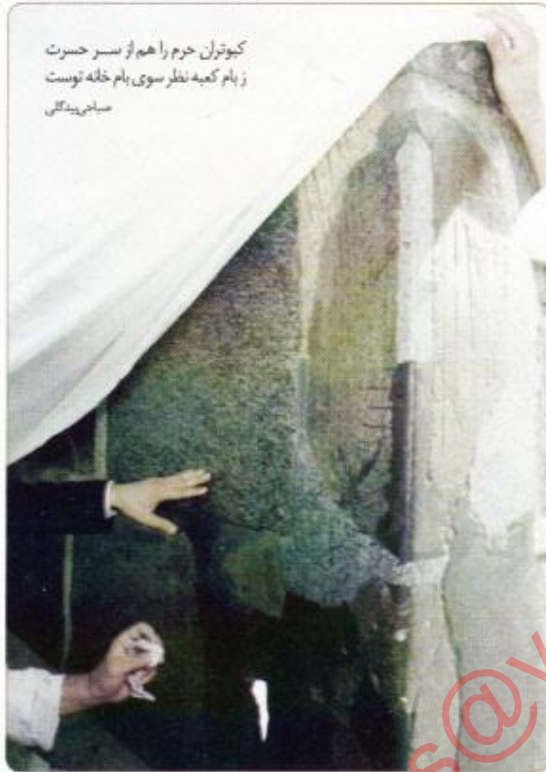
خداوند، قبر تو و قبر زندانت را از بقعه‌ها و عرصات بهشتی قرار داده و قلوب پیغمبران برگزیده و نجیب خود را به سوی شما متمایل ساخته است، به گونه‌ای که در راه شما شکنجه و آزار و تحقیر را متحمل می‌شوند، ولی قبور شما را آباد می‌کنند و به عنوان تقرب به خداوند و دوستی با پیامبر، فرلوان به زیارت آن قبور می‌آیند. آنان اختصاص یافتگان به شفاعت منند و وارد شوندگان بر حوض (کوثر) من؛ و هم آنان فردا، در بهشت زوار منند.

■ وسائل الشیعة، ج ۱۰ ص ۲۹۸ ح ۱.





کیوتران حرم را هم از سر حسرت
ز بام کعبه نظر سوی بام خانه توست
صبحی پیدگلی



❖ خانه کعبه - رکن یمانی - مستجار

محل ورود فاطمه بنت اسد به درون خانه کعبه بهنگام ولادت امیرمؤمنان علیه السلام
در کعبه شد پدید و به محراب شد شهید نازم به حسن مطلع و حسن ختام تو

● رابطه خاص کعبه و مولود کعبه

امام باقر علیه السلام در حدیثی بسیار طولانی در مورد تأسیس کعبه معظمه در عهد حضرت آدم ابوالبشر توسط جبرئیل علیه السلام به تفصیل سخن گفته، در پایان می فرماید: خداوند به جبرئیل امین امر فرمود که چهار سنگ از چهار نقطه جهان برداشته، در چهار رکن کعبه قرار دهد:

۱. سنگی از کوه صفا؛

۲. سنگی از کوه مروه؛

۳. سنگی از طور سیناء؛

۴. سنگی از (جبل السلام) و آن ظهر کوفه است.^۱

در این جا منظور از (جبل السلام) همان وادی السلام است و یا نجف اشرف که شامل وادی السلام است.

از این حدیث رابطه خاص کعبه و مولود کعبه نیز استفاده می شود. اگر ولادت با سعادت امیرمؤمنان در داخل کعبه مایه شرف و قداست کعبه شده، چنان که

امام صادق علیه السلام به آن تصریح کرده، در زیارت مانور می فرماید: (السلام علیک یا من شرف به مکة و منی؛

سلام بر تو ای امیرمؤمنان، که مکه و منی از تو شرف و آبرو پیدا کرد)،^۲ خاک و گل کعبه نیز از سنگ حرم

امیرالمؤمنین علیه السلام به عزت و آبرو رسیده است.

تلخیص از مقاله اسناد علی اکبر مهدی پور

❑ ۱. کافی، ج ۴، ص ۷۹۱

❑ ۲. بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۴۷۳

● گشایش درهای آسمان برای زائر امیرمؤمنان (ع)

به سند معتبر^۱ از مفضل نقل شده که گفت:
خدمت امام صادق (ع) رسیدم و عرض کردم که من مشتاق
-نجف شده‌ام! فرمود: برای چه مشتاق شده‌ای؟
گفتم: می‌خواهم که امیرالمؤمنین (ع) را زیارت کنم.
فرمود: آیا فضیلت زیارت آن حضرت را می‌دانی؟
گفتم: نه - یا بن رسول الله - شما بفرمایید.
فرمود: بدان وقتی که امیرالمؤمنین (ع) را زیارت می‌کنی، در
واقع، استخوان آدم و بدن نوح و جسم علی بن ابی طالب (ع)
را زیارت کرده‌ای.
گفتم: آدم از بهشت سراندریب فرود آمد در جانب مشرق،
و می‌گویند که استخوانش نزد خانه کعبه است؛ چگونه
استخوانش به کوفه آمد؟
فرمود: وقتی که حضرت نوح (ع) در کشتی بود، خداوند
عالمیان، به او وحی نمود که خانه کعبه را هفت شوط طواف
کند، او نیز همان گونه که خدا به او وحی فرموده بود، طواف
کرد. سپس از کشتی به میان آب آمد - و آب تا زانوی او
بود - و تابوتی را بیرون آورد که استخوان حضرت آدم (ع)
در آن بود و در کشتی جا داد و دور خانه کعبه طواف کرد
آن گونه که خدا خواست. پس کشتی تا میان مسجد کوفه
آمد. در آنجا خدا به زمین وحی نمود: آب خود را فرو ببر.
پس آب میان مسجد کوفه فرو رفت، همان طور که آب اول
از مسجد کوفه پیدا شده بود. پس آن جماعتی که با حضرت

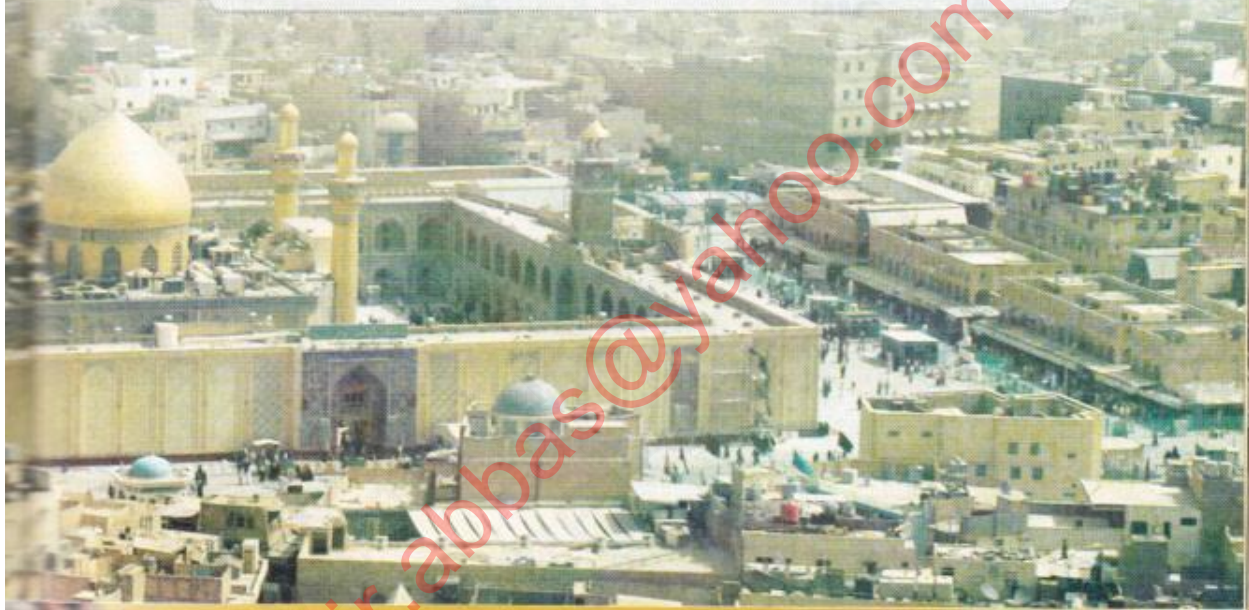
نوح در کشتی بودند، متفرق شدند. آن گاه حضرت نوح (ع)
تابوت را گرفت و در غری - که اسم آن نجف اشرف
است - دفن کرد و آن قطعه‌ای است از کوهی که حق
تعالی بر آن با حضرت موسی (ع) سخن گفت، و حضرت
عیسی (ع) را بر این موضع تقدیس کرد و بزرگ گردانید،
حضرت ابراهیم (ع) را در این مکان خلیل خود خواند،
حضرت محمد (ع) را در این محل حبیب خود گردانید و
آن را مسکن پیغمبران قرار داد.
به خدا قسم که در این مکان بعد از دو پدر پاکش - آدم و
نوح - کسی گرمی تر از امیرالمؤمنین (ع) نزد خدا، ساکن
نشده است.
پس هرگاه به نجف می‌روی، استخوان آدم و بدن نوح و
جسم علی بن ابی طالب (ع) را زیارت کن و در واقع پدران
گذشته را و محمد (ع) خاتم پیغمبران و علی بهترین اوصیا
را زیارت کرده‌ای.
درهای آسمان برای زیارت کننده امیرالمؤمنین (ع) هنگام
دعا، گشوده می‌شود؛ پس از خیر غافل و خواب مباش.

□ کامل الزیارات: ص ۳۸، باب ۱۰، ح ۴.



• دعای ورود به شهر نجف اشرف

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ،
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي سَيَّرَنِي فِي بِلَادِهِ، وَحَمَلَنِي عَلَى دَوَابِّهِ، وَطَوَى لِي الْبَعِيدَ،
وَصَرَفَ عَنِّي الْمَحْذُورَ، وَدَفَعَ عَنِّي الْمَكْرُوهَ،
حَتَّى أَقْدَمَنِي حَرَمَ أَخِي رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.



الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَدْخَلَنِي هَذِهِ الْبُقْعَةَ الْمُبَارَكَةَ الَّتِي بَارَكَ اللَّهُ فِيهَا،
وَاخْتَارَهَا لِرُوحِ نَبِيِّهِ، اللَّهُمَّ فَاجْعَلْهَا شَاهِدَةً لِي
اللَّهُمَّ لِبَابِكَ وَقَفْتُ، وَبِفَنَائِكَ نَزَلْتُ، وَبِحَبْلِكَ اعْتَصَمْتُ، وَلِرَحْمَتِكَ تَعَرَّضْتُ،
وَبِوَلِيكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ تَوَسَّلْتُ، فَاجْعَلْهَا زِيَارَةً مَقْبُولَةً، وَدُعَاءً مُسْتَجَاباً.

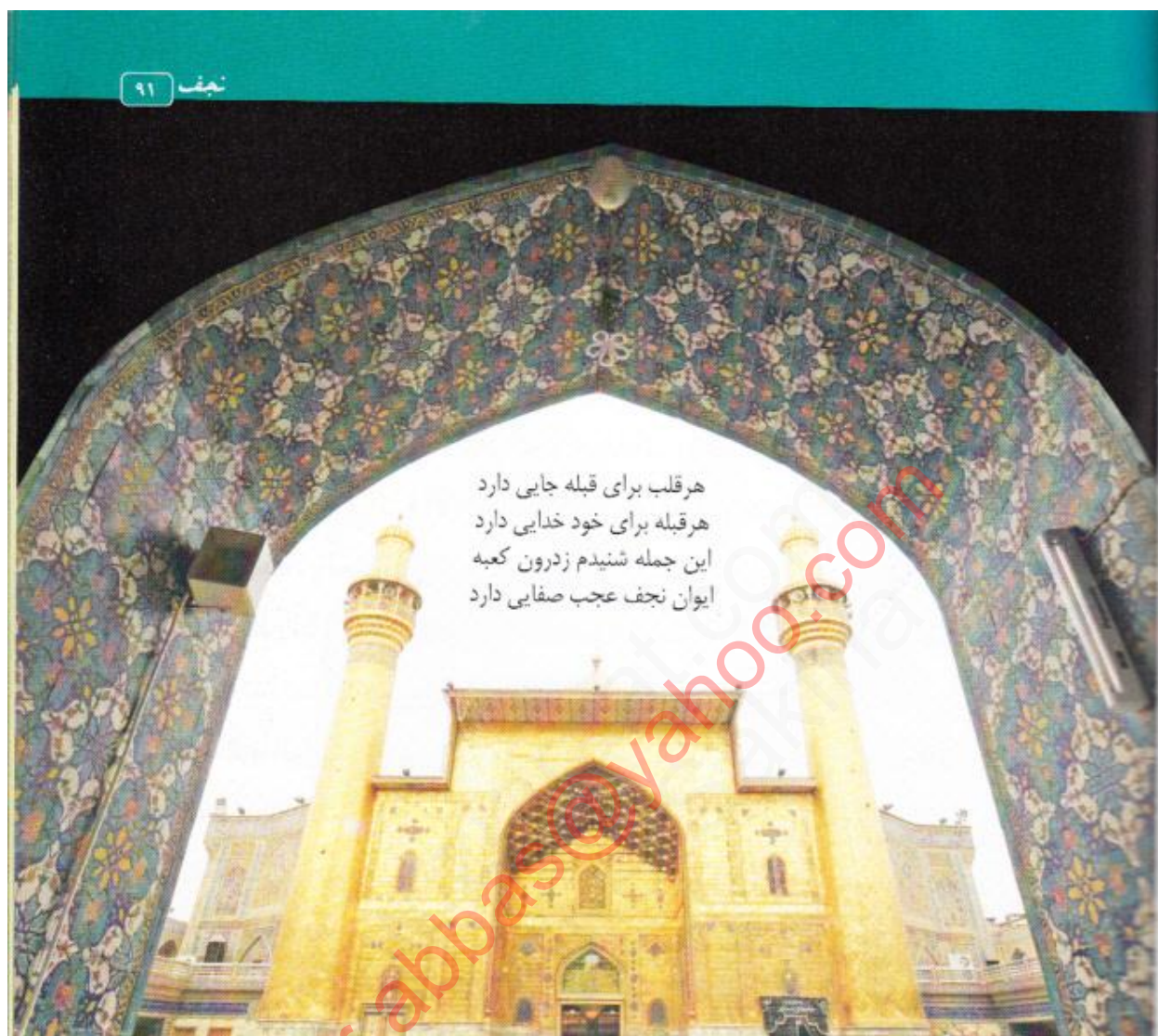


● دعای ورود به صحن مطهر امیرالمؤمنین (علیه السلام)

■ بر در صحن بایست و بگو:

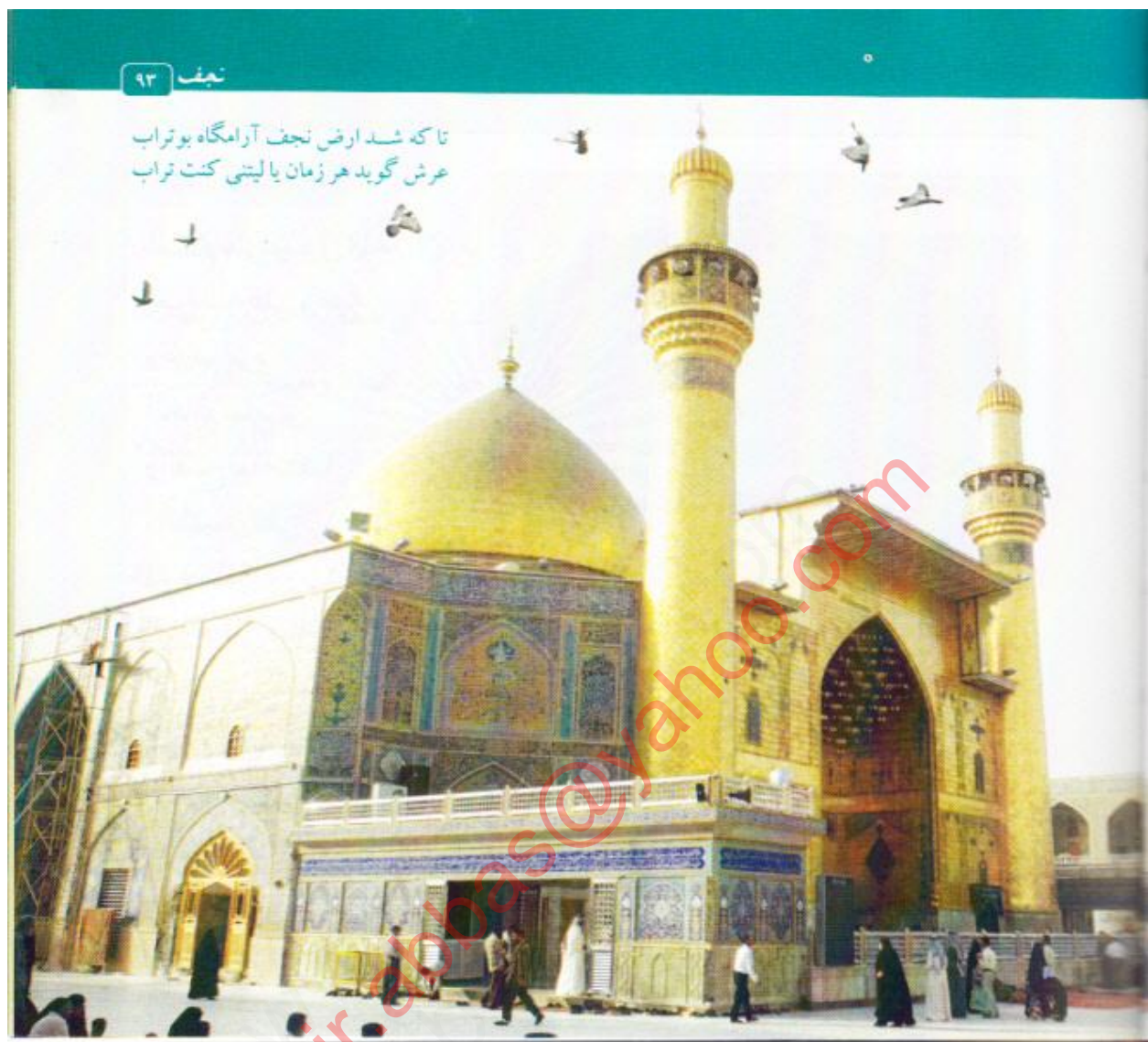
اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذَا الْحَرَمَ حَرَمُكَ وَالْمَقَامَ
مَقَامُكَ وَاَنَا اَدْخُلُ اِلَيْهِ اَنَاجِيكَ
بِمَا اَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ مِنِّي وَمِنْ سِرِّي
وَنَجْوَايَ، الْحَمْدُ لِلّٰهِ الْحَنَّانِ الْمَنَّانِ
الْمُتَطَوِّلِ الَّذِي مِنْ تَطَوُّلِهِ سَهَّلَ لِي
زِيَارَةَ مَوْلَايَ بِاِحْسَانِهِ، وَلَمْ يَجْعَلْنِي
عَنْ زِيَارَتِهِ مَمْنُوْعًا، وَلَا عَنِ وِلَايَتِهِ
مَدْفُوْعًا، بَلْ تَطَوَّلَ وَمَنَحَ، اَللّٰهُمَّ كَمَا
مَنَنْتَ عَلَيَّ بِمَعْرِفَتِهِ فَاجْعَلْنِي مِنْ
شِيعَتِهِ، وَاَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِشَفَاعَتِهِ،
يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ.

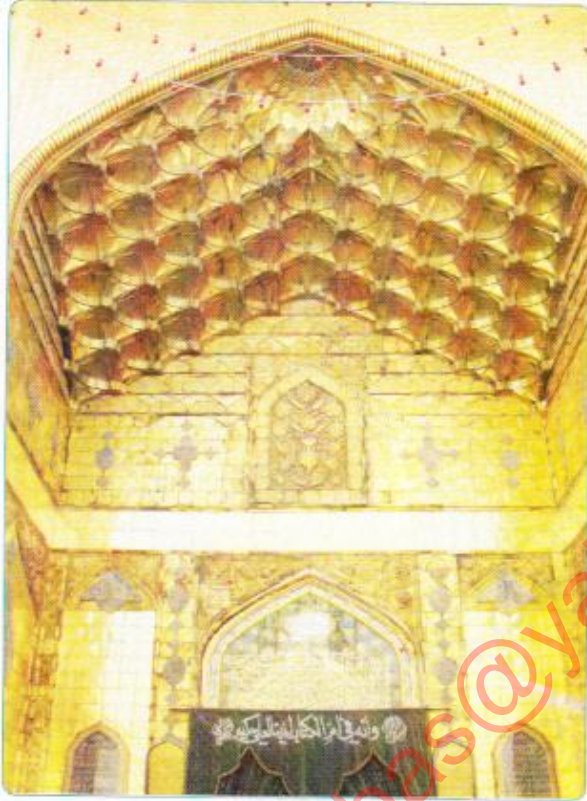




داخل صحن شو وبگو:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَكْرَمَنِي بِمَعْرِفَتِهِ وَمَعْرِفَةِ رَسُولِهِ، وَمَنْ فَرَضَ عَلَيَّ طَاعَتَهُ رَحْمَةً مِنْهُ لِي، وَتَطَوَّلَ مِنْهُ عَلَيَّ، وَمَنْ عَلَيَّ بِالْإِيمَانِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَدْخَلَنِي حَرَمَ أَخِي رَسُولِهِ، وَأَرَانِيهِ فِي عَافِيَةٍ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي مِنْ زُوَارِ قَبْرِ وَصِيِّ رَسُولِهِ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، جَاءَ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا عَبْدُ اللَّهِ وَأَخُو رَسُولِ اللَّهِ، اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى هِدَايَتِهِ وَتَوْفِيقِهِ لِمَا دَعَا إِلَيْهِ مِنْ سَبِيلِهِ، اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَفْضَلُ مَقْصُودٍ وَأَكْرَمُ مَأْتَى وَقَدْ أَتَيْتَكَ مُتَقَرِّبًا إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ، وَبِأَخِيهِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَلَا تَخَيِّبْ سَعْيِي، وَانْظُرْ إِلَى نَظَرَةٍ رَحِيمَةٍ تَنْعَشُنِي بِهَا، وَاجْعَلْنِي عِنْدَكَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ.





■ بر در رواقی بایست و بگو:

السَّلامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ

أَمِينِ اللَّهِ عَلَى وَحْيِهِ

وَعَزَائِمِ أَمْرِهِ

وَالْخَاتِمِ لِمَا سَبَقَ،

وَالْفَاتِحِ لِمَا اسْتَقْبَلَ،

وَالْمُهَيِّمِ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ

وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ.

السَّلامُ عَلَى صَاحِبِ السَّكِينَةِ،

السَّلامُ عَلَى الْمَدْفُونِ بِالْمَدِينَةِ،

السَّلامُ عَلَى الْمَنْصُورِ الْمُؤَيَّدِ،

السَّلامُ عَلَى أَبِي الْقَاسِمِ

مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ

وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ.

jabir.abbas@yahoo.com

■ با پای راست داخل رواق شو بر در حرم بایست و بگو:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ
لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ،
جَاءَ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِهِ وَصَدَّقَ الْمُرْسَلِينَ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ وَخَيْرَتَهُ مِنْ خَلْقِهِ،
السَّلَامُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَبْدِ اللَّهِ



وَإِخِي رَسُولَ اللَّهِ، يَا مُوَلَّائِي يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، عَبْدُكَ وَإِبْنُ عَبْدِكَ وَإِبْنُ أُمْتِكَ،
جَاءَكَ مُسْتَجِيرًا بِذِمَّتِكَ، قَاصِدًا إِلَى حَرَمِكَ، مُتَوَجِّهًا إِلَى مَقَامِكَ، مُتَوَسِّلًا إِلَى اللَّهِ
تَعَالَى بِكَ، أَدْخُلْ يَا مُوَلَّائِي، أَدْخُلْ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، أَدْخُلْ يَا حِبَّةَ اللَّهِ، أَدْخُلْ
يَا أَمِينَ اللَّهِ، أَدْخُلْ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ الْمُقِيمِينَ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ، يَا مُوَلَّائِي أَتَاذَنْ لِي
بِالدُّخُولِ أَفْضَلَ مَا أَذْنَتْ لِأَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ، فَإِنْ لَمْ أَكُنْ لَهُ أَهْلًا فَانْتَ أَهْلٌ لَذَلِكَ.

■ عتبه را بیوس و پای راست را جلو بگذار و بگو:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ،
اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَتُبْ عَلَيَّ، إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ



■ وارد شو و پیش از رسیدن به ضریح مطهر بایست و بگو:

السَّلَامُ مِنَ اللَّهِ عَلَى مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ آمِينَ اللَّهُ عَلَى وَحْيِهِ وَرِسَالَاتِهِ، وَعَزَائِمِ أَمْرِهِ
وَمُعَدِنِ الْوَحْيِ وَالتَّنْزِيلِ، الْخَاتِمِ لِمَا سَبَقَ، وَالْفَاتِحِ لِمَا اسْتَقْبَلَ، وَالْمُهَيِّمِ عَلَى
ذَلِكَ كُلِّهِ، الشَّاهِدِ عَلَى الْخَلْقِ، السَّرَاجِ الْمُنِيرِ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ،

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاهْلِ بَيْتِهِ الْمَظْلُومِينَ أَفْضَلَ وَأَكْمَلَ وَارْفَعْ وَأَشْرَفْ مَا صَلَّيْتَ
 عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَأَصْفِيَائِكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَبْدِكَ وَخَيْرِ
 خَلْقِكَ بَعْدَ نَبِيِّكَ، وَآخِي رَسُولِكَ، وَوَصِيِّ حَبِيبِكَ، الَّذِي انْتَجَبْتَهُ مِنْ خَلْقِكَ، وَالذَّلِيلِ
 عَلَى مَنْ بَعَثْتَهُ بِرِسَالَتِكَ، وَدَيَّانِ الدِّينِ بَعْدَ لِكَ، وَفَضْلِ قَضَائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ
 وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْإِمَّةِ مِنْ وَلَدِهِ الْقَوَّامِينَ بِأَمْرِكَ مِنْ بَعْدِهِ الْمُطَهَّرِينَ
 الَّذِينَ ارْتَضَيْتَهُمْ أَنْصَاراً لِدِينِكَ، وَحَفَظَةً لِسِرِّكَ، وَشُهَدَاءَ عَلَى خَلْقِكَ، وَأَعْلَاماً لِعِبَادِكَ،
 صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، السَّلَامُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَصِيِّ رَسُولِ اللَّهِ
 وَخَلِيفَتِهِ وَالْقَانِمِ بِأَمْرِهِ مِنْ نَعْدِهِ، سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَى فَاطِمَةَ
 بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ
 سَيِّدَيْ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ مِنَ الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ، السَّلَامُ عَلَى الْإِمَّةِ الرَّاشِدِينَ، السَّلَامُ
 عَلَى الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ، السَّلَامُ عَلَى الْإِمَّةِ الْمُسْتَوْدَعِينَ، السَّلَامُ عَلَى خَاصَّةِ اللَّهِ مِنْ
 خَلْقِهِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُتَوَسِّمِينَ، السَّلَامُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ قَامُوا بِأَمْرِهِ وَوَارَثُوا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ،
 وَخَافُوا بِخَوْفِهِمْ، السَّلَامُ عَلَى الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ

● زیارت پیش روی مبارک

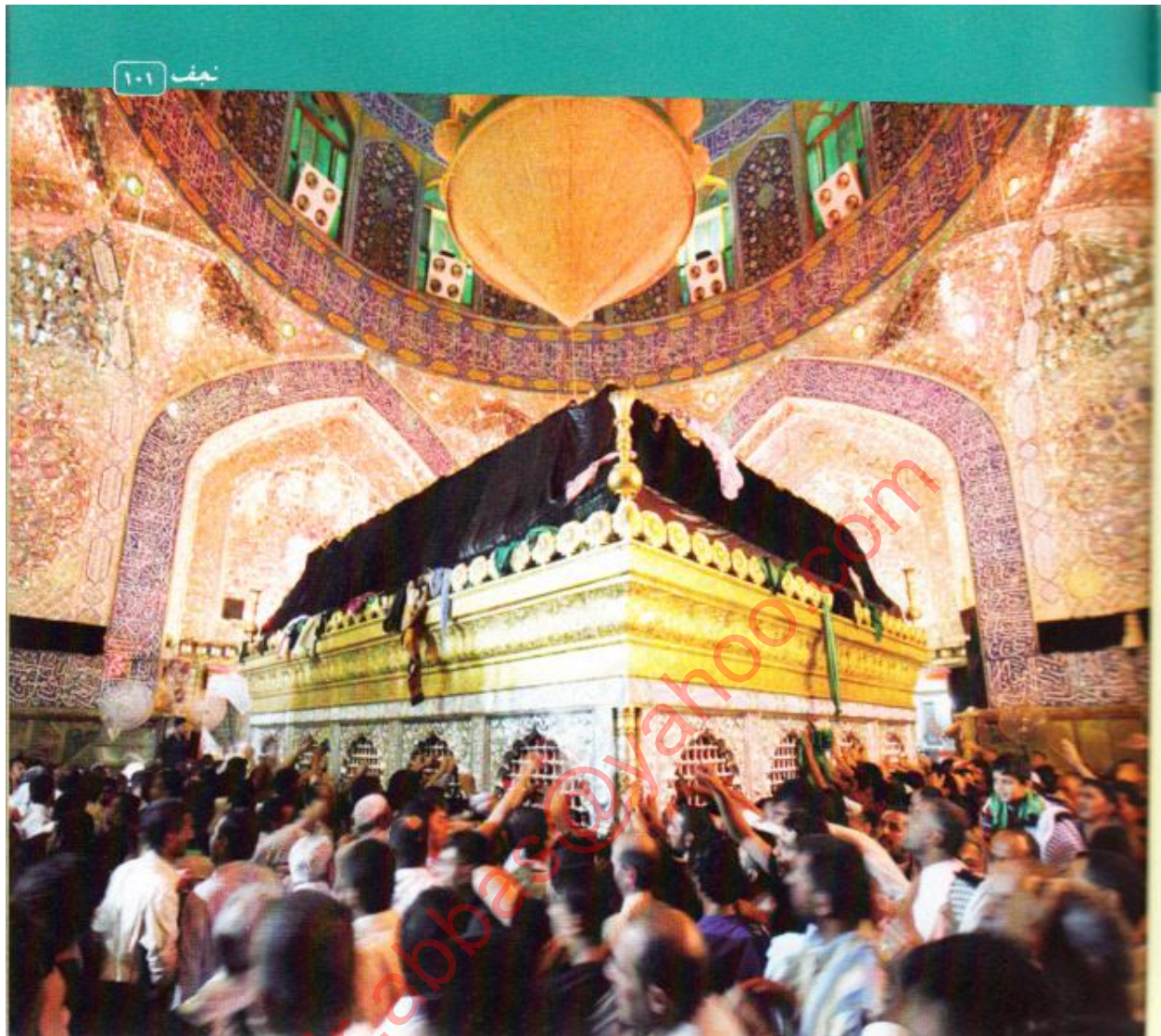
■ تا نزدیک ضریح مطهر برو و رو به روی آن، پشت به قبله بایست و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْهُدَى،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عِلْمَ التَّقَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَصِيُّ
الْبَرُّ التَّقِيُّ وَالتَّقِيُّ الْوَفِيُّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ
وَالْحُسَيْنِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عُمُودَ الدِّينِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا سَيِّدَ الْوَصِيِّينَ، وَأَمِينَ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَدَيَانَ يَوْمِ الدِّينِ،
وَخَيْرَ الْمُؤْمِنِينَ، وَسَيِّدَ الصَّدِيقِينَ، وَالصَّفْوَةَ مِنْ سُلَالَةِ
النَّبِيِّينَ، وَبَابَ حِكْمَةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَخَازِنَ وَحْيِهِ،
وَعَيْنَةَ عِلْمِهِ، وَالنَّاصِحَ لِأَمَّةٍ نَبِيَّهِ، وَالتَّالِيَ لِرِسُولِهِ،
وَالْمُوَاسِيَ لَهُ بِنَفْسِهِ، وَالنَّاطِقَ بِحُجَّتِهِ، وَالدَّاعِيَ إِلَى

شَرِيعَتِهِ، وَالْمَاضِيَ عَلَى سُنَّتِهِ، اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَشْهَدُ اَنْهُ قَدْ بَلَغَ
 عَنْ رَسُوْلِكَ مَا حُمِّلَ، وَرَعَى مَا اسْتَحْفِظَ، وَحَفِظَ مَا اسْتَوْدَعَ،
 وَحَلَّلَ حَلَالَكَ، وَحَرَّمَ حَرَامَكَ، وَاَقَامَ اَحْكَامَكَ، وَجَاهَدَ
 النَّاكِثِيْنَ فِي سَبِيْلِكَ، وَالْقَاسِطِيْنَ فِي حُكْمِكَ، وَالْمَارِقِيْنَ
 عَنْ اَمْرِكَ، صَابِرًا مُّحْتَسِبًا لَا تَأْخُذْهُ فِيْكَ لَوْمَةٌ لَّا نِهِمُ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ
 عَلَيْهِ اَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى اَحَدٍ مِنْ اَوْلِيَائِكَ وَاَصْفِيَائِكَ
 وَاَوْصِيَاءِ اَنْبِيَائِكَ، اَللّٰهُمَّ هَذَا قَبْرُ وَلِيِّكَ الَّذِي فَرَضْتَ طَاعَتَهُ،
 وَجَعَلْتَ فِيْ اَعْنَاقِ عِبَادِكَ مُبَايَعَتَهُ، وَخَلِيفَتَكَ الَّذِي بِهِ
 تَأْخُذُ وَتُعْطِي، وَبِهِ تُثِيبُ وَتُعَاقِبُ، وَقَدْ قَصَدْتَهُ طَمَعًا لِّمَا
 اَعَدَدْتَهُ لِّاَوْلِيَائِكَ، فَبِعَظِيْمِ قَدْرِهِ عِنْدَكَ، وَجَلِيْلِ خَطَرِهِ لَدَيْكَ،
 وَقُرْبِ مَنْزِلَتِهِ مِنْكَ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ، وَاَفْعَلْ
 بِيْ مَا اَنْتَ اَهْلُهُ فَاِنَّكَ اَهْلُ الْكَرَمِ وَالْجُودِ وَالسَّلَامِ عَلَيْكَ
 يَا مَوْلَايَ وَعَلَى ضَجِيعِيْكَ اٰدَمَ وَنُوْحَ وَرَحْمَةَ اللّٰهِ وَبَرَكَاتِهِ.

■ پس ضریح را ببوس و بالا سر مبارک بایست و بگو:

یا مولای الیک وفودی، ویک اتوسل الی ربی فی بلوغ مقصودی، وأشهد أن المتوسل بک
غیر خائب، والطالب بک عن معرفة غیر مردود الإبقاء، حوائجہ، فکن لی شفیعاً الی اللہ ربک
وربی فی قضاء حوائجی، وتيسير أموری، وكشف شدتی، وغفران ذنبی، وسعة رزقی، وتطویل
عمری، وإعطاء سؤلی فی آخرتی ودنیای، اللهم العن قتلة أمير المؤمنين، اللهم العن قتلة
الحسن والحسين، اللهم العن قتلة الأنمة وعذبهم عذاباً الیماً لا تعذبہ أحداً من العالمین،
عذاباً کثیراً لا انقطاع له ولا أجل ولا أمد بما شاقوا ولادة امرک، وأعد لهم عذاباً لم تحله
بأحد من خلقک، اللهم وأدخل علی قتلة أنصار رسولک، وعلی قتلة أمير المؤمنين، وعلی
قتلة الحسن والحسين، وعلی قتلة أنصار الحسن والحسين، وقتلة من قتل فی ولایة آل
محمد أجمعین عذاباً الیماً مضاعفاً فی أسفل درک من الجحیم، لا یخفف عنهم العذاب وهم
فیه مبلسون ملعونون، ناکسوا رؤوسهم عند ربهم، قد عاینوا الندامة والخزی الطویل لقتلهم
عترۃ أنبیانک ورسلک وأتباعهم من عبادک الصالحین، اللهم العنهم فی مستسر السر، وظاهر
العلانية فی أرضک وسمانک، اللهم اجعل لی قدم صدق فی أولیانک، وحب الی مشاهدہم
ومستقرهم حتی تلحقنی بهم، وتجعلنی لهم تبعاً فی الدنیا والآخرة، یا أرحم الراحمین



■ ضريح مطهر را بیوس و رو به جانب کربلا - قبر امام حسین (ع) - پشت به قبله بایست و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ فَاطِمَةَ
الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْأَنْمَةِ
الْهَادِيْنَ الْمُهْدِيْنَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَرِيحَ الدَّمْعَةِ السَّكْبَةِ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الْمُصِيبَةِ الرَّاتِبَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ
وَعَلَى جَدِّكَ وَأَبِيكَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى أُمِّكَ وَأَخِيكَ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَنْمَةِ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ وَبَنِيكَ، أَشْهَدُ لَقَدْ
طَيَّبَ اللَّهُ بِكَ التُّرَابَ، وَأَوْضَحَ بِكَ الْكِتَابَ، وَجَعَلَكَ وَأَبَاكَ
وَجَدَّكَ وَأَخَاكَ وَبَنِيكَ عِبْرَةً لَأُولَى الْأَلْبَابِ، يَا بْنَ الْمِيَامِينَ
الْأَطْيَابِ، الثَّالِيْنَ الْكِتَابَ، وَجَهْتَ سَلَامِي إِلَيْكَ، صَلَوَاتُ
اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْكَ، وَجَعَلَ أَفْنَدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْكَ،
مَآخَابَ مَنْ تَمَسَّكَ بِكَ وَلَجَا إِلَيْكَ.

■ پایین پای مبارک برو و بگو:

السَّلَامُ عَلَى أَبِي الْأَنْمَةِ، وَخَلِيلِ النُّبُوَّةِ، وَالْمَخْصُوصِ بِالْأَخُوَّةِ، السَّلَامُ عَلَى
يَعْسُوبِ الدِّينِ وَالْإِيْمَانِ، وَكَلِمَةِ الرَّحْمَنِ، السَّلَامُ عَلَى مِيزَانِ الْأَعْمَالِ، وَمَقْلَبِ الْأَحْوَالِ،
وَسَيْفِ ذِي الْجَلَالِ، وَسَاقِي السَّلْسَبِيلِ الزَّلَالِ، السَّلَامُ عَلَى صَالِحِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ
عِلْمِ النَّبِيِّينَ، وَالْحَاكِمِ يَوْمَ الدِّينِ، السَّلَامُ عَلَى شَجَرَةِ التَّقْوَى، وَسَامِعِ السِّرِّ وَالنَّجْوَى،
السَّلَامُ عَلَى حُجَّةِ اللَّهِ الْبَالِغَةِ، وَنِعْمَتِهِ السَّابِقَةِ، وَنِقْمَتِهِ الدَّامِغَةِ، السَّلَامُ عَلَى
الصُّرَاطِ الْوَاضِحِ، وَالنَّجْمِ الْأَنْحِ، وَالْإِمَامِ النَّاصِحِ، وَالزَّنَادِ الْقَادِحِ، وَرَحْمَةِ اللَّهِ
وَبَرَكَاتِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ أَخِي نَبِيِّكَ وَوَلِيِّهِ وَنَاصِرِهِ
وَوَصِيِّهِ وَوَزِيرِهِ، وَمُسْتَوْدِعِ عِلْمِهِ، وَمَوْضِعِ سِرِّهِ، وَبَابِ حِكْمَتِهِ، وَالنَّاطِقِ بِحُجَّتِهِ،
وَالدَّاعِي إِلَى شَرِيعَتِهِ، وَخَلِيفَتِهِ فِي أُمَّتِهِ، وَمُفْرِجِ الْكَرْبِ عَنْ وَجْهِهِ، قَاصِمِ الْكُفْرَةِ،
وَمُرْغِمِ الْفَجْرَةِ الَّذِي جَعَلْتَهُ مِنْ نَبِيِّكَ بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى، اللَّهُمَّ وَالِ مِنْ وَالِدِهِ،
وَعَادٍ مِنْ عَادِهِ، وَانْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ، وَاخْذَلْ مَنْ خَذَلَهُ، وَالْعَنْ مَنْ نَصَبَ لَهُ مِنَ الْأَوَّلِينَ
وَالْآخِرِينَ، وَصَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْصِيَائِ أَنْبِيَائِكَ، يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ.

• زیارت آدم ونوح علیهما السلام

■ به جانب بالای سر مبارک برگرد برای زیارت آدم ونوح علیهما السلام و در زیارت آدم علیهما السلام بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا أَبَا الْبَشَرِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ، وَعَلَى
الطَّاهِرِينَ مِنْ وَلَدِكَ وَذُرِّيَّتِكَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ صَلَاةً
لَا يَحْصِيهَا إِلَّا هُوَ وَرَحْمَةً اللَّهُ وَبَرَكَاتِهِ.

■ و در زیارت نوح علیهما السلام بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفِيَّ اللَّهِ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَيْخَ الْمُرْسَلِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ
فِي أَرْضِهِ، صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْكَ وَعَلَى رُوحِكَ
وَبَدَنِكَ، وَعَلَى الطَّاهِرِينَ مِنْ وَلَدِكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

■ سپس دو رکعت نماز زیارت امیرالمؤمنین ؑ بخوان؛ در رکعت اول بعد از حمد، سورہ الرحمن،
و در رکعت دوم بعد از حمد سورہ یس را قرائت کن و بعد از سلام، تسبیح حضرت زہراء ؑ بہ جای
آور و از خدا طلب آمرزش نما و برای خودت دعا کن و بگو:

اللّٰهُمَّ اِنِّی صَلَّیْتُ هَاتِئِنِ الرَّكْعَتَيْنِ هَدِیَّةً مِنْیْ اِلَی سَیِّدِی
وَمَوْلَایْ وَلِیِّکَ، وَاخِی رَسُوْلَکَ اَمِیرِ الْمُؤْمِنِیْنَ، وَسَیِّدِ
الْوَصِیِّیْنَ، عَلِیِّ بْنِ اَبِی طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَیْهِ وَعَلٰی
آلِہٖ، اَللّٰهُمَّ فَصِّلْ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتَقَبَّلْهَا مِنْیْ،
وَاجْزِنِیْ عَلٰی ذٰلِکَ جَزَاءَ الْمُحْسِنِیْنَ، اَللّٰهُمَّ لَکَ صَلَّیْتُ،
وَلَکَ رَکْعَتٌ، وَلَکَ سَجْدَتٌ، وَحَدَّکَ لَا شَرِیْکَ لَکَ،
لَا اَنْہَ لَا تَکُوْنُ الصَّلَاةُ وَالرُّکُوْعُ وَالسُّجُوْدُ اِلَّا لَکَ،
لَا اَنْتَ اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتَقَبَّلْ مِنْیْ زِیَارَتِیْ، وَاعْطِنِیْ
سُؤْلِیْ بِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَآلِہِ الطَّاهِرِیْنَ



jabir.abbas@yahoo.com

■ دو رکعت نماز نیز هدیه به حضرت آدم علیه السلام و دو رکعت هم هدیه به حضرت نوح علیه السلام بخوان:
آن گاه سجده شکر به جای آور و در سجده بگو:

اَللّٰهُمَّ اِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ، وَبِكَ اعْتَصَمْتُ، وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ،
اَللّٰهُمَّ اَنْتَ ثِقَّتِي وَرَجَانِي فَاكْفِنِي مَا اَهَمَّنِي وَمَا لَا يَهْمُنِي،
وَمَا اَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ مِنِّي، عَزَّ جَارُكَ، وَجَلَّ ثَنَاؤُكَ، وَلَا اِلَهَ غَيْرُكَ،
صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَقَرِّبْ فَرَجَهُمْ

■ بعد گونه راست را بر زمین بگذار و بگو:

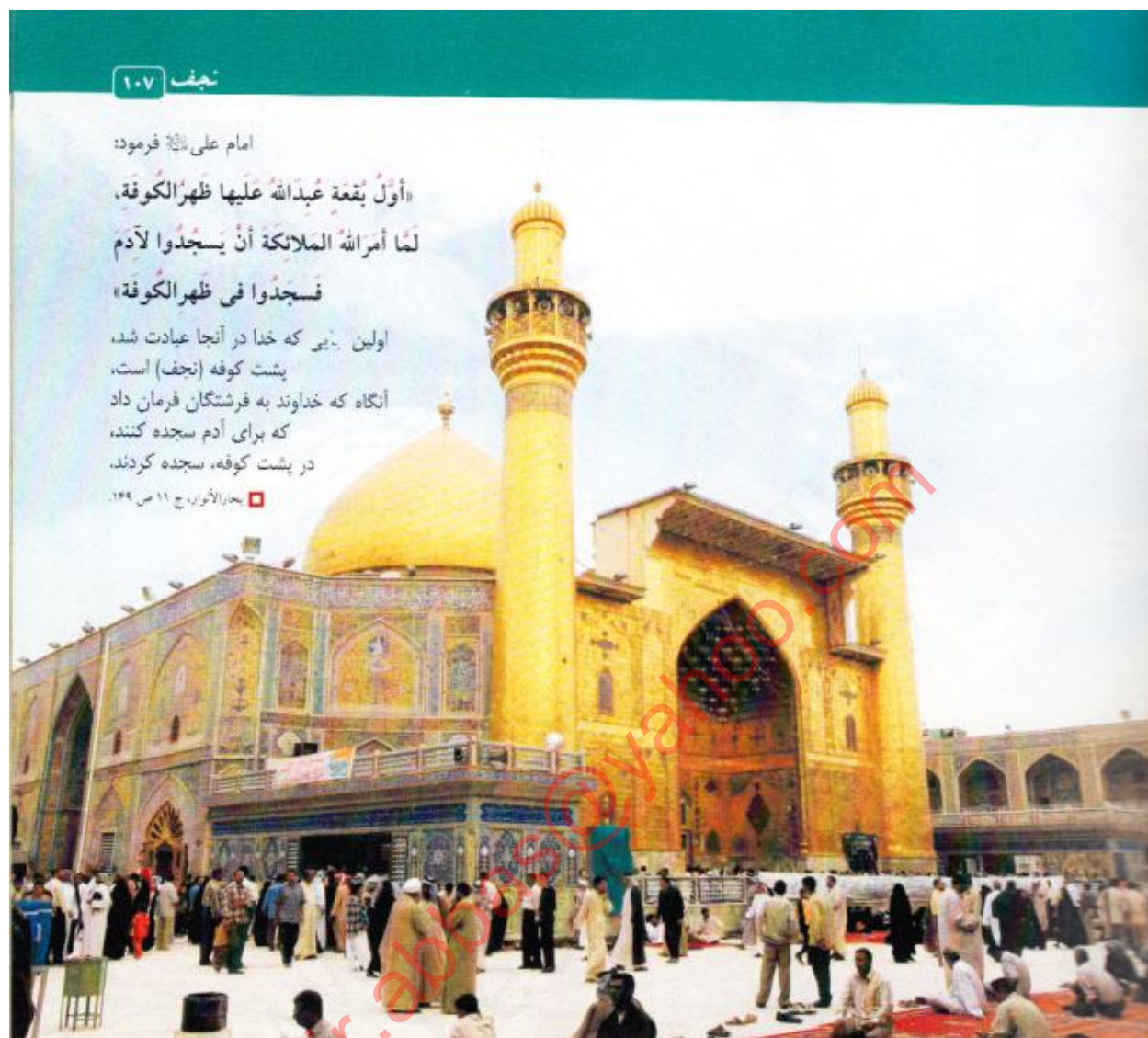
اِرْحَمْ ذُلِّي بَيْنَ يَدَيْكَ، وَتَضَرَّعِي اِلَيْكَ، وَوَحْشَتِي مِنَ النَّاسِ،
وَاُنْسِي بِكَ، يَا كَرِيْمُ يَا كَرِيْمُ،

■ سپس گونه چپ را بر زمین بگذار و بگو:

لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ رَبِّي حَقًّا حَقًّا، سَجَدْتُ لَكَ يَا رَبِّ تَعَبُّدًا وَرِقًّا،
اَللّٰهُمَّ اِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ لِي، يَا كَرِيْمُ يَا كَرِيْمُ يَا كَرِيْمُ

■ پس دوباره سجده کن و صد مرتبه بگو: شُكْرًا!
و بسیار استغفار کن که این جا محل آمرزش گناهان است؛
حاجات خود را طلب نما که مقام استجاب دعاهاست.

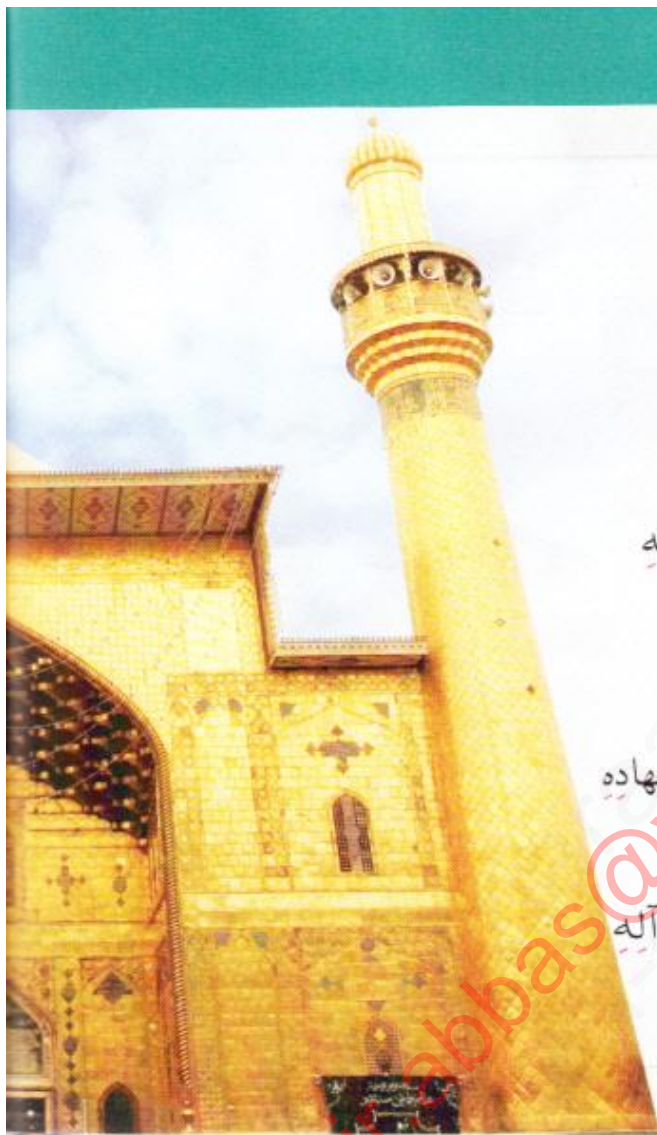




• زیارت امین الله

■ روایت شده از جابر از امام محمد باقر علیه السلام :
امام زین العابدین علیه السلام به زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام آمد،
نزد قبر آن حضرت ایستاد، گریست و گفت:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ
وَحُجَّتَهُ عَلَى عِبَادِهِ
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ
أَشْهَدُ أَنَّكَ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ
وَعَمِلْتَ بِكِتَابِهِ
وَاتَّبَعْتَ سُنَنَ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
حَتَّى دَعَاكَ اللَّهُ إِلَى جِوَارِهِ



فَقَبِّضْكَ إِلَيْهِ بِاخْتِيَارِهِ
وَالْزِمْ أَعْدَانِكَ الْحُجَّةَ
مَعَ مَالِكَ مِنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَةِ
عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ
اَللّٰهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي مُطْمَئِنَّةً بِقُدْرِكَ
رَاضِيَةً بِقَضَائِكَ
مُوَلَّعَةً بِذِكْرِكَ وَدُعَائِكَ
مُحِبَّةً لِّصَفْوَةِ أَوْلِيَائِكَ
مُحِبُّوبَةً فِي أَرْضِكَ وَسَمَائِكَ
صَابِرَةً عَلَى نَزْوِلِ بَلَائِكَ
شَاكِرَةً لِّفَوَاضِلِ نِعْمَائِكَ





ذَکِرَةٌ لِّسَوَابِغِ آلَانِكَ
مُشْتَاقَّةٌ إِلَى فَرَحَةٍ لِّقَائِكَ
مُتَزَوِّدَةٌ تَقْوَى لِيَوْمِ جَزَائِكَ
مُسْتَنَّةٌ بِسُنَنِ أَوْلِيَاءِكَ
مُفَارِقَةٌ لِإِخْلَاقِ أَعْدَائِكَ
مُشْغُولَةٌ عَنِ الدُّنْيَا بِحَمْدِكَ وَثَنَائِكَ.

■ سپس امام سجاد (ع) گونه‌اش را بر قبر نهاد و فرمود:

اللَّهُمَّ إِنَّ قُلُوبَ الْمُحِبِّينَ إِلَيْكَ وَالْهَمَّةُ
وَسُبُلَ الرَّاعِبِينَ إِلَيْكَ شَارِعَةٌ
وَأَعْلَامُ الْقَاصِدِينَ إِلَيْكَ وَاضِحَةٌ
وَأَفْنِدَةُ الْعَارِفِينَ مِنْكَ فَازِعَةٌ

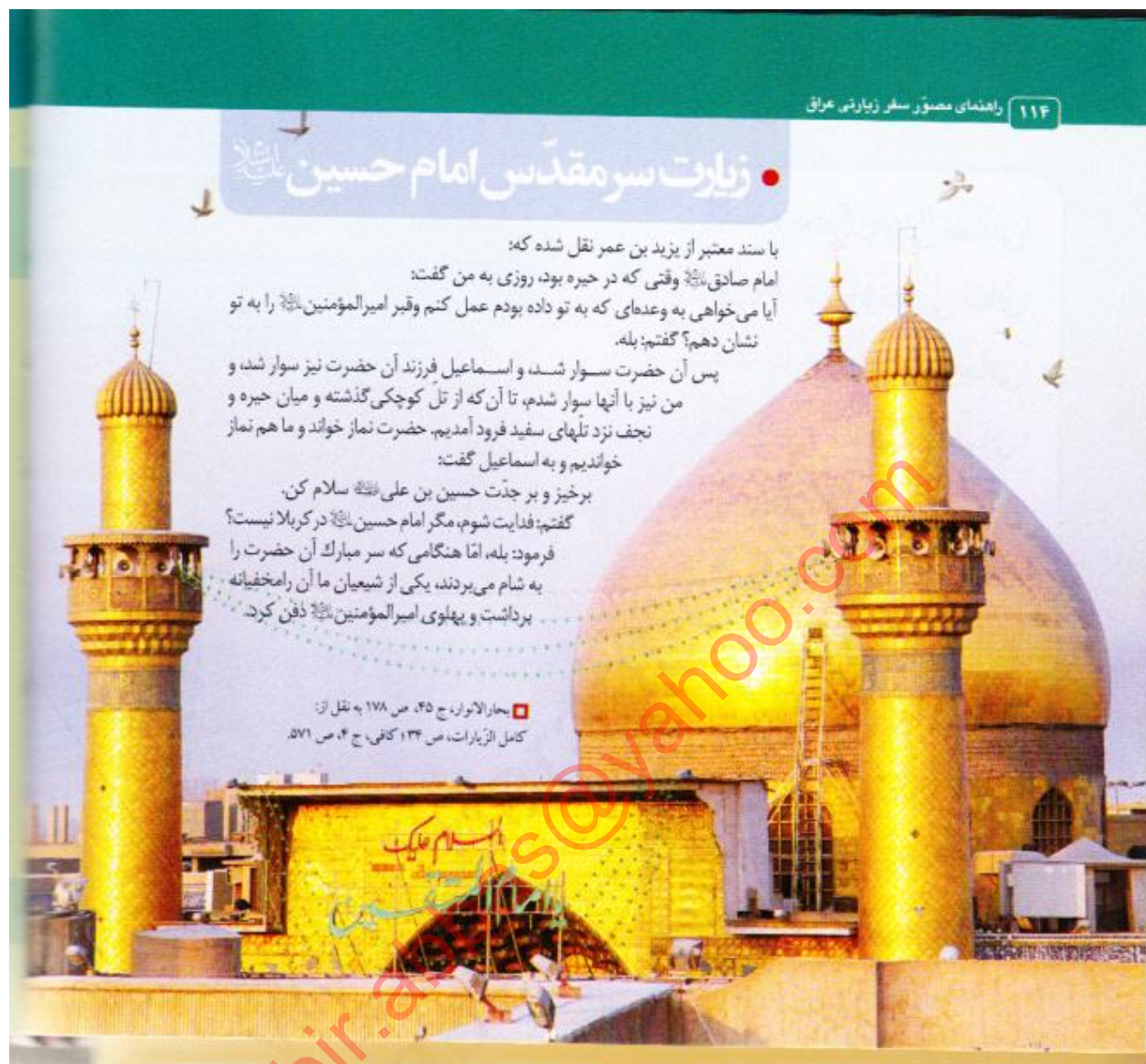
وَأَصْوَاتِ الدَّاعِينَ إِلَيْكَ صَاعِدَةً
 وَأَبْوَابِ الْأَجَابَةِ لَهُمْ مُفَتَّحَةً
 وَدَعْوَةَ مَنْ نَاجَاكَ مُسْتَجَابَةً
 وَتَوْبَةَ مَنْ أَنَابَ إِلَيْكَ مَقْبُولَةً
 وَعِبْرَةَ مَنْ بَكَى مِنْ خَوْفِكَ مَرْحُومَةً
 وَالْإِغَاثَةَ لِمَنْ اسْتَعَاثَ بِكَ مَوْجُودَةً
 وَالْإِعَانَةَ لِمَنْ اسْتَعَانَ بِكَ مَبْذُولَةً
 وَعِدَاتِكَ لِعِبَادِكَ مُنْجِزَةً
 وَزَلَّلَ مَنْ اسْتَقَالَكَ مُقَالَةً
 وَأَعْمَالَ الْعَامِلِينَ لَدَيْكَ مَحْفُوظَةً
 وَأَرْزَاقَكَ إِلَى الْخَلَائِقِ مِنْ لَدُنْكَ نَازِلَةً



وَعَوَّانِدَ الْمَزِيدِ إِلَيْهِمْ وَاصِلَةً
وَذُنُوبَ الْمُسْتَغْفِرِينَ مَغْفُورَةً
وَحَوَائِجَ خَلْقِكَ عِنْدَكَ مَقْضِيَّةً
وَجَوَائِزَ السَّائِلِينَ عِنْدَكَ مُوفَّرَةً
وَعَوَّانِدَ الْمَزِيدِ مُتَوَاتِرَةً
وَمَوَائِدَ الْمُسْتَطْعِمِينَ مُعَدَّةً
وَمَنَاهِلَ الظَّمَاءِ مُتَرَعَّةً
اللَّهُمَّ فَاسْتَجِبْ دُعَائِي
وَاقْبَلْ ثَنَائِي
وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ أَوْلِيَائِي
بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ

اِنَّكَ وَلِيُّ نَعْمَانِي
وَمُنْتَهَى مُنَايَ
وَعَايَةِ رَجَانِي
فِي مُنْقَلَبِي وَمُثْوَايَ
اَنْتَ اِلٰهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ
اغْفِرْ لْأَوْلِيَآئِنَا
وَكُفِّ عَنَّا اَعْدَاؤِنَا
وَأَشْغَلْهُمْ عَنْ أَدَانَا
وَأَظْهَرِ كَلِمَةَ الْحَقِّ وَاجْعَلْهَا الْعُلْيَا
وَأَدْحِضْ كَلِمَةَ الْبَاطِلِ وَاجْعَلْهَا السُّفْلَى
اِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

jabir.abbas@yahoo.com



■ در حدیث معتبر دیگر از آن حضرت نقل شده است: در کوفه قبر نوح، ابراهیم، سید و هفتاد پیغمبر، ششصد و سی پیغمبر و قبر بهترین اوصیای پیغمبران یعنی امیرالمؤمنین علیه السلام قرار دارد. در مستدرک، از محمد ابن المشهدی نقل شده است: امام صادق علیه السلام نزد سر امیرالمؤمنین علیه السلام، سر امام حسین علیه السلام و زیارت کرد و چهار رکعت نماز خواند. زیارت این است:

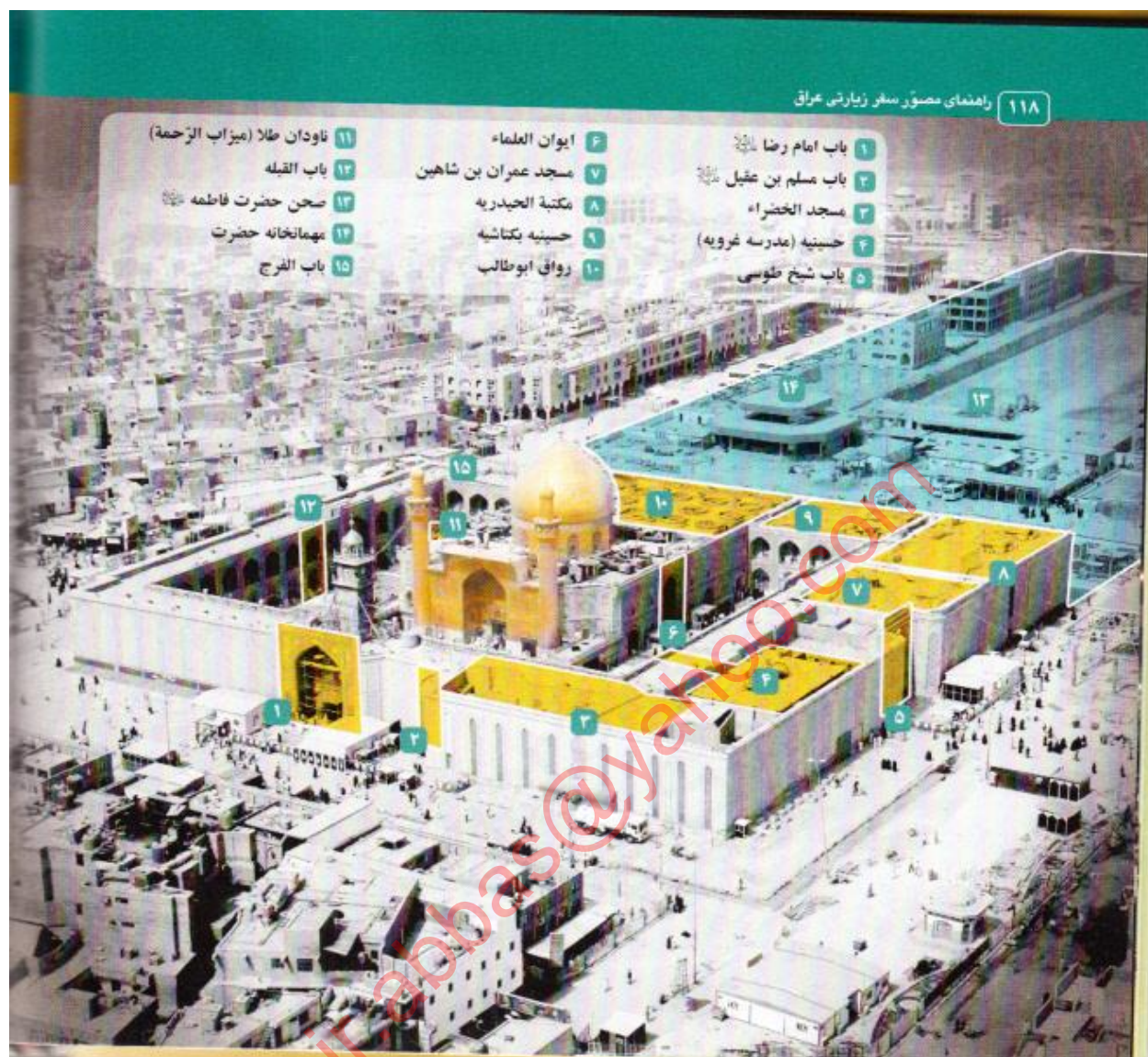
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا بْنَ الصَّدِيقَةِ الطَّاهِرَةِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ
وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ،
وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَتَلَوْتَ الْكِتَابَ حَقَّ تِلَاوَتِهِ، وَجَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ، وَصَبَرْتَ
عَلَى الْأَذَى فِي جَنْبِهِ، مُحْتَسِباً حَتَّى أَتِيَكَ الْيَقِينُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ الَّذِينَ خَالَفُوكَ وَحَارَبُوكَ
وَأَنَّ الَّذِينَ خَذَلُوكَ وَالَّذِينَ قَتَلُوكَ مَلْعُونُونَ عَلَى لِسَانِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ، وَقَدْ خَابَ مِنْ
اِفْتَرَى، لَعَنَ اللَّهُ الظَّالِمِينَ لَكُمْ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، وَضَاعَفَ عَلَيْهِمُ الْعَذَابَ الْآلِيمَ،
أَتَيْتُكَ يَا مَوْلَايَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ زَائِراً عَارِفاً بِحَقِّكَ، مُوَالِياً لِأَوْلِيَائِكَ، مُعَادِياً لِأَعْدَائِكَ،
مُسْتَبْصِراً بِالْهُدَى الَّتِي أَنْتَ عَلَيْهَا، عَارِفاً بِضَلَالَةِ مَنْ خَالَفَكَ، فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ.

◀ این زیارت را در «مسجد حنانه» نیز می‌توانند بخوانند.
چرا که امام صادق علیه السلام در آنجا نیز سر مقدس امام حسین علیه السلام را به همین کیفیت زیارت کرده‌اند (ص ۱۳۶).

• زیارت وداع امیر المؤمنین علیہ السلام

ہنگام وداع با حضرت ابن زیارت را بخوان:

السلام علیک ورحمة اللہ وبرکاتہ، استودعک اللہ واسترعیک وأقرأ علیک السلام، آمنا باللہ وبالرسل وبما جاءت به ودعت الیہ ودلت علیہ فاکتبنامع الشاہدین، اللہم لاتجعلہ آخرالعہد من زیارتی ایاءہ، فان توفیتنی قبل ذلک فانی أشہد فی مماتی علی ما شہدت علیہ فی حیاتی، أشہد ان امیر المؤمنین علیاً والحسن، والحسین، وعلی بن الحسین، ومحمد بن علی، وجعفر بن محمد، وموسی بن جعفر، وعلی بن موسی، ومحمد بن علی، وعلی بن محمد، والحسن بن علی والحجۃ بن الحسن صلواتک علیہم اجمعین انمتی، وأشہد ان من قتلہم وحاربہم مشرکون، ومن رد علیہم فی أسفل درک من الجحیم، وأشہد ان من حاربہم لنا أعداء ونحن منهم برءاء، وانہم حزب الشیطان، وعلی من قتلہم لعنة اللہ والملائکۃ والناس اجمعین، ومن شرک فیہم ومن سرہ قتلہم اللہم انی اسألك بعد الصلاۃ والتسلیم ان تصلى علی محمد وعلی وفاطمۃ والحسن والحسین وعلی ومحمد وجعفر وموسی وعلی ومحمد وعلی والحسن والحجۃ، ولاتجعلہ آخرالعہد من زیارتہ فان جعلتہ فاحشرنی مع هؤلاء المسمین الائمة، اللہم وذل قلوبنا لہم بالطاعة والمناصحة والمحبة وحسن الموازرة والتسلیم

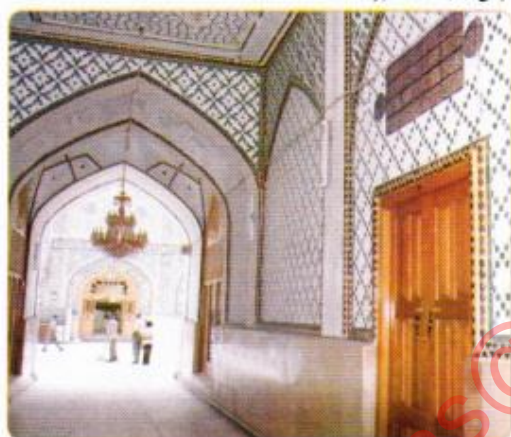


• مساجد و اماکن موجود در آستان مقدس امیرالمؤمنین (علیه السلام)

۱ مسجد عمران بن شاهین

این مسجد از قدیمی ترین مساجد نجف می باشد که در شمال صحن مطهر واقع شده و اکنون جزئی از حرم محسوب می شود. عمران، در دوران حکومت عضدالدوله در عراق علیه وی قیام کرد اما شکست خورد. پس از شکست، نذر کرد که چنانچه عضدالدوله او را ببخشد، رواقی در حرم امیرالمؤمنین (علیه السلام) بنا کند. عضدالدوله او را بخشید و عمران هم به نذرش وفا کرد و در اواسط قرن چهارم این رواق را بنا نهاد. این رواق، به مسجد تبدیل شد و درب ورودی آن طرف سمت راست راهروی

ورودی باب شیخ طوسی قرار دارد. در گذشته مسجد درب دیگری نیز داشته است که از ایوان مقابل ایوان العلماء به مسجد باز می شده اما بر اثر تغییر بنای حرم، این مکان از رواق بودن خارج و به «مسجد عمران بن شاهین» مشهور شد و تا سقوط صدام همچنان متروکه بود. در بازسازی های اخیر، آن را بصورت شستنی مجلل درآورده اند. بزرگانی چون آیه الله العظمی سید محمد کاظم یزدی صاحب «عروة الوثقی» علامه سید محمد کاظم مقدس و شیخ محمد باقر قمی و برخی دیگر از علما در آن جا به خاک سپرده شده اند.



راهنمای ورودی باب شیخ طوسی - شمال حرم مطهر
سمت راست - درب ورودی مسجد عمران بن شاهین دیده می شود.

این ایوان اکنون حجره ای از صحن محسوب می شود که مقبره مرحوم سید محمد کاظم یزدی - صاحب «عروة الوثقی» - در آن قرار دارد.

مسجد الرأس

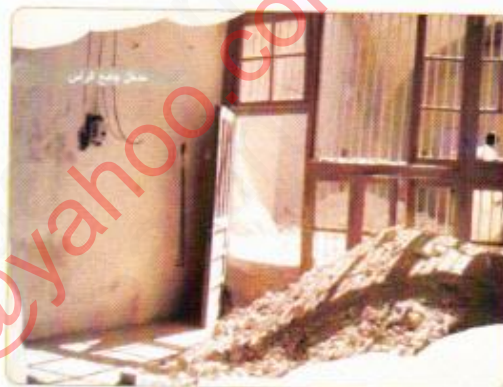


در توسعه جدید ۱۲۰۰۰ مترمربع - که گنجایش ۱۰۰۰ نمازگزار را دارد - به حرم اضافه می‌شود. پشت بام ساختمان توسعه جدید را ۱۴ گنبد فیروزه‌ای به نیت ۱۴ معصوم علیهم‌السلام پوشش داده‌اند که جلوه خاصی به نمای بیرونی حرم داده است.



این مسجد در غرب صحن مطهر و متصل به رواق بنا شده و هم‌اکنون در طرح توسعه حرم مطهر قرار دارد. در نام گذاری مسجد دو احتمال بیان شده است: ۱ - موقعیت این مسجد؛ که در مقابل سر مبارک حضرت قرار دارد. ۲ - روایتی از امام صادق علیه‌السلام رسیده که دلالت بر دفن سرمقدس امام حسین علیه‌السلام در این مکان دارد؛ مانند روایت سلام دادن امام صادق علیه‌السلام به همراه فرزندش اسماعیل، بر امام حسین علیه‌السلام پس از نماز خواندن بر جثشان حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام در نجف.

درباره کیفیت انتقال سرمقدس به این مکان، از قول امام صادق علیه‌السلام چنین نقل شده است: یکی از دوستان اهل بیت علیهم‌السلام در شام، آن را سرقت کرد و به کنار قبر حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام آورد. در روایتی دیگر آمده است: پس از آنکه سرمقدس مدتی در دمشق بود، به کوفه نزد این زیاد برگردانده شد و او از ترس شورش مردم، دستور داد که آن را از کوفه خارج کرده و در نزد قبر پدرش حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام دفن کنند.



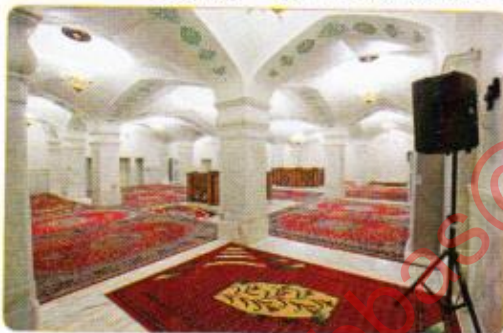
۱. بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۱۷۸ به نقل از: کامل الزیارات، ص ۳۴؛ کافی، ج ۴، ص ۵۷۱. ۲. بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۱۴۵. ۳. همان، ص ۱۷۸.

۱ حسینیه صحن شریف

این حسینیه در قسمت شمال صحن مطهر واقع شده و درب آن از ایوان سوم از زاویه شمال شرقی باز می‌شود. بنای آن را سید محسن زینی از خیرین نجف ساخته است. این بنا برای نماز، مراسم و استراحت زائران حضرت ساخته شده و دارای وضوخانه بوده است.



سالها این بنا بصورت خرابه‌ای متروکه مانده بوده و بعد از سقوط رژیم خونخوار صدام، آستان مقدس، زیر نظر آیه الله العظمی سیستانی اقدام به تکمیل آن کرده و هم اکنون آماده بهره برداری است.



۲ مسجد الخضراء

این مسجد در ضلع شرقی صحن مطهر واقع شده و دو درب دارد که یکی داخل صحن (سومین ایوان سمت راست باب مسلم بن عقیل) و دیگری بیرون صحن قرار دارد. این مسجد محل تدریس آیه الله العظمی خویی بوده و هم اکنون دیوار حائل مابین مقبره ایشان (حجره ۳۶) و مسجد را برداشته و آن را با پنجره‌ای مشبک پوشش داده‌اند.



◀ درب ورودی مسجد الخضراء، مشرف به صحن مطهر.

۵ ایوان العلماء

این ایوان در وسط ضلع شمالی رواق مطهر واقع شده است. از آن جا که عده‌ای از علمای بزرگ در آن جا مدفون هستند، نام «ایوان العلماء» بر آن نهاده‌اند. از جمله این بزرگان:

- مولی علی نقی کمره‌ای فراهانی، متوفای سال ۱۰۶۰ هـ. ق.
- سید شرف‌الدین اعرجی، متوفای اواخر قرن ۱۱ هـ. ق.
- شیخ احمد جزائری، متوفای سال ۱۱۵۱ هـ. ق.
- سید مرتضی اعرجی، متوفای ۱۱۶۵ هـ. ق.
- میرزا علی رضا اردکانی شیرازی، متوفای سال ۱۱۶۶ هـ. ق.
- سید عبدالباقی خاتون آبادی، متوفای ۱۲۰۷ هـ. ق.
- شیخ ملا محمد مهدی نراقی، متوفای سال ۱۳۰۹ هـ. ق.
- سلیمان بن داود حلی، متوفای سال ۱۳۱۱ هـ. ق.
- شیخ احمد نراقی (فرزند شیخ ملا محمد مهدی)، متوفای ۱۳۴۵ هـ. ق.
- میر محمد باقر هزار جریبی، متوفای سال ۱۳۴۵ هـ. ق.
- سید علی داماد، متوفای سال ۱۳۳۶ هـ. ق.
- شیخ علی فرطوسی، متوفای سال ۱۳۷۱ هـ. ق.



سید علی داماد
متوفی ۱۳۳۶ هـ. ق.



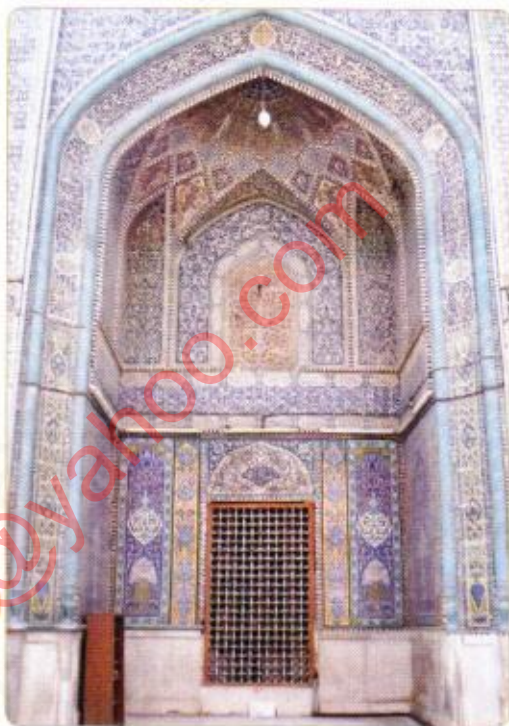
ملا احمد نراقی
صاحب کتاب معراج السعاده



ملا محمد مهدی نراقی
صاحب کتاب جامع السعادات

تکیه بکتاشیه

این تکیه در شمال مسجد الرأس و ضلع غربی حرم مطهر واقع شده است که دارای ۳ در می‌باشد؛ ۲ در به ایوان‌های داخل صحن باز می‌شود و یک در به ضلع غربی بیرون حرم.



jabir.abbas@yahoo.com

مدرسه علوم دینی

مقام امام صادق



این مقام نزدیک درب مسجد الرأس و سمت چپ کسی است که از باب الفرج (درب جنوب غربی حرم) وارد می‌شود. روایت شده که امام صادق علیه السلام هنگامی که به زیارت جدش امیرالمؤمنین علیه السلام آمده بود، در این جا نماز خواند و فرزندش اسماعیل هم او را همراهی می‌کرد. این بنا در حدود ۵۰ سال پیش از این، دایر بوده، گنبد سفیدی بر فراز آن بوده و وسعتی برابر ۱۰۰ مترمربع داشته است، اما اکنون از این مقام، اثری باقی نمانده و در قسمت توسعه حرم قرار گرفته است.

در طبقه فوقانی صحن مطهر ۵۲ حجره وجود دارد که هر حجره، ایوانی مشرف به صحن دارد و پشت هر حجره هم راهرویی قرار دارد که به پله‌ها منتهی می‌شود. این حجره‌ها مکان درس و سکونت طلاب بوده است.

آنچه تاریخ ساختمان قبلی حرم مطهر برای ما بازگو می‌کند آن است که اتفاقی در حرم وجود داشته که علمایی چون مقدس اردبیلی در آن زیست کرده‌اند و مدرسه‌هایی که در آن تدریس داشته و تالیفاتشان را نیز در آنجا به انجام رسانده‌اند.

پس از انتفاضه مردم عراق (صفر ۱۳۷۷ هـ. ق)، رژیم بعثی با هدف نابودی حوزه‌های علمیه، اقدام به اخراج طلاب از این حجره‌ها نمود و از آن تاریخ تاکنون، این حجره‌ها همچنان خالی مانده است.



jabir.abbas@yahoo.com

۱ موضع الاصبغین

این مکان که در ضریح مطهر، مقابل صورت امام قرار دارد، از اماکن شریف محسوب می‌شود و دارای خصوصیت بزرگی است. درباره این مکان چنین گفته‌اند:

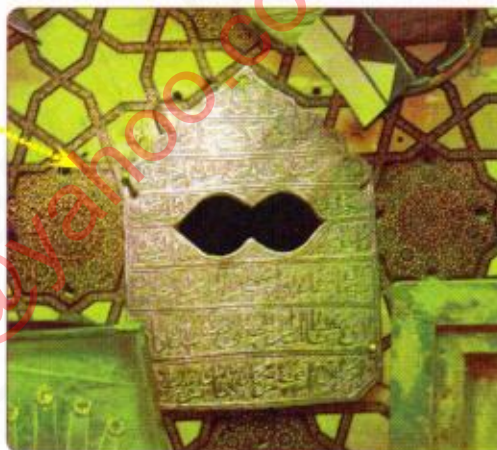
«مَرَّةُ بَنِ قَیْس» که از حکام ستمگر بود، روزی سخن از آباء و اقوام پیشینش به میان آورد و از پیران قوم، سرگذشت آنان را پرسید. در پاسخ گفتند که بسیاری از آنان در جنگ کشته شدند. از قاتل آنان پرسید؛ گفتند که پیشتر آنان به دست «علی بن ابی طالب علیه السلام» کشته شده‌اند. از مدفن علی علیه السلام پرسید؛ گفتند در نجف است. «مَرَّة» سپاهی ۲۰۰۰ نفری فراهم کرد و به شهر نجف یورش برد. مردم نجف از شهر دفاع کردند؛ ولی پس از ۶ روز استقامت در برابر سپاه مَرَّة، توان نیاوردند. «مَرَّة» وارد حرم مولا شد و شروع به تخریب



کرد و خواست نیش قبر کند که از ضریح مطهر، دو انگشت همانند شمشیر خارج شد و او را به دو تیم کرد. نیمه‌های بدن او هم زمان تبدیل به سنگ شدند. آن دو سنگ را برای عبرت ستمگران، در کنار راه انداختند و چهارپایان روی آن بول می‌کردند، بعدها دشمنان، سنگ‌ها را برداشته و پنهان کردند.»

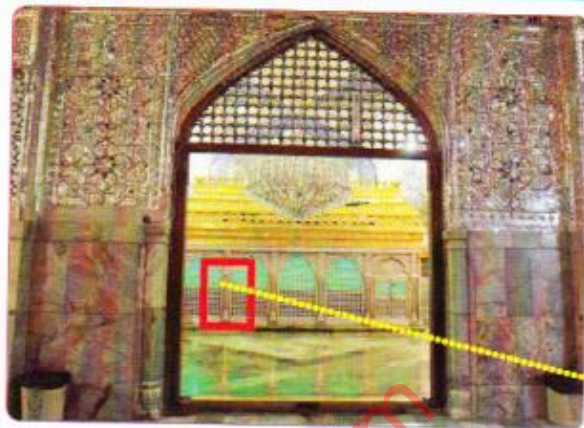
□ ماضی النجف و حاضرها، ص ۲۳۲

□ الانوار العلویه، شیخ جعفر نقدی، ص ۴۲۳



jabir.abbas@yahoo.com

یا علی یا امیر المؤمنین
 أنت باب الله و الحق المبين
 خصک الله وصیا و أخا
 لنبی المصطفی طه الامین
 کل من مات من الناس رأى
 عنده شخصک فی عین الیقین
 تورد الحوض موالیک غدا
 یا مقیلا عثرات المذنبین
 لک من بین الوصیین حمی
 روضة العاقین أمن الخائفین
 جنة عدن دونها
 فادخلوها بسلام آمین



مرحوم شیخ محمد حسن نجفی در بحث لعان کتاب جواهر الکلام می نویسد:
 لعان یا دو چیز غلیظ تر می شود، یکی یاد کردن اسماء الهی که بیانگر هیبت و عظمت
 و انتقام خداوندی است و دیگری لعان در اماکن منوره است؛ مانند بین رکن و مقام،
 برای کسی که در مکه مکرمه است؛ در کنار مسجد الاقصی، برای کسی که
 در بیت المقدس است؛ در کنار قبر رسول الله ﷺ برای کسی که در مدینه منوره است
 و در کنار موضع الإصبعین، نزدیک سر مقدس امیر المؤمنین علیه السلام در نجف اشرف.
 جواهر الکلام، ج ۳۴، ص ۶۲ □
 قصه دیگری نیز از این مکان از مردم نجف نقل شده و آن، کرامتی است از حضرت
 که برای یکی از زائران پیش آمد. آن زائر از خداوند خواسته بود که اگر زیارتش
 مقبول واقع شود، ورقه ای مبنی بر قبولی زیارت به او بدهند. مذهبهای طوائف بر این
 خواسته اصرار داشت و به ضربیغ مطهر التجا می کرد. عاقبت از همین موضع، دو
 انگشت بیرون آمد و ورقه قبولی زیارت به آن زائر داده شد.
 □ و تبعوه دفینا، ص ۱۰۶

۱۳ صحن حضرت فاطمه

قسمت غربی حرم امیرالمومنین علیه السلام در طرح توسعه به نام مبارک بانوی دو عالم حضرت فاطمه علیها السلام مزین شده است. این صحن که شامل قسمت بسیار وسیعی از غرب حرم حضرت تا مقام امام زین العابدین علیه السلام است، با هزینه ۸۰۰ میلیارد تومان و به همت معماران ایرانی ساخته می شود.

با اجرای این طرح، فضای کلی حرم امیرالمومنین علیه السلام تا ۱۴۰ هزار مترمربع گسترش پیدا می کند که در این شرایط صحن حضرت فاطمه علیها السلام ۱۰ برابر فضای کنونی حرم خواهد شد. فعالیت های مقدماتی برای این منظور انجام شده و هم زمان با خرید هتل ها و بناهای قدیمی داخل این طرح، تخریب و گود برداری برای اجرای آن انجام شده است.

این طرح از سال ۸۷ با همکاری دانشگاه شهید بهشتی و برخی از دانشگاه های دیگر کشورمان آغاز شده و مراحل اجرایی کار را پشت سر می گذارد و برآورد می شود که ۸ تا ۱۰ سال دیگر انشاء الله به اتمام برسد.



• هنرنمایی هادر صحن مطهر امیرالمؤمنین علی

بازار اصلی شهر (سوق الکبیر) باز شده و از سوی دیگر در برابر ایوان حضرت ﷺ قرار دارد و هنگامی که کسی، از دروازه اصلی وارد شهر شده و آن را در پشت سر خود قرار می‌داد، تا انتهای بازار شهر و باب امام رضا ﷺ و ایوان طلا و ضریح مطهر را بخوبی می‌دید. از صدها سال پیش تا به امروز و با تمام تغییراتی که در شهر به وجود آمده است، همواره اولین اشعه آفتاب بامدادی، بازار شهر را روشن کرده و از میانه «باب امام رضا ﷺ» مستقیماً به ضریح مطهر می‌تابد.

این تابش، آنقدر زیبا و خیال برانگیز است که شعرای بسیار در وصف زیبایی آن قصیده‌هایی سروده و این پدیده را «سلام بامدادی آفتاب، به ساحت مقدس مولی الموحدين» به شمار آورده‌اند.

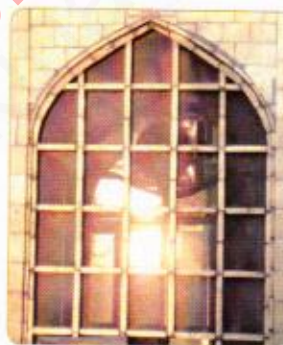
در عصر صفویه تعمیرات حرم مطهر به دست شاه اسماعیل صفوی در سال ۹۱۴ هـ. ق آغاز شد و در عصر شاه عباس با طرح و نقشه و مهندسی شیخ بهایی، صحن شریف آستان علوی تکمیل شد. شیخ بهایی در طراحی بنای حرم امیرالمؤمنین ﷺ تمام هنرمندی خود را به کار برد و آن را متمایز از سایر حرم‌ها بنیان نهاد. در سایر حرم‌های شریف، زائر، پشت به قبله و از جهت جنوب وارد حرم می‌شود؛ و تنها در حرم امیرالمؤمنین ﷺ، ایوان و ورودی اصلی، به گونه‌ای است که زائر از پایین پا، یعنی از جهت شرقی وارد قبه مطهر می‌شود. احتمالاً شیخ بهایی خواسته است با این کار، احترام ویژه‌ای نسبت به ساحت مقدس امیرالمؤمنین ﷺ ابراز کند. و اما بیرون صحن هم، باب «امام رضا ﷺ» از یک سو به طرف

۱ تابش مستقیم نور آفتاب هنگام طلوع و غروب از پنجره های گنبد مطهر



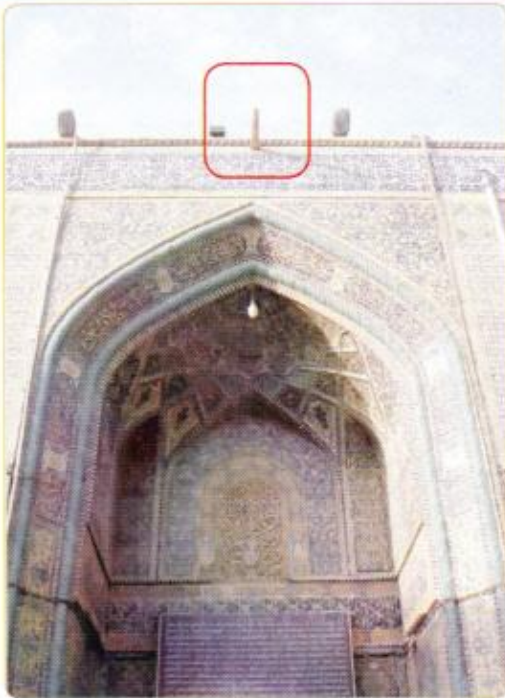
◀ تصویر پنجره شرقی گنبد، هنگام غروب آفتاب

در تصویر سمت چپ، پنجره شرقی گنبد مطهر که مقابل مناره ساعت قرار دارد، را مشاهده می‌کنید. در این تصویر که در لحظه غروب خورشید برداشته شده، جرم خورشید از پنجره روبرو (غربی) کاملاً پیداست. هنگام طلوع، نور خورشید از پنجره شرقی گنبد به درون حرم تابیده و زیر گنبد را روشن می‌کند و شعاع آن از پنجره غربی بیرون می‌زند. در تصویر سمت راست اشعه خیره‌کننده خورشید که بر شیشه‌های پنجره غربی گنبد منعکس شده کاملاً هویداست. هنگام غروب آفتاب همین نورافشانی در جهت عکس تکرار می‌شود.



◀ تصویر پنجره غربی گنبد، هنگام طلوع آفتاب

۲ ناودان طلا (میزاب الزحمه)



این ناودان در بالاترین نقطه و در وسط ضلع جنوبی رواق مطهر، رو به قبله، واقع شده است و تنها راه خروجی آبهای باران از بالای گنبد، ایوان و حرم می‌باشد. هنگام نزول باران رحمت، مردم آب آن را به نیت شفا جمع می‌کنند.

گویند که این ناودان در مقابل ناودان طلای کعبه قرار دارد (ناودانی طلا بر فراز محل ولادت امیرالمؤمنین علیه السلام و ناودان طلای دیگر بر بلندای مدفن آن حضرت).

برخی از زائران ایرانی در زیر این ناودان ۳ رکعت نماز بجا می‌آورند و با توسل به امیرالمؤمنین علیه السلام حاجت‌شان را از خدا طلب می‌کنند. برخی نیز گفته‌اند که بعد از این نماز و دعا، حاجت‌شان برآورده شده است. گرچه در این زمینه، روایتی وارد نشده است، ولی طبیعی و یقیناً واضح است که هرکس با قصد قربت، ۳ رکعت نماز در هر کجای حرم امیرالمؤمنین علیه السلام بخواند و از خداوند، برآورده شدن حاجتش را بخواهد، ان شاء الله برآورده می‌شود. سید عبد‌الکریم بن طاووس، از داود بن فرقد نقل می‌کند که امام صادق علیه السلام به من فرمود:

در يك طرف كوفه، قبری است كه هیچ غمگینی به آن رو نمی‌آورد كه در آنجا ۲ یا ۴ رکعت نماز بگذارد، مگر آن كه خداوند حاجتش را برآورده کرده و غم و اندوهش را نیز برطرف می‌کند. داود می‌گوید: عرض کردم آیا آن قبر حسین علیه السلام است؟ حضرت با حرکت سر اشاره نمودند: نه. عرض کردم آیا قبر امیرالمؤمنین علیه السلام است؟ با سر مبارک اشاره کردند: بلیه.

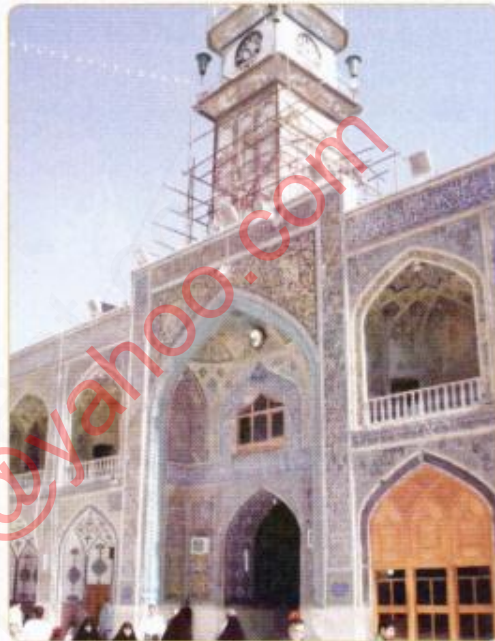
قرحة العری، ص ۶۹

نماز در زیر این ناودان هیچ خصوصیتی نسبت به جاهای دیگر حرم ندارد و هیچ کجا وارد نشده است و اشکال‌هایی نیز به آن وارد است؛ مثل اختلاط زن و مرد پشت به امام نماز خواندن (البته در صورتی که حالتی بین نماز گزار و امام نباشد و از ایوان، ضریح دیده شود). شایسته است آقایان و بانوان زائر، در اماکن مخصوص به خود، نماز خوانده و از ازدحام در زیر ناودان بپرهیزند.

نشانه‌های وقت زوال (اذان ظهر)

۱. کنگره‌های باب الساعة (باب امام رضا)

همان گونه که در تصویر مشاهده می‌شود، قوس‌های کاشی‌های فیروزه‌ای باب الساعة در داخل صحن، یکی از نشانه‌های معماری برای تعیین وقت نماز ظهر می‌باشد و آن هنگامی است که آفتاب تیمی از قوس وسطی را روشن کرده باشد. در تمامی قصول سال این مسأله حکم فرماست.



۲. پاگرد حجره‌های ضلع شمال شرقی حرم

هنگامی که شعاع آفتاب به اندازه چهار انگشت، گوشه ایوان را روشن کرد، نشانه اول وقت نماز ظهر است. این نشانه فقط در چهار ایوان از باب مسلم بن عقیل به طرف شمال اتفاق می‌افتد.



در بسیاری از مساجد مسلمین (نظیر مسجد گوهرشاد و غیر آن) ستونی برای تعیین ظهر شرعی قرار دارد که در عربی به آن «المزولة» می‌گویند، اما، در صحن نجف، با وجود این علائم دیگر نیازی به آن ستون نیست.

یک قبله دارند عاشقان آن هم علی مرتضاست
یک شمع دارند عارفان آن هم علی مرتضاست
یک راه دارند رهروان آن هم علی مرتضاست
یک روح دارند شیعیان آن هم علی مرتضاست
یک جلوه دارد این جهان آن هم علی مرتضاست
یک نایفه دارد زمان آن هم علی مرتضاست

jabir.abbas@yahoo.com

● عنایت حضرت امیر به
اشعار شهریار در رؤیای
آیه الله مرعشی نجفی

آیه الله العظمیٰ مرعشی
نجفی رحمته الله می فرمودند:
شبی توسّل پیدا کردم
تا یکی از اولیای خدا را
در خواب ببینم. آن شب
در عالم خواب، دیدم که
در زاویه مسجد کوفه
نشسته‌ام و وجود مبارک
مولا امیرالمؤمنین علیه السلام با
جمعی حضور دارند. حضرت
فرمودند:

شاعران اهل بیت علیهم السلام را
بیاورید. دیدم چند تن از
شاعران عرب را آوردند.
فرمودند: شاعران فارسی
زبان را نیز بیاورید. آن
گاه محتشم و چند تن از
شاعران فارسی زبان آمدند.
حضرت فرمودند: شهریار ما
کجاست؟ حضرت خطاب به
شهریار فرمودند:
شعرت را بخوان.
شهریار این شعر را خواند:



آیه الله العظمیٰ مرعشی
نجفی فرمودند:

وقتی شعر شهریار تمام
شد، از خواب بیدار شدم،
چون من شهریار را ندیده
بودم، فردای آن روز
پرسیدم که شهریار شاعر،
کیست؟

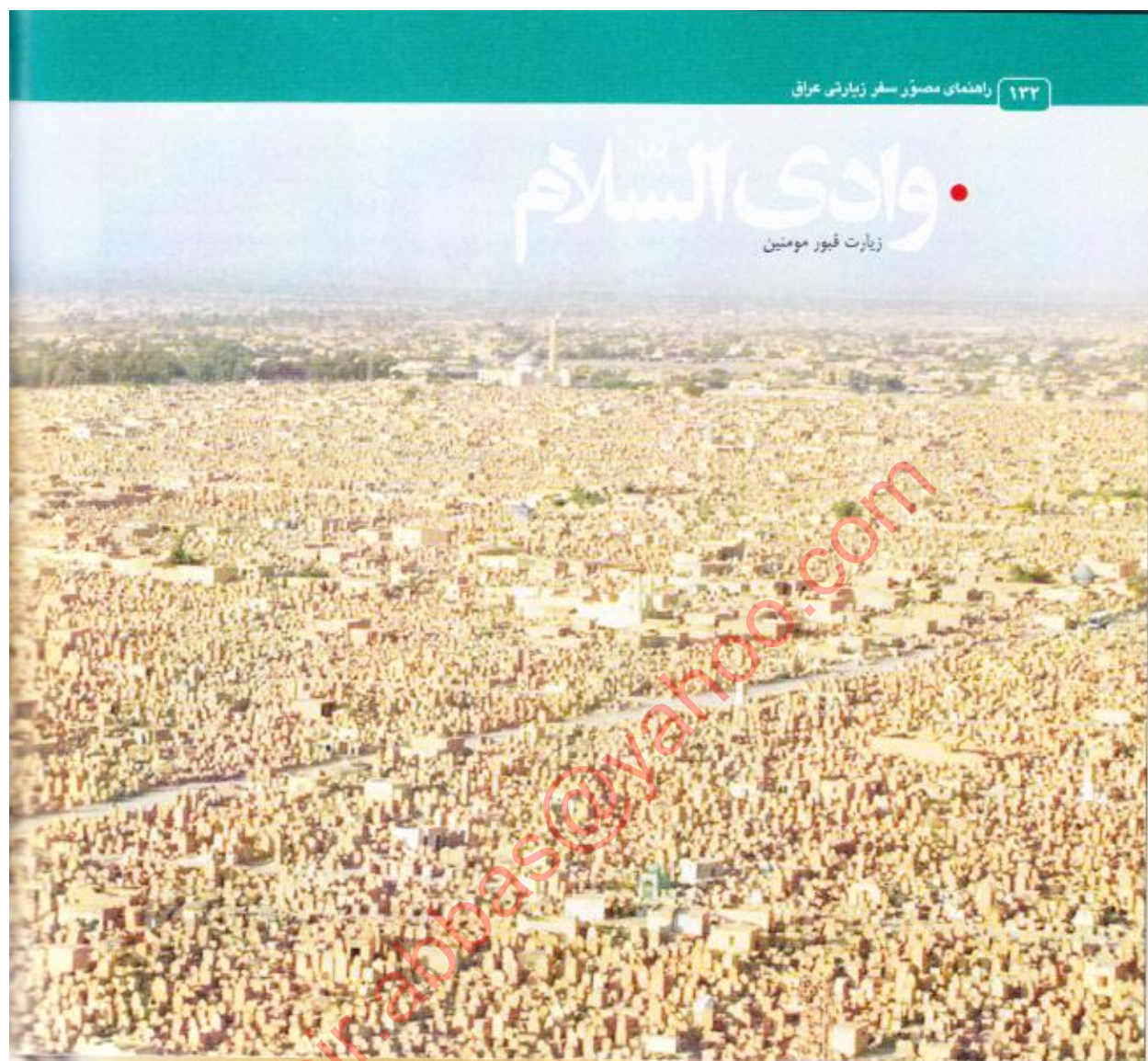
گفتند: شاعری است که در
تبریز زندگی می‌کند. گفتم
از جانب من او را دعوت
کنید که به قم نزد من بیاید.
چند روز بعد شهریار آمد.
دیدم همان کسی است که
من او را در خواب در حضور
حضرت امیر علیه السلام دیدهام.

که به ما سوا فکندی همه سایه هما را
به علی شناختم من به خدا قسم خدا را
چو علی گرفته باشد سر چشمه بقا را
به شرار قهر سوزد همه جان ما سوا را
که نگین پادشاهی دهد از کرم گدا را
چو اسیر تست اکنون به اسیر کن مدارا
که علم کند به عالم شهادی کربلا را
چو علی که می‌تواند که پسر برد وفا را
متحیرم چه نامم شه ملک لافتی را
که ز گوی او غباری به من آر توتیا را
چه پیامها سپردم همه سوز دل صبا را
که ز جان ما بگردان ره آفت قضا را
که لسان غیب خوشتر بنوازد این نوا را
به پیام آشنائی بنوازد آشنا را
غم دل به دوست گفتن چه خوشست شهریارا

علی ای همای رحمت تو چه آیتی خدا را
دل اگر خداشناسی همه در رخ علی بین
به خدا که در دو عالم اثر از فنا نماند
مگر ای سحاب رحمت تو بیاری ارنه دوزخ
بروای گدای مسکین در خانه علی زن
بجز از علی که گوید به پسر که قاتل من
بجز از علی که آرد پسری ابو العجائب
چو به دوست عهد بندد ز میان پاکبازان
نه خدا توانمش خواندنه بشر توانمش گفت
بدو چشم خون فشام هله ای نسیم رحمت
به امید آن که شاید برسد به خالک پایت
چو تویی قضای گردان به دعای مستمندان
چه زخم چو نای هر دم ز نوای شرق او دم
همه شب در این امیدم که نسیم صبحگاهی
ز نوای مرغ یا حق بشنو که در دل شب

از او پرسیدم: این شعر «علی ای همای رحمت» را کی ساختهای؟ شهریار با حالت تعجب از من سؤال کرد که شما از کجا خبر دارید که من این شعر را ساختم؟ چون من نه این شعر را به کسی داده‌ام و نه درباره آن با کسی صحبت کرده‌ام.

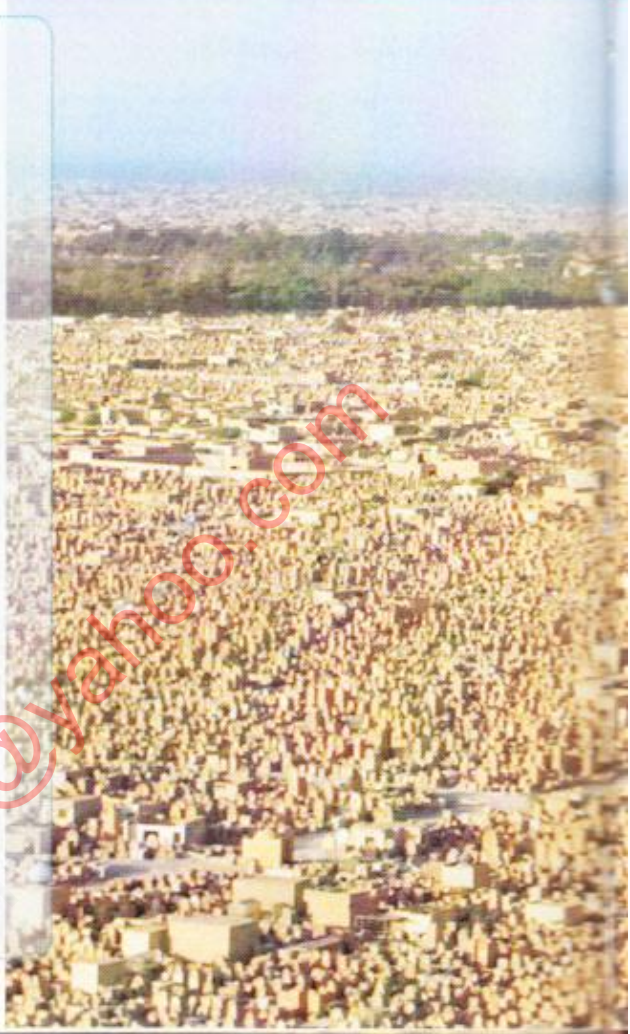
مرحوم آیه الله العظمیٰ مرعشی نجفی به شهریار می‌فرمایند: چند شب قبل، من خواب دیدم که در مسجد کوفه هستم و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام تشریف دارند. حضرت شاعران اهل بیت علیهم السلام را احضار فرمودند. ابتدا شاعران عرب آمدند، سپس فرمودند: شاعران فارسی زبان را بگویند بیایند؛ آنها نیز آمدند. بعد فرمودند: شهریار ما کجاست؟ شهریار را بیاورید و شما هم آمدید. آن گاه فرمودند: شهریار، شعرت را بخوان و شما شعری که مطلع آن را به یاد دارم خواندید. شهریار فوق العاده متقلب می‌شود و می‌گوید: من فلان شب این شعر را ساختم و همانطور که قبلاً عرض کرده‌ام تاکنون کسی را در جریان سرودن این شعر قرار نداده‌ام. آیه الله مرعشی نجفی فرمودند: وقتی شهریار تاریخ و ساعت سرودن شعر را گفت معلوم شد مقارن ساعتی که شهریار آخرین مصرع شعر خود را تمام کرده من آن خواب را دیدهام. ایشان چندین بار به دنبال نقل این خواب فرمودند: یقیناً در سرودن این غزل به شهریار الهام شده که توانسته است چنین غزلی به این مضامین عالی بسراید. البته خودش هم از فرزندان فاطمه علیه السلام زهرا علیه السلام است و خوشا به حال شهریار که مورد توجه و عنایت جانش قرار گرفته است. □ نقل از فصلنامه شهاب شماره ۱۱



■ از امام علی (ع) نقل شده که فرمود:
هر کس داخل قبرستان شود و بگوید:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ،
السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ،
مِنْ أَهْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ،
يَا أَهْلَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ،
بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ،
كَيْفَ وَجَدْتُمْ قَوْلَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ،
مِنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ،
يَا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ،
بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ،
اغْفِرْ لِمَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ،
وَاحْشُرْنَا فِي زُمْرَةِ مَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ،
مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلَيَّ وَلِيُّ اللَّهِ،

خداوند تعالی ثواب پنجاه سال به او اعطا می کند
و از او و مادرش گناهان پنجاه ساله را می آمرزد.



● نباید‌ها در وادی السّلام

متأسفانه اخیراً برخی سنت‌های خودساخته در وادی السّلام مشاهده می‌شود که هیچ منشأ روایی نداشته و خرافاتی بیش نیست مانند دفن مو و ناخن، خط کشیدن اطراف خود به عنوان تعیین محل دفن، پرداخت مبلغی به سنگ تراش برای حک نام خود بر روی سنگ به امید آن که روحشان بعد از مرگ به آن جا منتقل شود و همچنین بردن مقداری از خاک وادی السّلام به عنوان تبرک. از زائران محترم انتظار می‌رود از این گونه بدعت‌ها بپرهیزند و فقط به آن چه در روایات معتبر آمده است، عمل کنند.

■ رَوَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ:

مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَمُوتُ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَ غَرْبِهَا إِلَّا وَ حَشَرَ اللَّهُ رُوحَهُ إِلَى وَادِي السَّلَامِ.

■ از امام صادق عليه السلام روایت شده است که فرمود:

هیچ مؤمنی در شرق و غرب عالم نمی‌میرد، مگر آنکه خداوند روح او را به وادی السّلام محشور می‌کند.

■ بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۲۳۳ به نقل از ارشاد القلوب، ج ۲ ص ۲۳۸.

■ نیز از امیرالمؤمنین عليه السلام نیز نقل شده که روز قیامت از مردم پشت کوفه - که مراد نجف اشرف است - هفتاد هزار محشور گردند که چهره‌های آنها چون ماه درخشان باشد.





زيارت هود وصالح

السَّلامُ عَلَى أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَاصْفِيَانِهِ
 السَّلامُ عَلَى أَمْنَاءِ اللَّهِ وَحِبَابِهِ
 السَّلامُ عَلَى أَنْصَارِ اللَّهِ وَخُلَفَائِهِ
 السَّلامُ عَلَى مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ
 السَّلامُ عَلَى مَسَاكِينِ ذِكْرِ اللَّهِ
 السَّلامُ عَلَى مُظْهَرِي أَمْرِ اللَّهِ وَنَهْيِهِ
 السَّلامُ عَلَى الدَّعَاةِ إِلَى اللَّهِ
 السَّلامُ عَلَى الْمُسْتَقْرِينَ فِي مَرْضَاتِ اللَّهِ
 السَّلامُ عَلَى الْمُخْلِصِينَ فِي طَاعَةِ اللَّهِ

السَّلامُ عَلَى الْإِدْلَاءِ عَلَى اللَّهِ السَّلامُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ وَالَاهُمْ فَقَدْ وَالَى اللَّهُ وَمَنْ عَادَاهُمْ
 فَقَدْ عَادَى اللَّهُ وَمَنْ عَرَفَهُمْ فَقَدْ عَرَفَ اللَّهُ وَمَنْ جَهِلَهُمْ فَقَدْ جَهِلَ اللَّهُ وَمَنْ اعْتَصَمَ بِهِمْ
 فَقَدْ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ وَمَنْ تَخَلَّى مِنْهُمْ فَقَدْ تَخَلَّى مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَأَشْهَدُ اللَّهُ أَنِّي سَلِمٌ لِمَنْ
 سَأَلْتُمْ وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبْتُمْ مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَعَلَانِيَتِكُمْ مَفُوضٌ فِي ذَلِكَ كُلِّهِ إِلَيْكُمْ لَعَنَ اللَّهُ
 عَدُوَّ آلِ مُحَمَّدٍ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَأَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

● حضرت هود علیه السلام

حضرت هود علیه السلام از پیامبران بزرگ الهی است که در میان «قوم عاد»، در سرزمین «حقیف»، - مابین یمن و حضرموت - زندگی می کرد. او از نظر حسب و نسب، زیبایی، اخلاق و صفات انسانی، در میان مردم آن زمان ممتاز بود.

«قوم عاد» مردمی ثروتمند و نیرومند بودند و عمرهای طولانی، درآمدهای سرشار و سرزمینی آباد داشتند و خداوند نعمت های فراوانی به آنها داده بود. اما کم کم غافل شدند و به سرکشی، طغیان و بت پرستی پرداختند. هود از طرف خدا مأمور شد تا آنان را به یکتا پرستی دعوت و از عادات بت پرستی و ستم دور کند.

هود علیه السلام زحمات بسیاری کشید و همواره آنها را به پرستش خدای یکتا دعوت می کرد و می گفت: من از شما مزد و پاداشی نمی خواهم و هرگز برای

بر زمین می افتادند. هر چیزی که بر روی زمین قرار داشت به امر پروردگار عالم، نابود شد. همه افراد آن قوم تا آخرین نفر هلاک شدند. فقط حضرت هود علیه السلام و یارانش به رحمت خدا نجات یافتند. هود علیه السلام پس از این واقعه، به طرف حضرموت رفت و در آن سرزمین ساکن شد.

ثروت و قدرت این کار را نکردم. این دعوت، تنها برای رستگاری شماست. ولی آنها او را اذیت می کردند و اصرار بر سرکشی داشتند. به او دیوانه و دروغگو می گفتند و با ریشخند از او می خواستند که آن عذابی را که وعده می دهد بر آنها نازل کند. حضرت هود علیه السلام مرتب آنها را موعظه و نصیحت می کرد ولی به غیر از عده کمی که به او ایمان آوردند، بقیه، حرفهایش را رد کردند و به لجاجت خود ادامه دادند. کم کم قهر خدا نمایان شد، باران نیارید، قحطی آمد و خشکسالی همه جا را فرا گرفت. تا روزی که ابری در آسمان پدیدار شد. اول آن قوم خوشحال شدند که الان باران می بارد و زمین های ما آباد می شود. غافل از آن که آن ابر، عذابی بود که خداوند بر آنها به صورت باد، نازل کرد. باد به هر چیز که می وزید، آن را از جا می کند، بر زمین می زد و از بین می برد.

گویند که این باد در طی هفت شب و هشت روز، همه چیز را از ریشه کند. مردم مانند تنه های نخل،



• حضرت صالح علیه السلام

خود زنده هستید پس از آن عذاب خدا نازل و عقاب اخروی شامل حالتان خواهد شد.

اما آنان تهدید صالح علیه السلام را دروغ پنداشته و به استهزاء گرفتند و از او خواستند که کیفر آسمانی را هرچه زودتر برای آنان بیاورد!

صالح علیه السلام گفت: ای کاش از خدا طلب آمرزش می کردید، شاید از عذاب نجات یابید.

سپس عذای از آن قوم سیاه دل، سوگند یاد کردند که در دل شب، با شمشیر به صالح علیه السلام و پیروانش حمله کنند. ولی خدا به این خیره سران مهلت نداد و مکر آنان را به خود شان بازگرداند و صالح از توطئه قوم خویش نجات یافت.

صاعقه آسمانی آمد و آن قوم در خانه های خود به صورت جسمی بی جان در آمدند.

صالح علیه السلام از کنار اجساد آنان عبور کرد و با خاطری غمگین به آنان گفت:

ای قوم! من رسالت خدای خود را به شما رساندم ولی شما از روی غرور و نادانی، ناصحان و خیر خواهان را دوست نمی داشتید.

آنان گفت: زنیهار که موجبات آزار این شتر را فراهم سازید که به عذاب گرفتار می شوید.

شتر صالح مذت ها به چرا مشغول بود و به اندازه خود از آب استفاده می کرد.

عذای با مشاهده این شتر به صداقت صالح یقین کردند. اما مخالفین بر کفر خود اصرار ورزیدند و از روی کینه توزی خواستند معجزه صالح علیه السلام را از بین ببرند. ولی از ترس جان خود، جرات این کار را نداشتند.

زنان هرزه مردان هوسران را به کشتن شتر ترغیب کردند. مردان فاسق نیز از فرمان خداوند سرپیچی کرده و تهدید صالح علیه السلام را نادیده گرفتند و در کمین شتر نشستند. ابتدا پایش را قطع کردند و سپس آن را کشتند. پس از آن به صالح گفتند: ای صالح اگر راست می گویی و پیغمبر خدا هستی، عذابی که ما را به آن تهدید می کردی، نازل کن.

صالح علیه السلام به آنان گفت: فقط سه روز در خانه های

«قوم عاد» به سبب گناهان خود نابود شدند و خداوند سرزمین و املاکشان را به «قوم ثمود» ارزانی داشت. قوم ثمود، آن سرزمین را بیش از پیشینیان آباد کردند، باغ و بستان هایی به وجود آوردند و در میان کوه ها خانه هایی از سنگ تراشیدند، تا از حوادث روزگار در امان باشند.

آنها نیز مانند قوم عاد در ناز و نعمت به سر می بردند. ولی به جای شکر خدای یکتا، به عبادت بت ها پرداختند.

خداوند صالح علیه السلام را بر آنان مبعوث کرد. اما آن قوم، او را به تمسخر گرفتند و سرزنش کردند.

تنها اندکی از مردم خردمند به او ایمان آوردند؛ و توانگران خودسر، از وی درخواست معجزه کردند. صالح علیه السلام از شکم کوه، شتری را برانگیخت و به



علت این انتساب معلوم نیست و نمی‌دانیم که آیا در آن جا کسی آن حضرت را دیده، یا کرامتی از ایشان در آن مکان مقدس مشاهده شده؟ جز این که آن مقام شریف از قدیم الایام وجود داشته است. مرحوم محدث قمی نیز در «هدیه الزائرین» همان بیان استادش محدث نوری را آورده است.

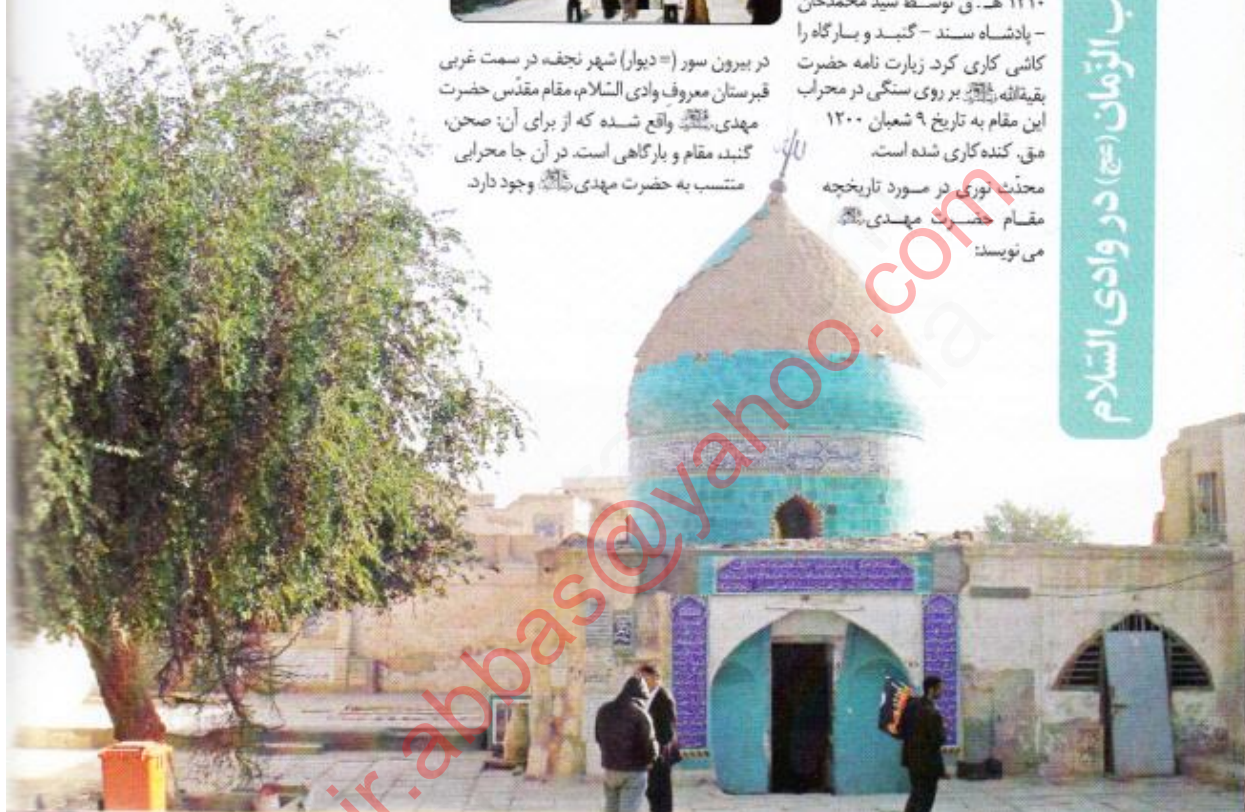


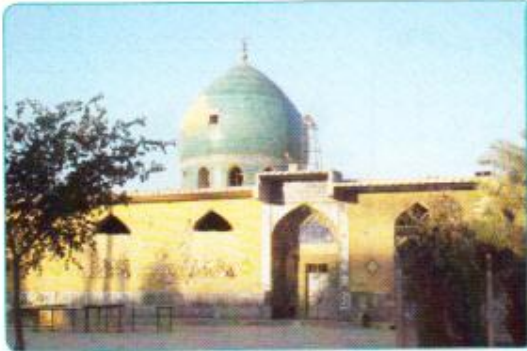
در بیرون سور (= دیوار) شهر نجف، در سمت غربی قبرستان معروف وادی السلام، مقام مقدس حضرت مهدی (عج) واقع شده که از برای آن: صحن، گنبد، مقام و یارگاهی است. در آن جا محرابی منتسب به حضرت مهدی (عج) وجود دارد.

این مکان که سال‌هاست به مقام حضرت مهدی (عج) شهرت دارد دارای گنبد سبزی است و در غرب مسیر ماشین رو وادی السلام قرار دارد.

علامه بحر العلوم (متوفای ۱۲۱۲ هـ.ق) این مقام را تجدید بنا کرد. در سال ۱۲۱۰ هـ.ق توسط سید محمدخان - پادشاه سند - گنبد و یارگاه را کاشی کاری کرد. زیارت نامه حضرت بقیة الله (عج) بر روی سنگی در محراب این مقام به تاریخ ۹ شعبان ۱۲۰۰ هـ.ق. کنده کاری شده است.

محدث نوری در مورد تاریخچه مقام حضرت مهدی (عج) می‌نویسد:





مرقد صافی صفا یمانی

متوفای ۲۷ هـ. ق که به دست امیرالمؤمنین (علیه السلام) در نجف دفن شد. نقل کرده‌اند که روزی امیرالمؤمنین (علیه السلام) در کنار صحرای نجف نشسته بود؛ ناگاه دید که شخصی بر ناقه‌ای سوار است و جنازه‌ای در پیش خود گرفته است و به سوی نجف می‌آید؛ چون نزدیک شد حضرت از او پرسید که از کجا می‌آیی؟

گفت: از یمن.

حضرت پرسید: این جنازه کیست؟

گفت: جنازه پدرم؛ آورده‌ام که در این زمین دفن کنم.

حضرت فرمود: چرا او را در شهر خود دفن نکردی؟

گفت: پدرم چنین وصیت کرد: مردی در آن جا مدفون خواهد شد که به شفاعت او، به اندازه تعداد دو قبیله عظیم عرب یعنی ربیع و مضر، آمرزیده می‌شوند.

حضرت فرمود: آن مرد را می‌شناسی؟

گفت: نه.

حضرت سه مرتبه فرمود: به خدا قسم من آن مرد هستم.

پس حضرت برخاست و آن جنازه را دفن کرد.^۱

مقبره صفا در قسمت غرب حرم مطهر امیرالمؤمنین (علیه السلام) در کنار مقام امام زین العابدین (علیه السلام) قرار دارد.



مقام امام زین العابدین (علیه السلام)

از بعضی روایات استفاده می‌شود که امام زین العابدین (علیه السلام) هرگاه برای زیارت جدشان امیرالمؤمنین (علیه السلام) به نجف می‌آمدند، در مکانی اقامت کرده و به نماز و عبادت مشغول می‌شدند.

امام باقر (علیه السلام) فرمود:

پدرم امام علی بن الحسین (علیه السلام) بعد از شهادت پدرش امام حسین (علیه السلام)، خانه کوچکی در بیرون شهر برگزید و چندین سال را در بیابان زندگی کرد؛ چون نمی‌خواست با آن مردم تماسی داشته باشد ... و هنگامی که می‌خواست به زیارت جدش امیرالمؤمنین (علیه السلام) و یا پدرش سیدالشهدا (علیه السلام) برود، از بیابان به مقامش می‌رفت و سعی می‌کرد، دیگران متوجه زیارت او نشوند.

۱. بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۶۶ و ۲۶۷.
۲. بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۳۳.

● گفت و گوی امیرالمؤمنین (ع) با ارواح مومنین

به سند معتبر از حبه عُرَنی نقل شده است، که گفت:
 یا امیرالمؤمنین (ع) به پشت کوفه رفتیم، چون به صحرای نجف
 رسیدیم حضرت ایستادند، گویا با جماعتی سخن می گفتند؛ من در
 خدمت آن حضرت ایستادم آن قدر که خسته شدم، پس نشستیم
 آن قدر که حوصله‌ام سر رفت، باز برخاستم و ایستادم به قدری که
 بی تاب شدم، دوباره نشستیم تا دل‌تنگ شدم، پس برخاستم و عبا‌ی
 خود را جمع کردم و گفتم: یا امیرالمؤمنین (ع) می‌ترسم که خستگی
 شما را از پا بیاندازد؛ ساعتی استراحت بفرمایید.
 عبا‌ی خود را انداختم که آن حضرت بر روی آن بنشیند.
 فرمودند: این ایستادن برای سخن گفتن با مؤمن و انس گرفتن
 با اوست.

گفتم: یا امیرالمؤمنین (ع)، ارواح مؤمنان چنین است؟
 فرمودند: بلی، اگر پرده از پیش چشم برداشته شود، خواهی دید
 که ایشان حلقه حلقه نشسته‌اند و با یکدیگر سخن می‌گویند.
 گفتم: بدن‌اند یا روح‌اند؟

فرمودند: روح‌اند و هیچ مؤمنی در زمین نمی‌میرد مگر آنکه به
 روحش می‌گویند: ملحق شو به وادی‌السلام، که صحرای نجف
 است و آن بقعه‌ای است از بهشت عدن.



عدي بن حاتم

عدي، فرزند حاتم طایفی و از اصحاب امیرالمؤمنین علیه السلام بود. وی از جمله فرماندهان سپاه امام حسن علیه السلام به شمار می آمد و آن گاه که همه امام را تنها گذاشتند در کنار امام بود.

او سه فرزند داشت به نام های طریف و طارق و طرفة. روزی معاویه به طعنه به عدي گفت: این الطرافات (فرزندانت) کجایند؟ در جواب گفت: در جنگ صفین در رکاب علی علیه السلام کشته شدند.

معاویه گفت: علی در مورد تو از در انصاف در نیامد که فرزندان تو را پیش انداخت و فرزندان خودش هنوز زنده اند. عدي در پاسخ گفت بلکه من انصاف را رعایت نکردم که علی علیه السلام کشته شد و من هنوز زنده ام. عدي نزدیک به ۱۲۰ سال عمر کرد و در زمان مختار از دنیا رفت. قبرش در ثوبه است.

◀ **مقابر بعضی از صحابه و تابعین در محله ثوبه (حن الحنانه نجف)**

عبدالله بن یقطر

سليم بن قيس هلالی

نصر بن مزاحم المنقری

◀ بعضی از صحابه و تابعین که شخصیتی منفی داشتند و در ثوبه (محله حنانه) مدفون هستند:

ابوموسی اشعری

زیاد بن ابیه

خباب بن ارت

وی در جنگ بدر همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله و در جنگ های صفین و نهروان در رکاب حضرت امیر علیه السلام بود. در کوفه از دنیا رفت و امیرالمؤمنین علیه السلام بر جنازه اش نماز خواند.

عبدالله بن اوفی

در سال ۸۱ هـ. ق از دنیا رفت.

عبدالله بن عقیف

از اصحاب یا وفای امیرالمؤمنین علیه السلام بود که در جنگ جمل چشم چپش را و در جنگ صفین چشم راستش را از دست داد. پس از شهادت امام حسین علیه السلام در مجلس ابن زیاد قد علم کرد و مردانه در مقابل آن خبیث ایستاد و او را رسوا کرد.

مأموران برای دستگیری او به خانه اش هجوم بردند. با اینکه نابینا بود، شمشیر به دست گرفت و با راهتمایی دخترش جنگید تا به شهادت رسید.

براء بن عازب

از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله که در غزوات همراه آن حضرت بوده و از اصحاب امیرالمؤمنین علیه السلام که در جنگ های جمل، نهروان و صفین شرکت داشته است. به سال ۷۴ هـ. ق در کوفه از دنیا رفت و در همان جا دفن گردید.

• قبور صحابه و تابعین

احنف بن قیس

او که در صبر و بردباری ضرب المثل بود. در محله ثوبه (حن الحنانه نجف) دفن شده است.

سهل بن حنیف

او از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله بود که در همه غزوات در کنار آن حضرت حضور داشت. در زمان امیرالمؤمنین علیه السلام فرماندار بصره و در جنگ جمل جانشین امام در کوفه بود. در جنگ های صفین و نهروان نیز در رکاب علی علیه السلام بود. به سال ۳۸ هـ. ق در کوفه از دنیا رفت و امیرالمؤمنین علیه السلام بر جنازه اش نماز خواند.

عثمان بن حنیف

برادر سهل و از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام است. از طرف امام علی علیه السلام به حکومت بصره گمارده شد. سپاهیان جمل پس از تسخیر بصره او را تحقیر و آزار نموده و سپس رها کردند. وی در کوفه ساکن شد و زمان معاویه از دنیا رفت.

عبدالله بن ابی رافع

از اصحاب امیرالمؤمنین علیه السلام و نخستین سیره نویسن تاریخ اسلام است.

کُمیل بن زیاد نخعی یمانی از بزرگان تابعین و از یاران شجاع و با وفای امیرالمؤمنین علیه السلام و از اصحاب ستر آن حضرت بود. وی یکی از هشت عابد و زاهد معروف کوفه در زمان خود بود. امیرالمؤمنین علیه السلام دعای «خضر» را به کُمیل آموخت، همان دعایی که به دعای «کُمیل» مشهور شد و در شب‌های جمعه و شب نیمه شعبان خوانده می‌شود. پس از شهادت امام علی علیه السلام، کُمیل در زمره یاران امام حسن مجتبی علیه السلام محسوب می‌شد و همچنان در کنار آن حضرت بود و در واقعه صلح، کاملاً مطیع امام حسن مجتبی علیه السلام بود.

کُمیل
بن زیاد نخعی



نجف ۱۴۳

کمیل در زمان شهادت امام حسن علیه السلام، در مدینه نبود و در زمان امام حسین علیه السلام نیز دستگیر شد و تا یک روز بعد از واقعه‌ی عاشورا در زندان عبیدالله بن زیاد بود. پس از آزادی در قیام‌های کوفه به افشاگری پرداخت، و در کنار مختار جنگید و بعد از آن در تاریخ خبری از او نیست و جز امام سجاد علیه السلام، کسی از وی خبر نداشت.

هنگامی که حجاج بن یوسف ثقفی، فرماندار کوفه شد، مأمورین را برای دستگیری کمیل فرستاد. کمیل پنهان شد. حجاج مستمری طایفه و قوم کمیل از بیت‌المال را قطع کرد. کمیل که این وضعیت را دید، رواندید که دیگران به پای او بسوزند و خود را تسلیم کرد. حجاج، او را در سال ۸۳ هـ.ق، در سن ۹۰ سالگی، همان گونه که حضرت به او خبر داده بود، به شهادت رساند. مرقد مطهر او در مسیر راه نجف به کوفه در منطقه تویه (حی الحنانه) نزدیک مسجد حنانه قرار دارد.



• زیارت کمیل بن زیاد

السَّلامُ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، السَّلامُ عَلَى عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلامُ عَلَى فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلامُ عَلَى خَدِيجَةَ الْكُبْرَى أُمِّ الْمُؤْمِنِينَ السَّلامُ عَلَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدَي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ مِنَ الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ، السَّلامُ عَلَى سَائِرِ أَيْمَةِ الْمُسْلِمِينَ عَلَى وَمُحَمَّدٍ وَجَعْفَرٍ وَمُوسَى وَعَلِيٍّ وَمُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَالْحَسَنِ وَالْخَلْفِ الْهَادِي الْمَهْدِي مُنْجِزِ وَعَدِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلامُ عَلَى مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَعِبَادِهِ الصَّالِحِينَ، السَّلامُ عَلَى الْعَبْدِ الصَّالِحِ، الْوَلِيِّ النَّاصِحِ الْعَالِمِ التَّقِيِّ، الْمَدْفُونِ بِأَرْضِ الْغُرَى كَمِيلِ بْنِ زِيَادِ السَّلامُ عَلَى مَنْ أَكْمَلَهُ الْكَامِلُ فِي الصِّفَاتِ وَالْأَمْرِ فِي الْغَزَوَاتِ، وَدَعَا السَّرَّ، وَعَلَّمَهُ دُعَاءَ الْخِضَرِ، وَأَخْبَرَهُ عَنِ النَّفْسِ وَالْحَقِيقَةِ فَصَارَ فِيهَا ذَابِصِيرَةً، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ آدَيْتَ إِلَى الْحَقِّ، وَوَجَّهْتَ مِنْهَا جِ الصَّدَقَ وَالرِّشَادَ وَأَعْرَضْتَ عَنِ الْبَاطِلِ وَالْعِنَادِ، السَّلامُ عَلَى أَحَدِ حَوَارِي حَبْلِ اللَّهِ الْمُتَيْنِ، الْفَائِزِ بِصُحْبَةِ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ وَصُحْبَةِ سَبْطِهِ الْأَكْبَرِ، السَّلامُ عَلَى مَنْ أَخْبَرَهُ بِالْقَوْلِ سَيِّدِ الصَّادِقِينَ لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلَكَ الظَّالِمَ الشَّقِيَّ اللَّعِينِ الْحِجَاجِ بْنِ يُوسُفَ الثَّقَفِيِّ، وَالسَّلامُ عَلَيْكَ يَا كَمِيلَ بْنَ زِيَادِ النَّخَعِيِّ التِّمَانِيَّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.



نجف ۱۴۵

• مسجد حنانه

کاروان کربلا در مسیرشان به سمت کوفه، سر مقدس سیدالشهدا را در این محل بر زمین گذاشتند. زمین ناله سرداد. بعدها در این مکان، مسجدی ساختند و به یاد آن ناله، مسجد را «حنانه» نامیدند. این مسجد بین نجف و کوفه، نزدیک قبرستان «نوی» و مرقد کمیل قرار دارد. این ابی عمیر از مفضل روایت کرده:

هنگامی که امام صادق به این عمارت رسید، دو رکعت نماز خواند. به حضرت عرض کردند که این چه نمازی بود؟ حضرت فرمود: این موضع سر مبارک جدم حسین بن علی است؛ هنگامی که او را از کربلا به سوی عیدالله می بردند، در این جا نهادند.

تحفة الزائر، صفحه ۱۰۶

روایت است که وقتی امام صادق وارد سرزمین نجف

شدند، سه جا از اسب پیاده شده، و نماز خواندند:

۱. مسجد حنانه، موضع رأس الحسین،

۲. مقام امام زمان (عج) در وادی السلام،

۳. مرقد مطهر امیرمؤمنان علی.

ترجمه کامل الزیارات ص ۹۰

■ در مسجد حنانه این دعا را بخوان:

اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَرَى مَكَانِي، وَتَسْمَعُ كَلَامِي،
وَلَا يَخْفَى عَلَيْكَ شَيْءٌ مِنْ أَمْرِي،
وَكَيفَ يَخْفَى عَلَيْكَ مَا أَنْتَ مُكُونُهُ وَبَارِئُهُ،
وَقَدْ جِئْتُكَ مُسْتَشْفِعاً بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ،
وَمُتَوَسِّلاً بِوَصِيِّ رَسُولِكَ
فَاسْأَلُكَ بِهِمَا ثَبَاتَ الْقَدَمِ وَالْهُدَى
وَالْمَغْفِرَةَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

دعایی را که در صفحه ۱۱۵ ذکر شد
نیز در این جا می توان خواند



نمایی سابق مسجد حنانه پیش از بازسازی





نجف ۱۶۷

مسجد حنانه در محله حنانه در شمال شرقی میدان
نوره العشرین به فاصله ۲/۵ کیلومتر از حرم امیرمؤمنان
علی (علیه السلام) در خیابان اصلی نجف - کوفه و در نزدیکی
مرقد کمیل قرار دارد.

برای مسجد حنانه دو روایت ذکر شده :
۱. وقتی پیکرباک امیرمؤمنان علی (علیه السلام)
را از کوفه به نجف می بردند؛ در حین
عبور از این منطقه این مسجد به
احترام جنازه مولا (علیه السلام) معظّم کرد
و یا ناله سرداد. از این رو آن را مسجد
حنانه (مایل یا ناله کننده) نامیدند.
۲. بیست سال بعد هنگام عبور
اسرای کربلا از این محل، سر مبارک
امام حسین (علیه السلام) یک شب در اینجا
نگهداری شد و این زمین در عزای
حسینی ناله سر داد.
اکنون ضریحی به یاد همین حوادث
در آنجا وجود دارد و به همین جهت
اعمال وارده این مسجد زیارت امام
حسین (علیه السلام) و نماز زیارت سیدالشهداء
است.



● کتابخانه های نجف

نجف، شهری جویز و مرکز علم و عالمان بوده و هست و سابقه ای هزارساله در رشد و ترویج فرهنگ اسلامی دارد؛ از این رو دارای کتابخانه های بسیار است که معمولاً در هر مدرسه کتابخانه ای وجود دارد، اما برخی از کتابخانه ها از اهمیت بیشتری برخوردارند، از جمله:

■ مکتبه الامام الحکیم العامة

که در مجاورت مسجد هندی است و در سال ۱۳۷۷ ه. ق. تأسیس شد. آرامگاه آیه الله حکیم نیز در گوشه ای از مسجد قرار دارد.



■ مکتبه الشیخ آقا بزرگ الطهرانی

مرحوم شیخ آقابزرگ تهرانی در سال ۱۳۷۵ ه. ق. کتاب های خود را وقف عام نمود. مجموع کتاب های وی ۵۰۰۰ جلد بود که ۱۰۰ نسخه خطی که نظیر نیز در میان آنهاست.



■ مکتبه مدرسه الصدر

در ابتدای قرن سیزدهم توسط محمد حسین خان صدر اعظم تأسیس شد.

■ مکتبه الامام امیرالمؤمنین

که بدست مرحوم علامه امینی (صاحب الغدير) در محله خویش ساخته شد و آرامگاه آن مرحوم نیز در کنار آن است.



■ مکتبه حسینیة الشوشترية

از قدیمی ترین کتابخانه های نجف بوده و توسط حاج میرزا علی محمد نجف آبادی در اواخر قرن سیزدهم تأسیس گردید.

■ مکتبه مدرسه کاشف الغطاء



■ مکتبه الامام حسن المجتبی

این کتابخانه با ساختمانی زیبا در انتهای شارع الرسول بنا شده است. بنیانگذار این کتابخانه، جناب علامه شیخ باقر شریف القرشی، مؤلف کتب «موسوعة سيرة اهل البيت» است.



■ مکتبه الشیخ ال کاشف الغطاء



■ مکتبه مدرسه القوام

■ مکتبه مدرسه الخلیلی

■ مکتبه مدرسه الأخوند

■ مکتبه مدرسه الیزدی

■ مکتبه مدرسه البروجردی

■ مکتبه الروضة الحیدریة

تاریخ آن به قرن چهارم هجری و به دوره آل بویه می رسد و دارای نسخه های بسیار نفیس است. محل کتونی آن، طبقه فوقانی حجره های شمالی صحن، در کنار مسجد عمران بن شاهین می باشد.



jabir.abbas@yahoo.com

• مساجد مشهور نجف

نجف اشرف، مساجد زیادی دارد که مساجد بزرگ آن بالغ بر ۱۰۰ مسجد می‌باشند. در محله «عمار» ۲۵ مسجد، در محله «خوش» ۲۱ مسجد، در محله «براق» ۱۴ مسجد، در محله «مشرق» ۱۸ مسجد و در محله «جذیده» ۸ مسجد و در محلات دیگر نیز تعدادی مسجد وجود دارد. قبل از این و در زمان مرحوم کاشف‌الغطاء، نماز جماعت در حرم مطهر برگزار نمی‌گردید بلکه در مساجد برپا می‌شد. زیرا کاشف‌الغطاء عقیده داشت که اقامه نماز جماعت در حرم باعث آزار زائرین می‌گردد؛ همین مسئله موجب شد مساجد نجف آبادتر شود. برخی از مساجد مشهور و مهم شهر نجف عبارتند از:



■ مسجد حنانه

هنگام انتقال سر مبارک امام حسین (ع) از کربلا به کوفه، آن را در محلی که هم اکنون مسجد حنانه قرار دارد، بر زمین نهادند. لذا این مکان به موضع «رأس الحسین (ع)» نیز مشهور است. شرحش در صفحه ۱۴۵ گذشت.



■ مسجد عمران بن شاهین
از قدیمی‌ترین و مشهورترین مساجد نجف می‌باشد که عمران بن شاهین آنرا در اواسط قرن چهارم بنا نهاده است. شرحش در صفحه ۱۱۶ گذشت.

• بنات الحسن

در طول قرنهای اخیر، جنگ‌هایی صورت گرفته که مرقدها و اماکن متبرکه بسیاری هدف حمله و آسیب قرار گرفته‌اند؛ از آن جمله است جنگ عثمانی‌ها در عراق و حمله آنان به مراقد علما.

در این زمان، علمای شیعه برای جلوگیری از تخریب قبور علما و بزرگان، چاره‌ای اندیشیدند و قبرها را به نامهای امامزادگان نام‌گذاری می‌کردند و بعد نیست قبرهایی که در نجف اشرف در خیابان جنوبی حرم، بنامهای بنات الحسن (یکی بنام آمنه بنت الحسن و دیگری بنام زهرا بنت الحسن و سومی بنام رقیه بنت الحسن) معروف شده. از آن زمان به بعد این نامها را بر خود گرفته‌باشند. شاید هم واقعا این‌ها مرقده دختران و یا نوادگان امام حسن (ع) باشند والله العالم.



◀ آمنه بنت الحسن (ع)



◀ زهرا بنت الحسن (ع)



◀ رقیه بنت الحسن (ع)

jabir.abbas@yahoo.com

■ **مسجد شیخ جعفر شوشتری**
در محله مشرقی قرار دارد و واعظ مشهور، شیخ جعفر شوشتری، سال‌ها در آن به موعظه و ایراد سخن اشتغال داشت.

■ **مسجد علامه میرزای شیرازی**
از مساجدی است که در بیشتر اوقات مملو از نمازگزاران می‌باشد.

■ **مسجد صفة الصفا**
از مساجد قدیمی نجف است که در محله «شیلان» قرار دارد و تاریخ بنای آن به قرن هشتم هجری می‌رسد.

■ **مسجد شیخ طریحی**
از مساجد بزرگ و مشهور نجف است که به محقق کرکی نسبت داده می‌شود. در سال ۱۳۷۶ هـ. ق. مورد تعمیر و بازسازی قرار گرفت.

■ **مسجد و مدرسه کاشف الغطاء**
که مدفن مرحوم شیخ جعفر کاشف الغطاء و غده‌ای از خاندانش نیز هست.



■ **مسجد خضراء**، که در شمال شرقی حرم مطهر و هم‌جوار آن واقع شده و یک درب هم از داخل صحن مطهر به آن باز می‌شود، سالها محل تدریس آیه الله خوئی بوده است.



■ **مسجد شیخ انصاری**
مشهور به مسجد ترک‌ها که در محله «خویش» واقع است و با مساعدت و تحت نظارت شیخ مرتضی انصاری بنا شده است. این مسجد محل برگزاری جلسات درس بزرگان حوزه نجف از جمله سید محمد کاظم یزدنی بوده است. امام خمینی نیز سالهای تبعید و اقامتش در نجف، در این مسجد به اقامه نماز جماعت و تدریس می‌پرداخت.



■ **مسجد هندی**
این مسجد که در ابتدای شارع الرسول واقع شده و از مساجد بزرگ و مشهور نجف و یکی از مراکز تدریس حوزه علمیه نجف است، در اوائل قرن ۱۳ قی بدست حاج خان محمد هندی ساخته شد. در کنار آن کتابخانه آیه الله العظمی حکیم و آرامگاه وی قرار دارد.



■ **مسجد شیخ طوسی**
این مسجد در کنار مرقد شیخ طوسی واقع است، و همچنان محل تدریس استادان حوزه نجف است. بعد از هجرت شیخ طوسی از بغداد به نجف، اینجا منزل و محل سکونت ایشان بود که جلسات درس و مذاکرات علمی شیخ در این جا برگزار می‌شد و پس از وفات شیخ «محقق» وصیتش، به مسجد تبدیل شد.

این مسجد یکی از مشهورترین مساجد نجف است که در محله مشرقی قرار دارد و تا به حال چندین بار بازسازی، مرمت و تعمیرات اساسی شده است.



■ **مسجد جواهری**، که به علت دفن مرحوم صاحب جواهر پیش از آن، بدین نام مشهور است.

jabir.abbas@yahoo.com

مدارس دینی حوزه علمیه نجف

در حوزه هزارساله نجف، که بزرگترین و با سابقه‌ترین حوزه دینی شیعه است، مدارس بسیاری با هدف سکونت و تدریس طلاب ساخته شده است که مشهورترین آنها عبارتند از:

۱. مدرسه مقداد سیوری:

فاصل مقداد متوفی سال ۸۲۶ هـ.ق.

۲. مدرسه صدر:

قدیمی‌ترین مدرسه موجود شامل ۳۰ حجره.

۳. مدرسه معتمد:

تأسیس سال ۱۲۶۲ هـ.ق شامل ۴۰ حجره.

۴. مدرسه شیخ مهدی:

تأسیس سال ۱۲۸۴ هـ.ق شامل ۲۲ حجره.

۵. مدرسه قوام:

تأسیس سال ۱۳۰۰ هـ.ق، شامل ۲۶ حجره.

۶. مدرسه سلیمیه:

تأسیس سال ۱۲۵۰ هـ.ق شامل ۱۲ حجره.

۷. مدرسه ایروانی:

تأسیس سال ۱۳۰۵ هـ.ق، شامل ۱۹ حجره.



مدرسه شبیره در محله براقی



مدرسه معتمد کاشف الغطا در محله عماره



مدرسه آیه الله یزدی در محله خویش



مدرسه اخوند خراسانی در محله خویش



مدرسه قزوینی در محله خویش (قبله حرم)

۸. مدرسه قزوینی: تأسیس سال ۱۲۲۴ هـ.ق، شامل ۲۳ حجره.

۹. مدرسه بادکوبه‌ای: تأسیس سال ۱۳۲۵ هـ.ق.

۱۰. مدرسه شریانی: تأسیس سال ۱۳۳۰ هـ.ق، شامل ۱۴ حجره.

۱۱. مدارس خلیلی: شامل ۲ مدرسه:

۱. مدرسه متوسط سال ۱۳۳۲ هـ.ق، شامل ۱۸ حجره.

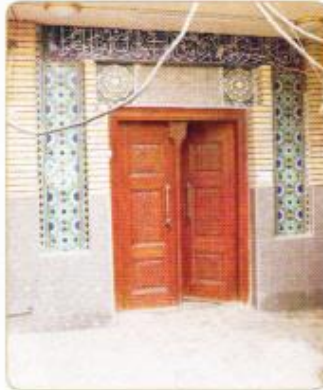


مدرسه آیه الله بروجردی ابتدای بازار بزرگ

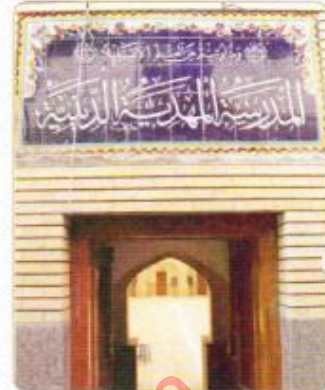
jabir.abbas@yahoo.com



مدرسه آیه الله سبزواری در محله خویس



مدرسه قوام در محله غماره (شمال حرم)



مدرسه مهدیه در محله غماره (شمال حرم)

۱۸. مدرسه دارالحکمة: تاسیس آیه الله العظمی حکیم رحمته.

۲۰. مدرسه لبنانیه: در محله جدید.

۲۱. مدرسه ازویه: در محله جدید.

۲۲. مدرسه بغدادی.

۲۲. مدرسه سبزواری: که در آن مرقد آقاالله سید عبدالاعلی سبزواری رحمته نیز قرار دارد.

۲۳. مدرسه پاکستانی ها: تاسیس ۱۳۷۰ هـ. ق.

۲۴. مدرسه جوهرچی: تاسیس ۱۳۸۳ هـ. ق.

۲۵. مدرسه العاملیه: در خیابان مسلم بن عقیل

۲۶. مدرسه غدیریان: در محله العماره

۲۷. مدرسه شبویه: تاسیس ۱۳۸۵ هـ. ق.

۲۸. مدرسه پنهانی: تاسیس ۱۳۸۳ هـ. ق.

۲۹. مدرسه الامام امیرالمؤمنین رحمته: تاسیس

سال ۱۳۸۸ هـ. ق.

۳۰. مدرسه دارالعلم: آیه الله العظمی خویی رحمته.

۱۹. جامعة النجف الدینیة: که بزرگترین مدرسه در نجف به حساب می آید شامل بیش از ۱۰۰ حجره، کتابخانه جامع و مسجد است که در مساحتی حدود ۵۰۰۰ مترمربع در خیابان اصلی نجف به سمت کوفه قرار دارد. بنای آن به سال ۱۳۷۶ هـ. ق. بازمی گردد.



جامعة النجف در خیابان اصلی نجف به سمت کوفه

۲. مدرسه بزرگ سال ۱۳۳۰ هـ. ق. شامل ۴۶ حجره.
۱۲. مدارس اخوندخراسانی: شامل ۳ مدرسه:
۱. بزرگ سال ۱۳۲۱ هـ. ق. شامل ۸۰ حجره.

۲. متوسط سال ۱۳۲۶ هـ. ق. شامل ۳۳ حجره.

۳. کوچک سال ۱۳۲۸ هـ. ق. شامل ۱۲ حجره.

۱۳. مدرسه هندی: شامل ۳۰ حجره.

۱۴. مدرسه بخارانی: تاسیس سال ۱۳۳۹ هـ. ق.

تجدید بنا ۱۳۸۰ هـ. ق.

۱۵. مدرسه سید محمد کاظم یزدی:

قسمت اول سال ۱۳۲۵ هـ. ق. شامل ۸۰ حجره.

قسمت دوم سال ۱۳۸۰ هـ. ق. با مرآة الله حکیم.

۱۶. مدرسه میرزای شیرازی:

که قبر میرزا نیز در آن قرار دارد.

۱۷. مدرسه پروجودی: تاسیس سال ۱۳۷۳ هـ. ق.

شامل ۶۴ حجره، مدرسه دارای کتابخانه ارزشمندی از

کتاب علمی و فقهی و کتابهای خطی نیز هست.

jabir.abbas@yahoo.com

● مراجع تقلید (معاصر) در حوزه علمیه نجف



آية الله العظمى سبستانی در کنار استادش، مرحوم آية الله العظمى حاج سید ابوالقاسم خویی



آية الله العظمى سید علی سبستانی

شیخ حسین حلی و آية الله حکیم و آية الله شاهرودی استفاده کرد.

در سال ۱۳۸۰ هـ. ق. آية الله خویی و حلی درجه اجتهاد وی را مکتوب نمودند. همچنین آقا بزرگ طهرانی گواهی دیگری در تخر

ایشان به علم رجال و حدیث، مکتوب نمود. معظم له از سال ۱۳۸۱ هـ. ق. تاکنون حدود ۵۰ سال است که به تدریس بحث خارج فقه، اصول، رجال و نگارش کتب مهم فقهی مشغولند.

به آموختن مقدمات علوم حوزوی نمود که مجموعه‌ای از دروس ادبی را نزد مرحوم ادیب نیشابوری و بعضی دیگر از اساتید فن آموخت. پس از فراگیری مقدمات و سطح، نزد برخی از اساتید و مدرسان به فراگیری علوم عقلیه و معارف الهیه پرداخت.

در سال ۱۳۶۸ هـ. ق. به قم مهاجرت نموده و در درس فقه و اصول آية الله العظمی بروجردی شرکت نمود.

در سال ۱۳۷۱ هـ. ق. به نجف اشرف هجرت کرد و از اساتید بزرگی همچون آية الله خویی و

آية الله حاج سید علی حسینی سبستانی روز ۹ ربیع الاول ۱۳۴۹ هـ. ق. در مشهد متولد گردید.

خاندان وی از سادات حسینی می‌باشند که در عهد صفوی در اصفهان می‌زیستند. سلطان حسین صفوی، جد اعلای ایشان، سید محمد را، به منصب شیخ الاسلامی در سیستان منصوب نمود و ایشان و خانواده‌شان در آن جا سکنی گزیدند.

سید علی پس از فراگیری علوم ابتدائی، در سال ۱۳۶۰ هـ. ق. به امر پدرش شروع

jabir.abbas@yahoo.com



آية الله العظمى
شیخ بشیر حسین نجفی



آية الله العظمى
شیخ محمد اسحاق فیاض



آية الله العظمى
سید محمد سعید حکیم

آية الله الشيخ بشير حسين نجفي در سال ۱۹۴۳م در «جالندهر» هند به دنیا آمد. وی فرزند صادق علی است. جد وی محمد ابراهیم لاهوری یکی از شخصیت‌های برجسته شیعی آن دیار بود که بعد از تقسیم هند، به پاکستان هجرت کرد و در لاهور مقیم شد و در همان جا وفات یافت. فرزندش، صادق علی، نیز راه پدر را ادامه داد تا وفات یافت و در کنار پدر دفن شد.

بشیر حسین مقدمات را نزد جد خود، پدر، عمویش - خادم حسین - و شیخ اختر عباس پاکستانی آموخت و سال ۱۹۶۵م. به نجف هجرت کرد و از محضر اساتیدی چون شیخ محمد کاظم تبریزی، سید محمد روحانی و آية الله العظمی خویی بهره برد و در سال ۱۹۶۸م. خود مبارزت به تدریس نمود همان گونه که قبلاً نیز در جامعة المنتظر لاهور تدریس می کرد. وی نزدیک به ۳۱ سال است که به تدریس بحث خارج فقه که از سال ۱۹۷۷م. آغاز کرده بود مشغول است و حدود ۳۱ کتاب فقهی نیز به رشته تحریر در آورده است. خدمات اجتماعی وی نیز فراوان است.

آية الله الشيخ محمد اسحاق فیاض، در سال ۱۹۳۰م در «صوبه» از استان غزنه افغانستان به دنیا آمد. پدرش، محمدرضا، کشاورزی با ایمان بود.

محمد اسحاق مقدمات را در افغانستان خواند پس از وفات پدر به مشهد هجرت کرد و از محضر اساتیدی چون ادیب نیشابوری، سید یونس اردبیلی و شیخ کفایی بهره برد؛ اما روح جستجوگرش هوای حوزه نجف را داشت و بالاخره موفق شد با کمک استادش، محمد علی مدرس افغانی، به نجف عزیمت کند و به خوشه جینی از محضر علمای نجف بپردازد و از اساتیدی چون میرزا کاظم تبریزی، شهید سید اسدالله مدنی، میرزا علی فلسفی و شیخ مجتبی لنگرانی، بهره برد. وی ۲۵ سال تمام بدون وقفه از بحث خارج آية الله العظمی خویی استفاده کرد و در مره شاگردان خاص و مقرر درس ایشان محسوب شد. ۱۰ جلد کتاب «محاضرات» محصول این سال هاست. محمد اسحاق تدریس و بحث خارج را از سال ۱۹۷۸م در جامعة النجف آغاز کرد و هم اکنون این بحثها در مدرسه یزدی ادامه دارد.

آية الله سید محمد سعید حکیم، در روز ۸ ذی قعدة سال ۱۳۵۴مق در نجف به دنیا آمد. وی بزرگترین نوه دختری آية الله العظمی سید محسن حکیم است.

از همان ابتدای کودکی تحت تربیت والد معظمشان، آية الله سید محمد علی حکیم، قرار گرفت. وی از محضر جناب دای خود، آية الله العظمی سید محسن حکیم و سید یوسف حکیم و همچنین از آية الله العظمی خویی، شیخ حسین حلی و سید علی بحر العلوم بهره های علمی فراوان برد و از سال ۱۳۸۸ ه ق تدریس خارج فقه و اصول را شروع کرد. از سال ۱۴۰۳ تا ۱۴۱۱مق، ایشان، پدر بزرگوارشان، بردران، فرزندان و بسیاری دیگر از آل حکیم، گرفتار زندان حزب بعث بودند و تعدادی نیز در زندان به شهادت رسیدند.





● وجه تسمیه کوفه

کوفه را از آن جهت «کوفه» نامیده اند که زمینی ریگستانی داشت (از تَكْوُفُ الرُّمْلِ) و یا به این سبب که محل تجمع مردم گردید.

● تاریخچه کوفه

شهر کوفه، از مهم ترین شهرهای جهان اسلام است. طبق روایات، این شهر مدفن بسیاری از انبیاء اوصیاء، اولیاء، صلحا و علماست. تاریخ بنای ابتدایی شهر به طور دقیق معلوم نیست، آنچه مسلم است، قدمت زیاد این شهر است. شهر کوفه در سال ۱۷ هجری پس از فتح قاصد و مدائن به دستور خلیفه دوم، توسط سعد وقاص تجدید بنا شد. از آن پس، این شهر، دارالهیجره مسلمین بوده و به قیبالاسلام معروف شده است. سال ها مرکز علم و فرهنگ و سیاست بوده و در طول تاریخ اسلام، حوادث تلخ و شیرین فراوان به خود دیده است.

● شهر کوفه از منظر روایات

امام صادق (ع) فرمود:

«نَفَقَةُ دَرْهَمٍ بِالْكُوفَةِ

تَحْسَبُ بِمِائَةِ دَرْهَمٍ فِيمَا سِوَاهَا

وَرَكْعَتَانِ فِيهَا تَحْسَبُ بِمِائَةِ رَكْعَةٍ»

(یک درهم انفاق در کوفه، برابر است با انفاق صد درهم در غیر کوفه و دو رکعت نماز در کوفه برابر است با صد رکعت در غیر کوفه). عبدالله بن ولید گوید: در عهد خلافت مروان حمار، به اتفاق جمعی از اهل کوفه به خدمت امام صادق (ع) رسیدیم؛ حضرت فرمود:

از کجا می آئید؟ گفتیم: از کوفه، فرمود:

ما هیچ شهری را به اندازه کوفه دوست نداریم؛ خداوند شما را به امری هدایت نمود که نادان ها بنان آگاه نبودند؛ از این جهت شما ما را دوست داشتید و دیگران به ما عداوت ورزیدند، شما از ما پیروی کردید

و دیگران با ما مخالفت نمودند و شما ما را تصدیق نمودید و دیگران تکذیبمان کردند، امیدوارم خداوند شما را به زندگی ما زنده دارد و به مرگ ما بمیراند.

در حدیث دیگر از آن حضرت آمده که فرمود: ولایت ما بر آسمان ها و زمین و کوه ها و شهرها عرضه شد و هیچ کدام، مانند کوفه آن را نپذیرفتند.

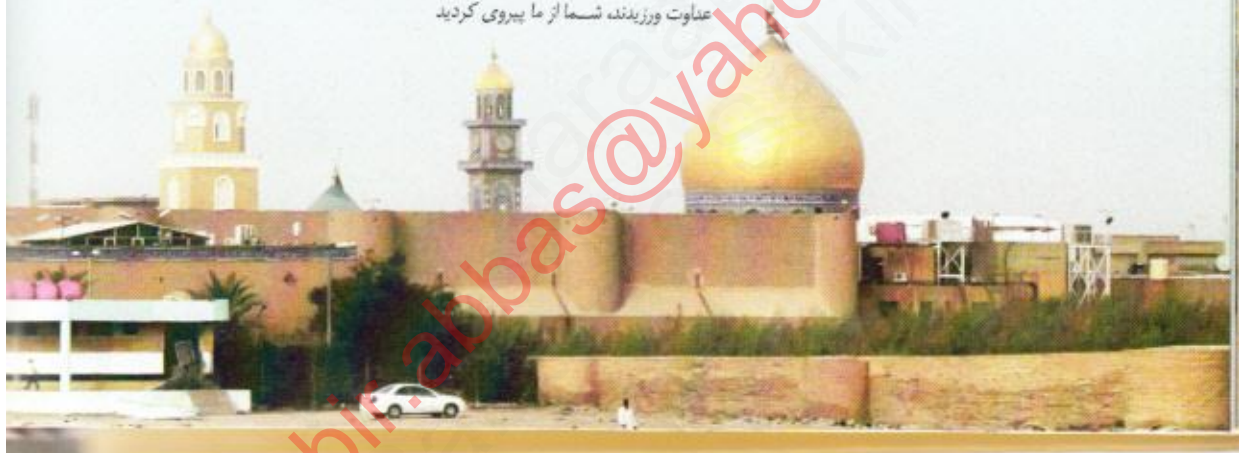
نیز فرمود:

مکه، حرم الهی و مدینه، حرم نبوی و کوفه، حرم علی (ع) است.

ایمان بن تغلب گوید: روزی از روزها امام صادق (ع) در نقطه پشت کوفه دو رکعت نماز گزارد و سپس فرمود:

«این جا محل خانه قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف است»^۱

از امام مجتبی (ع) روایت شده که جای پائی در کوفه نزد من بهتر است از خانه ای در مدینه.



کوفه ای محرم اسرار علی
شاهد خطبه و گفتار علی

کوفه تو چهره حیدر دیدی
تو مناجات علی بشنیدی

کوفه ای بازگه خاطره‌ها
در کجا بود علی وقت دعا

آنکه می‌برد به دوشش شهبها
به یتیمان پدرم‌رده غذا

هیچ پرسیدی از آن دل‌بیدار
که به ویرانه تو را هست چکار

گر تو از بردن نامش خجلی
فاش گویم که علی بود علی

«تَرْبَةُ نَجْبًا وَ نَجْبَهَا» ۲

● کوفه مرکز خلافت علی

اوج شهرت و عزت و افتخار شهر کوفه، زمانی است که امام علی علیه السلام در سال ۳۶ هـ ق این شهر را مرکز حکومت اسلامی قرار داد. این امر، کوفه را به مرکزی مهم برای فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، بدل کرد و باعث اقبال طوایف و قبایل جامعه اسلامی به این شهر شد.

خروج امام علیه السلام از مدینه و گزینش کوفه برای مرکز خلافت، کار آسانی نبود؛ همچنان که گریزی از آن نبود. درست همانند زمانی که رسول خدا صلی الله علیه و آله شهر مکه را با آن همه قداست، ترک کرد. ورود امام علی علیه السلام به کوفه را نیز باید نوعی هجرت برای حفظ دین از دست پیمان شکنان و فاسدانی چون معاویه دانست.

۱. منتخب الاثر، ص ۴۸۸.

۲. بحار الانوار، ج ۶۰ و ۱۰۰.

۳. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ۱۹۸۳.

از امام صادق علیه السلام نقل شده:

هر که در کوفه خانه‌ای دارد، آن را نگه دارد
در حدیث دیگر آن حضرت است که:

چون قائم ما ظهور کند مسجدی در پشت
کوفه برای او بنا شود که هزار در داشته باشد
و خانه‌های کوفه به نهر کربلا متصل گردد.
در حدیث امیرالمؤمنین علیه السلام آمده که فرمود:

ای کوفه! گویی ترا می‌بینم که به سان پوست
دباغی شده امتداد یابی و گسترده شوی، جمع
بسیاری جهت سکونت در تو گرد آیند و
حوادثی در تو پدید آید و من می‌دانم که
هیچ ستمگر قصد سوئی به تو نکند جز اینکه
خداوند او را به گرفتاری سخت دچار سازد و
به تیر قاتلی او را را پای تو آورد.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: این - کوفه - شهر ما و
کوی ما و جایگاه پیروان ما است.

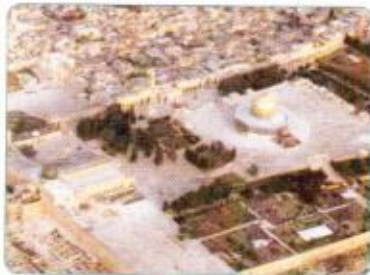
از امام باقر علیه السلام رسیده که در دعای خود می‌گفت:

«اللهم ارم من رماها و عاد من عادها».

و از آن حضرت روایت است که فرمود:



پیغمبر اکرم ﷺ فرمود: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِخْتَارَ مِنْ الْبُلْدَانِ أَرْبَعَةً فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ: **وَالَّتَيْنِ وَالزَّيْتُونِ وَطُورِ سَيْنِينَ** وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ»
فَالَّتَيْنِ الْمَدِينَةُ وَالزَّيْتُونُ بَيْتُ الْمَقْدِسِ وَطُورُ سَيْنِينَ الْكُوفَةُ وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينُ مَكَّةُ
خداوند از میان شهرها چهار شهر را برگزید و درباره آنها فرمود: وَالتَّيْنِ وَالزَّيْتُونِ وَطُورِ سَيْنِينَ وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ.



و «زیتون» بیت المقدس



«تین» مدینه است



و «هذا البلد الأمين» مکه.



و «طور سینین» کوفه است

تفسیر نمونه ج ۲۷ ص ۱۴۰

آیا مسافر می تواند در مسجد کوفه، نمازهای چهار رکعتی را، تمام بخواند؟

نظر مراجع معاصر نسبت به نماز مسافر در مسجد کوفه مختلف است، از جمله:

حتی در مسجد کوفه،

نماز قصر است.

آیه الله شبیری زنجانی.

احتیاط واجب نماز قصر است

حتی در مسجد کوفه.

آیه الله اراکی، آیه الله بهجت.

تخییر در مسجد قدیم کوفه

و اما در قسمت توسعه یافته

احتیاط واجب قصر است.

آیه الله گلپایگانی، آیه الله صافی.

تخییر در مسجد کوفه،

حتی قسمتهای جدید.

امام خمینی، آیه الله خویی، آیه الله

فاضل، آیه الله تبریزی، آیه الله

خامنه‌ای، آیه الله مکارم شیرازی.

تخییر در تمام شهر کوفه.

آیه الله سیستانی، آیه الله حکیم

توضیح المسائل مراجع، انتشارات اسلامی
جامعه مدرسین، ج ۱، ص ۷۲۸، مسأله ۱۳۵۶

کوفه ۱۶۱

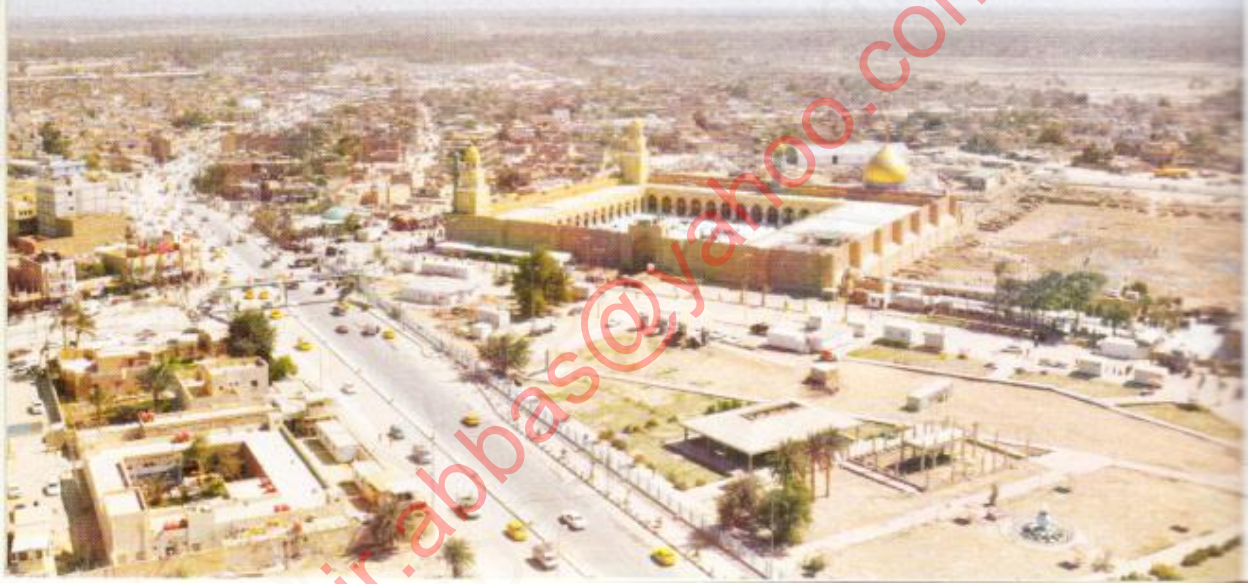
■ آن گاه روانه مسجد کوفه
شو و در همان حال بگو:

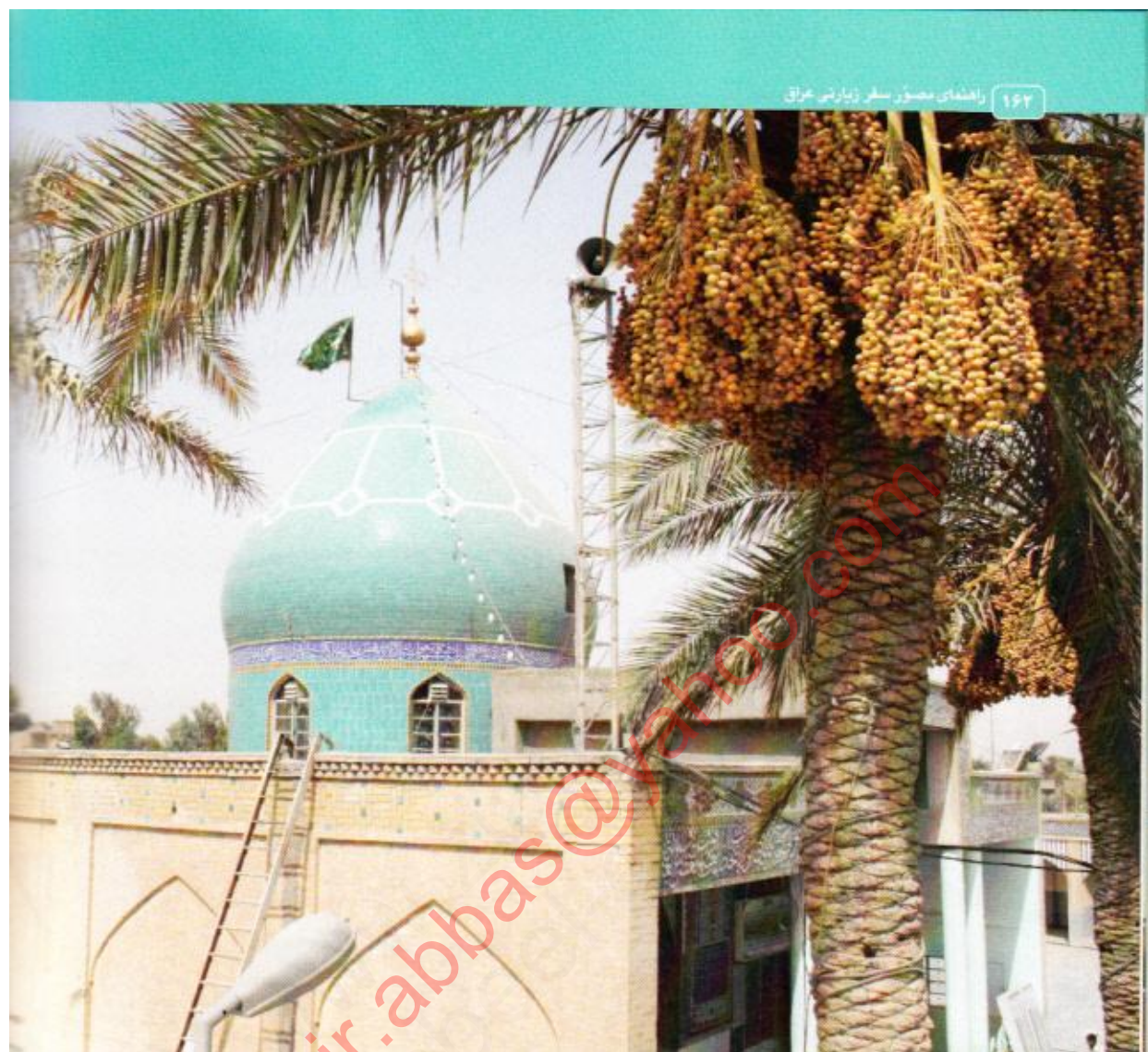
اللَّهُ أَكْبَرُ
وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ
وَسُبْحَانَ اللَّهِ،

● دعای ورود به شهر کوفه

■ هنگامی که وارد شهر کوفه شدی بگو:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ
وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
اللَّهُمَّ أَنْزِلْنِي مُنْزَلًا مُبَارَكًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ،







میثم تمار

میثم فرزند یحیی و از سرزمین «نهروان» - منطقه‌ای میان عراق و ایران - است. برخی او را ایرانی دانسته‌اند و چون در کوفه خرمافروش بود، به «تمار» مشهور شد. میثم تمار، غلامی از بنی‌اسد بود که امیرالمؤمنین علیه السلام او را خرید و آزاد کرد.

حضرت امیر علیه السلام از او پرسید: نامت چیست؟ گفت: سالم. حضرت فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله به من خبر دادند نام اصلی تو «میثم» است (نامی که پدر و مادرت بر تو نهاده‌اند)، میثم گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام راست می‌گویند، نام من میثم است. حضرت علیه السلام فرمود: پس همان نام قدیم تو بهتر است.^۱

میثم از خواص اصحاب و از یاران سر علیه السلام به شمار می‌آمد و به مقدار قابلیت و ظرفیت خویش از محضر امام علیه السلام علم آموخت و آن حضرت او را بر برخی از اخبار غیبی و اسرار نهان آگاه ساخت تا جایی که ابن عباس از محضر میثم استفاده می‌کرد.

صاحب الغارات می‌نویسد: «بوخالد تمار گوید: من با میثم بر روی فرات در یک کشتی که انار حمل می‌کرد، همراه بودیم. میثم به ما گفت: هم اکنون معاویه در گذشت. راوی می‌گوید: جمعه بود خبر در گذشت معاویه رسید؛ من در این مورد تحقیق کردم. معلوم شد در همان روزی که میثم خبر فوت او را به ما داد و در همان وقت، معاویه مرده است».^۲

یکی دیگر از اخبار غیبی که از میثم تمار نقل شده است مربوط به زمانی است که همراه با مختار ابن ابی عبیده ثقفی در زندان عبیدالله بن زیاد به سر می‌برد. شیخ مفید می‌نویسد:

«میثم در زندان به مختار گفت: تو به خون‌خواهی حسین علیه السلام قیام خواهی کرد و این کسی را که الان می‌خواهد تو را بکشد، خواهی کشت. وقتی عبیدالله می‌خواست مختار را بکشد نامه‌ای از یزید رسید و مختار آزاد شد».^۳

۱. الاصابة فی تمییز الصحابة، ابن حجر عسقلانی، بیروت، ج ۶، ص ۲۴۹.

۲. الغارات، ثقفی کوفی، ترجمه عزیزالله عطاردی، ص ۵۷۲.

۳. الارشاد، شیخ مفید، ج ۱، ص ۳۲۵.



jabir.abbas@yahoo.com

آن‌ها کوتاه‌تر است. سپس حضرت آن نخله را به وی نشان داد و فرمود: تو را بر آن به دار خواهند آویخت.

پس از شهادت امیرالمؤمنین علیه السلام، میثم پیوسته به نزد آن درخت می‌آمد و نماز می‌گزارد و با آن نخل سخن می‌گفت. و به عمرو بن حریت می‌گفت: من همسایه تو می‌شوم، برای من همسایه خوبی باش. عمرو به او می‌گفت: آیا می‌خواهی خانه ابن مسعود یا خانه ابن حکیم را بخری و نمی‌دانست که منظور میثم چیست.^۱

میثم در سال آخر عمر خویش به بیت‌الله الحرام و سپس به مدینه رفت و در آن جا به دیدار ام‌المؤمنین ام سلمه شتافت و از احوال امام حسین علیه السلام پرس و جو کرد. ام‌سلمه به وی گفت: بسیار می‌شنیدم که رسول خدا صلی الله علیه و آله سفارش تو را به امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمود. امام حسین علیه السلام نیز تو را بسیار یاد می‌کند.

۱. الغارات، نفی کوفی، ص ۵۷۲.

۲. الاصابه فی تمييز الصحابة، ج ۶، ص ۲۵۰.

روزی علی علیه السلام میثم را نزد خود خوانده و فرمود: ای میثم! چه خواهی کرد هنگامی که ابن زیاد تو را طلب کند و از تو بخواهد که از من برائت حاصل کنی.

میثم گفت: یا امیرالمؤمنین من هرگز از تو برائت نخواهم جست. امام فرمود: بنابراین تو را خواهند کشت و به دارت خواهند آویخت. عرض کرد: من صبر خواهم کرد.

حضرت فرمود: در این صورت تو در آخرت با من خواهی بود.^۱ ابن حجر عسقلانی و شیخ مفید و عده‌ای دیگر از مورخان نوشته‌اند که: امیرمؤمنان علیه السلام چگونگی کشته شدن میثم را خبر داد و به وی فرمود:

تو را بعد از من، دستگیر می‌کنند و به دار خواهند زد. در روز سوم از بی‌تی و دهان تو خون روان خواهد شد و محاسنت را رنگین خواهد ساخت. تو جزء آن ده نفری خواهی بود که بر در خانه عمرو بن حریت، به دار آویخته می‌شوند. چوبه دار تو از همه



• زیارتنامه میثم تمار

السلام عليك يا رسول الله السلام عليك يا أمير المؤمنين السلام عليك
يا فاطمة الزهراء سيدة نساء العالمين السلام على الحسن والحسين سيدي
شباب أهل الجنة السلام على الأئمة من ذرية الحسين عليهم السلام
ورحمة الله وبركاته السلام عليك أيها العبد الصالح يا میثم بن
یحیی التمار المطیع لله ولرسوله ولأمریر المؤمنین ولفاطمة والحسن و
الحسین أشهد أنك قد أقمت الصلوة وآتيت الزكاة وأمرت بالمعروف و
نهيت عن المنکر وجاهدت فی الله حق جهاده وعملت بکتابه مقتدیا
بالصالحین ومتبعا للنبیین وأشهد أنك قتلت مظلوما فلعن الله من
ظلمک ومن افترى عليك ومن أمر بقتلک ولعن الله من نصب لك العداوة
والبغضاء إلى يوم القيامة وحشا الله قبورهم نارا وأعد لهم عذابا
أليما جنتک أيها العبد الصالح زائرا قبرک مقرا بحقک معترفا بفضلک
فأسأل الله بالشأن الذي لك عنده أن يصلي على محمد وآل محمد
وأن يقضى لنا حوائجنا في الدنيا والآخرة ورحمة الله وبركاته.

میثم به کوفه بازگشت و در همان سال، یعنی اواخر سال ۶۰ هجری، ده روز قبل از ورود امام حسین (ع) به کربلا، توسط عیدالله بن زیاد دستگیر شد.

عیدالله از میثم سؤال کرد: خدایت کجاست؟

گفت: «المصاد للظلمه و انت منهم». (در کمین گاه ظالمان است و تو یکی از ظالمان هستی).^۱ و سرانجام به همان نحوی که امام علی (ع) خبر داده بود به دار آویخته شد اما او بر سر دار خاموش نبود و فضائل اهل بیت (ع) و رذائل بنی امیه را بیان می کرد؛ لذا ابن زیاد دستور داد بر دهان او لجام زدند و به شهادت رسید.

او اولین مسلمانی بود که به هنگام قتل بر دهانش لجام زده شد.

۱. الاصابة فی تمييز الصحابة، ج ۶، ص ۲۵۱.

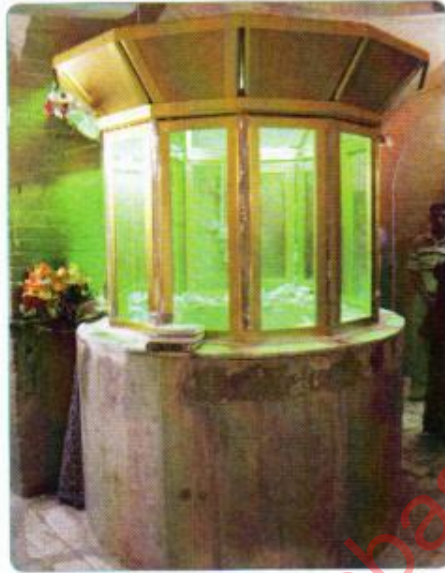


● خانه امیرالمؤمنین (علیه السلام)

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) پس از جنگ جمل، کوفه را به عنوان مرکز حکومتی برگزید؛ و شخصاً خانه مستقلی نداشت بلکه در خانه خواهرش ام‌هانی، ساکن شد. می‌گویند خانه‌ای که در منتهی‌الیه زاویه جنوب غربی مسجد کوفه قرار دارد، خانه حضرت امیر (علیه السلام) است، اما نمی‌توان با قطع و یقین گفت که این خانه همان خانه‌ای است که حضرت در آن ساکن بوده است. این خانه تاکنون بارها مرمت و تجدید بنا شده است.



کوفه ۱۶۷



عکس های جدید از خانه امام علی (ع)

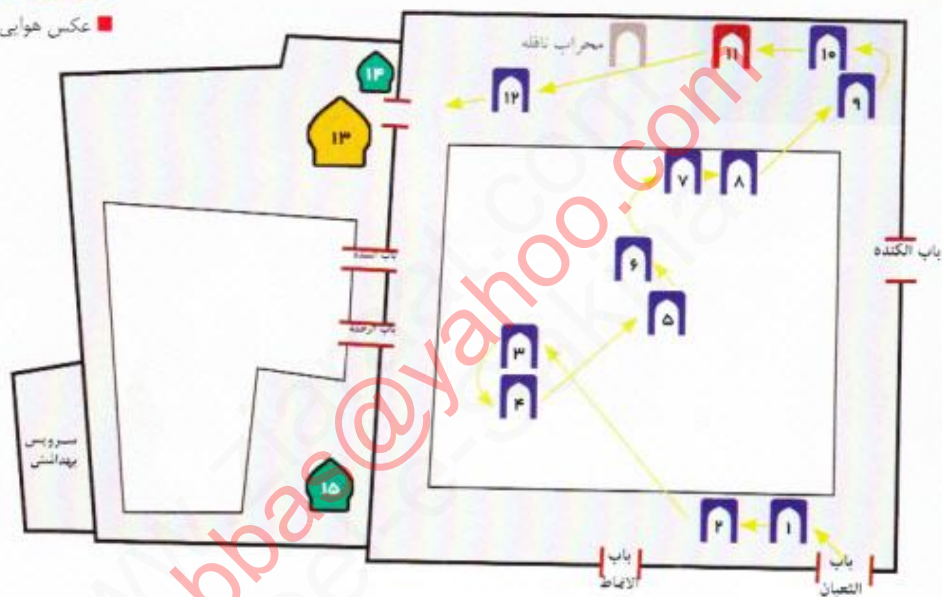
عکس های قدیمی از خانه امام علی (ع)



■ عکس هوایی از مسجد کوفه



- | | | | | | |
|----|------------------------|----|------------------------|---|--------------|
| ١١ | محراب شهادت امام علی | ٦ | دكة المعراج | ١ | مقام ابراهيم |
| ١٢ | مقام و محراب امام صادق | ٧ | مقام حضرت ادم | ٢ | مقام خضر |
| ١٣ | مرقد مسلم بن عقیل | ٨ | مقام جبرئیل | ٣ | دكة القضا |
| ١٤ | مرقد مختار لقفي | ٩ | مقام امام زين العابدين | ٤ | بيت الطشت |
| ١٥ | مرقد هانی بن عروه | ١٠ | مقام حضرت نوح | ٥ | سفينه نوح |





● مسجد کوفه در آینه‌ی روایات

روزگاری مسجد کوفه مرکز دآوری و دادرسی مولای متقیان، امیرمؤمنان، علی (ع) بود و به هنگام ظهور نیز مرکز دآوری و دادرسی فرزند پیرمندش حضرت بقیه‌الله (عجل‌الله تعالی فرجه الشریف) خواهد بود.

امیرمؤمنان (ع) در یک خطبه‌ی طولانی، ویژگی‌های مسجد کوفه را بیان می‌فرماید: ای اهل کوفه، خداوند به شما نعمت‌هایی عطا فرموده که به هیچ‌کس عطا نکرده است. از برتری محل برگزاری نماز شما این است که اینجا خانه‌ی آدم، نوح و ادریس؛ و عبادتگاه ابراهیم خلیل و عبادتگاه یسوع مسیح است. امروزه محل عبادت و مناجات من است. سپس در ادامه فرمود:

وَلْيَأْتِنِ عَلَيْهِ زَمَانٌ يَكُونُ مُصَلِّي الْمَهْدِيِّ
مِنْ وَلَدِي وَمُصَلِّي كُلِّ مُؤْمِنٍ. وَلَا يَبْقَى
عَلَى الْأَرْضِ مُؤْمِنٌ إِلَّا كَانَ بِهِ، أَوْ حُنَّ قَلْبُهُ
إِلَيْهِ؛^۱ برای مسجد کوفه زمانی فرا می‌رسد که محل برگزاری نماز مهدی (عجل‌الله تعالی فرجه الشریف) از تبار من و محل عبادت هر مؤمن می‌شود. هیچ مؤمنی در روی زمین نمی‌ماند، جز این که به این مسجد بیاید یا قلبش برای این مسجد پریزند.

● توسعه‌ی مسجد کوفه

نخستین بنیانگذار مسجد کوفه، حضرت آدم (ع) می‌باشد و در گذشته خیلی وسیع‌تر از ساختمان فعلی آن بوده است.

امیرمؤمنان (ع) در مقابل درب مسجد ایستاد، تیری در چله‌ی کمان نهاده و پرتاب کرد؛ تیر در میان خرمافروش‌ها افتاد، فرمود:

قَدْ نَقَصَ مِنْ آسَاسِ الْمَسْجِدِ مِثْلُ مَا نَقَصَ
فِي تَرْبِيعِهِ؛^۲ از اساس مسجد، مقداری کم شده همانگونه که از مربع شدن آن کاسته شده است.

حدیفه بن یمان گوید: به مقدار دوازده هزار ذراع از مساحت آن کم شده است.

مفضل گوید: در محضر امام صادق (ع) بودم، هنگامی که در آخر بازار سراج‌ها زین فروش‌ها به طاق زین‌ها روغن فروش‌ها رسیدیم، از اسب پیاده شد و به من فرمود:

انْزِلْ، فَإِنَّ هَذَا الْمَوْضِعَ كَانَ مَسْجِدَ الْكُوفَةِ
الْأَوَّلِ الَّذِي خَطَّهُ آدَمُ (ع) وَ إِنَّا أَكْرَهُ أَنْ
أَدْخِلَهُ رَاكِبًا.^۳

پیاده شو، زیرا این جایزه نخستین مسجد کوفه است که حضرت آدم (ع) آن را طرح‌ریزی کرده بود، من دوست ندارم که سواره وارد آن شوم.

امام باقر (ع) در فرازی از یک حدیث طولانی می‌فرماید:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ (عجل‌الله تعالی فرجه الشریف) دَخَلَ
الْكُوفَةَ وَ أَمَرَ بِهَدْمِ الْمَسَاجِدِ الْآرِبَةِ حَتَّى
يَبْلُغَ آسَاسَهَا؛^۴

هنگامی که قائم (عجل‌الله تعالی فرجه الشریف) قیام کند، وارد کوفه می‌شود و فرمان می‌دهد که چهار مسجد را ویران کنند تا به پایه‌های نخستین برگردد.

امیرمؤمنان (ع) فرمود:

لَا تُشَدُّ الرِّحَالُ إِلَّا إِلَى ثَلَاثَةِ مَسَاجِدَ:

الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ، وَ الْمَسْجِدَ رَسُولَ اللَّهِ (ص)
وَ الْمَسْجِدَ الْكُوفَةَ. بار و بنه‌ی سفر بسته نمی‌شود، جز به سه مسجد: (۱) مسجد الحرام، (۲) مسجد النبی، (۳) مسجد کوفه.

فخرالساجدین، زین‌العابدین، امام سجاد (ع) از مدینه منوره، صرفاً به قصد نماز گزاردن، به مسجد کوفه آمد، چهار رکعت نماز گزارد، آن گاه بر مرکب خود سوار شده، به مدینه برگشت.^۵

امیرمؤمنان (ع) فرمود:

وَإِنْ مَسَّجِدُكُمْ هَذَا لِأَحَدِ الْمَسَاجِدِ الْآرِبَةِ
الَّتِي اخْتَارَهَا اللَّهُ لَاهْلِهَا.^۶ این مسجد شما (مسجد کوفه) یکی از چهار مسجدی است که خداوند آنها را برای اهلشان برگزیده است.

jabir.abbas@yahoo.com

و در آخرین فراز از همین حدیث فرمود: آن را هرگز فرو نگذارید، با نماز گزاردن در آن به خداوند تقرب بجوید، برای برآورده شدن نیازهای خود به آن جا روی بیاورید. اگر مردمان می دانستند که چه برکتی در آن هست، از همه ی قطار زمین به سوی آن می شتافتند، اگر چه با سینه خیز رفتن بر روی برف ها باشد.^۹



آن گاه امیرمؤمنان علیه السلام دست بر سینه نهاده فرمود:

ما دعا فيه مكروبٌ بمسألةٍ في حاجةٍ من الحوائجِ الا أجابه الله و فرج عنه كربته؛^{۱۰} هیچ غم زده ای در این مسجد حاجتی از حوائج خود را از خدا مسألت نمی کند، جز این که خداوند او را حاجت روا می کند و اندوهش را می زداید. امام صادق علیه السلام فرمود:

نعم المسجد الكوفة، صلى فيه ألف نبي و

الف وصي؛^{۱۱} مسجد کوفه، چه مسجد خویی است، هزار پیامبر و هزار وصی پیامبر در آن نماز گزارده اند.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در همین رابطه فرمود:

مسجد کوفه در مورد هر کس که در آن دو رکعت نماز بگذارد در روز قیامت شفاعت می کند.^{۱۲}

امام صادق علیه السلام فرمود:

إن الصلاة المكتوبة فيه لتعدل ألف صلاة، وأن النافلة فيه لتعدل خمس مائة صلاة وأن الجلوس فيه بغير تلاوة ولا ذكر لعيادة^{۱۳} نماز واجب در مسجد کوفه معادل یک هزار نماز و نماز مستحبی معادل ۵۰۰ نماز می باشد و نشستن در آن جا بدون ذکر و تلاوت قرآن، یاداش عبادت دارد.

الصلاة في مسجد الكوفة قرءاً، أفضل من سبعين صلاة في غيره جماعة؛^{۱۴}

نماز فردی در مسجد کوفه، از ۷۰ نمازی که در دیگر مساجد با جماعت خوانده شود، بهتر است.

ستون هفتم مقام امیرالمؤمنین علیه السلام است.^{۱۵} ابو حمزه ی ثمالی گوید: اصبع بن ثباته دست مرا گرفت و ستون هفتم را به من نشان داد و گفت: اینجا مقام امیرالمؤمنین علیه السلام است.^{۱۶}

با اسناد گوناگون روایت شده که هر کس

شصت هزار فرشته بر مسجد کوفه فرود آمده، در نزد ستون هفتم نماز می گزارند و دیگر تا روز رستاخیز به آنها نوبت نمی رسد که برگردند و در آن جا نماز بگذارند.^{۱۷}

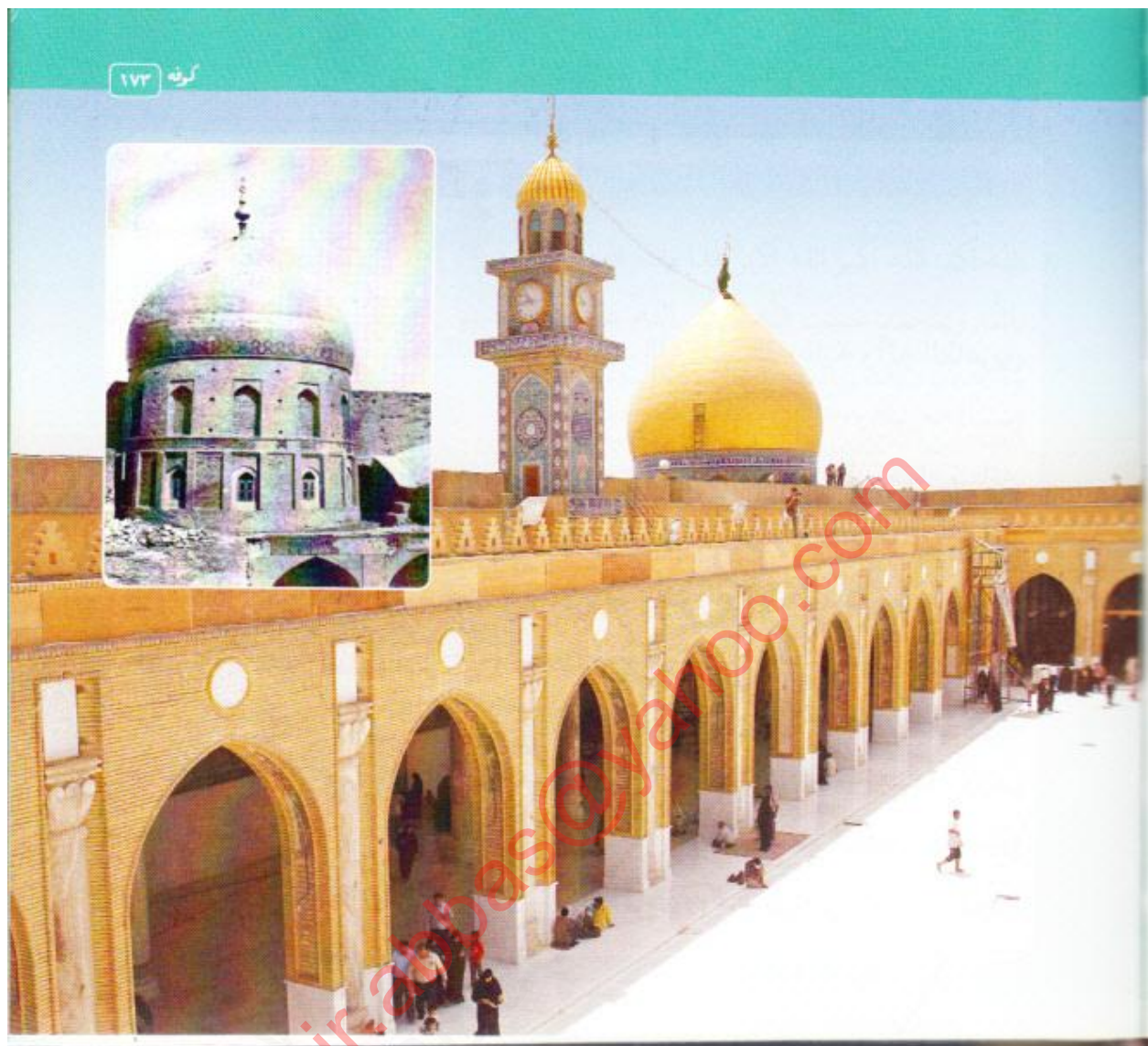
امام رضا علیه السلام فرمود:

مسجد کوفه خانه ی حضرت نوح بود؛ اگر کسی یک صد بار وارد شود، یک صد بار خداوند برای او آمرزش می نویسد؛ زیرا دعای طلب آمرزش حضرت نوح در آن جاست.^{۱۸}

منظور از این دعا، دعای «رب اغفر لی ولوالدی وللمن دخل بیسی مؤمناً» می باشد.^{۱۹}

تختیسی از مقاله استاد علی اکبر مهدی پور

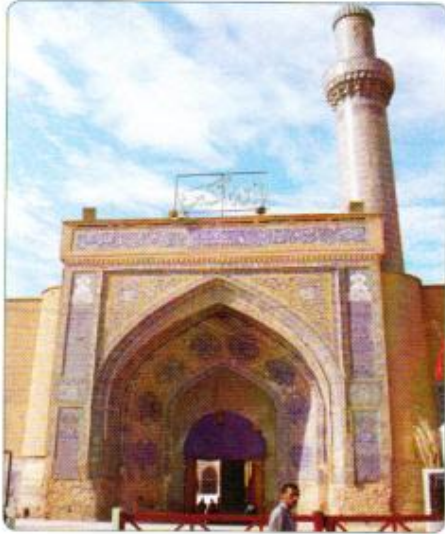
۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۵۰.
۲. بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۳۹۸.
۳. همان، ص ۳۹۶.
۴. کافی، ج ۸، ص ۲۳۴.
۵. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۳.
۶. وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۲۵۷.
۷. همان، ص ۲۵۴.
- ۸ و ۹. همان، ص ۲۵۷.
۱۰. بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۴۰۴.
۱۱. وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۲۵۲.
۱۲. همان، ص ۳۹۶.
۱۳. همان، ص ۳۹۱.
۱۴. وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۲۳۹.
۱۵. بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۴۰۱.
۱۶. همان، ج ۸۳، ص ۳۷۷.
۱۷. وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۲۶۴.
۱۸. بحار الأنوار، ج ۵، ص ۱۱۳.
۱۹. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۳۸۲.



• اعمال مسجد کوفه

■ کنار در مسجد کوفه ایست و بگو:

السَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا رَسُولِ اللَّهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ،
السَّلَامُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، وَعَلَى مَجَالِسِهِ
وَمَشَاهِدِهِ وَمَقَامِ حِكْمَتِهِ وَأَثَارِ آبَائِهِ آدَمَ وَنُوحَ وَإِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَتَبْيَانِ بَيْنَاتِهِ،
السَّلَامُ عَلَى الْأَمَامِ الْحَكِيمِ الْعَدْلِ الصَّدِيقِ الْأَكْبَرِ الْفَارُوقِ بِالْقِسْطِ الَّذِي فَرَّقَ اللَّهُ
بِهِ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ وَالْكَفْرِ وَالْإِيمَانِ وَالشِّرْكَ وَالتَّوْحِيدِ، لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ
بَيِّنَةٍ وَيُحْيَا مَنْ حَيَّ عَنْ بَيِّنَةٍ، أَشْهَدُ أَنَّكَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ، وَخَاصَّةً نَفْسِ الْمُتَتَجِبِينَ،
وَزَيْنِ الصَّدِيقِينَ، وَصَابِرِ الْمُتَمَتِّحِينَ، وَأَنَّكَ حَكَمَ اللَّهُ فِي أَرْضِهِ، وَقَاضَى أَمْرَهُ وَبَابَ
حِكْمَتِهِ، وَعَاقَدَ عَهْدِهِ وَالنَّاطِقَ بِوَعْدِهِ وَالْحَبِيلَ الْمُوْصُولَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ عِبَادِهِ وَكَهْفَ
النَّجَاةِ وَمِنْهَاجَ الثَّقَى، وَالدرَجَةَ الْعُلْيَا، وَمُهَيْمِنَ الْقَاضِيِ الْأَعْلَى، يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ
بِكَ اتَّقَرُّبُ إِلَى اللَّهِ زُلْفَى، أَنْتَ وَلِيِّي وَسَيِّدِي وَوَسِيلَتِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.



■ هنگام ورود به مسجد (که بهتر است از باب التَّائِبِينَ^۱ باشد) می‌گویی:

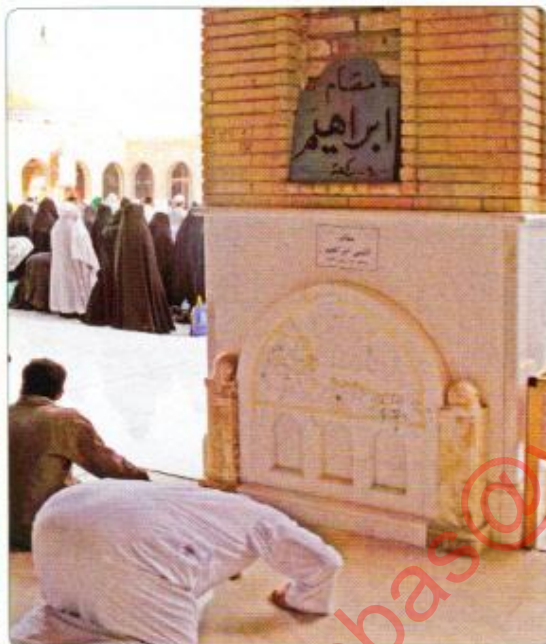
اَللّٰهُ اَكْبَرُ اَللّٰهُ اَكْبَرُ اَللّٰهُ اَكْبَرُ هَذَا مَقَامُ الْعَانِدِ
بِاللّٰهِ وَبِمُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
وَآلِهِ، وَبِوَلَايَةِ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْاَنْمَةِ الْمَهْدِيِّينَ
الصّٰدِقِيْنَ النَّاطِقِيْنَ الرَّاشِدِيْنَ الَّذِيْنَ اَذْهَبَ اللّٰهُ
عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَطَهَّرَهُمْ تَطْهِيراً، رَضِيتُ بِهِمْ اَئِمَّةً
وَهُدَاةً وَمَوَالِيٍّ سَلَمْتُ لَامْرِ اللّٰهِ لَا اُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً،
وَلَا اتَّخِذُ مَعَ اللّٰهِ وَلِيّاً، كَذَبَ الْعَادِلُونَ بِاللّٰهِ
وَضَلُّوا ضَلَالاً بَعِيداً، حَسْبِيَ اللّٰهُ وَآوَلِيَاءُ اللّٰهِ
أَشْهَدُ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ،
وَأَشْهَدُ اَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
وَآلِهِ وَآلِهِ عَلِيّاً وَالْاَنْمَةَ الْمَهْدِيِّينَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ
عَلَيْهِمُ السَّلَامُ اَوَلِيَّائِي وَحُجَّةُ اللّٰهِ عَلَيَّ خَلْقِهِ.

۱. نام این در، از قدیم، «باب التَّائِبِينَ» بوده و داستانش چنین است:
هنگامی که امیرالمؤمنین علیه السلام بسالای منیر بود، یکی از جنیان به
صورت اژدهایی از این در وارد مسجد شد، نزد حضرت آمد
و سوالی پرسید؛ بعد از شنیدن جواب، از همین در بازگشت؛ از
آن به بعد، این در «باب التَّائِبِينَ» نام گرفت. این معجزه آشکار
امیرالمؤمنین علیه السلام جنان بر معاویه گران آمد که برای تغییر نام این
در، دستور داد فیلی را برای مدتی بر کنار آن در بستند و به مرور
نام آن را به «باب القیل» تغییر داد ولی اکنون همه این در را با نام
اصلی آن، «باب التَّائِبِينَ» می‌شناسند.

● مقام ابراهیم



■ دو رکعت نماز بخوان با «حمد» و «قُلْ هُوَ اللَّهُ»
و دو رکعت دیگر بخوان با «حمد» و «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ»:
بعد از این دو نماز و تسبیح حضرت زهراء (ع) بگو:



السَّلَامُ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ
الرَّاشِدِينَ الَّذِينَ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمْ
الرَّجْسَ وَطَهَّرَهُمْ تَطْهِيراً، وَجَعَلَهُمْ
أَنْبِيَاءَ مُرْسَلِينَ وَحُجَّةً عَلَى الْخَلْقِ
أَجْمَعِينَ، وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ،
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ،
ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ

■ وهفت مرتبه بگو:

سَلَامٌ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ

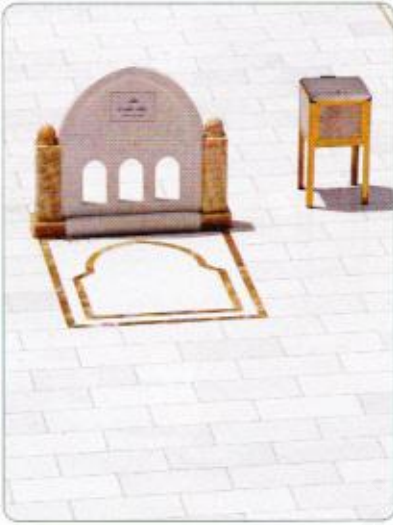
■ سپس بگو:

نَحْنُ عَلَى وَصِيَّتِكَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ الَّتِي أَوْصَيْتَ بِهَا ذُرِّيَّتَكَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ وَالصَّادِقِينَ،
وَنَحْنُ مِنْ شِيعَتِكَ وَشِيعَةِ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَلَيْكَ وَعَلَى جَمِيعِ
الْمُرْسَلِينَ وَالْأَنْبِيَاءِ وَالصَّادِقِينَ، وَنَحْنُ عَلَى مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَدِينِ مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ وَالْإِثْمَةِ
الْمُهْدِيَّةِ وَوَلَايَةِ مَوْلَانَا عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَى الْبَشِيرِ النَّذِيرِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ
وَرَحْمَتُهُ وَرِضْوَانُهُ وَبَرَكَاتُهُ، وَعَلَى وَصِيهِ وَخَلِيفَتِهِ الشَّاهِدِ لِلَّهِ مِنْ بَعْدِهِ عَلَى خَلْقِهِ
عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ الصَّدِيقِ الْأَكْبَرِ وَالْفَارُوقِ الْمُبِينِ، الَّذِي أَخَذَتْ بَيْعَتُهُ عَلَى الْعَالَمِينَ،
رَضِيَتْ بِهِمْ أَوْلِيَاءُ وَمَوَالِيٌّ وَحُكَّامٌ فِي نَفْسِي وَوُلْدٌ وَأَهْلٌ وَمَالِيٌّ وَقِسْمِي وَحَلِيٌّ
وَإِحْرَامِي وَإِسْلَامِي وَدِينِي وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي، أَنْتُمْ الْإِثْمَةُ فِي الْكِتَابِ
وَفَضْلُ الْمَقَامِ وَفَضْلُ الْخُطَابِ، وَأَغْنِي الْحَيَّ الَّذِي لَا يَنَامُ، وَأَنْتُمْ حُكْمَاءُ اللَّهِ وَبِكُمْ
حَكَمَ اللَّهُ وَبِكُمْ عَرَفَ حَقَّ اللَّهِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، أَنْتُمْ نُورُ اللَّهِ مِنْ بَيْنِ
أَيْدِينَا وَمَنْ خَلَفْنَا، أَنْتُمْ سُنَّةُ اللَّهِ الَّتِي يَهْتَدِي بِهَا سَبْقُ الْقَضَاءِ، يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَنَا لَكُمْ مُسَلِّمٌ
تَسْلِيمًا لَا أَشْرَكَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا أَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِ وَلِيًّا، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانِي بِكُمْ وَمَا
كُنْتُ لَاهْتَدِي لَوْلَا أَنْ هَدَانِي اللَّهُ، اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا هَدَانَا.

● دَکَّة الْقَضَاءِ

■ به سوی دَکَّة القضا برو و در آن جا دو رکعت نماز بخوان یا حمد و هر سوره‌ای که خواستی و بعد از تسبیحات حضرت زهرا (علیها السلام) بگو:

يَا مَالِكِي وَمَمْلَكِي وَمُتَّعِدِي بِالنِّعَمِ الْجِسَامِ مِنْ
غَيْرِ اسْتِحْقَاقٍ، وَجَهِي خَاضِعٌ لِمَا تَعْلُوهُ الْأَقْدَامُ
لِجَلَالِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ، لَا تَجْعَلْ هَذِهِ الشَّدَّةَ وَلَا هَذِهِ
الْمُحَنَّةَ مُتَّصِلَةً بِاسْتِنصَالِ الشَّافَةِ وَامْنَحْنِي مِنْ
فَضْلِكَ مَا لَمْ تَمْنَحْ بِهِ أَحَدًا مِنْ غَيْرِ مَسْأَلَةٍ، أَنْتَ
الْقَدِيمُ الْأَوَّلُ الَّذِي لَمْ تَزَلْ وَلَا تَزَالِ، صَلِّ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَزَكِّ
عَمَلِي، وَبَارِكْ لِي فِي أَجَلِي، وَاجْعَلْنِي مِنْ عَتَقَانِكَ
وَطَلْقَانِكَ مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ



۱. دَکَّة القضا غرفه‌ای بوده در مسجد کوفه که امیرالمؤمنین (علیه السلام) در آنجا قضاوت می‌کرده است. و ستون کوتاهی در آنجا بوده که بر روی آن این آیه شریفه را نوشته بوده‌اند: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ»
مشهور آنست که اعمال دَکَّة القضا و بیت الطلث را بعد از همه اعمال مسجد کوفه بخوانند.

jabir.abbas@yahoo.com

• بَيْتُ الطَّشْتِ

■ که متصل است به دُکة القضاء؛ دو رکعت نماز در آن جا بخوان و بعد از سلام نماز و تسبیح بگو:



اللَّهُمَّ إِنِّي ذَخَرْتُ تَوْحِيدِي إِيَّاكَ وَمَعْرِفَتِي بِكَ
وَإِخْلَاصِي لَكَ وَإِقْرَارِي بِرُبُوبِيَّتِكَ، وَذَخَرْتُ وَلَايَةَ
مَنْ أَنْعَمْتَ عَلَيَّ بِمَعْرِفَتِهِمْ مِنْ بَرِيَّتِكَ مُحَمَّدٍ وَعِزَّتِهِ
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ لِيَوْمٍ فَرَعَسِي إِلَيْكَ عَاجِلًا وَآجِلًا،
وَقَدْ فَرَعْتُ إِلَيْكَ وَالِيَهُمْ يَا مَوْلَايَ فِي هَذَا الْيَوْمِ
وَفِي مَوْقِفِي هَذَا وَسَأَلْتُكَ مَا زَكِي مِنْ نِعْمَتِكَ وَإِزَاحَةً
مَا أَخْشَاهُ مِنْ نِقْمَتِكَ، وَالْبِرْكَاتِ فِيمَا رَزَقْتَنِيهِ،
وَتَحْصِينَ صَدْرِي مِنْ كُلِّ هُمْ وَجَانِحَةٍ وَمَعْصِيَةٍ
فِي دِينِي وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

■ ۱. بَيْتُ الطَّشْتِ همان مکانی است که یکی از معجزات امیرالمؤمنین (علیه السلام) در آن اتفاق افتاد و داستانش چنین است: دختری برای استحمام، میان آب نهر رفته بود، زالویی وارد بدنش شده و با مکیدن خون، کم کم بزرگ شده و باعث متورم شدن شکمش می شود. برادران آن دختر به او بدگمان شده و تصمیم به قتل وی می گیرند و برای حکم آن، نزد امیرالمؤمنین (علیه السلام) می آیند. آن حضرت دستور داد در کنار دُکة القضاء خیمه ای زدند و دخترک را در آن خیمه نشانده آن گاه به قایله کوفه امر کرد که آن دختر را معاینه کند. قایله پس از معاینه گفت: این دختر آستن است. حضرت برای اثبات بی گناهی دختر، دستور داد، طشتی مملو از لجن آوردند و دخترک را روی آن نشانده، زانو با استحمام بوی لجن از شکم دختر بیرون آمد و با این معجزه، امیرالمؤمنین (علیه السلام) بی گناهی آن دختر را ثابت کرد. الاوار العلویه، شیخ جعفر نقدی، ص ۱۱۰

• مقام سفینه نوح



زمین باقی نگذارد، خدا به او وحی کرد که کشتی را بسازد.

فَعَمِلَ نُوحٌ سَفِينَةً فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ بَيْدَهُ، فَاتَى بِالْخَشَبِ مِنْ بَعْدِ حَتَّى فَرَّغَ مِنْهَا:

(حضرت نوح علیه السلام کشتی را با دست خود در مسجد کوفه ساخت و تخته‌ها را از راه‌های دور آورد تا کار ساختن کشتی به اتمام رسید.) و در آیه ۴۰ سوره هود، خداوند می‌فرماید:

«حَتَّى إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُورُ قُلْنَا احْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ وَمَنْ آمَنَ وَمَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ»:

(تا آن‌گاه که فرمان ما در رسید و تنور فوران کرد؛ گفتیم: در آن [کشتی] از هر حیوانی یک جفته با کسانت - مگر کسی که قبلاً در باره او سخن رفته است - و کسانی که ایمان آورده‌اند، حمل کن؛ و با او جز [عده] اندکی ایمان نیاورده بودند.)

امیر مؤمنان علیه السلام در ضمن شمارش ویژگی‌های مسجد کوفه فرمود:

«فِيهِ نَجْرُ نُوحٍ سَفِينَتِهِ، وَفِيهِ فَارُ التَّنُورِ، وَبِهِ كَنْزُ بَيْتِ نُوحٍ وَمَسْجِدُهُ، وَفِي زَاوِيَةِ الْيَمَنِ فَارُ التَّنُورِ»: (حضرت نوح علیه السلام کشتی‌اش را در آن جا ساخت، از تنور نیز همان جا آب جوشید،

این مکان که به مقام «سفینه نوح» مشهور است، سابقاً به صورت سردابی در وسط مسجد بود و در آن محرابی قرار داشت همان طور که در سمت چپ این تصویر قدیمی دیده می‌شود. شهرت این مکان، به خاطر روایات فراوانی است که محل ساخت کشتی نوح، فوران آب از تنور و محل فرود کشتی را، مسجد کوفه می‌دانند که به برخی از آنها اشاره می‌شود:



خداوند در آیه ۳۶ سوره هود به حضرت نوح علیه السلام وحی فرمود:

«وَاصْنَعِ الْفُلَکَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحِّينَا وَلَا تَخَاطِبْنِي فِي الدِّينِ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُعْرِضُونَ»: (و زیر نظر ما و [به] آوحي ما کشتی را بساز و در باره کسانی که ستم کرده‌اند با من سخن مگوی، چرا که آنان غرض شیطانی اند.) امام صادق علیه السلام فرمود:

حضرت نوح علیه السلام نجار بود؛ او نخستین کسی است که کشتی ساخت و نهصد و پنجاه سال قوم خود را ارشاد و هدایت کرد، آنها همواره او را مسخره می‌کردند. نوح از خدا خواست که احدی از آنها را روی

jabir.abbas@yahoo.com

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه می شریفه فرمود:

«هنگامی که کشتی نوح به وسط مسجد کوفه رسید، خدا به زمین فرمان داد که آب خودش را فرو ببرد».

«فَبَلَعَتْ مَائِهَا مِنْ مَسْجِدِ الْكُوفَةِ، كَمَا بَدَأَ الْمَاءُ مِنْهُ»^۱ (پس زمین آب خودش را از مسجد کوفه فرو برد، چنان که در آغاز نیز از همان جا شروع شده بود).

۱. کافی، ج ۸، ص ۱۳۴
۲. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۳۰۸

خانه‌ی نوح و محل عبادت او نیز آن جا بود، در زاویه‌ی راست آن آب از تنور جوشید).

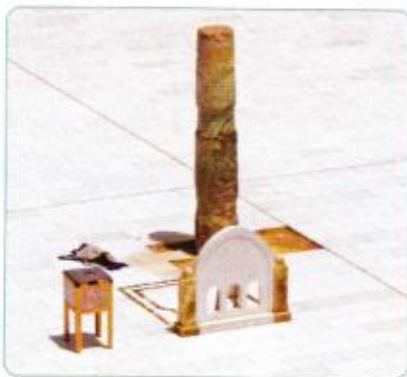
و در آیه ۴۴ سوره هود، خداوند می فرماید:

«وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكِ وَيَا سَمَاءُ اقْلَعِي وَغِيضَ الْمَاءِ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَاسْتَوَتْ عَلَى الْجُودَى وَقِيلَ بُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» (و گفته شد: ای زمین! آب خود را فرو بر، و ای آسمان، [از باران] خودداری کن و آب فرو کاست و فرمان گزارد شده و [کشتی] بر جودی قرار گرفت؛ و گفته شد: دور باد قوم ستمکار).



● دَکَّةُ المَعْرَاجِ

■ در وسط مسجد، دو رکعت نماز بخوان؛ در رکعت اول حمد و قُلْ هُوَ اللَّهُ و در رکعت دوم حمد و قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ و بعد از سلام نماز و تسبیح بگو:



اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ وَالْيَكْ يَعُودُ
السَّلَامُ وَدَارَكَ دَارَ السَّلَامِ حِينَ رَبَّنَا مِنْكَ بِالسَّلَامِ
اللَّهُمَّ إِنِّي صَلَّيْتُ هَذِهِ الصَّلَاةَ ابْتِغَاءَ رَحْمَتِكَ
وَرِضْوَانِكَ وَمَغْفِرَتِكَ، وَتَعْظِيمًا لِمَسْجِدِكَ
اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْفَعْهَا
فِي عَلَيَّيْنِ وَتَقَبَّلْهَا مِنِّي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

۱. در شب معراج، حضرت رسول ﷺ از خداوند رحمت خواست و در اینجا فرود آمد و دو رکعت نماز خواند؛ به همین سبب اینجا را دَکَّةُ المَعْرَاج نام نهاده‌اند.

قال ابو عبد الله عليه السلام: ... ان رسول الله ﷺ لما أسرى به إلى السماء قال له جبرئيل: أتدري أين أنت يا محمد؟ أنت الساعة مقابل مسجد كوفان قال ﷺ: فاستأذن لي أضلي فيه ركعتين، فنزل فضلى فيه ... بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۳۹۸، حديث ۳۹
امام صادق علیه السلام فرمود: ... هنگامی که رسول خدا ﷺ در سیر معراج آسمانی بودم جبرئیل به او گفت: آیا می‌دانی که هم‌اکنون کجایی؟ هم‌اینک تو در مقابل مسجد کوفه قرار داری. پیامبر ﷺ فرمود: از خداوند بخواهم اجازه بگیر دو رکعت نماز در آن جا بخوانم؛ پس پیامبر فرود آمد و در مسجد نماز خواند ...

● مقام حضرت آدم علیه السلام



■ این جا مقامی است که خداوند، توفیق توبه به آدم علیه السلام داد. ^۱ رو به قبله بایست و بگو:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ،
وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيَّ أَيْنَا آدَمَ

وَأَمْنَا حَوَاءَ السَّلَامُ عَلَى هَابِيلَ الْمَقْتُولِ ظُلْمًا وَعُدْوَانًا عَلَى مَوَاهِبِ اللَّهِ وَرِضْوَانِهِ، السَّلَامُ
عَلَى شَيْثِ صَفْوَةِ اللَّهِ الْمُخْتَارِ الْأَمِينِ وَعَلَى الصَّفْوَةِ الصَّادِقِينَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ الطَّيِّبِينَ أَوْلِهِمْ
وَأَخْرِهِمْ، السَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَعَلَى ذُرِّيَّتِهِمُ الْمُخْتَارِينَ، السَّلَامُ
عَلَى مُوسَى كُلِّيمِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى عِيسَى رُوحِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ خَاتَمِ
النَّبِيِّينَ السَّلَامُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَذُرِّيَّتِهِ الطَّيِّبِينَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ
فِي الْأَوَّلِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ فِي الْآخِرِينَ، السَّلَامُ عَلَى فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ السَّلَامُ عَلَى الْأَنْمَةِ
الْهَادِينَ شَهِدَاءِ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، السَّلَامُ عَلَى الرَّقِيبِ الشَّاهِدِ عَلَى الْأَمَمِ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

■ ۱. در آیه ۳۷ سوره بقره می خوانیم: «فَتَلَقَّى آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ»؛ (آدم از پروردگار خود کلماتی دریافت داشت و با آن توبه کرد و خدا نیز توبه او را پذیرفت). در روایات متعددی که از طرق اهل بیت علیهم السلام وارد شده است می خوانیم که مقصود از کلمات، تعلیم اسماء بهترین مخلوق خدا یعنی محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام بوده است و آدم با توسل به این کلمات از درگاه خداوند تقاضای بخشش نمود و خدا او را بخشید.
شاعر چه زیبا خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله سروده است:

عشق تو برای خضر بود آب حیات مهر تو برای نوح کشتی نجات آدم که فریب مکر شیطان را نخورد بخشنیده نشد مگر به ذکر صلوات

■ سپس دو رکعت نماز نزد همین ستون بخوان در رکعت اول «حمد» و «إنا أنزلناه» و در رکعت دوم «حمد» و «قل هو الله» و دو رکعت دیگر نیز به همین نحو بخوان و چون از نماز فارغ شدی، بعد از تسبیح حضرت زهرا (علیها السلام) بگو:

اللَّهُمَّ إِن كُنْتُ قَدْ عَصَيْتُكَ فَإِنِّي قَدْ اطَّعْتُكَ فِي الْإِيمَانِ مِنِّي بِكَ، مَنَّا مِنْكَ عَلَى لَامَنَّا مِنِّي عَلَيْكَ، وَاطَّعْتُكَ فِي أَحَبِّ الْأَشْيَاءِ لَكَ لَمْ أَتَّخِذْ لَكَ وَلِداً وَلَمْ أَدْعُ لَكَ شَرِيكاً، وَقَدْ عَصَيْتُكَ فِي أَشْيَاءٍ كَثِيرَةٍ عَلَى غَيْرِ وَجْهِ الْمَكَابِرَةِ لَكَ، وَلَا الْخُرُوجِ عَنْ عِبُودِيَّتِكَ، وَلَا الْجُحُودِ لِرَبُوبِيَّتِكَ، وَلَكِنْ اتَّبَعْتُ هَوَايَ وَأَزَلَّنِي الشَّيْطَانُ بَعْدَ الْحُجَّةِ عَلَى وَالْبَيَانِ، فَإِنْ تَعَذَّبْنِي فَبِذْنُوبِي غَيْرَ ظَالِمٍ لِي، وَإِنْ تَغْفِرْ عَنِّي وَتَرْحَمْنِي فَبِجُودِكَ وَكَرَمِكَ يَا كَرِيمُ، اللَّهُمَّ إِن ذُنُوبِي لَمْ يَبْقَ لَهَا إِلَّا رَجَاءُ عَفْوِكَ، وَقَدْ قَدَمْتُ آلَةَ الْحِرْمَانِ، فَأَنَا أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ مَا لَا اسْتَوْجِبُهُ، وَأَطْلُبُ مِنْكَ مَا لَا اسْتَحِقُّهُ، اللَّهُمَّ إِن تَعَذَّبْنِي فَبِذْنُوبِي وَلَمْ تَظْلِمْنِي شَيْئاً، وَإِنْ تَغْفِرْ لِي فَخَيْرٌ رَاحِمٌ أَنْتَ يَا سَيِّدِي، اللَّهُمَّ أَنْتَ أَنْتَ وَأَنَا أَنَا، أَنْتَ الْعَوَادُ بِالْمَغْفِرَةِ وَأَنَا الْعَوَادُ بِالذُّنُوبِ، وَأَنْتَ الْمُتَفَضِّلُ بِالْحِلْمِ وَأَنَا الْعَوَادُ بِالْجَهْلِ، اللَّهُمَّ فَإِنِّي أَسْأَلُكَ يَا كَنزَ الضُّعْفَاءِ يَا عَظِيمَ الرَّجَاءِ يَا مُنْقِذَ الْغَرَقَى، يَا مُنْجِيَ الْهَلَكَى، يَا مُمِيتَ الْأَحْيَاءِ يَا مُحْيِيَ الْمَوْتَى، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَنْتَ الَّذِي سَجَدَ لَكَ شُعَاعُ الشَّمْسِ وَدَوَى الْمَاءِ وَخَفِيفُ الشَّجَرِ وَنُورُ الْقَمَرِ وَظُلْمَةُ اللَّيْلِ



كوله ١٨٥

وَصَوِّ النَّهَارِ وَخَفَقَانِ الطَّيْرِ، فَاسْأَلْكَ اللَّهُمَّ يَا عَظِيمَ بِحَقِّكَ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الصَّادِقِينَ، وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الصَّادِقِينَ
عَلَيْكَ، وَبِحَقِّكَ عَلَى عَلِيٍّ وَبِحَقِّكَ عَلَى عَلِيٍّ، وَبِحَقِّكَ عَلَى
فَاطِمَةَ وَبِحَقِّكَ فَاطِمَةَ عَلَيْكَ، وَبِحَقِّكَ عَلَى الْحَسَنِ وَبِحَقِّكَ
الْحَسَنِ عَلَيْكَ، وَبِحَقِّكَ عَلَى الْحُسَيْنِ وَبِحَقِّكَ الْحُسَيْنِ، عَلَيْكَ
فَإِنَّ حُقُوقَهُمْ عَلَيْكَ مِنْ أَفْضَلِ أَنْعَامِكَ عَلَيْهِمْ، وَبِالْشَّانِ
الَّذِي لَكَ عَنْدهُمْ، وَبِالْشَّانِ الَّذِي لَهُمْ عِنْدَكَ، صَلِّ عَلَيْهِمْ
يَا رَبَّ صَلَاةً دَائِمَةً مُنْتَهَى رِضَاكَ، وَاغْفِرْ لِي بِهِمُ الذُّنُوبَ
الَّتِي بَيْنِي وَبَيْنَكَ، وَأَرْضِ عَنِّي خَلْقَكَ، وَأَتِمِّمْ عَلَيَّ نِعَمَتَكَ
كَمَا أَتَمَمْتَهَا عَلَيَّ آبَائِي مِنْ قَبْلُ، وَلَا تَجْعَلْ لِأَحَدٍ مِنَ
الْمَخْلُوقِينَ عَلَيَّ فِيهَا امْتِنَانًا، وَأَمْنًا عَلَيَّ كَمَا مَنَنْتَ عَلَيَّ
آبَائِي مِنْ قَبْلُ يَا كَهيعص، اللَّهُمَّ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ
وَآلِهِ فَاسْتَجِبْ لِي دُعَائِي فِيمَا سَأَلْتُ يَا كَرِيمَ يَا كَرِيمَ

■ پس به سجده برو و در سجده بگو:

يَا مَنْ يَقْدِرُ عَلَى حَوَائِجِ السَّائِلِينَ، وَيَعْلَمُ مَا فِي ضَمِيرِ الصَّامِتِينَ، يَا مَنْ لَا يَحْتَاجُ إِلَى التَّفْسِيرِ، يَا مَنْ يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ، يَا مَنْ أَنْزَلَ الْعَذَابَ عَلَى قَوْمِ يُونُسَ وَهُوَ يُرِيدُ أَنْ يُعَذِّبَهُمْ فَدَعَوْهُ وَتَضَرَّعُوا إِلَيْهِ فَكَشَفَ عَنْهُمْ الْعَذَابَ وَمَتَّعَهُمْ إِلَى حِينٍ، قَدْ تَرَى مَكَانِي، وَتَسْمَعُ دُعَائِي، وَتَعْلَمُ سِرِّي وَعَلَانِيَتِي وَحَالِي، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاكْفِنِي مَا أَهَمَّنِي مِنْ أَمْرِ دِينِي وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي.

■ پس هفتاد مرتبه بگو: «یا سیدی»

■ سپس سر از سجده بردار و بگو:

يَا رَبِّ أَسْأَلُكَ بَرَكَةَ هَذَا الْمَوْضِعِ
وَبَرَكَةَ أَهْلِهِ، وَأَسْأَلُكَ أَنْ تَرْزُقَنِي
مِنْ رِزْقِكَ رِزْقًا حَلَالًا طَيِّبًا تَسْوِقُهُ
إِلَيَّ بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ، وَأَنَا خَائِضٌ
فِي عَافِيَةٍ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ



● مقام جبرائیل علیه السلام

■ نزد این ستون، دو رکعت نماز بخوان با حمد و هرسوره‌ای که خواستی وبعد از سلام نماز و تسبیح بگو:



اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِجَمِیْعِ اَسْمَائِكَ کُلِّهَا مَا عَلِمْنَا مِنْهَا وَمَا لَا نَعْلَمُ،
وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِیْمِ الْاَعْظَمِ الْکَبِیْرِ الْاَکْبَرِ الَّذِیْ مِنْ دَعَاكَ بِهِ اَجَبْتَهُ، وَمَنْ سَأَلَكَ
بِهِ اَعْطَيْتَهُ، وَمَنْ اسْتَنْصَرَكَ بِهِ نَصَرْتَهُ، وَمَنْ اسْتَغْفَرَكَ بِهِ غَفَرْتَ لَهُ، وَمَنْ اسْتَعَانَكَ بِهِ
اَعْنَتَهُ، وَمَنْ اسْتَرْزَقَكَ بِهِ رَزَقْتَهُ، وَمَنْ اسْتَغَاثَكَ بِهِ اَعْتَمَدْتَهُ، وَمَنْ اسْتَرْحَمَكَ بِهِ رَحِمْتَهُ،
وَمَنْ اسْتَجَارَكَ بِهِ اَجَرْتَهُ، وَمَنْ تَوَكَّلَ عَلَیْكَ بِهِ کَفَيْتَهُ، وَمَنْ اسْتَعَصَمَكَ بِهِ عَصَمْتَهُ،
وَمَنْ اسْتَنْقَذَكَ بِهِ مِنَ النَّارِ اَنْقَذْتَهُ، وَمَنْ اسْتَغْطَفَكَ بِهِ تَغَطَّفْتَ لَهُ، وَمَنْ اَمَلَكَ بِهِ اَعْطَيْتَهُ، الَّذِیْ
اَتَّخَذْتَ بِهِ اٰدَمَ صَفِیًّا، وَنُوْحًا نَجِیًّا، وَاِبْرٰهِیْمَ خَلِیْلًا، وَمُوسٰی کَلِیْمًا، وَعِیْسٰی رُوحًا، وَمُحَمَّدًا
حَبِیْبًا، وَعَلِیًّا وَصِیًّا، صَلَّى اللّٰهُ عَلَیْهِمْ اَجْمَعِیْنَ اَنْ تَقْضِیَ لِیْ حَوَائِجِیْ، وَتَغْفِرَ عَمَّا سَلَفَ
مِنْ ذُنُوْبِیْ، وَتَتَفَضَّلَ عَلَیَّ بِمَا اَنْتَ اَهْلُهُ وَالْجَمِیْعُ الْمُؤْمِنِیْنَ وَالْمُؤْمِنَاتِ لِلدُّنْیَا وَالْاٰخِرَةِ،
یَا مُفْرِجَ هَمِّ الْمُهِمُّوْمِیْنَ وَیَا غِیَاثَ الْمَلْهُوْفِیْنَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ یَا رَبَّ الْعٰلَمِیْنَ.

■ ۱. از جمله مواضع ممتاز در مسجد کوفه است. به آن مقام ابراهیم علیه السلام و مقام امام حسن علیه السلام نیز گفته شده است.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. اللَّهُمَّ إِنِّ ذَنْبِي قَدْ كَثُرَ وَلَمْ يَبْقَ
لِي إِلَّا رَجَاءُ عَفْوِكَ، وَقَدْ قَدِمْتَ آلَةَ الْحِرْزِ مَا إِلَيْكَ فَأَنَا أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ مَا لَا اسْتَوْجِبُهُ،
وَأُطَلِّبُ مِنْكَ مَا لَا اسْتَحِقُّهُ، اللَّهُمَّ إِنِّ تَعَذَّبْنِي فَبِذَنْبِي وَلَمْ تَظْلِمْنِي شَيْئاً، وَإِنِّ تَغْفِرُ
لِي فَخَيْرٌ رَاحِمٍ أَنْتَ يَا سَيِّدِي، اللَّهُمَّ أَنْتَ أَنْتَ وَأَنَا أَنَا، أَنْتَ الْعَوَادُ بِالْمَغْفِرَةِ وَأَنَا
الْعَوَادُ بِالذُّنُوبِ، وَأَنْتَ الْمُتَفَضِّلُ بِالْحِلْمِ وَأَنَا الْعَوَادُ بِالْجَهْلِ، اللَّهُمَّ فَانِّي أَسْأَلُكَ
يَا كَنْزَ الضُّعَفَاءِ، يَا عَظِيمَ الرِّجَاءِ، يَا مُنْقِذَ الْغُرَقَى، يَا مُنْجِيَ الْهَلَكَى، يَا مُمِيتَ الْأَحْيَاءِ
يَا مُخَيِّئَ الْمَوْتَى، أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَنْتَ الَّذِي سَجَدَ لَكَ شُعَاعُ الشَّمْسِ،
وَنُورُ الْقَمَرِ، وَظُلُمَةُ اللَّيْلِ، وَضَوْءُ النَّهَارِ وَخَفَقَانُ الطَّيْرِ، فَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ يَا عَظِيمَ بَحْقِكَ
يَا كَرِيمَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الصَّادِقِينَ، وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الصَّادِقِينَ عَلَيْكَ، وَبِحَقِّكَ
عَلَى عَلِيٍّ وَبِحَقِّكَ عَلَى عَلِيٍّ، وَبِحَقِّكَ عَلَى فَاطِمَةَ وَبِحَقِّكَ عَلَى فَاطِمَةَ عَلَيْكَ، وَبِحَقِّكَ

عَلَى الْحَسَنِ وَبِحَقِّ الْحَسَنِ عَلَيْكَ، وَبِحَقِّكَ عَلَى الْحُسَيْنِ وَبِحَقِّ الْحُسَيْنِ عَلَيْكَ،
فَإِنَّ حُقُوقَهُمْ مِنْ أَفْضَلِ أَنْعَامِكَ عَلَيْهِمْ، وَبِالشَّانِ الَّذِي لَكَ عَنْدهُمْ وَبِالشَّانِ الَّذِي لَهُمْ
عِنْدَكَ، صَلِّ يَا رَبِّ عَلَيْهِمْ صَلَاةً دَائِمَةً مُنْتَهَى رِضَاكَ، وَاغْفِرْ لِي بِهِمُ الذُّنُوبَ الَّتِي بَيْنِي
وَبَيْنَكَ، وَأَتِمِّمْ نِعْمَتَكَ عَلَيَّ كَمَا أَتَمَّمْتَهَا عَلَى آبَائِي مِنْ قَبْلِ يَا كَهَيْعُصَ، اللَّهُمَّ كَمَا

صَلَّيْتَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
فَاسْتَجِبْ لِي دُعَائِي فِيمَا سَأَلْتُكَ.

■ سہس سجده کن
و گونہ راستت را بر زمین بگذار و بگو:

يَا سَيِّدِي يَا سَيِّدِي يَا سَيِّدِي
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَاغْفِرْ لِي وَاغْفِرْ لِي،

■ و این کلمات را فرلوان با خشوع و گریه بگو

■ و بعد گونہ چپ را بر زمین بگذار و همین کلمات
را تکرار کن و دعا کن به آنچه کہ می خواهی.

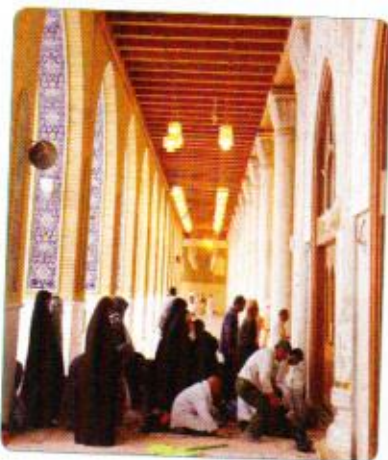


jabir.abbas@yahoo.com

● باب الفرج معروف به مقام نوح عليه السلام

■ در این مقام، چهار رکعت^۲ نماز بخوان و بعد از سلام نماز و تسبیح بگو:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّآلِ مُحَمَّدٍ، وَاَقْضِ
حَاجَّتِي يَا اَللهُ يَا مَنْ لَا يَخِيْبُ سَاْئِلُهُ، وَلَا يَنْفُذُ
نَاْئِلُهُ، يَا قَاضِيَ الْحَاجَاتِ، يَا مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ،
يَا رَبَّ الْاَرْضَيْنِ وَالسَّمَاوَاتِ، يَا كَاشِفَ الْكُرْبَاتِ،
يَا وَاسِعَ الْعَظِيْمَاتِ، يَا دَافِعَ النَّقِمَاتِ، يَا مُبَدِّلَ
السَّيِّئَاتِ حَسَنَاتٍ، عُدَّ عَلَيَّ بِطَوْلِكَ وَفَضْلِكَ
وَإِحْسَانِكَ، وَاسْتَجِبْ دَعَائِي فِيمَا سَأَلْتُكَ وَطَلَبْتُ
مِنْكَ بِحَقِّ نَبِيِّكَ وَوَصِيِّكَ وَأَوْلِيَّائِكَ الصَّالِحِينَ.



۱. امام رضا عليه السلام فرمود: مسجد کوفه، خانه نوح عليه السلام است؛ پس اگر کسی صد بار وارد این مسجد شود، خداوند نیز صد مغفرت برای او می نویسد، چرا که دعای حضرت نوح عليه السلام شاملش می شود که عرشه داشت؛ پروردگارا، مرا و والدینم را و هر آنکس را که به خانه ام وارد می شود، بیا مرز. فَإِنْ مَسَّجِدَ الْكُوفَةِ بَيْتُ نُوحٍ، لَوْ دَخَلَ الرَّجُلُ مِائَةَ مَرَّةٍ لَكُتِبَ لَهُ مِائَةُ مَغْفَرَةٍ، لِأَنَّ فِيهِ دَعْوَةَ نُوحٍ حَيْثُ قَالَ: (رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا)
۲. منظور دو نماز دو رکعتی است، چون نماز مستحبی بیش از دو رکعت نیست، مگر نماز اعرابی که شرحش در مفاتیح آمده است.

وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۱۳۴، ح ۱۴۲۰۱

■ دو رکعت نماز دیگر در این مقام وارد است، بعد از سلام نماز و تسبیح بگو:

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ حَلَلْتُ بِسَاحَتِكَ لِعِلْمِیْ بِوَحْدَانِیَّتِكَ وَصَمَدِیَّتِكَ، وَاَنَّهُ لَا قَادِرَ عَلٰی قَضَائِیْ حَاجَتِیْ غَیْرِكَ، وَقَدْ عَلِمْتُ یَا رَبِّ اَنَّهُ کَلَمَا شَهِدْتُ نِعْمَتَكَ عَلَیَّ اشْتَدَّتْ فَاقَتِیْ اِلَیْكَ، وَقَدْ طَرَقَنِیْ یَا رَبِّ مِنْ مُّهِمِّ اَمْرِیْ مَا قَدْ عَرَفْتَهُ، لِاَنَّكَ عَلَیْمٌ غَیْرُ مُعَلَّمٍ وَاسْأَلُكَ بِالْاِسْمِ الَّذِیْ وَضَعْتَهُ عَلٰی السَّمَاوَاتِ فَانْشَقَّتْ، وَعَلٰی الْاَرْضِیْنَ فَانْبَسَطَتْ، وَعَلٰی النُّجُومِ فَانْتَشَرَتْ، وَعَلٰی الْجِبَالِ فَاسْتَقَرَّتْ، وَاسْأَلُكَ بِالْاِسْمِ الَّذِیْ جَعَلْتَهُ عِنْدَ مُحَمَّدٍ وَعِنْدَ عَلِیٍّ وَعِنْدَ الْحَسَنِ وَعِنْدَ الْحُسَیْنِ وَعِنْدَ الْاِیْمَةِ کُلِّهِمْ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَیْهِمْ اَجْمَعِیْنَ، اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَانْ تُقْضِیَ لِیْ یَا رَبِّ حَاجَتِیْ، وَتُبَسِّرَ عَسِیْرَهَا، وَتُکَفِّیْنِیْ مُهِمَّهَا، وَتَفْتَحَ لِیْ قُفْلَهَا، فَاِنْ فَعَلْتَ ذٰلِكَ فَلَكَ الْحَمْدُ، وَاِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَلَكَ الْحَمْدُ غَیْرَ جَابِرٍ فِیْ حُكْمِكَ وَلَا خَافٍ فِیْ عَدْلِكَ.

■ سپس گونه راست را بر زمین بگذارد و بگو:

اِنْ كُنْتُ بِنَسِ الْعَبْدُ فَانْتَ نِعْمَ الرَّبُّ اِفْعَلْ بِیْ مَا اَنْتَ اَهْلُهُ وَلَا تَفْعَلْ بِیْ مَا اَنَا اَهْلُهُ
یا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ

■ بعد گونه چپ را بر زمین بگذار و بگو:

اللَّهُمَّ إِنَّ عَظَمَ الذَّنْبُ مِنْ عَبْدِكَ فَلْيَحْسِنِ الْعَفْوَ مِنْ عِنْدِكَ يَا كَرِيمُ،

■ پس پيشانی را بر زمین بگذار و بگو:

إِرْحَمْ مِنْ أَسَاءَ وَاقْتَرَفَ، وَاسْتَكَانَ وَاعْتَرَفَ.





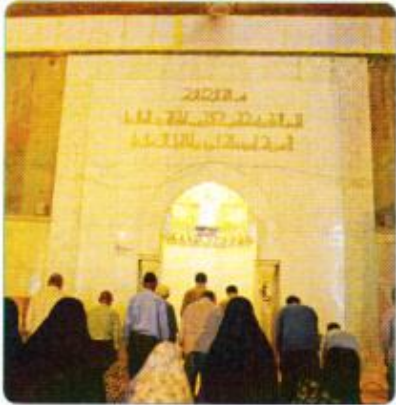
● **محراب امیر المؤمنین**
 ■ در این مکان که محل ضربت خوردن امیر المؤمنین علیه السلام است، دو رکعت نماز بخوان و بعد از نماز و تسبیح حضرت زهرا علیها السلام بگو:

یا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ وَسَتَرَ الْقَبِيحَ،
 یا مَنْ لَمْ يُوَاخِذْ بِالْجَرِيرَةِ وَلَمْ يَهْتِكِ السُّتْرَ وَالسَّرِيرَةَ،
 یا عَظِيمَ الْعَفْوِ،
 یا حَسَنَ التَّجَاوُزِ،
 یا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ،
 یا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ،
 یا صَاحِبَ كُلِّ نَجْوَى،
 یا مُنْتَهَى كُلِّ شَكْوَى،
 یا کَرِيمَ الصَّفْحِ،
 یا عَظِيمَ الرَّجَاءِ، یا سَيِّدِي
 صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،
 وَافْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا كَرِيمُ.



کتابخانه
 jabir.abbas@yahoo.com

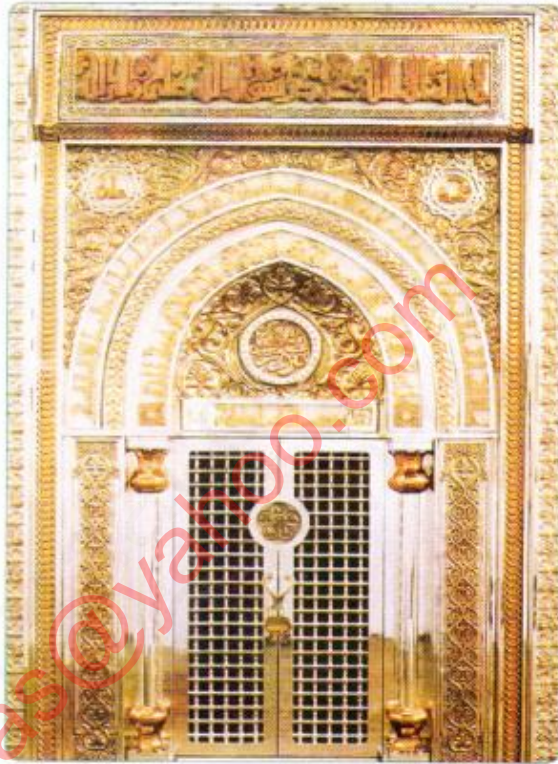
• محراب‌های مسجد کوفه



◀ محراب نافله

در سمت قبله‌ی مسجد کوفه، دو محراب به عنوان محراب امیرمؤمنان علیه السلام موجود است، علامه‌ی مجلسی و محدث نوری نکات فراوانی را برای تعیین محراب شهادت امیرمؤمنان علیه السلام نقل کرده‌اند و سرانجام به این نتیجه رسیده‌اند که احتمالاً یکی از آنها محراب ضربت خوردن مولی و دیگری محراب عبادت آن حضرت باشد.^۱ و بهتر است از هر دو محراب تبرک شود.

۱. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۶۹



◀ محراب شهادت

• مناجات امير المؤمنين عليه السلام

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْأَمَانَ يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ وَأَسْأَلُكَ الْأَمَانَ يَوْمَ يَعْصُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا وَأَسْأَلُكَ الْأَمَانَ يَوْمَ يَعْرِفُ الْمَجْرُمُونَ بَسِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأَقْدَامِ وَأَسْأَلُكَ الْأَمَانَ يَوْمَ لَا يَجْزِي وَالِدٌ عَنْ وَلَدِهِ وَلَا مَوْلَا ذُو فَجَرٍ عَنْ وَالِدِهِ شَيْئًا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَسْأَلُكَ الْأَمَانَ يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعَذِرَتُهُمْ وَلَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ وَأَسْأَلُكَ الْأَمَانَ يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئًا وَالْأَمْرُ يَوْمَ لِلَّهِ وَ أَسْأَلُكَ الْأَمَانَ يَوْمَ يَفْرُ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ لِكُلِّ امْرَأٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يَغْنِيهِ وَأَسْأَلُكَ الْأَمَانَ يَوْمَ يُوَدُّ الْمَجْرِمُ لَوْ يَفْتَدِي مِنْ عَذَابٍ يَوْمَئِذٍ بَنِيهِ وَصَاحِبَتِهِ وَأَخِيهِ وَفَصِيلَتِهِ الَّتِي تُؤْوِيهِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ يُنْجِيهِ كَلَّا إِنَّهَا لَأُظَى نَزَاعَةً لِلشَّوَى



مَوْلَايَا مَوْلَايَا أَنْتَ الْمَوْلَى وَأَنَا الْعَبْدُ وَهَلْ يَرْحَمُ الْعَبْدَ إِلَّا الْمَوْلَى
 مَوْلَايَا مَوْلَايَا أَنْتَ الْمَالِكُ وَأَنَا الْمَمْلُوكُ وَهَلْ يَرْحَمُ الْمَمْلُوكَ إِلَّا الْمَالِكُ
 مَوْلَايَا مَوْلَايَا أَنْتَ الْعَزِيزُ وَأَنَا الذَّلِيلُ وَهَلْ يَرْحَمُ الذَّلِيلَ إِلَّا الْعَزِيزُ
 مَوْلَايَا مَوْلَايَا أَنْتَ الْخَالِقُ وَأَنَا الْمَخْلُوقُ وَهَلْ يَرْحَمُ الْمَخْلُوقَ إِلَّا الْخَالِقُ
 مَوْلَايَا مَوْلَايَا أَنْتَ الْعَظِيمُ وَأَنَا الْحَقِيرُ وَهَلْ يَرْحَمُ الْحَقِيرَ إِلَّا الْعَظِيمُ
 مَوْلَايَا مَوْلَايَا أَنْتَ الْقَوِيُّ وَأَنَا الضَّعِيفُ وَهَلْ يَرْحَمُ الضَّعِيفَ إِلَّا الْقَوِيُّ
 مَوْلَايَا مَوْلَايَا أَنْتَ الْغَنِيُّ وَأَنَا الْفَقِيرُ وَهَلْ يَرْحَمُ الْفَقِيرَ إِلَّا الْغَنِيُّ
 مَوْلَايَا مَوْلَايَا أَنْتَ الْمُعْطَى وَأَنَا السَّائِلُ وَهَلْ يَرْحَمُ السَّائِلَ إِلَّا الْمُعْطَى
 مَوْلَايَا مَوْلَايَا أَنْتَ الْحَيُّ وَأَنَا الْمَيِّتُ وَهَلْ يَرْحَمُ الْمَيِّتَ إِلَّا الْحَيُّ
 مَوْلَايَا مَوْلَايَا أَنْتَ الْبَاقِي وَأَنَا الْفَانِي وَهَلْ يَرْحَمُ الْفَانِي إِلَّا الْبَاقِي
 مَوْلَايَا مَوْلَايَا أَنْتَ الدَّائِمُ وَأَنَا الزَّائِلُ وَهَلْ يَرْحَمُ الزَّائِلَ إِلَّا الدَّائِمُ
 مَوْلَايَا مَوْلَايَا أَنْتَ الرَّازِقُ وَأَنَا الْمَرْزُوقُ وَهَلْ يَرْحَمُ الْمَرْزُوقَ إِلَّا الرَّازِقُ
 مَوْلَايَا مَوْلَايَا أَنْتَ الْجَوَادُ وَأَنَا الْبَخِيلُ وَهَلْ يَرْحَمُ الْبَخِيلَ إِلَّا الْجَوَادُ



مَوْلَايَا مَوْلَايَا أَنْتَ الْمُعَافَى وَأَنَا الْمُبْتَلَى وَهَلْ يَرْحَمُ الْمُبْتَلَى إِلَّا الْمُعَافَى
 مَوْلَايَا مَوْلَايَا أَنْتَ الْكَبِيرُ وَأَنَا الصَّغِيرُ وَهَلْ يَرْحَمُ الصَّغِيرَ إِلَّا الْكَبِيرُ
 مَوْلَايَا مَوْلَايَا أَنْتَ الْهَادِي وَأَنَا الضَّالُّ وَهَلْ يَرْحَمُ الضَّالَّ إِلَّا الْهَادِي
 مَوْلَايَا مَوْلَايَا أَنْتَ الرَّحْمَنُ وَأَنَا الْمَرْحُومُ وَهَلْ يَرْحَمُ الْمَرْحُومَ إِلَّا الرَّحْمَنُ
 مَوْلَايَا مَوْلَايَا أَنْتَ السُّلْطَانُ وَأَنَا الْمُمْتَحَنُ وَهَلْ يَرْحَمُ الْمُمْتَحَنَ إِلَّا السُّلْطَانُ
 مَوْلَايَا مَوْلَايَا أَنْتَ الدَّلِيلُ وَأَنَا الْمُتَحِيرُ وَهَلْ يَرْحَمُ الْمُتَحِيرَ إِلَّا الدَّلِيلُ
 مَوْلَايَا مَوْلَايَا أَنْتَ الْغَفُورُ وَأَنَا الْمُذْنِبُ وَهَلْ يَرْحَمُ الْمُذْنِبَ إِلَّا الْغَفُورُ
 مَوْلَايَا مَوْلَايَا أَنْتَ الْغَالِبُ وَأَنَا الْمَغْلُوبُ وَهَلْ يَرْحَمُ الْمَغْلُوبَ إِلَّا الْغَالِبُ
 مَوْلَايَا مَوْلَايَا أَنْتَ الرَّبُّ وَأَنَا الْمَرْبُوبُ وَهَلْ يَرْحَمُ الْمَرْبُوبَ إِلَّا الرَّبُّ
 مَوْلَايَا مَوْلَايَا أَنْتَ الْمُتَكَبِّرُ وَأَنَا الْخَاشِعُ وَهَلْ يَرْحَمُ الْخَاشِعَ إِلَّا الْمُتَكَبِّرُ
 مَوْلَايَا مَوْلَايَا أَرْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ وَأَرْضْ عَنِّي بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ وَفَضْلِكَ
 يَا ذَا الْجُودِ وَالْإِحْسَانِ وَالطُّولِ وَالْإِمْتِنَانِ
 بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ



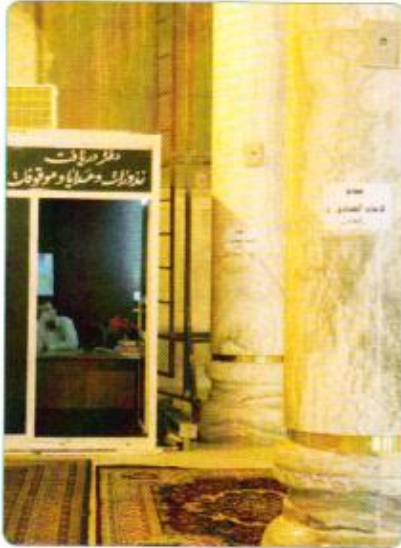


● مقام امام صادق علیہ السلام

■ پس به سوی مقام حضرت صادق علیه السلام، که نزدیک مرقد مسلم بن عقیل است، برو و دو رکعت نماز در آن جا بخوان و بعد از سلام نماز و تسبیح بگو:

یا صانع کل مَصْنُوع، ویا جابر کل کبیر،
 ویا حاضر کل ملاء، ویا شاهد کل نجوی،
 ویا عالم کل خفیه، ویا شاهد غیر غائب،
 ویا غالباً غیر مغلوب، ویا قریباً غیر بعید،
 ویا مؤنس کل وحید، ویا حیاً حین لاحتی غیره
 یا محیی الموتی و ممیت الاحیاء
 القانم علی کل نفس بما کسبت
 لا اله الا انت صل علی محمد و آل محمد،

■ سپس هر دعائی که می خواهی بخوان.^۱



۱. مشهور بین مردم در ترتیب اعمال مسجد کوفه آن است که بعد از اعمال مقام امام صادق علیه السلام، اعمال ذکاة القضا و بیت الطشت را به جامی آورند ولی مرحوم حاج شیخ عباس قمی در مفاتیح الجنان، چون خواسته موافق با مصباح الزائر و بحار الانوار و دیگران عمل کرده باشد، آن را بعد از اعمال ستون چهارم ذکر کرده است.

قال أبو عبد الله عليه السلام: « من كانت له إلى الله حاجة فليقصده إلى مسجد الكوفة وليسبح وضوءه وليصل في المسجد ركعتين يقرأ في كل واحدة منهما فاتحة الكتاب وسبع سور معها وهي المعوذتان ، وقل هو الله أحد ، وقل يا أيها الكافرون ، وإذا جاء نصر الله والفتح ، وسبح اسم ربك الأعلى . وإنا أنزلناه في ليلة القدر ، فإذا قرع من الركعتين وتشهد وسلم سأل الله حاجته ، فإنها تقضى بعمول الله إن شاء الله » .

● نماز حاجت در مسجد کوفہ:

◀ از امام صادق عليه السلام روایت شدہ:

ہر کس دو رکعت نماز در مسجد کوفہ بہ جای آورد و در ہر رکعت بعد از حمد این سورہہا را بخواند:
 « ناس » ، « فلق » ، « اخلاص » ، « کافرون » ، « نصر » ، « قدر » و
 « اعلیٰ » : (صفحہ ۴۰ تا ۴۳ ہمین کتاب)
 و بعد از سلام نماز و تسبیح حضرت زہرا علیہا السلام ، ہر حاجتی از خدا
 بخواہد ، خداوند حاجتش را بر آوردہ و دعایش را مستجاب خواہد
 فرمود: انشاء اللہ .
 □ کامل الزیارات ، ۷۱ ، ح ۶۱



● مسلم بن عقیل

با او پیمان بسته بودند تا هنگام مغرب تنها سی نفر باقی مانند و شب هنگام حتی یک نفر هم باقی نماند. مسلم شب در خانه طوعه پناه گرفت و پس از آنکه مکان اختفای او برای ابن زبیر معلوم شد، نیروهایی برای دستگیری فرستاد. مسلم یک تنه با سربازان ابن زبیر جنگید تا آنکه گرفتار شد. او را به قصر دارالاماره بردند. سر از بدنش جدا کردند و پیکرش را از بالای قصر، به زیر افکندند. سر مسلم را همراه سر هانی نزد یزید فرستادند.

شهادت مسلم بن عقیل، روز نهم ذیحجه سال ۶۰ (روز عرفه) بود. مسلم به عنوان پیشاهنگ نهضت کربلا در کوفه به شهادت رسید و افتخار اولین شهید کاروان عاشورا را به خود اختصاص داد. تعداد ۹ نفر، از اولاد عقیل در رکاب امام حسین (ع) به شهادت رسیدند، که مسلم شجاعترین آنان بود.

مسلم بن عقیل، از کودکی، در میان جوانان بنی هاشم به خصوص پسرعموهایش، امام حسن و امام حسین (ع)، بزرگ شد و درس حماسه و ایثار و شجاعت را بخوبی فرا گرفت. مسلم در زمان حضرت امیر (ع) نوجوانی رشید و پاک بود که به افتخار دامادی آن حضرت نایل شد و با یکی از دختران امام به نام «رقیه» ازدواج کرد.

و در زمان حکومت آن حضرت (بین سالهای ۳۶ تا ۴۰ هـ.ق)، صاحب منصب نظامی در لشکر حضرت بود.

امام حسین (ع) در جواب نامه‌های کوفیان، مسلم را به عنوان نماینده خویش به کوفه فرستاد.

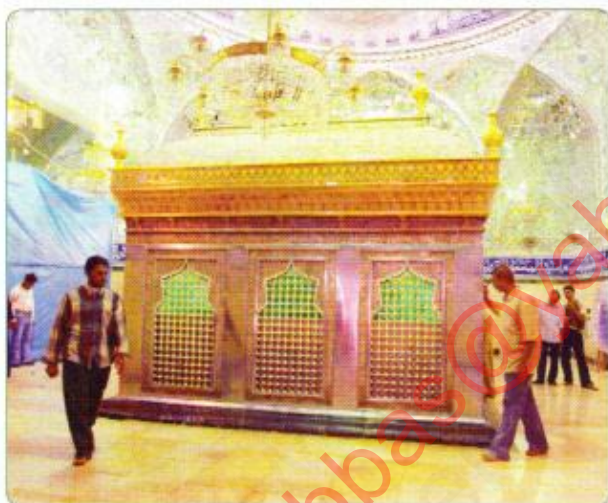
هیجده هزار نفر در کوفه با مسلم بیعت کردند.

ابن زبیر با ایجاد جو رعب و وحشت، مردم را از دور مسلم برانگیز کرد. مسلم در کوفه تنها ماند به گونه‌ای که از هیجده هزار نفری که

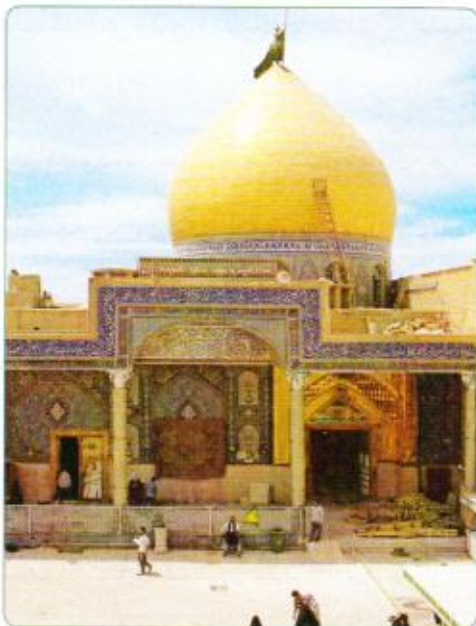
■ اعمال مسجد کوفه را که انجام دادی به سوی قبر مسلم بن عقیل (ع) برو و قبل از ورود بایست و بگو:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمَلِكِ الْحَقِّ الْمُبِينِ، الْمُتَصَاغِرِ لِعَظَمَتِهِ جَبَّارِ الطَّاعِينَ، الْمُعْتَرِفِ بِرُبُوبِيَّتِهِ
جَمِيعِ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ، الْمُقَرِّبِ تَوْحِيدِهِ سَائِرَ الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ
عَلَى سَيِّدِ الْأَنْبَاءِ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الْكَرَامِ، صَلَاةً تَقَرِّبُهَا أَعْيُنُهُمْ، وَيَزْغِمُ بِهَا أَنْفُ شَانِيَهُمْ مِنَ الْجَنِّ
وَالْإِنْسِ أَجْمَعِينَ، سَلَامٌ اللَّهُ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَسَلَامٌ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَأَنْبِيَائِهِ الْمُرْسَلِينَ
وَأَنْمَتِهِ الْمُتَنَجِّبِينَ وَعِبَادِهِ الصَّالِحِينَ وَجَمِيعِ الشُّهَدَاءِ وَالصَّادِقِينَ، وَالزَّكَايَاتِ الطَّيِّبَاتِ

فِيمَا تَغْتَدِي وَتَرُوحُ عَلَيْكَ يَا مُسْلِمَ بْنَ عَقِيلٍ بْنَ أَبِي طَالِبٍ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، أَشْهَدُ أَنَّكَ
أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَجَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ
جِهَادِهِ، وَقَتَلْتَ عَلَى مِنْهَاجِ الْمُجَاهِدِينَ فِي سَبِيلِهِ حَتَّى لَقِيتَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَهُوَ عَنْكَ رَاضٍ،
وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَفَيْتَ بِعَهْدِ اللَّهِ، وَبَذَلْتَ نَفْسَكَ فِي نَصْرَةِ حُجَّةِ اللَّهِ وَابْنِ حُجَّتِهِ حَتَّى آتَاكَ
الْيَقِينَ، أَشْهَدُ لَكَ بِالتَّسْلِيمِ وَالْوَفَاءِ وَالتَّصِيحَةِ لِخَلْفِ النَّبِيِّ الْمُرْسَلِ، وَالسَّبْطِ الْمُنْتَجَبِ،



وَالدَّلِيلِ الْعَالِمِ وَالْوَصِيِّ الْمُبْلَغِ،
وَالْمَظْلُومِ الْمُهْتَظَمِ، فَجْرَاكَ اللَّهُ
عَنْ رَسُولِهِ وَعَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ
وَعَنْ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ أَفْضَلَ
الْجَزَاءِ بِمَا صَبَرْتَ وَاحْتَسَبْتَ
وَأَعْنَتَ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ،
لَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ
أَمَرَ بِقَتْلِكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ ظَلَمَكَ،



وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ افْتَرَىٰ عَلَيْكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ
جَهَلَ حَقَّكَ وَاسْتَخَفَّ بِحُرْمَتِكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ
مَنْ بَايَعَكَ وَغَشَّكَ وَخَذَلَكَ وَأَسْلَمَكَ،
وَمَنْ أَلْبَّ عَلَيْكَ وَمَنْ لَمْ يُعْنِكَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ
الَّذِي جَعَلَ النَّارَ مَثْوَاهُمْ وَبَنَسَ الْوَرْدَ
الْمُورُودَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قُتِلْتَ مَظْلُومًا،
وَأَنَّ اللَّهَ مُنْجِزٌ لَكُمْ مَا وَعَدَكُمْ جَنَّتِكَ زَائِرًا
عَارِفًا بِحَقِّكُمْ مُسْلِمًا لَكُمْ تَابِعًا لِسُنَّتِكُمْ،
وَنُصْرَتِي لَكُمْ مَعْدَةٌ حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ
وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ، فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا

مَعَ عَدُوِّكُمْ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَعَلَىٰ أَرْوَاحِكُمْ وَأَجْسَادِكُمْ وَشَاهِدِكُمْ وَغَائِبِكُمْ،
وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، قُتِلَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلْتُمْ بِالْأَيْدِي وَالْأَلْسِنِ

■ پس داخل شو و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ الْمُطِيعُ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ وَلِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى مُحَمَّدٌ وَآلِهِ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ وَمَغْفِرَتُهُ وَعَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ مَضَيْتَ عَلَى مَاضَى عَلَيْهِ الْبَدْرِيُّونَ الْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، الْمُبَالِغُونَ فِي جِهَادِ أَعْدَانِهِ وَنُصْرَةِ أَوْلِيَائِهِ، فَجَزَاكَ اللَّهُ أَفْضَلَ الْجَزَاءِ وَكَأْثَرَ الْجَزَاءِ، وَأَوْفَرَ جَزَاءٍ أَحَدٍ مِمَّنْ وَفَى بَبَيْعَتِهِ، وَاسْتَجَابَ لَهُ دَعْوَتُهُ، وَأَطَاعَ وَلاةَ أَمْرِهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَالِغْتَ فِي النَّصِيحَةِ وَأَعْطَيْتَ غَايَةَ الْمَجْهُودِ حَتَّى بَعَثَكَ اللَّهُ فِي الشَّهَدَاءِ وَجَعَلَ رُوحَكَ مَعَ أَرْوَاحِ السُّعْدَاءِ، وَأَعْطَاكَ مِنْ جَنَانِهِ أَفْسَحَهَا مَنْزِلًا، وَأَفْضَلَهَا غُرْفًا، وَرَفَعَ ذِكْرَكَ فِي الْعَالَمِينَ، وَحَشَرَكَ مَعَ النَّبِيِّينَ وَالصَّدِيقِينَ وَالشَّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسَنَ أَوْلِيكَ رَفِيقًا، أَشْهَدُ أَنَّكَ لَمْ تَهِنْ وَلَمْ تَنْكَلْ، وَأَنَّكَ قَدْ مَضَيْتَ عَلَى بَصِيرَةٍ مِنْ أَمْرِكَ مُقْتَدِيًا بِالصَّالِحِينَ وَمُتَّبِعًا لِلنَّبِيِّينَ، فَجَمَعَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَبَيْنَكَ وَبَيْنَ رَسُولِهِ وَأَوْلِيَائِهِ فِي مَنَازِلِ الْمُخْبِتِينَ فَإِنَّهُ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ

■ پس دو رکعت نماز در طرف سر مطهر بخوان و آن را به جناب مسلم هدیه کن و دعائی را که پس از زیارت حضرت عباس (ع) خوانده می شود، در این جا بخوان و هنگام وداع نیز، همان وداعی که در زیارت حضرت عباس (ع) خوانده می شود بخوان و به جای «قبر ابن اخی رسولک» بگو «قبر مسلم بن عقیل».

● مختار بن ابی عبیده ثقفی

السلام عليك أيها العبد الصالح السلام عليك
أيها الولي الناصح السلام عليك يا أبا إسحاق
المختار السلام عليك أيها الأخذ بالنار
المحارب للكفرة الفجار السلام عليك أيها
المخلص لله في طاعته ولزينة العابدین في
محبتة السلام عليك يا من رضى عنه النبي
المختار وقسيم الجنة والنار وكاشف الكرب
والغممة، قائماً مقاماً لم يصل إليه أحد من
الأمم السلام عليك يا من بذل نفسه في رضا
الأنمة في نصرته العترة الطاهرين والأخذ بشارهم
من العصاة الملعونة الفاجرة فجزاك الله
عن النبي وعن أهل بيته عليهم السلام

در باره مختار و انگیزه او در قیامش، فضاوت‌های گوناگون شده است. تا آن جا که بعضی دانشمندان طبقه اول و دوم از شیعه در باره او نظر مساعدی ندارند. اما متأخران او را به نیکویی ستوده‌اند. مختار پس از قیام نافرجام سلیمان بن صرد (رئیس توابعین)، زمینه قیام بعدی شیعیان را فراهم ساخت. او می‌دانست اگر بخواهد جنبش شیعه به نتیجه برسد، باید یکی از خاندان پیغمبر، آن را رهبری کند یا لاقلاً جنبش به نام او آغاز شود. چه کسی برای این کار مناسب است؟ علی بن الحسین (ع) - فرزند شهید آل محمد - و اگر او نپذیرد؟ محمد حنفیه فرزند علی بن ابی طالب (ع) عموی علی بن الحسین (ع). مختار به هر دو تن نامه نوشت. امام علی بن الحسین (ع) که بی‌وفائی عرفایان و رنگ‌پذیری آنان را دیده بود و می‌دانست به گفته پسر بزرگوارش، این مردم «دین را تا آن جا می‌خواهند که زندگانی خود را بدان سرو سامان دهند و هنگام آزمایش پای پس می‌نهند»، به مختار پاسخ مساعد نداد و تنها تا آن جا که کار او با کفر قاتلان پدرش مربوط می‌شد، کردار او را تصویب فرمود، چنانکه چون مختار سر عیدالله بن زیاد و عمر بن سعد را از دست او فرستاد، امام به سجده رفت و گفت:

الحمد لله الذي ادرك لي ثاري من أعدائي وجزى الله المختار خيرا
در روایتی که از منهال بن عمرو است گویند: سالی به حج رفتم و علی بن الحسین (ع) را دیدم. پرسید:

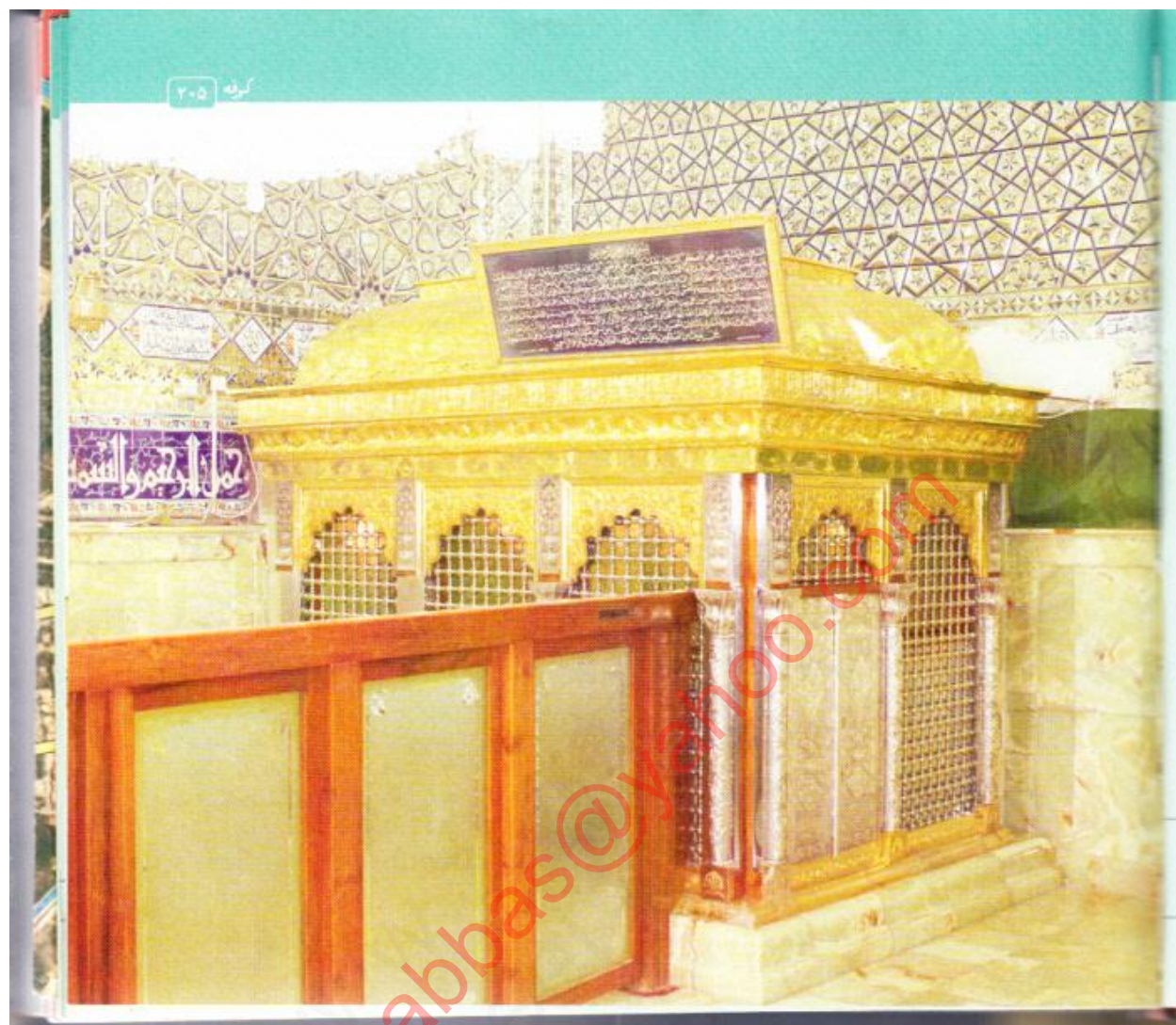
... حرمه بن کاهل چگونه به سر می‌برد؟

... او را در کوفه زنده دیدم. امام دست‌های خود را بالا برد و گفت: خدایا گرمی آهن را بدو بچشان! خدایا گرمی آتش را بدو بچشان! چون به کوفه رسیدم حرمه را نزد مختار آوردم. وی گفت تا دست و پای او را ببرند، سپس او را به آتش سوزانند.
برگرفته از: کتاب زندگانی علی بن الحسین (ع) / دکتر سید جعفر شهیدی، ص ۲۹

۱. رجال کشی، ص ۴۸؛ المختار الثقفی، ص ۲۲۱

۲. مناقب، ج ۴، ص ۳۳۱

۳. موسوعة زیارات المعصومین، ج ۲، ص ۳۶۱، به نقل از مزار شهید، ص ۲۸۳



● هانی بن عروه

هانی بن عروه مرادی یکی از بزرگان کوفه، رئیس قبیله بنی مراد و از یاران نزدیک امیرمؤمنان علیه السلام بود.

هنگامی که مسلم بن عقیل از طرف امام حسین علیه السلام به کوفه آمد، هانی کمک‌های زیادی به او کرد و خانه‌اش پناهگاه اصحاب مسلم و محل جمع‌آوری سپاه شد.

عبیدالله بن زیاد به جست‌وجوی مسلم پرداخت، به او خبر رسید که مسلم در خانه هانی بن عروه پنهان شده است. سخت خشمگین شد و هانی را نزد خود خواند. هانی ابتدا انکار و سپس اعتراف کرد؛ اما از تسلیم مسلم به عبیدالله سر باز زد. ابن زیاد با عصا بر سر و صورت هانی زد و بینی‌اش را شکست و با این که رئیس قبیله بود، او را بر زمین کشیدند و بردند.

سرانجام به دستور ابن زیاد، هانی بن عروه را به همراه مسلم بن عقیل، روز نهم ذیحجه سال ۶۰ هجری، در دارالاماره کوفه گردن زدند و اجساد آنان را از بالای بام به زیر انداختند.

خبر شهادت مسلم و هانی در محلی به نام «ثعلبیه» به امام حسین علیه السلام رسید؛ در حالی که آن حضرت همراه خانواده به سوی کوفه در حرکت بود.



■ نزد قبر هانی می ایستی و به رسول الله ﷺ و مسلم سلام می کنی و می گویی:

سَلَامُ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَصَلَوَاتُهُ عَلَيْكَ يَا هَانِي بْنَ عُرْوَةَ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ النَّاصِحُ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ
وَلِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، أَشْهَدُ أَنَّكَ
قَتَلْتَ مَظْلُومًا، فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ وَاسْتَحْلَ دَمَكَ، وَحَشَى
قُبُورَهُمْ نَارًا، أَشْهَدُ أَنَّكَ لَقِيتَ اللَّهَ وَهُوَ رَاضٍ عَنْكَ بِمَا
فَعَلْتَ وَنَصَحْتَ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ دَرَجَةَ الشَّهَادَةِ وَجَعَلَ
رُوحَكَ مَعَ أَرْوَاحِ السَّعْدَاءِ بِمَا نَصَحْتَ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ مُجْتَهِدًا،
وَبَدَّلْتَ نَفْسَكَ فِي ذَاتِ اللَّهِ وَمَرْضَاتِهِ، فَرَحِمَكَ اللَّهُ وَرَضِيَ
عَنْكَ وَحَشَرَكَ مَعَ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ، وَجَمَعَنَا وَإِيَّاكُمْ
مَعَهُمْ فِي دَارِ النِّعَمِ، وَسَلَامٌ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

■ پس دو رکعت نماز بخوان و آن را به روح هانی هدیه کن و برای خود هر چه می خواهی
دعا کن، و وداع کن با همان وداعی که در زیارت حضرت عباس (ع) خوانده می شود، ولی
به جای «قبر ابن اخي رسولك» بگو «قبر هانی بن عروه» و کلمه «مع ابائهم» را نگو.



● مقام یونس علیه السلام



این مقام که در شرق مسجد کوفه و رود فرات، بعد از پل قرار گرفته و شکل مسجد دارد، در میان مردم به غلط به آرامگاه حضرت یونس بن متى علیه السلام شهرت یافته است. در قسمتی از گنبدخانه آن، محرابی است که گفته می‌شود امیرالمؤمنین علیه السلام در آن جا نماز گزارده است. هم اکنون این مقام در حال بازسازی است. محل آن، در فاصله يك كيلومتري مسجد کوفه واقع است و بنا بر برخی روایات، حضرت یونس علیه السلام در این جا از شکم نهنگ بیرون انداخته شد.



محل دفن و آرامگاه حضرت یونس علیه السلام در شهر موصل بر بلندای تپه‌ای قرار دارد و دارای گنبد، مناره و صحن و سرا است. تصویر بالا نمایی از آن مرقد زیبا و با صفاست.

● خدیجه بنت امیرالمؤمنین علیها السلام

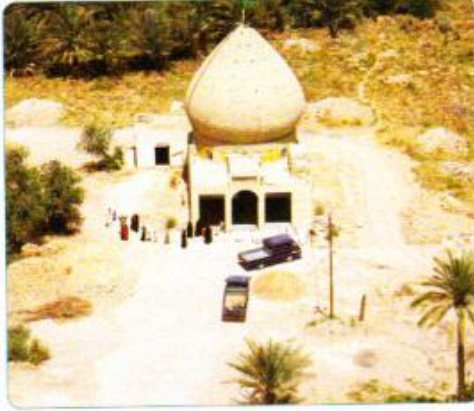


در قسمت شمالی مسجد کوفه، مقابل باب الثعبان، مرقدی وجود دارد که مربوط است به «خدیجه» دختر امیرالمؤمنین علیه السلام و در تابلوی مرقد، وی را خواهر حضرت ابوالفضل علیه السلام معرفی کرده اند. اما بررسی‌ها نشان می‌دهد که سندی براین مدعا وجود ندارد.

در تحقیقی که یکی از فضلاء نجف اشرف انجام داده، معلوم شد که نام وی همین خدیجه است ولی مادرش ام البنین نیست، بلکه شخصی است بنام «محبیات» که آخرین همسر امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است. خدیجه در سال ۳۷ ه. ق (۳ سال قبل از شهادت امیرالمؤمنین علیه السلام) به دنیا آمد و در همان سال هم از دنیا رفت.

www.abbas@jabir.com

● سید حسن، نوه حضرت ابوالفضل



مرفد امامزاده سید حسن، فرزند عبید الله بن عباس بن علی بن ابی طالب علیه السلام، در محله هاشمیّه کوفه قرار دارد. وی در مدینه به دنیا آمد و در ۷۶ سالگی در کوفه از دنیا رفت. امامزاده سید حسن، راوی حدیث بود.

● محل دفن ابن ملجم ملعون

ابن بطوطه جهانگرد معروف قرن هشتم هجری می گوید: در سمت غرب قبرستان کوفه، در نزدیکی قبر مختار، در مکانی چیزی به رنگ سیاه تند توجه مرا جلب کرد؛ که مردم می گفتند این جا قبر ابن ملجم ملعون است و مردم کوفه همه ساله هیزم فراوان به آنجا می برند و هفت روز آتش بر گور او می افروزند.

● مسجد الحمراء

مسجد الحمراء که سابقاً در کنار مقام یونس قرار داشته، در زمان حکومت بنی ها به بهانه بازسازی تخریب شد و امروزه اثری از آن نیست. علامه مجلسی حدیثی را از امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین روایت می کند: خالد بن عروه گوید: از امیرالمؤمنین علیه السلام شنیدم می فرمود: در کوفه مساجدی مبارک و مساجدی ملعون وجود دارد، اما مساجد مبارکه عبارتند از: مسجد غنی، که مردی مؤمن آن را ساخته و در بقعهای پالک بنا شده ولی اهل آن ملعون اند و روزگاری از دست آنها گرفته شود، مسجد جعفری، مسجدی مبارک است، مسجد بنی ظفر، که همین مسجد سهله باشد، مسجدی مبارک است، مسجد حمراء که مسجد یونس بن عتی می باشد، مسجدی مبارک است و اما مساجد ملعونه کوفه: مسجد الشعث بن قیس، مسجد جریر بن عبدالله بجلی، مسجد لقیفه، مسجد سماک و مسجدی در حمراء که بر قبر فرعون بنا شده ساخته شده است.

□ بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۴۳۸



jabir.abbas@yahoo.com



■ ابراهیم القم

ابراهیم فرزند دیگر حسن مثنی و نوه امام حسن مجتبی (ع) است. مادرش فاطمه دختر امام حسین (ع) است. ابراهیم به سبب سخاوت فراوانش، به غمر شهرت یافت. مرقدهش در کوفه شمال غربی مرقده میثم به طرف نجف در محله ای به نام «خنی کنده» قرار دارد. او جد سادات طباطبایی است.



■ محمد بن الحسن مثنی نوه امام مجتبی (ع)

محمد بن الحسن، ملقب به ابوحبیبات، فرزند حسن مثنی و نوه امام حسن مجتبی (ع) است. مادرش فاطمه دختر امام حسین (ع) است. به دستور منصور دوانیقی، خلیفه منفور عباسی، محمد بن الحسن و بسیاری دیگر از نوادگان امام حسن مجتبی (ع) را که در زندان بودند، بعد از شکنجه و آزار، زندان را بر سرشان خراب کردند. این واقعه در سال ۱۴۵ هجری قمری اتفاق افتاد.

این مرقده در منطقه عباسیه شرقی شهر کوفه قرار دارد.



■ سلیمان، حسن و خدیجه فرزندان امام کاظم (ع)

این مرقده بین منطقه هندیه و شهر حله قرار دارد. منسوب است به سه تن از فرزندان امام موسی کاظم (ع) به نامهای سلیمان، حسن و خدیجه.

www.zabih.com
Sabeel
jabir.abbas@yahoo.com

کوفه ۲۱۱

گفت به عبدالملک از روی پند
زیر همین گنبد و این جایگاه
آه چه دیدم که دو چشمم مباد
طلعت خورشید ز رویش نهان
بند بر مختار به روی سیر
دست خوش او سر مختار شد
تا چه کند با تو دیگر روزگار

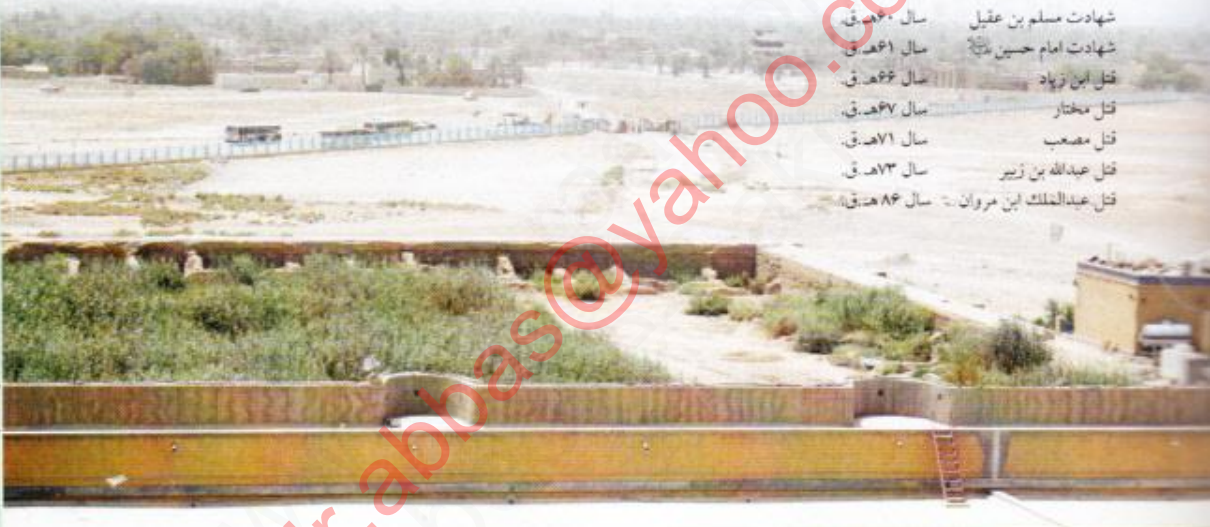
نادره مردی ز عرب هوشمند
روی همین مسند و این تکیه گاه
بودم و دیدم بر این زیاد
تازه سیری چون سیر آسمان
بعد ز جندی سر آن خیره سیر
بعد که مصعب سر و سردار شد
این سر مصعب به تقاضای کار



دارالاماره

این ساختمان کهن ترین ساختمان اسلامی در عراق به شمار می رود که به دست سعد ابن ابی وقاص در سال ۱۷ هـ.ق پس از ساختمان مسجد کوفه ساخته شد. دارالاماره ساختمانی است مربع شکل به ابعاد ۱۱۰/۳۶ و ۱۱۰/۲۴ متر، که امروزه تنها پایه ها و برخی دیوارهای فروریخته آن باقی مانده است. این قصر یکی از ساختمان های عبرت انگیز روزگار است. در این قصر مسلم به شهادت رسید و سر «بارک امام حسین» و شهیدای کربلا، به نمایش گذاشته شد و سپس سرهای قاتلان آن بزرگواران از سوی انتقام گیرندگان به نمایش در آمد. آن گاه ظالمان دیگری سرهای این انتقام گیرندگان را بردند و در آن به نمایش گذاشتند؛ فاعتبروا یا اولی الابصار.

شهادت مسلم بن عقیل	سال ۶۰ هـ.ق
شهادت امام حسین	سال ۶۱ هـ.ق
قتل ابن زیاد	سال ۶۶ هـ.ق
قتل مختار	سال ۶۷ هـ.ق
قتل مصعب	سال ۷۱ هـ.ق
قتل عبدالله بن زبیر	سال ۷۳ هـ.ق
قتل عبدالملک ابن مروان	سال ۸۶ هـ.ق



jabir.abbas@yahoo.com



کوفه ۳۱۳

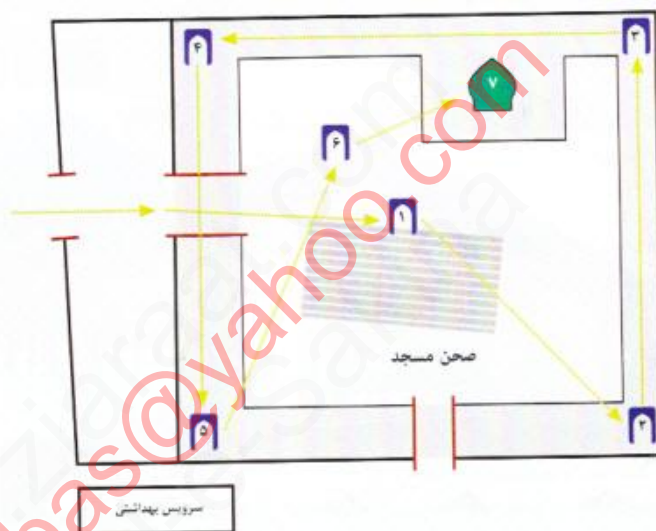
• نقشه راهنمای مسجد سهله



عکس هوایی از مسجد سهله



- | | |
|-------------------------------|-------------------------------|
| ۱. مقام امام صادق (ع) | ۵. مقام انبیا و صالحین |
| ۲. مقام حضرت ابراهیم (ع) | ۶. مقام امام زین العابدین (ع) |
| ۳. مقام و منزل حضرت ادریس (ع) | ۷. مقام حضرت حجت (ع) |
| ۴. مقام حضرت خضر (ع) | |



مسجد سهله

در علت تسمیه آن گفته‌اند:

سهیل، نام سازنده آن مسجد است، عبدالقیس، نام طایفه‌ای است که این مسجد در منطقه سکونت آنها بنا شده و بنی ظفر هم یکی از طایفه‌های قبیله عبدالقیس است.

ابن الفقیه از حضرت علی علیه السلام روایت می‌کند که فرمودند: در کوفه چهار بقعه مقدس وجود دارد که چهار مسجد در آن ساخته شده است. به حضرت عرض شد: آنها کدام مساجدند؟ حضرت فرمود: یکی از آنها مسجد ظفر یا همان مسجد سهله است.

مسجد «سهله» که در دو کیلومتری شمال غرب مسجد کوفه قرار دارد، از مشهورترین مساجدی است که در قرن اول هجری توسط قبایل عرب ساخته شده و در منابع تاریخی از آن با نام‌هایی چون مسجد سهیل، بنی ظفر و عبدالقیس و ... یاد شده است.



م طرح کامپیوتری ساختمان جدید مسجد سهله

• فضیلت مسجد سهله



امام سجاد (ع) فرمودند:

من صلی فی مسجد السهله رکعتین، زاد الله فی عمره سنتین.
هر کس در مسجد سهله دو رکعت نماز به جای آورد، خداوند دو سال بر عمر او می افزاید.

بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۴۳۶، ح ۶

بعد از مسجد کوفه، مسجدی به فضیلت مسجد سهله در آن پیرامون نیست، قسمتی از فضائل این مسجد را که امام صادق (ع) برای ابوبصیر بیان کردند، چنین است:

- «این جا خانه حضرت ادریس و ابراهیم (ع) بوده و محل ورود و مسکن حضرت خضر (ع) است.»
- «این جا منزل حضرت صاحب الامر (ع) است و با اهل و عیالش در اینجا فرود خواهد آمد.»
- «هیچ پیامبری نیست که در این مسجد نماز نخوانده باشد. هر کس در این مسجد اقامت کند، مانند آن است که در خیمه رسول خدا (ص) اقامت کرده باشد.»
- «هر مؤمنی دل در گرو این مسجد دارد.»
- «در این مسجد سنگی وجود دارد که صورت همه پیامبران بر آن نقش بسته است.»
- «هر کس در این مسجد صدقانه نماز بخواند و دعا کند، حاجت روا از آن جا برمی گردد.»
- «امام صادق (ع) سپس فرمود: اگر من به شما نزدیک بودم، همه نمازهایم را در این مسجد می خواندم.»
- «و فرمود: فضیلت هایی از این مسجد را که بازگو نکردم، بیش از آن چیزی است که برای شما گفتم.»
- «ابوبصیر می گوید عرض کردم: فدایت شوم آیا حضرت قائم (ع) همیشه در این مسجد خواهد بود؟ فرمود: بلاء.»
- «این مسجد از جمله بقعه هایی است که خداوند دوست دارد او را در آن عبادت کنند.»

القیس، نام طایفه ای
با بنا شده و بنی ظفر
ت.
که فرمودند:
وجود دارد که چهار
ت. به حضرت عرض
ت فرمود:
مسجد سهله است.



ساختمان جدید مسجد سهله

www.zabih.com
jabir.abbas@yahoo.com
Sabeel-e

● اعمال مسجد سهله

■ هنگامی که خواستی وارد مسجد شوی، کنار در بایست و بگو:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمِنْ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ وَخَيْرُ الْأَسْمَاءِ لِلَّهِ، وَتَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ عَمَارِ مَسَاجِدِكَ وَبُيُوتِكَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَتُوجَّهُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَقْدَمُهُمْ بَيْنَ يَدَي حَوَانِجِي، فَاجْعَلْنِي اللَّهُمَّ بِهِمْ عِنْدَكَ وَجِيهاً فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ صَلَاتِي بِهِمْ مَقْبُولَةً، وَذَنْبِي بِهِمْ مَغْفُوراً، وَرِزْقِي بِهِمْ مَبْسُوطاً، وَدُعَائِي بِهِمْ مُسْتَجَاباً، وَحَوَانِجِي بِهِمْ مَقْضِيَّةً، وَانْظُرْ إِلَيَّ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ نَظْرَةَ رَحِيمَةٍ اسْتَوْجِبْ بِهَا الْكَرَامَةَ عِنْدَكَ، ثُمَّ لَا تُصْرِفْهُ عَنِّي أَبَدًا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ وَدِينِ نَبِيِّكَ وَوَلِيِّكَ، وَلَا تُرْغِ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي، وَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ، اللَّهُمَّ إِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ وَمَرْضَاتِكَ طَلَبْتُ وَثَوَابَكَ ابْتَغَيْتُ، وَبِكَ آمَنْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، اللَّهُمَّ فَاقْبَلْ بِوَجْهِكَ إِلَيَّ، وَاقْبَلْ بِوَجْهِهِ إِلَيْكَ.

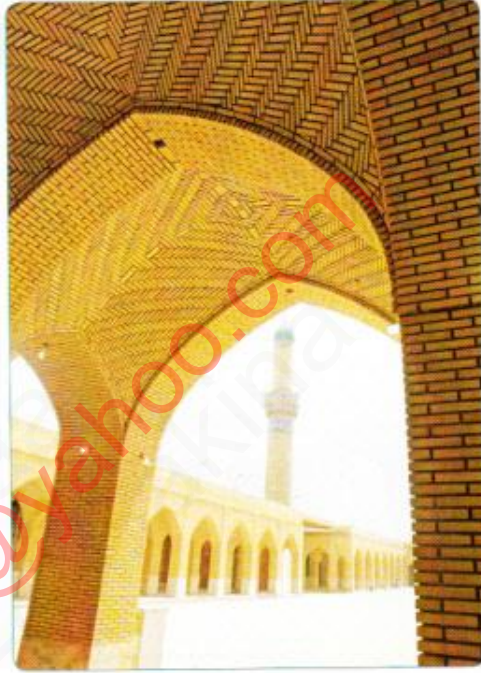
■ ۱. خواندن دو رکعت نماز در مسجد سهله بین نماز مغرب و عشاء از سنت‌های این مسجد است و از امام صادق (ع) روایت شده: هر انسان غمگینی که این نماز را بخواند و دعا کند، خداوند غم او را از بین می‌برد.

■ سپس «آیه الکرسی» و سوره‌های «ناس» و «قلق» را بخوان و هر یک از این اذکار را هفت مرتبه بگو

«سُبْحَانَ اللَّهِ» «الْحَمْدُ لِلَّهِ» «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» «اللَّهُ أَكْبَرُ»

■ و بعد این دعا را بخوان :

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا هَدَيْتَنِي،
وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا فَضَّلْتَنِي،
وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا شَرَّفْتَنِي،
وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى كُلِّ بَلَاءٍ حَسَنٍ ابْتَلَيْتَنِي،
اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ صَلَاتِي وَدُعَائِي،
وَطَهِّرْ قَلْبِي،
وَأشرحْ لِي صَدْرِي،
وَتُبَّ عَلَيَّ
إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ



● مقام امام صادق (ع)

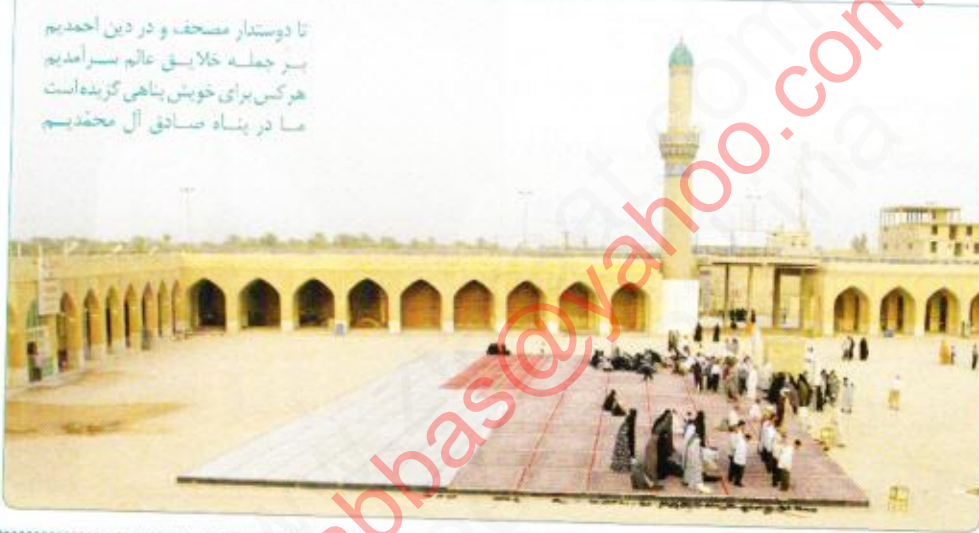
■ ابتدا در وسط مسجد که مقام امام صادق (ع) است، ۲ رکعت نماز تحیت مسجد بخوان.

بشار مکاری می گوید:

در کوفه، خدمت امام جعفر صادق (ع) مشرف شدم، حضرت را در حالی که مشغول خوردن خرما می طبرزد بود، ملاقات کردم. امام (ع) به من فرمودند: ای بشار! نزدیک بیا و از این خرما میل کن، عرض کردم: گوازی وجودتان، من وقتی می آمدم صحنه ای دیدم

که قلب مرا به درد آورد؛ لذا میل به خوردن چیزی ندارم. حضرت اصرار کردند تا از خرماها بخورم، من هم مشغول خوردن شدم. بعد حضرت از من پرسیدند: در راه چه دیدی که ناراحت شدی؟ عرض کردم: وقتی می آمدم، دیدم که سربازان سلطان، زنی را کشتن در حالی که بر سر و صورت او می زدند به طرف زندان می برند و او هم کمک می خواست، ولی کسی به دادش نرسید. حضرت فرمودند: چرا آن زن را می زدند؟ عرض کردم: از مردم شنیدم که آن زن گفته بود: «یا فاطمه! خداوند لعنت کند کسانی را که به تو ظلم کردند». بشار می گوید: وقتی حضرت این سخن را شنیدند، دست از خوردن

تا دوستدار مصحف و در دین احمدیم
بهر جمله خلائق عالم بسر آمدیم
هر کس برای خویش پناهی گزیده است
ما در پناه صادق آل محمدیم



زن از گرفتن آن پول خودداری کرد. وقتی نگهبان دید که او از گرفتن پول خودداری می‌کند، دوباره به دارالخلافه برگشت. کمی بعد، خارج شد و به زن گفت: تو آزادی می‌توانی به خانه‌ات برگردی و زن هم به خانه‌اش برگشت.

امام صادق علیه السلام پرسیدند: آن زن از گرفتن ۲۰۰ درهم خودداری کرد؟ آن مرد گفت: آری! در حالی که قسم به خدا به آن پول محتاج بود. بشار می‌گوید: حضرت از جیب‌شان ۷ درهم درآوردند و به من دادند و فرمودند: به منزل آن زن برو و سلام مرا به او برسان و این پول را به او بده.

بشار می‌گوید: ما همگی به منزل آن زن رفتیم و سلام امام صادق علیه السلام را به او رساندیم. آن زن گفت: شما را به خدا، به راستی امام صادق علیه السلام به من سلام رساندند؟

بشار می‌گوید: من به او گفتم: به خدا قسم که امام صادق علیه السلام به شما سلام رساندند. در این حال آن زن صیحه‌ای زد و بی‌هوش افتاد. ما صبر کردیم تا او به خود آمد و گفت: سخنی را که گفتید باز بگوئید و سه مرتبه آن پیام را برای زن تکرار کردیم و بعد به او گفتیم: این پول را بگیر که آنها را امام علیه السلام برای شما فرستاده است. زن پول‌ها را گرفت و گفت: به امام علیه السلام بگوئید که از خداوند برای کتیز خودش طلب آموزش کند. من احدی را بهتر از او و آباء و اجدادش نمی‌شناسم که به واسطه آن به خداوند توسل پیدا کنم.

بشار می‌گوید: بعد به خدمت امام صادق علیه السلام برگشتیم و آنچه گذشت را شرح دادیم؛ حضرت با گریه برای آن زن دعا کردند.

کشتیدند و شروع به گریه کردند و آن قدر گریستند که محاسن میار کشان و حتی دستمالی که در دست داشتند، خیس شد.

سپس به من فرمودند: ای بشار! آماده شو تا به مسجد سهله برویم و در آن جا دعا کنیم که خداوند آن زن را نجات دهد.

وقتی ما عازم مسجد سهله شدیم، بعضی از شیعیان هم به دارالخلافه رفتند تا ببینند سرنوشت آن زن چه می‌شود. ما که به مسجد رسیدیم هر کدامان در گوشه‌ای، مشغول خواندن دو رکعت نماز شدیم. بعد از نماز، امام صادق علیه السلام دست‌های خود را بلند کردند و این دعا را خواندند:

«اِنَّتَ اللهُ لَا اِلهَ اِلَّا اَنْتَ مَبْدِئُ الْخَلْقِ وَمَعِيَهُمْ ...»

آن گاه حضرت به سجده رفتند و ذکرهایی را خواندند که من آنها را نمی‌شنیدم؛ سپس سر خود را از سجده برداشتند و فرمودند:

بلند شو! همین حالا زن آزاد شد.

بشار می‌گوید: از مسجد بیرون آمدیم؛ در وسط راه یا فردی که به دارالخلافه رفته بود تا از عاقبت کار باخبر شود، برخورد کردیم؛ حضرت به او فرمود: چه خبر؟

آن مرد گفت: آنها زن را آزاد کردند.

حضرت فرمود: چگونه آزادش کردند؟

مرد گفت: نفهمیدم ولی من در کنار دارالخلافه بودم که یکی از دارالخلافه بیرون آمد و آن زن را صدا زد و گفت: آن چه حرفی بود که تو زدی؟

زن گفت: اشتباهاً گفتم: یا فاطمه خداوند لعنت کند به کسانی که به تو آن ظلم‌ها را کردند.

بعد آن نگهبان دوبست درهم پول درآورد و به زن گفت: این را بگیر و سلطان را حلال کن.

■ شهید ابن طاووس گفته است: اگر خواستی به مسجد سهله بروی، در شب چهارشنبه برو که افضل از وقت‌های دیگر است. بعد از نماز مغرب و نوافله‌اش، دو رکعت نماز تحیت مسجد بخوان و بعد از نماز، دست‌ها را به طرف آسمان بلند کن و بگو:

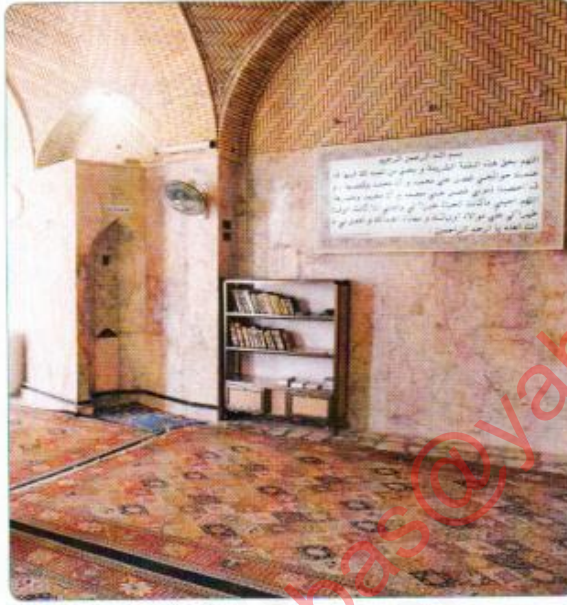
أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مُبْدِئُ الْخَلْقِ وَمُعِيدُهُمْ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ خَالِقُ الْخَلْقِ
وَرَازِقُهُمْ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْقَابِضُ الْبَاسِطُ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مُدَبِّرُ
الْأُمُورِ وَبَاعِثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ، أَنْتَ وَارِثُ الْأَرْضِ وَمَنْ عَلَيْهَا، أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَخْزُونِ
الْمَكْنُونِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ عَالِمُ السِّرِّ وَآخِضِي، أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ
الَّذِي إِذَا دُعِيَ بِهِ أَجَبْتَ، وَإِذَا سُئِلَ بِهِ أُعْطِيَ، وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآهِلِ
بَيْتِهِ وَبِحَقِّهِمُ الَّذِي أُوجِبَتْهُ عَلَى نَفْسِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُقْضَى
لِي حَاجَتِي السَّاعَةِ السَّاعَةِ، يَا سَامِعَ الدُّعَاءِ، يَا سَيِّدَ أَدْيَامٍ وَلَا دِيَاغِيَاءِ، أَسْأَلُكَ بِكُلِّ
اسْمٍ سَمَّيْتَ بِهِ نَفْسَكَ أَوْ اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُعْجَلَ فَرَجُنَا السَّاعَةِ، يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ، يَا سَمِيعَ الدُّعَاءِ

■ بعد با حال خشوع سجده برو و هرخواسته‌ای داری از خدا بخواه و سپس به طرف مقام ابراهیم (ع) برو.



● مقام حضرت ابراہیم ؑ

■ به گوشه شمال غربی مسجد برو؛ در آن جا که خانه حضرت ابراہیم ؑ بوده و از آن جا به جنگ عمالقه رفته.
دو رکعت نماز بخوان؛
بعد از نماز و تسبیح حضرت زهرا ؑ بگو:

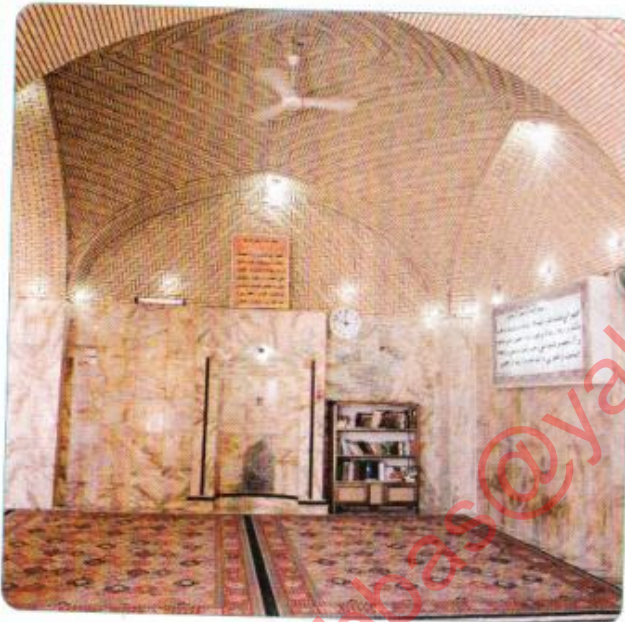


اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذِهِ الْبَقْعَةِ الشَّرِيفَةِ،
وَبِحَقِّ مَنْ تَعَبَّدَ لَكَ فِيهَا، قَدْ
عَلِمْتَ حَوَائِجِي، فَصَلِّ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَقْضِهَا، وَقَدْ
أَخْصَيْتُ ذُنُوبِي فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْهَا، اللَّهُمَّ أَحْيِنِي
مَا كَانَتْ الْحَيَاةُ خَيْرًا لِي، وَأَمِتْنِي إِذَا
كَانَتْ الْوَفَاةُ خَيْرًا لِي عَلَى مُوَالَاةِ
أَوْلِيَائِكَ وَمُعَادَاةِ أَعْدَائِكَ، وَافْعَلْ
بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ،



● مقام و خانه حضرت ادریس نبی

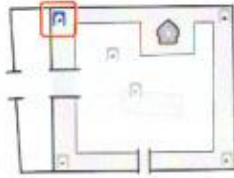
■ سپس به گوشه دیگر سمت جنوب غربی برو و دو رکعت نماز دیگر بخوان و دست‌ها را بلند کن و بگو:



اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ صَلَّیْتُ هَذِهِ
الصَّلَاةَ اِیْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ،
وَطَلَبَ نَائِلِكَ، وَرَجَاءِ
رَفْدِكَ وَجَوَائِزِكَ، فَصَلِّ
عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَتَقَبَّلْهَا مِنِّیْ بِاَحْسَنِ
قَبُولٍ، وَبَلِّغْنِیْ بِرَحْمَتِكَ
الْمَأْمُوْلَ، وَافْعَلْ بِیْ مَا اَنْتَ
اَهْلُهُ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ،

■ پس به سجده برو و بعد از آن دو طرف صورتت را برخاک بگذار و هر ذکرِ خواستی بگو.

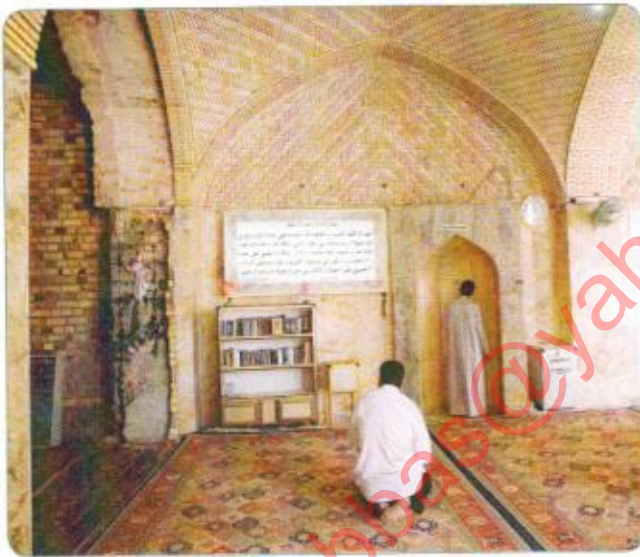
jabir.abbas@yahoo.com



● مقام حضرت خضر (ع)

■ برو به گوشه‌ای که طرف مشرق است و در رکعت نماز بخوان و دست‌ها را بگشا و بگو:

اللَّهُمَّ إِنْ كَانَتْ الذُّنُوبُ وَالْخَطَايَا قَدْ أَخْلَقَتْ وَجْهِي عِنْدَكَ
فَلَمْ تَرْفَعْ لِي إِلَيْكَ صَوْتًا وَلَمْ تَسْتَجِبْ لِي دَعْوَةً فَإِنِّي أَسْأَلُكَ
بِكَ يَا اللَّهُ فَإِنَّهُ لَيْسَ مِثْلَكَ
أَحَدٌ، وَأَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ
وَأَلِهِ وَأَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَأَنْ تُقْبِلَ إِلَيَّ بِوَجْهِكَ
الْكَرِيمِ وَتَقْبِلَ بِوَجْهِهِ
إِلَيْكَ وَلَا تَخَيِّبْنِي حِينَ
أَدْعُوكَ، وَلَا تَحْرِمْنِي حِينَ
أَرْجُوكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ



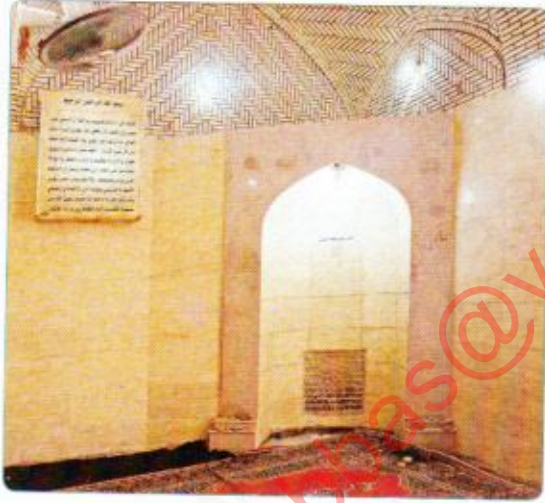
jabir.abbas@yahoo.com



● مقام صالحین و انبیاء

■ به گوشه شمال شرقی مسجد برو، دو رکعت نماز بخوان و بعد این دعا را بخوان:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا اللَّهُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَجْعَلَ خَيْرَ عُمْرِي آخِرَهُ، وَخَيْرَ أَعْمَالِي خَوَاتِيمَهَا
وَخَيْرَ أَيَّامِي يَوْمَ الْقَاكَ فِيهِ أَنْكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ دُعَائِي وَاسْمَعْ نَجْوَايَ
يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمُ يَا قَادِرُ يَا قَاهِرُ يَا حَيُّ
لَا يَمُوتُ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي بَيْنِي
وَبَيْنَكَ، وَلَا تَفْضَحْنِي عَلَيَّ رُؤُوسِ
الْأَشْهَادِ وَاحْرُسْنِي بِعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ
وَارْحَمْنِي بِقُدْرَتِكَ عَلَيَّ يَا أَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ سَيِّدِنَا
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ



jabir.abbas@yahoo.com

کرنه ۲۲۵

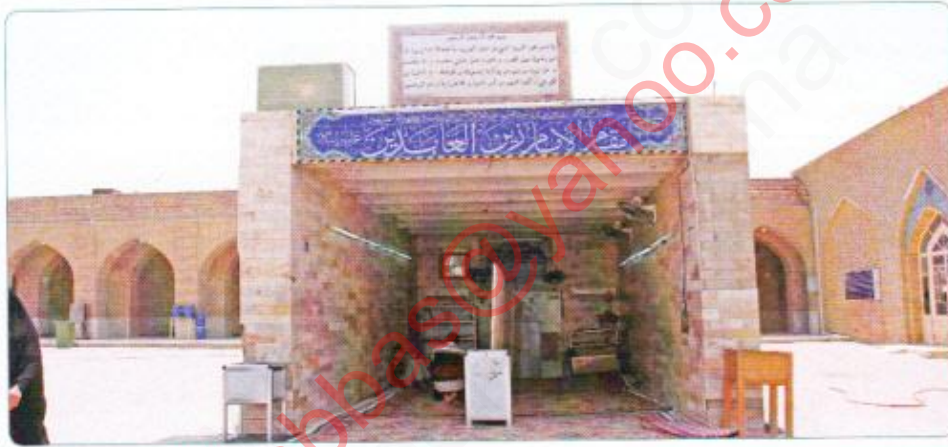


● مقام امام زین العابدین

■ در خانه‌ای که در وسط مسجد است نیز، دو رکعت نماز بخوان و بعد بگو:

يَا مَنْ هُوَ أَقْرَبُ إِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ، يَا فَعَالًا لِمَا يَرِيدُ، يَا مَنْ
يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَحَلِّ بَيْنَنَا
وَبَيْنَ مَنْ يُؤْذِنُنَا بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ يَا كَافِيَّ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا يَكْفِي مِنْهُ شَيْءٌ،
اَكْفِنَا الْمُهَمَّ مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ،

■ و بعد دو طرف صورتت را بر خاک بگذاز.





● مقام امام مهدی

■ در این مقام شریف دو رکعت نماز بخوان و پس از نماز، در حالی که ایستاده‌ای، این دعا را بخوان:

سَلَامُ اللَّهِ الْكَامِلِ التَّامِ الشَّامِلِ الْعَامِ، وَصَلَوَاتُهُ الدَّائِمَةُ
وَبَرَكَاتُهُ الْقَائِمَةُ التَّامَّةُ عَلَى حُجَّةِ اللَّهِ وَوَلِيِّهِ فِي أَرْضِهِ

وَبِلَادِهِ وَخَلِيفَتِهِ عَلَى خَلْقِهِ وَعِبَادِهِ، وَسُلَالَةِ النَّبُوَّةِ وَبَقِيَّةِ الْعِتْرَةِ وَالصَّفْوَةِ، صَاحِبِ
الزَّمَانِ وَمُظْهِرِ الْإِيمَانِ، وَمُلْقِنِ أَحْكَامِ الْقُرْآنِ، وَمُطَهِّرِ الْأَرْضِ وَنَاشِرِ الْعَدْلِ فِي الطُّوْلِ
وَالْعَرْضِ، وَالْحُجَّةِ الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ الْإِمَامِ الْمُنْتَظَرِ الْمَرْضِيِّ، وَابْنِ الْأَنْمَةِ الطَّاهِرِينَ

۱. بهتر است که در رکعت اول این نماز، بعد از حمد، سوره «تافاتحنا» و در رکعت دوم بعد از حمد، سوره «اذا جاء نصر الله والفتح» بخواند شود.



الْوَصَى ابْنِ الْأَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ الْهَادِي الْمَعْصُومِ ابْنَ الْأَنْبِيَةِ الْهَدَاةِ الْمَعْصُومِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُعِزَّ الْمُؤْمِنِينَ الْمُسْتَظْعَفِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُذِلَّ الْكَافِرِينَ الْمُتَكَبِّرِينَ الظَّالِمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْأَنْبِيَةِ الْحُجَجِ الْمَعْصُومِينَ وَالْإِمَامِ عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ سَلَامٌ مُخْلِصٌ لَكَ فِي الْوِلَايَةِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْمَهْدِيُّ قَوْلًا وَفِعْلًا، وَأَنْتَ الَّذِي تَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا بَعْدَ مَا مَلَأْتَ ظُلْمًا وَجَوْرًا، فَعَجَّلَ اللَّهُ فَرْجَكَ وَسَهَّلَ مَخْرَجَكَ وَقَرَّبَ زَمَانَكَ وَكَثَّرَ أَنْصَارَكَ وَأَعْوَانَكَ، وَأَنْجِزْ لَكَ مَا وَعَدَكَ فَهُوَ أَصْدَقُ الْقَائِلِينَ «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَظْعَفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَنْبِيَاءً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ حَاجَتِي كَذَا وَكَذَا وَبِحَايِ (كَذَا وَكَذَا) حَاجَاتِ خُودِ رَا ذَكَرَ كُنْتُ، سَبِيسْ بِكُوَيْدِ: فَاشْفَعْ لِي فِي نَجَاحِهَا فَقَدْ تَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِحَاجَتِي لَعَلَّمَنِي أَنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَفَاعَةً مَقْبُولَةً وَمَقَامًا مَحْمُودًا، فَبِحَقِّ مَنْ اخْتَصَّكُمْ بِأَمْرِهِ وَارْتَضَاكُمْ لِسِرِّهِ، وَبِالْشَّانِ الَّذِي لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُ، سَلِّ اللَّهُ تَعَالَى فِي نَجْحِ طَلِبَتِي وَاجَابَةِ دَعْوَتِي وَكَشْفِ كُرْبَتِي

■ و ہرچہ می خواہی، از خدا طلب کن کہ ان شاء اللہ برآورده می شود.



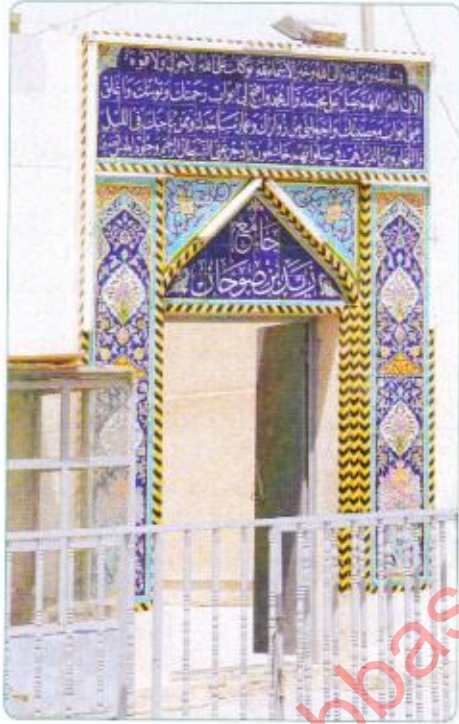
● مسجد زید^۱

■ به مسجد زید، که نزدیک مسجد سهله است برو؛
۲ رکعت نماز در آن جا به جای آور و دست‌ها را بگشا و بگو:

الهی قَدْ مَدَّ إِلَيْكَ الْخَاطِيءُ، الْمَذْنُبُ يَدَيْهِ بِحُسْنِ ظَنِّهِ بِكَ،
الهی قَدْ جَلَسَ الْمَسِيءُ، بَيْنَ يَدَيْكَ مُقَرَّأً لَكَ بِسُوءِ عَمَلِهِ وَرَاجِئاً مِنْكَ الصَّفْحَ عَنْ زَلِيلِهِ،
الهی قَدْ رَفَعَ إِلَيْكَ الظَّالِمُ كَفِّهِ رَاجِئاً لِمَا لَدَيْكَ فَلَا تَخَيِّبْهُ بِرَحْمَتِكَ مِنْ فَضْلِكَ،
الهی قَدْ جَاءَ الْعَانِدُ إِلَى الْمَعَاصِي بَيْنَ يَدَيْكَ خَائِئِلاً مِنْ يَوْمٍ تَجْثُو فِيهِ الْخَلَائِقُ بَيْنَ يَدَيْكَ،
الهی جَاءَكَ الْعَبْدُ الْخَاطِيءُ، فِرْعَاً مُشْفِقاً وَرَفَعَ إِلَيْكَ طَرْفَهُ حَذِراً رَاجِئاً، وَفَاضَتْ عِبْرَتُهُ
مُسْتَغْفِراً نَادِماً، وَعِزَّتِكَ وَجَلَالِكَ مَا أَرَدْتُ بِمَعْصِيَتِي مُخَالَفَتَكَ، وَمَا عَصَيْتُكَ إِذْ عَصَيْتُكَ
وَأَنَا بِكَ جَاهِلٌ، وَلَا لِعُقُوبَتِكَ مَتَعَرِّضٌ، وَلَا لِنَظَرِكَ مُسْتَخِفٌّ، وَلَكِنْ سَوَّلَتْ لِي نَفْسِي،
وَأَعَانَتْنِي عَلَى ذَلِكَ شَقَوْتِي، وَغَرَنِي سَخَرُكَ الْمُرْخِي عَلَى، فَمِنْ الْآنَ مِنْ عَذَابِكَ مِنْ
يَسْتَنْقِذْنِي، وَبِحَبْلِ مَنْ اعْتَصِمَ أَنْ قَطَعْتَ حَبْلَكَ عَنِّي، فَيَأْسُوَاتَاهُ غَدَاً مِنَ الْوُقُوفِ بَيْنَ

■ ۱. این مسجد، از مساجد شریف کوفه و منسوب است به «زید بن سوحان» از اصحاب امیرالمؤمنین (علیه السلام)، که در جنگ جمل، در رکاب آن حضرت به شهادت رسید و دعایی که در اعمال این مسجد ذکر شده، همان دعایی است که زید آن را در نافله شب‌هایش می‌خوانده است.

يَدِيكَ اِذَا قِيلَ لِلْمُخْفَيْنِ جُوزُوا وَلِلْمُثْقَلِينَ حُطُّوا، اَفْمَعَ الْمُخْفَيْنِ اَجُوزُ امَّ مَعَ الْمُثْقَلِينَ
اَحْطُ، وَيَلِي كَلِمًا كَبُرَ سَنِي كَثُرَتْ ذُنُوبِي، وَيَلِي كَلِمًا طَالَ عُمُرِي كَثُرَتْ مَعَاصِيِي، فَكَمْ



اَتُوبُ وَكَمْ اَعُودُ اَمَّا اَنْ لِي اَنْ اَسْتَخِيِي مِنْ
رَبِّي، اَللّٰهُمَّ فَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اغْفِرْ لِي
وَارْحَمْنِي يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَخَيْرَ الْغَافِرِينَ

■ گریہ کن و پیشانی پر خاک بگذار و بگو:

اَرْحَمَ مِنْ اَسَاءٍ وَاَقْتَرَفَ وَاَسْتَكَانَ وَاَعْتَرَفَ،

■ گونه راست را بر زمین بگذار و بگو:

اِنْ كُنْتُ بِئْسَ الْعَبْدُ فَانْتَ نِعَمَ الرَّبِّ

■ گونه چپ را بر زمین بگذار و بگو:

عَظُمَ الذَّنْبُ مِنْ عَبْدِكَ

فَلِيْحَسَنِ الْعَفْوِ مِنْ عِنْدِكَ يَا كَرِيْمُ،

■ برگرد به حالت سجده، پیشانی پر خاک بگذار و صد بار بگو:

اَلْعَفْوُ الْعَفْوُ

● مسجد صعصعه

■ دو رکعت نماز در این مسجد به جای آور و بعد از نماز این دعا را بخوان:



اللَّهُمَّ يَا ذَا الْمَنِّ السَّابِغَةِ وَالْأَلَاءِ الْوَازِعَةِ وَالرَّحْمَةِ

الْوَاسِعَةِ وَالْقُدْرَةِ الْجَامِعَةِ وَالنِّعَمِ الْجَسِيمَةِ وَالْمَوَاهِبِ الْعَظِيمَةِ وَالْأَيَادِي الْجَمِيلَةِ
وَالْعَطَايَا الْجَزِيلَةِ يَا مَنْ لَا يَنْعَتُ بِتَمَثِيلٍ وَلَا يُمَثَّلُ بِنَظِيرٍ وَلَا يَغْلِبُ بِظَهِيرٍ يَا مَنْ خَلَقَ
فَرَزَقَ وَالْمُهْمَ فَاَنْطَقَ وَابْتَدَعَ فَشَرَعَ وَعَلَا فَارْتَفَعَ وَقَدَّرَ فَاحْسَنَ وَصَوَّرَ فَاتَّقَنَ وَاحْتَجَّ فَابْلَغَ
وَأَنعَمَ فَاسْبَغَ وَأَعْطَى فَاجْزَلَ وَمَنَحَ فَافْضَلَ يَا مَنْ سَمَا فِي الْعِزِّ فَفَاتَ نَوَاطِرَ الْأَبْصَارِ وَدَنَا
فِي اللَّطْفِ فَجَاَزَ هَوَاجِسَ الْأَفْكَارِ يَا مَنْ تَوَحَّدَ بِالْمَلِكِ فَلَا نَدَّ لَهُ فِي مَلَكُوتِ سُلْطَانِهِ
وَتَفَرَّدَ بِالْأَلَاءِ وَالْكِبْرِيَاءِ فَلَا ضِدَّ لَهُ فِي جَبَرُوتِ شَانِهِ يَا مَنْ حَارَتْ فِي كِبْرِيَاءِ هَيْبَتِهِ دَقَائِقُ
لَطَائِفِ الْأَوْهَامِ وَانْحَسَرَتْ دُونَكَ عَظَمَتُهُ خَطَائِفُ أَبْصَارِ الْأَنَامِ يَا مَنْ عَنَتِ الْوُجُوهُ

۱. این مسجد که به نام «صعصعة بن صوحان» است، نزدیک مسجد برادرش، زید بن صوحان، قرار دارد. این مسجد نیز از مساجد شریف کوفه است. صعصعة بن صوحان نیز مانند برادرش از اصحاب امیرالمؤمنین (ع) است که در خطابه و فصاحت، مهارتی خاص داشته و از طرف آن حضرت لقب «خطیب شحشح» گرفته است. صعصعه در شب دفن امیرالمؤمنین (ع)، همراه فرزندان آن حضرت بوده و بعد از دفن، برای آن حضرت مرثیه سرایی کرده و به منزله روضه خوان آن مجلس بوده است. معاویه، صعصعه را به بحرین تبعید کرد و در سال ۶۵ هـ.ق در آنجا وفات یافت. قبرش در جنوب منامه (پایتخت بحرین) زیارتگاه مؤمنان است.

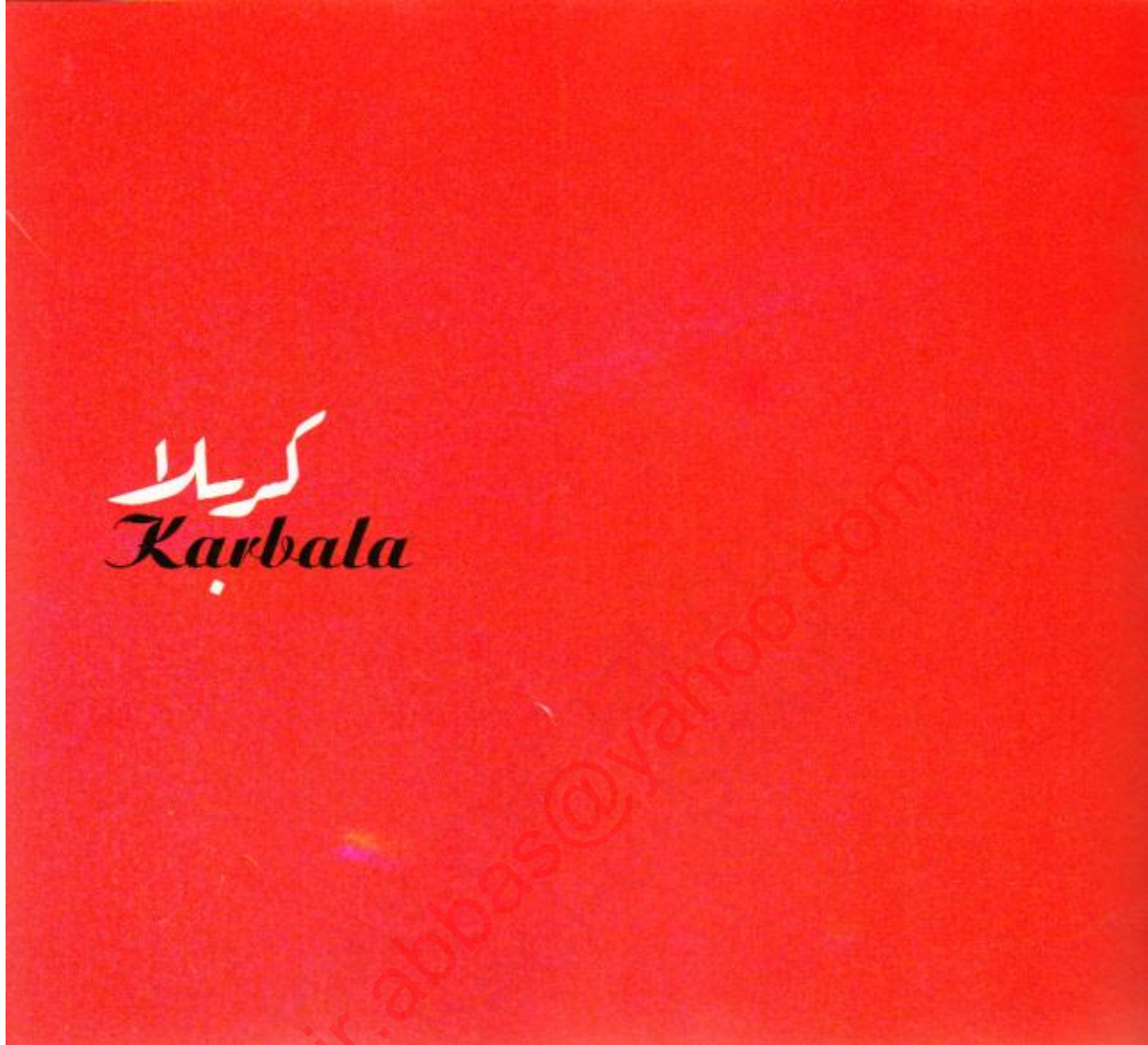
jabir.abbas@yahoo.com

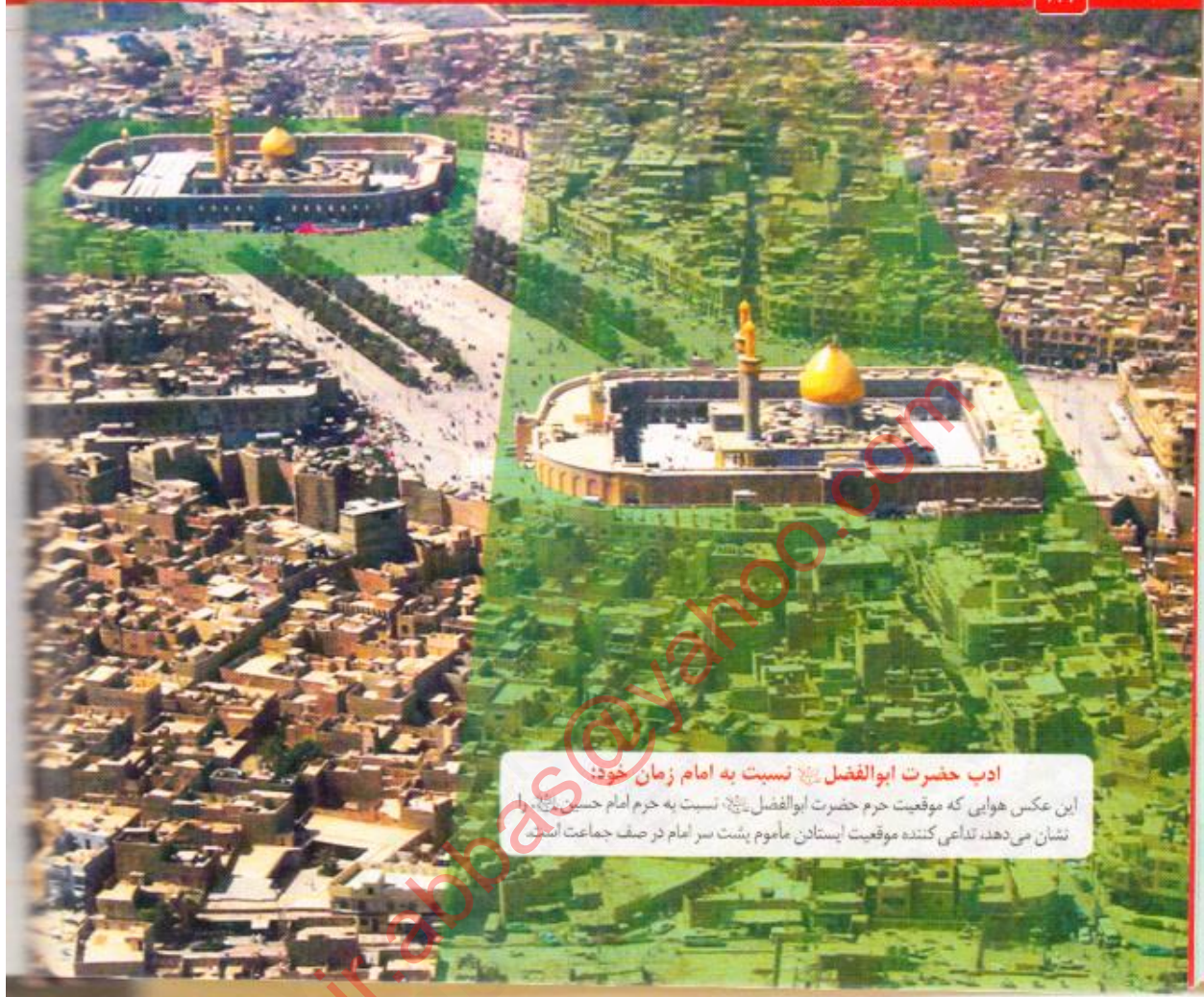
لَهَيْبَتِهِ وَخَضَعَتِ الرِّقَابُ لِعَظَمَتِهِ وَوَجَلَّتِ الْقُلُوبُ مِنْ خِيفَتِهِ أَسْأَلُكَ بِهَذِهِ الْمَدْحَةِ
الَّتِي لَا تُنْبَغِي إِلَّا لَكَ وَبِمَا وَآيَتْ بِهِ عَلَى نَفْسِكَ لِدَاعِيكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَبِمَا ضَمِنْتَ
الْإِجَابَةَ فِيهِ عَلَى نَفْسِكَ لِلدَّاعِينَ يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ وَابْصَرَ النَّازِرِينَ وَأَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ
يَا ذَا الْقُوَّةِ الْمُتَيْنِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ
النَّبِيِّينَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَأَقْسِمُ لِي فِي
شَهْرِنَا هَذَا خَيْرَ مَا قَسَمْتَ وَاخْتَمَ لِي فِي
قَضَائِكَ خَيْرَ مَا حَتَمْتَ وَاخْتَمَ لِي بِالسَّعَادَةِ
فِيمَنْ حَتَمْتَ وَاحِينِي مَا أَحْيَيْتَنِي مُؤَفَّوْرًا
وَأَمْتَنِي مَسْرُورًا وَمَغْفُورًا وَقَوْلَ أَنْتَ نَجَاتِي
مَنْ مُسَائِلَةِ الْبَرْزَخِ وَادْرَأْ عَنِّي مُنْكَرًا
وَنَكِيرًا وَارْغِي عَيْنِي مُبَشِّرًا وَبَشِيرًا وَاجْعَلْ لِي
إِلَى رَحْمَتِكَ وَجَنَانِكَ مَصِيرًا وَعَيْشًا قَرِيرًا
وَمُلْكًا كَبِيرًا وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَثِيرًا.





jabir.abbas@yahoo.com

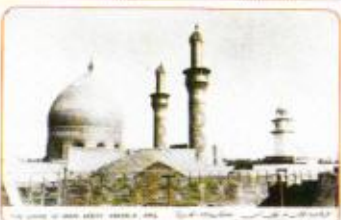




ادب حضرت ابوالفضل علیه السلام نسبت به امام زمان خود:

این عکس هوایی که موقعیت حرم حضرت ابوالفضل علیه السلام نسبت به حرم امام حسین علیه السلام را نشان می دهد، تداعی کننده موقعیت ایستادن مأموم پشت سر امام در صف جماعت است.

کربلا



کربلا در ناحیه غربی فرات قرار دارد و فاصله‌اش تا بغداد، ۱۰۸ کیلومتر است. تاریخ کربلا به دوران بابلی‌ها باز می‌گردد. بعضی از پژوهشگران معتقدند که کربلا یعنی «قرب اله» که ریشه واژه بابلی قدیم است.

بعضی دیگر می‌گویند که کربلا از واژه «کوربابل» گرفته شده است که به معنای مجموعه روستاهای بابل قدیم است که «نینوی» و «غاضریه» از جمله آنهاست. این سرزمین تا سال ۶۱ هجری قمری، بیابانی بیش نبوده است، اما بعد از واقعه کربلا و پس از ساخت گنبد و بارگاه برای شهید، به یکی از شهرهای زیارتی عراق تبدیل شد.

بعضی دیگر معتقدند تاریخ کربلا به تمدن‌های بین‌النهرین باز می‌گردد و در آن معابدی برای نماز وجود داشته است. کربلا مرکب از دو واژه آشوری «کرب» به معنای حرم و «ایل» به معنای «خدا» است و معنای کربلا، حرم خدا است.

اما خود امام حسین علیه السلام وقتی به این سرزمین رسید و نام آن را پرسید و در جواب، نام کربلا را شنید، فرمود: «اللهم إني أعوذ بك من الكرب والبلاء»؛

(خدایا من از سختی‌ها و بلاهای این سرزمین به تو پناه می‌برم).

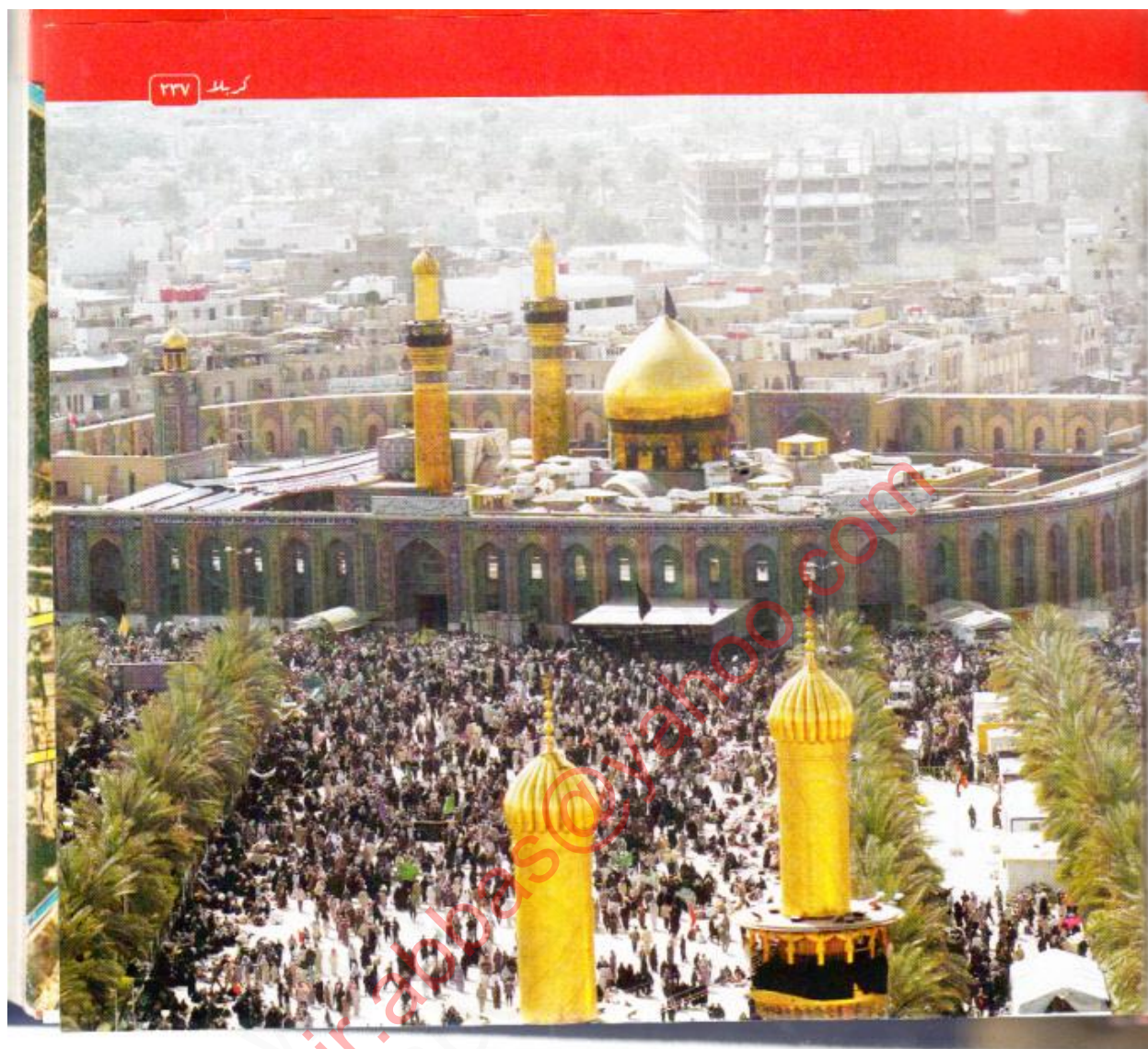
«طُف» یکی دیگر از نامهای کربلاست.

«حیره» نام دیگر این سرزمین است که امروزه به «خائِر» معروف است. وقتی متوکل دستور داد قبر شریف را ویران کنند و بر آن آب بیندازند، آب پیرامون قبر آن حضرت از رفتن باز ایستاد و دور قبر را احاطه کرد.

۱. امام حسین علیه السلام در روز دوم محرم سال ۶۱ همراه کاروانش به کربلا رسید. بطور رسمی گفته‌ها، امام حسین علیه السلام گوشه‌ای از زمین کربلا (زمینی به مساحت ۳۶ کیلومتر مربع) را که اکنون شامل قبر او و سایر شهدای کربلا می‌شود، به ۶۰,۰۰۰ درهم از مردم نینوا و غاضریه خریداری کرد و پانزده سال بعد که مردم را برای زیارت و اقامتی کنند و از زائرین قبرش ثامنه روز پذیرایی کنند.

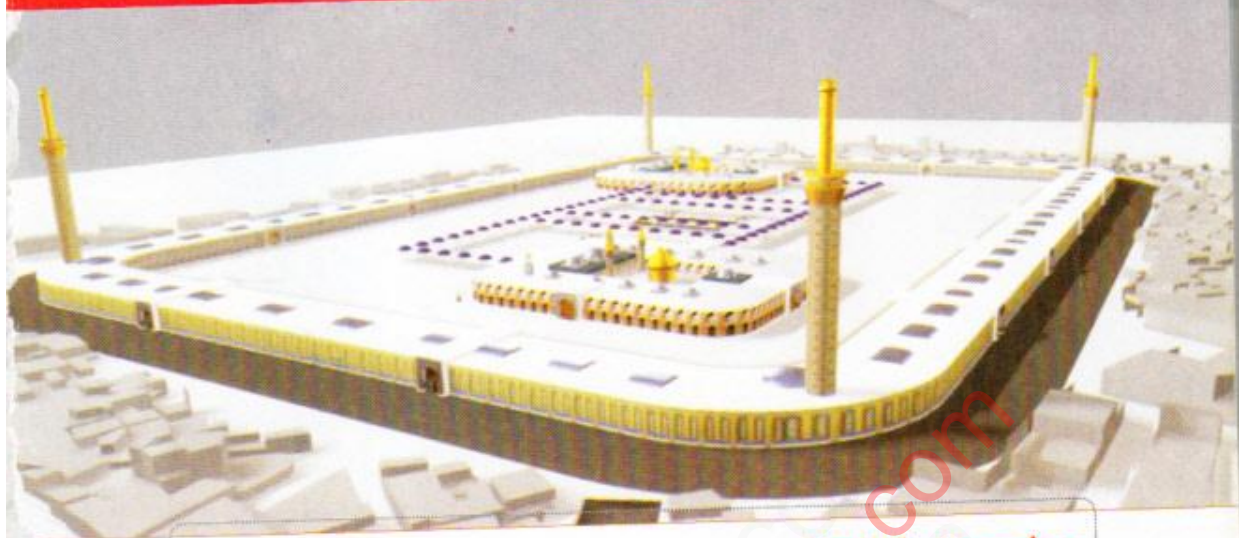
• تاریخچه شهر کربلا

- ◀ دو روز پس از حادثه عاشورا آبادانی شهر کربلا آغاز گردید.
- ◀ ۱۲ محرم سال ۶۱ هجری بنی اسد با اشراف امام سجاد (ع) اجساد مطهر امام حسین (ع) و فرزندان و یاران و حضرت عباس (ع) را به خاک سپردند.
- ◀ سال ۲۴۷ هجری منتصر عباسی پس از کشتن پدرش متوکل، که کربلا را ویران کرده بود، بناهایی را در کربلا ایجاد کرد.
- ◀ سال ۳۷۲ هجری اولین دیوار دور خایر بنا شد و مساحت آن به ۲۴۰۰ مترمربع رسید.
- ◀ سال ۴۱۲ هجری حسن بن فضل رامهرمزی وزیر، دومین دیوار را به دور شهر بنا کرد و چهار دروازه آهنی در اطراف آن نصب کرد.
- ◀ سال ۹۴۱ هجری شاه اسماعیل صفوی به زیارت کربلا رفت. نهر قدیمی را لایروبی کرد و بنای بارگاه حسینی را تعمیر و تجدید بنا کرد.
- ◀ سال ۹۵۳ هجری شاه سلیمان قانونی دور ضریح را تعمیر کرد و مزرعه‌هایی را که بوسیله شن و ماسه پوشیده شده بود به باغ تبدیل نمود.
- ◀ سال ۱۲۱۶ هجری پس از حمله وهابی‌ها، یکی از فرمانروایان هندی، خانه‌ها و بازارهای زیبایی در کربلا ساخت و دیوار محکمی دور شهر کشید.
- ◀ سال ۱۲۱۷ هجری سید علی خطاطبایی، صاحب الزیاض، سومین دیوار شهر را ساخت و شش دروازه برای آن قرار داد.
- ◀ سال ۱۸۶۰ م خطوط تلگراف به کربلا رسید و کربلا به دنیای خارج وصل گردید.
- ◀ سال ۱۸۶۸ م برابر با ۱۳۸۵ م، مدحت پاشا، ساختمان‌ها و ادارات دولتی بنا کرد و شهر را گسترش داد.
- ◀ سال ۱۹۱۴ م پس از جنگ جهانی اول، ساختمان‌های جدید و خیابان‌های عریض ساخته شد و اراضی کربلا گسترش یافت.
- ◀ سال ۱۹۹۱ م در جریان انتفاضه آسیب‌های فراوانی به کربلا وارد شد. سرکوب قیام شیعیان عراق، نقاب را از چهره بی‌رحم صدام برکشید و سنگدلی او را نزد جهانیان آشکار ساخت. آثار گلوله‌های این کشتار هنوز هم بر دیوارهای زیرگنبد قابل مشاهده است.
- ◀ مساحت کربلا اکنون به حدود ۵۲۸۵۶ کیلومتر مربع می‌رسد و زمین‌های آن از شن و سنگریزه خالی شده و پر از باغ‌های زیبا شده است؛ آب فرات این باغ‌ها را آبیاری می‌کند. دو جاده اصلی به کربلا منتهی می‌شوند. یکی جاده بغداد به کربلا که از شهر مسیب می‌گذرد و طول آن ۹۷ کیلومتر است و دیگری جاده‌ای است که به نجف می‌رود.
- ◀ از نظر عمران و سازندگی، شهر به دو قسمت کربلای قدیمی و کربلای جدید تقسیم می‌شود. بخش جدید بناهای بزرگ و خیابان عریض دارد و مؤسسات، بازارها، مدارس دینی و دولتی بسیاری در این قسمت وجود دارد.
- ◀ مشهورترین محلات شهر عبارتند از محله باب السلالة، باب الطاق، باب بغداد، باب الخان، مخیم، باب النجف و عباسیه شرقی و غربی.
- ◀ شهرک‌های جدیدی نیز به شهر افزوده شده‌است مانند: شهرک الحسین (ع)، معلمان، العباس (ع)، النقیب، انقلاب، حر و رمضان.



• نقشه شهر کربلا و اماکن موجود





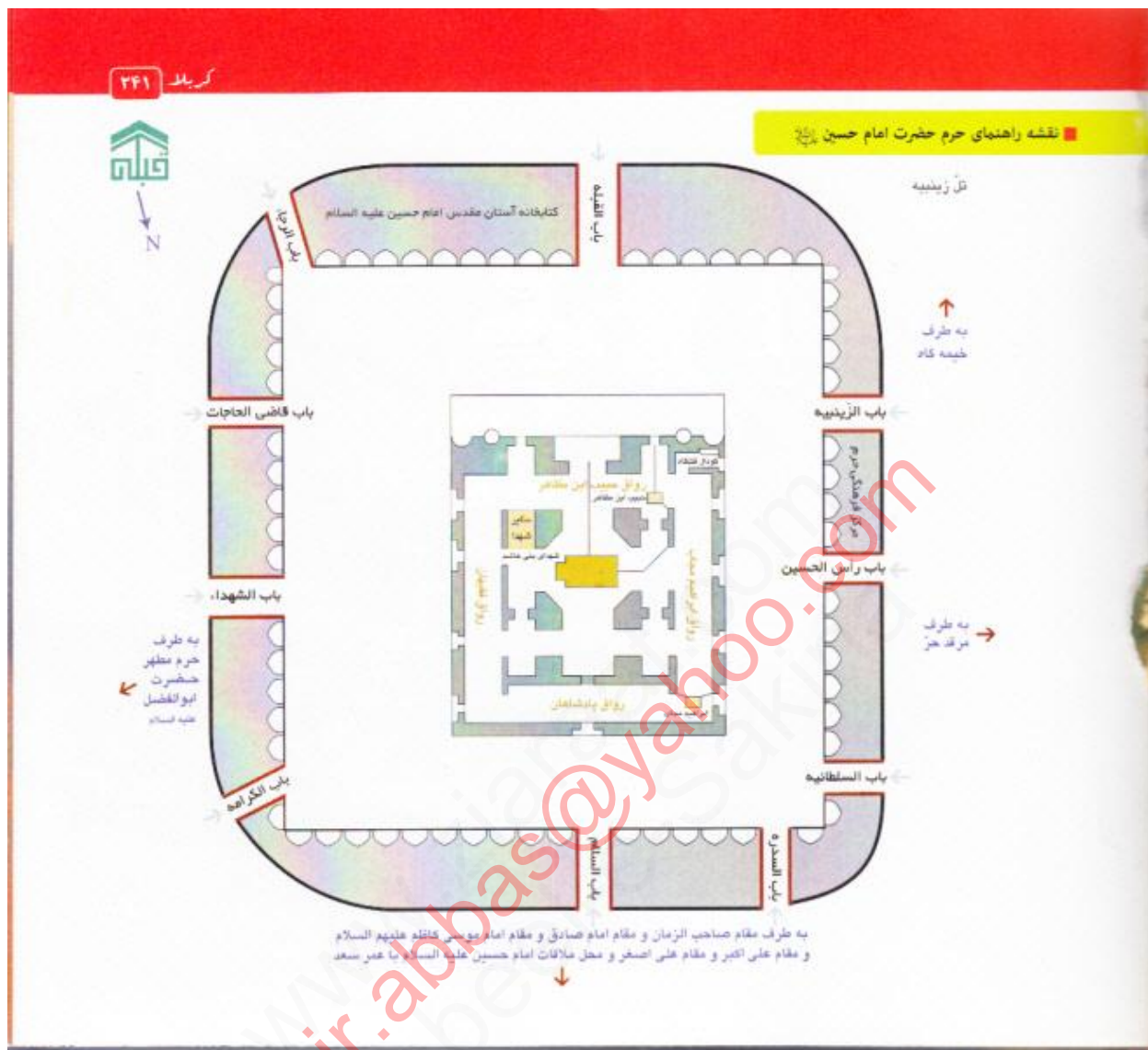
• طرح سفینه النجاة

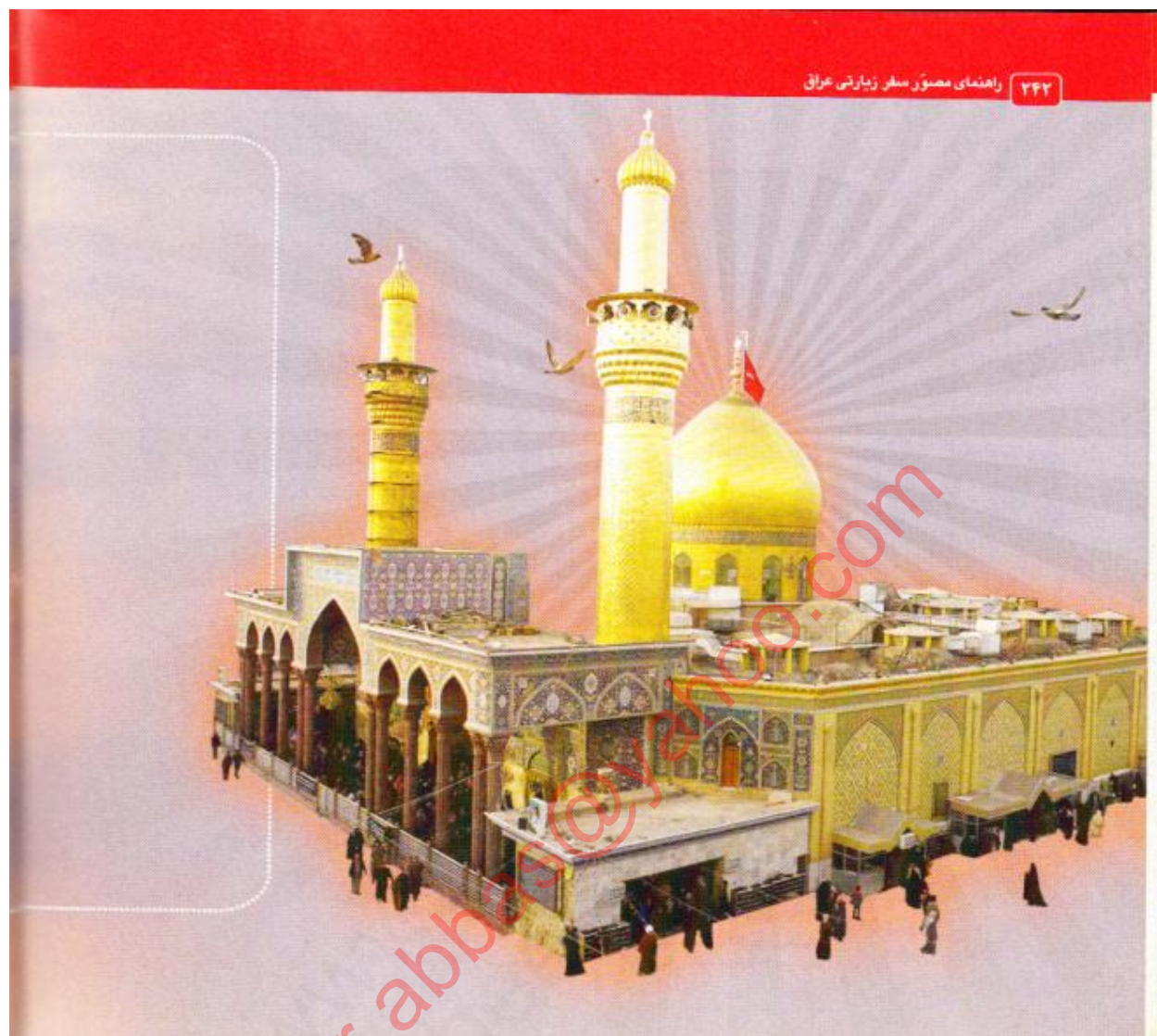
صحن جامع و فضای سرپوشیده بین الحرمین

هم اکنون حرم امام حسین علیه السلام و حضرت ابوالفضل علیه السلام در کربلا در مجموع کمتر از چهار هزار مترمربع فضا دارند در حالی که کربلا در ایام ازدحام، سه تا چهار میلیون زائر را در خود جای می دهد.

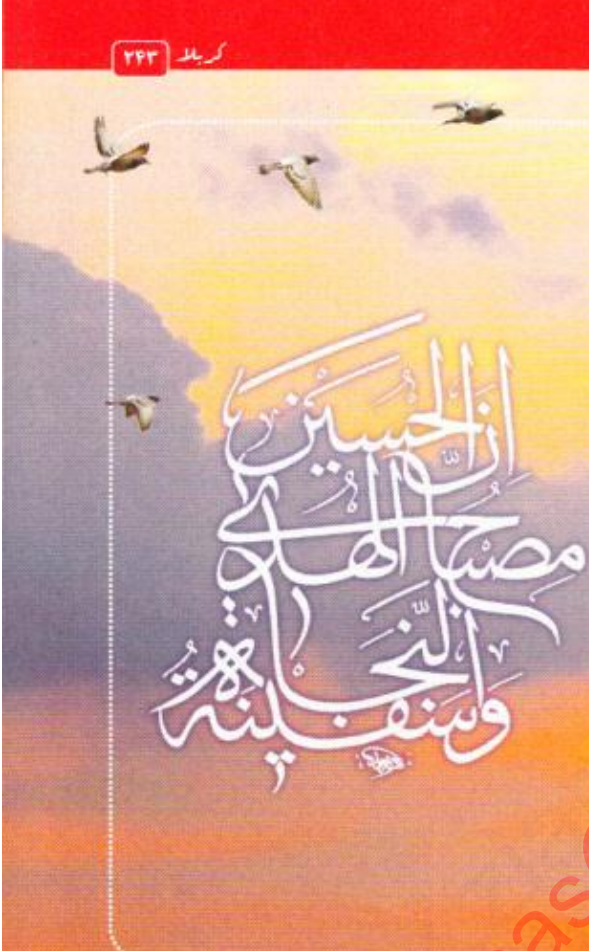
برای بین الحرمین، طرحی به نام سفینه النجاة به وسعت هزار مترمربع فضای سرپوشیده، تدارک دیده شده که حرم مطهر حضرت عباس علیه السلام و امام حسین علیه السلام را به هم وصل می کند و ظرفیت پذیرش ۱۶۰ هزار زائر را خواهد داشت.

در این طرح بزرگ، تمامی حرمین شریفین در میان صحن بزرگ قرار می گیرند؛ وسعت این صحن به گونه ای طراحی شده که مقام هایی مانند تل زینیه، در شمال غربی حرم امام حسین علیه السلام و کف العباس علیه السلام در جنوب غربی حرم حضرت ابوالفضل علیه السلام را نیز در برمی گیرد و بین الحرمین به صورت زیرزمینی مسقف و فضای بالای آن، به عنوان صحن ارتباط دهنده دو حرم، با دو طبقه مجزا خواهد بود.





کربلا ۲۰۲۳



● مشخصات معصوم پنجم، امام سوم، حضرت حسین

نام:	حسین
کنیه:	ابا عبدالله
لقب:	سید الشهدا
بدر و مادر:	امام علی و حضرت فاطمه
زمان ولادت:	سوم شعبان سال ۴ هجرت
مکان ولادت:	مدینه
نقش انگشتر:	ان الله بالغ امره
اولاد:	۶ فرزند
مدت امامت:	۱۰ سال
زمان شهادت:	روز عاشورای سال ۶۱ هجری
مکان شهادت:	کربلا
سبب شهادت:	جنگ با لشکر یزید بن معاویه (علیهما اللعنة)
عمر:	۵۷ سال
مرقع شریف:	کربلا، واقع در کشور عراق
دوران عمر:	۱. عشر رسول خدا (۵/۶ سال) ۲. دوران ملازمت با یزید (۳۶ سال) ۳. دوران امامت برادرش امام حسن (۹ سال) ۴. دوران امامت (۱۱ سال)

• تاریخ بنای مرقد امام حسین علیه السلام

بنای مرقد امام حسین علیه السلام، تاریخی به درازای چهارده قرن دارد:

۶۱ هـ. نخستین کسانی که آرامگاه مبارک آن حضرت را ساختند، بنی اسد بودند که با راهنمایی امام سجاد علیه السلام در روز ۱۲ محرم سال ۶۱ هـ قیصر پاک سید الشهدا و یارانش را به خاک سپردند.

۶۵ هـ. ق. مختار بر مضجع امام علیه السلام، گنبدی از آجر و گچ ساخت و دو در برای آن قرار داد.

۱۳۲ هـ. ق. ابوالعباس سفاح، در کنار مرقد امام علیه السلام بنای سربویشده‌ای دیگر دایر کرد.

۱۴۶ هـ. ق. ابوجعفر منصور، این بنای سربویشده را ویران کرد.

۱۵۸ هـ. ق. مهدی عباسی، آن را از نو بنا کرد.

۱۷۱ هـ. ق. هارون الرشید، بنای مزبور و گنبد را ویران کرد و درخت سدری هم که در کنار آن بود، برید.

۱۹۳ هـ. ق. امین، بنای حرم را از نو برپا کرد.

۲۳۶ هـ. ق. متوکل عباسی، مرقد امام علیه السلام را ویران کرد و زمین آن را شخم زد.

۲۴۷ هـ. ق. منتصر عباسی، بنای حرم را بازسازی کرد، علویان و پیشاپیش همه، سید ابراهیم منجیب به تدریج به زیارت امام و سکونت گزیندن در جوار مرقد امام روی آوردند.

۲۷۲ هـ. ق. محمد بن محمد بن زید، رهبر قیام طبرستان، به تجدید بنا پرداخت.

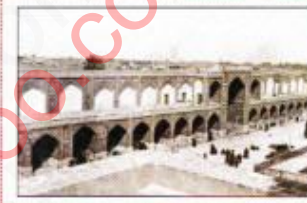
۲۸۰ هـ. ق. داعی علوی، گنبدی بر فراز قبر ساخت.

۳۶۷ هـ. ق. عضدالدوله دیلمی، گنبدی با چهار رواق و ضریحی از عاج ساخت و برای شهر، برج و بارو بنا کرد.

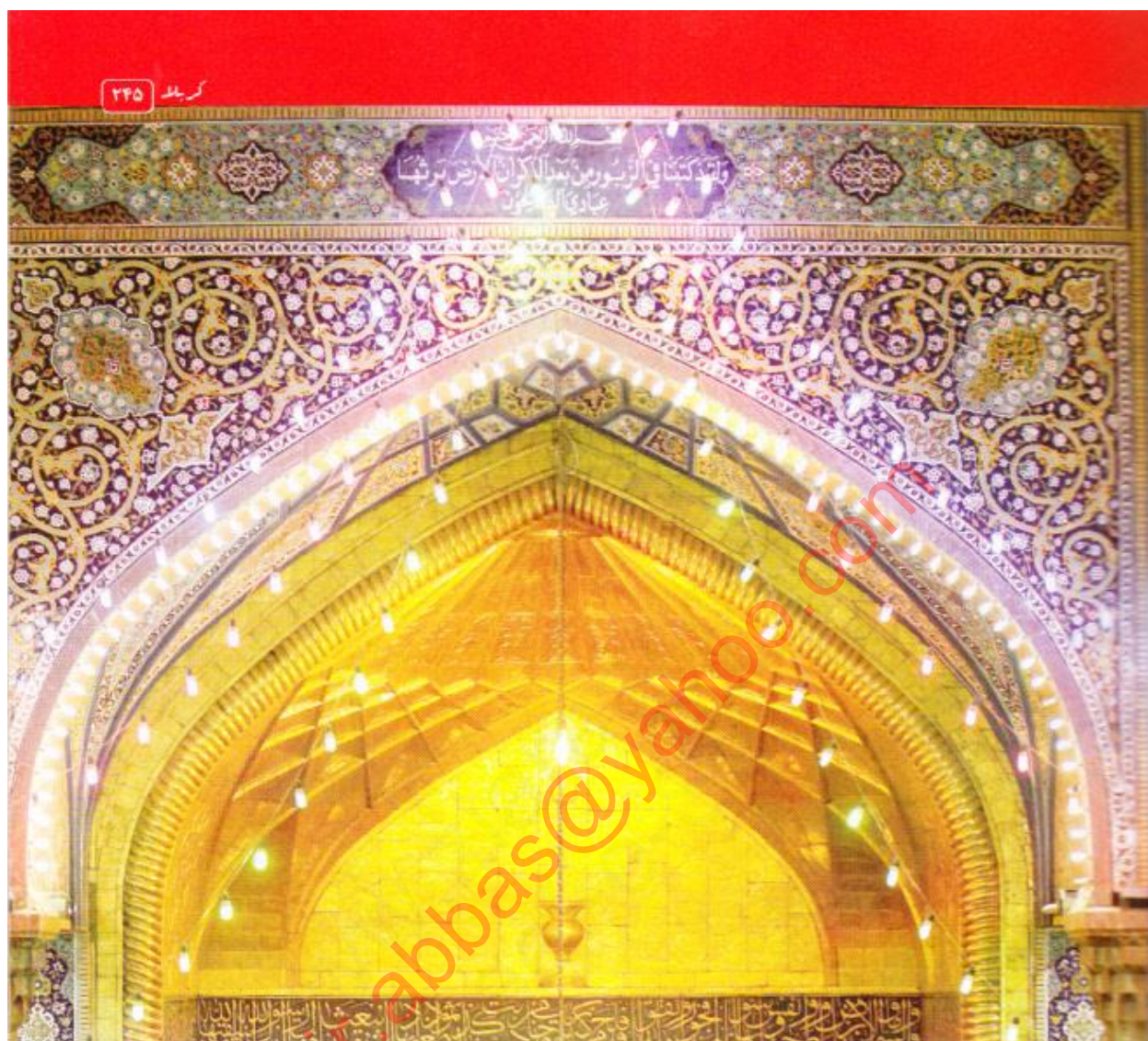
۳۹۷ هـ. ق. عمران بن شاهین، مسجدی به نام خود متصل به رواق، بنا کرد.

۴۰۷ هـ. ق. بر اثر سقوط دو شمع، حرم در آتش سوخت، حسن بن سهل وزیر، آنرا بازسازی کرد.

۴۷۹ هـ. ق. ملکشاه سلجوقی، دیوار پیرامون حرم را نوسازی کرد.

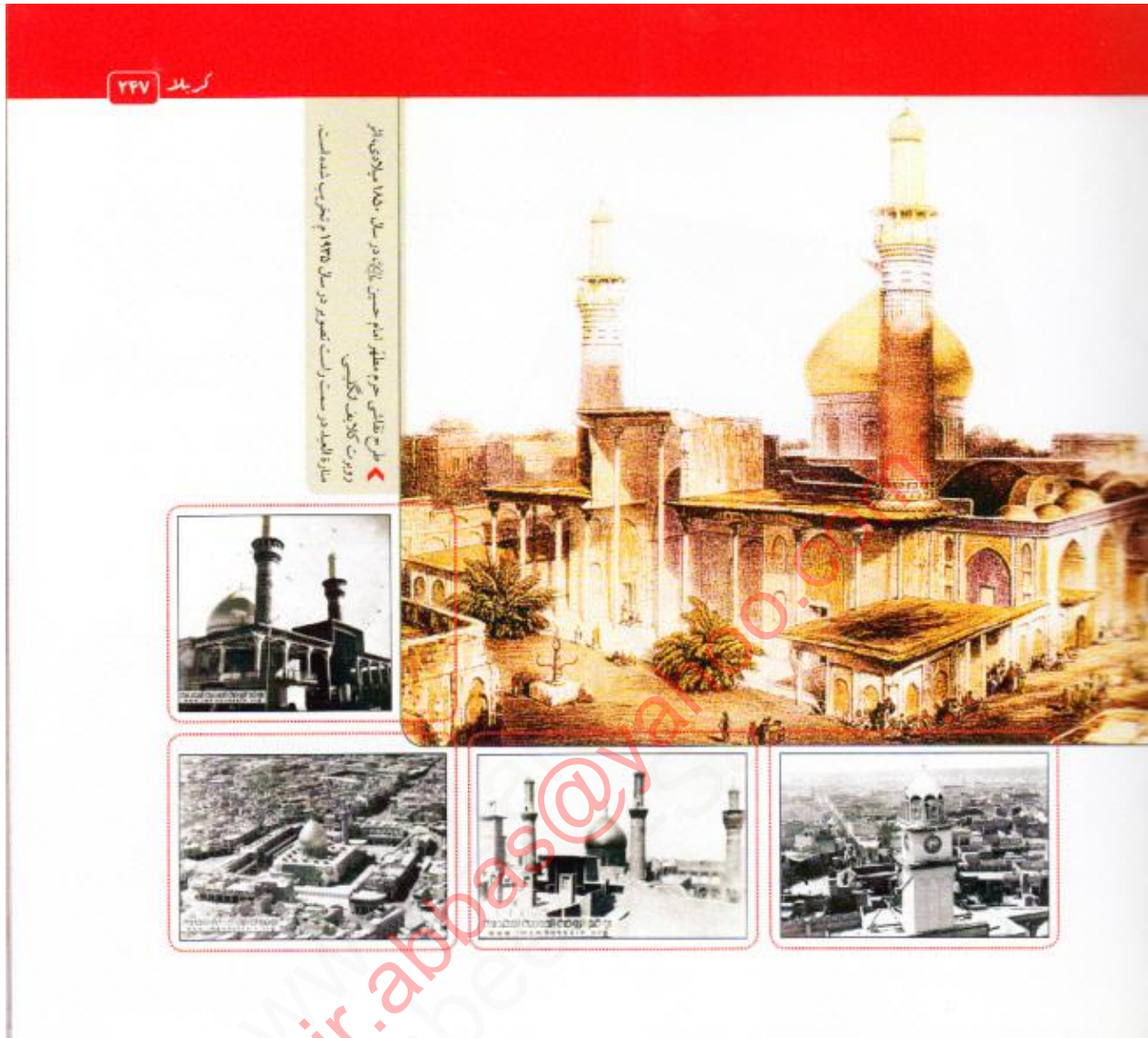


jabir.abbas@yahoo.com





- ۶۳۰ هـ.ق. الناصر الدین الله عباسی، ضریحی برای مرقد امام علیه السلام ساخت.
- ۷۶۷ هـ.ق. سلطان اویس جدایی، گنبد داخلی را ساخت و صحنی بر گرد مضجع امام علیه السلام بنا کرد.
- ۷۸۶ هـ.ق. سلطان احمد بن اویس، دو گلدسته طلا بنا کرد و صحن را توسعه داد.
- ۹۱۴ هـ.ق. شاه اسماعیل صفوی، حاشیه‌های حرم را تذهیب کرد و ۱۲ چراغدان طلا، به حرم هدیه کرد.
- ۹۲۰ هـ.ق. شاه اسماعیل صفوی، صندوقی از چوب ساج برای ضریح ساخت.
- ۹۳۲ هـ.ق. شاه اسماعیل صفوی دوم، ضریح مشبک و زیبایی از نقره، به مرقد امام علیه السلام هدیه کرد.
- ۹۸۳ هـ.ق. علی پاشا، ملقب به وندزاده، گنبد را نوسازی کرد.
- ۱۰۳۲ هـ.ق. شاه عباس صفوی، ضریحی مسی ساخت و گنبد را کاشی کاری کرد.
- ۱۰۴۸ هـ.ق. سلطان مراد چهارم (عثمانی)، دستور داد گنبد را از بیرون با گچ سفید کنند.
- ۱۱۳۵ هـ.ق. همسر نادر شاه، اموال فراوانی را برای نوسازی گسترده در حرم امام علیه السلام، در اختیار گذاشت.
- ۱۱۵۵ هـ.ق. نادرشاه افشار، بناهای موجود را تزیین کرد و هدیه‌های گرانبهایی به گنجینه هدیه کرد.
- ۱۲۱۱ هـ.ق. آقا محمد خان قاجار، دستور داد گنبد را به طلا آراستند.
- ۱۲۱۶ هـ.ق. وهابی‌ها به کربلا یورش آوردند، ضریح و رواق را ویران کردند و اموال حرم را ربودند.
- ۱۲۲۷ هـ.ق. فتحعلیشاه قاجار، دستور داد بنا را نوسازی و ورق‌های طلای روی گنبد را تعویض کنند.
- ۱۲۳۲ هـ.ق. فتحعلیشاه قاجار، ضریح نقره‌ای ساخت و ایوان را طلاکاری کرد.
- ۱۲۵۰ هـ.ق. فتحعلیشاه قاجار، گنبد و بارگاه را نوسازی کرد و گنبد حرم ابوالفضل علیه السلام را نیز بر پا کرد.
- ۱۲۷۳ هـ.ق. ناصرالدین شاه، گنبد و بخشی از طلاکاری آن را نوسازی کرد.
- ۱۴۱۸ هـ.ق. با شروع انتفاضه، صدام گنبد مطهر را به توپ بست و قسمتی از طلاکاری آن از بین رفت. جنایتکاران بعضی مردمی را که به حرم پناه آورده بودند، به گلوله بستند و حمام خون به راه انداختند؛ آثار گلوله‌ها بر روی سنگ‌های داخل حرم، هنوز نمایان است.
- ۱۴۲۸ هـ.ق. بمنظور استفاده بیشتر از فضا و محافظت زائران از سرما و گرما، صحن شریف اباعبدالله علیه السلام، با سبک جدید مسقف گردید.
- ۱۴۳۱ هـ.ق. گلدسته‌های حرم حضرت ابوالفضل علیه السلام طلاکاری شد.





• هرکه دارد هوس کرب و بلا بسم الله

هرکه دارد سر همراهی ما بسم الله
هرکه دارد به سرش شور و نوا بسم الله

گرکه در سینه خود شوق زیارت داری
رود این قافله تا کرب و بلا بسم الله

هرکه را میل سوی قبه عشاق بود
می دهد عشق به آوی رسا بسم الله

کاروانی شده آماده ز عشاق حسین
گرکنون پای طلب هست تو را بسم الله

علقمه منتظر ماست چرا بنشستی
سوی آن چشمه پر شرم و حیا بسم الله

گرکه داری گهری، مشتری هست حسین
می خرد سوز دل و اشک تو را بسم الله

زیر آن قبه دعای تو اجابت دارد
تا که نگذشته تو را وقت دعا بسم الله

ای «وفایی» تو اگر خیر دو دنیا طلبی
چهره بگذار به خاک شهید بسم الله

• فضیلت زیارت امام حسین

- ◀ معادل حج و عمره و جهاد و بلکه یالایر از این هاست که زبان قادر به بیان آن نیست.
- ◀ باعث مغفرت، آسان شدن حساب، بالا رفتن درجات، استجاب دعاها و موجب سلامتی، طول عمر، زیاد شدن روزی و برطرف شدن غم و غصه ها می شود و در نهایت، جان دادن را آسان و هول قبر را برطرف می کند.
- ◀ هر مالی که در راه زیارت آن حضرت خرج شود، برای هر واحدی از آن، هزار برابر بلکه ده هزار برابر، ثواب حساب می شود.
- ◀ زائر امام حسین علیه السلام هنگامی که به طرف ضریح آن حضرت می رود، ۴۰۰۰ فرشته از او استقبال می کنند و هنگام بازگشت هم، او را مشایعت می کنند.
- ◀ پیغمبران و اوصیایشان و ائمه معصومین علیهم السلام و ملائکه، همگی به زیارت امام حسین علیه السلام می آیند و برای زائران آن حضرت دعا می کنند و آنها را بشارت می دهند.
- ◀ خداوند، نظر رحمتش به زائرین امام حسین علیه السلام، بیش از نظر رحمت به حاجیان در عرفات است.





است و چند روز طول می کشد. در این کاروان‌های زیارتی پیاده، علمای بزرگی همچون میرزای نایینی، آیه الله کمپانی و سیدمحسن امین شرکت می کردند. در این مسیر، دینار یا عشاير و فعالیت‌های تبلیغی انجام می گرفت و مرتبه خوانی هم برگزار می شد.

در ایام حکومت بعثی‌ها، این پیاده‌روی‌های پر شکوه، آن هم از طریق جاده غیررسمی کنار فرات، رنگ مبارزه و مخالفت با رژیم عراق هم به خود گرفت و یک بار هم در ایام اربعین حسینی، در سال ۱۳۹۷ هـ. ق. به درگیری‌های سخت میان نیروهای بعثی با انقلابیون شیعه و کاروان‌های زیارتی در طول راه و در حرم ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) انجامید و کشته‌ها و مجروحان بسیاری داد و به «اربعین خونین» معروف شد.

نخمس از سایت تیان، گروه دین و اندیشه تیان، هندی

- ۱. بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۲۸.
- ۲. همان، ص ۵۲.
- ۳. اسرار الشهادة، فاضل دربندی، ص ۱۳۶، چاپ سنگی ۱.

● ثواب پیاده رفتن به زیارت سیدالشهدا (علیه السلام)

آنچه در راه طلب خسته نگردد هرگز پای بر آبله و بادیه بیمای من است زیارت سیدالشهدا (علیه السلام) با پای پیاده، ثواب بسیار دارد و مورد تاکید پیشوایان دین است. امام صادق (علیه السلام) فرموده است:

«من خرج من منزله یريد زیارة قبر الحسين بن علي (علیه السلام)

إن كان ماشياً كتبت له بكل خطوة حسنة و محاة عنه سيئة...»^۱

هرکس به قصد زیارت امام حسین (علیه السلام) پیاده از خانه‌اش خارج شود خداوند در مقابل هر گام، برای او حسنه‌ای می نویسد و گناهی از او می زداید.

معاویه بن وهب، از اصحاب امام صادق (علیه السلام) می گویند: خدمت آن حضرت رسیدیم. در مصالای خود در خانه‌اش نشسته بود و پس از نماز، با خداوند راز و نیاز می کرد. از جمله (در دعا) نسبت به زائران قبر حسین (علیه السلام) می گفت:

«خدایا زائران قبر حسین را بیامرز، اینان که در این راه، پول خرج می کنند، بدن‌های خود را در این راه در معرض قرار می دهند... خدایا رحمت کن بر چهره‌هایی که آفتاب، رنگ آنها را تغییر داده، صورت‌هایی که متوجه قبر ابا عبدالله (علیه السلام) است، چشم‌هایی که در محبت ما اشک می ریزد. خدایا این جان‌ها و بدن‌ها را به تو می سپارم، تا کنار حوض کوثر به هم برسیم...»^۲

سنت زیارت پیاده، از زمان ائمه (علیهم السلام) تاکنون استمرار داشته و اجر بی شماری برای آن نقل شده است. فاضل دربندی می نویسد:

این پیاده بودن، یا به جهت فقر زائر است که نشان می دهد این زیارت، برخاسته

از شوق و محبت است، یا به جهت آن است که زائر، خود را در برابر سلطان

اقلیم جوامع مردمی و خورشید سپهر عصمت و شهادت، کوچک می شمارد و در راه

او، رنج سفر پیاده را بر خود هموار می کند و هر دوازدهمین است.^۳

در عراق، از سالها پیش رسم بوده که هیئت‌ها، دسته‌ها و کاروان‌های کوچک یا بزرگ، در ایام خاصی، از بصره، بغداد و عمدتاً نجف، برای زیارت کربلا پیاده حرکت می کردند. این پیاده‌روی به ویژه در ایام زیارتی خاص، مثل نیمه شعبان، اول رجب، ایام عاشورا و اربعین بیشتر و پرشکوهر است و اغلب، راه کنار ساحل فرات را انتخاب می کنند که از نجف تا کربلا حدود ۸۰ کیلومتر



پس از سرکوب قیام انتفاضه، که بخش اعظم آن با جنایت‌های منافقین صورت گرفته بود، صدام از سرکرده منافقین، به عنوان نجات‌دهنده خود یاد کرد و از آن زمان تا هنگام سقوط خود، ماهانه مبالغی را به این سازمان تروریستی کمک می‌کرد.

۱۷ شعبان، روز آغاز انتفاضه، به عنوان روز "مقاومت" در عراق انتخاب شد.



باب القبله حرم حضرت ابوالفضل (ع) از نشن مژدور صدام، پس از تخریب حرم و کشتار شیعیان، عکس یادگاری می‌گیرد.

● انتفاضه شعبانیه (کشتار شیعیان به دست صدام و منافقین)

انتفاضه شعبانیه مردم عراق، در سال ۱۹۹۱ (۱۳۷۰ ه.ش)، چند روز پس از شکست رژیم صدام در جنگ کویت آغاز شد. ملت عراق در کردستان و جنوب این کشور، اقدام به قیام بر علیه رژیم مرکزی صدام کردند. شیعیان به سرعت استان‌های عراق را یکی پس از دیگری به تصرف خود در آوردند و برخی شهرها از قبیل کرکوک نیز به دست مردم افتاد و رژیم بعث در آستانه سقوط قرار گرفت.



سیاستمداران آمریکا که از به قدرت رسیدن شیعیان نگران بودند، به رژیم صدام اجازه دادند تا از بالگردهایش در مناطق پرواز ممنوع استفاده کند. این مسئله به مثابه چراغ سبزی برای سرکوبی گسترده شیعیان بود.

ارتش صدام به سرعت بالگردها را به کمک تانک‌های خود آورد و از زمین و هوا شیعیان را سرکوب کرد. منافقین نیز به کمک صدام آمدند و تعداد زیادی از مردم توسط منافقین قتل عام شدند.

در انتفاضه شعبانیه، ده‌ها هزار شیعه در بیابان‌ها، شهرها و زندان‌های عراق به شهادت رسیدند.

jabir.abbas@yahoo.com

باب القبله

■ قال رسول الله ﷺ :

مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي كَسَفِينَةِ نُوحٍ مَنْ رَكِبَهَا نَجَى وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ

اهل بیت من همانند کشتی نوح‌اند، آن که بر کشتی سوار شد نجات یافت و آن که تخلف ورزید، غرق شد.



■ قال رسول الله ﷺ :

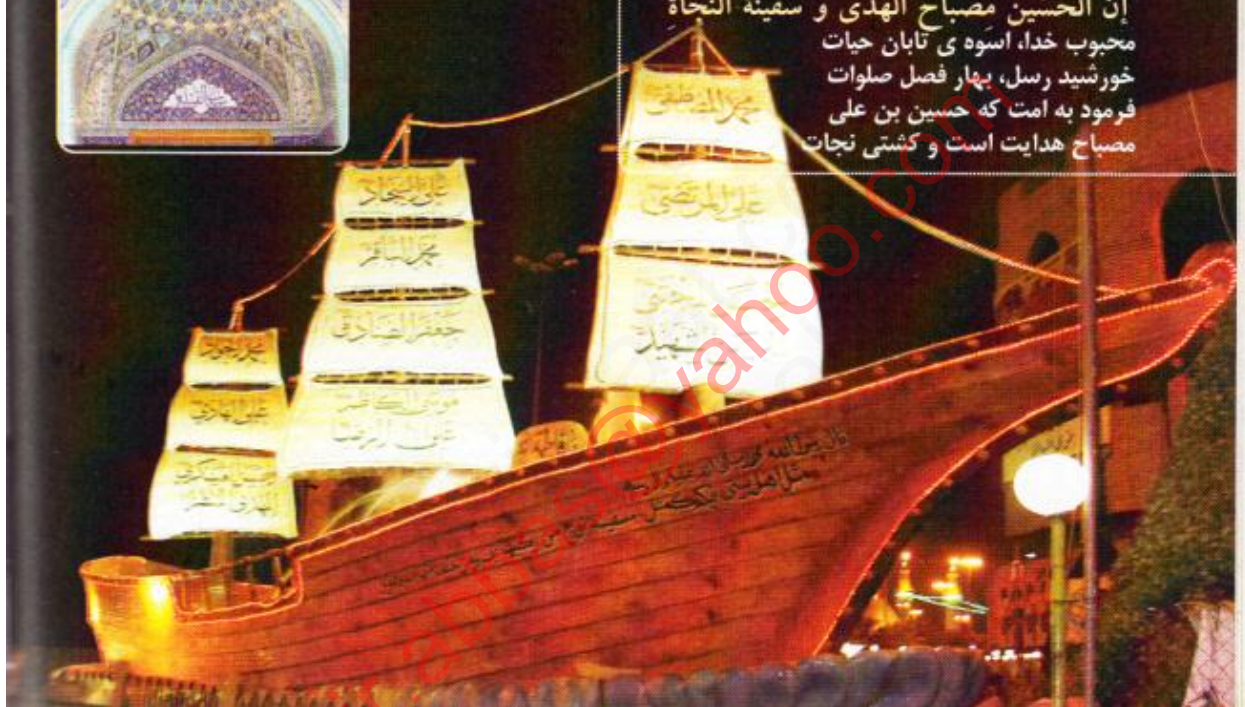
إِنَّ الْحُسَيْنَ مَصْبَاحَ الْهُدَى وَ سَفِينَةَ النِّجَاةِ

محبوب خدا، اسوه ی تابان حیات

خورشید رسل، بهار فصل صلوات

فرمود به امت که حسین بن علی

مصباح هدایت است و کشتی نجات





زمین کربلا و زمین کعبه

■ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ أَرْضَ الْكَعْبَةِ قَالَتْ: مَنْ مَثَلِي وَ قَدْ بَنَى بَيْتَ اللَّهِ عَلَى ظَهْرِي يَأْتِنِي النَّاسُ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ وَجَعَلْتُ حَرَمَ اللَّهِ وَأَمْنَهُ. فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهَا أَنْ كُفِّي وَقَرَى مَا فَضَّلَ مَا فَضَّلْتُ بِهِ فِيمَا أُعْطِيتُ أَرْضَ كَرْبَلَاءَ إِلَّا بِمَنْزِلَةِ الْإِبْرَةِ غُرِسَتْ فِي الْبَحْرِ فَحَمَلَتْ مِنْ مَاءِ الْبَحْرِ وَ لَوْلَا تَرْتِبَةُ كَرْبَلَاءَ مَا فَضَّلْتُكَ وَلَوْلَا مَنْ تَضَمَّنَهُ أَرْضَ كَرْبَلَاءَ مَا خَلَقْتُكَ وَخَلَقْتَ الْبَيْتَ الَّذِي بِهِ افْتَخَرْتُ فَقَرَى وَاسْتَقَرَى وَكُونِي ذَنْبًا مُتَوَاضِعًا ذَلِيلًا مُهِينًا غَيْرَ مُسْتَنَكِفٍ وَلَا مُسْتَكْبِرٍ لَارِضَ كَرْبَلَاءَ وَالْأَسْحَتْ بِكَ وَهَوِيتْ بِكَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ.

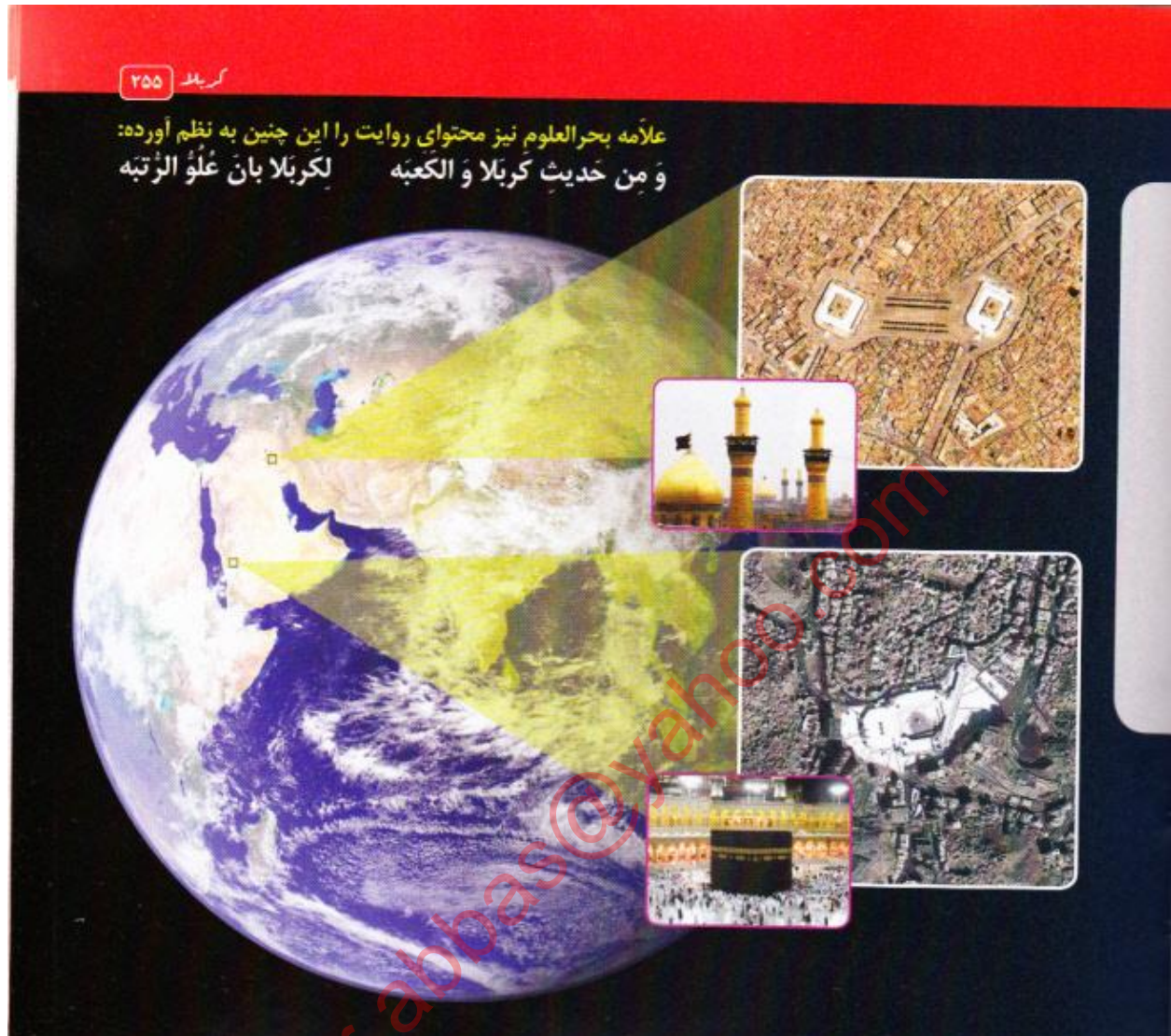
■ امام صادق عليه السلام فرمود:

زمین کعبه گفت: کیست مثل من و حال آن که خانه خدا، بر پشت من ساخته شده است که مردم از اطراف عالم به سوی من می آیند و حرم خدا و محل امن او هستید. خداوند به او وحی فرمود: ساکت شو و آرام بگیر، فضلی که تو داری در مقابل سرزمین کربلا فضلی نیست مگر به اندازه رطوبت سر سوزنی که در دریا فرو برند. و اگر تربت کربلا نبود، تو را فضیلت نمی دادم و اگر کسی که زمین کربلا او را در بر می گیرد، نبود، اصلاً نه تو را می آفریدم و نه آن خانه ای که به آن فخر کردی. پس آرام بگیر و در مقابل کربلا متواضع و ذلیل باش و در برابرش تکبر مکن و گرنه تو را در آتش می افکنم.

□ بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۱۱۰۶ به نقل از کامل الزیارات، ص ۲۶۷

برو بو کن زمین کربلا را	کز آن جا بشنوی بوی خدا را
مگر ای کربلا خاک بهشتی	که خاکی مشک بو، عنبر سرشتی
اگر خاکی به معجز کیمیایی	بهشتی کعبه یی عرش خدایی
زمین کعبه هم چون کربلا نیست	که او آغشته با خون خدا نیست
اگر خاک تو را دستی ببیزد	به جای خاک، اشک و خون بریزد

□ سید محمد علی ریاضی یزدی



• کربلا و فرات - کعبه و زمزم

صفوان جمال می گوید از امام صادق (ع) شنیدم که فرمود:

خداوند تبارک و تعالی برخی از سرزمین ها را بر بعضی دیگر برتری داد؛ پاره ای تفاخر و تکبر کردند و تعدادی از آنها ستم و تعدی نمودند از این رو مورد عقاب الهی قرار گرفتند؛ چرا که فروتنی در برابر خداوند را رها کرده بودند. تا آنجا که خداوند مشرکین را بر کعبه مسلط نمود و آب شوری را به زمزم وارد کرد که طعمش از بین رفت.

ولی زمین کربلا و آب فرات، اولین زمین و اولین آبی هستند که خداوند آنها را تقدیس کرد و به آنها برکت داد. سپس به کربلا فرمود: از آنچه خداوند به تو برتری داده سخن بگو، مگر نه این است که زمین ها و آب ها بعضی بر بعضی دیگر تفاخر کردند؟ زمین کربلا عرضه داشت:

أنا أرض الله المقدسة المباركة. الشفاء في تربتي و مائي ولا فخر، بل خاضعة ذليلة لمن فعل بي ولا فخر علي من دوني. بل شكر الله.

من زمین خدا هستم که مرا مقدس و مبارک آفرید شفا را در تربت و آب من قرار داد اما تفاخر نمی کنم بلکه در مقابل آن کس که این فضیلت را به من داده فروتن و ذلیل هستم. و بر زمین های دیگر هم برتری جویی ندارم. بلکه خدا را شاکر و سپاسگزارم.

پس خداوند سرزمین کربلا را گرمی داشت و بر تواضع آن افزود و بواسطه امام حسین (ع) و یارانش از آن سرزمین تشکر کرد.

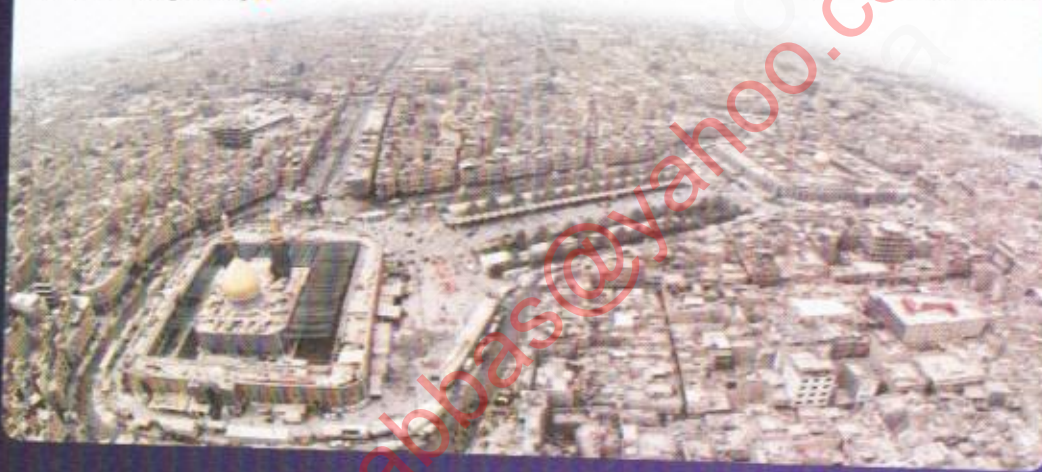
سپس امام صادق (ع) فرمود:

من تواضع لله رفعه الله و من تكبر وضعه الله تعالى

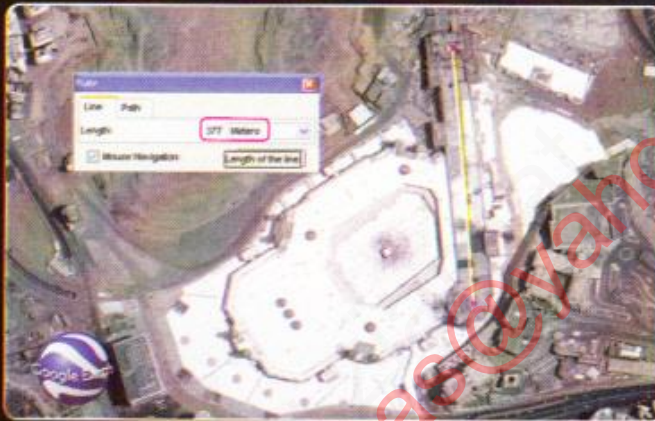
کسی که برای خدا فروتنی کند حق تعالی او را بالا می برد

و کسی که تکبر کند، خداوند او را به زمین می زند.

ترجمه کامل الزیارات، ص ۸۲۱



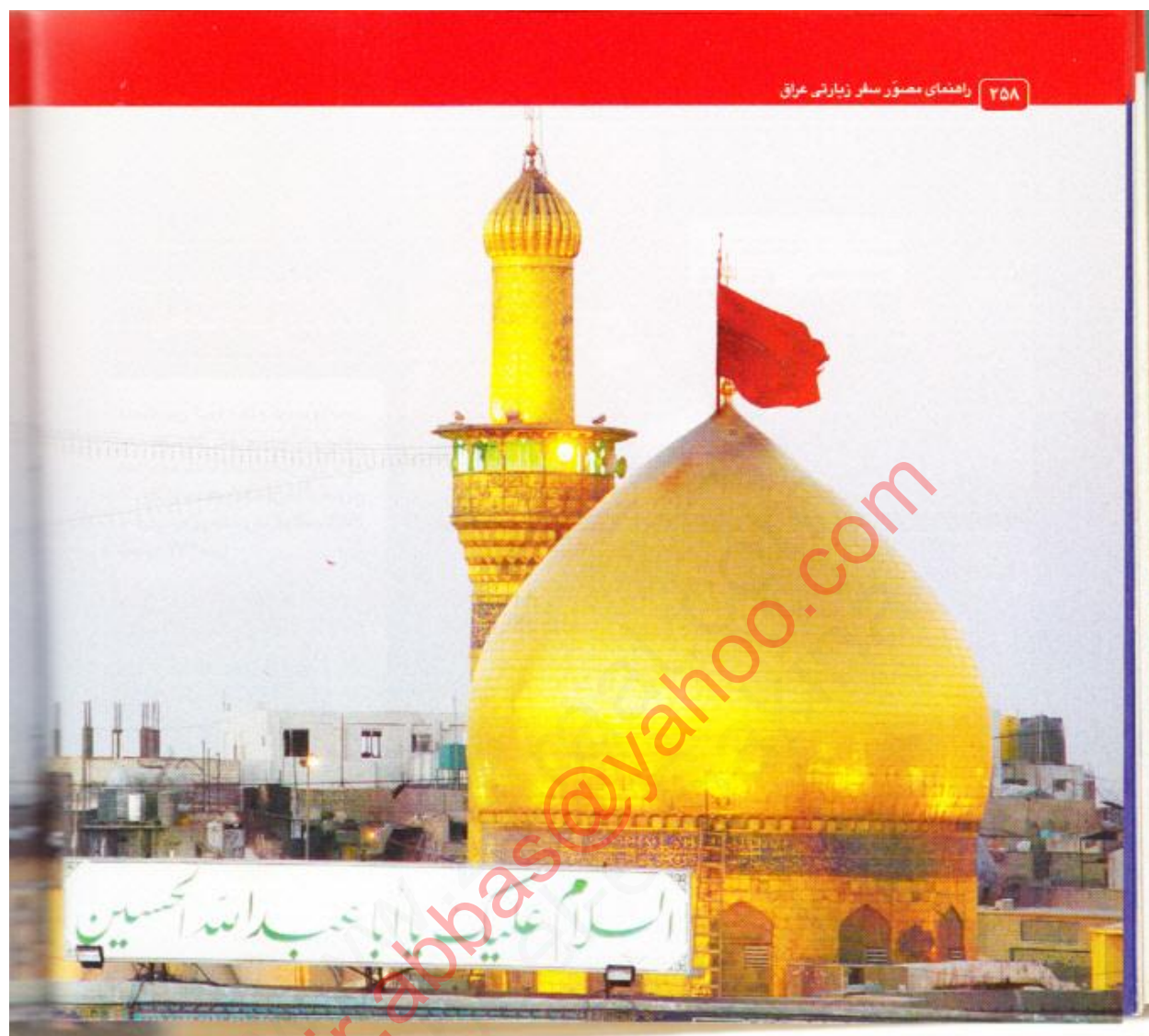
کربلا ۲۵۷



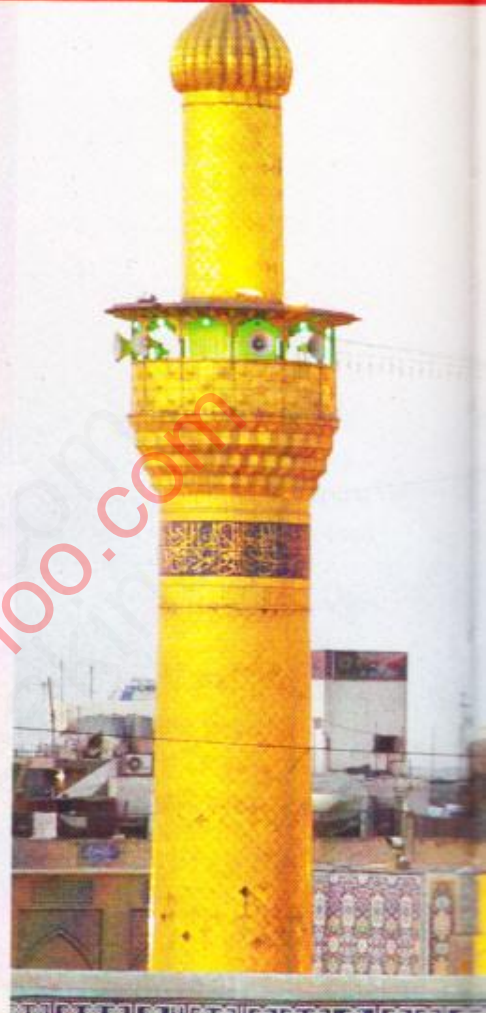
فاصله بین الحرمین در کربلا و بین صفا و مروه در مکه

فاصله بین کوه صفا و کوه مروه (محل
سعی حاجیان) در کنار مسجدالحرام، هم
اندازه است با فاصله ضریح و مرقد
شریف ابا عبدالله الحسین علیه السلام و ضریح
و قبر مطهر حضرت ابوالفضل
(حدود ۳۷۷ متر)

دور حرم دویده‌ام، صفا و مروه دیده‌ام
هیچ کجا برای من، کرب و بلا نمی‌شود
دانی که چرا مهر جبین خاک حسین است
چون قبله دل پیکر صد چاک حسین است
دانی که چرا کعبه جان، نام حسین است
چون عشق و صفا مست می‌جام حسین است
دانی که چرا تار خدا خون حسین است
چون عالم و آدم همه مجنون حسین است
دانی که چرا آب فرات است گل آلود
شرمنده ز لعل لب عطشان حسین است



غریبم و اغریبم و اغریبا
شهیدم و اشهیدم و اشهیدا
اگر کشتند چرا راست بریدند
ز کینه برنوگ نیزه نمودند
اگر کشتند چرا خاکت نکردند
کفن بر جسم صد چاکت نکردند
اگر کشتند چرا آبت ندادند
چرا زان آب نایابت ندادند
مگر تو همسفر یا ما نبودى
چرا تو بر سر من جا نمودى
حسین جان تو سلیمان زمانى
چرا انگشت و انگشت ندارى
به کهنه پیرهن کردى قناعت
چرا آن پیرهن در تن ندارى
به سوى خواهرت کردى عنایت
عزیز فاطمه جانم فدایت
الهى خواهرت زینب بمیرد
نیاشد بعد تو ماتم بگیرد
عزیز فاطمه بر پیکر تو
نکه کن افتاده دختر تو
لا ىلغ طفلة الذهر أنا
فلا والله لا نسى حسينا
ورغم الحزن و الالام فینا
فلا فرقت عینون الشاهینا



■ عن أبي عبد الله عليه السلام قال سمعته يقول في البومة قال: هل أحد منكم رآها بالنهار؟
 قيل له: لا تكاد تظهر بالنهار ولا تظهر إلا ليلاً.

قال: أما إنها لم تزل تأوى العمران أبداً فلما أن قتل الحسين عليه السلام آلت على نفسها أن لا تأوى العمران أبداً
 ولا تأوى إلا الخراب فلا تزل نهارها صائمة حزينة حتى يجتفها الليل فإذا جتفها الليل فلا تزل ترنم على الحسين
 حتى تصبح.

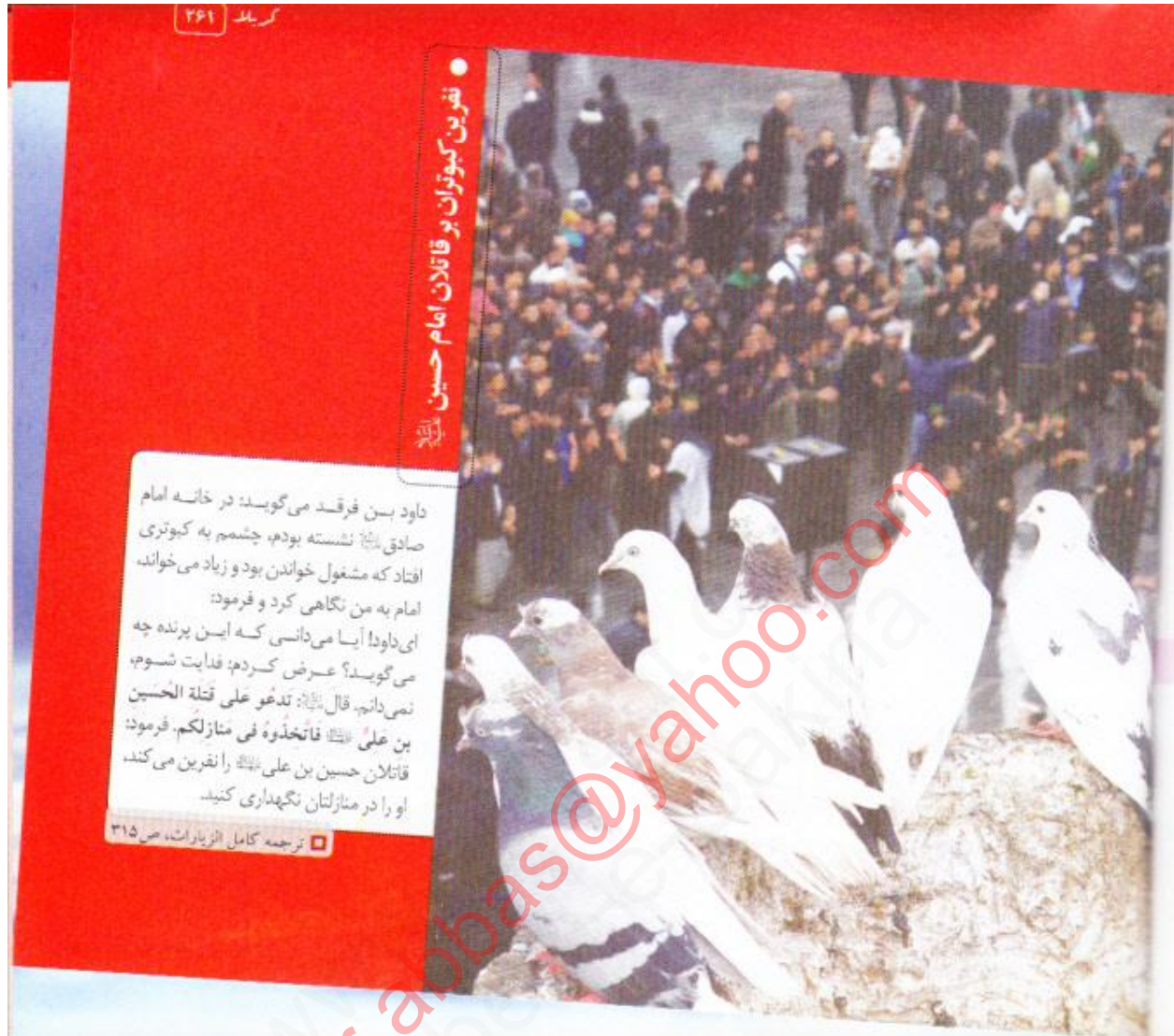
■ حسین بن ابی غنڈر می گوید: از امام صادق علیہ السلام شنیدم کہ در مورد
 جغد می گفت: آیا کسی از شما آن را در روز دیده است؟
 گفتند: در روز ظاهر نمی شود و جز در شب نمی توان آن را دید؟
 فرمود: جغد همیشه در آبادی بود، اما پس از آنکہ امام حسین علیہ السلام به
 شہادت رسید، بر خودش واجب کرد کہ دیگر در آبادی نماند و جز در
 خرابہ مسکن نگزیند، پس همیشه در روز روزہ دار است تا شب و چون
 شب فرا رسد، تا صبح بر حسین علیہ السلام توحہ گری می کند.

■ ترجمہ کامل الزیارات، ص ۳۱۷



به جغدی بلبلی گفتا تو در ویرانه جا داری
 بیا بگذر از این ویران بیا با من سوی بستان
 بیا بگذر از این ویران بیا با من سوی بستان
 جوابش داد ای بلبل تو را ارزانی آن گلشن
 مرا این بس که در ویرانه مأوا و مکان دارم
 به ویران می نشستی کز غمش آتش به جان دارم
 که در هر لحظه صد باره از این غم الامان دارم
 به دل داغ غم ناکامی آن نوجوان دارم
 من از دامادی قاسم دو چشم خون فشان دارم
 تو شادی با عروسان گلستان داری ای بلبل
 تو شادی با عروسان گلستان داری ای بلبل

کجاء



• حائر حسینی

متوکل، در سال ۲۳۶ هـ ق امر کرد که روضه مقدسه حضرت سید الشهداء علیه السلام را با زمین هموار کردند و برای زراعت آب به آن بستند؛ اما هرچه سعی کردند، آب به قبر مقدس جاری نشد و آب‌ها به روی هم بر می‌گشتند؛ امر کرد که گاو ببندند و شخم کنند، گاوها نیز قدم از قدم برداشتند برخی گفته‌اند که چون این مطلب سبب حیرت خلایق شد، این زمین را «حائر» نامیدند.

متوکل به امر پسرش، منتصر، در ۴ شوال سال ۲۴۷ کشته شد و منتصر نیز چون دستش به خون پدرش آلوده شده بود، عمرش خیلی کوتاه شد و بعد از شش ماه و یک روز خلافت، در سن ۲۶ سالگی از دنیا رفت. بحتی که در این جا مطرح است این است که چه مقدار از اطراف قبر مطهر امام حسین علیه السلام، حائر محسوب می‌شود و آن مکانی که آن همه روایات در فضیلت آن و استجاب دعا در آن، در فصل فضیلت زیارت ذکر شد، کدام است و چه مقدار مساحت دارد؟

مرحوم علامه مجلسی، اقوال متعددی را از علما در این رابطه نقل کرده است و آنچه در نظر شریف خود ایشان تقویت دارد، این است که مراد از حائر، آن مقدار از مساحتی است که دیوارهای صحن، آن را احاطه کرده است؛ در نتیجه خود صحن از همه اطراف و ساختمان‌هایی که به قبه شریفه متصل است و همچنین مسجدی که در پشت آن قبه قرار دارد، جزء حائر محسوب می‌شوند. آنچه مشهور میان اهالی کربلاست و از گذشتگان، به آنها به ارث رسیده و همچنین ظاهر کلمات اکثر اصحاب، همین است. مرحوم صاحب جواهر نیز در تفسیر حائر، همین معنا را انتخاب کرده است، هر چند احتیاط آن است که صحن مطهر را جزء حائر ندانند و به حرم مطهر و رواق‌ها و مسجد بالاسر قناعت کنند، به خصوص این که در گذشته حرم تا این حد توسعه نداشته است.

۱. «حائر» در لغت از «حیر» است به معنی گودالی که آب در آن جمع می‌شود نه از «حور» به معنی حیرت. «حائر» به مکانی گفته می‌شود که آب در آن جا جمع شود و دوران پیدا کند. مفاتیح حین، به نقل از صحاح اللغة و مصباح المنیر.
۲. منتخب التواریخ، ص ۵۰۸
۳. مفاتیح نوین، ص ۲۳۸ و ۲۳۹

● امیر المؤمنین (علیه السلام) و کربلا

هرثمة بن سلیم می گوید: در سفر شام همراه امیر المؤمنین (علیه السلام) به سرزمین کربلا رسیدیم، نماز به جماعت خوانده شد، پس از نماز امام (علیه السلام) مقداری از خاک کربلا را بویید و فرمود: «وَاهِبْ لَكَ يَا تَرْيَةَ، لِيُحْسِنَ مِنْكَ قَوْمٌ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ» (آه ای زمین کربلا، مردانی از تو روز محشر می آیند که بدون حسابرسی وارد بهشت می گردند).

پس از جنگ صفین، این خبر غیبی امام را با شگفتی به همسر «جرداء» رساندم، و او گفت: امیر المؤمنین (علیه السلام) جز سخن حق نمی گوید.

روزگار سپری شد، تا لشکرهای ابن زیاد به سوی کربلا می رفت من هم با آنان به کربلا رسیدم که سخن امیر المؤمنین (علیه السلام) به یادم آمد، فوراً خود را به امام حسین (علیه السلام) رسانده، و خبر غیبی امیر المؤمنین (علیه السلام) را به امام گفتم؛ امام فرمود: به یاری ما آمدی یا جنگ با ما؟ گفتم هیچ کدام، فرمود: پس دور شو، زیرا هرکس کشته شدن ما را بنگرد و ما را یاری ندهد، در جهنم خواهد بود. □ شرح این ابی الحارثیه، ج ۳، ص ۹۶۱.



jabir.abbas@yahoo.com

● آیا مسافر می تواند در حرم امام حسین (ع)، نمازش را، تمام بخواند؟

اقوال فقهای معاصر نسبت به تمام خواندن یا قصر خواندن نماز در محدوده حائر حسینی (ع) مختلف است، از جمله:

❖ **مسافر در این جا هم، باید نمازش را قصر بخواند.**

آیه الله العظمی سبیری زنجانی

❖ **تخیر در اطراف ضریح مقدس (حائر)**

و احتیاط واجب دورتر از اطراف ضریح قصر است.

آیه الله العظمی گلپایگانی، آیه الله العظمی صفائی

❖ **تخیر در محدوده حرم .**

آیه الله العظمی خویی، آیه الله العظمی بهجت،

آیه الله العظمی مکارم، آیه الله العظمی تبریزی

❖ **تخیر در حرم تا شعاع ۱۱/۵ متر از قبر مقدس.**

آیه الله العظمی سیستانی

❖ **تخیر در تمام روضه.**

آیه الله العظمی اراکی

❖ **تخیر در حرم و رواق ها، بلکه در مسجد متصل به حرم.**

امام خمینی، آیه الله خامنه ای، آیه الله العظمی فاضل

❑ توضیح المسائل مراجع، الفتاوات اسلامی جامعه مدرسین، ج ۱، ص ۷۲۸، مسأله ۱۳۵۶

زائران محترم به فتوای مرجع تقلیدشان در مورد اماکن تخیر مراجعه کنند!

اما مسافرانی که می خواهند عمل به احتیاط کنند، نمازشان را قصر بخوانند؛ چرا که:

تمام خواندن نماز، افضل است

اما قصر خواندن، موافق احتیاط

دلیل مطلب:

اگر مسافر نمازش را در اماکن تخیر، قصر بخواند، به فتوای همه فقها عمل شده است، زیرا برخی از فقها قصر را واجب می دانند و قائلان به تخیر هم، قصر را جایز می دانند. ولی اگر تمام بخواند، طبق فتوای بعضی از فقهاء نماز باطل است، از این رو قصر موافق احتیاط است چون موافق نظر تمام فقهاء است.



• اذن دخول حرم مطهر حضرت سیدالشهدا علی (ع)

اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا،
وَسُبْحَانَ اللَّهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا،
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا
وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ،
لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلٌ رَبِّنَا بِالْحَقِّ

■ سپس بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَاتَمَ النَّبِيِّينَ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْمُرْسَلِينَ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ،

• آداب زیارت حضرت سیدالشهدا علیه السلام

◀ سه روز قبل از حرکت روزه بگیر؛

◀ در روز سوم غسل کن؛

◀ خانواده خود را جمع کن و این دعا را بخوان:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوْدِعُكَ الْيَوْمَ نَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي
وَوَلَدِي وَكُلَّ مَنْ كَانَ مِنِّي بِسَبِيلِ الشَّاهِدِ
مِنْهُمْ وَالْغَائِبِ، اللَّهُمَّ احْفَظْنَا بِحِفْظِكَ بِحِفْظِ
الْإِيمَانِ وَاحْفَظْ عَلَيْنَا، اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِي حِرْزِكَ
وَلَا تَسْلُبْنَا نِعْمَتَكَ وَلَا تَغَيِّرْ مَا بَنَا مِنْ نِعْمَةٍ
وَعَافِيَةٍ، وَزِدْنَا مِنْ فَضْلِكَ إِنَّا إِلَيْكَ رَاغِبُونَ.

◀ آن گاه از منزل خود بیرون بیا و با حالت خشوع، این ذکر را بسیار تکرار کن:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ

◀ و با حمد و ثنای الهی و صلوات به آرامی و وقار راه بیفت.
◀ یا همان گرد و غبار راه و حالت ژولیده، باحزن و اندوه و گرسنه و تشنه، حضرت را زیارت کن و حاجات خود را که طلب کردی، برگرد و آن جا را موطن خود قرار مده.

◀ خوراکی در این سفر، نان یا شیر یا ماست باشد و نوشهات از غذاهای لذیذ مانند بریانی و حلوا نباشد.

◀ با تواضع و فروتنی و با خشوع، مانند بندگان این راه را طی کن.

◀ اگر در بین راه، زوَار پیاده را دیدی که وامانده و خسته شده‌اند، کمکشان کن و به آنان بی‌اعتنا مباش.

◀ زائر کربلا مانند حج‌گزار است، پس همانند حاجیان، آداب نگه دار، یعنی همسفر خوبی برای همراهانت باش.

◀ کم سخن بگو و زیاد یاد خدا کن.

◀ جامه پاکیزه بپوش و پیش از ورود به حائر، غسل کن.

◀ با خشوع و رقت قلب وارد شو.

◀ بسیار نماز بخوان و زیاد صلوات بفرست.

◀ از آنچه که سزاوار زائر کربلا نیست، پرهیز کن؛ دیده خود از حرام بیوشان و هر چه خدا تو را از آن نهی کرده، ترک کن؛ نزاع و دشمنی مکن و قسم نخور.

◀ اگر این آداب را رعایت کردی، ثواب حج و عمره برای تو ثبت می‌شود.

◀ به نینوا که رسیدی، بار خود را در آن جا بگذار و در مدتی که در آن جا هستی گوشت نخور، بدنت را روغن مالی نکن و سرمه نکش.

◀ به آب فرات که رسیدی، ۱۰۰ مرتبه الله اکبر و ۱۰۰ مرتبه لا اله الا الله بگو و ۱۰۰ مرتبه هم صلوات بفرست.

◀ با آب فرات غسل کن.

◀ به آب فرات که رسیدی، ۱۰۰ مرتبه الله اکبر و ۱۰۰ مرتبه لا اله الا الله بگو و ۱۰۰ مرتبه هم صلوات بفرست.

◀ با آب فرات غسل کن.

« و بعد از غسل این دعا را بخوان:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ نُوراً وَطَهُوراً
وَحِرْزاً وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسَقَمٍ وَآفَةٍ وَعَاهَةٍ
اللَّهُمَّ طَهِّرْ بِهِ قَلْبِي وَاشْرَحْ بِهِ صَدْرِي وَسَهِّلْ
لِي بِهِ أَمْرِي

« برای وارد شدن به جائر خمینی از در شرقی وارد شو.
« نزد سر آن حضرت، ۱۰۰۰ مرتبه تسبیح حضرت امیرالمؤمنین (ع)
بگو.
« و نزد پای آن حضرت، ۱۰۰۰ مرتبه تسبیح حضرت فاطمه (ع)
بگو.
« سعی کن نمازهای واجب و مستحب را نزد قبر امام حسین (ع) به
جای آوری زیرا که نماز نزد قبر آن حضرت مقبول است.
« این قولویه از امام باقر (ع) روایت کرده است که فرمود: هرگاه
حاجتی داشتی، نزد قبر امام حسین (ع) برو ۴ رکعت نماز بخوان و
حاجت خود را بطلب. نماز فرضیه نزد آن حضرت برابر است با حج
و نماز نافله برابر با عمره.
« از جمله اعمال در حرم امام حسین (ع) صلوات فرستادن بر آن
حضرت است.
« پشت سر آن حضرت نزد کتف می ایستی و بر پیغمبر و آل و بر
حسین (ع) صلوات می فرستی.

۱. از امام صادق (ع) نقل شده است که هرکس پیاده به زیارت
امام حسین (ع) برود، خداوند به تعداد هر قدمی که برمی دارد، هزار
حسنه برایش می نویسد و هزار گناه از او محو می کند و هزار درجه
در بهشت او را بالا می برد.
۲. این آداب، برگرفته از روایتی است که محمد بن مسلم از امام
محمد باقر (ع) نقل کرده است.
۳. از امام صادق (ع) نقل شده: هرکس با آب فرات غسل کند و به
زیارت امام حسین (ع) برود، از گناهان پاک می شود، مانند روزی
که از مادر متولد شده، گرچه گناهانش کبیره باشد.
۴. طبق روایتی، ابوسعید مدائنی از امام صادق (ع) پرسید:
تسبیح علی و فاطمه را به من بیاموز، امام فرمود:
ای ابوسعید تسبیح علی (ع) این است:

سُبْحَانَ الَّذِي لَا تَنْفَدُ خَزَائِنُهُ، سُبْحَانَ الَّذِي لَا تَبِيدُ
مَعَالِمُهُ، سُبْحَانَ الَّذِي لَا يَقْنِي مَا عِنْدَهُ، سُبْحَانَ الَّذِي
لَا يُشْرِكُ أَحَدًا فِي حُكْمِهِ، سُبْحَانَ الَّذِي لَا أَضْمَحِلَّ
لِفَخْرِهِ، سُبْحَانَ الَّذِي لَا انْقِطَاعَ لِمُدَّتِهِ، سُبْحَانَ الَّذِي
لَا إِلَهَ غَيْرُهُ

و تسبیح حضرت فاطمه (ع) این است:

سُبْحَانَ ذِي الْجَلَالِ الْبَازِغِ الْعَظِيمِ، سُبْحَانَ ذِي الْعِزِّ
الشَّامِخِ الْمُتَنِيفِ، سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ الْفَاحِشِ الْقَدِيمِ،
سُبْحَانَ ذِي الْبَهْجَةِ وَالْجَمَالِ، سُبْحَانَ مَنْ تَرَدَّى بِالنُّورِ
وَالْوَقَارِ، سُبْحَانَ مَنْ يَرَى أَثَرَ النَّمْلِ فِي الصِّفَا وَوَقَعَ
الطَّيْرُ فِي الْهَوَا

• اذن دخول حرم مطهر حضرت سیدالشهدا علی (ع)

اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا،
وَسُبْحَانَ اللَّهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا،
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا
وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ،
لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلٌ رَبِّنَا بِالْحَقِّ

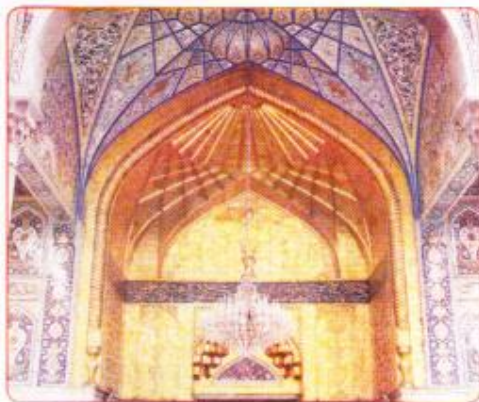
■ سپس بگو:

الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ،
الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ،
الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَاتَمَ النَّبِيِّينَ،
الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْمُرْسَلِينَ،
الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ،
الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ،

السَّلامُ عَلَیْكَ یا سَیِّدَ الوَصِیِّینَ،
 السَّلامُ عَلَیْكَ یا قَائِدَ الغُرِّ المَحْجَلِینَ،
 السَّلامُ عَلَیْكَ یا بَنَ فاطِمَةَ سَیِّدَةِ نِساءِ العالَمِینَ،
 السَّلامُ عَلَیْكَ وَعَلَى الاِثْمَةِ مِنْ وَلَدِكَ،
 السَّلامُ عَلَیْكَ یا وَصِیَّ امیرِ الْمُؤْمِنِینَ،
 السَّلامُ عَلَیْكَ أَیُّهَا الصِّدِّیقُ الشَّهِیدُ،
 السَّلامُ عَلَیْكُمْ یا ملائِكةَ اللهِ المُقِیْمِینَ فی هَذا المَقامِ الشَّرِیفِ،
 السَّلامُ عَلَیْكُمْ یا ملائِكةَ رَبِّی المُحَدِّقِینَ بِقَبْرِ الحُسَینِ (ع)،
 السَّلامُ عَلَیْكُمْ مِنْی أَبَداً ما بَقِیتْ وَبَقِیَ اللَّیْلُ وَالنَّهَارُ،
 السَّلامُ عَلَیْكَ یا ابا عَبْدِ اللهِ،
 السَّلامُ عَلَیْكَ یا بَنَ رَسولِ اللهِ،
 السَّلامُ عَلَیْكَ یا بَنَ امیرِ الْمُؤْمِنِینَ،
 عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ اأَمَّتِكَ المُقَرَّبُ بِالرَّقِ

jabir.abbas@yahoo.com

والتَّارِكُ لِلْخِلَافِ عَلَيْكُمْ وَالْمُوَالِي لَوْلِيَّكُمْ وَالْمُعَادِي لَعَدُوِّكُمْ،
قَصْدَ حَرَمِكَ وَاسْتِجَارَ بِمَشْهَدِكَ، وَتَقَرَّبَ إِلَيْكَ بِقَصْدِكَ،



أَدْخُلْ يَا رَسُولَ اللَّهِ،
أَدْخُلْ يَا نَبِيَّ اللَّهِ،
أَدْخُلْ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ،
أَدْخُلْ يَا سَيِّدَ الْوَصِيِّينَ،
أَدْخُلْ يَا فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ،
أَدْخُلْ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ،
أَدْخُلْ يَا مَوْلَايَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ،

■ رقت قلب و اشک دیده، نشان رخصت است، پس داخل شو و بگو:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ الْفَرْدِ الصَّمَدِ الَّذِي هَدَانِي لَوْلَايَتِكَ،
وَخَصَّنِي بِزِيَارَتِكَ، وَسَهَّلَ لِي قَصْدَكَ،

■ بر در قبه مطهره، مخاذه بالاسر بایست و بگو:

السَّلامُ عَلَیْكَ یا وارِثَ آدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ،
السَّلامُ عَلَیْكَ یا وارِثَ نُوحٍ نَبِیِّ اللَّهِ،
السَّلامُ عَلَیْكَ یا وارِثَ إِبْرَاهِیمَ خَلِیلِ اللَّهِ،
السَّلامُ عَلَیْكَ یا وارِثَ مُوسَى کَلِیمِ اللَّهِ،
السَّلامُ عَلَیْكَ یا وارِثَ عِسی رُوحِ اللَّهِ،
السَّلامُ عَلَیْكَ یا وارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِیبِ اللَّهِ،
السَّلامُ عَلَیْكَ یا وارِثَ أَمیرِ الْمُؤْمِنِینَ عَلَیهِ السَّلامُ،
السَّلامُ عَلَیْكَ یا بَنَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَی،
السَّلامُ عَلَیْكَ یا بَنَ عَلِیِّ الْمُرْتَضَی،
السَّلامُ عَلَیْكَ یا بَنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ،
السَّلامُ عَلَیْكَ یا بَنَ خَدِیجَةَ الْکُبْرِی،
السَّلامُ عَلَیْكَ یا ثارَ اللَّهِ وَابْنَ ثارِهِ

• زیارت وارث در بالا سر مبارک



jabir.abbas@yahoo.com



وَالْوِتْرَ الْمُؤْتَرَّ،

أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ،

وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ،

وَأَطَعْتَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ حَتَّى آتَاكَ الْيَقِينُ،

فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلْتَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً ظَلَمْتَكَ،

وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ،

يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ،

أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ،

وَالْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ، لَمْ تُنْجَسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا،

وَلَمْ تُلْبَسْكَ مِنْ مَدْلِهَمَاتِ ثِيَابِهَا،

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ دَعَائِمِ الدِّينِ، وَأَرْكَانِ الْمُؤْمِنِينَ،

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْبِرُّ التَّقِيُّ الرَّضِيُّ
 الزَّكِيُّ الْهَادِي الْمَهْدِيُّ وَأَشْهَدُ أَنَّ الْأَنْمَةَ
 مِنْ وَلَدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى، وَأَعْلَامُ الْهُدَى،
 وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى، وَالْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا،
 وَأَشْهَدُ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ وَأَنْبِيََاءَهُ وَرُسُلَهُ
 أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَبِأَيَابِكُمْ مُوقِنٌ بِشَرَائِعِ
 دِينِي وَخَوَاتِيمِ عَمَلِي، وَقَلْبِي لِقَلْبِكُمْ
 سَلَمٌ وَأَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ، صَلَوَاتُ اللَّهِ
 عَلَيْكُمْ وَعَلَى أَزْوَاجِكُمْ وَعَلَى أَجْسَادِكُمْ
 وَعَلَى أَجْسَامِكُمْ وَعَلَى شَاهِدِكُمْ وَعَلَى
 غَائِبِكُمْ وَعَلَى ظَاهِرِكُمْ وَعَلَى بَاطِنِكُمْ

jabir.abbas@yahoo.com

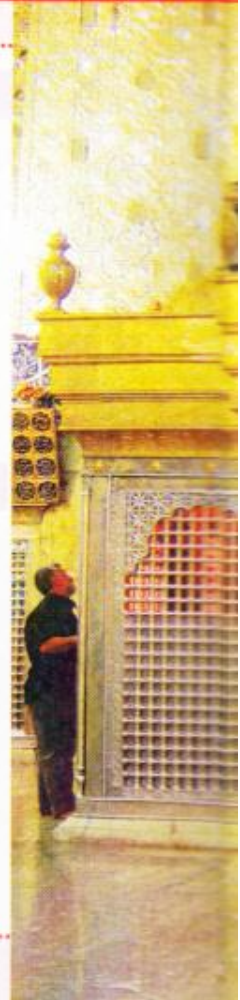


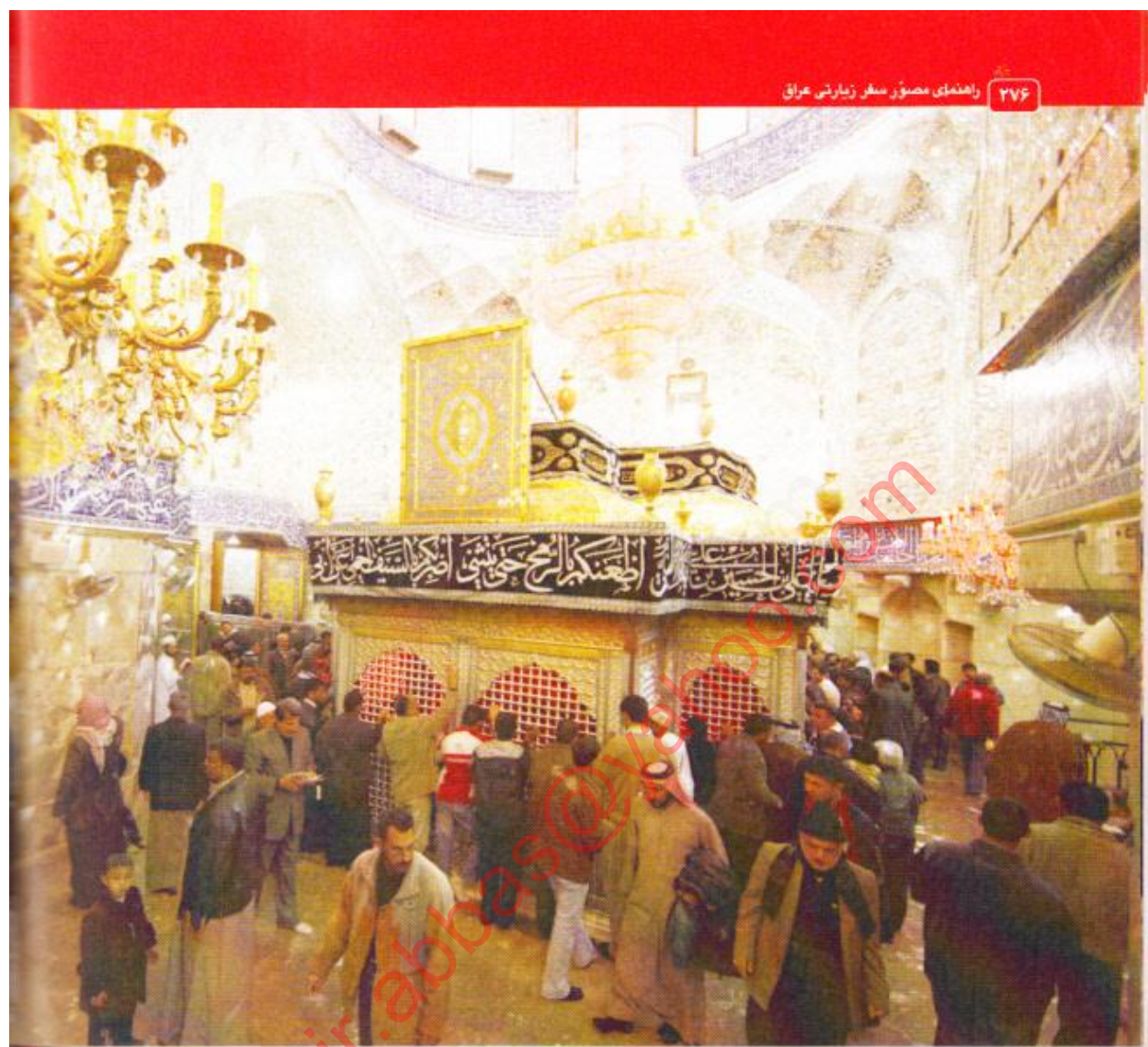
■ پس ضریح را بیوس و بگو:

بَابِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا بِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِيَّةُ
وَجَلَّتِ الْمُصِيبَةُ بِكَ عَلَيْنَا وَعَلَى جَمِيعِ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، فَلَعَنَ اللَّهُ
أُمَّةَ أَسْرَجَتْ وَالْجَمَّتْ وَتَهَيَّاتْ لِقِتَالِكَ، يَا مُوَلَايَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، قَصَدَتْ حَرَمَكَ،
وَأَتَيْتِ إِلَى مَشْهَدِكَ، أَسْأَلُ اللَّهَ بِالشَّانِ الَّذِي لَكَ عِنْدَهُ وَبِالْمَحَلِّ الَّذِي لَكَ
لَدَيْهِ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ يُجْعَلَ لِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

■ آن گاه در حیرت دو رکعت نماز در بالاسر بخوان و بعد از نماز بگو:

اللَّهُمَّ إِنِّي صَلَّيْتُ وَرَكَعْتُ وَسَجَدْتُ لَكَ وَحَدَّكَ لِأَشْرِيكَ لَكَ، لِأَنَّ الصَّلَاةَ
وَالرُّكُوعَ وَالسُّجُودَ لَا تَكُونُ إِلَّا لَكَ لِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، اللَّهُمَّ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَبْلِغْهُمْ عَنِّي أَفْضَلَ السَّلَامِ وَالتَّحِيَّةِ، وَارْزُقْ
عَلَيَّ مِنْهُمْ السَّلَامَ، اللَّهُمَّ وَهَاتَانِ الرُّكْعَتَانِ هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلَى مُوَلَايَ الْحُسَيْنِ
بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَيْهِ، وَتَقَبَّلْ مِنِّي وَأَجْزِنِي
عَلَى ذَلِكَ بِأَفْضَلِ أَمَلِي وَرَجَائِي فِيكَ وَفِي وَلِيِّكَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ



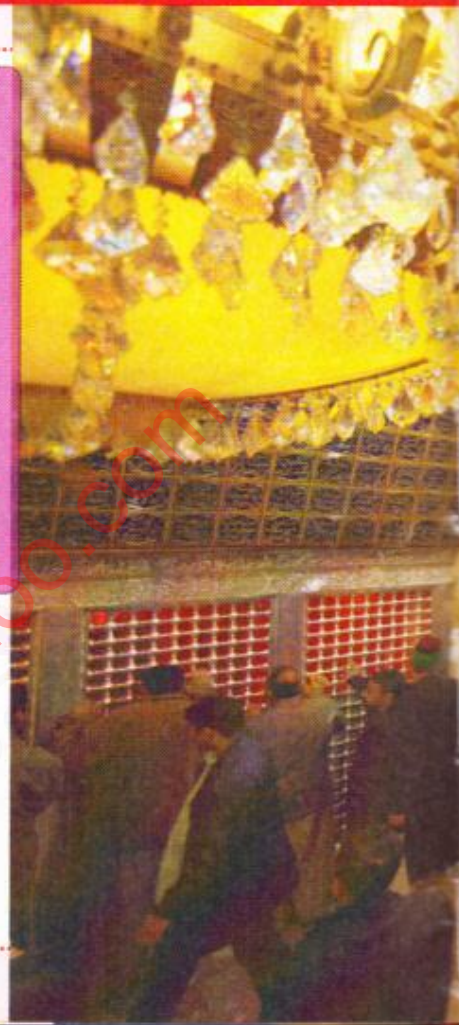


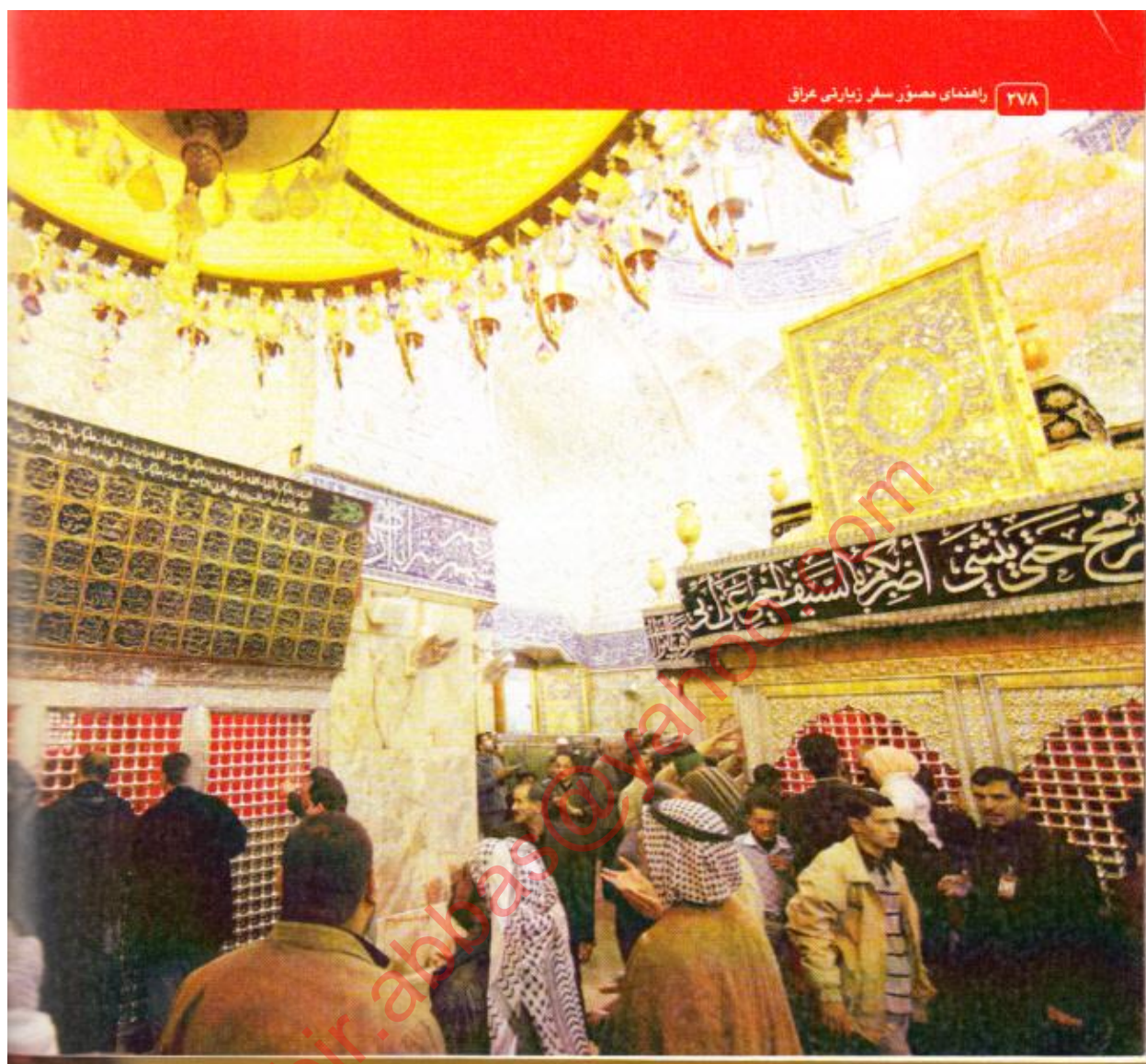
السَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ،
 السَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ نَبِيِّ اللَّهِ،
 السَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ،
 السَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ الْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ،
 السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الشَّهِيدُ،
 السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَظْلُومُ وَابْنِ الْمَظْلُومِ،
 لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً ظَلَمَتْكَ،
 وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ.

■ آن گاه ضریح را بیوس و بگو:

السَّلامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَابْنَ وَلِيِّهِ،
 لَقَدْ عَظُمَتِ الْمَصِيبَةُ وَجَلَّتِ الرَّزِيَّةُ
 بِكَ عَلَيْنَا وَعَلَى جَمِيعِ الْمُسْلِمِينَ،
 فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ، وَأَبْرَأَ إِلَى اللَّهِ وَالْيَوْمِ
 الْآخِرِ مِنْهُمْ

زیارت حضرت علی اکبر علیہ السلام





■ از دری که پایین پای علی اکبر علیه السلام است، به سوی سایر شهدا توجه کن و بگو:

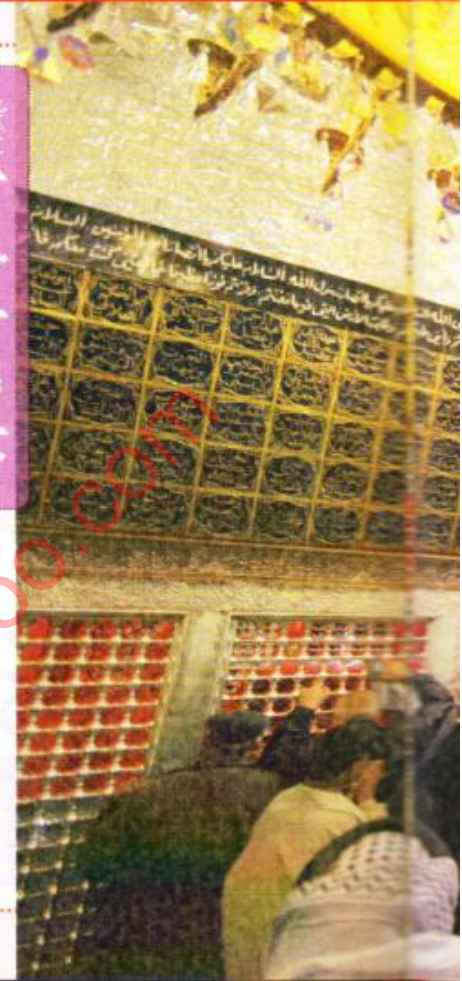
السَّلامُ عَلَیْکُمْ یا أَوْلِیاءَ اللَّهِ وَاحِبائِهِ،
السَّلامُ عَلَیْکُمْ یا أَصْفِیاءَ اللَّهِ وَأَوْدِیاءِ
السَّلامُ عَلَیْکُمْ یا أَنْصارَ دینِ اللَّهِ،
السَّلامُ عَلَیْکُمْ یا أَنْصارَ رَسولِ اللَّهِ،
السَّلامُ عَلَیْکُمْ یا أَنْصارَ أَمیرِ الْمُؤْمِنینَ،
السَّلامُ عَلَیْکُمْ یا أَنْصارَ فَاطِمَةَ سَیِّدَةِ نِساءِ الْعَالَمینَ،
السَّلامُ عَلَیْکُمْ یا أَنْصارَ أبی مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلیِّ الْوَلِیِّ النَّاصِحِ،
السَّلامُ عَلَیْکُمْ یا أَنْصارَ أبی عَبْدِ اللَّهِ،

یا بَیِّ انْتُمْ وَاُمِّی طَبِیْئَتِی وَطابَتْ الْأَرْضُ الَّتِی فِیْها دَفِنتُمْ،
وَفَرَّغْتُمْ فَوْزاً عَظِیْماً، فِیْما لَیْتَنی کُنْتُ مَعْکُمْ فَافْزَوْزْ مَعْکُمْ

■ سپس برگرد به بالاسر امام حسین علیه السلام و برای خود، خانواده، فرزندان، پدر، مادر و برادرانت زیاد دعا کن که دعا در آن روضه مطهره رد نمی شود.

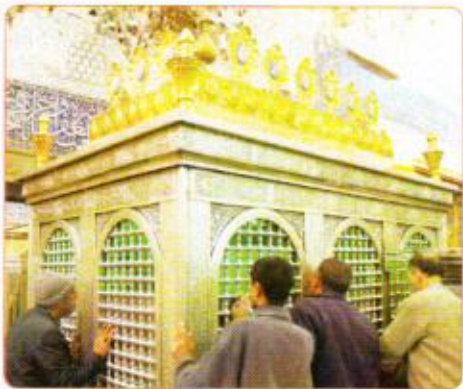
■ از جمله اعمال در حرم امام حسین علیه السلام دو رکعت نماز است کنار سر مقدس آن حضرت که در رکعت اول بعد از حمد سوره «الرحمن» خوانده می شود و در رکعت دوم بعد از حمد سوره «ملک».

زیارت سایر شهدا علیهم السلام



jabir.abbas@yahoo.com

حبیب بن مظاهر



بیوستن آنان به یاران سیدالشهدا شدند.^۱
حبیب هنگام شهادت ۷۵ سال داشت. سر او نیز همراه سرهای
شهدا در کوفه گردانده شد.

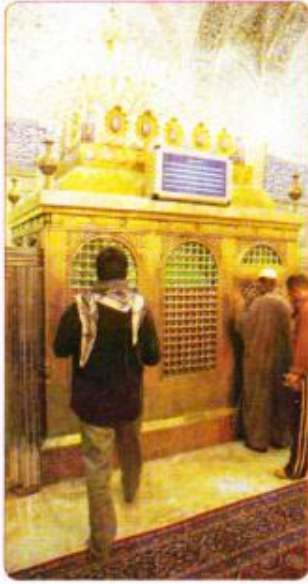
حبیب بن مظاهر (مظهر) اسدی، از شهدای والا قدر کربلاست. وی از طایفه بنی اسد، کوفی و از اصحاب رسول خدا ﷺ بود و در هر سه جنگ صفین، نهروان و جمل، در رکاب علی بن ابی طالب شرکت داشت. از اصحاب خاص امیرالمؤمنین ﷺ و از حاملان علم آن حضرت و در علوم قرآنی شاگرد خاص وی بود. حضرت امیر، او را به علم «سنایا و نیلایا» آگاه ساخته بود. عضو گروه ویژه «شرطه الخميس» بود که نیروی ضربتی و مطیع علی بن ابی طالب بودند. در نهضت مسلم بن عقیل در کوفه، وی از کسانی بود که برای بیعت گرفتن برای مسلم، کوشش می کرد. همچنین از سران شیعه، در کوفه محسوب می شد که به حسین بن علی بن ابی طالب دعوت نامه نوشت. امام نیز پس از آگاهی از شهادت مسلم بن عقیل، نامه ای به او نوشت. او نزد امام حسین بن ابی طالب موقعیت والایی داشت. در کربلا امام، او را به عنوان فرمانده جناح چپ سپاه خویش تعیین کرد. حبیب، تلاش فراوانی داشت که یارانی از بنی اسد را به یاری حسین بن ابی طالب بیاورد. افسانه اموی مانع

السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ الْمُطِيعُ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ وَلِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَلِإِطَاعَةِ الزَّهْرَاءِ
وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عَلَيْهِمُ السَّلامُ الْغَرِيبِ الْمَوَاسِي، أَشْهَدُ أَنَّكَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ
اللَّهِ، وَنَصَرْتَ الْحُسَيْنَ بْنَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ، وَوَأَسَيْتَ بِنَفْسِكَ، وَبَذَلْتَ مَهْجَتَكَ، فَعَلَيْكَ
مِنَ اللَّهِ السَّلامُ التَّامُّ، السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْقَمَرُ الزَّاهِرُ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ بْنَ مُظَاهِرٍ
الْأَسَدِيِّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

۱. الحسين بن علی فی طریقہ الی الشہادۃ، ص ۶.
۲. انصار الحسین، ص ۶۶.

سید ابراهیم مجاب

سید ابراهیم، فرزند سید محمد عابد است و سید محمد نیز، فرزند امام موسی بن جعفر علیه السلام است. سید ابراهیم، در سال ۲۴۷ هـ. ق به کربلا آمد و در آن جا سکونت گزید. در این دوران، محمد متضر، فرزند متوکل، امور خلافت را به دست گرفت. او که از آنچه متوکل بر علویان روا داشته بود، اندوهگین و آزرده خاطر بود، به علویان اجازه داد قبر امام حسین علیه السلام را زیارت کنند. در این دوران بود که ابراهیم، مرقد امام علیه السلام را زیارت کرد و به هنگام زیارت، رو به مرقد کرد و با عبارت **السَّلامُ عَلَیْكَ یا جَدَّاه** سلام کرد و از درون مرقد مطهر با عبارت **وَعَلَیْكَ السَّلامُ** یا ولدی پاسخ شنید و از همین روی، سید ابراهیم «مجاب» نامیده شد.



السَّلامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا السَّيِّدُ الزَّكِيُّ الطَّاهِرُ الْوَلِيُّ وَالِدَاعِي
الْحَفِيّ أَشْهَدُ أَنَّكَ قُلْتَ حَقًّا وَنَطَقْتَ صِدْقًا وَدَعَوْتَ إِلَى
مَوْلَايَ وَمَوْلَاكَ الْحُسَيْنِ عليه السلام عَلَانِيَةً وَسِرًّا، فَازْ مُتَّبِعْكَ
وَنَجَا مُصَدِّقَكَ وَخَابَ وَخَسِرَ مُكَذِّبُكَ وَالْمُتَخَلِّفُ عَنْكَ،
يَا سَيِّدِي وَابْنَ سَيِّدِي وَيَا مَوْلَايَ وَابْنَ مَوْلَايَ أَشْهَدُ لِي بِهِذِهِ
الشَّهَادَةِ لَا كُونَ مِنَ الْفَائِزِينَ بِمَعْرِفَتِكَ وَطَاعَتِكَ وَتَصَدِّيقِكَ
وَاتِّبَاعِكَ، الصَّلَاةُ وَالسَّلامُ عَلَیْكَ يَا سَيِّدِي وَابْنَ سَيِّدِي وَ
يَا مَوْلَايَ وَابْنَ مَوْلَايَ يَا سَيِّدَ اِبْرَاهِيمَ الْمَجَابِ ابْنَ الْمُحَمَّدِ
الْعَابِدِ بْنِ الْإِمَامِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عليه السلام وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

• قتلگاه (مَذْبَح)

کمر بزن سر، ای سینه بر دل
من یا حسینم، منزل به منزل
پیوسته بودم چون موج و ساحل
آن دم بریدم من از حسین دل
گامد به مقتل شمر سیه دل
شد شام تاریک صبح سپیدم
شور قیامت بی پرده دیدم
ناگه صدای پایی شنیدم
او می‌دوید و من می‌دویدم
او رو به مقتل من رو به قاتل
بار سفر چون از خیمه بستم
من خانه بردوش من دل به‌دستم
بغض گلو را آخر شکستم
او می‌نشست و من می‌نشستم
او روی سینه من در مقابل
چون شب سیه شد صبح سپیدم
در خاک و خون بود عشق و امیدم
خون گریه کردم از آنچه دیدم
او می‌کشید و من می‌کشیدم
او خنجر از کین، من ناله از دل
من کز صبوری شور آفریدم
جام بالا را با جان خریدم
پیراهن صبر بر تن دریدم
او می‌برید و من می‌بریدم
اواز حسین سر من از حسین دل

تفسیر: محمد جواد غفور زاده اشقی



اینجا محلی است که سر امام حسین (علیه السلام) را از تن جدا کردند. این محل حجره ویژه‌ای است با دری نقره‌ای برای ورود و خروج مردان و دری هم در صحن برای ورود و خروج بانوان دارد. قتلگاه، در جنوب غربی رواق حبيب بن مظاهر واقع است.

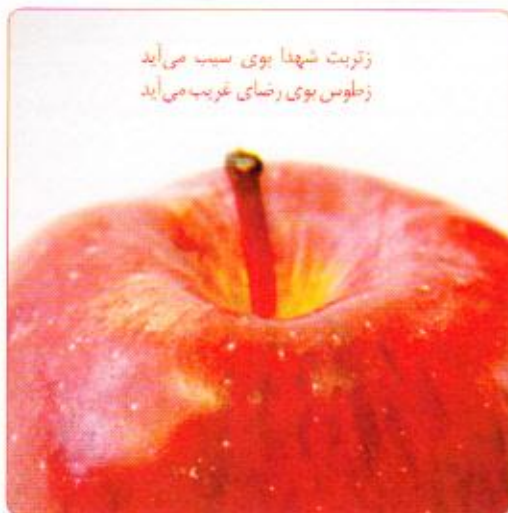
• زیارت و داع حضرت سید الشهدا

■ سید بن طاووس فرموده: مستحب است که زائر هر وقت از زیارت آن حضرت فارغ شد و خواست از روضه مقدسه بیرون برود، خود را به ضریح بچسباند و بیوسد و بگوید:

السَّلامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ
السَّلامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ
السَّلامُ عَلَيْكَ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ
السَّلامُ عَلَيْكَ يَا خَالِصَةَ اللَّهِ
السَّلامُ عَلَيْكَ يَا قَتِيلَ الظُّلَمَاءِ
السَّلامُ عَلَيْكَ يَا غَرِيبَ الْغُرَبَاءِ
السَّلامُ عَلَيْكَ سَلامَ مُودَعٍ
لَا سَنَمٍ وَلَا قَالٍ

فَإِنْ أَمَضَ فَلَا عَنْ مَلَالَةٍ
وَإِنْ أَقَمَ فَلَا عَنْ سُوءِ ظَنٍّ
بِمَا وَعَدَ اللَّهُ الصَّابِرِينَ
لَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَتِكَ
وَرَزَقَنِي اللَّهُ الْعُودَ إِلَى مَشْهَدِكَ
وَالْمَقَامَ بِفَنَائِكَ وَالْقِيَامَ فِي حَرَمِكَ
وَإِيَّاهُ أَسْتَلُّ أَنْ يُسَعِدَنِي بِكُمْ
وَيُجْعَلَ لِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

• بوی سیب



زکریّت شهیداً بوی سیب می‌آید
زطوبس بوی رضای غریب می‌آید

نزد امام حسن علیه السلام باقی بود؛ تا آنکه مسموم و شهید شد. سیب باقی بود تا وقتی که در محاصره و بی‌آبی قرار گرفتیم. هرگاه تشنه می‌شدم، آن را که می‌پویدم، شدت عطشم فرو می‌نشست. چون تشنگی‌ام افزون شد، بر آن دندان زدم و دیگر یقین به مرگ داشتم.

امام سجاده علیه السلام گویند: این سخنان را پدرم ساعتی پیش از شهادت به من گفت. چون به شهادت رسید، بوی آن سیب از قتلگاهش می‌آمد. در پی آن سیب بودند و اثری از آن دیده نشد. ولی بوی سیب، پس از حسین علیه السلام هم باقی ماند. قبر او را زیارت کردم، دیدم بوی آن سیب از قبر او به مشام می‌رسد. پس هر کس از شیعیان ما که زائران قبر او باشند بخواهند آن بو را استشمام کنند، هنگام سحر دنبال آن روند. اگر مخلص باشند، آن را خواهند یافت.

۱۰. مقتل مصومین، ج ۲، ص ۴۱۷

قتال نیشابوری گفته است: امسلمه گویند:

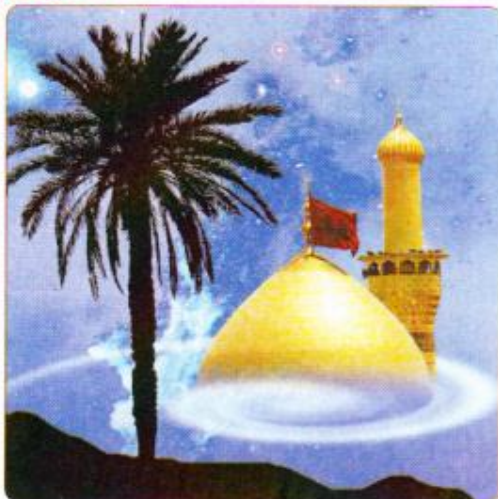
پیامبر صلی الله علیه و آله نزد من بود. جبرئیل نازل شد. آن دو با هم گفتگو می‌کردند که حسن بن علی علیه السلام در زد رفتم تا در را باز کنم. دیدم حسین علیه السلام هم با لوسته هر دو وارد شدند. چون چشمشان به جذشان پیامبر خدا افتاد، جبرئیل در نظرشان مانند دحیه کلبی آمد. دور او می‌چرخیدند. جبرئیل علیه السلام گفت: یا رسول الله! دو کودک را نمی‌بینی که چه می‌کنند؟ فرمود: تو را همچون دحیه کلبی دیدم. او زیاد سراغ این دو می‌آید و هرگاه می‌آید هدیه‌ای برایشان می‌آورد.

جبرئیل شروع کرده اشاره کردن با دستی، مثل کسی که چیزی را می‌گیرد. ناگهان در دمنش یک سیب و به و انار بود. آنها را به امام حسن علیه السلام داد. همان گونه با دستش اشاره کرد و به حسین علیه السلام هم داد. هر دو خوشحال و خندان شدند و نزد جدشان شتافتند.

پیامبر صلی الله علیه و آله سیب و انار و به را گرفت و پوید. سپس آنها را همان طور به هر یک از آن دو داد و فرمود: با آنچه دارید نزد مادران بروید و اگر ابتدا پیش پدرتان بروید، بهتر است. آن دو طبق دستور پیامبر خدا رفتند و چیزی از آنها را نخوردند. تا پیامبر نزدشان برود سیب و میوه‌های دیگر به همان حال بود. فرمود: یا علی! چرا از میوه نخوردی و به همسر و فرزندان ندادی و ما چرا با فرمود پس پیامبر و علی و فاطمه و حسن و حسین علیه السلام از آن خوردند و به امسلمه هم دادند. انار و به و سیب به همان حال باقی بود و هرچه از آن خورده می‌شد باز به حالت اول برمی‌گشت. تا آنکه رسول خدا صلی الله علیه و آله از دنیا رفت.

امام حسین علیه السلام گویند:

در دوران فاطمه علیه السلام هم تغییر و کاهشی در آنها پیش نیامد. چون فاطمه علیه السلام از دنیا رفته، انار را از دست دادیم و سیب و به در دوران پدرم باقی بود. چون امیرالمؤمنین علیه السلام شهید شد، به هم ناپدید شد و سیب به همان حالت



● نخل مریم

نخل مریم، عبارت از نخلی است که چون حضرت مریم علیها السلام در زمان تولد عیسی علیه السلام از درد زای بی قرار شد، در صحرا زیر درخت خرمایی که خشک بود رفت و از برکت آن عقیقه، درخت مزبور سبز شد.^۱ مأخوذ است از این آیه سوره مریم:

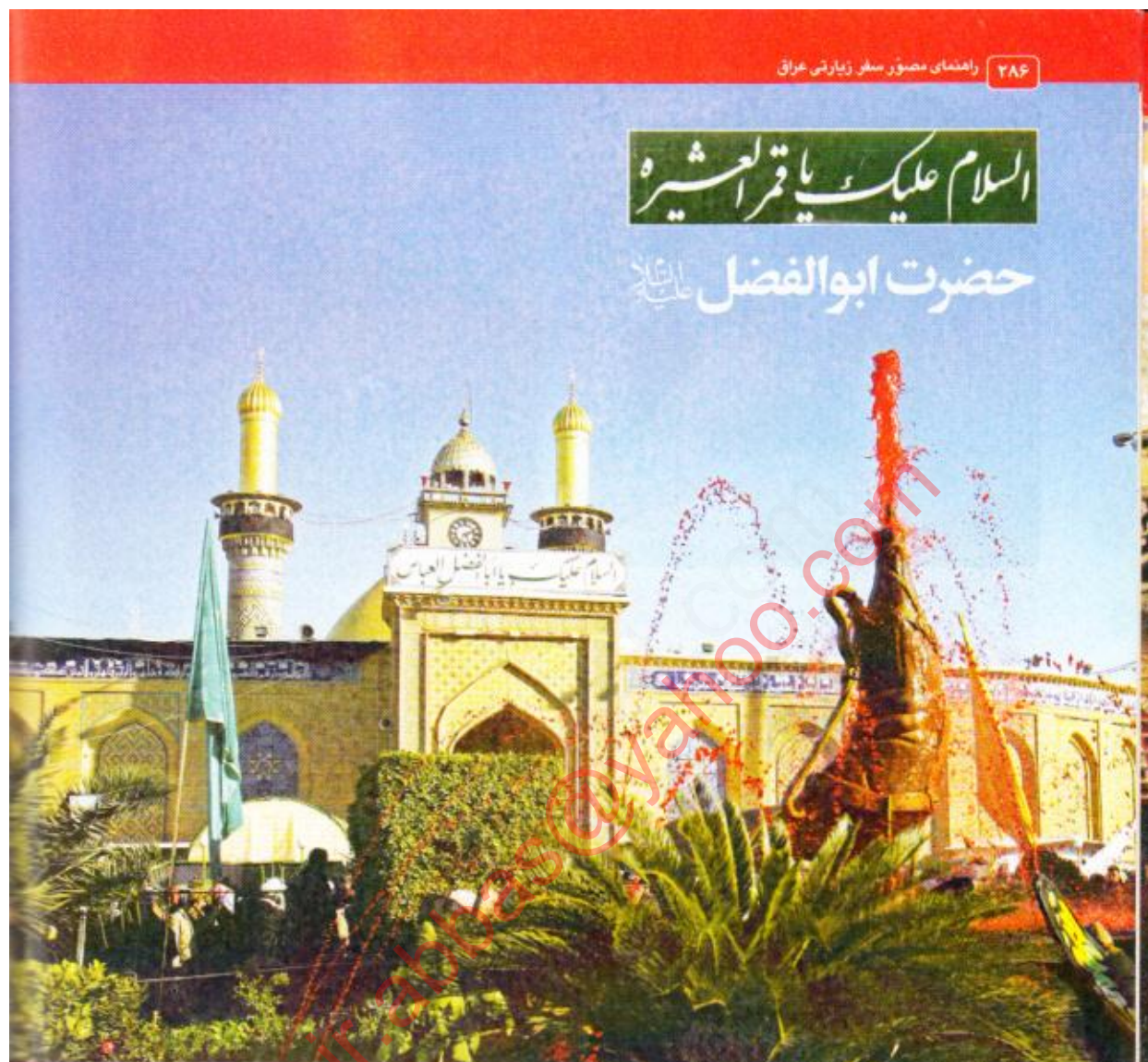
«وَهَیْزِیْ اِلَیْکِ الْنَّخْلَةَ تَأْقُطْ عَلَیْکِ رُطْبًا جَنِیًّا»^۲

تا پیش از سال ۱۹۴۷م. در سمت جنوب غربی حرم، جایی که در بالاسرصریح مطهر قرار می گیرد و آن را محل «نخل مریم» نامند، محرابی بود که با سنگهای روشن مرمرین به سان آینه آذین یافته بود. همچنین در داخل آن محراب، قطعه سنگ سیاهی دایره شکل و به قطر تقریبی ۴۰ سانتی متر وجود داشت که در حفاری های دهه های پیشین در حرم مطهر به آن دست یافته و تنها برای برکت و تبیین آن را در وسط محراب نصب کرده بودند. مردم برای استشفاء، از این سنگ تبرک می جستند؛ مخصوصاً برای رهایی از کمر درد، کمر خود را به این سنگ می مالیدند. البته درباره این سنگ، روایتهای دیگری هم وجود دارد؛ از جمله در کتاب «بغیة النبلاء» آمده است:

«از امام زین العابدین علیه السلام روایت شده است که فرمود: خداوند در قرآن فرموده است که چون مریم خواست عیسی علیه السلام را به دنیا آورد، از مردم دوری جست و به گونه ای اعجاز آمیزی به کربلا و کرانه ای نهر فرات رفت. آن جا مسیح در نزدیکی جایی که مرقد امام حسین علیه السلام است، دیده به جهان گشود و مریم نیز همان شب به دمشق باز گشت».

ابوحمزه ثمالی نیز از امام زین العابدین علیه السلام نقل می کند که در مورد آیه شریفه «فَحَمَلَتْهُ فَانْتَبَذَتْ بِهٖ مَّكَانًا قَصِیًّا» فرمود: حضرت مریم، از دمشق خارج شد تا به کربلا رسید و در محلی که اکنون قبر امام حسین علیه السلام است، حضرت عیسی علیه السلام را به دنیا آورد و همان شب برگشت. این محراب و نقش و نوشته هایش، در سال ۱۹۴۷م. از میان برداشته اند و امروزه اثری از آن نیست.

۱. لغتنامه دهخدا.
۲. قرآن سوره مریم / آیه ۲۵.
۳. مدیة الحسین، ج ۱، ص ۵۴.
۴. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۷۳.



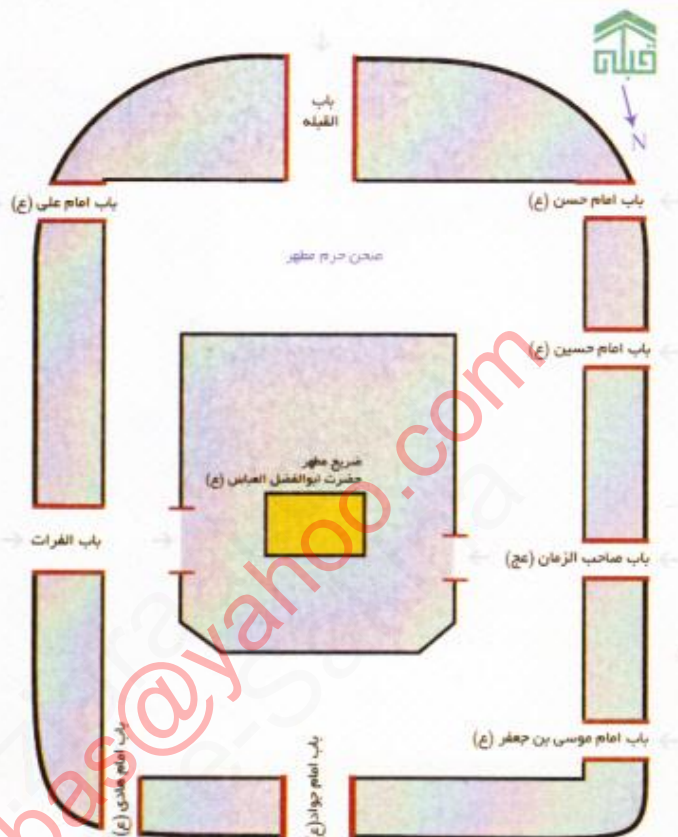
رَحِمَ اللَّهُ عَمَى الْعَبَّاس

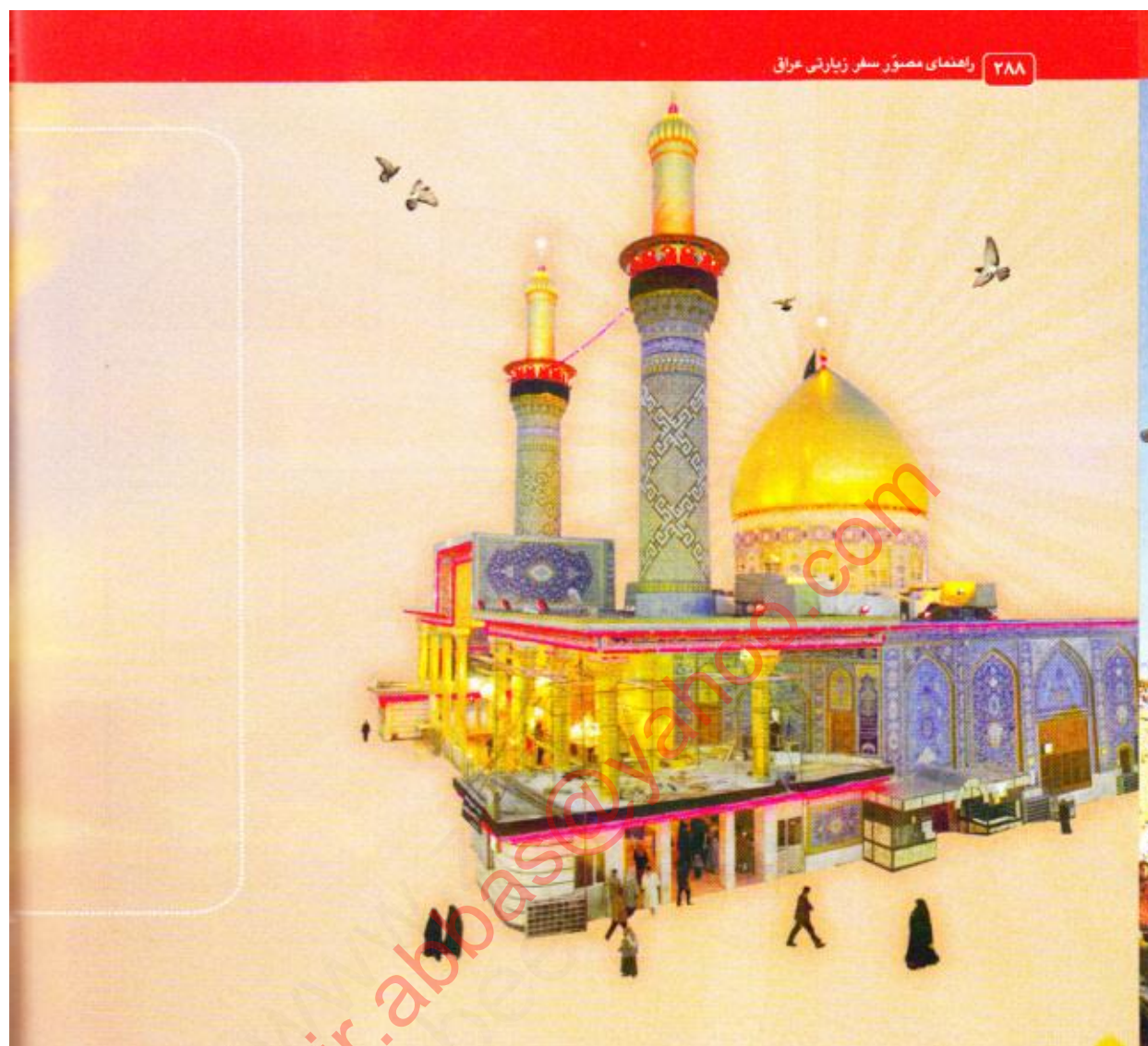
امام سجاد (ع) فرمود:

رَحِمَ اللَّهُ عَمَى الْعَبَّاس فَلَقَدْ آثَرُ وَأَبْلَى
وَفَدَى أَخَاهُ بِنَفْسِهِ حَتَّى قَطَعَتْ يَدَاهُ
فَأَبْدَلَهُ اللَّهُ بِهِمَا جَنَاحَيْنِ يَطِيرُ بِهِمَا مَعَ
الْمَلَائِكَةِ فِي الْجَنَّةِ كَمَا جَعَلَ لْجَعْفَرِ بْنِ
أَبِي طَالِبٍ وَ إِنْ لِلْعَبَّاسِ عِنْدَ اللَّهِ مَنَزَلَةٌ
يَغِطُّهُ بِهَا جَمِيعُ الشَّهَدَاءِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

خدا عمویم عباس را رحمت کند که ایثار کرد
و خود را به مشقت انداخت و جان خودش
را فدای برادر کرد تا آنجا که دستانش از
بدن قطع شد و خداوند بجای آنها پرواز
وی مرحمت کرد که در بهشت با آنها پرواز
می کند همانگونه که برای جعفر بن ابی طالب
نیز چنین کرد. بدانید حضرت عباس در درگاه
الهی منزلتی دارد، که تمام شهدا در روز قیامت
به آن مقام و منزلت غبطه می خورند.

عمدة الطالب ص ۶۵۳

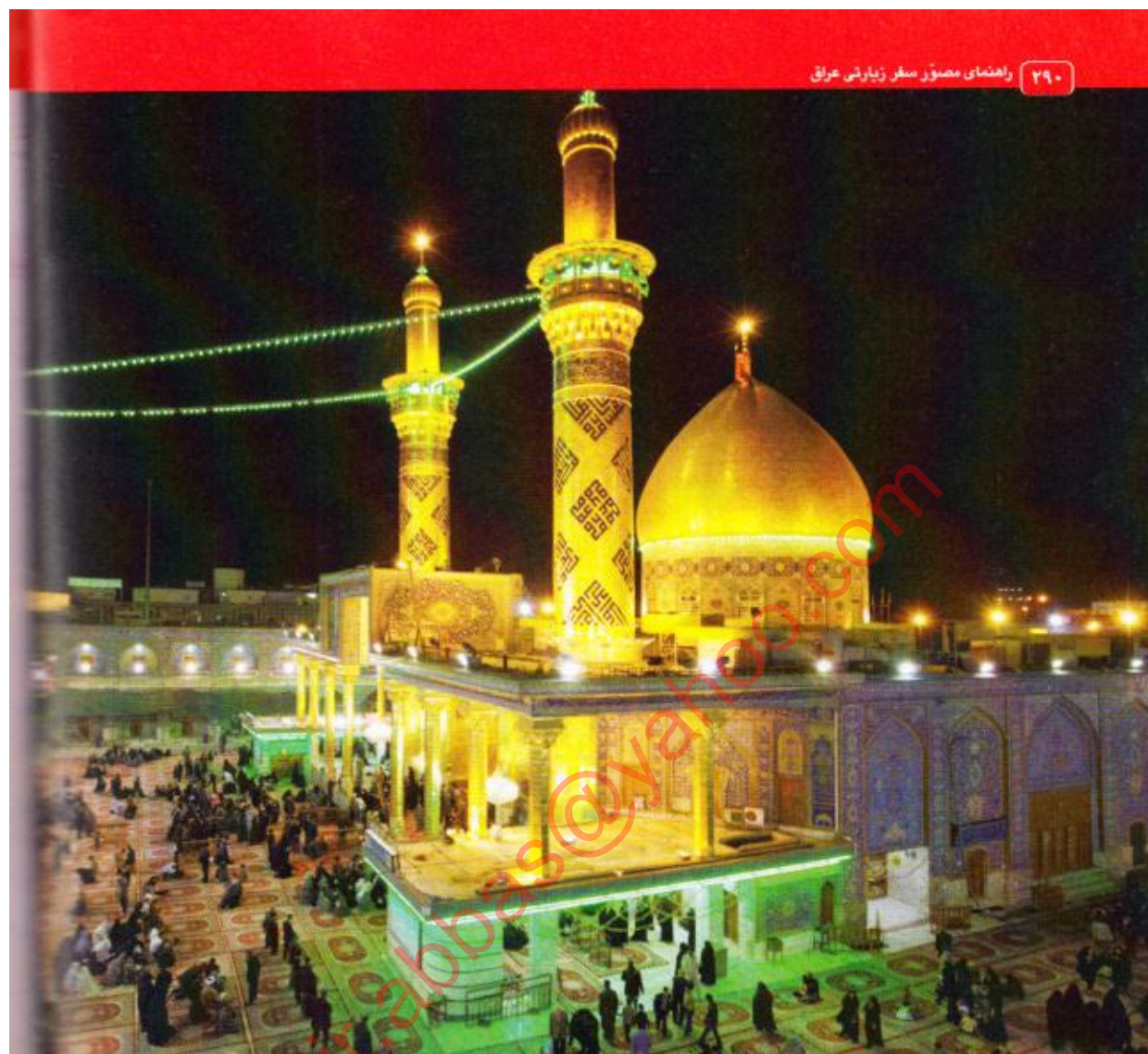




روز عاشورا به چشم پر زخون
مشک بر دوش آمد از آن شط برون
شد به سوی تشنه کامان رهسپر
تیر باران بلا را شد سیر
پس فرو بارید بر وی تیر تیز
مشک شد بر حالت او اشک ریز
تا که چشم مشک خالی شد ز اشک
اشک چندان ریخت بروی چشم مشک
تا قیامت تشنه کامان ثواب
می خوردند از رشحه آن مشک، آب
بر زمین آب تعلق پاک ریخت
و ز تعین بر سر او خاک ریخت
◀ عمان سامانی

● مشخصات قمر بنی هاشم، حضرت ابوالفضل العباس (ع)

نام:	عباس (ع)
کنیه:	ابوالفضل (ابوفاضل)
لقب:	قمر بنی هاشم، سقا، باب الحوائج
پدر و مادر:	امام علی (ع) و قاتله (معروف به أم البنین)
زمان ولادت:	چهارم شعبان سال ۲۶ هجرت
مکان ولادت:	مدینه
اولاد:	۴ پسر و یک دختر
زمان شهادت:	روز عاشورای سال ۶۱ هجری
مکان شهادت:	کربلا
سبب شهادت:	جنگ با لشکر یزید بن معاویه (علیهما اللعنة)
عمر:	۳۴ سال
مرقد شریف:	کربلا، واقع در کشور عراق



● دعای ورود به صحن مطهر حرم حضرت ابوالفضل (علیه السلام)

■ هنگامی که خواستی عباس بن علی (علیه السلام) را زیارت کنی بر در حرم بایست و بگو:

سَلَامُ اللَّهِ وَسَلَامُ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَأَنْبِيَائِهِ الْمُرْسَلِينَ وَعِبَادِهِ الصَّالِحِينَ وَجَمِيعِ
الشُّهَدَاءِ وَالصَّدِيقِينَ، وَالزَّكَايَا الطَّيِّبَاتِ فِيمَا تَغْتَدِي وَتَرُوحُ عَلَيْكَ يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ،
أَشْهَدُ لَكَ بِالتَّسْلِيمِ وَالتَّصَدِيقِ وَالْوَفَاءِ وَالنَّصِيحَةِ لِخَلْفِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
الْمُرْسَلِ، وَالسُّبُطِ الْمُنتَجِبِ، وَالذَّلِيلِ الْعَالِمِ، وَالْوَصِيِّ الْمُبْلَغِ، وَالْمَظْلُومِ الْمُهْتَظَمِ،
فَجَزَاكَ اللَّهُ عَنْ رَسُولِهِ وَعَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَعَنْ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ صَلَوَاتِ اللَّهِ
عَلَيْهِمْ أَفْضَلَ الْجِزَاءِ بِمَا صَبَرْتَ وَاحْتَسَبْتَ وَأَعْنَتَ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ
قَتَلَكَ وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ جَهِلَ حَقَّكَ وَاسْتَخَفَّ بِحُرْمَتِكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ حَالَ بَيْنَكَ وَبَيْنَ
مَاءِ الْفِرَاتِ أَشْهَدُ أَنَّكَ قُتِلْتَ مَظْلُوماً، وَأَنَّ اللَّهَ مُنْجِزٌ لَكُمْ مَا وَعَدَكُمْ، جَنَّتْكَ يَا بَنَ
أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَافِدّاً إِلَيْكُمْ، وَقَلْبِي مُسَلِّمٌ لَكُمْ وَتَابِعٌ، وَأَنَا لَكُمْ تَابِعٌ وَنَصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ
حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ، فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ إِنِّي بِكُمْ وَيَا يَا بَعْضَكُمْ مِنْ
الْمُؤْمِنِينَ، وَبِمَنْ خَالَفَكُمْ وَقَتَلَكُمْ مِنَ الْكَافِرِينَ، قَتَلَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكُمْ بِالْأَيْدِي وَالْأَلْسِنِ

■ داخل روضه شو، خود را به ضریح بحسبان و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ الْمُطِيعُ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ وَلِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَسَلَّمَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ وَمَغْفِرَتُهُ وَرِضْوَانُهُ وَعَلَى
رُوحِكَ وَبَدَنِكَ، أَشْهَدُ وَأَشْهَدُ اللَّهُ أَنَّكَ مَضَيْتَ عَلَى مَا مَضَى بِهِ الْبَدْرِيُّونَ وَالْمُجَاهِدُونَ
فِي سَبِيلِ اللَّهِ الْمُنَاصِحُونَ لَهُ فِي جِهَادِ أَعْدَانِهِ الْمُبَالِغُونَ فِي نَصْرَةِ أَوْلِيَائِهِ الذَّاكِرُونَ عَنْ
أَحِبَّائِهِ فَجَزَاكَ اللَّهُ أَفْضَلَ الْجَزَاءِ، وَأَكْثَرَ الْجَزَاءِ، وَأَوْفَرَ الْجَزَاءِ، وَأَوْفَى جَزَاءِ أَحَدٍ مِمَّنْ
وَفَى بَبَيْعَتِهِ وَاسْتَجَابَ لَهُ دَعْوَتُهُ وَأَطَاعَ وَلاةَ أَمْرِهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَالِغْتَ فِي النَّصِيحَةِ،
وَأَعْطَيْتَ غَايَةَ الْمَجْهُودِ فَبَعَثَكَ اللَّهُ فِي الشَّهَادَةِ، وَجَعَلَ رُوحَكَ مَعَ أَرْوَاحِ السُّعَدَاءِ،
وَأَعْطَاكَ مِنْ جَنَانِهِ أَفْسَحَهَا مَنْزِلًا وَأَفْضَلَهَا عَرْفًا، وَرَفَعَ ذِكْرَكَ فِي عِلِّيِّينَ، وَحَشَرَكَ مَعَ
النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشَّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسَنَ أَوْلِيكَ رَفِيقًا، أَشْهَدُ أَنَّكَ لَمْ تَهِنْ وَلَمْ
تَنْكُلْ، وَأَنَّكَ مَضَيْتَ عَلَى بَصِيرَةٍ مِنْ أَمْرِكَ مُقْتَدِيًا بِالصَّالِحِينَ، وَمُتَّبِعًا لِلنَّبِيِّينَ، فَجَمَعَ اللَّهُ
بَيْنَنَا وَبَيْنَكَ وَبَيْنَ رَسُولِهِ وَأَوْلِيَائِهِ فِي مَنَازِلِ الْمُخْبِتِينَ، فَإِنَّهُ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ

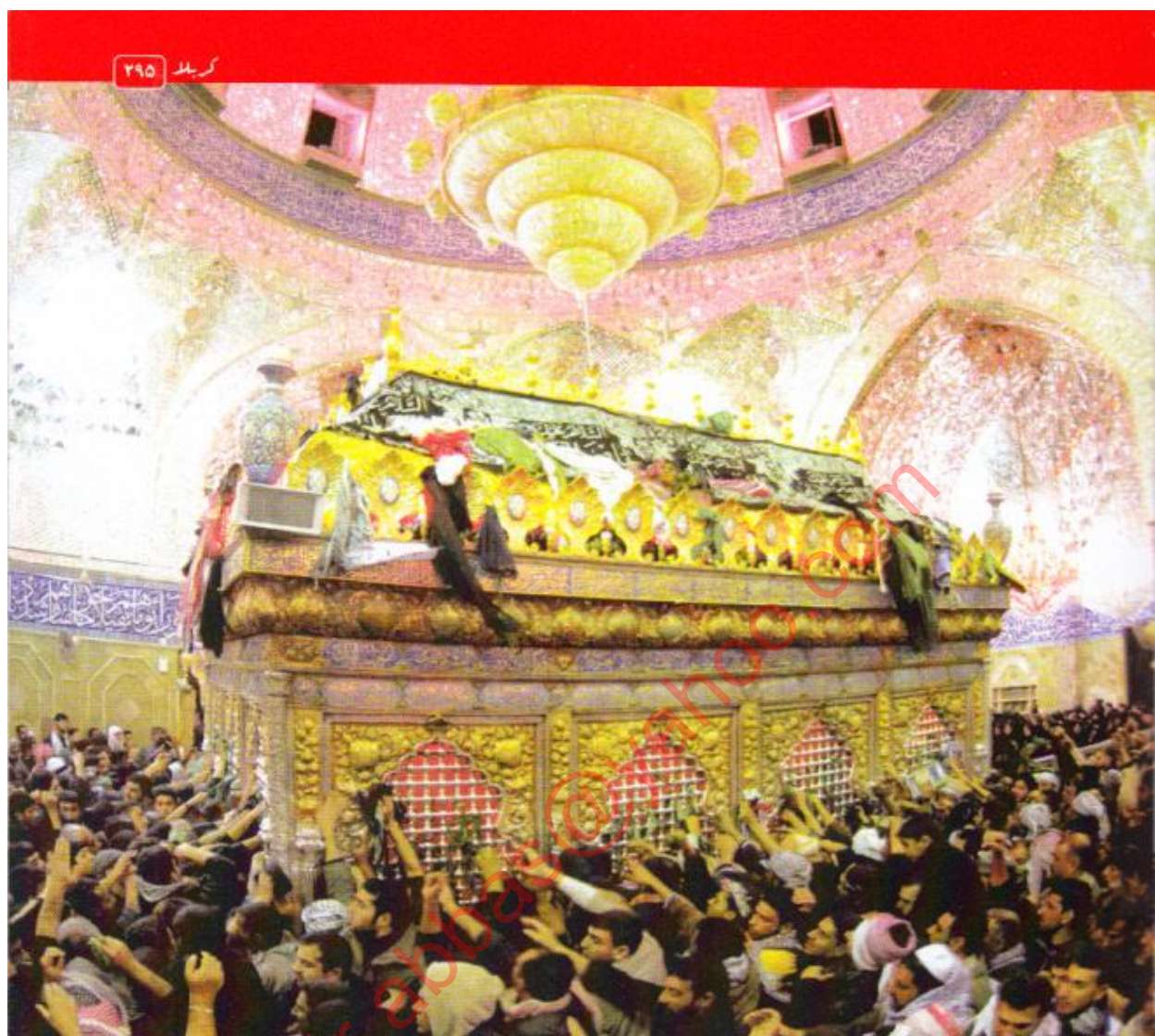


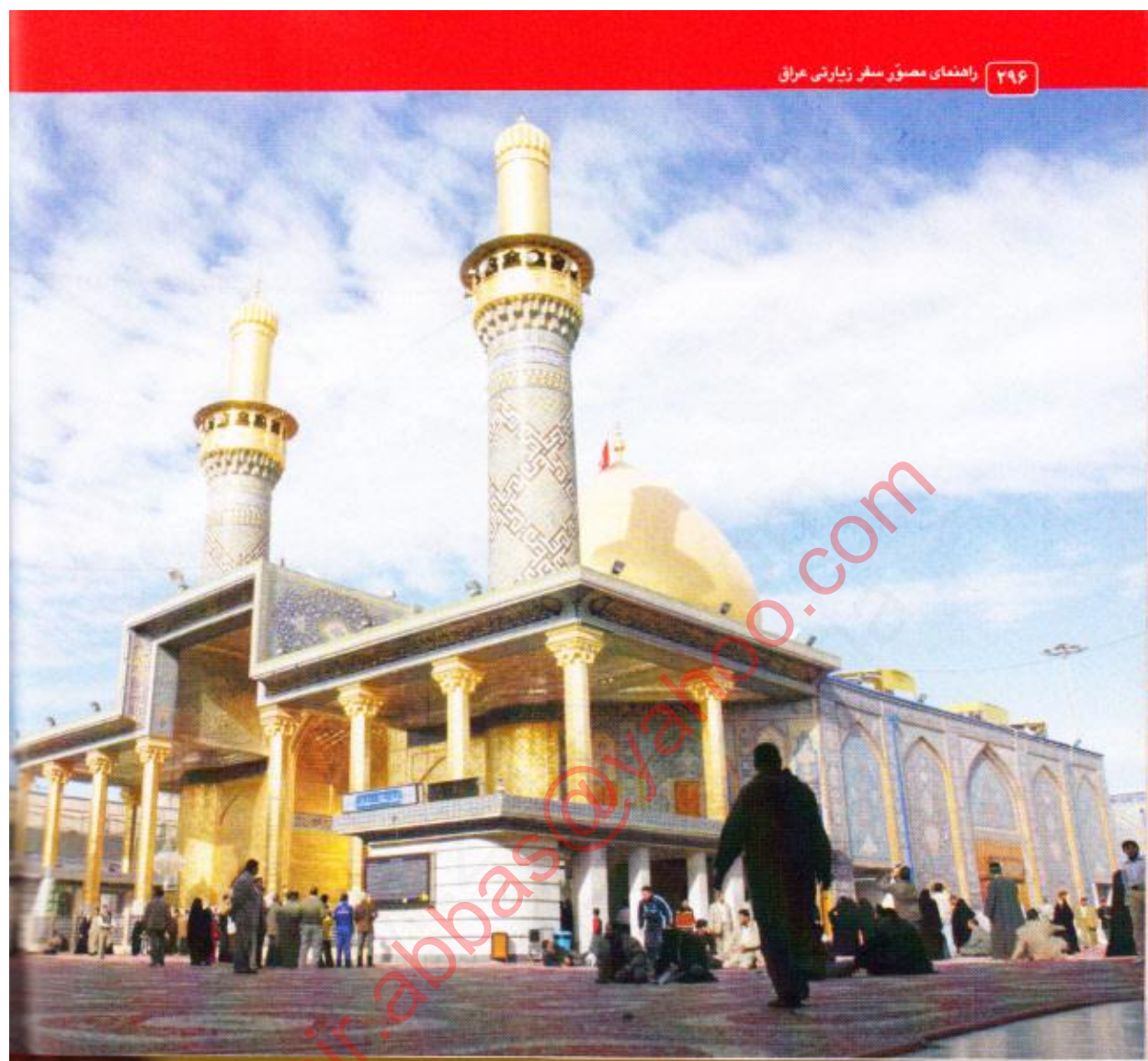
■ پس برو بہ سمت بالاسر، دو رکعت نماز بخوان
وسیس بگو:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّآلِ
مُحَمَّدٍ، وَلَا تَدْعُ لِيْ فِيْ هٰذَا الْمَكَانِ
الْمَكْرَمِ وَالْمَشْهَدِ الْمُعْظَمِ ذَنْبًا اِلَّا
غَفَرْتَهُ، وَلَا هِمًّا اِلَّا فَرَجْتَهُ، وَلَا مَرَضًا
اِلَّا شَفَيْتَهُ، وَلَا غِيْبًا اِلَّا سَرَّيْتَهُ،
وَلَا رِزْقًا اِلَّا بَسَّطْتَهُ، وَلَا خَوْفًا
اِلَّا اَمَنْتَهُ، وَلَا شَمْلًا اِلَّا جَمَعْتَهُ،
وَلَا غَانِبًا اِلَّا حَفَظْتَهُ وَادْنَيْتَهُ،
وَلَا حَاجَةً مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
لَكَ فِيْهَا رِضًى وَّلِيْ فِيْهَا صَلاَحٌ
اِلَّا قَضَيْتَهَا يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ

■ پس برگرد به سوی ضریح، نزد پاهای بایست و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْفَضْلِ الْعَبَّاسَ ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ أَوَّلِ الْقَوْمِ إِسْلَاماً وَأَقْدَمِهِمْ إِيْمَاناً وَأَقْوَمَهُمْ بِدِينِ اللَّهِ، وَأَحْوَطَهُمْ عَلَى
الْإِسْلَامِ، أَشْهَدُ لَقَدْ نَصَحْتَ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ وَلِأَخِيكَ فَنِعْمَ الْإِخْوَانُ الْمَوَاسِي، فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً
قَتَلَتْكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً ظَلَمَتْكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً اسْتَحَلَّتْ مِنْكَ الْمَحَارِمَ، وَانْتَهَكَتْ حُرْمَةَ
الْإِسْلَامِ، فَنِعْمَ الصَّابِرُ الْمُجَاهِدُ الْمُحَامِي النَّاصِرُ وَالْإِخْوَانُ الدَّافِعُ عَنْ أَخِيهِ، الْمَجِيبُ إِلَى
طَاعَةِ رَبِّهِ، الرَّاعِبُ فِيمَا زَهَدَ فِيهِ غَيْرُهُ مِنَ الثَّوَابِ الْجَزِيلِ وَالثَّنَاءِ الْجَمِيلِ، وَالْحَقَّقْ اللَّهُ
بِدَرَجَةِ آبَائِكَ فِي جَنَّاتِ النِّعَمِ، اللَّهُمَّ إِنِّي تَعَرَّضْتُ لَزِيَارَةِ أَوْلِيَائِكَ رَغْبَةً فِي ثَوَابِكَ وَرَجَاءً
لِمَغْفِرَتِكَ وَجَزِيلِ إِحْسَانِكَ، فَاسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ، وَأَنْ تَجْعَلَ
رِزْقِي بِهِمْ دَاراً وَعَيْشِي بِهِمْ قَاراً، وَزِيَارَتِي بِهِمْ مَقْبُولَةً وَحَيَاتِي بِهِمْ طَيِّبَةً، وَأَدْرِجْنِي إِدْرَاجَ
الْمُكْرَمِينَ، وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ يَنْقَلِبُ مِنْ زِيَارَةِ مَشَاهِدِ أَحْبَابِكَ مُفْلِحاً مُنْجِحاً، قَدْ اسْتَوْجَبَ
غُفْرَانَ الذُّنُوبِ وَسَتَرَ الْعُيُوبِ وَكَشَفَ الْكُرُوبِ، إِنَّكَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ





• زیارت وداع حضرت ابوالفضل علیه السلام

■ این دعا را که در روایت ابو حمزه ثمالی است و علماء نیز آن را ذکر کرده‌اند، هنگام وداع بخوان:

اَسْتَوْدِعُكَ اللّٰهَ وَاسْتَرْعِيكَ وَاَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ
 اَمَّنًا بِاللّٰهِ وَبِرَسُولِهِ وَبِكِتَابِهِ وَبِمَا جَاءَ بِهِ مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ
 اَللّٰهُمَّ فَاکْتُبْنَا مَعَ الشّٰهِدِیْنَ
 اَللّٰهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ اَخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِیَارَتِیْ قَبْرِ ابْنِ اَخِیْ رَسُوْلِكَ صَلَّی اللّٰهُ
 عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ، وَارْزُقْنِیْ زِیَارَتَهُ اَبَدًا مَا اَبْقَيْتَنیْ وَاَحْشُرْنِیْ مَعَهُ وَمَعَ
 اَبَائِهِ فِی الْجَنَّةِ، وَعَرَفَ بَیْنِیْ وَبَیْنَهُ وَبَیْنَ رَسُوْلِكَ وَاَوَّلِیِّانِکَ،
 اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَیْ مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَتَوَفَّنِیْ عَلَی الْاِیْمَانِ بِکَ
 وَالتَّصَدِیْقِ بِرَسُوْلِکَ وَالْوَلَایَةِ لِعَلِیِّ بْنِ اَبِی طَالِبٍ وَاَلِیْمَةٍ مِنْ وَلَدِهِ
 عَلَیْهِمُ السَّلَامُ وَالتَّبَرُّکُ مِنْ عَدُوْهِمْ، فَاِنِّیْ قَدْ رَضِیْتُ یَا رَبِّیْ بِذَٰلِکَ،
 وَصَلَّی اللّٰهُ عَلَیْ مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ



jabir.abbas@yahoo.com

● قبله حاجات

ای حرمت قبله حاجات ما
تاج شهیدان همه عالمی
ماه کجا روی دلارای تو
ماه درخشنده‌تر از آفتاب
هم‌قدم قافله سالار عشق
سرور و سالار سپاه حسین
عمّ امام و آخ و این امام
ای علم کفر نگون ساخته
مکتب تو مکتب عشق و وفاست
مکتب جانبازی و سربازی است
شمع شده آب شده سوخته
یاد حسین و لب عطشان او
تشنه برون آمدی از موج آب
ساقی کوثر پدرت مرتضی است
مشک پر از آب حیات به دوش
در گره والای تو در نشأتین
هر که به دردی و غمی شد دچار
ای علم افراخته در نشأتین
از کرم و لطف جوابش دهی
چون نهم ماه محرم رسید
از عقب خیمه صدر جهان
شمر به آواز تو را زد صدا
تا برهانش ز هنگامه‌ات
رنگ پرید از رخ زیبای تو
من به امان باشم و جان جهان
دست تو نگرفت امان نامه را

ذکر تو تسبیح و مناجات ما
دست علی ماه بنی هاشمی
سرو کجا قامت رعناي تو
مطلع تو جان و تن بوتراب
ساقی عشاق و علمدار عشق
داده سر و دست به راه حسین
حضرت عباس علیه السلام
پرچم اسلام برافراخته
درس الفبای تو صدق و صفاست
بی‌سری آن گاه سرافرازی است
روح ادب را ادب آموخته
و آن لب خشکیده طفلان او
ای جگر آب برایت کباب
کار تو سقایی کرب و بلاست
طفل حقیقت ز گفت آب نوش
هست در رحمت و باب حسین
گوید اگر یکصد و سی و سه بار
اکشف یا کاشف کرب الحسین
تشنه اگر آمده باشی دهی
کار بدانجا که نباید کشید
شاه فلک جاه ملک باستان
گفت کجایید بنو آفتاب
داد نشان خط امان نامه‌ات
لرزه بیفتاد بر اعضای تو
از دم شمشیر و سنان بی‌امان
تا که شد از پیکر پاکت جدا

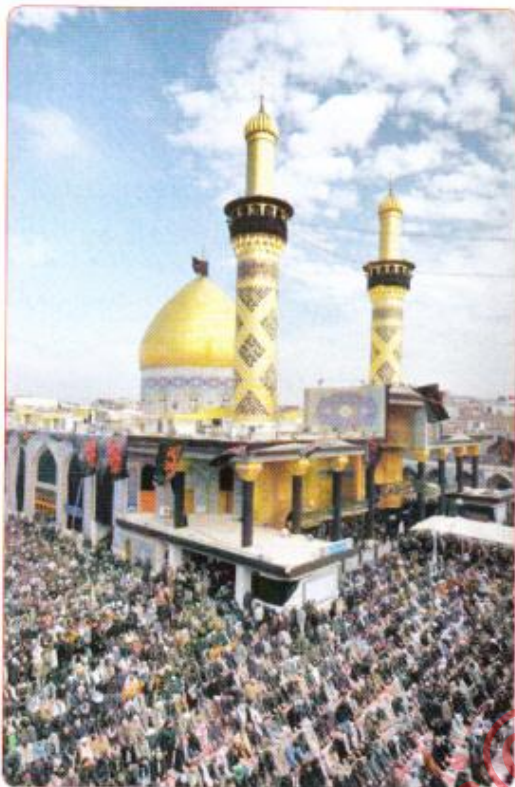
مزد تو زین سوختن و ساختن
دست تو شد دست شه لافتی
پنج امامی که تو را دیده‌اند
چشم خداوند چو دست تو دید
با لب آغشته به زهر جفا
دید چو در کرب و بلا شاه دین
خم شد و بگذاشت سر دیده‌اش
حضرت سجاد هم آن دست پاک
حضرت باقر به صدف کربلا
مطلع شعبان همایون اثر
سوم این ماه چو نور امید
چارم این مه که پراز عطر و بوست
شد به هم آمیخته از مشرقین
وقت ولادت قدمی پشت سر
ای به فدای سر و جان و تنت
مدح تو این پس که شه ملک جان
گفت به تو گوهر والا نژاد
شه چو به قربان برادر رود

دست سپر کردن و سر باختن
خط تو شد خط امان خدا
دست علم گیر تو بوسیده‌اند
بوسه زد و اشک ز چشمش چکید
بوسه به دست تو بزد مجتبی
دست تو افتاده به روی زمین
بوسه بزد با لب خشکیده‌اش
بوسه زد و کرد نهان زیر خالک
بوسه به دست تو بزد بارها
بسر ادب توست دلیلی دگر
شعشعه نور حسینی دیدم
توبت میلاد علمدار اوست
نور ابوالفضل و شعاع حسین
وقت شهادت قدمی پیشتر
وین ادب آمدن و رفتنت
شاه شهیدان و امام زمان
جان برادر به فدای تو باد
کیست ریاضی که فدایت شود

◀ اثر طبع سید محمد علی ریاضی بزدی

۱. نام شریف حضرت ابوالفضل علیه السلام «عباس» است که به حساب
ابجد می‌شود «۱۳۳»، هم‌طور «باب الحسین» - «۱۳۳». از ختمهای
مغرب این است که اگر کسی در یک مجلس ۱۳۳ بار این جمله
را بگوید: «یا کاشف الکرب عن وجه الحسین علیه السلام» کشف کربی
بعق اخیایک الحسین علیه السلام خداوند حاجتش را برآورده خواهد کرد.

منتخب التواریخ، ص ۲۴۱



❑ جامع المسائل، مرحوم آية الله العظمى گلپایگانی، ج ۱، ص ۷۱
❑ مجید فولادی، نشریه امام شناسی، شماره اول، مرداد ۱۳۸۷

● احکام فقهی زیارت حضرت عباس (علیه السلام)

مقام عصمت را، در جاتی است که حد اعلی و اتم و اکمل آن، اختصاص به حضرات ۱۴ معصوم (علیهم السلام) دارد که عصمت ذاتی و کبری دارند و مراحل پس از آن را نیز برخی از بزرگان دین، نظیر امامزادگان عظیم الشان مانند: حضرت زینب و حضرت معصومه و حضرت علی اکبر (علیهم السلام) دارا هستند و معصوم به عصمت صغری می باشند. یکی از شخصیت های ممتازی که به مراحل عالی از عصمت رسیده و در رتبه و مقام، آن چنان برتری یافته که برخی احکام و آداب حریم حرمش، احکام و آداب حرم امامان معصوم (علیهم السلام) می باشد؛ حضرت قمر بنی هاشم، ابوالفضل العباس (علیه السلام) می باشد. در این جا به سه مورد از آن اشاره می کنیم:

- ❖ ۱. زائر در هنگام خواندن زیارتنامه نسبت به تمامی معصومین (علیهم السلام) طوری می ایستد که پشت به قبله و رو به آن حضرت باشد، اما غیر معصومین را باید پشت سر نشان رو به قبله ایستاد و زیارت کرد، به جز حضرت عباس (علیه السلام) که مانند معصومین زیارت می شود.
- ❖ ۲. نماز زیارت، اختصاص به حضرات ۱۴ معصوم دارد و برای امامزادگان، نماز زیارت وارد نشده است، به غیر از حضرت عباس که برای ایشان، مانند دیگر امامان معصوم، نماز زیارت وارد شده است. برای امامزادگان می توان نماز را، به نیت هدیه به آن بزرگواران خواند.
- ❖ ۳. ورود جنب و حائض به حرم امامان معصوم جایز نیست، حرم امامزادگان از این قاعده مستثنی هستند، به جز امامزادگان عظیم الشان و مشهور نظیر حضرت عباس و حضرت معصومه (علیهم السلام) که اولی و بهتر (مستحب مؤکد) عدم توقف جنب و حائض در حرم آنها می باشد.

◀ بر روی حسین نور داور صلوات
بر حضرت عباس دلاور صلوات
زوار حسینی و ابوالفضل رشید
بفرست تو بر این دو برادر صلوات

● مقام دست راست حضرت ابوالفضل العباس



محل کف العباس : در قسمت شمال شرقی و جنوب شرقی
صحن مطهر حضرت ابوالفضل علیه السلام، دو جایگاه است که گفته می‌شود:
دست‌های مبارک آن حضرت در این مکان‌ها از تن جدا شده است.

این شهر آشوب گفته است: حضرت عباس علیه السلام سقا، قمر بنی هاشم و
علمدار حسین علیه السلام و بزرگترین برادرانش بود. در پی آب بیرون آمد؛ بر
او حمله کردند. او هم بر آنان تاخت، در حالی که می‌گفت:

لا أَرْهَبُ الْمَوْتَ إِذَا الْمَوْتُ رَقِيَ حَتَّى أَوَارِيَ فِي الْمَصَالِيتِ لِقَا
نَفْسِي لِنَفْسِ الْمُصْطَفَى الطَّهْرِ وَقَا إِنِّي أَنَا الْعَبَّاسُ أَغْدُوا بِالسَّقَا
وَلَا أَخَافُ الشَّرَّ يَوْمَ الْمَلْتَقَى

هرگز از مرگ نمی‌ترسم، آن گاه که مرگ فراز آید، جانم به فدای جان
مصطفای پاک باد! من عباسم که ساقی‌ام و هنگام نبرد، هراسی از شر ندارم،
و آنان را پراکنده ساخت. رید بن ورقاء جهتی، پشت نخلی کمین کرد،
حکیم بن طفیل سنبسی نیز، کمکس کرد. ضربتی بر دست راست او زد.
سقا شمشیر را به دست چپ گرفت و رجزخوانان بر آنان حمله آورد:

و الله إن قطعتم يميني إني أحامي أبداً عن ديني
و عن إمام صادق اليقين نجل النبي الطاهر الأمين
به خدا سوگند اگر دست راستم را قطع کردید، پیوسته از دینم حمایت
می‌کنم و از پیشوایی که یقین او راست است، حمایت می‌کنم که او
فرزند پیامبر پاک و امین است.

افتاد دست راست خدایا ز پی‌گرم

بر دامن حسین رسان دست دیگرم
دست چپم به جاست اگر نیست دست راست
اما هزار حیف که يك دست بی صداست

● مقام دست چپ حضرت ابوالفضل العباس (ع)

ای آنکه تویی بر همه کشتی نجات
سردار حسینی به مقام درجات
دست از بدنت جدا شده بهر حسین
بر دست بریده‌ات درود و صلوات

حضرت عباس (ع)، جنگید تا آن که رمقش تمام شد، حکیم بن طفیل طایس، در پشت نخلی کمین کرد و ضربتی بردست چپ او زد. آن گاه عباس (ع) گفت:

یا نفس لا تخی من الکفار و ابشری برحمة الجبار
مع النبی السید المختار
قد قطعوا بیغیم یساری فأصلهم یا رب حر النار

ای نفس! از کافران مترس! مژده باد تو را به رحمت خدای جبار!
همراه با پیامبر، آن سرور برگزیده!

یا ستم خویش، دست چپم را جدا کردند.
خدایا! حرارت دوزخ را بر آنان بجشان.

آن ملعون با عمودی آهنین، حضرت عباس (ع) را به شهادت رساند.
امام حسین (ع) خود را به برادر رسانید؛ اما چون او را کنار شط فرات
کشته یافت، گریست و چنین خواند:

تعدیتم یا شر قوم بفعلکم و خالفتم قول النبی محمد
أما کان خیر الرسل وصاکم بنا أما نحن من نسل النبی المسدد
أما کانت الزهراء أمی دونکم أما کان من خیر البریة أحمد
لعنتم و أخزیتم بما قد جنیتم فسوف تلاقوا حرّ نار توقد

ای بدترین گروه! با کار خود تعدی و ستم کردید و با گفته محمد پیامبر مخالفت ورزیدید. مگر بهترین رسولان سفارش ما را به شما
نکرده بود؟ مگر نه اینکه ما از نسل پیامبر تأیید شده‌ایم؟ مگر نه آنکه فاطمه زهرا مادر من است نه شما؟ مگر او زاده احمد، بهترین
آفریده‌ها نبود؟ لعنت شدید و با جنایتی که کردید، خوار گشتید. حرارت آتش افروخته و سعله‌ور را خواهید چشید.



jabir.abbas@yahoo.com

• نهر علقمه

خیابان علقمی
(نهر علقمه سابق)



جسان به کرب و بلامی کنی گذرای آب
مگر تنی ز شه تشنه شرمسار ای آب
هنوز بهر تو گویا به خیمه گه دارد
سکینه در ره عباس انتظار ای آب
میان معرکه گویا هنوز می طلبد
تو را حسین علی بهر شیر خوار ای آب
بیاد آر که افکنند در کنار تو خصم
دو دست از تن عباس نامدار ای آب
تو موج می زدی و از عطش هلاک شدند
ز شاه تشنه لب اطفال دلفکار ای آب
چو خویش را تر ساندی به حنجر اصغر
زدی به جان صغیر از غمش شرار ای آب
◀ صغیر اصفهانی

« علقمی نام نهری است که از فرات جدا کردند و به کربلا و از آن جا به کوفه جریان یافت و همین خود سیب آبادی کوفه شد. »
گویند به ابن علقمی خبر رسید که امام صادق (ع) چون جد خویش را زیارت کرده، خطاب به نهر فرموده است: تو چنین جاری هستی اما در روز عاشورا آبت را از جد من حسین (ع) دریغ داشتی؟! ابن علقمی با شنیدن این خبر، نهر را پر کرد و آب آن از جریان افتاد. این نهر از همین روی به « نهر علقمی » مشهور شد.

□ سید جعفر بحر العلوم، تحفة العالم، ج ۲، ص ۱۹۳

خیابان قبله



• رود فرات



• یادآوری:

لزومی ندارد که مردم برای تبرک به آب فرات در نهر غسل کنند، بلکه استفاده از آب لوله کشی که برگرفته از آب فرات است، نیز همین برکات را انشاءالله خواهد داشت.

فرات، رودخانه‌ای است که حادثه عظیم کربلا در نزدیکی آن اتفاق افتاده است و یادآور تشنگی ابا عبدالحسین (ع) و یاران ایشان در روز عاشورا است. هم اکنون این رودخانه ۲۰ کیلومتری شرق کربلا قرار دارد.

مطابق آنچه در روایات آمده، آب فرات دارای فضیلت و برکت بسیاری است. از جمله:

۱ - نوشیدن آن در هر حال و برای شفا یافتن از بیماری مستحب است و اثر دارد.

۲ - مستحب است کام نوزاد را با آب فرات و تربت سید الشهدا (ع) بردارند.

۳ - هر که با آب فرات غسل کند و قبر حسین (ع) را زیارت کند، مثل روزی که از مادر متولد شده، از گناهان پاک می‌شود.

در برخی روایات است که آب، یا آب فرات، مهریه حضرت زهرا (ع) می‌باشد.

از امام باقر (ع) در ضمن حدیث مفصّلی درباره مهریه حضرت زهرا (ع) آمده است:

«وَجُعِلَتْ لَهَا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةُ أَنْهَارٍ: الْفَرَاتُ، وَالنَّيْلُ، وَمِصرُ وَنَهْرُوانَ وَنَهْرُ بَلخ» و در نقل دیگری است:

«وَجُعِلَتْ نِحْلَتُهَا مِنْ عَلَى خَمْسِ الدُّنْيَا وَثَلْثِي الْجَنَّةِ وَ أَرْبَعَةُ أَنْهَارٍ فِي الْأَرْضِ، الْفَرَاتُ وَدَجْلَةُ وَالنَّيْلُ وَنَهْرُ بَلخ».

طبق این نقلها نه تنها فرات و دجله و نیل و نهر بلخ، بلکه يك پنجم دنیا و دوسوم بهشت نیز مهریه زهرا (ع) مرضیه است، اما فرزند زهرا در کنار همین فرات، لب تشنه جان می‌دهد و مظلومانه به شهادت می‌رسد.

در کربلا چرا به حبسش حرام بود	آبی که مهر دختر خیرالانام بود
یا للعجب عزیز خدا تشنه کام بود	سیراب و کامیاب عدوی خدا ز آب
فریاد العطش، به فلک ارسام بود	سوز دل ملک ز فلک بس ز کودکان
یا میهمان نوازششان، این مرام بود	بر کوفیان، حسین مگر میهمان نبود

فراخی

● موقعیت جغرافیایی فرات:



«شطی است در مغرب کشور عراق و متشکل است از دو شعبه «قره‌سو» و «مرادچای» که سرچشمه آنها نزدیک رود «ارس» در ارمنستان ترکیه است. موقعی که دو شعبه قره‌سو و مرادچای به هم می‌رسند، فرات به دجله نزدیک می‌شود، ولی مجدداً دجله متوجه جنوب شرقی شده و فرات به سمت مغرب مایل می‌شود و سپس در نزدیکی خلیج فارس به رود دجله می‌پیوندد و از آن پس مجموع این دو رود به خلیج فارس می‌ریزد. سرزمینی را که بین دو رود دجله و فرات واقع است، «الجزیره» می‌گویند. طول رودخانه فرات تقریباً ۲۹۰۰ کیلومتر است. جریان فرات در جلگه بین‌النهرین، بسیار ملایم است و دارای بستری عریض می‌باشد. یگانه عامل حاصلخیزی خاک عراق و جلب جمعیت در جلگه خشک و گرم بین‌النهرین، دو رود فرات و دجله می‌باشد. بابل، پایتخت قدیم کشور بابل در ساحل فرات بنا شده بود.» فرهنگ فارسی، معین.



أَيَقْتُلُ ظَلَمَانًا حُسَيْنٌ بِكَرْبَلَا وَفِي كُلِّ عَضْوٍ مِنْ أُنَامِلِهِ بَحْرٌ
وَوَالِدُهُ السَّاقِي عَلَى الْحَوْضِ فِي غَدٍ وَفَاطِمَةُ مَاءِ الْفُرَاتِ لَهَا مَهْرٌ
شیخ عبدالوهاب حلی

• مقام حضرت صاحب الزمان علیه السلام

« قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ »

(بگو: به من خبر دهید اگر آب‌های (سرزمین) شما در زمین فرو رود، چه کسی می‌تواند آب جاری در دسترس شما قرار دهد؟) ظاهر این آیه، در باره آب جاری است که مایه حیات موجودات زنده است و باطن آیه، مربوط به وجود امام علیه السلام و علم و عدالت جهان‌گستر اوست که آن نیز مایه حیات جامعه انسانی است. امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه می‌فرماید:

« نَزَلَتْ فِي الْإِمَامِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ إِنْ أَصْبَحَ إِمَامُكُمْ غَائِبًا عَنْكُمْ، لَا تَدْرُونَ أَيْنَ هُوَ؟ »

فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِإِمَامٍ ظَاهِرٍ يَأْتِيكُمْ بِأَخْبَارِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، وَحَلَالِ اللَّهِ وَحَرَامِهِ.

« این آیه درباره امامی (حضرت مهدی علیه السلام) نازل شده است که قیام به عدل الهی می‌کند، می‌گوید: اگر امام شما پنهان گردد، و نمی‌دانید کجاست، چه کسی برای شما امامی می‌فرستد که اخبار آسمانها و زمین و حلال و حرام خدا را برای شما شرح دهد.

ثُمَّ قَالَ: وَاللَّهِ مَا جَاءَ تَأْوِيلَ هَذِهِ الْآيَةِ، وَلَا بَدَّ أَنْ يَجِيئَ تَأْوِيلُهَا »

سپس فرمود: به خدا سوگند تأویل این آیه نیامده، اما سرانجام خواهد آمد.

۱. آخرین آیه (۳۰) سوره ملک، تفسیر نمونه ج ۲۴ ص ۳۵۹ به نقل نورالثقلین ج ۵ ص ۳۸۷.

بر دلم، ترسم بماند آرزوی کربلا
تا بگیرم در بغل قبر شهید کربلا

بر مشام می‌رسد هر لحظه بوی کربلا
تشنه لب فرستم ای اجل مهلت بده

از آب هم مضایقه کردند کوفیان
خوش داشتند حرمت مهمان کربلا
بودند دیو و دهمه سیراب و می‌مکید
خاتم ز قحط آب، سلیمان کربلا
زان تشنگان هنوز به عیوق می‌رسد
فریاد العطش زیبا بیان کربلا
محتم کاشانی

کریمل ۳۰۷

دو بیتنی های صلوات حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

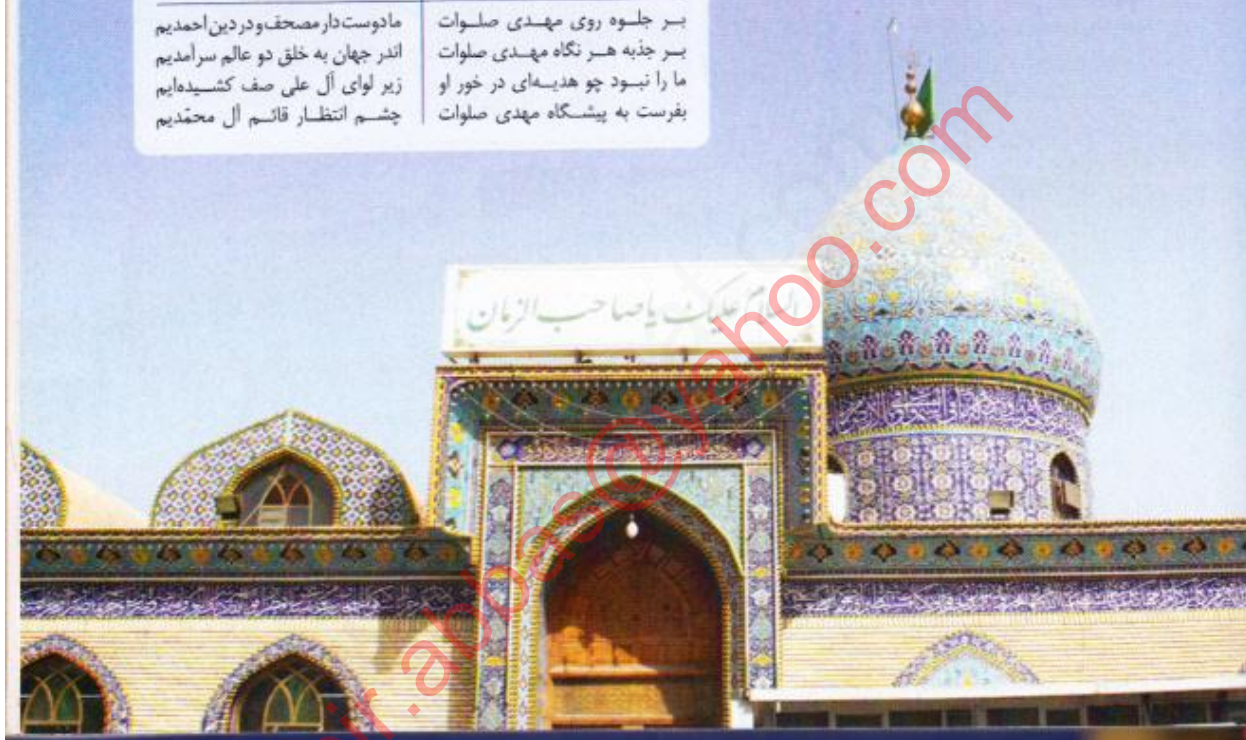
ما پیروان مکتب قرآن سرمدیم
خسرم دل از عنایت اولاد احمدیم
ما دل نداده ایم به هر خار و خس ولی
دلدادگان قائم آل محمدیم

ما دوست دار مصحف و در دین احمدیم
اندر جهان به خلق دو عالم سرآمدیم
زیر لوای آل علی صف کشیده ایم
چشم انتظار قائم آل محمدیم

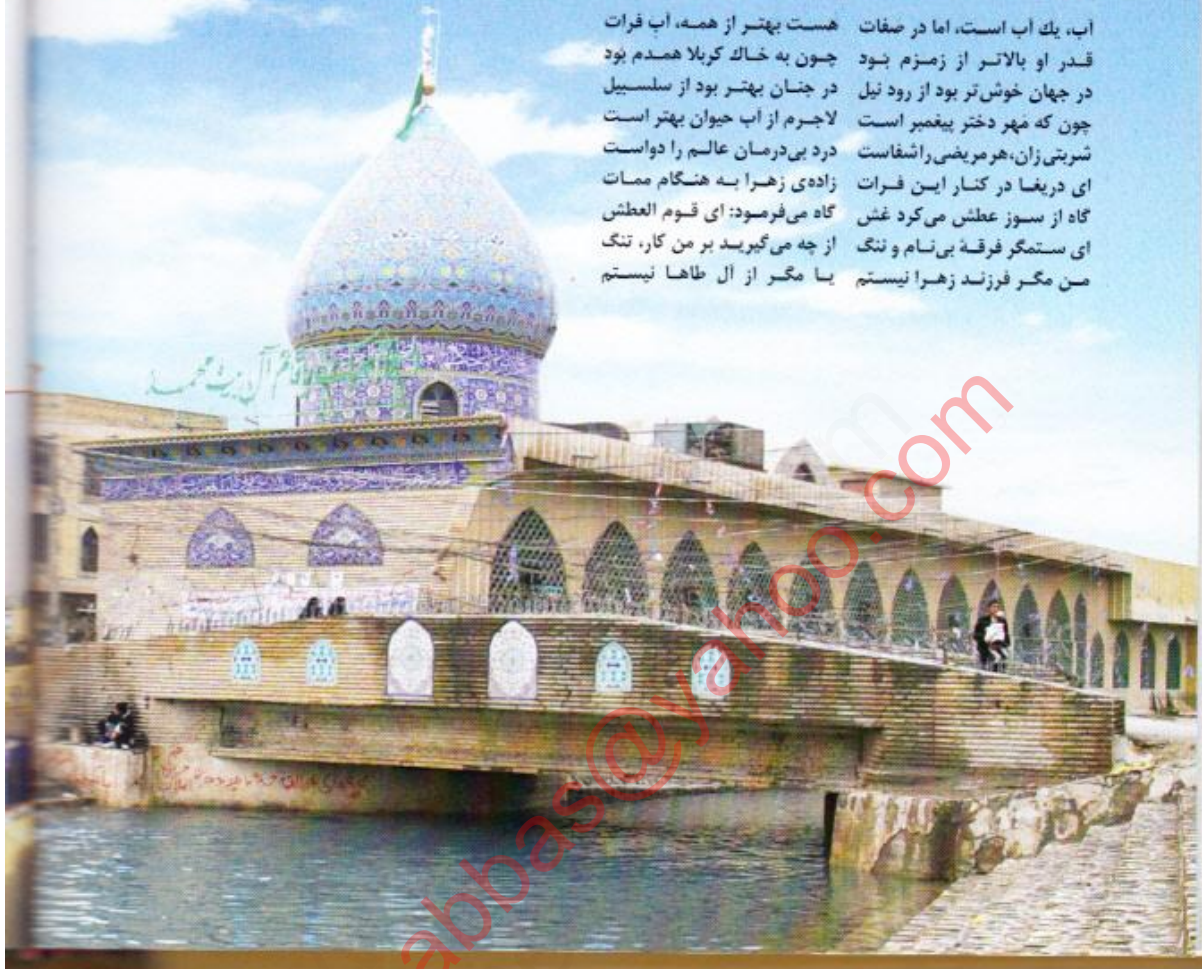
بر چهره دلگشای مهدی صلوات
بر قامت دلربای مهدی صلوات
تا پرده ز رخ گرفت قدسی نقسان
خواندند به رو نمای مهدی صلوات

بر جلوه روی مهدی صلوات
بر جذبه هر نگاه مهدی صلوات
ما را نبود چو هدیه ای در خور او
بفرست به پیشگاه مهدی صلوات

مقام صاحب الزمان علیه السلام، جایگاهی است که به یاد روح افزا و
امیدبخش قطب دایره وجود، حضرت مهدی موعود امام زمان
- ارواحنا فداء - بنا گردیده و در کنار نهر حسینیّه و در مسیری
است که به مقام امام جعفر صادق علیه السلام می رسد.



اب، يك آب است، اما در صفات
قدر او بالاتر از زمزم بود
در جهان خوش تر بود از رود نیل
چون که مهر دختر پیغمبر است
شریتی زن، هر مریضی را شفایست
ای دریغ! در کنار این فرات
گاه از سوز عطش می کرد غش
ای ستمگر فرقه بی نام و ننگ
من مگر فرزند زهرا نیستم
هست بهتر از همه، آب فرات
چون به خاک کربلا همدم بود
در جنان بهتر بود از سلسبیل
لاجرم از آب حیوان بهتر است
درد پی درمان عالم را دواست
زاده ی زهرا به هنگام ممات
گاه می فرمود: ای قوم العطش
از چه می گوید بر من کار، تنگ
یا مگر از آل طاهرا نیستم



کربلا ۳۰۹



• خیمه گاه (مُخِیم)

امام حسین علیه السلام روز پنجشنبه، دوم محرم سال ۶۱ به کربلا رسید و دستور داد خیمه‌ها را برپا کردند؛ امروزه مکان آن به «مُخِیم» یعنی خیمه‌گاه معروف است.



در میان خیمه‌های زیبای تو
خیمه‌های بوی عجیبی می‌دهند
خیمه‌های بوی اسیری می‌دهند
خیمه‌ها معناگر یک مطلبند
نالیه دارد خواهر شیدای تو
بوی جانشوز غریبی می‌دهند
خیمه‌ها بوی یتیمی می‌دهند
مظهر اوارگی زینبند



jabir.abbas@yahoo.com

• تلّ زینبیه

تلّ زینبیه سمت جنوب غربی (درب زینبیه)
صحن مطهر قرار دارد.

در ساره‌ی این جایگاه، در کتاب تاریخ و
جغرافیای کریمای معلی آمده است:

«حضرت زینب علیها السلام در روز عاشورا، برای آگاهی
بیشتر از اوضاع میدان و دیدن صحنه‌ی جنگ،
بارها از خیمه‌ها هراسان و نگران به این تپه که

مرتفع و مشرف بر میدان جنگ بود، تشریف
می‌آوردند و بسیار ناله و شیون سر می‌دادند.
چه سخت و طاقت فرسااست، دیدن
صحنه‌هایی که در آن فرزند امیرالمؤمنین علیه السلام،
حیدر کرار، قهرمان بدر و اخذ و خنین و برادر
رسول خدا صلی الله علیه و آله و جگرگوشه‌ی زهرا علیها السلام
متحمل این مصائب می‌شوند و اگر نبود دست
ولایتی که حضرت سید الشهدا علیه السلام بر سر و
سینه‌ی ایشان کشیدند، چگونه تحمل این
صحنه‌ها را تاب می‌آوردند؟





بر چهره تابنده زینب صلوات
بر منطق کوبنده زینب صلوات

در گریه به رخسار حسین خندید
بر گریه و بر خنده زینب صلوات

■ این مکان، یادواره حضرت زینب است که از بلندای آن وقایع جنگ را نظاره گر بود.

کای عنان گیر من، آیا زینبی؟ یا که آه دردمندان در شی؟
پیش پای عشق زنجیری مکن راه عشق است این عنانگیری مکن
با تو هستم جان خواهر همسفر تو به پا این راه کوبی من به سر
خانه سوزان را تو صاحب خانه باش با زنان در مهری مردانه باش
جان خواهر در غم زاری مکن با صدا بهرم عزاداری مکن
معجز از سر، پرده از رخ وامکن آفتاب و ماه را رسوا مکن
هست بر من ناگوار و ناپسند از تو زینب گر صدا گردد بلند
هرچه باشد تو علی را دختری ماده شیرا کی کم از شیر نری؟
با زبان زینبی شاه آنچه گفت با حسینی گوش، زینب می شنفت؟
گفت زینب در جواب آن شاه را کای فروزان کرده مهر و ماه را
عشق، را از یک مشیمه زاده ایم لب به یک پستان غم بنهاده ایم
تربیت بودست بر یک دشمنان پرورش در جیب یک آغوشمان
تا کنیم این راه را مستانه طی هر دو از یک جام خور دستیم می
هر دو در انجام طاعت کاملیم هر یکی امر دگر را حاملیم
تو شهادت جستی ای سبط رسول من اسیری را به جان کردم قبول

◀ عمان سامانی

خواهرش بر سینه و بر سر زنان رفت تا گیرد برادر را عنان
سیل اشکش بسته بر شه راه را دود آهشی کرد حیران ماه را
در قفای شاه رفتی آن زمان بانگ مهلا مهلا اش بر آسمان
کی سوار سرگران کم کن شتاب جان من لختی سیل تر زن رکاب
تا بیوسم آن رخ دلجوی تو تا ببویم آن شکنج موی تو
شه سراپا گرم شوق و مست ناز گوشه چشمی به آن سو کرد باز
دید مشکین مویی از جنس زنان بر فلک دستی و دستی بر عنان
زن مگو، مرد آفرین روزگار زن مگو بنت الجلال اخت الوقار
زن مگو، خاک درش نقش جبین زن مگو دست خدا در آستین
باز دل بر عقل می گیرد عنان اهل دل را آتش اندر جان زنان
همتی باید قدم در راه زن صاحب آن خواه مرد و خواه زن
غیرتی باید به مقصد رهنورد خانه پرداز جهان چه زن چه مرد
شرط راه آمد نمودن قطع راه بر سر رهرو چه معجز چه کلاه
پس ز جان بر خواهر استقبال کرد تا رُخش بوسد الف را دال کرد
همچو جان خود در آغوش کشید این سخن آهسته در گوش کشید

• زیارت عاشورا

السَّلامُ عَلَیْكَ یا ابا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْكَ یا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ (السَّلامُ عَلَیْكَ یا خَیْرَةَ اللَّهِ وَابْنَ خَیْرَتِهِ)، السَّلامُ عَلَیْكَ یا بَنَ امیرِ الْمُؤْمِنِینَ وَابْنَ سَیِّدِ الْوَصِیِّیْنَ، السَّلامُ عَلَیْكَ یا بَنَ فَاطِمَةَ سَیِّدَةِ نَسَاءِ الْعَالَمِینَ، السَّلامُ عَلَیْكَ یا ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ وَالْوَتَرَ الْمُوتُورَ، السَّلامُ عَلَیْكَ وَعَلَى الْأَرْواحِ الَّتِی حَلَّتْ بِفَنائِكَ عَلَیْكُمْ مِنْی جَمِیعاً سَلامُ اللَّهِ أَبَداً ما بَقِیتُ وَبَقِیَ اللَّیْلُ وَالنَّهَارُ، یا ابا عَبْدِ اللَّهِ لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِیَّةُ وَجَلَّتْ وَعَظُمَتِ الْمُصِیْبَةُ بِكَ عَلَینَا وَعَلَى جَمِیعِ أَهْلِ الْإِسْلامِ وَجَلَّتْ وَعَظُمَتِ مُصِیْبَتُكَ فِی السَّمَاوَاتِ عَلَى جَمِیعِ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ، فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَسَّسَتْ أَساسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَیْكُمْ أَهْلَ الْبَیْتِ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً دَفَعَتْكُمْ عَنْ مَقامِكُمْ وَأَزالتْكُمْ عَنْ مَراتِبِكم الَّتِی رَتَّبَكم اللَّهُ فِیها، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكُمْ وَلَعَنَ اللَّهُ الْمُمَهِّدِینَ لَهُمْ بِالْتَمَكِینِ مِنْ قِتالِكم، بَرِئتُ إِلَى اللَّهِ وَالِیْكم مِنْهُمْ وَمِنْ أَشیاعِهِمْ وَاتِّباعِهِمْ وَأَوْلِیائِهِمْ، یا ابا عَبْدِ اللَّهِ ائِنِّی سَلمُ لِمَنْ سَالمَكم وَحَرَبُ لِمَنْ حارَبَكم إِلَى یَوْمِ الْقِیامَةِ، وَلَعَنَ اللَّهُ آلَ زِیادٍ وَآلَ مَروانَ، وَلَعَنَ اللَّهُ بَنی أُمَیَّةَ قاطِبَةً، وَلَعَنَ اللَّهُ ابْنَ مَرْجانَةَ، وَلَعَنَ اللَّهُ عُمَرَ بْنَ سَعْدٍ، وَلَعَنَ اللَّهُ شَمراً، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَسْرَجَتْ وَالْجَمَّتْ وَتَنَقَّبَتْ لِقِتالِکَ، یا بَیُّ أَنْتَ وَامِی لَقَدْ عَظُمَ

مُصَابِي بِكَ فَاسْأَلِ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَ مَقَامَكَ وَأَكْرَمَنِي أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِكَ مَعَ إِمَامٍ مَنْصُورٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي عِنْدَكَ وَجِيهًا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ إِنِّي اتَّقَبَرُ إِلَى اللَّهِ وَالْإِلَى رَسُولِهِ وَالْإِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْإِلَى فَاطِمَةَ وَالْإِلَى الْحَسَنِ وَالْإِلَى بَنِيهِ بِمُؤَلَّاتِكَ وَبِالْبِرَاةِ) مَنْ قَاتَلَكَ وَنَصَبَ لَكَ الْحَرْبَ وَبِالْبِرَاةِ مَنْ أَسَسَ أَسَاسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَيْكُمْ وَابْرَأَ إِلَى اللَّهِ وَالْإِلَى رَسُولِهِ) مَنْ أَسَسَ أَسَاسَ ذَلِكَ وَبَنَى عَلَيْهِ بَنِيَانَهُ وَجَرَى فِي ظُلْمِهِ وَجُورِهِ عَلَيْكُمْ وَعَلَى أَشْيَاعِكُمْ، بَرَأْتُ إِلَى اللَّهِ وَالْإِلَى اللَّهُمَّ مِنْهُمْ وَاتَّقَبَرُ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ إِلَيْكُمْ بِمُؤَلَّاتِكُمْ وَمُؤَلَّاتِهِمْ وَلِيَكُمْ وَبِالْبِرَاةِ مِنْ أَعْدَانِكُمْ وَالنَّاصِبِينَ لَكُمْ الْحَرْبَ وَبِالْبِرَاةِ مِنْ أَشْيَاعِهِمْ وَاتَّبَاعِهِمْ، إِنِّي سَلِمَ لِمَنْ سَالَمَكُمْ وَحَرْبَ لِمَنْ حَارَبَكُمْ وَوَلِيَّ لِمَنْ وَالَاكُمْ وَعَدُوَّ لِمَنْ عَادَاكُمْ فَاسْأَلِ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَنِي بِمَعْرِفَتِكُمْ وَمَعْرِفَةِ أَوْلِيَانِكُمْ وَرَزَقَنِي الْبِرَاةَ مِنْ أَعْدَانِكُمْ أَنْ يَجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَنْ يُثَبِّتَ لِي عِنْدَكُمْ قَدَمَ صَدُقٍ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَسْأَلُهُ أَنْ يُبَلِّغَنِي الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ وَأَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِي مَعَ إِمَامٍ هُدًى ظَاهِرٍ نَاطِقٍ بِالْحَقِّ مِنْكُمْ وَأَسْأَلِ اللَّهَ بِحَقِّكُمْ وَبِالشَّانِ الَّذِي لَكُمْ عِنْدَهُ أَنْ يُعْطِيَنِي بِمُصَابِي بِكُمْ أَفْضَلَ مَا يُعْطَى مُصَابًا بِمُصِيبَتِهِ مُصِيبَةً مَا أَعْظَمَهَا وَأَعْظَمَ رَزَقَتَهَا

فِي الْإِسْلَامِ وَفِي جَمِيعِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِي مَقَامِي هَذَا مِنْ تَنَالِهِ مِنْكَ صَلَوَاتٍ وَرَحْمَةٍ وَمَغْفِرَةٍ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَحْيَا مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَمَمَاتِي مِمَّا تُمَاتُ مُحَمَّدٌ وَآلُ مُحَمَّدٍ، اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا يَوْمٌ تَبَرَكْتَ بِهِ بَنُو أُمِّيَّةٍ وَابْنُ أَكَلَةِ الْأَكْبَادِ اللَّعِينِ ابْنُ اللَّعِينِ عَلَى لِسَانِكَ وَلِسَانِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي كُلِّ مَوْطِنٍ وَمَوْقِفٍ وَقَفَ فِيهِ نَبِيُّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، اللَّهُمَّ الْعَنِ أَبَا سَفِيَّانَ وَمُعَاوِيَةَ وَيَزِيدَ ابْنَ مُعَاوِيَةَ عَلَيْهِمْ مِنْكَ اللَّعْنَةُ أَبَدَ الْأَبَدِينَ، وَهَذَا يَوْمٌ فَرَحْتُ بِهِ آلُ زِيَادٍ وَآلُ مَرْوَانَ بِقَتْلِهِمُ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ، اللَّهُمَّ فَضَاعِفْ عَلَيْهِمُ اللَّعْنَ مِنْكَ وَالْعَذَابِ (الْأَلِيمِ) اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَفِي مَوْقِفِي هَذَا وَأَيَّامِ حَيَاتِي بِالْبَرَاءَةِ مِنْهُمْ وَاللَّعْنَةِ عَلَيْهِمْ وَبِالْمَوَالَةِ لِنَبِيِّكَ وَآلِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ

■ سپس صد مرتبه می گوئی:

اللَّهُمَّ الْعَنِ أَوَّلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَآخِرَتَابِعٍ لَهُ عَلَى ذَلِكَ، اللَّهُمَّ الْعَنِ الْعِصَابَةَ الَّتِي جَاهَدَتْ الْحُسَيْنَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَشَابِعَتْ وَبَايَعَتْ وَتَابَعَتْ عَلَى قَتْلِهِ، اللَّهُمَّ الْعَنْهُمْ جَمِيعاً

■ و بعد صد مرتبه هم این فراز را می گوئی:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِقَبَائِكَ عَلَيْكَ مِنْ سَلَامِ اللَّهِ أَبَدًا

مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَلَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَتِكُمْ،
السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَعَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَعَلَى أَوْلَادِ الْحُسَيْنِ وَعَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ،

■ سپس می گویند:

اللَّهُمَّ خُصَّ أَوَّلَ ظَالِمٍ بِاللَّعْنِ مِنِّي وَابْدَأْ بِهِ أَوْلَاثِي (الْعَنِ الثَّانِي وَالثَّالِثَ وَالرَّابِعَ
اللَّهُمَّ الْعَنِ يَزِيدَ خَامِساً وَالْعَنِ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ زِيَادٍ وَابْنَ مَرْجَانَةَ وَعُمَرَ بْنَ سَعْدٍ وَشِمْرًا
وَأَلَّ ابْنَيْ سَفِيَّانٍ وَأَلَّ زِيَادَ وَأَلَّ مَرْوَانَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ

■ آنگاه به سجده می روی و می گویند:

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدَ الشَّاكِرِينَ لَكَ عَلَى مُصَابِهِمُ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى عَظِيمِ رَزِيَّتِي
اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي شَفَاعَةَ الْحُسَيْنِ يَوْمَ الْوُرُودِ وَثَبَّتْ لِي قَدَمَ صَدَقٍ عِنْدَكَ مَعَ الْحُسَيْنِ وَأَصْحَابِ
الْحُسَيْنِ الَّذِينَ بَدَلُوا مَهْجَهُمْ دُونَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

■ ۱. دانشمند بی نظیر، مولی شریف شیروانی، در کتاب «الصدقات المشحونة» (ج ۲، ص ۱۹۹) از اسانید خود و ایشان به واسطه سلسله روایان، از امام هادی علیه السلام روایت کرده که حضرت فرمودند: اگر کسی قسمت لعن زیارت عاشورا را یک مرتبه بخواند و پس از آن ۹۹ بار جمله آخر آن، «اللهم العنهم جميعا» را بگوید مانند این است که لعن کامل را صد بار گفته است و نیز اگر سلام زیارت را یک مرتبه بخواند و سپس نود و نه بار، قرآن آخر آن را بگوید: «السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَعَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَعَلَى أَوْلَادِ الْحُسَيْنِ وَعَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ»، مانند این است که سلام کامل را، صد بار گفته است. ادب زائر علامه امینی، ترجمه روح الله ملکیان، ص ۸۱

تربت امام حسین علیه السلام

پیامبر اسلام ﷺ فرمود:
 الا و ان الإجابة تحت قبته،
 و الشفاء في تربته،
 و الأئمة من ولده

بدانید که اجابت دعا، زیر گنبد او (امام حسین) است.

و شفاء در تربت او،
 و امامان از فرزندان اویند.

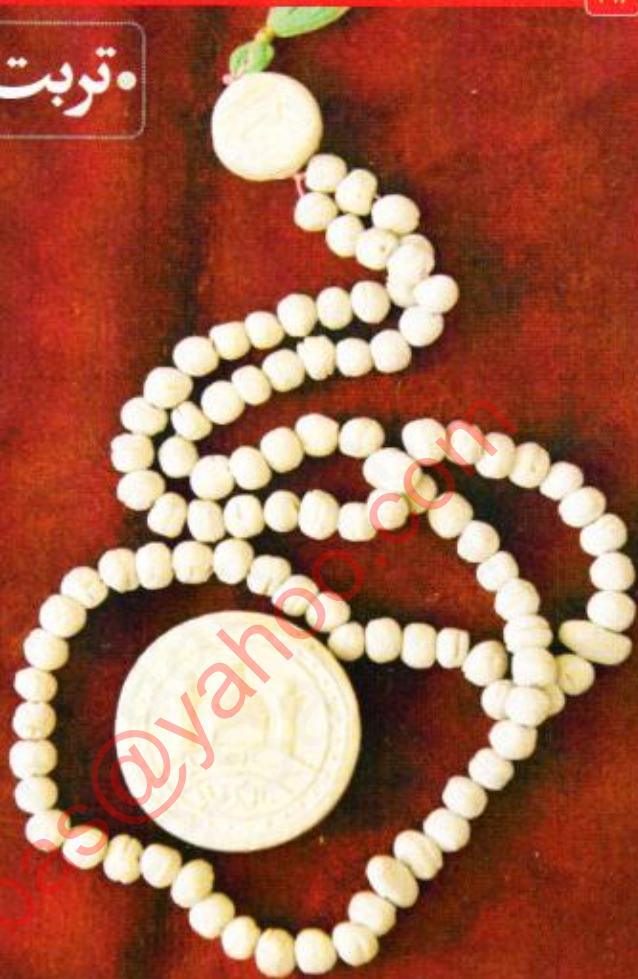
□ مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۳۵

حضرت امام کاظم ﷺ در ضمن حدیثی که
 از رحلت خویش خبر می داد، فرمود:

«و لا تأخذوا من تربتی شیئاً لتبرکوا به
 فان کل تربة لنا محرمة الا تربة جدی
 الحسین بن علی ؑ فان الله عزوجل
 جعلها شفاء لشیعتنا و اولیائنا».

چیزی از خاک قبر من برنارید، تا به آن
 تبرک جوئید، چرا که هر خاکی بر ما حرام
 است، جز تربت جدم حسین، که خداوند
 آن را، برای شیعیان و دوستان ما شفا قرار
 داده است.

□ جامع احادیث الشيعة، ج ۱۲، ص ۵۳۳



خاک قبر امام حسین (ع) آثار و احکام خاصی دارد:

۱. در نماز، سجده بر تربت امام حسین (ع) مستحب است و سبب افزایش ثواب نماز می‌شود.^۱
۲. خوردن هر نوع خاکی حرام است، به جز تربت حسینی که خوردن اندکی از آن به نیت شفا، جایز است.^۲
۳. برداشتن گام نوزادان، با تربت حسینی مستحب است.^۳
۴. حفظ احترام تربت لازم است و هرگونه بی‌احترامی به آن، حرام می‌باشد، از جمله: نجس کردن آن جایز نیست.
- انداختن آن در جایی که بی‌احترامی باشد، حرام است.
- اگر در جایی که بی‌احترامی باشد، بیفتد باید آن را بیرون آورد، حتی اگر در چاهی بیفتد؛ و بیرون آوردن تربت ممکن نباشد، در صورت امکان باید چاه را تعطیل کنند.
۵. مستحب است هنگام دفن میت، مقداری تربت همراه او گذاشته شود و با حنوط او نیز مخلوط کنند.^۴
۶. کالایی که به جایی می‌فرستند، مستحب است مقداری تربت هم همراه آن بگذارند، مثلاً "چپیزیه دختر".
۷. بوییدن و بوسیدن تربت امام حسین (ع) و بر چشم مالیدن آن مستحب است، و حتی دست کشیدن بر آن و مالیدن بر سایر اعضای بدن، ثواب دارد.
- از این مسائل برمی‌آید که مستحب است تمام زندگی همراه با تربت حسینی باشد، آغاز و ادامه و پایان.



۱. العروة الوثقی، ج ۱، فی مسجد الجبیه، ص ۶۴۶ م ۲۶
- توضیح المسائل، م ۱۰۸۳.
۲. توضیح المسائل، م ۲۶۲۸.
۳. تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۳۱۰، م ۲.
۴. حنوط: مقداری کافور که بر جاهای سجده میت می‌گذارند؛ بر پیشانی، کف دستها، سر زانوها و نوک انگشتان بزرگ پاها.



مدینه - تربت پاک شهدای احد و سیدالشهدای آنان
حمزه بن عبد المطلب، عموی پیامبر اسلام



• تسبیح تربت

• تاریخچه تسبیح تربت

پس از آنکه پیامبر اسلام ﷺ ذکرهای معروف را به دخترشان حضرت زهرا ﷺ آموختند، ایشان برای شمارش آن ذکرها، تسبیحی از نخ پشمین ساختند که به آن گره‌های متعدد زده بودند، پس از شهادت حضرت حمزه سیدالشهدا ﷺ در غزوہ احد حضرت زهرا ﷺ از تربت ایشان تسبیحی ساخته و به نخ کرده بودند و با آن تسبیحات را می‌گفتند، مردم نیز همین گونه عمل کردند، چون امام حسین ﷺ در کربلا به شهادت رسید، به خاطر فضیلت فراوان تربت او، این کار درباره تربت قبر آن امام شهید انجام گرفت.

ذکر گفتن با تسبیحی که از تربت امام حسین ﷺ ساخته شده و حتی همراه داشتن آن مستحب است، امام صادق ﷺ فرمود:

مَنْ كَانَ مَعَهُ سَبْحَةٌ مِنْ طِينِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ ﷺ
كُتِبَ مَسْجُحاً وَ إِنْ لَمْ يُسَبِّحْ بِهَا.

هر که تسبیحی از تربت قبر حسین ﷺ همراه داشته باشد، تسبیح گو نوشته می‌شود، هر چند با آن تسبیح نگوید.

❑ بحار الانوار، ج ۸۳، ص ۳۳۲.



کربلا - تربت پاک حضرت مہدالشہداء ابا عبد اللہ الحسین



در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: اگر تا یک میل (۱۸۰۰ متر) اطراف قبر آن حضرت خاک بردارند، احکام تربت امام حسین علیه السلام را دارد.

شبی در یک عبادتگاه مہری ز یاری با صفا آمد به دستم
چو گل بوییدم و بوسیدم آن را هنوز از عطر روح افزاش مستم
بدو گفتم کدامین خاک پاک کی که دل ای مہر بر مہر تو بستم
بگفتا تربت پاک حسینم که بر دامن احسانش نشستم
کمال ہمیشہ در من اثر کرد و گرنہ من همان خاکیم کہ ہستم
دکتر قاسم رضا

■ امام کاظم علیه السلام فرمود:

شیعہ ما از پنج چیز بی نیاز نیست: مسواک، شانه، سجادہ، تسبیح تربت و انگشتر عقیق.

■ امام رضا علیه السلام فرمود:

ہر کس با تسبیح تربت امام حسین علیه السلام این ذکر را بگوید:

سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ،

با ہر دانہ، خداوند برای او ۶۰۰۰ حسنہ می نویسد،

و ۶۰۰۰ گناہ از او محو می کند،

و ۶۰۰۰ درجہ او را بالا می برد،

و ۶۰۰۰ شفاعت برای او می نویسد.

■ بحار الانوار، ج ۸۳، ص ۳۳۶.

jabir.abbas@yahoo.com

● مقام امام صادق علیه السلام

در شمال حرم امام حسین علیه السلام، بعد از گذشتن از نهر الحسینیه به باغ‌هایی می‌رسیم که این زمین‌ها به جعفریات معروف هستند.

در انتهای این مسیر، و حدود ۳۰ متری نهر، زیارتگاهی وجود دارد که ادعا می‌شود، امام جعفر صادق علیه السلام هر گاه برای زیارت جدشان امام حسین علیه السلام به کربلا تشریف می‌آورد، این جا رحل اقامت می‌افکندند و پس از غسل در آب فرات، به زیارت ابا عبد الله الحسین علیه السلام می‌شتافتند. اما اثبات چنین ادعایی مشکل است.



اکنون این مکان توسعه یافته و حدود ۶۰۰ مترمربع زیر بنا دارد و سر در خوبی نیز برایش ساخته‌اند. در ابتدای ورود به مقام، حیاطی به وسعت ۳۵۰ مترمربع برای استراحت و پذیرایی از زوار در نظر گرفته‌اند.

بعد از انتفاضة شعبانیه در سال ۱۹۹۱ میلادی، صدام معدوم به قصد سرکوبی انقلابیون اقدام به تخریب اماکن مقدسه نمود و در این میان مقام امام صادق علیه السلام را نیز با خاک یکسان کرد. مقام قبلاً از یک ساختمان شش گوش تشکیل شده بود که گنبدی سبز رنگ داشت و مساحت آن از ۲۰ مترمربع تجاوز نمی‌کرد.

در سال ۱۹۹۴ میلادی، یکی از صاحبان زمین‌های اطراف مقام، به بازسازی و توسعه مقام اقدام کرد، اما از آن تاریخ به بعد، ساختمان همچنان به حال خود رها شده بود، چرا که مقام، درست پشت ساختمان‌های امنیتی و انتظامی رژیم صدام قرار داشت و آنان مانع زیارت زوار از این مکان می‌شدند.



گویم ز امام صادق این طرفه حدیث
تا شیعه او به لوح دل بنگارد
فرمود که بر شفاعت ما نرسد
آن کس که نماز را سبک بشمارد



jabir.abbas@yahoo.com

■ هنگامی که امام صادق (ع) به عراق تشریف آوردند، عذمای خدمت حضرت شرفیاب شده و عرض کردند: می‌دانیم تربت امام حسین (ع) موجب شفای هر دردی است؛ آیا باعث ایمنی از ترس و هراس هم هست؟ حضرت فرمودند: بله هرگاه کسی خواست که از هر یمی امان پیدا کند، تسبیحی از تربت سیدالشهدا را در دست بگیرد و سه مرتبه این دعا را بخواند:

أَصْبَحْتُ اللَّهُمَّ مُعْتَصِماً بِذِمَامِكَ وَجِوَارِكَ الْمَنِيِّ الَّذِي لَا يَطَاوُلُ وَلَا يَحَاوُلُ، مِنْ شَرِّ كُلِّ غَاشِمٍ وَطَارِقٍ مِنْ سَائِرٍ مَنْ خَلَقْتَ وَمَا خَلَقْتَ مِنْ خَلْقِكَ الصَّامِتِ وَالنَّاطِقِ فِي جَنَّةٍ مِنْ كُلِّ مَخُوفٍ بِلِبَاسِ سَابِغَةِ حَصِينَةٍ وَهِيَ وَلَا أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مُحْتَجِزاً مِنْ كُلِّ قَاصِدٍ لِي إِلَى أَذِيَّةٍ بِجِدَارِ حَصِينِ الْإِخْلَاصِ فِي الْإِعْتِرَافِ بِحَقِّهِمْ وَالتَّمَسُّكِ بِحَبْلِهِمْ جَمِيعاً، مُوقِناً أَنَّ الْحَقَّ لَهُمْ وَمَعَهُمْ وَمِنْهُمْ وَفِيهِمْ وَبِهِمْ أُولَى مَنْ وَالُوا وَعَادَى مَنْ عَادُوا وَأَجَانِبَ مَنْ جَانَبُوا، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاعْذِنِي اللَّهُمَّ بِهِمْ مِنْ شَرِّ كُلِّ مَا اتَّقِيهِ، يَا عَظِيمَ حَزَنَتِ الْأَعَادَى عَنِّي بِبَدِيعِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، إِنَّا جَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدّاً وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدّاً فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ

■ پس تسبیح را ببوسد و برچشمان خود بمالد و بگوید:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذِهِ التُّرْبَةِ الْمُبَارَكَةِ وَبِحَقِّ صَاحِبِهَا وَبِحَقِّ جَدِّهِ وَبِحَقِّ أَبِيهِ وَبِحَقِّ أُمِّهِ وَبِحَقِّ أَخِيهِ وَبِحَقِّ وَلَدِهِ الطَّاهِرِينَ، اجْعَلْهَا شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَأَمَاناً مِنْ كُلِّ خَوْفٍ وَحِفْظاً مِنْ كُلِّ سُوءٍ

• سایر اماکن و مقامات کربلا

■ در مناطق مختلف کربلا مقام‌هایی دیده می‌شود که برای تبرک و به یاد ائمه اطهار علیهم‌السلام و امام‌زادگان بنا شده‌اند. تاریخ بنای این مقام‌ها، از یکی دو قرن اخیر تجاوز نمی‌کند و در منابع تاریخی سلف هم ذکری از آنها نشده است. احداث این مقامات گویا فقط بهانه‌ای برای تذکار و یادمان بوده ولی امروزه متولیان مقام‌ها، آن را به معنی حضور شخصیتی که مقام به نام اوست، در مقام یاد شده می‌دانند، در حالی که اثبات چنین ادعایی کار آسانی نیست.



داد. عمر سعد گفت: من در کوفه بر جان افراد خانواده‌ام از خشمم این زیاد بی‌مناکم و می‌ترسم آنها را از دم شمشیر بگذرانم. حضرت وقتی که مشاهده کرد عمر سعد از تصمیم خود باز نمی‌گردد، از جای برخاست در حالی که می‌فرمود: تو را چه می‌شود؟ خداوند جانت را در بستر بگیرد و تو را در قیامت بیاورد به خدا سوگند من می‌دانم که از گندم عراق بخوابی خورد!

۱. تراث کربلا ص ۱۲۹.
۲. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۸۸.

محل ملاقات

امام حسین علیه‌السلام با عمر بن سعد
این بنا که در محله باب السلام، قرار دارد، به یادبود ملاقات حضرت امام حسین علیه‌السلام با عمر بن سعد، فرمانده لشکریان یزید، بنا شده است.

تاریخ بنای این یادبود را سال ۱۱۱۳ هجری ذکر کرده‌اند.

امام حسین علیه‌السلام مردی از یاران خود را نزد عمر سعد فرستاد و از او خواست تا شب هنگام در فاصله دو لشکر با هم ملاقاتی داشته باشند.

در این ملاقات، هر یک که امام حسین علیه‌السلام می‌فرمود: آیا می‌خواهی بسا من مقاتله کنی؟ عمر بن سعد بهانه‌هایی می‌آورد. یک بار گفت: می‌ترسم خانه‌ام را خراب کنند! امام حسین علیه‌السلام فرمود: من خانه‌ات را می‌سازم! این سعد گفت: می‌ترسم اموال و امام‌زاده‌ها را بکشد! فرمود: من بهتر از آن را از اموالی که در حجاز دارم، به تو خواهم



مقام علی اصغر

و ما رماء اذ رماء خرمله
و ائما رماء من مهمله
سهم ائی من جانب النقیه
و قوسه علی يد الخلیفه
سروده مرحوم آیه الله غروی اصفهانی



مقام علی اکبر

اَنَا عَلِيٌّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ
نَحْنُ وَ رَبُّ الْبَيْتِ أَوَّلَى بِالْبَيْتِ
تَاغَهُ لَا يَحْكُمُ فِينَا ابْنُ الدَّعَى
اضْرِبْ بِالْكَفِّ أَحَامِسَ عَنْ أَبِي
ضَرْبُ غُلَامٍ هَاشِمِيٍّ عَلَوِيٍّ



مقام امام موسی کاظم

در نواحی مختلف کربلا مقام‌هایی دیده می‌شود که برای تبرک و به یاد ائمه اطهار بنا شده و این بنا که در کوچه‌های فرعی محله باب السلام قرار دارد، به یادبود امام کاظم علیه‌السلام بنیانگذاری شده است.

• مقام شیر فضه



این جایگاه که در بین الحرمین در بازار مسگرها واقع شده، به مقام شیر فضه معروف است. متولیان این مقام می‌گویند این جا، مکانی است که فضه خدمتگذار حضرت زهرا (ع)، با شیری که بعد از عاشورا از جسد امام حسین (ع) و شهدای کربلا، محافظت می‌کرده، ملاقات داشته است. از بعضی کتب تاریخی و روای نیز برای آن سند ذکر کرده‌اند. اما بررسی‌ها، این واقعه را و علی‌الخصوص مکان این رویداد را با تردید جدی روبرو کرده است.

سایت دانشکده علوم حدیث، به بررسی و صحت و سقم روایتی که در کتاب کافی آمده پرداخته است. روایت چنین است:

...الحسین بن محمد، قال: حدثني أبو كريب و أبو سعيد الأشج، قال: حدثنا عبدالله بن إدريس عن أبيه إدريس بن عبدالله الأودي، قال: لما قتل الحسين (ع) أراد القوم أن يوطئوه الخيل، فقالت فضة لزئيب: يا سيدتي، إن سفينة كسر به في البحر فخرج إلى جزيرة فإذا هو بأسد، فقال: يا أبا الحارث، أنا مولی رسول الله فهمهم بين يديه حتى وقفه

على الطريق و الأسد را بضع في ناحية فدعيني أمضي إليه و أعلمه ما هم صانعون غذا، قال: فمضت إليه، فقالت: يا أبا الحارث، فرقع رأسه ثم قالت: أتدري ما يريدون أن يعملوا غذا بأبي عبدالله؟ يريدون أن يوطئوا الخيل ظهره، قال: فمشي حتى وضع يديه على جسد الحسين (ع)، فأقبلت الخيل، فلما نظروا إليه قال لهم عمر بن سعد - لعنه الله -: فتنه لا تثيروها انصرفوا، فانصرفوا؛

■ اصول کافی ج ۱، ص ۵۶۴ ح ۸

کلینی از روایان نقل کرده است: «آن گاه که امام حسین (ع) به شهادت رسید دشمنان خواستند اسب بر بدنش بنازند؛ فضه به زئیب (ع) گفت: ای خاتون من، سفینه، غلام رسول خدا (ص) در سفر دریا بر کشتی سوار بود، کشتی شکست و او به جزیره‌ای پناه برد، ناگاه شیری را دید، به شیر گفت: من غلام رسول خدا (ص) هستم، شیر همه‌چیز را در جلوی او به حرکت افتاد تا راه را به وی نشان داد و آن شیر اکنون در ناحیه‌ای آرمیده است، به من اجازه دهید نزد شیر بروم و به او بگویم که آنان فردا می‌خواهند چه کنند؟ پس فضه نزد شیر رفت و به او گفت: می‌دانی اینان فردا می‌خواهند با ابی عبدالله (ع) چه کنند؟ می‌خواهند اسب بر بدنش بنازند؛ آن گاه شیر برخاست، آمد و دستپایش را بر جسد امام حسین (ع) گذاشت، پس اسب سواران دشمن به سوی جسد آمدند، هنگامی که شیر را دیدند این سعد - لعنت خدا بر او باد - به آنان گفت: این یک فتنه است، آن را برنجانید و بر گردید؛ پس آنان برگشتند».

بررسی روایت:

این روایت علاوه بر آنکه از هیچ معصومی نقل نشده، اشکالات سدی زیر را هم دارد:

۱. مصدر اصلی روایت روشن نیست، چون ناقل این داستان که ادريس بن عبدالله یا ادريس بن يزيد است، از اصحاب امام صادق (ع) است و فرزند او عبدالله بن ادريس هم در سال ۳۹۱ فوت کرده است؛ بنابراین وی خود شاهد قصه نبوده است.

۲. روایان این نقل همه افراد ناشناخته‌ای هستند که نمی‌توان به آنها اعتماد کرد.

۳. متن روایت هم اشکالات جدی و اساسی دارد.

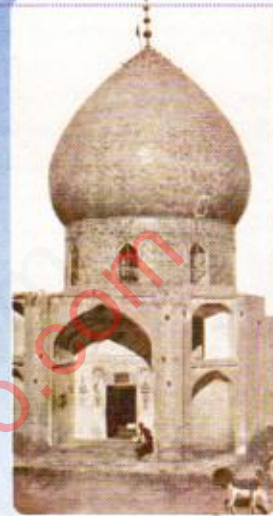
• حَرَبَن یزید ریاحی



◀ طرح بارگاه جدید حَرَبَن که در حال اجراست



◀ بارگاه قبلی حَرَبَن که تخریب شده است



◀ قدیمی ترین عکس از بارگاه حَرَبَن



● علت دوری حرم حرّ از سایر شهدا

حرم حرّ بن یزید ریاحی، در منطقه «حرّ» به فاصله ۶، ۷ کیلومتری شمال غربی کربلا قرار دارد و سبب این دوری، آن است که پس از عاشورا، وقتی که طایفه بنی‌الریاحی شنیدند که لشکریان عمر سعد می‌خواهند اجساد مقدّسه شهدا را پای‌مال سم ستوران کنند، بدن مقدّس حرّ را بردند و در یک فرسخی در جایی که در قدیم به آن «نواویس» می‌گفتند دفن کردند، که پای‌مال سم ستوران نشود.^۱ بنای آغازین عمارت مرقد حرّ، به وسیله شاه اسماعیل صفوی، صورت گرفت. وی دستور داد قبر حرّ را نبش کردند و دیدند جسد حرّ سالم است و دستمالی را که امام حسین (ع) به پیشانی او بسته، هنوز موجود است. شاه اسماعیل آن دستمال را باز کرد؛ خون تازه از جای آن جاری شد و با هیچ دستمال دیگری بند نیامد، سرانجام ناچار شدند همان دستمال را ببندند. همان جا شاه اسماعیل صفوی دستور داد حرم حرّ را بسازند. حرّ، دو مرتبه در زیارت رجبیه و یک مرتبه در زیارت ناحیه مقدّسه، به فیض سلام امام زمان (ع) نایل گشته است.

۱. منتخب التواریخ، ص ۳۱۰



سپاه عمر سعد، او را هدف تیرها قرار داد. سرانجام این قهرمان بزرگ و حماسه‌ساز، توسط «یوب بن مسرح» و کمانداران عمر سعد به شهادت رسید. امام حسین (ع) پیش از شهادت حرّ، بر بالینش امده سرش را به دامن نهاد و خطاب به او فرمود: تو همان کونه که مادرت، نامت را حرّ گذاشته است. حرّ و آزادمای، آزاد در دنیا و سعادت‌مند در آخرت! «أنت حرّ کما سمّکت أمک، و أنت حرّ فی الدنیا و أنت حرّ فی الاخرة» و دست بر چهره‌اش کشید و سرش را با دستمالی بست.

● «حرّ» نجیب و آزاده

«حرّ»، فرزند یزید بن ناجیه ریاحی، منسوب به طایفه «بنی تمیم»، بزرگ قبیله و جزء سران کوفه محسوب می‌شد. در سال ۶۰ هجری قمری، عبیدالله بن زیاد او را به فرماندهی ۱۰۰۰ نفر از نیروهای قبایل تمیم و همدان منصوب کرد. وی بعد از این‌سعد، مهمترین شخصیت سپاه کوفه در جنگ کربلا بود و مأموریت داشت که راه را بر امام (ع) بسته و مانع حرکت حضرت شود؛ اما زمانی که به سپاه امام (ع) رسید، حضرت او و همراهانش را که تشنه بودند، سیراب کرد؛ در صورتی که می‌دانست آنها دشمن هستند این جوانمردی امام (ع) باعث تحوّل روحی حرّ شد به طوری که این‌سعد روز هشتم محرم او را از منطقه «ذوحسم» فرا خواند و از فرماندهی عزل نمود و به ناحیه دیگری در همان منطقه فرستاد. روز عاشورا حرّ تصمیم نهایی خود را گرفت و به بهانه آب دادن به اسب، از سپاه ابن‌سعد جدا شد و به سپاه سیدالشهدا (ع) پیوست. سپس اذن میدان طلبید. حرّ با اذن امام حسین (ع) به میدان رفت و در خطابهای مؤثر، سپاه کوفه را به خاطر جنگیدن با امام حسین (ع) توبیخ کرد. چیزی نمانده بود که سخنان او، گروهی از سربازان عمر سعد را تحت تأثیر قرار داده از جنگ با امام حسین (ع) منصرف سازد، که

jabir.abbas@yahoo.com

• زیارتنامه حرّ

السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ، السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُجَاهِدُ النَّاصِحُ، السَّلامُ عَلَيْكَ
يَا مَنْ وَفَى بِالسَّعَادَةِ الرَّابِحَةِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ نَكَثَ بَيْعَةَ يَزِيدَ وَقَدَّى بِرُوحِهِ
لِلْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ، السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْبَطْلُ الصَّنْدِيدُ، السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْفَارِسُ الشُّجَاعُ،
السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْبَطْلُ الْمَنَاعُ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ تَرَكَ الطُّغْيَانَ، وَأَطَاعَ الْوَاحِدَ الدِّيَانَ،
وَدَخَلَ فِي طَاعَةِ الرَّحْمَنِ، وَقَدَّى بِرُوحِهِ لِلْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ الْغَرِيبِ الْعَطْشَانَ، وَصَالَ
عَلَى الْغُدُوانِ، وَهَوَى صَرِيحاً عَلَى التُّرْبَانِ، وَحَظَى بِالْخُلْدِ وَالْجَنَانِ وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ،
السَّلامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ قَدَّى بِنَفْسِهِ لِابْنِ الرَّسُولِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا مُجَاهِداً دُونَ ابْنِ الْبَتُولِ،
السَّلامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ ثَبَتَ لِلطُّغْيَانِ وَضْرِبَ السُّيُوفِ السَّلامُ عَلَيْكَ وَ عَلَى وَلَدِكَ الْمَقْتُولِ،
السَّلامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ بَكَاهُ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلامُ وَقَالَ: مَا أَخْطَأْتُ أَمْلَكَ إِذْ سَمَّيْتُكَ الْحُرَّ،
فَأَنْتَ حُرٌّ فِي الدُّنْيَا وَسَعِيدٌ فِي الْآخِرَةِ، فَيَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَكَ فَافُوزُ مَعَكَ كَمَا فُزْتُ مَعَ
الْحُسَيْنِ وَأَصْحَابِ الْحُسَيْنِ، وَالسَّلامُ عَلَيْكَ يَا حُرَّ بْنَ يَزِيدَ الرِّياحِيِّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

● عون بن عبدالله

ایا این مزار که در دو فرسخی حرم مطهر است، مزار «عون بن عبدالله بن جعفر طیار» فرزند حضرت زینب علیها السلام است؟

مرحوم آیه الله حاج میرزا هاشم خراسانی در کتاب «منتخب التواریخ» (ص ۳۱۰)، چند احتمال داده از جمله اینکه: عون در جنگ و گریز با لشکریان به این نقطه رسیده و در این جا لشکریان بر او هجوم آورده و او را شهید کرده اند و در همین موضع هم دفن شده است.

هرچند در ایوان ورودی این مزار هم، زیارت نامه عون بن عبدالله بن جعفر، فرزند حضرت زینب علیها السلام ذکر شده، ولی این قبر مربوط به عون بن عبدالله بن جعفر بن مرعی است که با ۱۲ واسطه، به امام حسن مجتبی علیه السلام می رسد. وی سید جلیل القدری بود که پیوسته ملازم جابر حسینی بود. او باغ و مزرعه ای در این مکان داشت آخرین بار که برای سرکشی به باغش آمد، در همین جا که باغ او بوده، از دنیا رفت و به خاک سپرده شد.



◀ مرقد عون بن عبدالله، ۱۱ کیلومتری بزرگراه کربلا - بغداد

□ مرقد المعارف، حرزالدین، ج ۲، ص ۱۴۱



● اخرس بن الکاظم

محمد ابن ابی الفتح اخرس، از نوادگان حضرت موسی بن جعفر علیه السلام است که بقعلاش در حومه کربلا، در محله ای به نام «الایتر» قرار دارد. وی جداعلای خاندان معروف و عالم پرور آل خراسان است که بیشتر در نجف ساکن هستند.



● علی ابن حمزه

علی بن حمزه بن حسن بن عبدالله، نواده حضرت ابوالفضل علیه السلام و از امام زادگان ولایمقام است. آرامگاهش در ابتدای بزرگراه کربلا - طبرج قرار دارد.



● سید احمد ابو هاشم

وی، از نوادگان امام کاظم علیه السلام است که در سال ۷۴۵ هجری وفات یافت و مرقدش در ۲۵ کیلومتری شمال غربی کربلا در محلی به نام «شفاانا» قرار دارد که امروزه آن را به نام «رأس العین» می شناسند. در میان اعراب بیابانی، بسیار معروف است و آنان همواره به او پناه آورده و نذر می کنند.

jabir.abbas@yahoo.com

• طفلان مسلم

ارامگاه باصفای طفلان حضرت مسلم، ۴۰ کیلومتری شمال شرقی کربلا، در میانه بزرگراه بغداد - کربلا در کنار شهر «مُسیب» قرار دارد.

وقتی دو فرزند مسلم، به نام‌های محمد و ابراهیم، به کمک مشکور زندانیان از زندان ابن زیاد گریختند، شب را به خانه زنی پناه آوردند. شوهر این زن، حارت بود و برای پیدا کردن دو کودک، بسیار تلاش کرده بود؛ شب که به خانه آمد و متوجه شد دو کودک فراری در خانه وی هستند، صبح سر آن دو را جدا کرد و بدنشان را به فرات انداخت و سرشان را پیش ابن زیاد برد تا جایزه بگیرد. ابن زیاد هم وقتی وضع را آن گونه دید، دستور داد گردن خود او را در همان محلی که طفلان مسلم را به شهادت رسانده بود، جدا کنند.

علاقه‌مندان از کشورهای گوناگون و مناطق مختلف عراق، برای زیارت به حرم طفلان مسلم مشرف می‌شوند.

بود در کوفه روان همراه مسلم دو پسر
آن یکی غیرت خورشید و دیگر رشک قمر
بعد از کشتن مسلم زحفا ابن زیاد گفت گم گشته زمسلم دو صغیر ناشاد
دامن آگهی هرکه به دستم افتاد خانه عمر و را می‌دهم از کینه به باد
قاضی این دید و بسی خوف از آن ملعون کرد
نیمه شب آن دو مه از خانه خود بیرون کرد
آن دو مظلوم پدر مرده به صد ناله و آه راه صحرا بگرفتند و فتادند به راه
لیک از خوف به هرگاه در آن شام سیاه می‌نمودند دوصد بار به اطراف نگاه
قطع ننموده هنوز آن قدری راه امید کآسمان جامه جان چاک زد و صبح دمید
پی آن هردو فرستاده بدی ابن زیاد ظالمی چند از آن طایفه کفر نهاد
چشم یک‌کافری آن گاه برایشان افتاد بست محکم کمر کینه و بازو بگشاد
سیلی چند برایشان بزد آن نسل حرام بسرد در نزد عبیدالله و بگرفت انعام
آن ستمگر چو بدید آن دو مه تابان را کرد از کینه طلب مشکوی زندانیان را
آب و نان گفت که کمتر بدهد ایشان را تا سپارند به زندان مشقت جان را
آنکه آن بی خبر از کار به صد رنج و محن زدنشان کنند به پا و غلشان درگردن
چندی آن هردو در آن گوشه زندان بودند مضطرب حال و دل افکار و پریشان بودند
تشنه و گرسنه و خسته و نالان بودند هر دو از شدت غم قالب بی جان بودند



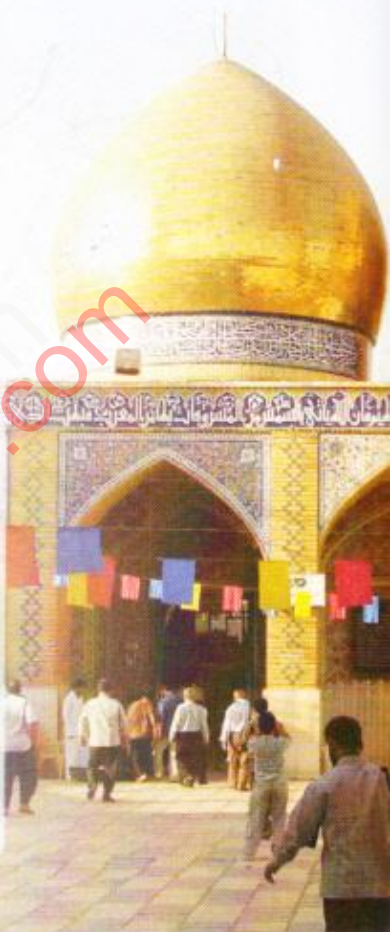
اندر آن حال بدند آن دو گرفتار ملول
 روز در روزه و شبها به عبادت مشغول
 گفت مستحفظشان کای دو گرفتار حقیر
 کیستید و به جهان چیست شما را تقصیر
 اندر این گوشه زندان زره کینه اسیر
 به چه تقصیر و گنه کرده شما را زنجیر
 هردو گفتند از این جرم نه ما آگاهیم
 جرم ما آنکه ز اولاد رسول اللهم
 شد چو آگاه ز احوال اسیران محن
 گفت گر این زیادم ببرد سر از تن
 بنمایم به شما جور و جفا دیگر من
 با دل شاد شما را برسانم به وطن
 بروید ای به فدای رخ همچون مهتاب
 این شما این ره بطحا و خدا هم‌رهتان
 آن دو مظلوم در آن ظلمت شب بهر فرار
 رو نهادند به ره سینه سوزان دل زار
 راه صحرا بگرفتند همی در شب تار
 بس دویدند در آن ظلمت شب بر سر خار
 پای آن هردو در آن بادیه پر آبله شد
 صبح گردید عیان و نه عیان قافله شد
 آن دو مه روی چو از مهر جهان شد روشن
 بنمودند لب چشمه آبی مکن
 زنی آمد که برد آب در آن دشت محن
 از قضا بود کنیز زن حارث آن زن
 چشم آن زن به لب چشمه برایشان افتاد
 برسد در خانه و بر دست زن حارث داد
 زن حارث چو نظرشان ز ره یاری کرد
 پای پر آبله شان دید و بسی زاری کرد
 گریه برحالتشان از ره غمخواری کرد
 بهر هر آبله شان از مژه خون جاری کرد
 بعد از آن چاره کار دل بی تاب نمود

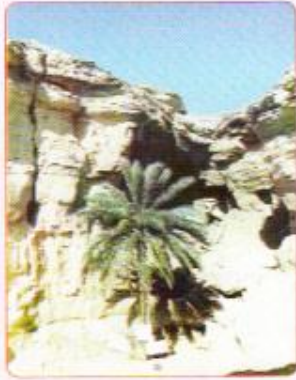


هر دو را برد به یک خانه و در خواب نمود
 حارث آن روز در آن دشت به صد حیلهوری
 تاخت اسب از پی ایشان و نجست او اثری
 اسب خود کشت ز بس گشت به هر رهگذری
 باز گردید سوی خانه نه او را خبری
 که به کاشانه اش امروز چه بیداد شود
 صید را چون اجل آید سوی صیاد شود
 آن ستمگر چو دو نوباوه مسلم بشناخت
 گیسوی هر دو به هم بست و به یکسو انداخت
 تا سحر نرد جفا و ستم و کین می‌باخت
 از پی کشتنشان اسب تخیل می‌تاخت
 هر دو را بست و بیاورد لب شط فرات
 تا که شد صبح خور از ظلمت شب یافت نجات
 داد شمشیر جفا را به غلام آن بی دین
 که بزَن گردن این هر دو به یک ضربت کین
 او نکشت و به پسر بعد نمود امر چنین
 تیغ افکند پسر همچو غلامش به زمین
 آنکه از خوف به حارث چه بگویند جواب
 خویش را هر دو فکسند بیکباره در آب
 این روش تلخ بر آن کافر غدار آمد
 روز روشن به دو چشمش چو شب تار آمد
 پی خونریزی آن هر دو دل افگار آمد
 در غضب رفت و به کف خنجر و خونخوار آمد
 بستشان محکم و آن هر دو به هم جسانید
 تا ببرد سرشان پهلوی هم خوابانید
 پس محمد دل پر حسرت و احوال ملول
 گفت ای کافر غافل ز خدا و ز رسول
 حال کز کشتن ما خوف نداری ز بتول
 التماس است مرا گر بنمائی تو قبول
 اولاً گوش به این خسته دل نالان کن
 بعد هر ظلم که از دست تو آید آن کن

ظالما ما به سر سفره احسان توئیم
 بسند برادر ز ما بنده فرمان توئیم
 بی‌پناهییم و در این بادیه مهمان توئیم
 تا نگوئی به جهان مایه نقصان توئیم
 گیسوی ما بتراش و بنما حلقه به گوش
 بسبر آن گه سر بازار تو ما را بفروش
 این هم از نیست قبول و سرکین داری باز
 وقت مرگ است بده مهلتی از بهر نماز
 داد اذن و پس از آن مهر و مه ملک حجاز
 رو سوی قبله نمودند پی راز و نیاز
 گناه خم بهر رکوع آندو در بحر وجود
 گناه برخاک نهادند رخ از بهر سجود
 راست گردید چو از سجده ثانی سرشان
 تیغ بگرفت که در خون فکند پیکرشان
 آن ستم پیشه نبخشید به چشم ترشان
 آشنا خنجر کین کرد چو بر حنجرشان
 پس محمد به صد افسون به حارث رو کرد
 سختی گفت که خون در دل آن بدخو کرد
 گفت در روز برون آمدن ما ز وطن
 آمد اندر سرده اشک غم اندر دامن
 مادر غمزه ما به صد افسوس و محن
 دست این طفل گرفته است و سپرده است به من
 خواب او را به وطن در بر مادر بردم
 طفلش شش ساله او در بر خواهر بردم
 آه و صد آه که حارث پس از آن گفت و شنید
 از ره کین زکمر خنجر بیداد کشید
 هردو را بست به هم پهلوی هم خوابانید
 لب خشکیده سر هردو به یکباره برید
 سرشان بر دو تن هر دو به دریا افکند
 جودی غمزه از این الم از پا افکند

جودی





آن گاه راهب، شهادتین را بر زبان جاری کرد و به دست امیر المومنین علیه السلام آورد

امام دستور داد در همین مکان، زمین را حفر کنند تا به صخره برسند. امام خود صخره را کنار زد و آب از حفره بیرون زد؛ سپاهیان از آن نوشیدند و به شستشوی خود پرداختند. راهب که این معجزه را دید، خطاب به حضرت عرض کرد: آیا تو نبی مرسلی؟ فرمود: نه.

عرض کرد: آیا تو ملک مقربى؟ فرمود: نه. من وصی پیامبر آخر الزمانم. راهب گفت: ما سالیانی است این دیر را به پا کرده ایم تا این لحظه را ببینیم، چون می دانستیم کسی که نبی یا وصی است، این چشمه را پیدا خواهد کرد. راهبان قبل از من مُردند و این افتخار نصیب من شد.

● قطارة امام علی علیه السلام

۱۵ کیلومتری جنوب کربلا و در راهی که منتهی به باغ های عین التمر می شود، راهی خاکی وجود دارد که ما را به اثری تاریخی، مشهور به قطاره امام علی علیه السلام می رساند.

همان گونه که در روایات هم آمده است، بعد از بازگشت امیرالمؤمنین علیه السلام از جنگ صفین، در بیابان های این منطقه، سپاه آن حضرت دچار تشنگی شدید شد. در آن نزدیکی راهبی را دیدند و راهب خبر داد که در این بیابان تا دو فرسنگ، آبی پیدا نمی شود.

● آثار باستانی کربلا

■ خان نخيله

این کاروانسرا که در اصطلاح عراقی به آن «خان» می گویند، در ۱۴ کیلومتری جنوب غربی کربلا واقع شده است. تاریخش به عهد صفوی و عثمانی برمی گردد. غیر از این کاروانسرا، دو کاروانسرای دیگر به نام های «خان نص» که در نیمه راه کربلا است و «خان مصلی» نیز وجود دارند که برای استراحت زائران کربلا ساخته شده بودند.



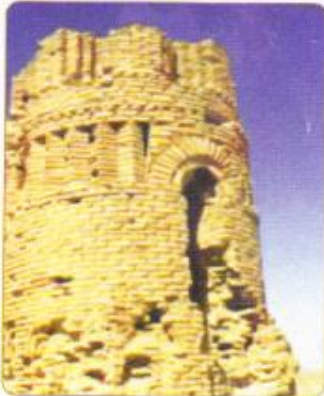
■ غارهای طار

این غارها در ۳۰ کیلومتری جنوب غربی کربلا واقع شده است و بیش از ۵۰۰۰ سال قدمت دارد.



■ مناره موحده

این مناره در ۴۰ کیلومتری غرب کربلا و سمت چپ راه عین التمر قرار دارد. به آن موحده گفته‌اند، چرا که بر بلندی واقع شده و برای راهنمایی و راهپایی کاروانها و مسافران در شب بر بالای آن آتش می‌افروختند و به سان فانوس دریایی در صحرا بوده است.



■ قصر اخضر

این قلعه که در ۲۵ کیلومتری غرب کربلا واقع شده است، بنایش به قرن اول از هجرت برمی‌گردد.



■ دریاچه رزازه

این دریاچه به فاصله ۱۱ کیلومتری غرب کربلا است. طول آن ۶۰ کیلومتر و عرضش به ۳۰ کیلومتر می‌رسد و در سال‌های پُر باران، گاهی وسعت دریاچه به ۴۰۰ کیلومتر مربع و گاهی حتی تا ۸۰۰ کیلومتر می‌رسد.



■ کلیسای اقیصر

کلیسای اقیصر، بر حسب آنچه از آثار باقی‌مانده برمی‌آید تنها یک کلیسا نبوده بلکه شهر کلیمیا بوده که در قرن چهارم میلادی در آن می‌زیسته‌اند. مقبره‌ها و آثار قدیمی نیز در آن یافت شده است.



jabir.abbas@yahoo.com

أَيْهَذَا الْبَاكُونَ لَا أَهْلَ الْعِزِّ وَالْحَاضِرُونَ
رَوْزِ عَاشُورَا كَهْ حَزْبِ السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ
بَانِكْ خَيْلِ اللَّهِ قَوْمُوا وَارْ كَبُوا از بطنِ عرشِ
در منای لا یُضِیعُ اللهَ أَجْرُ الْمُحْسِنِينَ
از قِتْلَتُمْ فی سَبیلِ اللهِ در جامِ همه

أَنَا مَظْلُومٌ حَسِينُ أَنَا مَحْرُومٌ حَسِينُ

جمله خندان بالذی لَمْ یَلْحَقُوا مِنْ خَلْفِهِمْ
در مقام حَسْبُنَا اللهَ قَائِلِ نَعْمَ الْوَكِيلِ
جنگجو قُضِ غَلِیظُ الْقَلْبِ بی دینِ ابنِ سعد
سبطِ احمد قال یا قومِ اعْبُدُوا اللهَ مَا لَكُمْ
هرچه از بَتَلُوا شاهِ کوفیان را پند داد
کردگار از وعده ساء ضیاعِ المُنْذَرینِ
تشنه لب کشتند آخرِ قومِ سوءِ الْفَاسِقِینِ

أَنَا مَظْلُومٌ حَسِينُ أَنَا مَحْرُومٌ حَسِينُ

زینب أُمُّ الْمُصِیْبِه کرد رو سوی نجف
یا ایا قَدْ أَحْزَقُوا أَعْدَانُنَا فُسْطَاطُنَا
ای زصوالتِ لا فُتِیَ الاَ عَلٰی در شَانِ تو
ال بوسغیان به عزتِ فی یُبُوتِ آمِنِینِ
گام کُفّی بر سرِ نعشِ برادرِ یَا بِنِ أُمِّ
کودگانِ رابهوادِی غیرِ ذی زرع است جای

أَنَا مَظْلُومٌ حَسِينُ أَنَا مَحْرُومٌ حَسِينُ

لَمْ یَا قَوْمُ تَرِکُوا بَنِیَّ وَ قِیَادَ
لِیْسَ وَاللهِ سِوَانَا خَلِیْفَ بَعْدَ النَّبِیِّ
لَمْ تَسْمَعُوا یَقْتُلِیْ بِلِجَاجٍ وَ عِنَادَ
فَرَضَ اللهُ عَلَی طَاعَتِنَا کُلَّ عِبَادَ

أَنَا مَظْلُومٌ حَسِينُ أَنَا مَحْرُومٌ حَسِينُ

رَبَّنَا قَدْ عَرَفَ اللهُ عَلَی کُلِّ رَیْئِیْهِ
شَرَفُ الظَّاهِرِ وَ الْبَاطِنِ مِمَّا أَرَبَیْهِ
وَ لَقَدْ طَهَّرَنَا اللهُ بِطَهْرِ الْأَبْدِیَّةِ
جَدُّنَا أَشْرَفَ مِنْ کُلِّ شَرِیفٍ وَ جَوَادَ

أَنَا مَظْلُومٌ حَسِينُ أَنَا مَحْرُومٌ حَسِينُ

چیست تقصیر من ای قوم که ایوم جهانی شده آماده به قتل همه با تیغ و سنانی
 در شما نیست ز اسلام نه نامی و نشانی انا ظلمان و قد اُخرس نطقی و لسانی
 انا عطشان و قد اُحرق قلبی و قوادی انا مظلوم حسین انا محروم حسین
 انعم الله علینا بر رسول مدنی هو جدی و ابی واسطة الکن علی
 من له أم کافئ و هن بنت نبی هذه الفخر کفانی بصلاح و رشاد
 انا مظلوم حسین انا محروم حسین
 گاه گفتمی شه دین در بر صدیقه صغرا زلب خون شده دل دختر نیک اختر زهرا
 اصریری اختی علی ما وقع الدهر علینا لیس فی سائجة الکن ثبات و مهاد
 انا مظلوم حسین انا محروم حسین
 عجبا و اعجبا امت گمراه که یکسر چشم پوشیده ز حق نمک آل پیمبر
 همه در ریختن خون من بی کس و یاور شده آماده و برگرفته بکف نیزه و خنجر
 فمکتحزون من الله اذا قام معاد انا مظلوم حسین انا محروم حسین
 گاه می زد شر اندر جگر صامت دلخون به تسالی یتیمان دل افسرده محزون
 یا سکینه و رقیه لفرقی لیم تکون حسینی الله کفانا و هو خیر عماد
 انا مظلوم حسین انا محروم حسین
 آل بوسفیان بعزت فی یسوت آمین آل ما دور از وطن یالیت قومی یعلمون
 انعم الله علینا بر رسول مدنی هو جدی و ابی واسطة الکن علی
 قابی شمس و امی قمر فانا القصة و ابن الذهبین
 ذهب من ذهب فی ذهب و لجن من لجن فی لجن انا مظلوم حسین انا محروم حسین
 من له جد جدی فی الوری او کشیخی فانا ابن العلمین
 فاطم الزهراء امی و ابی قاصم الکفر بید و حسن
 عبدالله غلاما یافعا و قریش یعبدون الوثن
 یعبدون اللات و العزی معاً و علی کان صلی القبتین
 قابی شمس و امی قمر فانا الکوکب و ابن القمرین
 انا مظلوم حسین انا محروم حسین

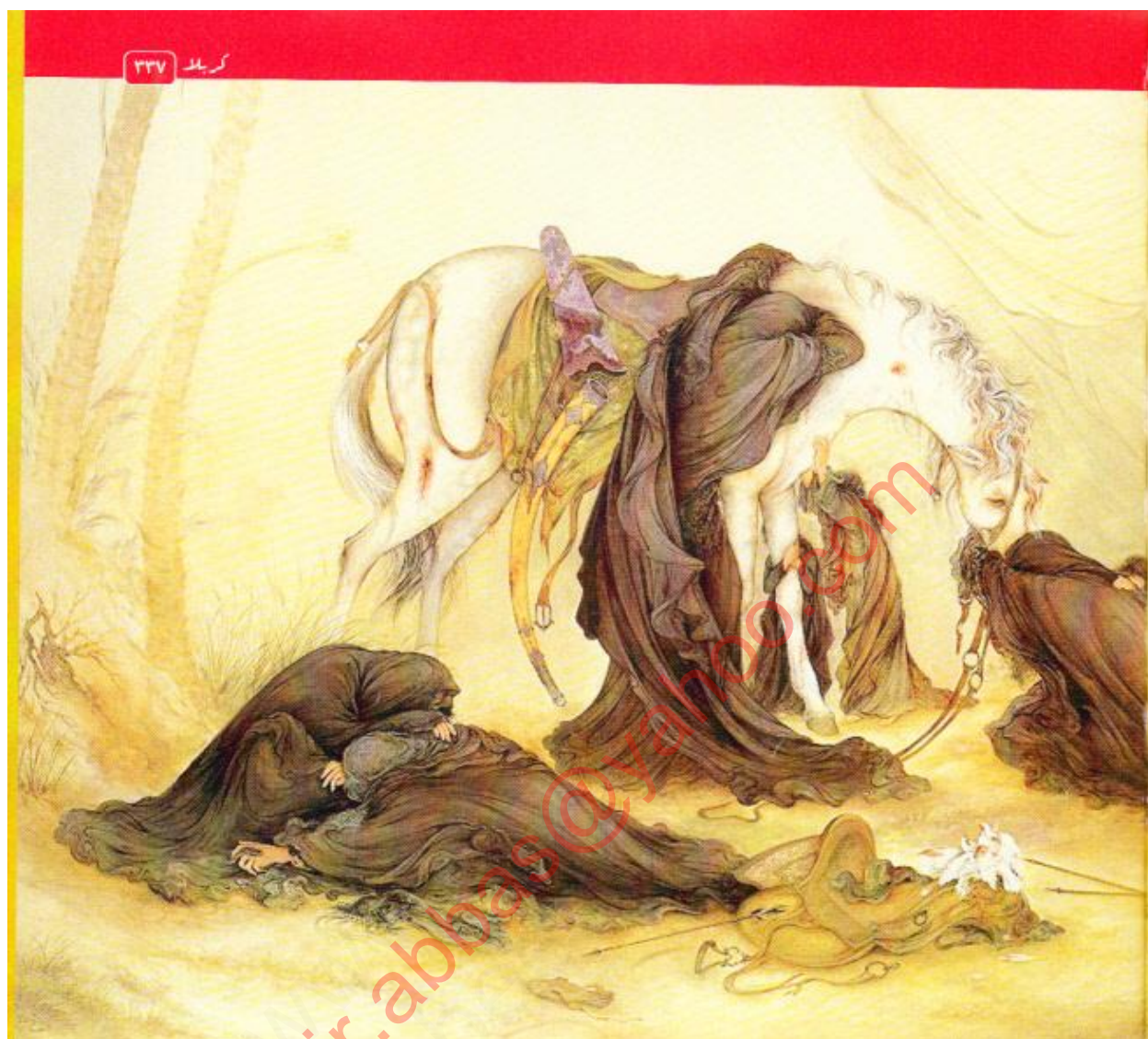
زیر خنجر شه لب تشنه حسین گفت
 تو ای شمر ستمکار
 تو ای ملحد مکار
 تو ای کافر غدار
 مرا گر شناسی بگویم بشناسی
 حسینم و ضیاء القمریم
 قتل الودجینم
 امام الحرمینم
 انا القصة و ابن الذهبینم
 انا مظلوم حسین انا محروم حسین
 منم شهیر جبریل
 منم آیه تنزیل
 منم نخله خوبان
 منم زاده زهرا
 منم عرش و منم فرش
 منم کرسی و لوح و قلم و باعث و ایجاد دو عالم
 انا مظلوم حسین انا محروم حسین
 جگر بند رسولم
 نگهبان عقولم
 ولی نخل برومند زهرا ی بتولم
 انا مظلوم حسین انا محروم حسین
 که خداوند تبارک و تعالی
 به منایات منزه و میری
 به تورات و به انجیل و زبور
 و صحف جمله ی فرقان
 چه عم و چه یاسین
 اذا جاء و حامیم

الحسین بن علی و النجف

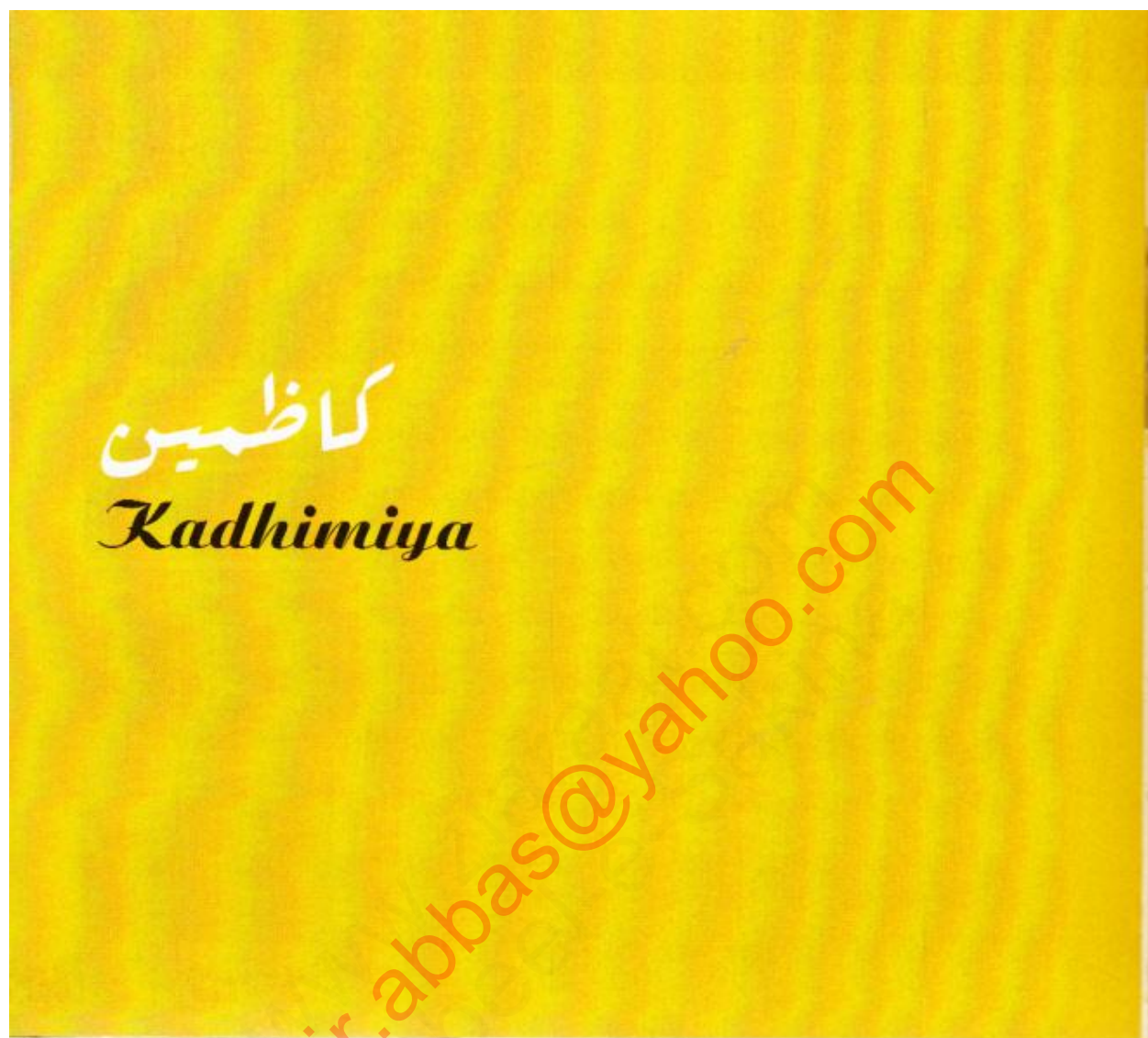
به درد و غم و ابتلا می‌روم
اگر چه جدا گشتم از کوی یار
خدا حافظ ای خاک پاک حسین
خدا حافظ ای عاشق بی شکیب
خدا حافظ ای وادی علقمه
خدا حافظ ای شهر اندوه و غم
خدا حافظ ای شیرخوار رباب
خدا حافظ ای خیمه پر زدود
خدا حافظ ای دامن سوخته
خدا حافظ ای ناله آه آه
خدا حافظ ای هستی ما همه
خدا حافظ ای ماه لیلای زار
الا کربلا اینک سوزد دلیم
کربلا می‌روم که از کربلا می‌روم
دل و جان من مانده در این دیار
انیس تن چاک چاک حسین
حیبتی حیبتی حیبتی حیبت
خدا حافظ ای ناله فاطمه
خدا حافظ ای دست و مشک و علم
خدا حافظ ای ناله آب آب
خدا حافظ ای یاس‌های کبود
که دامن دل از تو افروخته
خدا حافظ ای گودی قتلگاه
خدا حافظ ای یوسف فاطمه
که بابا تورا زد صدا هفت بار
چگونه ز خاک تو دل برکنم

◀ علامه قاسم سازگار (میشم)

به تکریم و به تعظیم
من و مادر و جد و پدر و عم و برادر
شما رحم نکردید
به من راه بیستید
دلیم را بشکستید
انا مظلوم حسین انا محروم حسین
به در آمد پسر سعد لعین
بانگ به لشکر زد و گفتا
که این تازه جوان کیست
اگر احمد ثانی ست
کفن پوش چنین چیست
اگر حیدر کرار بود، وای بر اشرار
اگر حمزه بود، وای به کفار
گمانم که بود جعفر طیار
صدا داد و یکی گفت
که این تازه گل باغ امام است
بود شمع شبستان رسول عربی
سرو گلستان حسین است
که با شیون و شین است
علی اکبر زار است
که بر ناقه سوار است
ز جگر نعره کشیده
که انا بن المصطفی سید اکبر
علی شاه غضنفر، قاتل قوم ستمگر
انا مظلوم حسین انا محروم حسین





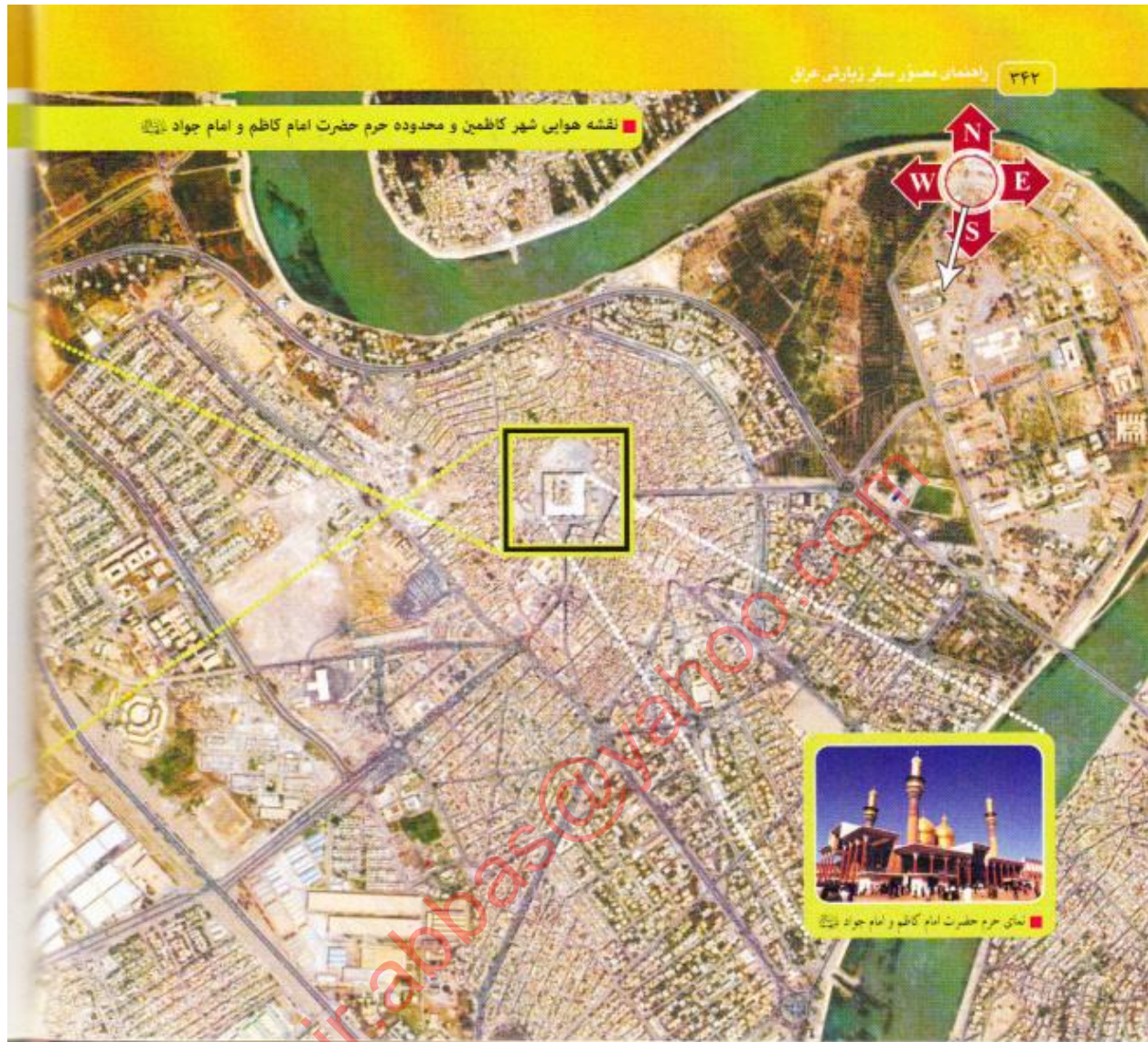


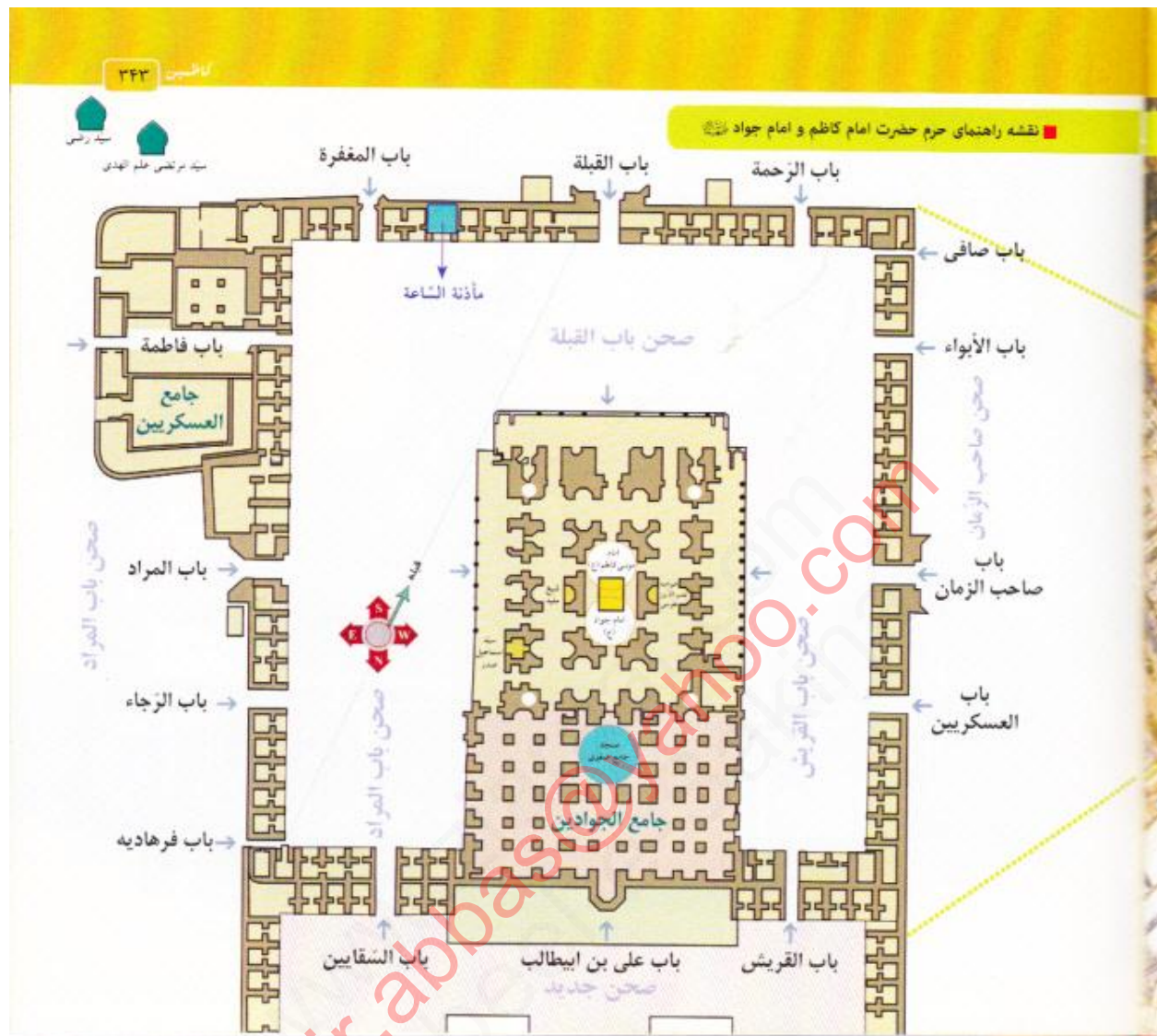
تاریخچه شهر کاطمین

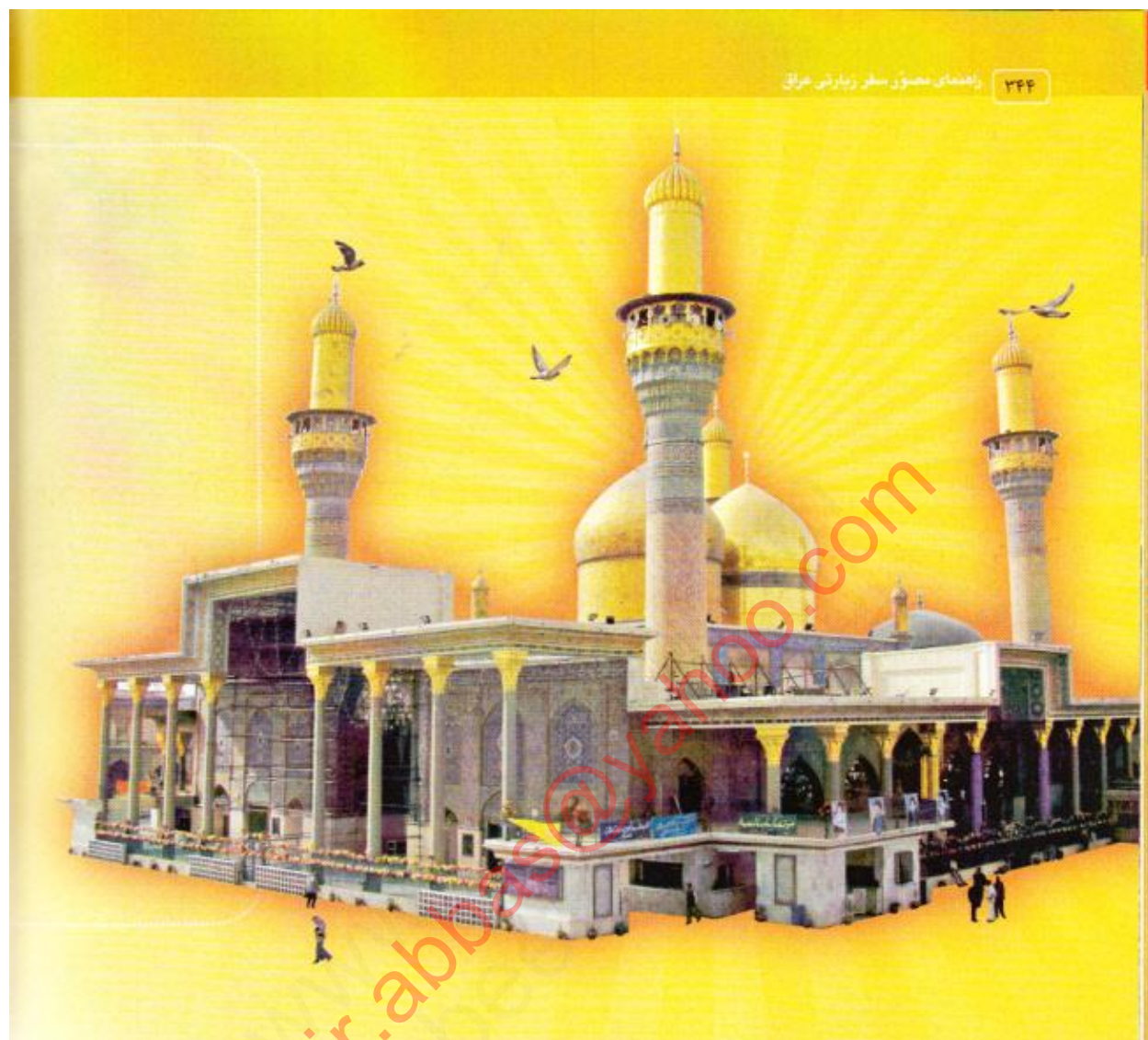
- ۱۴۵ هـ ق این جا باغ شونیزیه بود در کنار بغداد منصور این باغ را به عنوان «مقابر قریش» قرار داد.
- ۱۷۹ هـ ق به دستور هارون، امام موسی کاظم (ع) از مدینه به بغداد آورده و در این شهر زندانی شد.
- ۱۸۳ هـ ق امام موسی کاظم (ع) به دستور خلیفه، توسط سندی بن شاهک در زمان مسموم و به شهادت رسید.
- ۱۸۳ هـ ق بن مطهر امام (ع) را در محله مقابر قریش، جایی که امام قبلاً آن را خریداری کرده بود، به خاک سپردند.
- ۲۲۰ هـ ق امام جواد (ع) به دستور معتصم عباسی، مسموم و شهید شد؛ ایشان نیز در جوار قبر جدش، دفن شد. بر قبر آن دو بزرگوار بقعه و عمارتی بنا کردند. از آن پس مقابر قریش، نام «کاطمین» بر خود گرفت.
- ۲۳۶ هـ ق به امر معزالدوله (آل بویه) مجدداً بقعه‌ای باشکوه بنا شد و بر فراز هر قبر، ضریحی از چوب ساختند.
- ۳۶۹ هـ ق عضالدوله، حرم را توسعه داد، دیواری گرداگرد شهر کشید و به این ترتیب، کاطمین جایگاه ویژه یافت.
- ۴۴۱ هـ ق درگیری شیعه و سنی در محله کرخ بغداد، باعث آتش سوزی و سرایت آن به حرم مطهر شد.
- ۴۹۰ هـ ق مجدالملک دیوارهای حرم را کاشی کرد؛ شمال حرم مسجدی بزرگ ساخت و دو مناره زیبا بنا کرد.
- ۵۶۹ هـ ق بر اثر طغیان رودخانه دجله، صحن و حرم شریف دچار آسیب شد.
- ۵۷۵ هـ ق الناصر لدین الله، به همت وزیر شیعیان، حجره‌هایی در اطراف حرم ساخت و دارالضیافه بنا کرد.
- ۶۰۸ هـ ق خلیفه عباسی، حجره‌های اطراف صحن را به مدرسه علوم دینی تبدیل کرد.
- ۶۵۶ هـ ق با تهاجم هولاکوخان مغول به بغداد کاطمین نیز دست‌خوش تاراج و حریق شد.
- ۶۵۸ هـ ق عطاملک جوینی، وزیر هولاکو، به بازسازی و جبران خسارت وارده به حرم کاطمین پرداخت.
- ۷۷۶ هـ ق با طغیان دجله، حرم دچار خرابی شد؛ سلطان اویس جلایری به ترمیم خرابی‌ها پرداخت.
- ۹۲۶ هـ ق شاه اسماعیل صفوی بنای باشکوهی با دو گنبد کاشی کاری و مسجدی در شمال حرم ساخت.
- ۱۰۴۵ هـ ق شاه صفی، مناره ۴ گوشه‌های صحن ساخت که هم اکنون نیز پا برجاست.
- ۱۲۱۱ هـ ق آقا محمدخان قاجار دو گنبد را با طلای ناب پوشاند و کف حرم و صحن را با سنگ مرمر فرش کرد.
- ۱۲۳۹ هـ ق فتحعلی شاه قاجار داخل رواق‌ها را آینه کاری و بالای مناره‌ها را طلاکاری کرد.
- ۱۲۵۵ هـ ق معتمد الدوله از دولتمردان قاجار، ایوان‌های رواق‌های جنوبی، شرقی و غربی را طلاکاری کرد.
- ۱۲۸۲ هـ ق شیخ العراقین، وکیل امیرگشوه به تذهیب ایوانها و آینه کاری حرم و کاشی کاری صحن پرداخت.
- فرهاد میرزا، فرزند عباس میرزا، در بازسازی حرم نقش مؤثر داشت و بعد از مرگش در حرم دفن شد.











● مشخصات معصوم یازدهم: امام نهم، حضرت جواد

نام:	محمد
کنیه:	ابوجعفر ثانی
لقب:	تقی، جواد، زکی، مرتضی، قانع، رضی، مختار، متوکل، منتجب
پدر و مادر:	امام رضا <small>علیه السلام</small> و خیزران
زمان ولادت:	جمعه ۱۰ رجب سال ۱۹۵ هجری
مکان ولادت:	مدینه
نقش انگشتر:	نعم القادر الله
اولاد:	۴ فرزند
در سن سالگی:	سال ۲۰۳ هـ ق در سن ۷ سالگی
مدت امامت:	۱۸ سال
زمان شهادت:	آخر ذی قعدة سال ۲۲۰ هجری
مکان شهادت:	بغداد
سبب شهادت:	زهر، توسط معتصم عباسی (علیه الله)
عمر:	۲۵ سال و چند ماه
مرقد شریف:	مرقد مطهر: کاظمین، در جوار قبر جد بزرگوارش موسی بن جعفر <small>علیه السلام</small>
دوران عمر:	۱. دو بخش: ۱. هفت سال قبل از امامت ۲. دوران امامت، ۱۷ سال، که مصادف بود با حکومت دو طاغوت مرموز، مأمون و معتصم (هفتمین و هشتمین خلیفه عباسی) آن حضرت در سن هفت سالگی به امامت رسید و در سن ۲۵ سالگی شهید شد، بنابراین در خردسالی امام شد و جوانترین امامی بود که شهید گردید

● مشخصات معصوم نهم: امام هفتم، حضرت کاظم

نام:	موسی
کنیه:	ابوالحسن اول، ابوابراهیم
لقب:	عبد صالح، کاظم، باب الحوائج، صابر، امین
پدر و مادر:	امام صادق <small>علیه السلام</small> و حمیده
زمان ولادت:	صبح روز یکشنبه، ۷ صفر سال ۱۲۸ هجری قمری
مکان ولادت:	روستای «ابواء» (واقع در بین مکه و مدینه)
نقش انگشتر:	الملك لله وحده
اولاد:	۳۷ فرزند
در سن سالگی:	در سن ۲۰ سالگی
مدت امامت:	۳۵ سال
زمان شهادت:	۲۵ رجب سال ۱۸۳ هـ ق
مکان شهادت:	زندانیان هارون، بغداد
سبب شهادت:	زهر، توسط هارون الرشید (علیه الله)
عمر:	۵۵ سال
مرقد شریف:	کاظمین
دوران عمر:	۱. دو بخش: ۱. دوران قبل از امامت، از سال ۱۲۸ تا ۱۲۸ هجری قمری (۲۰ سال) ۲. دوران امامت، از سال ۱۲۸ تا ۱۸۳ (۵۵ سال) حنود ده سال از امامت او در عصر خلافت منصور، ده سال در عصر خلافت مهدی عباسی، یک سال در عصر خلافت هادی عباسی و پانزده سال در عصر خلافت هارون واقع شد

۱. مشهورترین کنیه آن حضرت ابوالحسن است و به وی ابوالحسن الاول می گویند؛ اگر چه حضرت امیر علیه السلام هم ابوالحسن بود و همچنین کنیه حضرت زین العابدین علیه السلام در عین حال از این بزرگوار در کتب اخبار، تعبیر به ابوالحسن الاول می کنند و از حضرت رضا علیه السلام ابوالحسن الثانی و از حضرت هادی علیه السلام به ابوالحسن الثالث منتخب التواریخ ص ۵۱۶

● فضیلت زیارت حضرت امام موسی کاظم و امام جواد (علیه السلام)

در فضیلت زیارت این دو امام معصوم (علیه السلام)، روایات زیادی وارد شده است که به بعضی از آنها اشاره می‌شود:

۱. زیارت امام موسی بن جعفر (علیه السلام) مثل زیارت رسول الله (صلی الله علیه و آله) است و هر کس او را زیارت کند مثل آن است که رسول الله (صلی الله علیه و آله) و امیرمؤمنان (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) را زیارت کرده است.

۲. هر کس حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) را زیارت کند، اهل بهشت است.

۳. این شهر آشوب از خطیب بغدادی (صاحب تاریخ بغداد) از علی بن خلال نقل می‌کند که گفت:

هیچ مشکلی برای من پیش نیامد مگر این که با پناه بردن به قبر مطهر موسی بن جعفر (علیه السلام) و توسل به آن حضرت، خداوند آن را برایم گشود و بر من آسان کرد.

۴. و نیز از «خطیب بغدادی» نقل می‌کند:

در بغداد زنی را مشاهده کردند که شتابان در حال دویدن بود، از او سؤال کردند به کجای می‌روی؟ جواب داد: به سوی قبر حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) تا دعا کنم پسر از زندان آزاد شود، مردی حنبلی مذهب که در آن جا حاضر بود، او را به تمسخر گرفت و گفت: موسی بن جعفر (علیه السلام)، خودش در زندان مرد! آن زن گفت: خداوند به حق آن کسی که او را در زندان به شهادت رساندند، قدرت خود را به ما نشان ده! چیزی نگذشت که پسر آن زن را رها کردند و پسر آن مرد حنبلی که استهزا کرده بود، دستگیر شد!



jabir.abbas@yahoo.com

● زیارت مختص امام موسی کاظم علیہ السلام

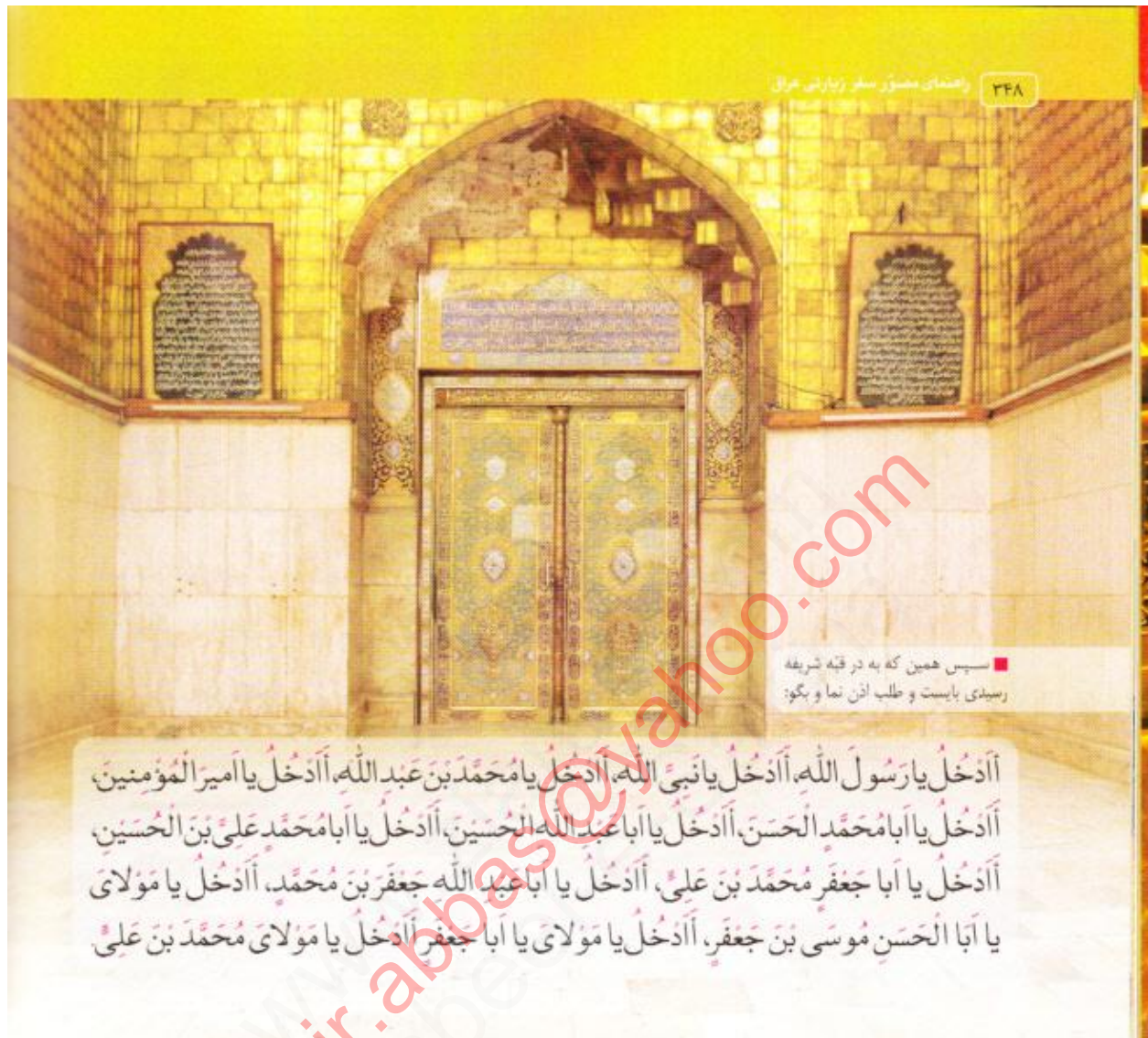
از سید بن طاووس نقل شده است که وقتی خواستی آن حضرت را زیارت نمایی، سزاوار است که غسل کنی، سپس با آرامش و وقار به سمت حرم روانه شو.

■ وقتی به در حرم رسیدی بایست و بگو:

اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ الْحَمْدُ لِلَّهِ
عَلَى هِدَايَتِهِ لِدِينِهِ وَالتَّوْفِيقِ لِمَا دَعَا إِلَيْهِ مِنْ سَبِيلِهِ،
اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَكْرَمُ مَقْصُودٍ، وَأَكْرَمُ مَا تَمَى وَقَدْ أَتَيْتُكَ مُتَقَرِّباً
إِلَيْكَ بِابْنِ بَنَاتٍ نَبِيٍّ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ
الطَّاهِرِينَ وَأَبْنَائِهِ الطَّيِّبِينَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَأَلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تَخَيِّبْ سَعْيِي وَلَا تَقْطَعْ رَجَائِي وَاجْعَلْنِي
عِنْدَكَ وَجِيهاً فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ

■ و به هنگام ورود بگو:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ،
اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ



■ آن گاه داخل شو و پس از چهار مرتبه الله اکبر، بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَابْنَ وَلِيِّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَابْنَ حُجَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا صَفِيَّ اللَّهِ وَابْنَ صَفِيِّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ وَابْنَ أَمِينِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ
فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْهُدَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عِلْمَ الدِّينِ وَالتَّقَى،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَازِنَ عِلْمِ النَّبِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَازِنَ عِلْمِ الْمُرْسَلِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا نَائِبَ الْأَوْصِيَاءِ السَّابِقِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَعْدِنَ الْوَحْيِ الْمُبِينِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ
الْعِلْمِ الْيَقِينِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْبَةَ عِلْمِ الْمُرْسَلِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الصَّالِحُ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الزَّاهِدُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْعَابِدُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ
السَّيِّدُ الرَّشِيدُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُقْتُولُ الشَّهِيدُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ وَابْنَ
وَصِيِّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُوَلَايَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ
بَلَغْتَ عَنِ اللَّهِ مَا حَمَلَكَ وَحَفِظْتَ مَا اسْتَوْدَعَكَ، وَحَلَلْتَ حَلَالَ اللَّهِ وَحَرَّمْتَ حَرَامَ اللَّهِ،
وَأَقَمْتَ أَحْكَامَ اللَّهِ، وَتَلَوْتَ كِتَابَ اللَّهِ وَصَبَرْتَ عَلَى الْأَذَى فِي جَنْبِ اللَّهِ، وَجَاهَدْتَ فِي اللَّهِ
حَقَّ جِهَادِهِ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مَضَيْتَ عَلَى مَا مَضَى عَلَيْهِ آبَاؤُكَ الطَّاهِرُونَ

وَأَجْدَاكَ الطَّيِّبُونَ الْأَوْصِيَاءُ الْهَادُونَ الْإِنَّمَةُ الْمَهْدِيُّونَ، لَمْ تَوَثِّرْ عَمِي عَلَى هُدًى،
وَلَمْ تَمَلْ مِنْ حَقِّ إِلَى بَاطِلٍ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ نَصَحْتَ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ وَلِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ،
وَأَنَّكَ أَدَيْتَ الْأَمَانَةَ، وَاجْتَنَبْتَ الْخِيَانَةَ، وَأَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ
بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصاً مُجْتَهِداً مُحْتَسِباً حَتَّى أَتَاكَ
الْيَقِينُ فَجَزَاكَ اللَّهُ عَنِ الْإِسْلَامِ وَأَهْلِهِ أَفْضَلَ الْجَزَاءِ وَأَشْرَفَ الْجَزَاءِ أَتَيْتَكَ يَا بِنَ
رَسُولِ اللَّهِ: انْزَافاً، عَارِفاً بِحَقِّكَ، مُقَرَّراً بِفَضْلِكَ، مُحْتَمِلاً لِعِلْمِكَ، مُحْتَجِجاً بِذِمَّتِكَ، عَانِداً
بِقَبْرِكَ، لَأَنْدَأُ بِضَرِيحِكَ، مُسْتَشْفِعاً بِكَ إِلَى اللَّهِ، مُوَالِياً لِأَوْلِيَانِكَ، مُعَادِياً لِأَعْدَانِكَ،
مُسْتَبْصِراً بِشَأْنِكَ وَبِالْهُدَى الَّذِي أَنْتَ عَلَيْهِ، عَالِماً بِضَلَالَةِ مَنْ خَالَفَكَ وَبِالْعَمَى
الَّذِي هُمْ عَلَيْهِ، يَا بِي أَنْتَ وَأُمِّي وَنَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَوَلَدِي يَا بِنَ رَسُولِ اللَّهِ،
أَتَيْتَكَ مُتَقَرِّباً بِزِيَارَتِكَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى، وَمُسْتَشْفِعاً بِكَ إِلَيْهِ فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ
لِيُغْفِرَ لِي ذُنُوبِي، وَيَعْفُوَ عَن جُرْمِي، وَيَتَجَاوَزَ عَن سَيِّئَاتِي، وَيَمْحُوَ عَنِّي خَطِيئَاتِي
وَيُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ، وَيَتَفَضَّلَ عَلَيَّ بِمَا هُوَ أَهْلُهُ، وَيَغْفِرَ لِي وَلِأَبَائِي وَلِأَخَوَانِي وَأَخَوَاتِي
وَلِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا بِفَضْلِهِ وَجُودِهِ وَمَنِّهِ.

■ سپس شریح را بیوس و دو طرف صورت خود را بر آن بگذارد و هر آنچه خواهی دعا کن؛
و به جانب سر مبارک آن حضرت برگردد و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُوَلَّائِي يَا مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، أَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْهَادِي
وَالْوَلِيُّ الْمُرْشِدُ وَأَنَّكَ مَعْدِنُ التَّنْزِيلِ وَصَاحِبُ التَّوْوِيلِ وَحَامِلُ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ، وَالْعَالِمُ
الْعَادِلُ وَالصَّادِقُ الْعَامِلُ، يَا مُوَلَّائِي أَنَا أَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ مِنْ أَعْدَانِكَ وَاتَّقَرُّبُ إِلَى اللَّهِ بِمُؤَالَاتِكَ،
فَصَلِّ اللَّهَ عَلَيْكَ وَعَلَى آبَائِكَ وَأَجْدَادِكَ وَأَبْنَائِكَ وَشِيعَتِكَ وَمُحِبِّيكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

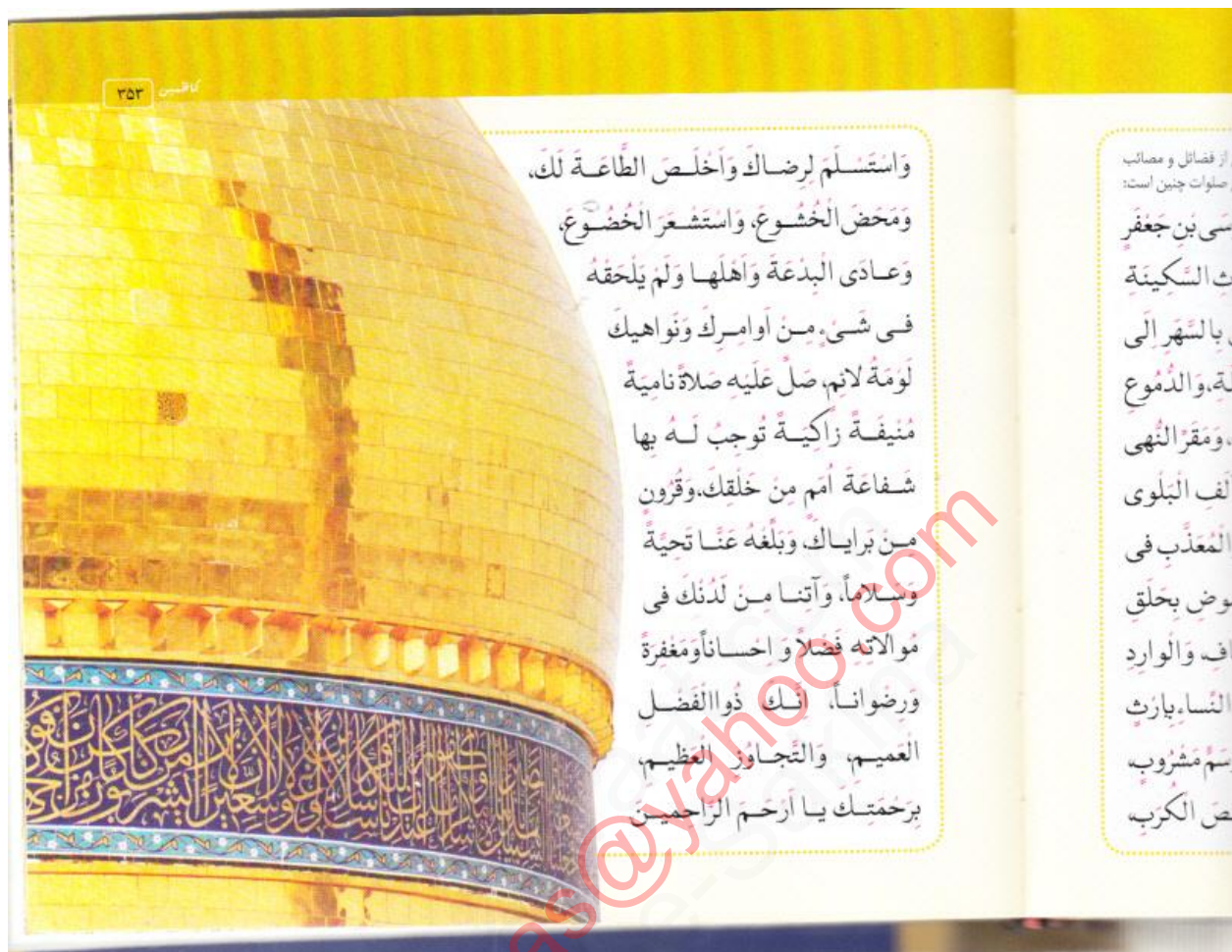
■ آن گاه دو رکعت نماز زیارت به جای آور و در آن حمد و سوره یس و الرحمن یا هر چه از قرآن برایت آسان است، بخوان و آنچه می خواهی، از خدا بخواه.



■ سيد بن طاووس صلواتي را براي موسى بن جعفر عليه السلام نقل کرده که بخشی از فضائل و مصائب آن حضرت را در بر دارد و زائر محترم می تواند خود را به فیض آن نائل سازد و آن صلوات چنین است:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآهْلِ بَيْتِهِ، وَصَلِّ عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَصِيِّ الْأَبْرَارِ، وَإِمَامِ الْأَخْيَارِ، وَعِيْبَةِ الْأَنْوَارِ، وَوَارِثِ السَّكِينَةِ وَالْوَقَارِ وَالْحِكْمِ وَالْآثَارِ الَّذِي كَانَ يُحْيِي اللَّيْلَ بِالسَّهْرِ إِلَى السَّحْرِ بِمُوَاصَلَةِ الْأَسْتِغْفَارِ، حَلِيفِ السَّجْدَةِ الطَّوِيلَةِ، وَالْدُمُوعِ الْغَزِيرَةِ، وَالْمُنَاجَاةِ الْكَثِيرَةِ، وَالضَّرَاعَاتِ الْمُتَّصِلَةِ، وَمَقَرِّ النَّهْيِ وَالْعَدْلِ وَالْخَيْرِ وَالْفَضْلِ وَالنَّدَى وَالْبَذْلِ، وَمَأَلَفِ الْبَلْوَى وَالصَّبْرِ، وَالْمُضْطَهَّدِ بِالظُّلْمِ، وَالْمَقْبُورِ بِالْجُورِ، وَالْمُعَذَّبِ فِي قَعْرِ السَّجُونِ، وَظَلَمِ الْمَطَامِيرِ ذِي السَّاقِ الْمَرْضُوضِ بِحَلْقِ الْقَيُودِ، وَالْجَنَازَةِ الْمُنَادِي عَلَيْهَا بِذَلِ الْإِسْتِخْفَافِ، وَالْوَارِدِ عَلَى جَدِّهِ الْمُصْطَفَى وَأَبِيهِ الْمُرْتَضَى وَآمِهِ سَيِّدَةِ النَّسَاءِ يَارِثِ مَغْصُوبٍ وَوَلَاةٍ مُسْلُوبٍ وَأَمْرٍ مَغْلُوبٍ وَدَمٍ مَطْلُوبٍ وَسَهْمٍ مَشْرُوبٍ اللَّهُمَّ وَكَمَا صَبَرَ عَلَى غَلِيظِ الْمَحَنِ وَتَجَرَّعَ غَصَصَ الْكَرْبِ

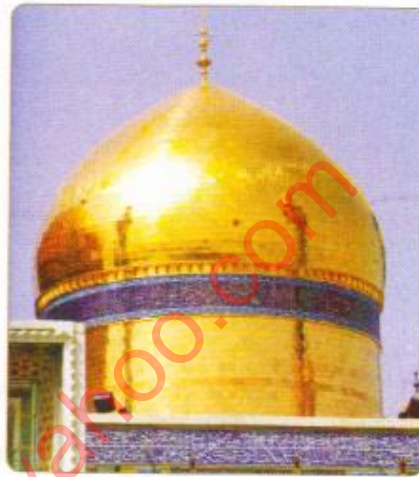




• زيارت مختص امام جواد عليه السلام

■ آن گاه متوجه قبر محمد بن علی الجواد علیهما السلام می شوی که در پشت سر جد بزرگوار خود مدفون است و چون نزد قبر ایستادی بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى آبَائِكَ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى أَبْنَائِكَ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى أَوْلِيَائِكَ،



أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَتَلَوْتَ
الْكِتَابَ حَقَّ تِلَاوَتِهِ، وَجَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ، وَصَبَرْتَ عَلَى الْأَذَى فِي جَنْبِهِ حَتَّى
أَتَاكَ الْيَقِينُ، أَتَيْتُكَ زَائِرًا عَارِفًا بِحَقِّكَ مُوَالِيًا لِأَوْلِيَائِكَ مُعَادِيًا لِأَعْدَائِكَ فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ.





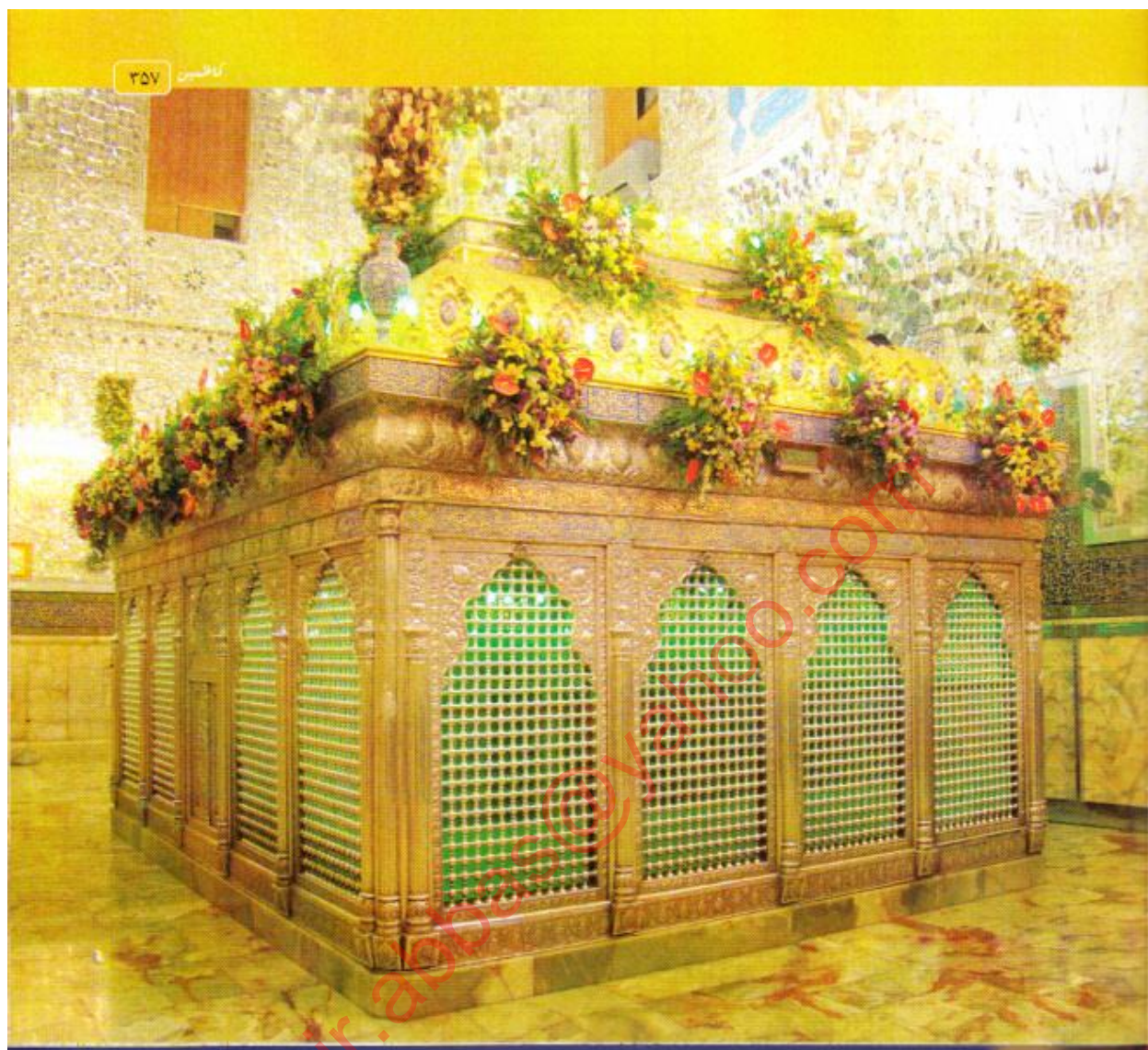
● زیارت وداع امام جواد (علیه السلام)

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ
وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ اسْتَودِعُكَ اللَّهُ وَأَقْرَأُ
عَلَيْكَ السَّلَامَ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ وَبِمَا جِئْتَ
بِهِ وَدَلَّلْتَ عَلَيْهِ، اللَّهُمَّ اكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ

● زیارت وداع امام موسی کاظم (علیه السلام)

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا ابْنَ الْحَسَنِ وَرَحْمَةُ
اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، اسْتَودِعُكَ اللَّهُ وَأَقْرَأُ عَلَيْكَ
السَّلَامَ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ وَبِمَا جِئْتَ بِهِ
وَدَلَّلْتَ عَلَيْهِ، اللَّهُمَّ اكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ

■ آن گاه از خدا می‌خواهی که این زیارت، آخرین زیارت تو نباشد و مجدداً توفیق زیارت را پیدا کنی؛ سپس آنچه می‌خواهی دعا کن و ضریح آن حضرت را ببوس و دو طرف صورت خود را بر روی آن بگذارد.

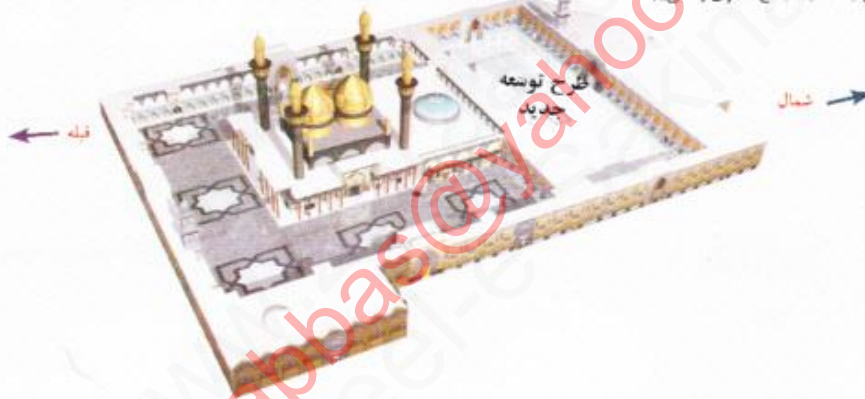


صحن جدید



در زیر صحن، سردابی به وسعت ۵۰۰۰ مترمربع ساخته شده که دارای دو منفذ به داخل صحن می‌باشد؛ هر کدام از این منفذها گسره راه‌های ورود به سرداب نیز محسوب می‌شوند، مساحتی برابر ۱۲۰ مترمربع دارند. علاوه بر این راه پله‌ها، ۴ اسانسور نیز برای جابجایی زوآر در نظر گرفته شده است. ساخت مدرسه، موزه و مهمانخانه را نیز در این طرح توسعه گنجانده‌اند. این صحن، فعلاً بزرگترین صحن موجود در عتبات عراقی محسوب می‌شود.

هم‌اکنون صحن وسیعی در شمال صحن القبله در حال ساخت می‌باشد. عملیات اجرایی این صحنی که به نام شهید صدر نامگذاری شده، از سال ۱۳۷۸ (۲۰۰۹ م.) آغاز شده است. مساحت این صحن، به ۷۰۰۰ مترمربع می‌رسد (۵۰۰۰ مترمربع صحن + ۲۰۰۰ مترمربع حجره‌ها و ایوان‌ها). سه دروازه بزرگ، راه ورود و خروج به این صحن هستند که بزرگ‌ترینشان در قبله صحن، به مسجد جامع صفوی راه می‌دهد.



WWW.Sabeer.ir
jabir.abbas@yahoo.com

عبای فتاده به خاک

کسی که بوسه زند عرش، آستانش را
کسی که روح الامین است طایر حرمش
به حبس و بند و شهادت اگر چه راضی شد
قسم به سجده طولانی اش ز شب تا صبح
چو از مدینه پیغمبرش جدا کردند
ز حبله بازی هارون دون نجاتش داد
به جز عباي فتاده به خاک در زندان
نبینی آن که بجویی اگر نشانش را

شاعر: مهید رضا ملید

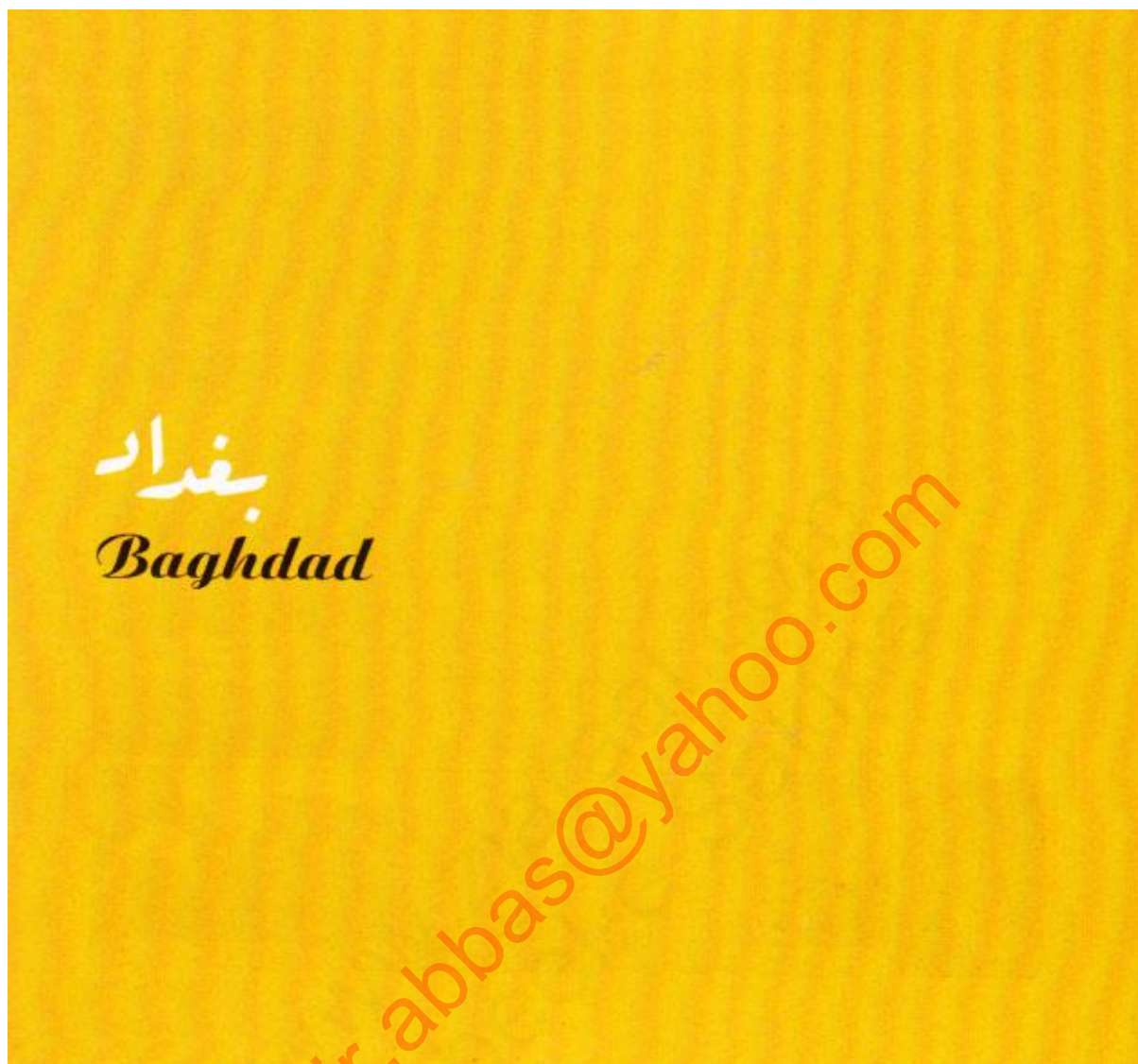
یا جواد الائمه ادرکنی

بنده ام بنده ولای توام
عاشق صحن باصفای توام
تو جوادى و من گدای توام
یا جواد الائمه ادرکنی
قامتم خم شده ز بار بلا
حاجتم باشد از تو یا مولا
نجف و کاظمین و کرب و بلا
یا جواد الائمه ادرکنی
سائلم سائلم جوابم ده
تشنه جام و صلیم ایم ده
یا جواد الائمه ادرکنی
ای تو را یار بی وفا کشته
با لب تشنه از جفا کشته
یا جواد الائمه ادرکنی
ای که از زهر خون شده جگرت
به تو و جد و مادر و پدرت
یا جواد الائمه ادرکنی
من بیچاره را مران زدرت



jabir.abbas@yahoo.com





این شهر توسط منصور دوانیقی در سال ۱۴۱ هـ. ق (۷۶۲ - ۷۶۶ میلادی)، بنا نهاده شد و نامش را "مدینه السلام" گذاشت و پایتخت حکومتی خویش را به آنجا منتقل کرد.

بغداد نام‌های دیگری از جمله: مدینه المنصور، مدینه الخلفاء، الزوراء، المدینه و ... داشته است.

این شهر تا سال ۲۶۲ هـ. ق پایتخت چندین خلیفه‌ی عباسی (منصور، مهدی، هادی، هارون، امین و مأمون) بود، اما معتمد پایتخت خود را به سامرا منتقل کرد.

در سال ۳۷۱ هـ. ق بغداد مجدداً پایتخت شد.

بغداد در سال ۶۳۷ هـ. ق به دست هلاکوخان و در سال ۹۷۹ هـ. ق به دست تیمورلنگ و در سال ۱۰۱۷ به دست ترک‌ها تخریب شد و از آن پس میان ترک‌ماتان و عثمانیان و آن‌گاه صفویان دست به دست شد.

در سال ۱۹۱۷ انگلیسی‌ها بر این شهر دست یافتند، در ۱۹۲۱ پایتخت کشور عراق شد و از آن روز تاکنون همچنان پایتخت عراق است.

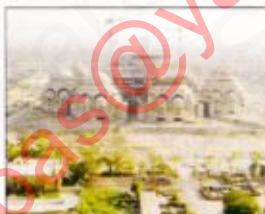
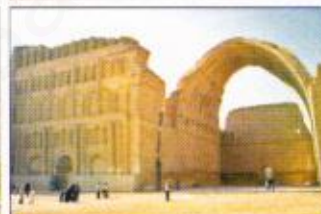
بغداد نامی است ایرانی به معنای خداداده، «بغ» یعنی خدا. اما برخی دیگر از زبان‌شناسان عقیده دارند، بغداد از دو کلمه «بغ»، مخفف باغ و «داد»، مخفف دادار، به معنی پروردگار تشکیل شده و بغداد به معنی «باغ خدا» است.

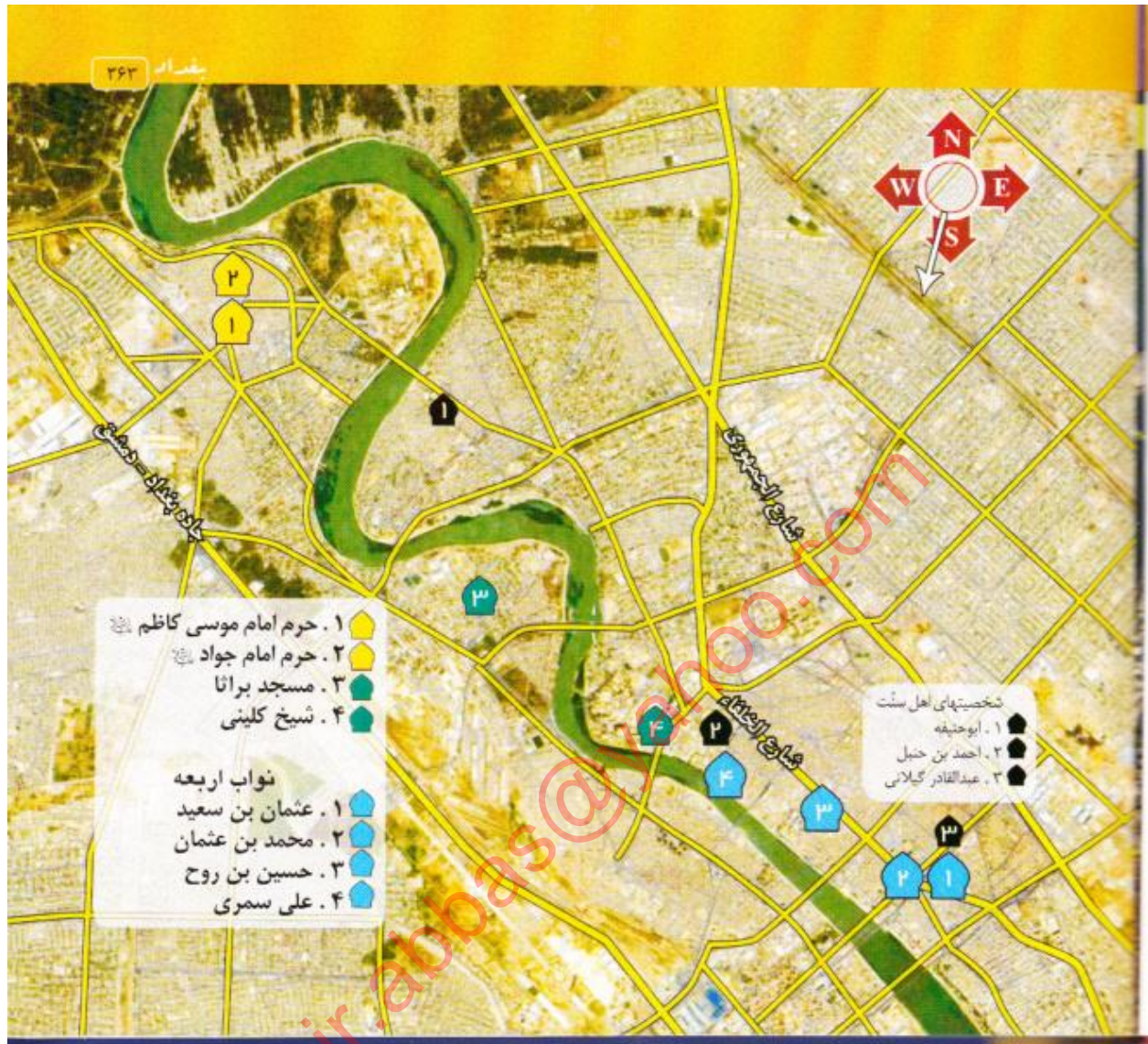
بغداد بزرگ‌ترین شهر عراق، مرکز استان بغداد و پایتخت این کشور است که در مرکز آن قرار دارد. این شهر را دومین شهر بزرگ جنوب غربی آسیا دانسته‌اند. (اولین شهر تهران است).

شهر تیسفون پایتخت ساسانیان، در نزدیکی بغداد امروزی قرار داشت.

رود دجله بغداد را به دو نیمه تقسیم می‌کند که نیمه شرقی به نام «رصافه» و نیمه غربی به نام «کرخ» معروف هستند.

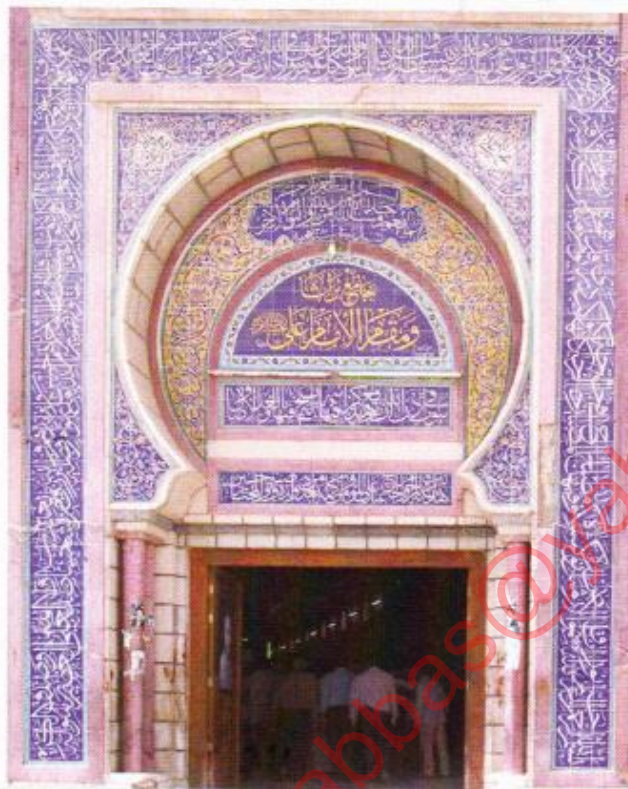
منطقه‌های شهر بغداد عبارتند از: اعظمیه، کرخ، کزاده، کاظمین، منصور، شهرک صدر، رصافه و نهم نهم.





جامع براتا
ومقام الامام علی علیه السلام

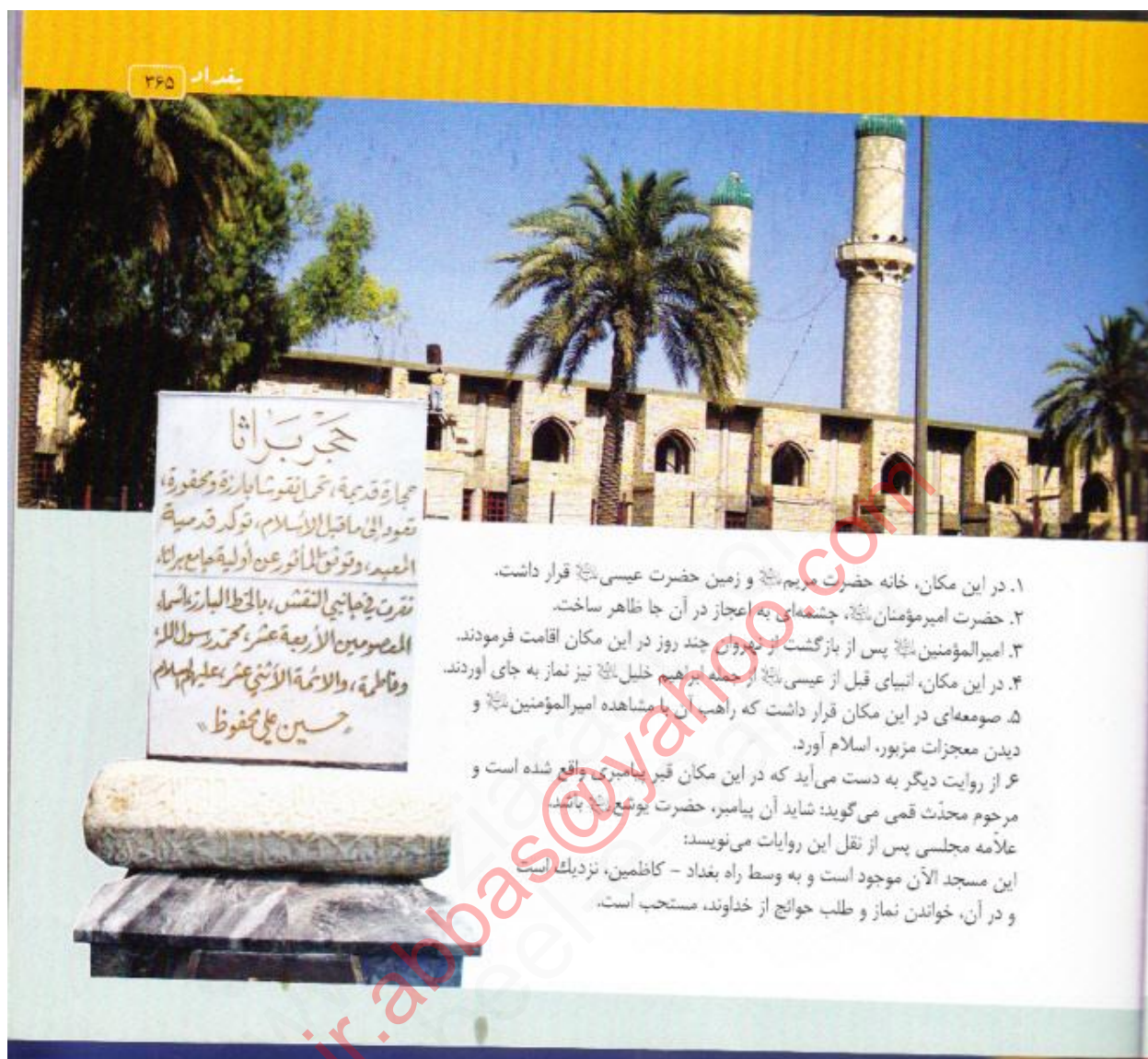
• فضیلت مسجد براتا



مسجد «براتا»، از مساجد معروف و متبرکی است که بین بغداد و کاظمین، در مسیر زوآر قرار گرفته و با همه شرافت و فضایی که دارد، نسبت به آن توجه نمی‌شود و از فیض آن محرومند.

حموی، در معجم البلبان می‌نویسد:

«براتا» پیش از بنای شهر بغداد، قریه‌ای بود که گمان مردم آن بر این بود که علی (ع) از این قریه زمانی که برای جنگ با خوارج نهروان می‌رفت، عبور کرد و در مسجد مزبور نماز خواند و در حمام آن قریه استحمام نمود. از جمله از کسانی که به این مسجد، منسوبند، «ابوشعیب براتی» عابد است که اول کسی است که در براتا، در کوخی که از نی ساخته بود، ساکن شد و در آن عبادت می‌کرد و به همین دلیل، شیعیان به این مسجد اهمیت فراوان می‌دادند. آنچه برای ما قابل اعتماد است روایاتی است که مرحوم «علامه مجلسی» در ارتباط با فضیلت این مسجد و سابقه تاریخی آن نقل می‌کند که از مجموع آن، نکات فراوانی به دست می‌آید از جمله:



حَجَرِ بَرَاثَا

حجاء قدیمه، تحال نقوش بارز و محفوره،
تقدیر الی ما قبل الاسلام، تو کدر قدیمیة
المعبر، وتوفیق المأثور عن اولیة جامع برکات
تقرت فی جانبی النفس، بالخط البارز واسمه
المصومین الأربعة عشر، محمد رسول الله
وفاطمة، والائمة الاثنی عشر، علیه السلام
حسین علی محفوظ

۱. در این مکان، خانه حضرت مریم علیها السلام و زمین حضرت عیسی علیه السلام قرار داشت.
۲. حضرت امیرمؤمنان علیه السلام، چشمهای به اعجاز در آن جا ظاهر ساخت.
۳. امیرالمؤمنین علیه السلام پس از بازگشت از نهروان چند روز در این مکان اقامت فرمودند.
۴. در این مکان، انبیای قبل از عیسی علیه السلام از جمله ابراهیم خلیل علیه السلام نیز نماز به جای آوردند.
۵. صومعه‌ای در این مکان قرار داشت که راهب آن با مشاهده امیرالمؤمنین علیه السلام و دیدن معجزات مزبور، اسلام آورد.
۶. از روایت دیگر به دست می‌آید که در این مکان قبر پیامبری واقع شده است و مرحوم محدث قمی می‌گوید: شاید آن پیامبر، حضرت یونس علیه السلام باشد.
- علامه مجلسی پس از نقل این روایات می‌نویسد:
- این مسجد الآن موجود است و به وسط راه بغداد - کاظمین، نزدیک است و در آن، خواندن نماز و طلب حوائج از خداوند، مستحب است.





◀ مزار وی در محله شورشه شارع الجمهوری در مسجدی بنام جامع الأصغریه قرار دارد همانطور که در این عکس که از زوی جسر الشهداء برداشته شده، مشاهده می شود.

• زیارت مرحوم کلینی

ثقة الاسلام کلینی (محمد بن یعقوب بن اسحق الکلینی رازی) در زمان خودش رئیس شیعه و موثق ترین و استوارترین آنان در نقل حدیث بوده و کتاب شریف «کافی» را که یکی از منابع مهم حدیث شیعه است، در مدت بیست سال، تألیف کرد که جمعا شامل حدود ۱۶/۰۰۰ روایت است و حقی بزرگ بر گردن شیعه به خصوص اهل علم دارد او کسی است که به جهت عظمت شانش، ابن اثیر، مورخ معروف، او را مجدد و مؤسس مذهب امامیه در آغاز قرن چهارم می شمرد. کلینی در ماه شعبان سال ۳۲۹ (تئاتر نجوم) رحلت کرد.

◀ اکثر محدثین شیعه، ایرانی بوده اند از جمله محمدون ثلاث (سه محمد)، که صاحبان کتب اربعه اند: ابوجعفر الاول، محمد بن یعقوب (ثقة الاسلام کلینی) صاحب کتاب «کافی»؛ مدفون در بغداد است. ابوجعفر الثانی، محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق) صاحب «کتاب من لایحضره الفقیه»؛ مدفون در ری است. ابوجعفر الثالث، محمد بن الحسن (شیخ طوسی) صاحب کتاب «تهذیب» و «استبصار»؛ مدفون در نجف است.



• زیارت نواب اربعه

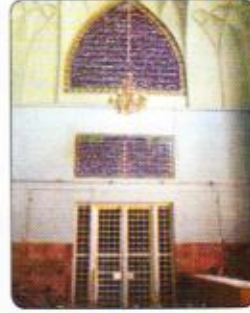
در محله شوره بغداد بین شارع الرشید و شارع الجمهوری - نزدیک تکیه



■ **علی بن محمد سمري**



■ **حسین بن روح**



■ **محمد بن عثمان**



■ **عثمان بن سعید**

نقل کنند، حقیقتی است که از من شنیده‌اند و نقل می‌نمایند؛ هر دو نفر ثقه و مورد اعتماد من هستند، به سخنان هر دو گوش فرا دهید و امر هر دو را اجرا نمایید.

با مراقبت‌های شایسته‌ای که حضرت عسکری علیه السلام نسبت به فرزند خود داشت، کمتر کسی را اجازه می‌داد که با ایشان ملاقات کند و عثمان بن سعید، از افراد مخصوصی بود که امام زمان علیه السلام را، در دوران حیات حضرت عسکری علیه السلام، در خانه‌اش کراراً زیارت کرده بود.

■ **نائب دوم: محمد بن عثمان بن سعید الاسدی (ابوجعفر)**
که بعد از فوت پدر، به جای وی نشست و افتخار دومین نیابت امام عصر علیه السلام (عج) را بدست آورد. وی همواره نامه‌های شیعیان را به حضور امام می‌رساند و پاسخ کتبی را به آنان باز می‌گرداند. دوران سفارت او طولانی و گسترده‌تر بود و سرانجام بعد از ۴۰ سال نیابت، آخر جمادی الاولی سال ۳۰۵ هـ. ق رحلت فرمود و در بغداد نزدیک قبر والدهاش دفن شد.

امام زمان علیه السلام، در زمان حیات صغری، به وسیله چهار سفیر مخصوص خود، با مردم مسلمان در تماس بودند و بسیاری از نیازمندی‌های مردم را از طریق نمایندگان خاص خود برطرف می‌نمودند. مشخصات آنان به قرار زیر است:

■ **نائب اول: عثمان بن سعید الاسدی (ابوعمر)**

معروف به سمان (روغن فروش) که از طرف امام هادی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام، وکالت و نیابت داشت و افتخار نیابت اول حضرت حجت را نیز کسب کرد. او آن چنان مورد وثوق و اطمینان امام بود که حضرت عسکری علیه السلام درباره وی و فرزندش، محمد بن عثمان، که پس از درگذشت پدر افتخار نیابت از حضرت مهدی علیه السلام را پیدا نمود، چنین فرمود:

«العمری و ابنه عثمان فما اديا اليك عنی فعتی يؤديان و ما قالاه لك فعتی يقولان، فاسمع لهما واطعهما فهما الثقتان المأموران»
(عمری و فرزند او مورد وثوق من هستند؛ هر چه از من برای شما

■ نائب چهارم: ابوالحسن علی بن محمد سمري

آخرين سفير امام عليه السلام، علی بن محمد سمري است که در نیمه شعبان ۳۲۹ از دنیا رفت و با درگذشت او باب سفارت خصوصی بسته شد و غیبت کبری آغاز گردید.

بسیاری از علماء و محدثین شیعه، مثل کلینی و علی ابن بابویه، پدر شیخ صدوق، نیز در آن سال، که سال تناثر نجوم بود، از دنیا رحلت کردند.

شش روز مانده به فوت سمري، چهارمین و آخرین نائب، از جانب امام زمان عليه السلام توقیعی صادر شد و از آن به بعد هرگونه ادعای نیابت خاصه از طرف آن حضرت، مردود شناخته شده است.

توقیع حضرت به سمري، چنین است:



■ نائب سوم: ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی

که در جامعه آن روز جهان شیعه، به عقل و درایت اشتہار داشت و پس از حدود ۲۱ سال نمایندت حضرت، در سال ۳۲۶ هـ بقی درگذشت.

بسم الله الرحمن الرحيم

ای علی بن محمد سمري! خداوند پاداش تو و برادرانت را زیاد کند؛ بدان که تا شش روز دیگر از دنیا می‌روی؛ کارهایت را جمع و جور کن و کسی را جانشین خودت، بعد از مرگ مساز که غیبت کبری آغاز شده است و دیگر ظهوری در کار نیست، مگر به اذن خداوند و آن بعد از مدتی طولانی خواهد بود که دل‌ها قسبی شوند و زمین از ستم پر شده باشد و چه بسا کسانی پیدا شوند که مدعی دیدار یا من باشند؛ آگاه باشید هرکس قبل از خروج سقیانی، چنین ادعایی کند، دروغگوی افتراگر بیش نیست.

■ منتخب التواریخ، ص ۵۵۳

بسم الله الرحمن الرحيم

یا علی بن محمد السمري أعظم الله أجر إخوانك فيك فانك ميت ما بينك وبين سنة أيام، فاجمع أمرك ولا توص إلى أحد فيقوم مقامك بعد وفاتك فقد وقعت الغيبة التامة فلا ظهور بعد إذن الله تعالى ذكره وذلك بعد طول الأمد وقسوة القلوب ومضلا الأرض جوراً وسيأتي من يدع المشاهدة ألقم ادعى المشاهدة قبل خروج السقياني والصيحة فهو كذاب مفتر ولا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم

www.jabir.abbas@yahoo.com

از ولادت حضرت حجت علیه السلام تا ابتدای غیبت کبری، برابر با هفتاد و چهار سال تمام است.
 (۱۵ شعبان ۲۵۵ هجری، ولادت حضرت تا ۱۵ شعبان ۳۲۹، رحلت علی سمری، آخرین نائب)
 و از ابتدای زمان امامت حضرت حجت علیه السلام تا زمان غیبت کبری ۶۹ سال و ۶ ماه و ۷ روز می شود.
 (شهادت امام حسن عسکری علیه السلام ۸ ربیع الاول ۲۶۰ هجری - ۱۵ شعبان ۳۲۹، رحلت آخرین نائب)

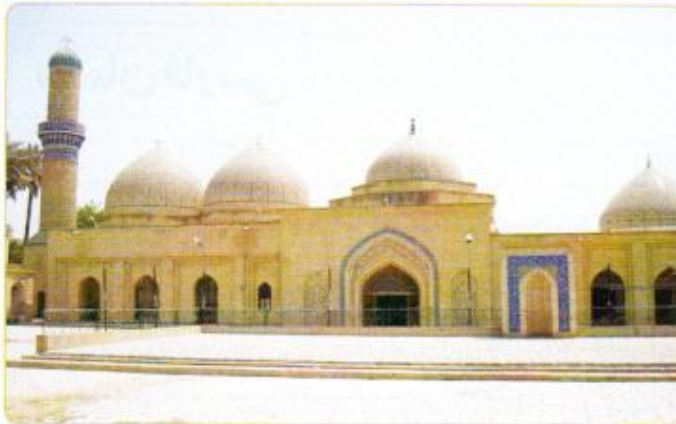
● کیفیت زیارت آن بزرگواران

هرگاه خواستی ثواب اربعه حضرت را زیارت کنی، پس از سلام به رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین و خدیجه کبری و فاطمه زهرا و امام حسن و امام حسین و هریک از ائمه تا صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه می گویی:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَلَانُ بْنُ فَلَانٍ وَبِهِ جَاءَ فَلَانُ بْنُ فَلَانٍ اسْمُ صَاحِبِ قَبْرِ وَبَدْرٍ رَايَ بَرِيٍّ وَمَيَّ غَوِيٍّ:
 أَشْهَدُ أَنَّكَ بَابُ الْمَوْلَى أَدَّيْتَ عَنْهُ وَأَدَّيْتَ إِلَيْهِ مَا خَالَفْتَهُ وَلَا خَالَفْتَ عَلَيْهِ،
 قُمْتَ خَاصًّا وَانْصَرَفْتَ سَابِقًا جَنَّتِكَ عَارِفًا بِالْحَقِّ الَّذِي أَنْتَ عَلَيْهِ، وَأَنَّكَ مَا خُنْتَ
 فِي التَّادِيَةِ وَالسَّفَارَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ بَابٍ مَا أَوْسَعَكَ وَمِنْ سَفِيرٍ مَا أَمَنَكَ وَمِنْ ثَقَةٍ مَا
 أَمَكَّنَكَ، أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ اخْتَصَّكَ بِنُورِهِ حَتَّى عَايَنْتَ الشَّخْصَ فَأَدَّيْتَ عَنْهُ وَأَدَّيْتَ إِلَيْهِ.

■ سپس مجدداً بر رسول خدا تا صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه سلام می فرستی و پس از آن می گویی:

جَنَّتِكَ مُخْلِصًا بِتَوْحِيدِ اللَّهِ وَمُؤَالَاةٍ أَوْلِيَانِيَّةٍ وَالْبَرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِهِمْ وَمِنْ الَّذِينَ
 خَالَفُوكَ يَا حُجَّةَ الْمَوْلَى وَبِكَ إِلَيْهِمْ تَوَجَّهِي وَيَهْمُ إِلَى اللَّهِ تَوَسَّلِي.



مرقد طاهرین زین العابدین، حذیفه بن الیمان، جابر بن عبدالله انصاری و سلمان فارسی در منطقه سلمان پاکد جنوب بغداد

■ سید ادریس

وی که از نوادگان امام موسی کاظم علیه السلام است، در سال ۹۱۴ هـ ق از طرف شاه اسماعیل صفوی، به سمت نقیب النقیاب منصوب شد و به سال ۹۴۸ در بغداد درگذشت و در املاک خود دفن گردید. مرقد وی در بغداد، در منطقه کزاده شرقیه قرار دارد.

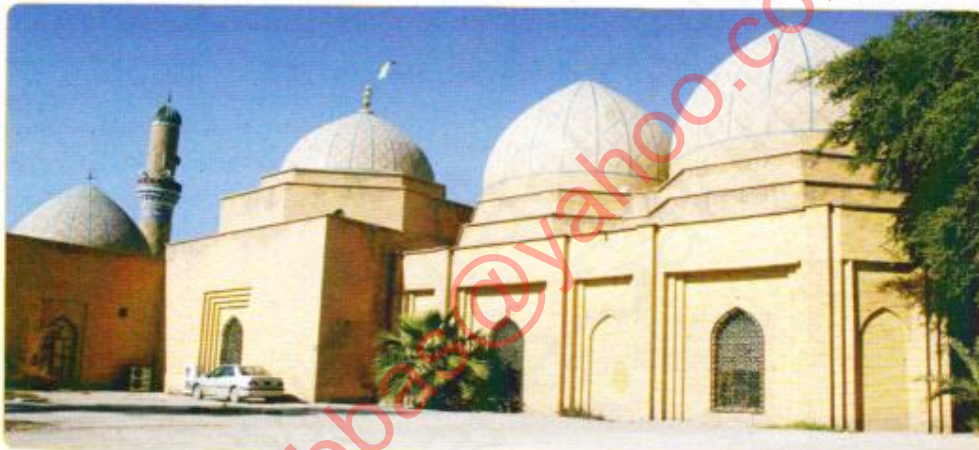


■ مشهد النور

اینجا مرقد عیدالله بن محمد بن عمر الأخراف این امیرالمؤمنین علیه السلام است. این بارگاه که در منطقه اعظمیه بغداد واقع شده، به مشهد النور معروف است چرا که اهالی بغداد نذرهایشان را به آن جا می‌برند و حاجت‌روا می‌گردند. عیدالله، در سال ۱۵۰ هـ ق با دلبسته منصور در سن ۶۷ سالگی به شهادت رسید. منصور برای از بین بردن سادات بنی هاشم، شیوه خاصی داشت که بر سر راه آنان حفره‌های عمیقی ایجاد می‌کرد و آنها را می‌پوشاند و بعد از افتادن فرد در چاه، آن را با خاک پر می‌کرد و به این وسیله سادات را زنده به گور می‌کرد و همان جا مدفن آنان می‌شد. در کنار مرقد عیدالله، مرقد حسن بن علی بن حمزه علوی نیز قرار دارد که سمت نقیب الطالیین در عهد خلافت الناصر لدین الله عباسی داشته و به سال ۵۹۳ هجری وفات یافته است.

● سلمان فارسی

- از برنامه‌های زوآر در کاظمین، رفتن به شهر مدائن برای زیارت جناب سلمان محمدی (رضوان الله علیه) می‌باشد؛ کسی که:
۱. مرحوم علامه مجلسی می‌گوید: به سندهای مختلف از امام صادق (ع) نقل شده که ایمان ده درجه دارد؛ مقدار تا درجه هشتم و ابودر تا درجه نهم و سلمان تا درجه دهم قرار گرفته است!
 ۲. او به شرافت «سَلَمَانُ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ»؛ (سلمان از ما اهل بیت است) مفتخر شده و رسول خدا (ص) در فضیلت او فرموده است: «سَلَمَانٌ بَحْرٌ لَا يَنْزِفُ وَكَثْرُ لَا يَنْفَدُ سَلَمَانٌ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ يَمْنَحُ الْحِكْمَةَ وَيُؤْتِي الْبِرَّهَانَ»؛ یعنی (سلمان دریایی است که نمی‌خشکد و گنجی است که تمام نمی‌شود، سلمان از ما اهل بیت است، که حکمت می‌بخشد و برهان می‌دهد).
 ۳. امیرمؤمنان (ع) او را همانند لقمان حکیم معرفی کرده است.
- سید بن طاووس در «مضیاح الزائر» چهار زیارت برای آن بزرگوار نقل کرده که به ذکر یکی از آنها اکتفا می‌کنیم.



• زیارت سلمان

■ نزد قبر او، رو به قبله می ایستی و می گویی:

السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ سَيِّدِ
الْوَصِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَى الْأَنْبِيَاءِ الْمَعْصُومِينَ الرَّاشِدِينَ، السَّلَامُ عَلَى الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ رَسُولِ اللَّهِ الْأَمِينِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا مُودِعَ أَسْرَارِ السَّادَةِ الْمَيَامِينِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ مِنَ الْبَرَّةِ الْمَاضِينَ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتَهُ، أَشْهَدُ أَنَّكَ أَطَعْتَ اللَّهَ كَمَا أَمَرَكَ،
وَاتَّبَعْتَ الرَّسُولَ كَمَا نَذَبَكَ، وَتَوَلَّيْتَ خَلِيفَتَهُ كَمَا الزَّمَكَ، وَدَعَوْتَ إِلَى الْإِهْتِمَامِ بِذُرِّيَّتِهِ
كَمَا وَقَفَكَ، وَعَلِمْتَ الْحَقَّ يَقِيناً وَاعْتَمَدْتَهُ كَمَا أَمَرَكَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ بَابُ وَصِيِّ الْمُصْطَفَى،
وَطَرِيقُ حُجَّةِ اللَّهِ الْمُرْتَضَى، وَأَمِينُ اللَّهِ فِيمَا اسْتَوْدَعْتَ مِنْ عُلُومِ الْأَصْفِيَاءِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ
مِنْ أَهْلِ بَيْتِ النَّبِيِّ النَّجَبِ، الْمُخْتَارِينَ لِنُصْرَةِ الْوَصِيِّ، أَشْهَدُ أَنَّكَ صَاحِبُ الْعَاشِرَةِ
وَالْبَرَاهِينِ وَالِدَلَائِلِ الْقَاهِرَةِ، وَأَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ
عَنِ الْمُنْكَرِ، وَأَدَيْتَ الْأَمَانَةَ وَنَصَحْتَ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ، وَصَبَرْتَ عَلَى الْأَذَى فِي جَنْبِهِ حَتَّى
أَتَاكَ الْيَقِينُ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ جَحَدَكَ حَقَّكَ وَحَطَّ مِنْ قَدْرِكَ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ آذَاكَ فِي مَوَالِيكَ،

لَعَنَ اللَّهُ مَنْ أَعْنَتَكَ فِي أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ لَامَكَ فِي سَادَاتِكَ، لَعَنَ اللَّهُ عَدُوَّ
 آلِ مُحَمَّدٍ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَضَاعَفَ عَلَيْهِمُ الْعَذَابَ الْأَلِيمَ،
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
 وَآلِهِ وَعَلَيْكَ يَا مَوْلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى رُوحِكَ الطَّيِّبَةِ، وَجَسَدِكَ الطَّاهِرِ
 وَالْحَقْنَا بِمَنِّهِ وَرَأْفَتِهِ إِذَا تَوَفَّانَا بِكَ وَبِمَحَلِّ السَّادَةِ الْمَيَامِينِ وَجَمَعْنَا مَعَهُم بِجَوَارِهِمْ
 فِي جَنَّاتِ النِّعَمِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى إِخْوَانِكَ الشَّيْعَةِ الْبَرَّةِ
 مِنَ السَّلَفِ الْمَيَامِينِ، وَادْخُلِ الرُّوحَ وَالرِّضْوَانَ عَلَى الْخَلْفِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ، وَالْحَقْنَا
 وَإِيَاهُمْ بِمَنْ تَوَلَّاهُ مِنَ الْعَتَرَةِ الطَّاهِرِينَ، وَعَلَيْكَ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

■ سبیس ہفت مرتبہ سورہ «اَنَا انزلناه فی لیلۃ القدر» را می خوانی، آن گاہ آنجہ از نمازهای مستحبی خواستی، کنار قبرش بہ جای می آوری و سبیس این وداع را کہ سید بن طاووس آورده می خوانی:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، أَنْتَ بَابُ اللَّهِ الْمَوْتَى مِنْهُ وَالْمَأْخُوذُ عَنْهُ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قُلْتَ
 حَقًّا وَنَطَقْتَ صِدْقًا، وَدَعَوْتَ إِلَى مَوْلَايَ وَمَوْلَاكَ عَلَانِيَةً وَسِرًّا، أَتَيْتَكَ زَائِرًا وَحَاجَاتِي لَكَ
 مُسْتَوْدَعًا، وَهَذَا أَنَا ذَا مَوْدَعِكَ، اسْتَوْدَعَكَ دِينِي وَأَمَانَتِي وَخَوَاتِيمَ عَمَلِي وَجَوَامِعَ أَمَلِي إِلَى
 مُنْتَهَى أَجَلِي، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْأَخْيَارِ.



زیارت حذیفه بن الیمان

حذیفه، از اصحاب رسول خدا و امیر مؤمنان علیه السلام بود و در میان اصحاب، به شناختن منافقان شهرت داشت؛ وی پیش از انتصاب سلمان فارسی به ولایت مدائن و نیز پس از رحلت ایشان، والی مدائن بود. در سال ۳۶ هجری در آن جا درگذشت و در آن شهر به خاک سپرده شد، در زیارت آن صحابی جلیل القدر می‌گوئیم:

السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ
سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَى الْأَنْمَةِ الْمُعْصُومِينَ الرَّاشِدِينَ، السَّلَامُ عَلَى الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ رَسُولِ اللَّهِ الْأَمِينِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُوَدَّعَ أَسْرَارِ السَّادَةِ الْمَيَامِينِ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ أَوْتِنَى الْعِلْمَ بِأَسْمَاءِ الْمَنَافِقِينَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ أَطَعْتَ اللَّهَ كَمَا أَمَرَكَ، وَاتَّبَعْتَ
الرَّسُولَ كَمَا نَدَبَكَ، وَتَوَلَّيْتَ خَلِيفَتَهُ كَمَا زَمَكَ، وَدَعَوْتَ إِلَى الْإِهْتِمَامِ بِذَرِّيَّتِهِ كَمَا وَقَفَكَ
وَعَلِمْتَ الْحَقَّ يَقِينًا وَاعْتَمَدْتَهُ، كَمَا أَمَرَكَ، وَأَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ
وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَأَدَيْتَ الْأَمَانَةَ، وَنَصَحْتَ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى رُوحِكَ الطَّيِّبِ
وَجَسَدِكَ الطَّاهِرِ، وَالْحَقُّنَا بِكَ وَبِمَحَلَّةِ السَّادَةِ الْمَيَامِينِ، وَجَمَعْنَا مَعَهُمُ بِجَوَارِهِمْ فِي
جَنَّاتِ النَّعِيمِ، وَلَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنَّا لِزِيَارَتِكَ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

● نماز در مسجد جامع مدائن

در جنب مدفن جناب سلمان، مسجد جامع مدائن واقع شده که منسوب به حضرت امام حسن عسکری علیه السلام است که یا به امر آن حضرت بنا شده یا در آنجا نماز خوانده است. سزاوار است زائر گرامی از فیض دو رکعت نماز در این مسجد نیز، خود را محروم نسازد.

● طاق کسری

پس از زیارت جناب سلمان، شایسته است زائر محترم دو رکعت نماز یا بیشتر در طاق کسری بخواند، چرا که امیرالمؤمنین علیه السلام در آنجا نماز گزارد و عمار سابیلی نقل می‌کند: آن حضرت وقتی به مدائن آمد، در ایوان کسری فرود آمد و «دلف بن بحیر» به همراه حضرتش بود، حضرت در این مکان نماز به جای آورد و آن‌گاه برخاست و خطاب به دلف (به عنوان درس عبرت) فرمود: برای «کسری»، آن پادشاه معروف، در این مکان چنین و چنان بود و...؛ دلف هم در مقابل می‌گفت: آری به خدا قسم، چنین است که می‌فرمایی، ای سید و مولای من! چنان‌شما بر این دیار مطلع هستید که گویا خود شما آن را بنا نهاده‌اید!

در روایت دیگری آمده: وقتی آن حضرت بر مدائن، مرور کرد و آثار کسری و خرابی آن را مشاهده فرمود، یکی از همراهان از روی عبرت این شعر را قرائت کرد:



جرت الريح على رسوم ديارهم فكانهم كانوا على ميعاد

حضرت فرمود: چرا این آیات را تلاوت نمی‌کنی: «کم ترکوا من جنات و عیون

« و زروع و مقام کریم » و نعمة كانوا فيها فأكھین » کذلک واورثناها قوماً

آخرین » فما یکت علیهم السماء، و الأرض و ما كانوا منظرین » سپس فرمود:

ان هؤلاء كانوا وارثین، فاصبحوا موروثین لم يشکروا النعمة فسلبوا دنیاهم

بالمعصية، یا اکم و کفر النعم لا تحل بکم النقم.

(سپس این گروه وارث دیگران بودند، اما چیزی نگذشت که دیگران وارث آنها

شدند؛ شکر نعمت الهی به جای نیاوردند لذا دنیای آنها به خاطر گناه از دست رفت.

از کفران نعمت بپرهیزید تا بلا بر شما نازل نشود).

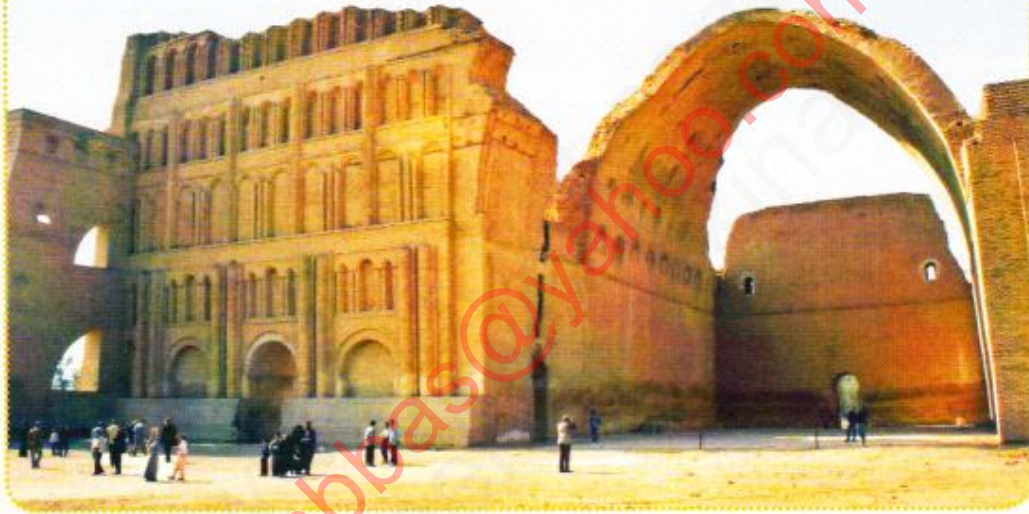
jabir.abbas@yahoo.com

هان ای دل عبرت بین از دیده نظر کن هان!
ایوان مدائن را آینه عبرت دان



حاصل آن آیه و این بیان حضرت، همان است که حکیم خاقانی در شعر معروفش گفته است:

شهر تیسفون پایتخت امپراتوری ساسانیان بوده که از بهیم پیوستن چندین شهر به وجود آمده بود و عرب‌ها آن را به نام مدائن می‌شناسند و امروزه از آن پایتخت با عظمت و شکوه، تنها ایوان عظیم آن (طاق کسری) باقی مانده است. بر فراز آن، شکاف عمیقی را که به هنگام ولادت رسول خدا ﷺ به وجود آمده است، می‌توان مشاهده کرد. این طاق در ۳۰ کیلومتری جنوب بغداد و در سمت غرب رودخانه دجله قرار دارد. بلندی این طاق آجری ۳۰ متر و پهنای آن ۴۸ متر و قطر دیوارهای آن ۷ متر است. گفته می‌شود این طاق بلندترین طاق آجری جهان است. این شهر و این کاخ عظیم را نخست شاپور ذوالکثاف، در قرن سوم میلادی بنا نمود و بعدها انوشیروان آن را توسعه داد.



• برخی از مشاهیر اهل سنت مدفون در بغداد

■ **راغب اصفهانی**، ابوالقاسم حسینی بن محمد بن مفصل محمد، صاحب کتاب «مفردات» و «محاضرات». بعضی احتمال داده‌اند که شیعه باشد. در سال ۵۶۵ هـ ق در بغداد وفات یافت.



■ **شیخ عبدالقادر گیلانی** (ولادت ۳۷۰ هـ ق وفات ۵۶۰ هـ ق) امام فرقه قادریه، از فرقه‌های صوفیه که به او لقب «قدس اعظم» داده‌اند و اهل سنت در مقام او بسیار غلو می‌کنند. قبرش در شارع الکفاح منطقه رصافه بغداد است.

■ **ابن ابی الحدید** مدائنی (شیخ عبدالحمید بن محمد بن محمد بن حسین) شارح نهج البلاغه، تولد ۵۸۶ هـ ق وفات ۶۵۵ هـ ق بغداد.

■ **ابن جوزی** (ابوالفرج عبدالرحمن بن علی حبلی) ولادت ۵۱۰ هـ ق وفات ۵۹۷ هـ ق صاحب کتاب «لازکیاء» - قبرش در شارع الکفاح منطقه رصافه بغداد است.

آمد؛ امام پرسید: صاحب خانه آزاد است یا بنده؟ کنیز جواب داد: آزاد. امام فرمود: آری اگر بنده بود این چنین صدای آواز از خانه‌اش بلند نبود. بعد که بُشر این فرموده امام را شنید، شتابان و پابرهنه، عذرخواهان به دنبال امام دوید، به همین دلیل او را بُشر حافی (پابرهنه) نام نهادند. در کنار قبر بُشر، قبر خطیب بغدادی قرار دارد.



■ **احمد بن حنبل** بن هلال الشیبانی سال ۱۶۴ هـ ق در بغداد به دنیا آمد و در سال ۲۴۱ در مقبره دارالحرب، کنار دجله به خاک سپرده شد. اما اکنون از قبرش خبری نیست. نسبش به «ذی النذیه» رئیس خوارج می‌رسد. در منطقه شیعه‌نشین کراده مسجدی به یادش ساخته شده‌است.

■ **طبری** (محمد بن جریر بن غالب) تاریخ‌نگار برجسته و صاحب «تفسیر کنیز» و «تاریخ طبری»؛ ولادت سال ۲۲۴ هـ ق در امل مازندران؛ وفات، ۳ شوال سال ۳۲۰ در بغداد. ■ **ابن درید بصری** صاحب کتاب «جهره و مقصوره»، وفات ۲۲۱ هـ ق.

■ **ابونواس** شاعر معروف (ابوعلی حسن بن هانی) ■ **ابوحنیفه** (نعمان بن ثابت بن قردوس) اهل کابل؛ اولین رئیس مذهب حنفی از



مذاهب چهارگانه اهل سنت. در سال ۸۰ هـ ق بدنیا آمد و در رجب ۱۵۱ هـ ق وفات یافت و در مقبره خیزرانیه بغداد دفن شد، که اکنون به نام منطقه «حنی الاعظمیه» مشهور است. اهل سنت او را «امام اعظم» لقب داده‌اند. خود ابوحنیفه می‌گفت لولا السنن لهلك النعمان اگر دوسالی که در محضر امام صادق شاکرد بودم، نبود هلاک شده بودم.

■ **معروف کرخی** بغدادی (وفات ۲۰۰ هـ ق) ■ **ابومحفوظ کرخی** (وفات ۲۰۰ بغداد هـ ق) صوفیه به وی اعتقاد فراوانی دارند.

■ **بُشر حافی** (ابونصر بن عبدالرحمن) ولادت ۲۲۶ هـ ق. نقل کرده‌اند که امام موسی کاظم علیه السلام از نزد خانه بُشر می‌گذشت. صدای غنا از خانه بُشر بلند بود؛ کنیزی از خانه بیرون

بغداد ۳۷۹



■ مسجد جامع حیدر خانہ
یکی از مساجد مهم شیعه در بغداد



■ مسجد جامع الخلفا
یکی از مساجد مهم اهل سنت در بغداد

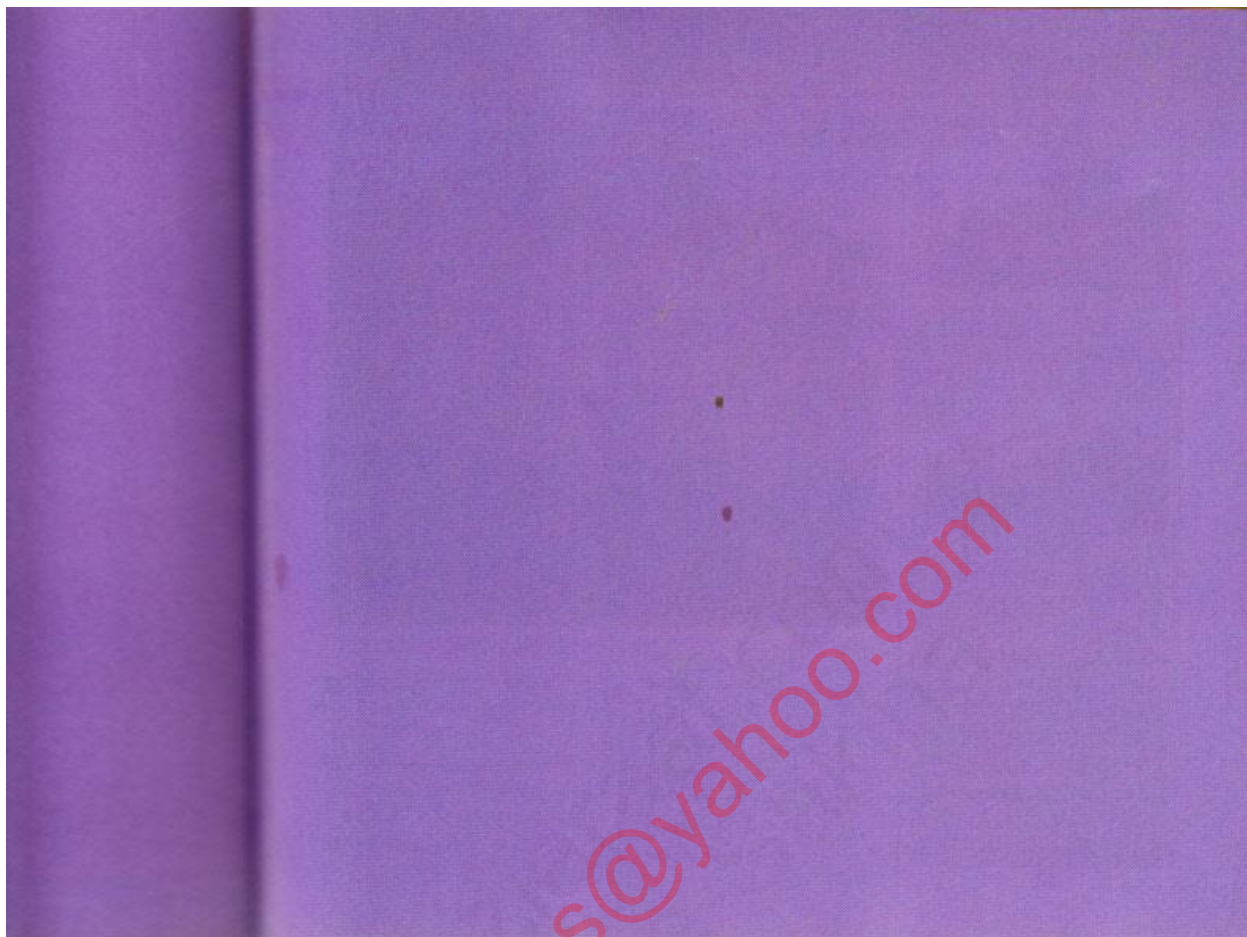
● برخی از اماکن تاریخی بغداد

مرقد بھلول منطقه سوق الغزل
مرقد قنبر علی محلہ شورجہ شارع الجمہوری
زندانی سندی بن شاہک جسر صرافیہ
منطقہ کرخ - وزارت دفاع فعلی

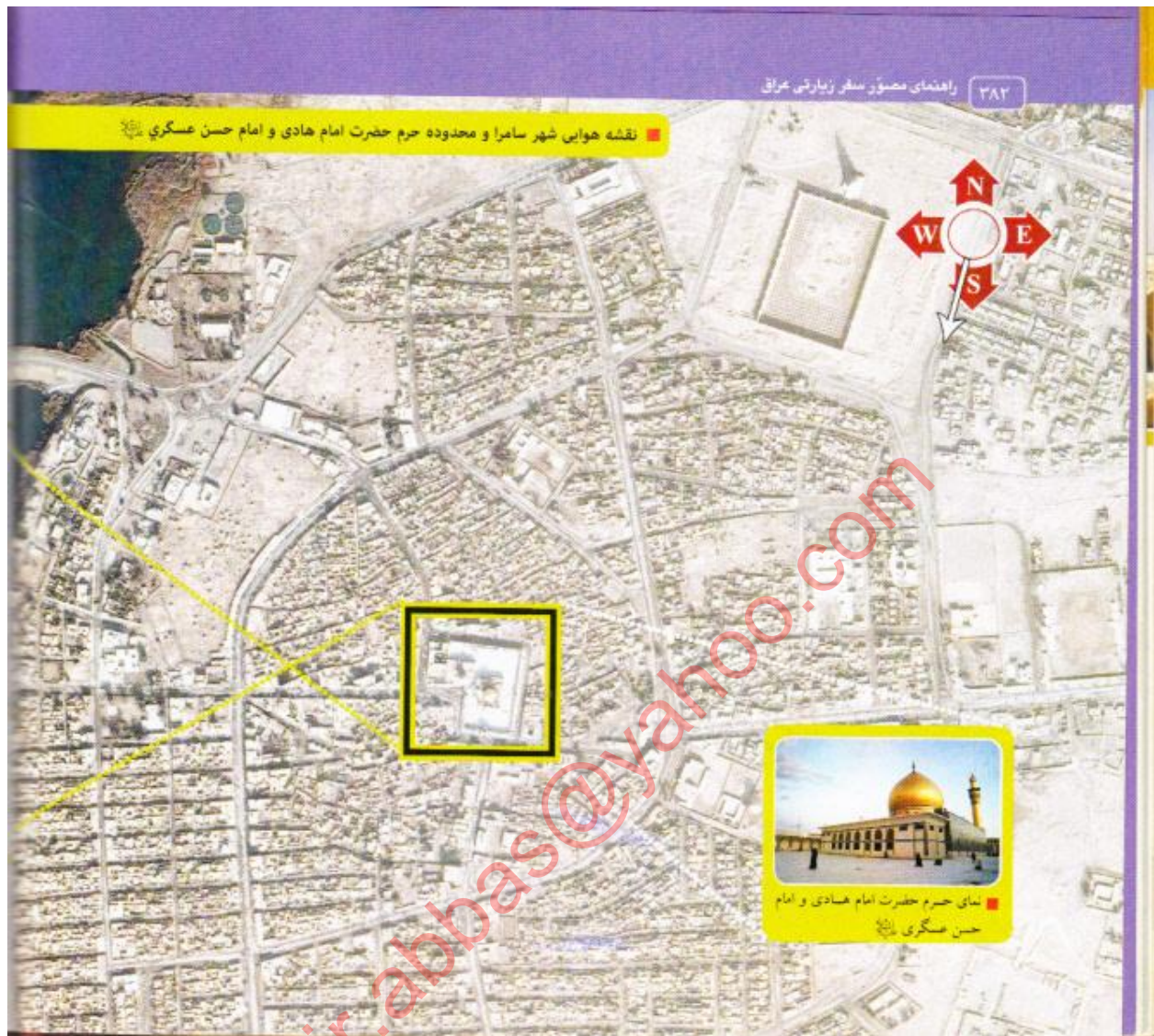


■ نقشہ محله‌های بزرگ بغداد بنا بر تقسیم مذهبی

■ سنی نشین	■ شیعه نشین
■ کاظمیہ: شیعه نشین	■ اغلب شیعه
■ کرادہ: مختلط	■ مختلط (شیعه و سنی)
■ منصورہ: مختلط	■ اغلب سنی
■ دورہ: مختلط	■ سنی نشین
■ بغداد الجدیدہ: مختلط	
■ شہرک صدر: شیعه نشین	
■ شہرک حریہ: مختلط	









• تاریخچه سامرا

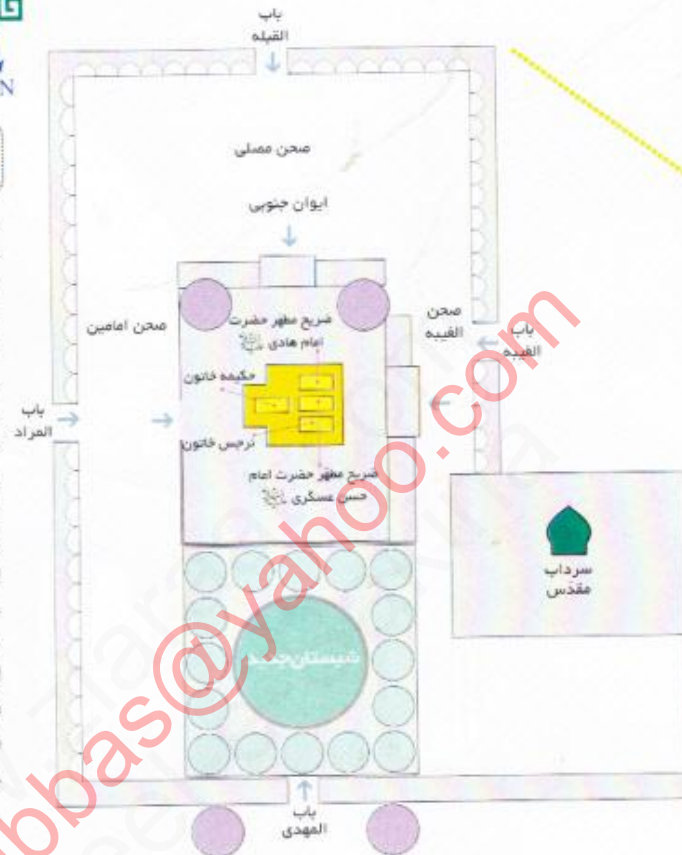
به دلیل آب و هوای خوب و مساعد، پادشاهان ساسانی در شهر سامرا عماراتی داشتند. بعدها این شهر که مرز مملکت ایران و روم بود، به تصرف روم درآمد و مردم آن به مذهب عیسوی گرویدند.

و پس از ظهور اسلام، این شهر را از رومیان جدا ساختند. اما بر اثر جنگ‌های متعدد، این شهر خراب شد و جمعیت آن متفرق گردیدند. در اواخر قرن دوم هجری، فقط یک دیر در این محل بوده است.

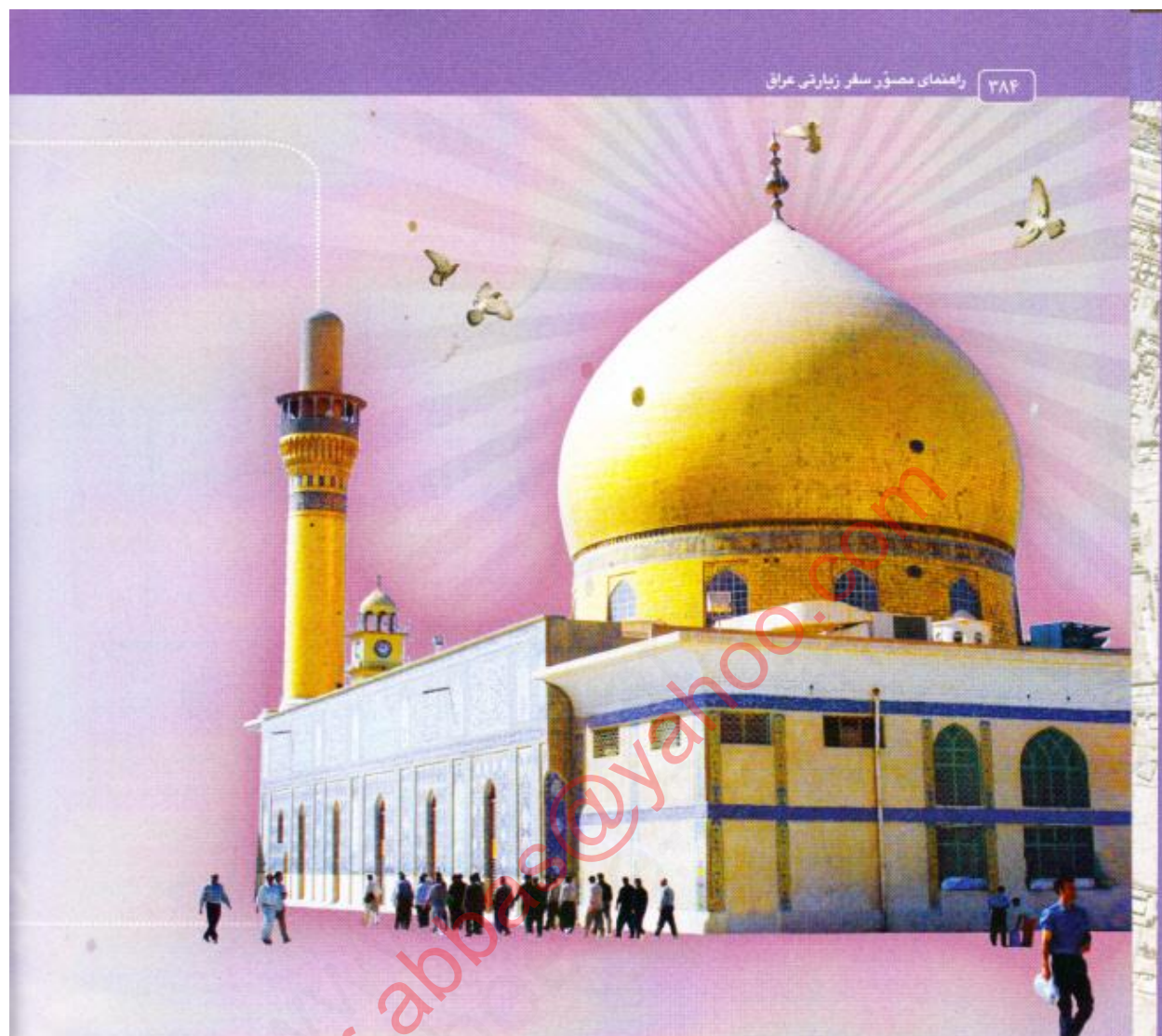
در دوره عباسیان، خلفای عباسی در اطراف این محل بناهای متعددی ساختند.

سال ۲۲۱ هجری، در زمان معتصم، هشتمین خلیفه بنی عباس، شهر سامرا مرکز حکومت اسلامی شد.

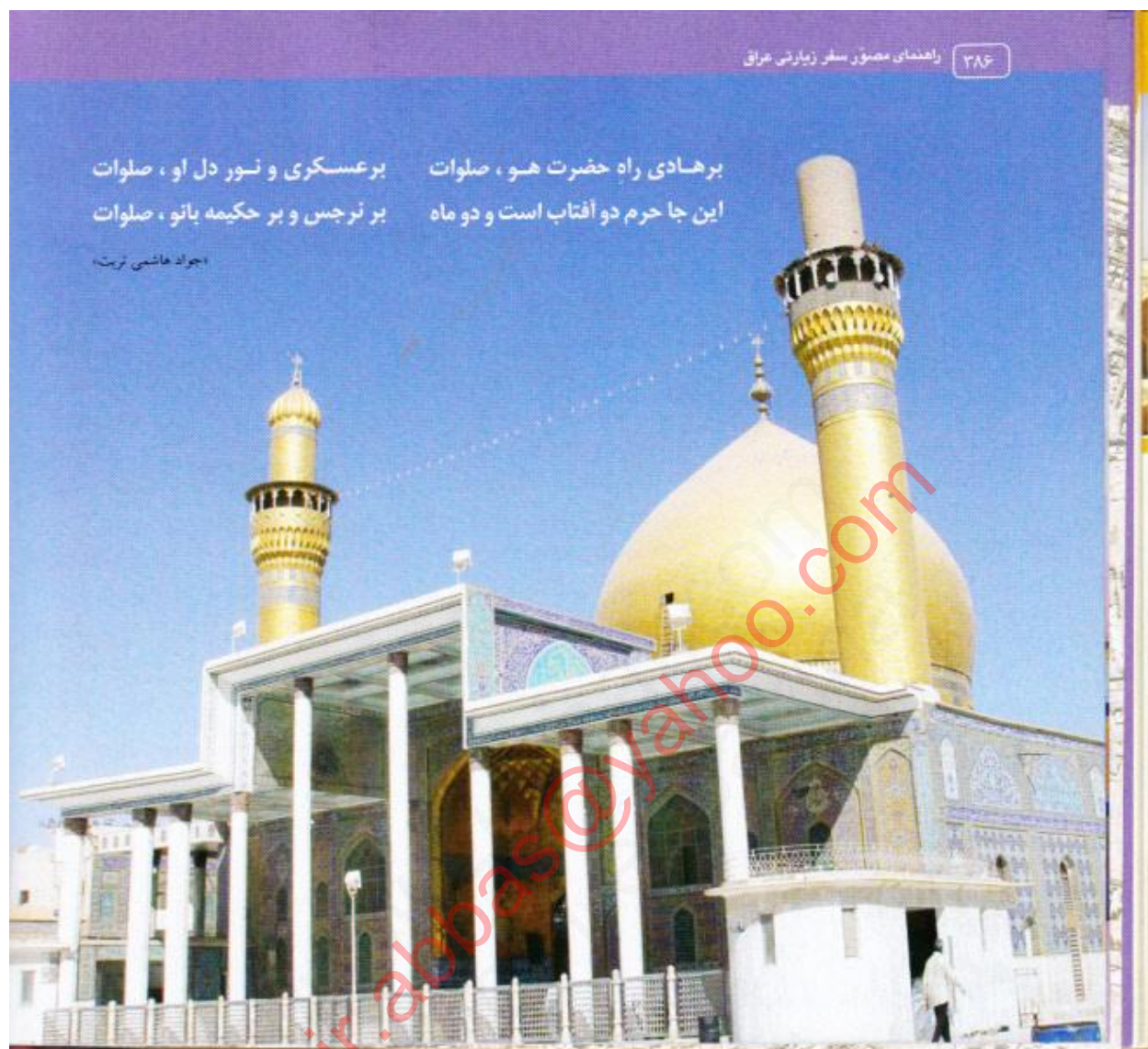
در قرن دهم میلادی (قرن چهارم هجری) این شهر دوباره به زوال و ویرانی رو نهاد و در آن، غیر از حرم عسکریین (ع)، چیزی نماند.



jabir.abbas@yahoo.com



سلسلہ ۲۸۵	
مشخصات معصوم سیزدہم، امام یازدہم، حضرت عسکری	مشخصات معصوم دوازدهم، امام دهم، حضرت هادی
نام: حسن	نام: علی
کنیہ: ابو محمد	کنیہ: ابوالحسن الثالث
لقب: عسکری، ابن الرضا و سراج	لقب: هادی، تقی
پدر و مادر: امام هادی و سلیل (سوسن، خذیت)	پدر و مادر: امام جواد و سمانہ
زمان ولادت: ۸ یا ۱۰ ربیع الثانی سال ۲۳۲ ہجری قمری	زمان ولادت: ۱۵ ذی الحجہ سال ۲۱۲ ہجری قمری
مکان ولادت: مدینہ	مکان ولادت: روستای «صریاء» (نزدیک مدینہ)
نقش انگشت: انا لله شہید	نقش انگشت: الله ربی و هو عظمی من خلقه
اولاد: ۱ فرزند	اولاد: ۵ فرزند
مدت امامت: ۶ سال	مدت امامت: ۲۳ سال
زمان شہادت: جمعہ ۸ ربیع الاول سال ۲۶۰ ہجری	زمان شہادت: دوشنبہ ۳ رجب سال ۲۵۴ ہجری
مکان شہادت: سامراء	مکان شہادت: سامراء
سبب شہادت: زہر معتمد عباسی	سبب شہادت: زہری کہ توسط معتمد یا معتز بہ آن حضرت خورائیدند
عمر: ۲۸ سال	عمر: ۴۲ سال
مرقد شریف: سامراء	مرقد شریف: سامراء
دوران عمر: در دو بخش:	دوران عمر: در سه بخش:
۱. قبل از امامت (۲۲ سال) از سال ۲۳۲ تا ۲۵۲ ہجری	۱. حدود ۸ سال قبل از امامت (از ذیحجہ سال ۲۳۲ تا ۲۴۰ ہجری)
۲. دوران امامت (۶ سال) از سال ۲۵۲ تا ۲۶۰ ہجری	۲. دوران امامت، در زمان خلفای قبل از متوکل، ۱۲ سال (از سال ۲۴۰ تا ۲۵۲ ہجری)
۳. آن حضرت ہموارہ تحت نظر و در زندان طاغوت ہای عصر خود بود۔	۳. دوران امامت در سخت ترین شرایط، در زمان خلافت پانزدہ سالہ دیکاتورہی متوکل (دعیم خلیفہ عباسی) و خلفای بعدی کہ عبارت بودند از: منتصر، المستعین و المسترشد
طاغوت ہای عصر امامت او عبارتند از: ۱. مہندی و معتمد۔	



• فضیلت زیارت عسکرتین (ع)

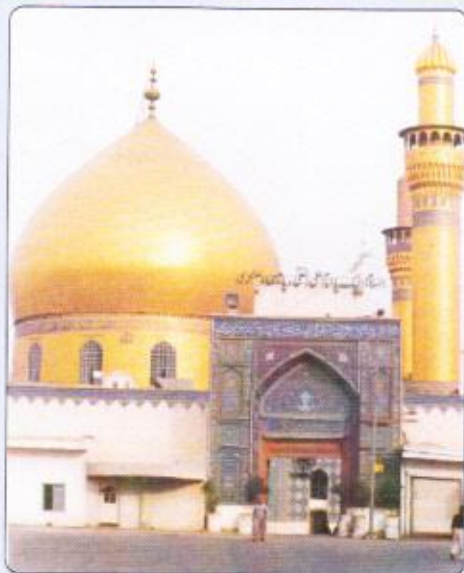
شکی نیست که فضیلت زیارت آن دو بزرگوار از زیارت سایر ائمه (ع) کمتر نیست، از امام صادق (ع) نقل شده است: «کسی که یکی از ائمه (ع) را زیارت کند، مثل آن است که رسول خدا (ص) را زیارت کرده است».

و این روایت نیز از آن حضرت است که:

«هر کس امام واجب‌الاطاعه‌ای را زیارت کند و نزد او چهار رکعت نماز گزارد، برای او ثواب یک حج و یک عمره نوشته می‌شود». علامه مجلسی در باب «ثواب تعمیر قبور ائمه و زیارتها» حدود ۱۵ روایت نقل می‌کند که شامل قبور همه ائمه می‌شود و ما در این جا به سه روایت آن اشاره می‌کنیم:

۱. مرحوم شیخ طوسی، از ابوهاشم جعفری، از امام حسن عسکری (ع) نقل می‌کند که فرمود: قبر من در «سنز من رأی» امان (از بلاها و عذاب الهی) برای هر دو گروه است. (منظور دو گروه شیعه و اهل سنت که در آن جا ساکن هستند) و طبعاً معنای این روایت آن خواهد بود که برکت قبر آن حضرت، برکت عامی است که همه را احاطه کرده‌است، چنان که قبر موسی بن جعفر (ع) امان برای همه اهالی بغداد است.





۲. شیخ طوسی در «امالی» از بعضی نقل می‌کند: خدمت امام هادی علیه السلام عرض کردم: ای آقای من! دعایی به من بیاموز که از طریق آن به خدای عزوجل نزدیک شوم، فرمود: دعایی که الآن برایت نقل می‌کنم دعایی است که بسیاری از اوقات با آن خدا را می‌خوانم و از خداوند عزوجل خواسته‌ام کسی که در حرم من این دعا را بخواند، مأیوس برنگردد؛ دعا این است:

يَا عَدَّتِي عِنْدَ الْعَدَدِ، وَيَا رَجَانِي
وَالْمُعْتَمِدَ، وَيَا كَهْفِي وَالسَّنَدَ، يَا وَاحِدَ
يَا أَحَدَ، وَيَا قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدَ، أَسْأَلُكَ
اللَّهُمَّ بِحَقِّ مَنْ خَلَقْتَ مِنْ خَلْقِكَ وَلَمْ
تَجْعَلْ فِي خَلْقِكَ مِثْلَهُمْ أَحَدًا صَلِّ عَلَى
جَمَاعَتِهِمْ، وَافْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا.

به جای «و افعَل بِي كَذَا وَكَذَا» حاجتش را بخواهد. مطابق گواهی بعضی از مؤمنان مخلص، تأثیر خواندن این دعا در آن حرم مقدس به تجربه رسیده است.

۳. در «عده الداعی» روایت شده که شخصی مشکل مهمی در زمان امام هادی علیه السلام داشت، از آن حضرت تقاضا کرد که نزد خلیفه وقت برای او شفاعت کند، چیزی نگذشت که مشکل او به طور کامل حل شد، خدمت حضرت رسید و عرض کرد: آیا

شما نزد او شفاعتی برای من کردید؟ امام علیه السلام فرمود: خداوند ما را این گونه تربیت کرده که در مسائل مهم تنها به او پناه ببریم و از غیر او چیزی نخواهیم، ترسیدم که (اگر شفاعت تو را نزد خلیفه کنم و) راه و رسم خود را تغییر دهم و خداوند هم لطف خود را تغییر دهد و من از خداوند عزوجل خواسته‌ام که احدی بعد از من این دعا را نزد قبرم نخواند مگر این که دعایش مستجاب شود؛ سپس دعای فوق را عیناً نقل فرمود.

□ عده الداعی، ص ۶۵

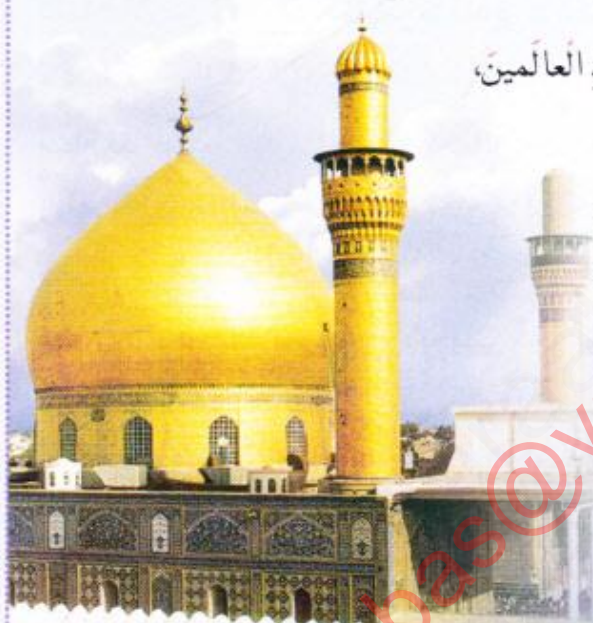
• زیارت مشترک آن دو بزرگوار

این قولویه از بعضی از ائمه علیهم السلام روایت کرده: هرگاه قصد زیارت امام هادی و امام عسکری علیهم السلام را نمودی؛ بعد از غسل زیارت، اگر به قبر آن دو بزرگوار رسیدی، کنار قبر و اگر رسیدن به کنار قبر برایت ممکن نشد، پشت شبکه‌ای که در دیوار مقابل نصب شده بایست و بگو:

السَّلَامُ عَلَیْکُمَا یَا وَلِیَّی اللّٰهُ، السَّلَامُ عَلَیْکُمَا یَا حُجَّتَی اللّٰهُ، السَّلَامُ عَلَیْکُمَا یَا نُورِی اللّٰهُ فِی ظُلُمَاتِ الْاَرْضِ السَّلَامُ عَلَیْکُمَا یَا مَنْ بَدَّلَ اللّٰهُ فِی شَأْنِکُمَا، اَتَیْتُمَا زَانِرًا وَّعَارِفًا بِحَقِّکُمَا مُعَادِیًا لَا عُدَّ اَنْکُمَا مَوَالِیًا لَا یَا نَکُمَا مُؤْمِنًا بِمَا اَمَنْتُمَا بِهِ، کَافِرًا بِمَا کَفَرْتُمَا بِهِ، مُحَقِّقًا لِمَا حَقَّقْتُمَا، مُبْطِلًا لِمَا اَبْطَلْتُمَا، اَسْأَلُ اللّٰهَ رَبِّی وَرَبَّیْکُمَا اَنْ یَجْعَلَ حَظِّی مِنْ زِیَارَتِکُمَا الصَّلَاةَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاَنْ یَرْزُقْنِی مُرَافَقَتِکُمَا فِی الْجَنَّةِ مَعَ اَبَائِکُمَا الصَّالِحِیْنَ وَاَسْأَلُهُ اَنْ یُعْتِقَ رَقَبَتِی مِنَ النَّارِ وَیَرْزُقْنِی شِفَاعَتِکُمَا وَمُصَاحَبَتِکُمَا وَیَعْرِفَ بَیْنِی وَبَیْنِکُمَا، وَلَا یَسْلُبْنِی حُبَّکُمَا وَحُبَّ اَبَائِکُمَا الصَّالِحِیْنَ، وَاَنْ لَا یَجْعَلَهُ اَخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِیَارَتِکُمَا، وَیُخْشِرْنِی مَعَکُمَا فِی الْجَنَّةِ بِرَحْمَتِهِ، اللّٰهُمَّ ارْزُقْنِی حُبَّهُمَا وَتَوْفَنِی عَلَی مِلَّتِهِمَا، اللّٰهُمَّ الْعَنْ ظَالِمِی آلَ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ وَانْتَقِمْ مِنْهُمْ، اللّٰهُمَّ الْعَنْ الْاَوَّلِیْنَ مِنْهُمْ وَالْاٰخِرِیْنَ وَضَاعِفِ عَلَیْهِمُ الْعَذَابَ، وَابْلَغْ بِهِمْ وَبِاشْیَاعِهِمْ وَمُحِبِّیْهِمْ وَمُتَّبِعِیْهِمْ اَسْفَلَ دَرَكٍ مِنَ الْجَحِیْمِ اِنَّکَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ، اللّٰهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَ وَلِیْکَ وَابْنِ وَلِیْکَ وَاجْعَلْ فَرَجَنَا مَعَ فَرَجِهِمْ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ

• زیارت مختص امام هادی علیه السلام

أَدْخُلْ يَا نَبِيَّ اللَّهِ،
أَدْخُلْ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ،
أَدْخُلْ يَا فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءُ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ،
أَدْخُلْ يَا مَوْلَايَ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ،
أَدْخُلْ يَا مَوْلَايَ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ،
أَدْخُلْ يَا مَوْلَايَ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ،
أَدْخُلْ يَا مَوْلَايَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ،
أَدْخُلْ يَا مَوْلَايَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ،
أَدْخُلْ يَا مَوْلَايَ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ،
أَدْخُلْ يَا مَوْلَايَ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى،
أَدْخُلْ يَا مَوْلَايَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ،



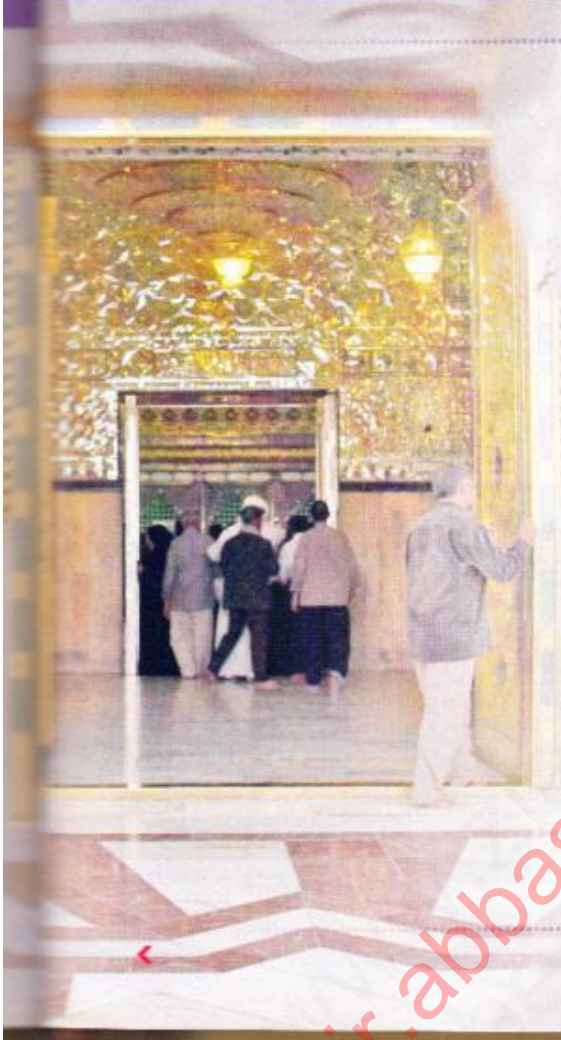
أَدْخُلْ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ،
 أَدْخُلْ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ،
 أَدْخُلْ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ الْمُؤَكِّلِينَ بِهَذَا الْحَرَمِ الشَّرِيفِ.

■ سپس با مقدم داشتن پای راست، داخل شو و نزد ضریح امام هادی (ع) رو به قبر و پشت به قبله بایست و پس از گفتن ۱۰۰ مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ
 الزَّكِيُّ الرَّاشِدُ النُّورُ الثَّاقِبُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ،



السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفِيَّ، اللَّهُ
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سِرَّ اللَّهِ،
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبْلَ اللَّهِ،
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا آلَ اللَّهِ،
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ،
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صِفْوَةَ اللَّهِ،



السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَقَّ اللَّهِ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ الْأَنْوَارِ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا زَيْنَ الْأَبْرَارِ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَلِيلَ الْأَخْيَارِ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا غَنْصَرَ الْأَطْهَارِ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ الرَّحْمَنِ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رُكْنَ الْإِيمَانِ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ الصَّالِحِينَ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عِلْمَ الْهُدَى،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَ التَّقَى،

السَّلامُ عَلَيْكَ يَا عَمُودَ الدِّينِ،
 السَّلامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ،
 السَّلامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ،
 السَّلامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ،
 السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْأَمِينُ الْوَفِيُّ،
 السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الرُّضِيُّ،
 السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الزَّاهِدُ التَّقِيُّ،
 السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْحُجَّةُ عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ،
 السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا التَّالِي لِلْقُرْآنِ،
 السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُبِينُ لِلْحَلَالِ مِنَ الْحَرَامِ،
 السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَلِيُّ النَّاصِحُ،
 السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الطَّرِيقُ الْوَاضِحُ،
 السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النُّجْمُ الْمَلَانِحُ،

أَشْهَدُ يَا مُوَلَايَ يَا أَبَا الْحَسَنِ أَنَّكَ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، وَخَلِيفَتُهُ فِي بَرِّيَّتِهِ، وَآمِينُهُ فِي بِلَادِهِ، وَشَاهِدُهُ عَلَى عِبَادِهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى، وَبَابُ الْهُدَى، وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى، وَالْحُجَّةُ عَلَى مَنْ فَوْقَ الْأَرْضِ وَمَنْ تَحْتَ الثَّرَى، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْمُطَهَّرُ مِنَ الذُّنُوبِ، الْمُبْرَأُ مِنَ الْعُيُوبِ، وَالْمَخْتَصُّ بِكَرَامَةِ اللَّهِ، وَالْمَحْبُوبُ بِحُجَّةِ اللَّهِ، وَالْمَوْهُوبُ لَهُ كَلِمَةُ اللَّهِ، وَالرُّكْنُ الَّذِي يَلْجَأُ إِلَيْهِ الْعِبَادُ، وَتُحْيِي بِهِ الْبِلَادُ، وَأَشْهَدُ يَا مُوَلَايَ أَنِّي بِكَ وَبِأَبَائِكَ وَأَبْنَائِكَ مُوقِنٌ مُقَرَّرٌ، وَلَكُمْ تَابِعٌ فِي ذَاتِ نَفْسِي وَشَرَايعَ دِينِي وَخَاتِمَةَ عَمَلِي وَمُنْقَلَبِي وَمُثَوَايَ، وَأَنْتَ وَلِيٌّ لِمَنْ وَالَاكُمْ وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاكُمْ، مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَعَلَانِيَتِكُمْ وَأَوَّلَكُمْ وَأَخْرَكُمْ بِأَبِي أَنْتَ وَآمِي وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

■ آن گاه ضربیح را بیوس و طرف راست صورت را بر آن بگذارد و بگو:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَصَلِّ عَلَى حُجَّتِكَ الْوَفَى، وَوَلِيِّكَ الزَّكِيِّ، وَآمِينِكَ الْمُرْتَضَى، وَصَفِيكَ الْهَادِي، وَصِرَاطِكَ الْمُسْتَقِيمِ، وَالْجَادَّةِ الْعَظْمَى، وَالطَّرِيقَةِ الْوُسْطَى، نُورِ قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَلِيِّ الْمُتَّقِينَ، وَصَاحِبِ الْمَخْلُصِينَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآهْلِ بَيْتِهِ، وَصَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الرَّاشِدِ الْمَعْصُومِ مِنَ الزَّلِيلِ وَالطَّاهِرِ مِنَ الْخَلِيلِ، وَالْمُنْقَطِعِ

إِلَيْكَ بِالْأَمَلِ، الْمَبْلُوبِ بِالْفِتَنِ، وَالْمُخْتَبَرِ بِالْمَحَنِ، وَالْمُمْتَحَنِ بِحَسَنِ الْبَلَاوِي، وَصَبْرِ الشُّكُوي،
مُرْشِدِ عِبَادِكَ وَبِرْكَةِ بِلَادِكَ، وَمَحَلِّ رَحْمَتِكَ، وَمُسْتَوْدِعِ حِكْمَتِكَ، وَالْقَائِدِ إِلَى جَنَّتِكَ الْعَالَمِ
فِي بَرِيَّتِكَ، وَالْهَادِي فِي خَلِيقَتِكَ الَّذِي ارْتَضَيْتَهُ وَانْتَجَبْتَهُ وَاخْتَرْتَهُ لِمَقَامِ رَسُولِكَ فِي
أَمَّتِهِ، وَالزَّمْتَهُ حِفْظَ شَرِيعَتِهِ، فَاسْتَقَلَّ بِأَعْبَاءِ الْوَصِيَّةِ نَاهِضاً بِهَا، وَمُضْطَلِعاً بِحِمْلِهَا، لَمْ يَعْثُرْ
فِي مَشْكِلٍ، وَلَا هَفَافِي مُعْضِلٍ، بَلْ كَشَفَ الْغَمَّةَ وَسَدَّ الْفَرْجَةَ وَأَدَّى الْمُفْتَرَضَ، اللَّهُمَّ فَكَمَا
أَقْرَرْتَ نَظَرَ نَبِيِّكَ بِهِ، فَرَقِهِ دَرَجَتَهُ، وَأَجْزَلَ لَدَيْكَ مَثُوبَتَهُ، وَصَلَّ عَلَيْهِ وَبَلَّغَهُ مِنَّا تَحِيَّةً
وَسَلَاماً، وَآتِنَا مِنْ لَدُنْكَ فِي مَوَالِيَتِهِ فَضْلاً وَاحْسَاناً وَمَغْفِرَةً وَرِضْوَاناً، إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ

■ سپس نماز زیارت بخوان و بعد از سلام نماز، بگو:

اللَّهُمَّ يَا ذَا الْقُدْرَةِ الْجَامِعَةِ، وَالرَّحْمَةِ الْوَاسِعَةِ، وَالْمِنَّةِ الْمُتَتَابِعَةِ، وَالْأَلَاءِ الْمُتَوَاتِرَةِ، وَالْأَيَادِي
الْجَلِيلَةِ، وَالْمَوَاهِبِ الْجَزِيلَةِ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِينَ، وَأَعْظِنِي سُوْلِي وَاجْمَعْ
شَمْلِي وَلَمْ شَعْنِي وَزَكِّ عَمَلِي، وَلَا تَزِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِهْدَايَتِي، وَلَا تَزِلْ قَدَمِي، وَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي
طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا، وَلَا تَخَيِّبْ طَمَعِي، وَلَا تَبْدِ عَوْرَتِي، وَلَا تَهْتِكْ سِتْرِي، وَلَا تَوْحِشْنِي وَلَا تُؤْيِسْنِي،
وَكُنْ بِي رَوْوْفًا رَحِيمًا، وَاهْدِنِي وَزَكِّنِي وَطَهِّرْنِي وَصَفِّنِي وَاصْطَفِّنِي وَخَلِّصْنِي وَاسْتَخْلِصْنِي

وَاصْنَعْنِي وَاصْطَنِعْنِي، وَقَرِّبْنِي إِلَيْكَ وَلَا تَبَاعِدْنِي مِنْكَ، وَالْطَّفُّ بِي وَلَا تَجْفُنِي، وَاکْرِمْنِي وَلَا تَهْنِي، وَمَا أَسْأَلُكَ فَلَا تَحْرِمْنِي، وَمَا لَا أَسْأَلُكَ فَاجْمَعْهُ لِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَأَسْأَلُكَ بِحُرْمَةِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ، وَبِحُرْمَةِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَبِحُرْمَةِ أَهْلِ بَيْتِ رَسُولِكَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَعَلِيٍّ وَمُحَمَّدٍ وَجَعْفَرٍ وَمُوسَى وَعَلِيٍّ وَمُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَالْحَسَنِ وَالْخَلْفِ الْبَاقِي صَلَوَاتِكَ وَبَرَكَاتِكَ عَلَيْهِمْ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، وَتُعْجِلَ فَرَجَ قَانِمِهِمْ بِأَمْرِكَ، وَتَنْصُرَهُ وَتَنْتَصِرَ بِهِ لِدِينِكَ وَتَجْعَلَنِي فِي جُمْلَةِ النَّاجِينَ بِهِ، وَالْمُخْلِصِينَ فِي طَاعَتِهِ، وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّهِمْ لَمَّا اسْتَجَبْتَ لِي دَعْوَتِي وَقَضَيْتَ لِي حَاجَتِي وَأَعْطَيْتَنِي سُؤْلِي وَكَفَيْتَنِي مَا أَهْمَنِي مِنْ أَمْرِ دُنْيَايَ وَآخِرَتِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، يَا نُورَ يَا بُرْهَانَ يَا مُنِيرَ يَا مُبِينَ، يَا رَبَّ اكْفِنِي شَرَّ الشُّرُورِ وَأَفَاتِ الدُّهُورِ، وَأَسْأَلُكَ النَّجَاةَ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ.

■ سپس آنچه دوست داری از خدا بخواه و این دعا را زیاد بگو:

يَا عِدَّتِي عِنْدَ الْغَدِّ، يَا رَجَاتِي وَالْمُعْتَمِدَ، وَيَا كَهْفِي وَالسَّنَدَ، يَا وَاحِدًا يَا أَحَدَ، وَيَا قُلَّ هُوَ اللَّهُ أَحَدَ، أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِحَقِّ مَنْ خَلَقْتَ مِنْ خَلْقِكَ وَلَمْ تَجْعَلْ فِي خَلْقِكَ مِثْلَهُمْ أَحَدًا صِلْ عَلَيَّ جَمَاعَتَهُمْ، وَافْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا.

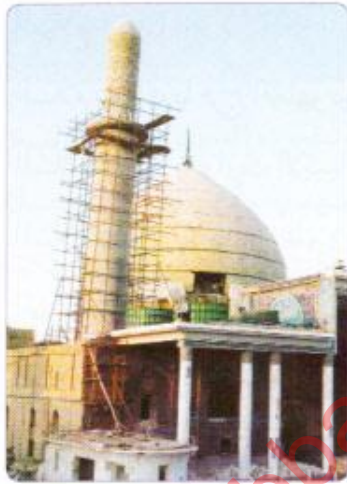
■ روایت شده که آن حضرت فرمود: من از خداوند تقاضا کرده‌ام کسی را که هر روزه من این دعا را بخواند، نا امید برنگرداند.

به جای «و افعل بی کذا و کذا» حاجت خویش را بخواه.

• زیارت مختص امام حسن عسکری علیہ السلام

■ علامہ مجلسی در بحارالانوار و سید بن طاووس در مصباح الزائر، پس از نقل زیارت مزبور می نویسند:
هرگاه اراده کردی که امام حسن عسکری علیہ السلام را زیارت کنی، پس از انجام آنچه در زیارت امام هادی علیہ السلام گذشت،
مقابل ضریح مقدس امام عسکری علیہ السلام بایست و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ الْهَادِيَ الْمُهْتَدِيَّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ،



السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَابْنَ أَوْلِيَائِهِ،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَابْنَ حُجَجِهِ،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفِيَّ اللَّهِ وَابْنَ أَصْفِيَائِهِ،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ وَابْنَ خُلَفَائِهِ وَأَبَا خَلِيفَتِهِ،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ،

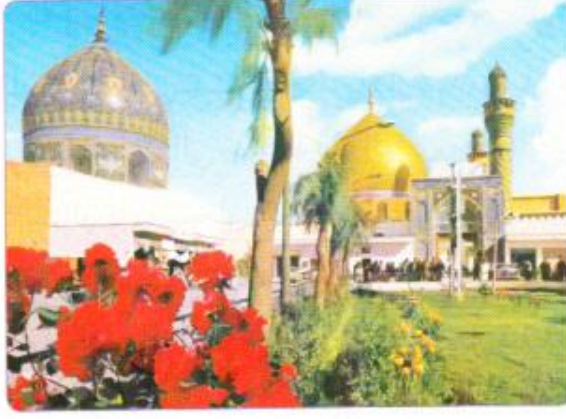
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ،

jabir.abbas@yahoo.com



السَّلامُ عَلَیْكَ يَا بَنَ سَيِّدَةِ نِساءِ الْعَالَمِینَ،
 السَّلامُ عَلَیْكَ يَا ابْنَ الْأَنْمَةِ الْهَادِیْنَ،
 السَّلامُ عَلَیْكَ يَا بَنَ الْأَوْصِیاءِ الرَّاشِدِیْنَ،
 السَّلامُ عَلَیْكَ يَا عِصْمَةَ الْمُتَّقِیْنَ،
 السَّلامُ عَلَیْكَ يَا إِمَامَ الْفائِزِیْنَ،
 السَّلامُ عَلَیْكَ يَا رُكْنَ الْمُؤْمِنِیْنَ،
 السَّلامُ عَلَیْكَ يَا فَرَجَ الْمَلْهُوفِیْنَ،
 السَّلامُ عَلَیْكَ يَا وَارِثَ الْأَنْبِیاءِ الْمُنْتَجِبِیْنَ،
 السَّلامُ عَلَیْكَ يَا خازِنَ عِلْمٍ وَصِیَّ رَسولِ اللَّهِ،
 السَّلامُ عَلَیْكَ أَنْهَا الدَّاعِی بِحُكْمِ اللَّهِ،
 السَّلامُ عَلَیْكَ أَنْهَا النَّاظِقُ بِكِتَابِ اللَّهِ،
 السَّلامُ عَلَیْكَ يَا حُجَّةَ الْحُجَجِ،



السلام عليك يا هادي الأمم،
 السلام عليك يا ولي النعم،
 السلام عليك يا عيبة العلم،
 السلام عليك يا سفينة الحلم،
 السلام عليك يا أبا الإمام المنتظر،
 الظاهرة للعاقل حجتة،
 والثابتة في اليقين معرفته،

المحتجب عن أعين الظالمين، والمغيب عن دولة الفاسقين، والمعيد ربنا به الإسلام
 جديداً بعد الانطماس، والقرآن غصناً بعد الاندراس، أشهد يا مولاي أنك أقممت الصلاة،
 وآتيت الزكاة، وأمرت بالمعروف، ونهيت عن المنكر، ودعوت إلى سبيل ربك بالحكمة
 والموعظة الحسنة، وعبدت الله مخلصاً حتى أتاك اليقين، أسأل الله بالشان الذي لكم
 عنده أن يتقبل زيارتي لكم، ويشكر سعيي إليكم، ويستجيب دعائي بكم، ويجعلني من
 أنصار الحق وأتباعه وأشياعه ومواليه ومحبيه، والسلام عليك ورحمة الله وبركاته.

■ آن گاه ضریح را می‌بوسی و طرف راست صورت و سپس طرف چپ را بر روی آن می‌گذاری و می‌گویی:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَاهْلِ بَيْتِهِ، وَصَلِّ عَلٰی الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْهَادِي اِلَى دِينِكَ، وَالدَّاعِي اِلَى سَبِيلِكَ، عِلْمَ الْهَدْيِ، وَمَنَارَ التَّقَى، وَمَعْدِنَ الْحُجَى، وَمَاوَى النَّهْيِ، وَغَيْثَ الْوَرَى، وَسَحَابَ الْحِكْمَةِ، وَبَحْرَ الْمَوْعِظَةِ، وَوَارِثَ الْاَيْمَةِ وَالشَّهِيدَ عَلٰى الْاُمَةِ، الْمَعْصُومَ الْمُهَذَّبَ، وَالْفَاضِلَ الْمُقَرَّبَ، وَالْمُطَهَّرَ مِنَ الرَّجَسِ، الَّذِي وَرَّثَهُ عِلْمَ الْكِتَابِ وَالْهَمَّتَهُ فَضْلَ الْخُطَابِ، وَنَصَبْتَهُ عَلِمًا لِّاهْلِ قِبْلَتِكَ، وَقَرَنْتَ طَاعَتَهُ بِطَاعَتِكَ، وَفَرَضْتَ مَوَدَّتَهُ عَلٰى جَمِيعِ خَلْقِكَ، اَللّٰهُمَّ فَكَمَا اَنَابَ بِحُسْنِ الْاِخْلَاصِ فِي تَوْحِيدِكَ، وَارَدَى مِنْ خَاضٍ فِي تَشْبِيهِكَ، وَحَامَى عَنْ اَهْلِ الْاِيْمَانِ بِكَ، فَصَلِّ يَا رَبِّ عَلَيْهِ صَلَاةً يَلْحَقُ بِهَا مَحَلُّ الْخَاشِعِينَ وَيَعْلُو فِي الْجَنَّةِ بِدَرَجَةِ جَدِّهِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَبَلِّغْهُ مِنَّا تَحِيَّةً وَسَلَامًا، وَآتِنَا مِنْ لَدُنْكَ فِي مَوَالِيَتِهِ فَضْلًا وَاحْسَانًا وَمَغْفِرَةً وَرِضْوَانًا، اِنَّكَ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ وَمِنْ جَسِيمٍ

■ پس نماز زیارت به جای می‌آوری و پس از سلام نماز می‌گویی:

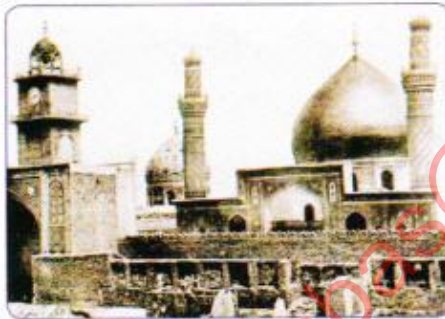
يَا دَانِمُ يَا دَيْمُومُ، يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ، يَا كَاشِفَ الْكَرْبِ وَالْهَمِّ، وَيَا فَارِجَ الْغَمِّ، وَيَا بَاعِثَ الرُّسُلِ، وَيَا صَادِقَ الْوَعْدِ، وَيَا حَيُّ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ، اَتَوَسَّلُ اِلَيْكَ بِحَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ وَوَصِيِّهِ عَلِيِّ ابْنِ

عَمَّهُ، وَصَهْرَهُ عَلَى ابْنَتِهِ الَّذِينَ خَتَمَتْ بِهِمَا الشَّرَائِعَ، وَفَتَحَتْ بِهِمَا التَّأْوِيلَ وَالطَّلَايِعَ، فَصَلَّ عَلَيْهِمَا صَلَاةً يَشْهَدُ بِهَا الْأَوَّلُونَ وَالْآخِرُونَ وَيَنْجُوبُهَا الْأَوْلِيَاءُ وَالصَّالِحُونَ، وَأَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِفَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، وَالِدَةِ الْأَنْمَةِ الْمَهْدِيِّينَ وَسَيِّدَةِ نَسَاءِ الْعَالَمِينَ، الْمَشْفُوعَةَ فِي شِيعَةِ أَوْلَادِهَا الطَّيِّبِينَ، فَصَلَّ عَلَيْهَا صَلَاةً دَائِمَةً أَبَدَ الْأَبَدِينَ وَدَهْرَ الدَّاهِرِينَ، وَأَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِالْحَسَنِ الرِّضِيِّ الطَّاهِرِ الزَّكِيِّ وَالْحُسَيْنِ الْمَظْلُومِ الْمَرْضِيِّ الْبَرِّ التَّقِيِّ سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، الْإِمَامَيْنِ الْخَيْرَيْنِ الطَّيِّبِينَ النَّقِيِّينَ الطَّاهِرِينَ الشَّهِيدَيْنِ الْمَظْلُومَيْنِ الْمُقْتُولَيْنِ، فَصَلَّ عَلَيْهِمَا مَا طَلَعَتْ شَمْسٌ وَمَا غَرَبَتْ، صَلَاةً مُتَوَالِيَةً مُتَتَالِيَةً، وَأَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ سَيِّدِ الْعَابِدِينَ الْمَحْجُوبِ مِنْ خَوْفِ الظَّالِمِينَ، وَبِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ الطَّاهِرِ النُّورِ الزَّاهِرِ، الْإِمَامَيْنِ السَّيِّدَيْنِ مُفْتَاحِي الْبَرَكَاتِ وَمُصْبَاحِي الظُّلُمَاتِ فَصَلَّ عَلَيْهِمَا مَا سَرَى لَيْلٌ وَمَا أَضَاءَ نَهَارٌ، صَلَاةً تَغْدُو وَتَرُوحُ، وَأَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ عَنِ اللَّهِ وَالنَّاطِقِ فِي عِلْمِ اللَّهِ، وَبِمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ الْعَبْدِ الصَّالِحِ فِي نَفْسِهِ وَالْوَصِيِّ النَّاصِحِ الْإِمَامَيْنِ الْهَادِيَيْنِ الْمَهْدِيِّينَ الْوَافِيِّينَ الْكَافِيِّينَ، فَصَلَّ عَلَيْهِمَا مَا سَبَّحَ لَكَ مَلَكٌ وَتَحَرَّكَ لَكَ فَلَكَ، صَلَاةً تَنْمُو وَتَزِيدُ وَلَا تَقْنِي وَلَا تَبِيدُ، وَأَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِعَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا،

وَبِمُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى الْإِمَامَيْنِ الْمُطَهَّرَيْنِ الْمُتَنَجِّبَيْنِ، فَصَلِّ عَلَيْهِمَا مَا أَضَاءَ صُبْحٌ
وَدَامَ صَلَاةُ تَرْقِيهِمَا إِلَى رِضْوَانِكَ فِي الْعَالَمَيْنِ مِنْ جَنَّاتِكَ، وَاتَّوَسَّلْ إِلَيْكَ بِعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ
الرَّاشِدِ، وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْهَادِي، الْقَانِمَيْنِ بِأَمْرِ عِبَادِكَ الْمُخْتَبَرَيْنِ بِالْمَحَنِ الْهَائِلَةِ
وَالصَّابِرَيْنِ فِي الْأَحْنِ الْمَائِلَةِ، فَصَلِّ عَلَيْهِمَا كِفَاءً أَجْرَ الصَّابِرِينَ وَآزَاءَ ثَوَابِ الْفَائِزِينَ،
صَلَاةً تَمْهَدُ لَهُمَا الرَّفْعَةَ، وَاتَّوَسَّلْ إِلَيْكَ يَا رَبِّ بِإِمَامِنَا وَمُحَقِّقِ زَمَانِنَا، الْيَوْمَ الْمَوْعُودِ
وَالشَّاهِدِ الْمَشْهُودِ، وَالنُّورِ الْأَزْهَرِ وَالضِّيَاءِ الْأَنُورِ، الْمَنْصُورِ بِالرَّغَبِ وَالْمُظْفَرِ بِالسَّعَادَةِ،
فَصَلِّ عَلَيْهِ عِدَدَ الثَّمَرِ وَأَوْرَاقِ الشَّجَرِ وَأَجْزَاءِ الْمَدَرِ وَعِدَدَ الشَّعْرِ وَالْوَبَرِ، وَعِدَدَ مَا أَحَاطَ
بِهِ عِلْمُكَ وَأَحْصَاهُ كِتَابُكَ، صَلَاةً يَغِيْظُهُ بِهَا الْأَوَّلُونَ وَالْآخِرُونَ اللَّهُمَّ وَاحْشُرْنَا فِي
زَمْرَتِهِ، وَاحْفَظْنَا عَلَى طَاعَتِهِ، وَاحْرُسْنَا بِدَوْلَتِهِ، وَاتَّحِفْنَا بِوِلَايَتِهِ، وَانْصُرْنَا عَلَى أَعْدَائِنَا
بِعِزَّتِهِ، وَاجْعَلْنَا يَا رَبِّ مِنَ التَّوَّابِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، اللَّهُمَّ وَإِنْ أَبْلِيسَ الْمُتَمَرِّدَ اللَّعِينِ
قَدْ اسْتَنْظَرَكَ لِإِغْوَاءِ خَلْقِكَ فَانْظُرْهُ، وَاسْتَمْهَلَكَ لِإِضْلَالِ عِبِيدِكَ فَامْهَلْهُ، بِسَابِقِ
عِلْمِكَ فِيهِ، وَقَدْ عَشَّشَ وَكَثُرَتْ جُنُودُهُ، وَازْدَحَمَتْ جُيُوشُهُ، وَانْتَشَرَتْ دُعَاتُهُ فِي أَقْطَارِ
الْأَرْضِ، فَاضْلُوا عِبَادَكَ وَافْسُدُوا دِينَكَ، وَحَرِّفُوا الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ، وَجَعَلُوا عِبَادَكَ

شِيعاً مُتَفَرِّقِينَ وَأَحْزَاباً مُتَمَرِّدِينَ، وَقَدْ وَعَدْتَ نَقْضَ بُنْيَانِهِ وَتَمْزِيقَ شَأْنِهِ، فَاهْلِكْ أَوْلَادَهُ
وَجِيُوشَهُ، وَطَهِّرْ بِلَادَكَ مِنْ اخْتِرَاعَاتِهِ وَاخْتِلَافَاتِهِ، وَارْحَ عِبَادَكَ مِنْ مَذَاهِبِهِ وَقِيَاسَاتِهِ،
وَاجْعَلْ دَائِرَةَ السَّوِّ عَلَيْهِمْ، وَابْسُطْ عَذْلَكَ وَأَظْهَرِ دِينَكَ، وَقَوِّ أَوْلِيَاءَكَ وَآوِ هِنِ أَعْدَاءَكَ
وَأَوْرِثْ دِيَارَ ابْلِيسَ وَدِيَارَ أَوْلِيَانِهِ أَوْلِيَاءَكَ وَخَلِّدْهُمْ فِي الْجَحِيمِ وَادْقُحْهُمْ مِنَ الْعَذَابِ
الْأَلِيمِ، وَاجْعَلْ لِعَانِكَ الْمُسْتَوْدَعَةَ فِي مَنَاحِسِ الْخَلْقَةِ وَمَشَاوِيهِ الْفِطْرَةِ دَائِرَةً عَلَيْهِمْ
وَمُؤَكَّلَةً بِهِمْ وَجَارِيَةً فِيهِمْ كُلَّ صَبَاحٍ وَمَسَاءٍ. وَغَدُوْ وَرَوَاحٍ، رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً
وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

■ آن گاه آنچه برای خود و برادرانت دوست داری از خدا طلب کن.



عکس سامرا - باب اقصی - اوائل قرن بیستم میلادی - دوره عثمانی



عکس هوایی سامرا - نیمه قرن بیستم میلادی

● زیارت نرجس خاتون

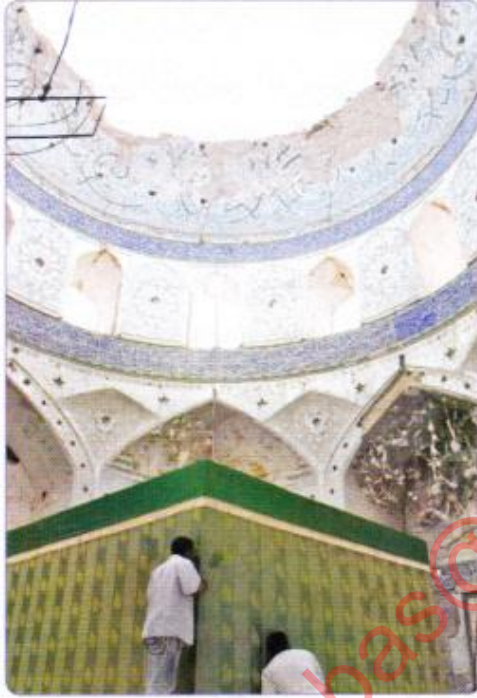
■ آن گاه زیارت می کنی مادر حضرت قائم علیه السلام را که قبرش پشت قبر امام حسن عسکری علیه السلام است و می گویی:

السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الصَّادِقِ الْأَمِينِ، السَّلَامُ عَلَى مَوْلَانَا
أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَى الْأَنْثَى الطَّاهِرِينَ الْحُجَّجِ الْمِيَامِينَ، السَّلَامُ عَلَى الْوَلَدَةِ الْأَمَامِ
وَالْمُودَعَةِ أَسْرَارِ الْمَلِكِ الْعَلَامِ، وَالْحَامِلَةِ لِأَشْرَفِ الْأَنَامِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الصَّدِيقَةُ
الْمَرْضِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَبِيهَةَ أُمِّ مُوسَى وَابْنَةَ حَوَارِي عِيسَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا التَّقِيَّةُ
النَّقِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الرِّضِيَّةُ الْمَرْضِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْمَنْعُوتَةُ فِي الْأَنْجِيلِ
الْمَخْطُوبَةُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ الْأَمِينِ، وَمَنْ رَغِبَ فِي وَصَلَتِهَا مُحَمَّدٌ سَيِّدُ الْمُرْسَلِينَ، وَالْمُسْتَوْدَعَةُ
أَسْرَارِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى آبَائِكَ الْحَوَارِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى بَعْلِكَ
وَوَلَدِكَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ الطَّاهِرِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ أَحْسَنْتِ الْكَفَالََةَ، وَأَدَيْتِ
الْأَمَانَةَ، وَاجْتَهَدْتِ فِي مَرْضَاتِ اللَّهِ، وَصَبَرْتِ فِي ذَاتِ اللَّهِ، وَحَفِظْتِ سِرَّ اللَّهِ، وَحَمَلْتِ
وَلِيَّ اللَّهِ، وَبَالِغْتِ فِي حِفْظِ حُجَّةِ اللَّهِ، وَرَغَبْتِ فِي وَصَلَةِ ابْنِ رَسُولِ اللَّهِ، عَارِفَةً بِحَقِّهِمْ،
مُؤْمِنَةً بِصِدْقِهِمْ، مُعْتَرِفَةً بِمَنْزِلَتِهِمْ، مُسْتَبْصِرَةً بِأَمْرِهِمْ، مُشْفَقَةً عَلَيْهِمْ، مُؤَثَّرَةً هَوَاهُمْ، وَأَشْهَدُ

أَنْكَ مَضَيْتِ عَلَى بَصِيرَةٍ مِنْ أَمْرِكَ، مُقْتَدِيَةً بِالصَّالِحِينَ، رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً تَقِيَّةً نَقِيَّةً زَكِيَّةً،
فَرَضَى اللَّهُ عَنْكَ وَأَرْضَاكَ، وَجَعَلَ الْجَنَّةَ مَنْزِلَكَ وَمَأْوَاكَ فَلَقَدْ أُولَاكَ مِنَ الْخَيْرَاتِ مَا أُولَاكَ
وَأَعْطَاكَ مِنَ الشَّرَفِ مَا بِهِ أَغْنَاكَ

فَهَنَّاكَ اللَّهُ بِمَا مَنَحَكَ مِنَ الْكِرَامَةِ وَأَمْرَاكَ

■ آن گاه سر را به سوى آسمان بالا می بری و می گویی:



اللَّهُمَّ اِيَّاكَ اعْتَمَدْتُ، وَلِرِضَاكَ طَلَبْتُ،
وَبِأَوْلِيَانِكَ اِلَيْكَ تَوَسَّلْتُ، وَعَلَى غُفْرَانِكَ
وَحِلْمِكَ اَتَكَلَّمْتُ، وَبِكَ اِعْتَصَمْتُ، وَبِقَبْرِ
أُمِّ وَلِيِّكَ لَذْتُ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَانْفَعْنِي بِزِيَارَتِهَا، وَثَبِّتْنِي عَلَى مَحَبَّتِهَا،
وَلَا تَحْرِمْنِي شَفَاعَتِهَا، وَشَفَاعَةَ وَلَدِهَا،
وَارْزُقْنِي مُرَافَقَتِهَا، وَاحْشُرْنِي مَعَهَا وَمَعَ
وَلَدِهَا كَمَا وَفَّقْتَنِي لَزِيَارَةِ وَلَدِهَا وَزِيَارَتِهَا،

jabir.abbas@yahoo.com



اللَّهُمَّ إِنِّي أَتُوجَّهُ إِلَيْكَ بِالْأَنْمَةِ الطَّاهِرِينَ، وَأَتُوسَّلُ
إِلَيْكَ بِالْحُجَجِ الْمَيَامِينِ مِنْ آلِ طه وَيس، أَنْ تَصَلِّيَ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِينَ، وَأَنْ تَجْعَلَنِي مِنَ
الْمُطْمَئِنِّينَ الْفَائِزِينَ الْفَرِحِينَ الْمُسْتَبْشِرِينَ، الَّذِينَ
لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ وَاجْعَلَنِي مِمَّنْ قَبِلْتَ
سَعْيَهُ، وَبَسَرْتَ أَمْرَهُ وَكَشَفْتَ ضَرَّهُ وَأَمَنْتَ خَوْفَهُ،
اللَّهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ وَلَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي أَيَّاهَا، وَارْزُقْنِي
الْعُودَ إِلَيْهَا أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي، وَإِذَا تَوَفَّيْتَنِي فَأَحْشِرْنِي فِي
زُمْرَتِهَا، وَأَدْخِلْنِي فِي شَفَاعَةِ وَلَدِهَا وَشَفَاعَتِهَا، وَاغْفِرْ
لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، وَأَتِمَّا فِي الدُّنْيَا
حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ،
وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا سَادَاتِي وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

• حکیمه خاتون

حکیمه خاتون، دختر امام جواد علیه السلام، خواهر امام هادی و عمه امام حسن عسکری علیه السلام است که قبر شریفش پایین پای عسکرتین و چسبیده به ضریح آن دو بزرگوار است. این بانوی بزرگوار خدمت چهار امام را درک کرد و امام هادی علیه السلام، والده ماجده امام زمان علیه السلام، یعنی جناب نرجس خاتون را به ایشان سپرد که احکام دینش را به او بیاموزد و بعد از وفات امام حسن عسکری علیه السلام، از جانب حضرت حجت، منصب سفارت داشت. او اول کسی است که چشمش به جمال حضرت حجت علیه السلام روشن شد و آن بزرگوار را بوسید و به آغوش کشید. علامه مجلسی می گوید:

نمی دانسم با آن که فضیلت و جلالت این بانو، ظهور یافته و او از خواص و اصحاب سرانمه علیه السلام و مادر حضرت مهدی علیه السلام بوده و هنگام ولادت حضرت حجت، حضور داشته و پیوسته آن بزرگوار را در زمان حیات امام حسن عسکری علیه السلام می دیده و یکی از واسطه های بعد از شهادت امام عسکری علیه السلام بوده، در عین حال زیارتی برای آن کریمه عالمه و فاضله نجیه و تقیه رضیه، ذکر نشده است.

بر همین اساس، مرحوم محدث قمی در «مفاتیح الجنان» می گویند: سزاوار است زیارت آن مخدّره با الفاظی که در زیارت اولاد ائمه علیهم السلام نقل می شود و یا با زیارتی که درباره عمه مخدّرات حضرت معصومه (دختر گرامی موسی بن جعفر علیه السلام) وارد شده، او را زیارت کنند.

■ منتخب التواریخ، ص ۲۲۳

■ مزار نرجس خاتون

■ مرقده مطهر و منور
امام حسن عسکری علیه السلام

jabir.abbas@yahoo.com

• زيارت حكيمه خاتون

السَّلامُ عَلَى آدَمَ صَفْوَةِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَى نُوحٍ نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ
خَلِيلِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَى مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَى عِيسَى رُوحِ اللَّهِ، السَّلامُ
عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَ خَلْقِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا صَفَى اللَّهِ،
السَّلامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ خَاتَمَ النَّبِيِّينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ
عَلَى بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَصِيَّ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ،
السَّلامُ عَلَيْكُمَا يَا سَبْطِي الرَّحْمَةَ وَسَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا عَلِيَّ
بْنَ الْحُسَيْنِ سَيِّدَ الْعَابِدِينَ وَقَرَّةَ عَيْنِ النَّازِرِينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ بِأَقْرَبِ الْعِلْمِ
بَعْدَ النَّبِيِّ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ الصَّادِقَ الْبَارِ الْأَمِينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ
يَا مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ الطَّاهِرِ الظَّاهِرِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرِّضَا الْمُرْتَضَى،
السَّلامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ التَّقِيِّ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ النَّقِيِّ النَّاصِحِ
الْأَمِينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ السَّلامُ عَلَى الْوَصِيِّ مِنْ بَعْدِهِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى
نُورِكَ وَسِرَاجِكَ وَوَلِيِّ وَلِيِّكَ وَوَصِيِّ، وَصِيِّكَ وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ، السَّلامُ عَلَيْكَ

يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ فَاطِمَةَ وَخَدِيجَةَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ
 أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ وَلِيِّ اللَّهِ،
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُخْتَ وَلِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمَّةَ وَلِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ
 مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الثَّقَفِيِّ وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ عَرَفَ اللَّهُ نَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ فِي
 الْجَنَّةِ، وَحَشَرْنَا فِي زَمَرَتِكُمْ وَأَوْرَدْنَا حَوْضَ نَبِيِّكُمْ، وَسَقَانَا بِكَأْسِ جَدِّكُمْ مِنْ يَدِ عَلِيٍّ
 بْنِ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ أَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يَرِينَا فِيكُمْ السَّرُورَ وَالْفَرَجَ، وَأَنْ يَجْمَعَنَا
 وَأَيَّاكُمْ فِي زَمْرَةِ جَدِّكُمْ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَأَنْ لَا يَسْلُبَنَا مَعْرِفَتَكُمْ إِنَّهُ وَلِيُّ
 قَدِيرٍ، أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ بِحُبِّكُمْ وَالْبَرَاءَةِ مِنْ أَعْدَانِكُمْ، وَالتَّسْلِيمِ إِلَى اللَّهِ رَاضِيًا بِهِ غَيْرُ مُنْكَرٍ
 وَلَا مُسْتَكْبِرٍ، وَعَلَى يَقِينٍ مَا أَتَى بِهِ مُحَمَّدٌ، وَبِهِ رَاضٍ نَطْلُبُ بِذَلِكَ وَجْهَكَ يَا سَيِّدِي
 اللَّهُمَّ وَرِضَاكَ وَالْدَارَ الْآخِرَةَ، يَا حَكِيمَهُ اشْفَعِي لِي فِي الْجَنَّةِ فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَأْنًا
 مِنَ الشَّأْنِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَخْتِمَ لِي بِالسَّعَادَةِ فَلَا تَسْلُبَ مِنِّي مَا أَنَا فِيهِ، وَلَا حَوْلَ
 وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، اللَّهُمَّ اسْتَجِبْ لَنَا وَتَقَبَّلْهُ بِكَرَمِكَ وَعِزَّتِكَ وَبِرَحْمَتِكَ
 وَعَافِيَتِكَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ وَسَلِّمْ تَسْلِيمًا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ



۴۱۱
سامرا

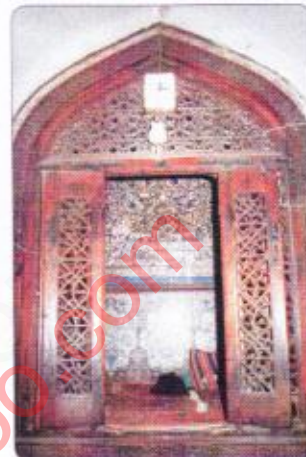


● مشخصات معصوم چهاردهم، امام دوازدهم، حضرت مهدی (عج):

نام:	همنام پیامبر (م ح م د) عجل
کنیه:	همان کنیه پیامبر، ابوالقاسم
لقب:	مهدی موعود، امام عصر، صاحب الزمان، بقیة الله، قائم
پدر و مادر:	امام حسن عسکری (عج) و نرجس (عج)
زمان ولادت:	جمعه پانزدهم شعبان سال ۲۵۵ هجری
مکان ولادت:	سامراء
نقش انگشتر:	أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ وَخَاصَّتُهُ
آغاز امامت:	۲۶۰ هجری
آغاز غیبت کبری:	۳۲۹ هجری
مدت امامت:	الله العالم
دوران عمر:	در چهار بخش:

۱. کودکی (تا ۵ سالگی)
۲. غیبت صغری (حدود ۷۰ سال)
۳. غیبت کبری (ناکون، حدود ۱۱۰۳ سال)
۴. ظهور (انشاء الله نزدیک است)

● سرداب مقدس



ساخت سرداب در خانه‌ها در عراق برای محفوظ ماندن از گرما متداول بوده است. دهخدا در تعریف «سرداب» آورده است: خانه‌ای که در زیر زمین سازند و حوض آب سرد در آن باشد و در گرمی تابستان آن جا خواب و استراحت کنند. سرداب به فتح «سین» است و عربها آن را معرب کرده به کسر «سین» می‌خوانند.

خانه امام هادی علیه السلام در سامرا و سرداب واقع در آن، به جهت این که مسکن سه تن از امامان معصوم شیعه بوده و آن معصومان سال‌ها در آن زندگی کرده و به عبادت و راز و نیاز با خدای خویش پرداخته‌اند، در نزد شیعیان جایگاه والا و بالایی دارد.

سرداب این خانه، اکنون در طرف غربی صحن عسکریین علیه السلام از جهت شمالی قرار گرفته و در طول این مدت، اصلاحات و تغییراتی در آن صورت گرفته است.

تقدّس این مکان شریف، فقط به جهت حضور آن ستارگان آسمان امامت و ولایت در آن جاست؛ اما هیچ یک از شیعیان سرداب را محل «غیبت» حضرت حجت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نمی‌دانند.

مسئله «سرداب غیبت» ساخته و پرداخته افرادی است که دید مغرضانه به تشیع دارند، در برخی از منابع اهل سنت، تهمت‌های ناروایی در این زمینه به تشیع نسبت داده‌اند. غیبت امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را در سرداب از عقاید شیعه دانسته و دچار تناقض گویی شده‌اند؛ گاهی مکان آن را در سامرا ذکر کرده‌اند و گاهی در مدینه، گاهی در بغداد یا حله و گاهی هم در جاهای دیگر.

آنسان به هیچ وجه نوشته‌های خود را از منابع شیعی نگرفته‌اند و با وجود تألیفات قراوان علمای شیعه در خصوص امام مهدی علیه السلام که به سهولت نیز قابل دسترسی است، باز بر این اتهام و گفتار کذب خود پافشاری کرده‌اند.



این که می‌گویند حضرت حجت علیه السلام پس از آن که به سرداب وارد شد، از دیدگان غایب شد و غیبت از آن جا آغاز گردید، اعتقاد درستی نیست؛ چراکه لازمه این حرف آن است که تا قبل از ورود حضرت به سرداب، همه مردم او را می‌دیدند و پس از آن، غیبت آغاز شده باشد. در صورتی که چنین نیست و اختفای آن حضرت توسط پدرش و برای حفظ جان وی از ابتدای ولادت حضرت حجت علیه السلام صورت گرفته، نه در حادثه سرداب.

• زمان زیارت حضرت حجت علیہ السلام

سلیمان بن عیسیٰ از پدرش نقل می کند:
خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم:

وقتی که توان زیارتتان را از نزدیک ندارم، چگونه شما را زیارت کنم؟ فرمود:

«ای عیسیٰ! اگر توان آمدن نزد ما را نداری، روز جمعه غسل کن یا وضو بگیر و زیر آسمان قرار بگیر و دو رکعت نماز بخوان و به سوی من توجه کن؛ پس هر کس در زمان حیاتم سرا زیارت کند، گویا در زمان مماتم مرا زیارت کرده است و هر کس در زمان مماتم مرا زیارت کند، گویا در زمان حیات مرا زیارت کرده است»!

از این روایت به دست می آید که زیارت امام حجت (که در این زمان حضرت مهدی علیه السلام می باشد)، در هر مکانی ممکن است، چنان که از همین روایت استفاده می شود که روز جمعه، در میان سایر ایام و زمان ها، ویژگی خاصی دارد. پس بر عاشقان و شیعیان آن حضرت است که اگر ممکن شد هر صبح، یادی از آن حضرت کنند و با زیارت ها و دعاها، زمزمه و نجوایی با آن بزرگوار داشته باشند و هم برای سلامتی و ظهور حضرتش دعا کنند و اگر هر روز ممکن نشد لااقل هفته ای یک بار در روز جمعه، آن حضرت را در مکان مناسبی زیارت کنند و به تعبیر بعضی از دعاها باید «دل را با یاد او آباد نگه داشت».

□ مفاتیح نوین، صفحه ۲۴۳.

به نقل از کامل الزیارات باب ۹۶، ص ۲۸۶، ح ۱.



jabir.abbas@yahoo.com

• کیفیت زیارت آن حضرت

محدث قمی به نقل از کتاب «بلد الامین» کفعمی، این اذن دخول را برای همه مشاهد مشرفه نقل کرده و برای ورود به سرداب مقدس نیز این اذن دخول کفایت می‌کند:

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ وَقَفْتُ عَلٰی بَابٍ مِنْْ اَبْوَابِ بُیُوتِ نَبِیِّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَیْهِ وَآلِهِ، وَقَدْ مَنَعْتَ النَّاسَ اَنْ یَدْخُلُوْا الْاَبَادِنِہٖ، فَقُلْتُ یَا اَیُّهَا الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا اَلتَدْخُلُوْا بُیُوتَ النَّبِیِّ الْاَنْ یُوْذَنْ لَکُمْ، اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعْتَقَدُ حُرْمَةً صَاحِبِ هٰذَا الْمَشْهَدِ الشَّرِیْفِ فِیْ غَیْبَتِہٖ کَمَا اَعْتَقَدُهَا فِیْ حَضَرَتِہٖ، وَاعْلَمُ اَنْ رَّسُوْلَکَ وَخُلَفَآءَکَ عَلَیْهِمُ السَّلَامُ اَحْیَاءٌ عِنْدَکَ یُرْزَقُوْنَ، یَرْوُنْ مَقَامِی، وَیَسْمَعُوْنَ کَلَامِی، وَیَرْدُوْنَ سَلَامِی، وَاَنْکَ حَاجِبْتَ عَنِ سَمْعِیْ کَلَامَهُمْ، وَفَتَحْتَ بَابَ فَهْمِیْ بِلَذِیْدِ مُنَاجَاتِهِمْ، وَاِنِّیْ اَسْتَاْذِنُکَ یَا رَبِّ اَوَّلًا وَاسْتَاْذِنُ رَّسُوْلَکَ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِہٖ ثَانِیًا، وَاسْتَاْذِنُ خَلِیْفَتَکَ الْاِمَامَ الْمَفْرُوْضَ عَلَی طَاعَتِہٖ حُجَّۃَ بَنِ الْحَسَنِ الْمَهْدِیَّ عَجَّلَ اللّٰهُ تَعَالٰی فَرَجَہُ الشَّرِیْفَ وَالْمَلَائِکَةَ الْمُوَكَّلِیْنَ بِهٰذِهِ الْبَقْعَةِ الْمُبَارَکَةِ ثَالِثًا، اَدْخُلْ یَا رَّسُوْلَ اللّٰهِ، اَدْخُلْ یَا حُجَّۃَ اللّٰهِ اَدْخُلْ یَا مَلَائِکَةَ اللّٰهِ الْمُقَرَّبِیْنَ الْمُقِیْمِیْنَ فِیْ هٰذَا الْمَشْهَدِ، فَاْذَنْ لِّیْ یَا مَوْلَایْ فِی الدُّخُوْلِ اَفْضَلُ مَا اَذْنَتْ لِاحِدٍ مِنْ اَوْلِیَائِکَ، فَاِنْ لَمْ اَکُنْ اَهْلًا لِذٰلِکَ فَانْتَ اَهْلٌ لِذٰلِکَ بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَفِی سَبِیْلِ اللّٰهِ وَعَلٰی مِلَّةِ رَّسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِہٖ
اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِّیْ وَارْحَمْنِیْ وَتُبْ عَلَیَّ اِنَّکَ اَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِیْمُ

• زیارت آل یاسین

شیخ جلیل، احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی، در کتاب شریف «احتجاج» روایت کرده که از ناحیه مقدس حضرت مهدی «عج» زیارت زیر در پاسخ نامه محمد حمیری آمده است، که زیارتی است بسیار عالی و پرمحتوا، آن حضرت فرمود:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَا أَمْرَهُ تَغْفُلُونَ وَلَا مَنَ أَوْلِيَانِهِ تَقْبَلُونَ حِكْمَةً بِالْقَةِ فَمَا تَغْنَى النَّذْرَ (عن قوم لا يؤمنون) السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، هرگاه خواستید به وسیله ما به خدا و به سوی ما توجه کنید، این زیارت را بخوانید، مطابق نقل «بحار الانوار» زیارت چنین است:

سَلَامٌ عَلَى آلِ يَس،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ وَرَبَّانِي آيَاتِهِ،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ وَدِيَانَ دِينِهِ،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ وَنَاصِرَ حَقِّهِ،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَدَلِيلَ ارَادَتِهِ،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا تَالِي كِتَابِ اللَّهِ وَتَرْجُمَانَهُ،

السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي آنَاءِ لَيْلِكَ وَأَطْرَافِ نَهَارِكَ،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِثَاقَ اللَّهِ الَّذِي أَخَذَهُ وَوَكَّدَهُ،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِي ضَمَّنَهُ،



jabir.abbas@yahoo.com

السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ وَالْعَلَمُ الْمَصْبُوبُ وَالْعَوْتُ وَالرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ، وَعَدَا غَيْرِ مَكْذُوبٍ،
السَّلامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقُومُ،
السَّلامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْعُدُ،
السَّلامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْرَأُ وَتُبَيِّنُ،
السَّلامُ عَلَيْكَ حِينَ تَصَلِّي وَتَقْنُتُ،
السَّلامُ عَلَيْكَ حِينَ تَرْكَعُ وَتَسْجُدُ،
السَّلامُ عَلَيْكَ حِينَ تَهْلِلُ وَتَكْبِرُ،
السَّلامُ عَلَيْكَ حِينَ تَحْمَدُ وَتَسْتَغْفِرُ،
السَّلامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصْبِحُ وَتُمْسِي،
السَّلامُ عَلَيْكَ فِي اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى
وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى،
السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْمَأْمُونُ،
السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُقَدَّمُ الْمَأْمُولُ،
السَّلامُ عَلَيْكَ بِجَوَامِعِ السَّلامِ.



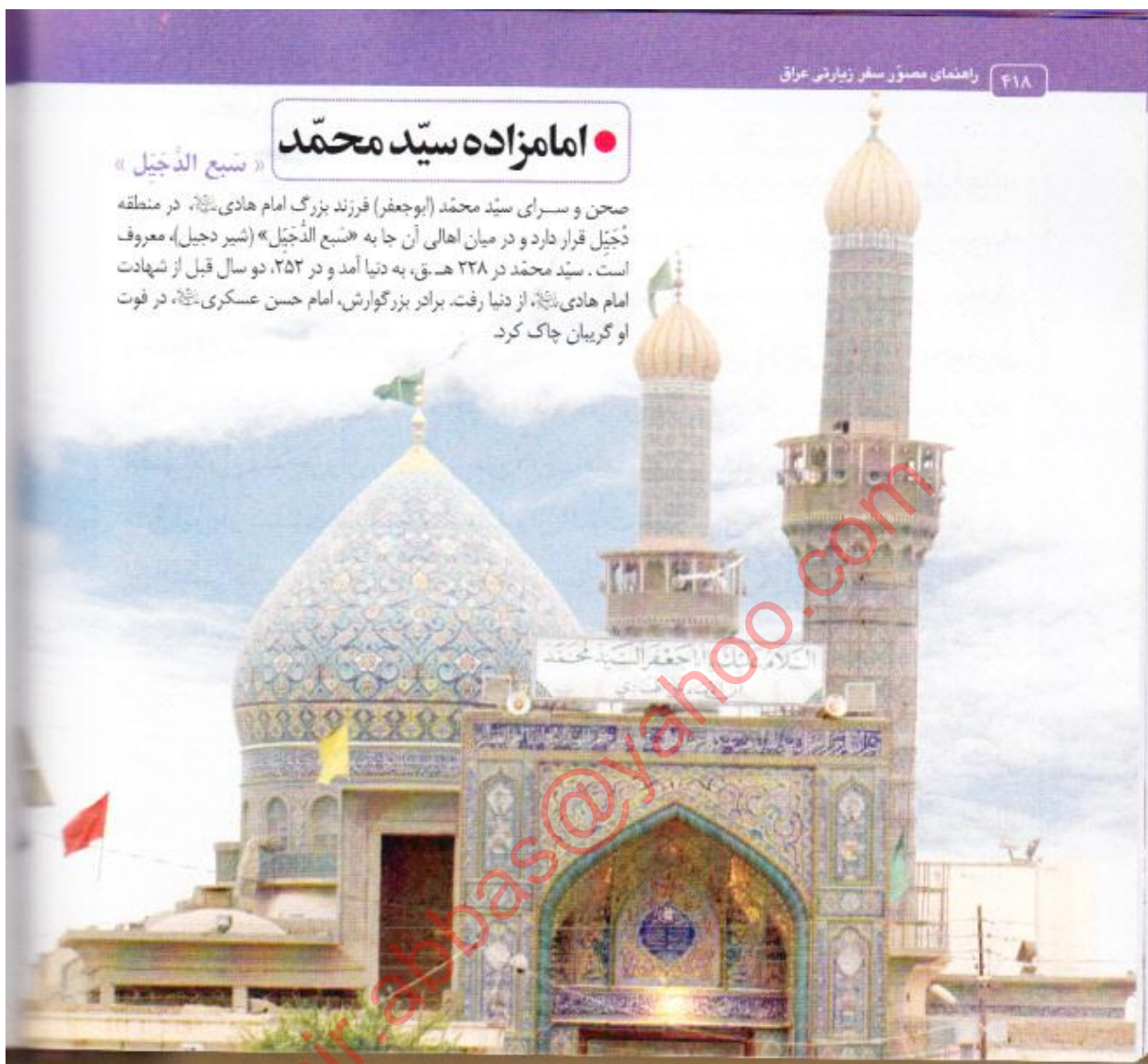
أَشْهَدُكَ يَا مَوْلَايَ أَنِّي أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ
وَرَسُولُهُ لَا خَبِيبَ إِلَّا هُوَ وَأَهْلُهُ، وَأَشْهَدُكَ يَا مَوْلَايَ أَنَّ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ حُجَّتَهُ
وَالْحَسَنَ حُجَّتَهُ وَالْحُسَيْنَ حُجَّتَهُ وَعَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ حُجَّتَهُ وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتَهُ،
وَجَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتَهُ، وَمُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ حُجَّتَهُ، وَعَلِيَّ بْنَ مُوسَى حُجَّتَهُ، وَمُحَمَّدَ بْنَ
عَلِيٍّ حُجَّتَهُ، وَعَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتَهُ، وَالْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ حُجَّةُ اللَّهِ،
أَنْتُمْ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَأَنْ رَجَعْتُمْ حَقٌّ لَا رَيْبَ فِيهَا يَوْمَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ
مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا، وَأَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ، وَأَنَّ نَاكِرًا وَنَكِيرًا حَقٌّ، وَأَشْهَدُ
أَنَّ النَّشْرَ حَقٌّ، وَالْبَعْثَ حَقٌّ، وَأَنَّ الصِّرَاطَ حَقٌّ، وَالْمِرْصَادَ حَقٌّ، وَالْمِيزَانَ حَقٌّ، وَالْحَشَرَ
حَقٌّ، وَالْحِسَابَ حَقٌّ، وَالْجَنَّةَ وَالنَّارَ حَقٌّ، وَالْوَعْدَ وَالْوَعِيدَ بِهِمَا حَقٌّ، يَا مَوْلَايَ شَقِي
مَنْ خَالَفَكَ وَسَعَدَ مَنْ أَطَاعَكَ، فَأَشْهَدُ عَلَى مَا أَشْهَدُكَ عَلَيْهِ، وَأَنَا وَلِيُّ لَكَ بَرِيٍّ مِنْ
عَدُوِّكَ، فَالْحَقُّ مَا رَضِيتُمُوهُ وَالْبَاطِلُ مَا اسْخَطَتُمُوهُ وَالْمَعْرُوفُ مَا أَمَرْتُمْ بِهِ، وَالْمُنْكَرُ
مَا نَهَيْتُمْ عَنْهُ، فَتَنْفُسِي مُؤْمِنَةً بِاللَّهِ وَخَدَةَ لِشَرِيكَ لَهُ وَبِرَسُولِهِ وَبِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ
وَبِكُمْ يَا مَوْلَايَ أُولَكُمْ وَآخِرَكُمْ، وَنَصَرْتِي مُعَدَّةً لَكُمْ وَمَوَدَّتِي خَالِصَةً لَكُمْ آمِينَ آمِينَ

■ این زیارت از زیارات مطلقه است و اختصاصی به سرداب مقدس ندارد و در هر زمان مخصوصاً «عصر جمعه» می توان آن را خواند.

● امامزاده سید محمد

«سَبْعُ الدَّجِيلِ»

صحن و سرای سید محمد (ابوجعفر) فرزند بزرگ امام هادی علیه السلام، در منطقه دَجِيل قرار دارد و در میان اهالی آن جا به «سَبْعُ الدَّجِيلِ» (شیر دجیل)، معروف است. سید محمد در ۲۲۸ هـ.ق، به دنیا آمد و در ۲۵۲، دو سال قبل از شهادت امام هادی علیه السلام، از دنیا رفت. برادر بزرگوارش، امام حسن عسکری علیه السلام، در فوت او گریبان چاک کرد.





سید محمد به جلالت شأن و بروز کرامات معروف است؛ عموم مردم به زیارتش می‌روند و نذرها و هدایای بسیار به آن جا می‌برند و به وسیله او از خدا حاجت می‌طلبند. اعراب آن منطقه، از آن بزرگوار حساب می‌برند و کرامات بسیاری از او نقل می‌کنند و نسبت به وی عقیده خاصی دارند؛ از جمله می‌گویند:

- کسی که به این سید بزرگوار قسم دروغ بخورد، در فاصله یکی دو روز خواهد مُرد به همین سبب مردم آن سامان دعوای خود را با قسم خوردن به آن بزرگوار حل و فصل می‌کنند.

- هر کس چیزی را از حرم آن بزرگوار با خود بردارد، هنگام مراجعت و وسیله نقلیه‌اش حرکت نخواهد کرد، تا آن که امانت حرم را سرچایش برگرداند.

- زوجی که فرزند ندارند، با توسل به این امامزاده، صاحب اولاد می‌شوند و سابقاً گهواره‌هایی در صحن قرار داده بودند که به همین منظور به آنها دخیل می‌بستند.

منطقه دخیل ۵۰ کیلومتری جنوب سامراء و در شمال بغداد، نزدیک شهر «بلد» قرار دارد. شهر بلد جزء استان صلاح الدین است اما به سبب وجود این قبر، به «بلد سید محمد» معروف است. این شهر تا بغداد و کاظمین، ۸۰ کیلومتر فاصله دارد.

• زیارت امامزادگان

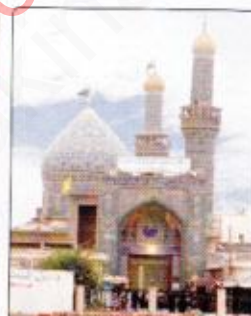
السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا السَّيِّدُ الزَّكِيُّ الطَّاهِرُ الْوَلِيُّ وَالِدَاعِي الْحَفِي أَشْهَدُ أَنَّكَ قُلْتَ حَقًّا وَنَطَقْتَ حَقًّا وَصَدَقًا وَدَعَوْتَ إِلَى مَوْلَايَ وَمَوْلَاكَ عَلَانِيَةً وَسِرًّا، فَازْ مُتَّبِعْكَ وَنَجَا مُصَدِّقَكَ وَخَابَ وَخَسِرَ مُكَذِّبُكَ وَالْمُتَخَلِّفُ عَنْكَ، أَشْهَدُ لِي بِهَذِهِ الشَّهَادَةِ لَاكُونَ مِنَ الْفَائِزِينَ بِمَعْرِفَتِكَ وَطَاعَتِكَ وَتَصَدِّيقِكَ وَاتِّبَاعِكَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدِي وَابْنَ سَيِّدِي أَنْتَ بَابُ اللَّهِ الْمُؤْتَى مِنْهُ وَالْمَاخُودُ عَنْهُ، أَتَيْتُكَ زَائِرًا وَحَاجَاتِي لَكَ مُسْتَوْدَعًا، وَهَذَا أَنَا إِذَا اسْتَوْدَعَكَ دِينِي وَآمَانَتِي وَخَوَاتِيمَ عَمَلِي وَجَوَامِعَ أَمَلِي إِلَى مُنْتَهَى أَجَلِي، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.



◀ مرقد ابراهیم عترة، نوه امام مجتبیٰ (ع) - کوفه



◀ مرقد قاسم فرزند امام موسی کاظم (ع) - حله



◀ مرقد سید محمد - بلد، نزدیک سامرا

■ زیارتنامہ دیگر برای امامزادگان

هرگاه زیارت یکی از فرزندان ائمه علیهم السلام را قصد کردی، بایست بر سر قبرش و اگر زیارت شونده مرد باشد، بگو:

السَّلَامُ عَلَى جَدِّكَ الْمُصْطَفَى، السَّلَامُ عَلَى أَيْبِكَ
الْمُرْتَضَى الرِّضَا، السَّلَامُ عَلَى السَّيِّدَيْنِ الْحَسَنِ
وَالْحُسَيْنِ، السَّلَامُ عَلَى خَدِيجَةَ أُمِّ سَيِّدَةِ نِسَاءِ
الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَى فَاطِمَةَ أُمِّ الْاِئِمَّةِ الطَّاهِرِينَ،
السَّلَامُ عَلَى النُّفُوسِ الْفَاخِرَةِ بِحُورِ الْعُلُومِ الزَّاهِرَةِ،
شُفَعَانِي فِي الْآخِرَةِ وَأُولِيَائِي عِنْدَ عَوْدِ الرُّوحِ
إِلَى الْعِظَامِ النَّاخِرَةِ، ائِمَّةِ الْخَلْقِ وَوَلَاةِ الْحَقِّ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الشَّخْصُ الشَّرِيفُ الطَّاهِرُ
الكَرِيمُ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ
وَمُصْطَفَاهُ، وَأَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّهُ وَمُجْتَبَاهُ، وَأَنَّ الْإِمَامَةَ
فِي وَلَدِهِ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ، نَعْلَمُ ذَلِكَ عِلْمَ الْيَقِينِ
وَنُحْنُ لَذَلِكَ مُعْتَقِدُونَ وَفِي نَصْرِهِمْ مُجْتَهِدُونَ



◀ مرقده زید بن علی - کوفه



◀ مرقده عیسی بن زید - شَبَاقِه، استان دیوانه



◀ مرقده علی بن حمزه - بزرگراه کربلا - طویبریج

jabir.abbas@yahoo.com



● امامزاده سید حسین (برادر امام حسن عسکری علیه السلام)

مرحوم محدث قمی می نویسد:

«گرچه از احوال این سید بزرگوار اطلاعی نیافتیم، لیکن از بعضی از روایات استفاده می شود که از مولای ما، امام حسن عسکری علیه السلام و برادرش حسین بن علی الهادی علیه السلام، تعبیر به «سبطین» می شده و این دو برادر را به اجنادشان دو سبط رسول گرامی، حسن و حسین علیه السلام تشبیه می نمودند.

و نیز در روایت ابوالطیب آمده است که صدای حضرت حجت علیه السلام به صدای عمویش حسین شباهت داشت.»

حسین به امامت برادر خود، امام حسن عسکری علیه السلام، ایمان داشت و او پیروان او بود. وی را از عابدان و زاهدان زمان خود دانسته اند. این بزرگوار در پایین پای مبارک امام هادی و امام عسکری علیه السلام دفن شده است.

● قبرهای خاندان عسکریین علیه السلام

معروف است که نزد قبر عسکرتین علیه السلام عده ای از سادات بزرگ دفن شده اند، از آن جمله:

● سوسن (مادر امام حسن عسکری علیه السلام)

سوسن را، به سبب آن که جدّه امام زمان علیه السلام است به «جدّه» یاد کرده اند. نام های این زن یا تقوا و زهد؛ حدیث، حدیثه، سلیل و ریحانه بوده است. در متون از وی با عنوان وکیل یا نماینده حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) یاد شده است، زیرا شیعیان از حکیمه خاتون، عمّه امام حسن عسکری علیه السلام، در زمان غیبت صغری سؤال کردند که اینک به چه کسی رجوع کنند؟ ایشان گفت: به جدّه؛ یعنی مادر ابومحمد علیه السلام.

مادر امام حسین علیه السلام تا سال ۲۶۲ هجری زنده بود. او را پس از فوت در آستان عسکرتین، در خانه مسکونی خود، به خاک سپردند.

● نرجس خاتون (مادر امام زمان علیه السلام)

نرجس خاتون، مادر بزرگوار حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، است. این بانوی بزرگوار فرزند پشوعا، پسر قیصر روم بود که به عنوان کنیز، به سامراء آمد و امام هادی علیه السلام او را خرید و به همسری امام حسن عسکری علیه السلام در آورد. نام رومی این بانو «ملیکا» بود و از مادر حسین به شمعون، وصی حضرت عیسی علیه السلام، می رسید. وی پس از پذیرش اسلام به نرجس تغییر نام پیدا کرد. این بزرگوار در سال ۲۶۰ هجری وفات یافت و در خانه امام حسن عسکری علیه السلام در محل سکونت خویش و کنار قبر امام دفن شد. اکنون قبر پاک این بانوی بزرگوار، داخل ضریح مطهر امامین و پشت سر آنها قرار دارد.



امام زمان خودش اقرار می‌کند؛ همان گونه که فرزندان یعقوب اقرار به پیامبری یوسف کردند، تا اینکه گفتند: به خدا سوگند یقیناً که خدا تو را بر ما برتری بخشید و به راستی که ما خطاکار بودیم.

۱. منتخب التواریخ، ص ۲۱۷ □ ۲. سوره یوسف، آیه ۹۱ □

● سمانه (مادر امام هادی علیه السلام)

سمانه یا سمانه مغریبه، مادر امام هادی علیه السلام، ملقب به «ام الفضل» و «سیده»، از زنان فاضل و زاهد روزگار بود که بیشتر روزها را روزه داشت و شب‌ها به نیایش می‌پرداخت. او در خانه امام هادی علیه السلام از دنیا رفت و در همان جا، کنار فرزندش، دفن شد.

● ابوهاشم جعفری

داوود بن قاسم، فرزند اسحاق بن عبدالله بن جعفر بن ابی طالب، معروف به ابوهاشم، از نواده‌های جعفر طیار است. نسب این بزرگوار از طرف مادر به محمد بن ابی بکر می‌رسد. او از اصحاب امام رضا، امام جواد، امام هادی و امام عسکری علیه السلام شمرده شده است.

قبر ابوهاشم نیز در داخل ضریح، قرار دارد.

● حکیمه خاتون (دختر امام جواد، خواهر امام هادی و عمه امام عسکری علیه السلام)

شرحش در صفحه ۴۰۷ گذشت.

● امامزاده سید جعفر (برادر امام حسن عسکری علیه السلام)

ابوعبدالله جعفر، فرزند دیگر امام هادی علیه السلام است. می‌گویند که جعفر، ناخلف بود و لقب کذاب گرفت. برخی نیز او را تواب لقب داده‌اند. امام هادی علیه السلام درباره‌اش فرمود: از فرزندانم جعفر دوری کنید، نسبت او به من همچون نسبت کنعان به نوح علیه السلام است.

امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: مثل من و جعفر، مانند هابیل و قابیل، دو فرزند آدم علیه السلام است، اگر کشتن من برای جعفر ممکن بود، مرا می‌کشت، ولی خداوند جلو او را گرفت.

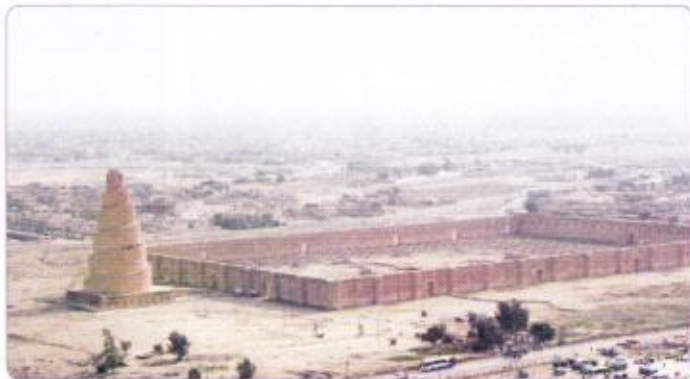
پس از رحلت امام هادی علیه السلام جعفر ادعای امامت کرد؛ نزد خلیفه وقت رفت و گفت: ۲۰۰۰۰۰ اسیر می‌فرستم که فرمان دهی مقام امامت از برادر من سلب شده و من بر عسند امامت بنشینم.

خلیفه در جواب گفت: اگر امامت تو دست ما بود، آن را برای خودمان حفظ می‌کردیم. اگر شیعیان از تو نیز مانند پدر و برادرت معجزه و کرامت ببینند، تو را امام خود خواهند دانست و دیگر تازی به کمک ما نیست. جعفر پس از شهادت برادرش امام حسن عسکری علیه السلام، دوباره ادعای امامت کرد، والله العالم.

اما در بحار، از تفسیر عیاشی از مفضل بن عمرو روایت کرده که سوال کردند از امام صادق علیه السلام از این سخن خداوند: «وَأَن مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ»، امام صادق علیه السلام فرمود: منزلیت فینا خاصه انه لیس رجل من ولد فاطمه یموت و لا یرج عن الدنیا حتی یقر لامامه یا امامه کما أقر ولد یعقوب لیوسف حتی قالوا تالله لقد أثنک الله علینا...^۱ این آیه در خصوص ما نازل شده است. یقیناً هیچکس از فرزندان فاطمه علیه السلام از این دنیا نمی‌رود، مگر آنکه به امامت

صورت مارپیچ و مدور در شش دور، از پایین تا بالا، امتداد دارد و شکلی چون حلزون به خود می‌گیرد.

ارتفاع هر پله، حدود ۱۰ سانتی‌متر است و علت کوتاهی آن، این است که خلیفه می‌خواست سوار بر اسب، از آنها بالا برود. این بنا و معماری آن، ظاهراً به تقلید از معبد های کلدانیان و بابلیان ساخته شده است، زیرا کلدانیان این نوع معبد ها را برای مراسم قربانی می‌ساختند که قربانی را به بالاترین نقطه برده و تقدیم خدایان می‌کردند.



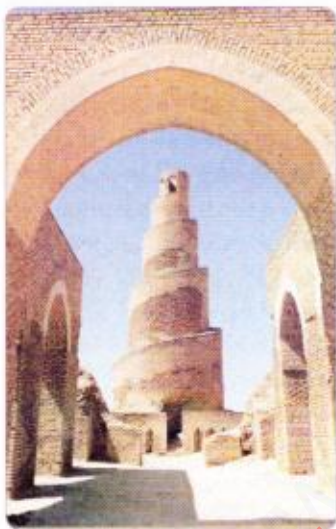
مناره ملوئیه

در ضلع شمالی مسجد جامع سامراء، به دستور متوکل عباسی، مناره‌ای ساختند که هنوز هم، پس از سال‌ها، پابرجا مانده و از دور دست، دیدگان هر بیننده‌ای را به خود جلب می‌کند.

این مناره عظیم به لحاظ سبک و نوع معماری، از عجایب دنیا بوده و در جهان اسلام بی‌نظیر است. ارتفاع آن به ۵۵ متر می‌رسد که بر روی یک قاعده و پایه مربع شکل به مساحت ۳۳ متر بنا شده؛ به شکل مخروطی تا بالاترین نقطه امتداد می‌یابد و رأس آن به دایره‌ای با ۶ متر مساحت ختم می‌شود. برخلاف همه مناره‌ها، پله‌های این مناره، از بیرون و اطراف آن است و به

مسجد جامع سامراء

جامع سامراء، یکی از قدیمی‌ترین مساجد عراق است. ساخت آن به زمان متوکل عباسی بر می‌گردد. این مسجد، بزرگترین مسجد عراق است که ۳۸۰۰۰ مترمربع مساحت داشته و ۱۴ درب ورودی دارد و حدود ۲ کیلومتر پایین‌تر از حرم مطهر عسکریین (ع) قرار گرفته است. از این مسجد تنها دیوارهای آن و مناره معروف به «ملوئیه» باقی مانده است. مسجد بدون سقف بوده و کف آن خاکی است. دیوارهای بسیار ضخیم آن بیشتر به دیوارهای قلعه شباهت دارد؛ ارتفاع دیوارها به ۱۰ متر می‌رسد و ۴۰ برج در ضلع‌های آن، باعث شده دیوارها از حالت یکنواختی بیرون بیایند. دیوارها و مناره، در دوران معاصر بازسازی شده‌اند.



www.abbasjabir.com

ابراهیم فرزند مالک اشتر



مرقد ابو نعمان ابراهیم، فرزند دلاور مالک اشتر، در جنوب شهر دُجیل، در ۸ فرسخی سامراء و در نزدیکی جاده قدیم بغداد - سامراء قرار دارد.

ابراهیم، فرمانده کل سپاه مختار بود که در زمان عبدالملک مروان، بر خلیفه وقت قیام کرد و بصره، کوفه و سایر شهرهای عراق را به تصرف در آورد. ابراهیم، در درگیری با سپاه خلیفه، موفق شد سپاهیان خلیفه را درهم کوبد و فرمانده آن، عبیدالله بن زیاد، و سایر جنایتکاران، مثل شمر بن ذی الجوشن، حرمه و خولی را به قتل رسانیده و با گرفتن انتقام خون شهیدان کربلا، نام خود را در تاریخ ماندگار سازد.

ابراهیم، در سال ۸۲ هـ.ق، با سپاهیان عبدالملک درگیر شد و در منطقه دیر جاثلیق نزدیک دُجیل به شهادت رسید.

جامع ابودلف

جامع ابودلف، یکی دیگر از مساجد قدیمی و تاریخی سامراء است که توسط ابودلف قاسم بن عیسی، از حاکمان عباسی، ساخته شده است. این مسجد در شمال شرقی سامراء، در محله المتوکلیه قرار داشته و حدود ۳۰،۰۰۰ مترمربع مساحت دارد.

گرچه هم اکنون از این مسجد ویرانه‌ای بیش بر جای نیست، ولی از نظر کارشناسان معماری اسلامی، از اعتبار ویژه‌ای برخوردار است، زیرا نقشه آن دست نخورده مانده و از دیوارهای آن نیز آن قدر باقی هست که بتوان یک بازسازی نزدیک به اصل از آن ارائه داد. نام‌گذاری مسجد به نام ابودلف، احتمالاً جدید است و در سده‌های اخیر این نام را بر آن اطلاق کرده‌اند.

جمیل بن دراج کولی



جمیل بن دراج از محدثین ثقه است که از طریق زُراه از امام صادق و امام موسی کاظم علیه السلام روایت نقل کرده است. قبرش در منطقه دجیل، در روستای «طارمیه» سمت راست جاده اصلی بغداد به سامرا به فاصله ۱۲ کیلومتر، قرار دارد.





آشنایی با استان های عراق
آشنایی با همسایگان عراق
احکام مورد نیاز زائر
صلوات نامه
لغات عربی مورد نیاز زائر
ستارگان حرم
ادعیه و زیارات

آشنایی با سایر استان های عراق استان بابل



تصویری خیالی از باغ های معلق بابل، که بر مبنای شواهد تاریخی کشیده شده است.

تراس ها و بالکن های زیادی وجود داشت، نام آن را باغ های بالکن دار یا معلق نامیدند. بعضی می گویند که یک ملکه آشوری قدرتمند باغ های معلق را برای سرگرمی خودش ساخته است و برخی نیز عقیده دارند که این باغ ها، به دستور یک شاه آشوری ساخته شده است. چندی پیش در کشور عراق، چاه های خالی، نهرهای خشکیده و حفره هایی کشف شد که باستان شناسان معتقدند، قسمتهایی از باغ های معلق بابل بوده است.



می شد در حقیقت باغ ها و از کون و معلق نبودند؛ شاید علت نام گذاری آنها به باغ های معلق، از آن جهت بود که کلمه معلق در زبان لاتین به معنی تراس و بالکن است و چون در این باغ،

● باغ های معلق بابل

یکی از بحث انگیزترین عجایب هفت گانه، باغ های معلق بابل در عراق می باشد. این باغ ها، بنا به نظر بسیاری از مورخین توسط نبوخذ نصر، شاه بابل، ۶۰۰ سال قبل از میلاد برای همسرش ملکه اموهیا ساخته شده است. همسر نبوخذ نصر (بخت النصر) که اهل کشور دیگری بود، از دین صحراهای خالی بابلون، دچار دل تنگی شده بود. به همین خاطر شاه بابل، طرح باغی را ریخت که تا آن زمان نظیرش در هیچ نقطه دنیا وجود نداشت. ساختن این باغ ها، بدون ماشین آلات و ابزار امروزی بسیار مشکل بوده است. کارگران مجبور بوده اند سنگ ها و تخته سنگ های بزرگی را از مسافت های بسیار دور، به محل ساختمان حمل کنند. همچنین برای آب دادن درختان آنها مجبور بودند آب را از رودخانه فرات به ارتفاع زیادی در بالا هدایت کنند. این باغ ها بر همه شهر بابل مسلط بود و چشم انداز بسیار زیبایی داشت و از فراز آنها منظره رود، شهر، سربازان و جاده ها پیدا بود و عبور و مرور کاروان ها به خوبی از آن جا دیده



● شهر تاریخی حله

شهر تاریخی حله، مرکز استان بابل، بین نجف و کربلا واقع شده و از آن جا فقها، شعرا و چهره‌های درخشان زیادی از شیعه برخاستند.

چنانکه نقل است مولای متقیان، علی (ع) در مسیر حرکت از کوفه به صفین برتبه‌های بابل، روی تل بزرگی ایستاد و اشاره به پیشه و نیزاری نمود و این سخن را فرمود: اینجا شهری است و چه شهری!

اصیغ بن نباته، از یاران حضرت، عرض کرد: یا امیرالمؤمنین! می‌بینم از وجود شهری در اینجا سخن می‌گویی، آیا در اینجا شهری بوده و اکنون آثار آن از بین رفته است؟ فرمود: نه! ولی در این جا شهری به وجود می‌آید که آن را «حله سیفیّه»^۱ می‌گویند و سردی از نیروی اسلام را بنا می‌کند و از این شهر مردمی پاک‌سرشت و مطهر پدید می‌آیند که در پیشگاه خداوند مقرب و مستجاب الدعوه می‌شوند. قبل از شهر تاریخی حله، بغداد مرکز علم و

فقه شیعه و نشر اسلام به حساب می‌آمد. بعد از مدتی، مردم بغداد و اطراف آن را قحطی سختی در فشار گذاشت و باعث شد به دیگر سامانها نقل مکان کنند و برخی نیز برای همیشه دیار خود را ترک گفتند.

۱. منسوب به بنیانگذار آن سیف الدوله صدقه بن منصور مزیدی، چهارمین امیر از سلسله بنی زید، که در محرم سال ۴۹۵ هـ. ق شهر زیبا و فقه پرور حله را بنا کرد.
۲. روایات الجنات، محمد باقر خوانساری، ج ۲، ص ۲۷۰.

• مقام نبی الله ابراهیم ﷺ



محققان بر آنند که محل تولد حضرت ابراهیم علیه السلام شهر «اور» از سرزمین بابل است. این بطوطه از محلی به نام برص (برس یا برس نمرود) میان حله و بغداد در عراق یاد کرده که گفته‌اند زادگاه ابراهیم است. در نزدیکی این مقام، بر بلندای تپه‌ای آثاری از پایه‌های منجیق نیز وجود دارد که می‌گویند ابراهیم علیه السلام را از آن جا به میان آتش پرتاب کرده‌اند.

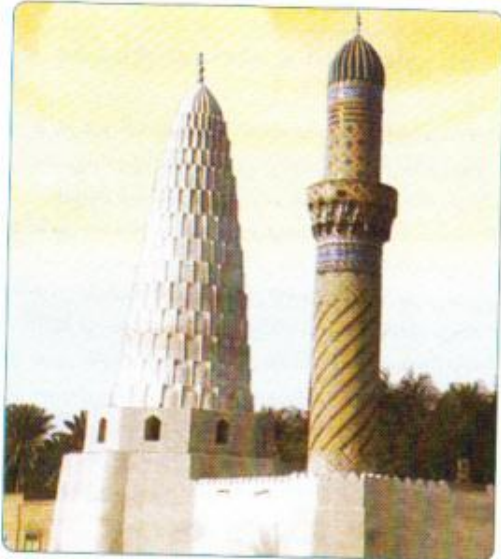
➤ حواقه :

جایگاه و تپه‌ای که حضرت ابراهیم علیه السلام را در زمان نمرود بر منجیق نهادند و به آتش افکندند. فضای باز روبروی تپه، به گونه‌ای است که گویی آسار افروختن آتش عظیم بر روی زمین نمایان است.



• موقعیت سه شهر کربلا، حله و نجف





مسجد رد الشمس در استان بابل - ۲ کیلومتری شهر حله

پرداختند؛ وقتی امام یاران خویش را این گونه نگران دید؛ از خدای متعال درخواست نمود تا خورشید را برگرداند، که سپاهیان نماز عصر را به جای آورند و چنین شد. صاحب بن عباد چنین سروده است:

أول الناس صلوة جعل التقوى جلها ردت الشمس عليه بعد ما غاب سناها
در مکان آن واقعه، در ۲ کیلومتری شهر حله قدیم و سمت چپ جاده
کربلاء مسجدی به نام مسجد رد الشمس ساخته اند.

۱. حلیه معبد الارشاد، ج ۱، ص ۳۴۵
۲. احتفال الامیر محمد، ص ۵۲۲

• مسجد رد الشمس

معجزه بازگشت خورشید، دوبار اتفاق افتاده است که هر دو را به طور خلاصه نقل می کنیم.^۱

۱. در مدینه:

پیامبر اکرم ﷺ در منزل خود بود و علی ﷺ هم حضور داشت، جبرئیل نازل شد و وحی الهی آورد. رسول خدا ﷺ که سر مبارک خود را روی پای علی ﷺ گذارده بود، سر برداشت تا هنگامی که آفتاب غروب نمود؛ علی ﷺ که نماز عصر را به جا نیاورده بود، ناچار شد نمازش را در حالت نشسته و رکوع و سجود را با اشاره به جای آورد. پیامبر اکرم ﷺ پس از آن که به خود آمد، به علی ﷺ فرمود: نماز عصرت قضا شد. عرض کرد: به خاطر حالت وحی که بر شما عارض شده بود و بر من تکیه داده بودید نمی توانستم نماز را به حالت عادی بخوانم؛ در این هنگام پیامبر دعا کرد:

«اللهم إن عليا كان في طاعتك وطاعة رسولك فارده عليه الشمس» (پروردگارا! علی، در راه اطاعت تو و فرمانبرداری

رسول تو بوده، پس خورشید را برای او بازگردان).^۲
اسماء گوید: در این وقت خورشید بازگشت و دیوارها را دوباره آفتاب گرفت تا علی ﷺ وضو ساخت و نمازش را خواند، آن گاه غروب کرد.

۲. در سرزمین بابل:

سال ها پس از رحلت پیامبر ﷺ، هنگامی که امیر المؤمنین ﷺ در یارانانش، قصد عبور از رودخانه فرات در منطقه بابل را داشتند، امام و برخی از یاران، نماز عصر را به جای آوردند، اما عده زیادی از سپاهیان که مشغول عبور دادن مرکب ها و توشه ها از رودخانه بودند، نتوانستند نماز بخوانند و خورشید غروب نمود، آنان در این باره با امام ﷺ به گفتگو

• مقام صاحب الزمان (عج)

در بازار شهر حله، مقامی معروف به مقام صاحب الزمان (عج) هست که عاشقان امام زمان (عج) برای زیارت و خواندن نماز به آن جا می‌روند و دعای ویژه زیارت امام زمان (عج) را می‌خوانند. این مکان خانه یکی از عالمان حله به نام شیخ علی حلاوی (ره) بوده است.

قدیمی‌ترین سندی که بر وجود این مقام دلالت دارد نوشته شیخ ابن هیکل حلی است که در حوادث سال ۶۳۶ هـ. ق. ساخت مدرسه‌هایی در کنار این مقام توسط علامه ابن نما را مرقوم کرده و نشان می‌دهد که این مقام سالیانی قبل از آن نیز وجود داشته است.^۱ به هر حال توجه علما به این مقام و زیارت آن و اهتمام در بازسازی و تعمیر آن و برقراری مجالس درس، نشان از اهمیت و جایگاه ویژه آن دارد.

ساخته شدن این مقام در این شهر، داستان معروفی دارد که در بسیاری از کتاب‌های شیعه بیان شده است:

۱. تاریخ مقام الامام المهدی فی الحله ص ۶۲

مرحوم شیخ علی اکبر نهاوندی از مرحوم آقا سید علی اکبر موسوی خونی پدر بزرگوار مرجع عالیقدر شیعه آیه الله سید ابوالقاسم خوبی نقل کرده‌اند زمانی از نجف اشرف به حله سفر کردم. هنگام عبور از میان بازار، چشمم به قبه مسجد مانند ای افتاد که بر سر در آن نوشته شده بود: هذا مقام صاحب الزمان. من از اهالی حله علت نامگذاری آن را جویا شدم. همگی به اتفاق آرا گفتند این جا، خانه عالمی یا تقوا به نام شیخ علی بوده که همیشه در انتظار ظهور حضرت مهدی (عج) به سر می‌برده است. او پیوسته نسبت به امام زمان (عج) عتاب و خطاب می‌کرد و می‌گفت این غیبت از انتظار در این زمان، برای چیست؟ در حالی که مخلصین شما در شهرها و اقطار عالم همچون برگ درختان و قطره‌های باران

فراوان هستند در همین شهر خودمان، شیفتگان و دوستان شما پیش از ۱۰۰۰ نفرند. پس چرا ظهور نمی‌فرماید تا دنیا را پر از قسط و عدل نمایید؟ تا آن که روزی شیخ علی با همان حال سر به بیابان نهاد و همین سخنان را آغاز کرد که ناگهان دید عربی بیابانگرد نزد او حاضر است و به او فرمود: جناب شیخ، به چه کسی این همه عتاب و خطاب می‌کنی؟ عرض کرد: خطابم به امام زمان (عج) است. آقا فرمودند: ای شیخ، صاحب الزمان من هستم؛ با من این همه عتاب و خطاب نکن! اگر ۳۱۳ نفر اصحاب موجود بودند، من ظاهر می‌شدم. در همین شهر حله که می‌گویی، جز تو وفلان شخص قصاب، کسی دوست با اخلاص من نیست. حال اگر می‌خواهی صورت واقع برایت روشن شود، برو مخلصین مرا که می‌شناسی، در شب جمعه به منزلت دعوت کن و در صحن حیاط، مجلسی آماده ساز. آن قصاب را هم بگو بیاید و دو بزغاله هم روی بام خانه‌ات بیند. آن گاه منتظر ورود من باش تا حاضر شوم و واقع امر را به تو بقیانم.

چون فرمایشات حضرت به پایان رسید، امام از نظر شیخ غایب شدند. شیخ علی حلاوی، مسرور از این ماجرا یا خوشحالی فراوان به حله برگشت. نزد قصاب رفت و قضیه را با او در میان گذاشت. آن دو یا کمک یکدیگر ۴۰ نفر را از بین ۱۰۰۰ نفری که آنها را از ابرار و منتظران حقیقی حضرت (عج) می‌پنداشتند انتخاب کردند و دعوت نمودند که در شب جمعه به منزل شیخ بیایند تا به ملاقات امام عصر (عج) مشرف شوند. شب جمعه موعود فرا رسید. مرد قصاب با آن ۴۰ نفر برگزیده به خانه شیخ علی حلاوی آمدند و در صحن حیاط نشستند. همه با وضو، رو به قبله، در حال ذکر و صلوات و دعا در انتظار قدوم قائم منتظر (عج) لحظه شماری می‌کردند.

شیخ علی نیز طبق فرمان حضرت، قبلاً دو بزغاله را روی پشت‌بام بسته بود و خود در صحن حیاط، در حضور میهمانان، تشریف‌فرمایی مولای انتظار می‌کشید.

به گوش رسید و شیخ علی حلاوی را احضار فرمود. شیخ برخاست و خود را به روی بام رساند، دید مرد قصاب صحیح و سالم روی بام در محضر امام ایستاده، اما یکی از دو بزغاله را سر بریده و خون بزغاله بوده که در صحن حیاط جاری شده است. در این هنگام، قصاب به امر حضرت بزغاله دوم را نیز نزدیک ناودان سر برید و بار دوم خون از ناودان به میان حیاط سرازیر شد.

وقتی آن ۴۰ نفر دوباره خون تازه را در صحن منزل جاری دیدند، گمانشان تبدیل به یقین شد و همگی قطع پیدا کردند که حجت بن الحسن ارواحنا فداه، مرد قصاب و شیخ علی حلاوی را به قتل رسانده و زود است که نوبت يك آنها فرا رسد و ملاقات با امام زمان عجله الله تعالی فرجه به قیمت جانهایشان تمام شود. از این رو بی درنگ از جا برخاستند و از منزل شیخ علی حلاوی گریختند.

حضرت اینجا رو به شیخ علی کرده، فرمودند:

اینك به حیاط برو و به آنان بگو که به پشت بام بیایند و با من دیدار کنند. شیخ علی به صحن حیاط که رسید، حتی يك نفر از آن ۴۰ برگزیده را ندید و دانست که همه فرار کرده اند. به سرعت به پشت بام برگشت و گریختن آن ۴۰ نفر را به عرض مبارک حضرت رسانید.

حضرت فرمودند: ای شیخ، دیگر آن همه یا من عتاب و خطاب نکن! این شهر حله بود که می گفتم بیش از ۱۰۰۰ نفر از یاران و مخلصان ما فقط در این شهر هستند، پس چه شد که بین آن دوستان انتخاب شده، کسی جز تو و این مرد قصاب باقی نمانده است؟! اینك سایر جاها را نیز به همین گونه قیاس کن! این جمله را فرمود و از نظر آن دو ناپدید گشت. پس از این ماجرا شیخ علی حلاوی منزلش را بصورت بقعه ای مرمیت کرد و به «مقام صاحب الزمان» موسوم نمود.

از آن زمان تاکنون آن مقام شریف، زیارتگاه عام و خاص است.

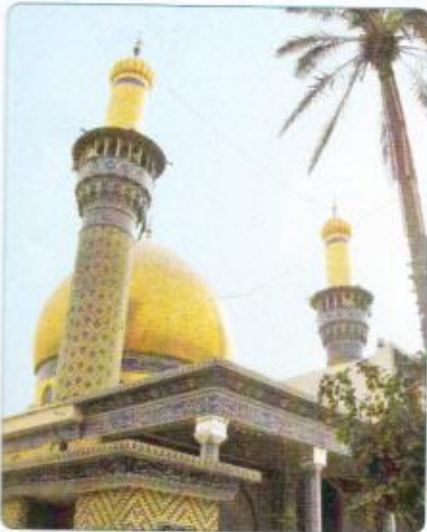
۱. العنبري الحسان فی احوال مولانا صاحب الزمان عجله الله تعالی فرجه، علی اکبر نهاوندی، ج ۲، ص ۷۷-۸۷



پاسی از شب که گذشت، به ناگاه همگی دیدند نور با عظمت و درخشانی که به مراتب از خورشید درخشنده تر بود، در آسمان ظاهر شد و همه جا را روشن کرد. سپس آن نور به طرف خانه شیخ علی آمد تا آن که بر پشت بام منزل قرار گرفت. دقایقی پیش نگذشت که صدایی از پشت بام، آن مرد قصاب را فرا خواند. مرد قصاب امتثال امر کرده، برخاست و روی بام رفت و به خدمت حضرت شرفیاب شد.

امام به او فرمودند: یکی از این دو بزغاله را نزدیک ناودان ذبح کن. به طوری که تمام خونس از ناودان سرازیر و در صحن خانه جاری شود. مرد قصاب فرمان امام را اطاعت کرد. وقتی خون، در حیاط جاری شد، آن ۴۰ نفر گمان کردند که حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه مرد قصاب را گردن زده و این خون اوست که از ناودان می ریزد. پس از اندکی صدایی از پشت بام

• مشاهیر حله



◀ بارگاه قاسم برادر امام رضا (ع)

مرحوم محدث توری در تحفه الزائرین گفته: حدیثی در السنه معروف است قریب به این مضمون که: حضرت رضا (ع) فرمود: هر کس قادر به زیارت من نیست، زیارت کند قاسم، برادر مرا. بعد تصریح کرده این روایت جایی دیده نشده و تاکنون کسی از اصل آن نشان نداده ولیکن جلالت قدر و علو مرتبه جناب قاسم معلوم است؛ چنانچه محل دفنشان در هشت فرسخی حله معلوم است.

◻ منتخب التواریخ، ص ۲۲۲

در برگ های کهن تاریخ حله، چهره های پرتو امامزادگان و دانشمندانی پرتو افشانی می کند، که تا به امروز نامشان زنده است و هر یک ستاره ای درخشان در آسمان تشیع می باشند. نام جمعی از آنان به این قرار است:

■ حضرت قاسم فرزند امام موسی کاظم (ع)

قاسم، فرزند امام موسی کاظم (ع) و برادر امام رضا و حضرت معصومه (ع) است. او پس از شهادت پدرش از بغداد گریخت و در میان عشایر منطقه «سورا» در اطراف حله، مخفی گردید و پس از وفات، در آرامگاه کنونی اش مدفون شد.

■ حمزه از نوادگان حضرت ابوالفضل (ع)



◀ بارگاه ابویعلی

حمزه بن قاسم بن علی بن حمزه بن حسن بن عبیدالله بن عباس بن علی بن ابیطالب (ع) کنیه او ابویعلی است و به «حمزه الغری» شهرت دارد. او از راویان حدیث و علمای بزرگوار شیعه بوده؛ قبرش در جنوب حله در جزیره بین دجله و فرات (بین النهرین) و در روستای «مزیدیه» واقع است.

این دو امامزاده بزرگوار و صاحب النسب مشهورترین امامزادگان در این منطقه هستند و شهرت این دو، به گونه ای است که نام شهر مدفون آنان، از نام اصلی به نام این دو تن تغییر یافته و در میان مردم به شهر حمزه و شهر قاسم مشهور شده است.

www.jabir.abbas@yahoo.com

زید با همان جماعت اندک، تا شب به نبرد ادامه داد، اما شب هنگام به واسطه شدت جراحات وارده، به شهادت رسید.

پارانش جنازه او را در کف نهر آبی دفن کردند و روی قبر را پوشانده و آب نهر را بر آن جاری ساختند، تا از دید دشمن پنهان بماند، ولی حاکم عراق مطلع شد و قبر را شکافته، سر زید را از بدن جدا کرد و برای هشام فرستاد.

به دستور هشام، بدن زید را در کناسه‌ی کوفه بالای دار بردند و پس از مدتی جنازه‌اش را سوزانده، خاکسترش را بر باد دادند. به همین جهت، زید قبری ندارد، اما در همان جای دار، در کنار شط کوفه برایش مقامی ساخته‌اند.

اثمه هدی علیه السلام همواره از زید بن علی بن الحسین علیه السلام، به نیکی یاد می‌کردند.

امام صادق علیه السلام پس از آن که از شهادت عموی خود مطلع شد، گریست و فرمود:

«إِنَّا لَهُ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» از خداوند به خاطر مصیبت

عمویم زید، اجر و مزد می‌طلبیم! زید، عموی خوبی بود

و برای دنیا و آخرت ما سودمند بود. به خدا قسم که

عمویم، شهید از دنیا رفت، مانند شهدایی که در خدمت

رسول خدا و علی و حسن و حسین علیهم السلام شهید شدند!

به روایتی، امام هزار دینار از اموال خود را بین خانواده کسانی که در راه یاری وی شهید شده بودند، تقسیم نمود.

زید، دوم صفر سال ۱۲۰ هـ.ق در کوفه به شهادت رسید و هنگام شهادت ۴۲ سال داشت.

پس از او، فرزندش یحیی نیز در سال ۱۲۵ در اوایل سلطنت ولید بن یزید بن عبدالملک، خروج کرد و او نیز به شهادت رسید.

□ منتهی الآمال، شیخ عباس قمی، ج ۲، ص ۱۱۰

• زید بن علی بن الحسین علیه السلام



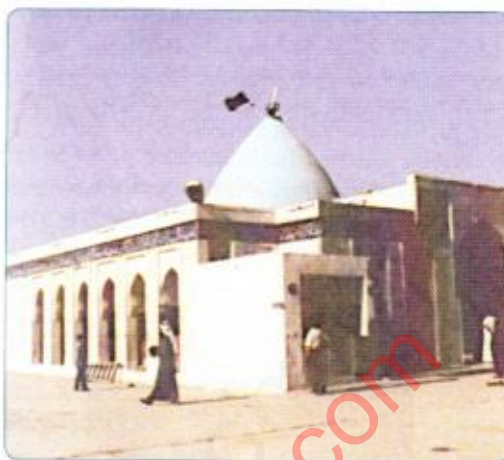
زید، پس از امام باقر علیه السلام بزرگترین فرزند امام سجاده علیه السلام است که به زهد، فضل، سخاوت و شجاعت معروف بود.

وی به منظور امر به معروف و نهی از منکر و احقاق حق و بازگرداندن خلافت به صاحبان اصلی آن، یعنی اهل بیت علیهم السلام، با شمشیر قیام کرد و همین خروج و قیام مسلحانه، سبب شد عده‌ای گمان کنند که او مردم را به خود دعوت می‌کند؛ حال آنکه هدف او احیای حکومت اسلامی به رهبری اثمه هدی علیه السلام بود.

زید، اول صفر سال ۱۲۰ هجری قیام خود را آغاز کرد. در این تاریخ زید به عراق آمد و در کوفه مردم با او بیعت کردند.

یوسف بن عمر ثقفی که از طرف هشام، حاکم عراق بود، با وی نبرد کرد، ولی اطرافیان زید، او را تنها گذاشتند.

■ ابوبکر فرزند امیرالمؤمنین (ع)



ابوبکر، فرزند نهم امیرالمؤمنین علی (ع) است. نامش، محمد اصغر و مادرش، لیلی بنت مسعود بود. او همراه کاروان کربلا به این سرزمین آمد و در کنار اهل بیت امام حسین (ع) و یارانش به قداکاری و جان فشانی پرداخت و سرانجام در راه اهداف والای مقتدایش، در روز عاشورا به شهادت رسید. مزاری منسوب به او در راه نجف به سوی بغداد واقع شده و دارای صحن، ضریح و مصلاست. البته به احتمال قریب به یقین، ابوبکر کنار دیگر شهیدان عاشورا در کربلا و پایین پای مبارک امام حسین (ع) دفن شده و این مزار مربوط به شخص دیگری باشد؛ والله العالم.

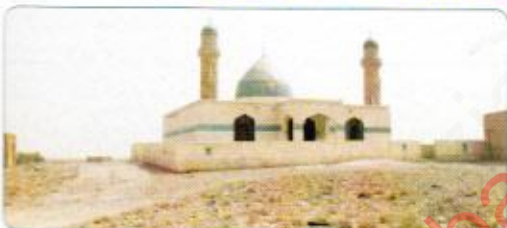
۱. ابو الفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ۵۶.

■ محمد بن قاسم و برادرانش علی بن الحسین نوادگان حضرت ابی الفضل



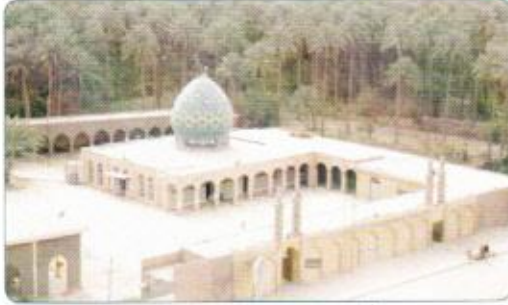
محمد بن قاسم بن حمزه بن حسن بن عبدالله بن ابی الفضل العباس (ع) و برادرزاده اش، حسین بن علی بن قاسم مرقدشان در منطقه محابیل استان بابل واقع است. این دو بزرگوار که از جور و ستم بنی العباس فرار کرده بودند، به این قریه پناه آوردند و در این جا به شهادت رسیده یا وفات کردند. تاریخ وفات محمد بن قاسم سال ۳۸۵ هـ. ق ذکر شده است.

■ هارون فرزند امام موسی کاظم (ع)



مرقد هارون فرزند امام موسی کاظم (ع) حله

■ حسن الأسمر



ابومحمد حسن الأسمر، از نوادگان زید شهید است که سبعت نقابه الصالیین داشته است. این منطقه را به خاطر وجود این قبر، «محابیل الامام» نامگذاری کرده اند.

■ ابوالجاسم (قاسم بن الحسن)



مرفقی در منطقه المحابیل (۸۰ کیلومتری جنوب بغداد) جزو استان بابل است.

■ عبدالله بن الحسن المكفوف

از نوادگان امام زین العابدین علیه السلام قبرش در «القایم» نزدیک شهر سناغیه است.

■ عبدالله محض نوه امام حسن مجتبی علیه السلام



ابومحمد عبدالله، مشهور به «عبدالله محض»، نوه امام حسن مجتبی علیه السلام است. از این جهت او را محض گفتند که هم از طرف پدر و هم از طرف مادر، فاطمی و علوی است. پدرش حسن مثنی، فرزند امام حسن علیه السلام و مادرش فاطمه، دختر امام حسین علیه السلام بود. عبدالله شباهت زیادی به رسول خدا صلی الله علیه و آله داشت و زیباترین و باسجاولترین مردم بود. مزار وی در ۶ کیلومتری شرق شهر «کفل» در اراضی خفاجه قرار دارد و دارای دو گنبد است که اولی مربوط به عبدالله محض است و دومی مربوط به ۷ تن دیگر از فرزندان و نوادگان امام حسن مجتبی علیه السلام.

اینان همگی در زندان بودند که منصور دوانیقی دستور داد زندان را بر سرشان خراب کردند و با این شیوه فجیع آنان را به شهادت رساندند. این واقعه دردناک در عید قربان سال ۱۴۵ هجری قمری در همین جا که سیاه چالی بوده، اتفاق افتاد.

محمد، معروف به نفس زکینه در مدینه و ابراهیم در بصره، از فرزندان عبدالله، علیه منصور خروج کردند و هردو به فیض عظمای شهادت رسیدند.

www.abbas@yahoo.com

■ رشید هجری

شیخ عباس قمی در منتهی‌الآمال و در کتاب منهج المقال نیز از رجال کشی نقل کرده است:

میثم تمّار به حبیب بن مظاهر رسید، در حالی که هر دو سوار بر اسب بودند؛ حبیب، آینده میثم را این گونه پیش‌بینی کرد و گفت: گویا مرد جاقی را می‌بینم که موهای جلوی سرش ریخته و در کوفه بطیخ می‌فروشد، او را به جرم دوستی اهل بیت به دار زده‌اند و شکمش بر روی دار شکافته می‌شود.



میثم تمّار به حبیب گفت: من هم مرد سرخ رویی را می‌شناسم که دو گیسوی بافته شده دارد و در یاری پسر پیغمبر کشته می‌شود و سرش را در بازار کوفه می‌گردانند.

گروهی شاهد این گفتگو بودند و هنوز متفرق نشده بودند که رشید هجری از راه رسید و سراغ میثم و حبیب را گرفت. گفتند ما دروغگو از این دو ندیده بودیم، چنین وچنان غیب‌گویی می‌کردند. رشید گفت: خدا بیامرز میثم را که فراموش کرد بگوید، به حامل سر حبیب ۱۰۰ درهم بیشتر پاداش می‌دهند.

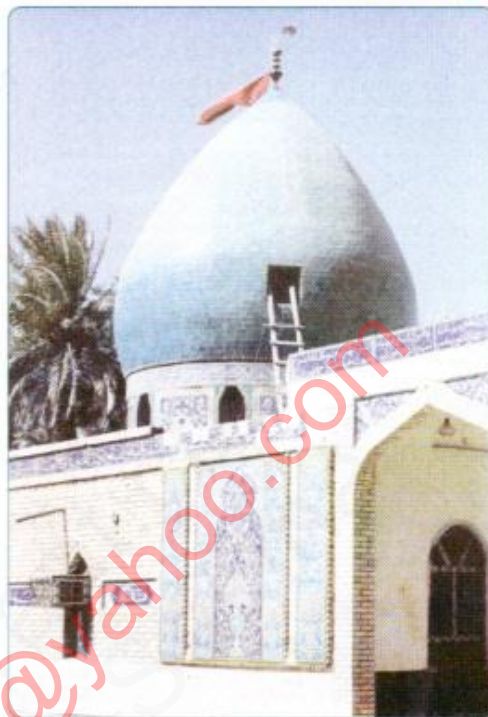
آن گروه به هم نگاهی کردند و گفتند: به خدا که این یکی دروغگو تر از آن دو بود.

طولی نکشید که همه آن پیشگویی‌ها، عیناً واقع شد و آن گروه آنچه شنیده بودند به چشم خود دیدند.

رشید هجری به دست افراد معاویه به شهادت رسید. قبر او با گنبد و بقعه‌ای در نزدیکی پل عباسیه نزدیک شهر کفل است.^۱

۱. منتخب التواریخ ص ۱۲۹.

۲. حیات علیات عراق، به نقل از کمونه حسینی، ص ۲۵۴.



رشید هجری، میثم تمّار و حبیب بن مظاهر، سه تن از یاران امیرالمؤمنین (علیه السلام) بودند که حضرت به آنان علم بلایا و منایا آموخته بود؛ یعنی می‌توانستند از آینده خبر دهند.

■ آثار باقی مانده از مسجد نخيله



جنگ با معاویه شد، ولی با توطئه‌های معاویه، قبل از جنگ، سپاه از هم پاشیده شد و مردم از اطراف امام پراکنده شدند و امام مجبور به پذیرفتن صلح شد. **در سال ۶۰ هجری**، عبدالله بن زیاد، نخيله را مرکز و آمادگاه بر ضد امام حسين (ع) قرار داد. **در سال ۶۵ هجری**، نخيله و عداگاه شيعيان برای قیام تزيين بود، سپاه سواره نظام تزيين با شعار «یا لثارات الحسین»، از کوفه خارج شدند و به سمت نخيله حرکت کردند.

■ در اخر الزمان قبل از ظهور

در روایات مربوط به خروج سقیانی آمده است: سقیانی یک سپاه ۱۳۰۰۰ نفری به سوی کوفه گسیل می‌دارد، در رُوحا و قاروق فرود می‌آیند، سپس ۶۰۰۰ از آن‌ها حرکت کرده، در نخيله، در محل قبر هود (ع) فرود می‌آیند و در روز عید، تهاجم خود را آغاز می‌کنند. ■ بخار الاوتار، ج ۵، ص ۲۷۳.

این جا، مسجد نخيله است؛ یاد آور رشادتهای لشکریان اسلام در قرن اول هجری، نخيله، محلی است نزدیک کوفه که در مسیر شام قرار دارد. منطقه‌ی نخيله، از نظر سوق الجیشی برای تمرینات نظامی، تهیه تدارکات و استراحت نظامیان، مناسب و همواره اردوگاه نظامی جنگجویان بوده است. لشکریان در اینجا اجتماع می‌کردند تا برای جنگ بیرون روند.

در سال ۳۷ هجری، پس از آن که حضرت علی (ع) در جنگ جین مجبور به پذیرش حکمیت شد، مخالفت خود را با نتیجه حکمیت، اعلام کرد و از مردم خواست برای جنگ با معاویه در نخيله اجتماع کنند و سپاه امام (ع) از نخيله به مقصد شام حرکت کرد.

در سال ۴۱ هجری، امام حسن مجتبی (ع) نیز سپاه ترتیب داد و آن را در نخيله گرد آورد و آماده

■ بنات الحسن



این مرقده که در ۲۰ کیلومتری شهر حله و در شمال غربی استان بابل، در منطقه «باخمرا» قرار دارد، مربوط به دو تن از دختران حسن متنی به نام‌های رقیه و فاطمه است. این دو بزرگوار نوه‌های امام حسن مجتبی (ع) هستند که به همراه برادرشان محمد به این منطقه آمده بودند.

■ سید احمد

فرزند امام موسی کاظم (ع) - حله

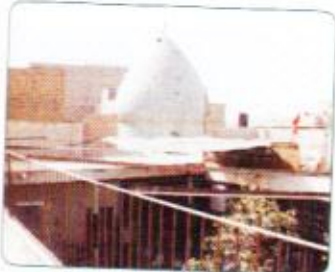


jabir.abbas@yahoo.com

■ خاندان آل طاووس

■ سید ابن طاووس

سه تن از بزرگوارانی که در حله مدفون اند، به سید ابن طاووس مشهورند، چون جدشان محمد بسیار زیبا بود ولی راه رفتنش مناسب حسن و جمالش نبود. اینان دو برادرند و یک برادر زاده:



◀ بارگاه سید احمد بن طاووس



◀ بارگاه سید رضی الدین علی بن طاووس



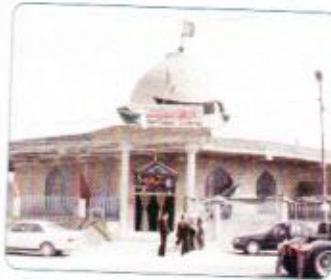
■ ۲. سید ابن طاووس

(سید جمال الدین احمد)

تولد ۶۴۸ هـ. ق وفات ۶۹۳ هـ. ق.

صاحب کتاب «بشری فی الفقه»

هرگاه در کتب فقهی و رجالی نام سید ابن طاووس را ببرند، منظور این بزرگوار است.



◀ بارگاه عبدالکریم بن طاووس

■ ۳. سید ابن طاووس

(سید غیاث الدین عبدالکریم)

تولد ۶۴۸ هـ. ق وفات ۶۹۳ هـ. ق.

صاحب کتاب «فرحة الغری».

قبرش در محله «باب النجف» حله قرار دارد.

هرگاه در کتب احادیث و اخبار اطلاق سید ابن

طاووس می شود، مراد جناب عبدالکریم است.

■ ۱. سید ابن طاووس

(سید رضی الدین علی)

تولد ۱۵ محرم ۵۸۹ هـ. ق؛ وفات ۶۴۴ هـ. ق.

صاحب کتاب «لہوف».

قبرش در «محلة الجامعین» در حله است.

هرگاه در کتب ادعیه و زیارات و ذکر زاهدین

و تشرف پیدا کنندگان به محضر حضرت

حجت ر. نام سید ابن طاووس را ببرند، منظور

این بزرگوار می باشد.

jabir.abbas@yahoo.com

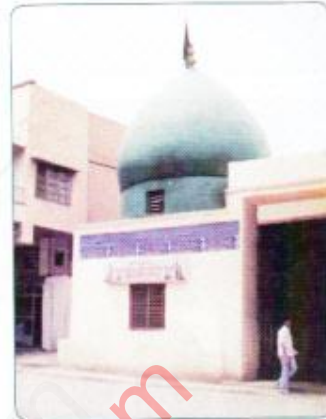
علاوه بر این بزرگان، آرامگاه بسیاری از فقها و علمای دیگر نیز در حله قرار دارد که برخی دارای قبه و صحن و سرا نیز هستند همانند:

- سیدالدین حلی متوفای ۶۸۰ ق. ه. ق.
- سید رضی الدین محمد حسین (وی/ای) - متوفای ۶۵۴ ه. ق.
- علامه حلی ۶۴۸ ه. ق. - ۷۲۶ ه. ق.
- یوسف بن علی بن مطهر حلی، پدر علامه حلی
- فخرالمحققین، فرزند علامه حلی؛ ولادت ۶۸۲ ه. ق.
- وفات ۷۷۰ ه. ق.
- سید حیدر حلی، شاعر معروف؛ وفات ۱۲۰۴ ه. ق.
- ابن حماد الواسطی قبرش در محله «الجامعین» حله می‌باشد.
- ابن سعید حلی، نویسنده کتاب «جامع الشرائع»؛ متوفای ۶۸۹ ه. ق. آرامگاه وی در محله «الطاق» حله است و آرامگاه گروهی از بزرگان شیعه نیز پیرامون قبر او قرار دارد.
- ابن العرندس در محله «جبران».
- شیخ احمد بن فهد الأحسانی؛ متوفای قرن نهم هجری، قبر او در محله «الطاق» است.
- جمال الدین بن طاووس حلی؛ متوفای ۶۷۳ ه. ق. و قبرش در محله «الجباوین» است.
- خلیفی الموصلی؛ متوفای سال ۸۵۰ ه. ق.
- شرف الدین ابن طاووس.
- شیخ ابوالحسن شافعی حلی؛ متوفای قرن نهم، قبرش در محله «المهدیه» حله است.



■ ابن ادریس حلی «صاحب السرائر»

ولادت ۵۵۸ ه. ق. وفات ۵۹۸ ه. ق.
محمد بن احمد بن ادریس بن حسین بن قاسم بن عیسی حلی عجل، ملقب به فخرالدین و کنیه اش ابو عبدالله است. در سال ۵۴۳ ه. ق. چشم به جهان گشود. او یکی از بزرگترین فقهائ شیعه اواخر قرن ششم است. پس از شیخ طوسی، فقهائی ما تا عصر ابن ادریس (حدود ۱۵۰ سال) فتاوی شیخ را با توجه به مقام علمی او، دستورالعمل زندگی نویسی قرار داده بودند.
ابن ادریس، اولین فقیهی است که فقه را از رکود چندین سده بجات داد و به اظهار نظر در مسائل فقهی پرداخت. کتاب سرر، بهترین دلیل بر دقت فهم و احاطه فقهی اوست. تألیف دیگر ابن ادریس حلی، مختصر تبیان شیخ در تفسیر می‌باشد.
وی در عنوان جوانی به سرای جاوید شرافت، شیخ حر عاملی در امل می نویسد.
دانشمندان متأخر، ابن ادریس را زیاد ستودند و کتاب سرر او در فقه مورد اعتماد علمای ما قرار دارد.



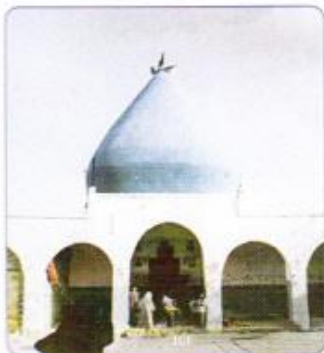
■ محقق حلی صاحب شرایع الاسلام

ولادت در کوفه ۶۰۱ ه. ق. وفات ۶۷۶ ه. ق.



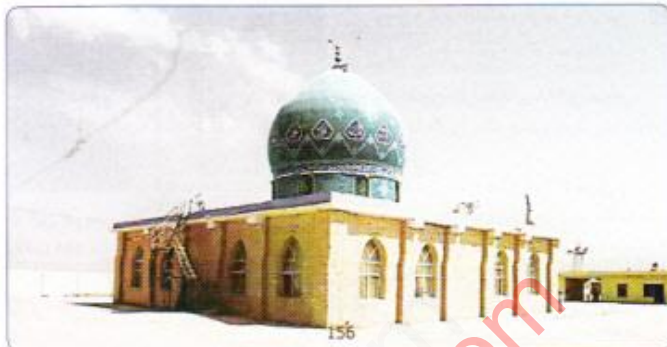
نجم الدین جعفر ابن نما حلی، صاحب کتاب «مثیر الاحزان» و «مقتل ابن نما». وی از مشایخ علامه حلی است. ابن نما در سال ۶۸۰ از دنیا رفت و نزدیک مرقد پدرش در محله جباوین دفن شد.

استان قادسیه - دیوانیه



● سید طالب المُکفَل

سید محمد، ملقب به طالب و معروف به «سید طالب المُکفَل»، فرزند احمد، فرزند عیسی «یتیم الاکشیال»، فرزند زید شهید است که به واسطه کراماتی که مردم از وی دیده‌اند، به نام مُکفَل مشهور شده است؛ یعنی کسی که کفالت می‌کند و حاجات مردم را برآورده می‌سازد. مرقد وی در دیوانیه است و در کنار آن، قبر خواهرش حمیده، نیز قرار دارد. سید طالب را با لقب «أخوة حمدة» (برادر حمیده) نیز می‌شناسند، که اشاره به همین خواهرش می‌باشد.



● عیسی بن زید

عیسی بن زید، فرماندهی میمنه سپاه محمد نفس زکیه را در مدینه عهده‌دار بود و همچنین همین سمت را بعدها در سپاه ابراهیم در جنگ باخمری داشت. ولی عجیب است که چرا چنین شخصیت انقلابی‌ای به ناگاه از همه چیز کناره گرفت و ناشناس به شغل سقاگری روی آورد و با شیری که داشت کار آبرسانی انجام می‌داد و روزی که کاری یافت نمی‌شد، قوت روزانه‌اش را هم نداشت و مجبور بود از پوست میوه‌ها برای سد جوع خود استفاده کند و این چنین با سختی، سی ساله دوم عمرش را به پایان برد. مرقدش نزدیک «شناقیه» از استان دیوانیه قرار دارد.

ابو یحیی عیسی، فرزند زید شهید، در سال ۱۶۹ به دنیا آمد و به سال ۱۶۹ در سن ۶۰ سالگی در گمنامی از دنیا رفت.

عیسی به «یتیم الاکشیال»، یتیم‌کننده بچه شیرها معروف بود، زیرا زمانی که وی با عده‌ای از همراهانش از جنگ باخمری برمی‌گشتند، در راه شیری همراه بچه‌هایش به آنها حمله‌ور شد و عیسی شیر را از پای در آورد. به وی گفتند: بچه شیرها را یتیم کردی. گفت: آری و از آن پس دوستانش به همین نام، وی را صدا می‌کردند. عیسی در میان خاندان، برترینشان بود و زهد و دانش و شجاعتش زبانزد بود.

حضرت رضا (ع) او را بخشید و دستور داد او را نزد امام ببرند.

برخی زید را شخصیتی منفی ارزیابی می کنند. برای ارزیابی شخصیت فرزندان امامان شیعه، باید راه احتیاط را پیش گرفت و به سادگی نمی توان در مورد آنها نظر داد.

امام صادق (ع) فرمود:

«... از فرزندان فاطمه کسی از دنیا

نمی رود، مگر اینکه به امام خود و

امامت او اعتراف می کند...»

زید، سرانجام توسط مأمون مسموم گردید.

مرقد او در روستای ابوالفضل، نزدیک شهر دیوانیه در استان قادسیه قرار دارد.

در ایران نیز، در روستای «آفریز»؛ ۵۰ کیلومتری شهر قاین استان خراسان، برای

وی مقبره ای وجود دارد.

● فضل بن محمد بن عباس



بدن ها را در همین جا به خاک سپردند.

کراماتی که مردم از این سید جلیل القدر دیدند، باعث گردید که مردمانی به قصد سکونت، اطراف این بارگاه بیایند.

سبب نام گذاری وی به حمزه شرقی نیز همین کرامات است که در نظر مردم مانند ابویعلی (حمزه غربی) جلوه کرد و برای تشبیه به او، حمزه نام گرفت و برای مشتبه نشدن با ابویعلی، به حمزه شرقی معروف شد.

● زید النّار



زید با کنیه ابوالفضل، فرزند امام موسی کاظم (ع) است که در زمان مأمون می زیست. وی به نهضت سرایا پیوست و به بصره آمد و خانه های بنی العباس را که در مقابل این نهضت ایستادگی کرده بودند به آتش کشید و به «زید النّار» مشهور شد. مأموران مأمون، زید را دستگیر کردند، مأمون هم به احترام

● احمد بن هاشم (حمزه شرقی)



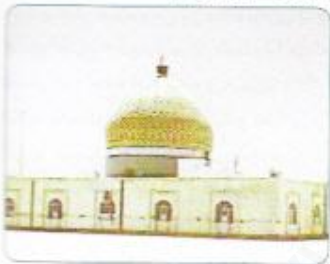
احمد بن هاشم، از نوادگان ابراهیم مجاهد، که در سال ۱۰۰۱ هجری قمری از منطقه غزیف بحرین، برای زیارت عتبات به عراق آمده بود، در مسیرش در منطقه ای بنام «ملوم العتیق» دچار راهزنان شد، اما عزت فاطمی اش اجازه نداد که وی تسلیم دزدان شود و به نبرد با آنان پرداخت و تعدادی از آنان را کشت؛ دزدان نیز بر وی هجوم آورده و او و فرزندش، منصور و همسرش را به شهادت رساندند و بدن هایشان را در بیابان رها کردند. تا اینکه قافله ای از بحرین آمده و

استان میسان - عمارة



• علی شرقی

سید علی شرقی، فرزند احمد بن محمد بن داود بن موسی الثانی بن عبدالله الصالح بن موسی الجون بن عبدالله محض بن الحسن المثنی بن الامام حسن المجتبی علیه السلام مرقدش در ناحیه علی شرقی از استان میسان واقع شده است و زائران زیادی در طول سال به زیارت ایشان می آیند.



ترسید، می گویند که عیدالله، در یوم المذار به دست اصحاب مختار کشته شده؛ اما برخی نیز قتل وی را به گردن مصعب می اندازند. مرقد عیدالله در منطقه «المذار» در استان میسان بین واسط و بصره در کنار یکی از شاخه های فرعی دجله قرار گرفته است.



• علی غربی (غرابی)

ابوالحسن علی الغرابی، فرزند یحیی بن علی بن محمد بن احمد بن محمد بن زید بن علی (شاعر) بن محمد بن جعفر بن محمد بن زید الشیبی. وی جد اعلای سادات قزوینی و غرابانی در نجف و خله است. مرقدش در کنار نهر دجله در شهری به همین نام از منطقه ی دهیات در استان میسان قرار دارد.



• عیدالله بن علی (ابن التیهلیه)

عیدالله بن علی، فرزند امیرالمؤمنین علیه السلام، مادرش لیلی نام داشت و دختر مسعود بن خالد بن مالک بن ربیع بن سلمی بن جندل بن نفیل بن دارم بود. لیلی، مادر عیدالله و خاندانش در بصره ساکن بودند. امیرالمؤمنین علیه السلام با وی ازدواج کرد و ثمره این ازدواج، دو فرزند است؛ یکی همین عیدالله و دیگری محمد اصغر که با کتبه ابوبکر معروف است و در روز عاشورا در رکاب برادرش امام حسین علیه السلام به شهادت رسید؛ شرحش در استان خله (صفحه ۴۳۶) گذشت.

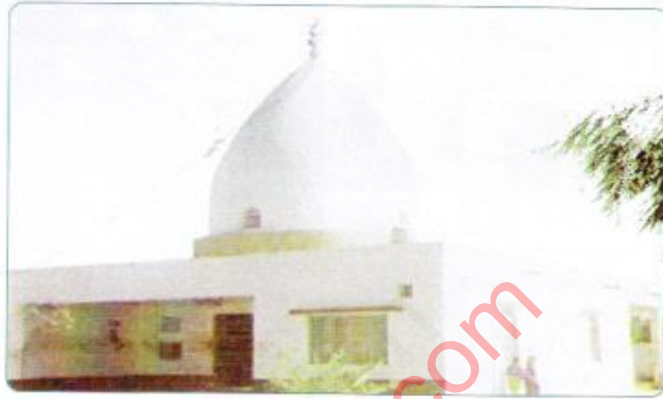
عیدالله در سال ۶۷ از حجاز به نیت خون خواهی برادرش امام حسین علیه السلام، به باری مختار شتافت؛ اما در شیوه عمل با وی به تفاهم

استان مثنی - سواة استان ذی قار - ناصریة



• عمر اشرف

ابوعلی معروف به «عمر اشرف» فرزند امام سجاد علیه السلام و برادر بزرگتر زید شهید است که هر دو از یک مادر به نام حورا متولد شده‌اند. ابوعلی را پسر این دلیل اشرف گفته‌اند تا از عصوی پدرش، عمر اطرف قابل تشخیص باشد؛ چرا که اطرف فرزند امیرالمؤمنین علیه السلام فقط از طرف پدر علوی است و از مادر دیگری غیر از حضرت فاطمه علیه السلام است؛ اما اشرف هم علوی است و هم از ذریه فاطمه علیه السلام است. ابوعلی در سال ۱۴۲ هجری در سن ۶۳ سالگی در گذشت، مرقدهش در ۲ کیلومتری شهر ناصریه به طرف بطحا، در کنار نهر فرات قرار دارد.



• ابراهیم احمر العینین

لشکر دیگری به سوی فارس گسیل داشت. منصور بر سلطنتش بیمناک شد و لشکری به مقابله ابراهیم به منطقه پاخمیری فرستاد، اما لشکریان منصور شکست خورده و فرار کردند. منصور لشکر دیگری را تجهیز کرد و از پشت به لشکریان ابراهیم یورش بردند، تیری به قلب ابراهیم اصابت کرد و به شهادت رسید. این واقعه در سال ۱۴۵ هـ.ق اتفاق افتاد.

مرقد ابراهیم در منطقه بنی عارض ۱۰ کیلومتری شهر رومیته از استان مثنی قرار دارد.

ابوالحسن ابراهیم، فرزند عبدالله محض، نوم حسن مثنی، و نواده امام حسن مجتبی علیه السلام است. وی برادر محمد نفس الزکیه است که این دو بعد از شهادت پدر و عده‌یی دیگر از نوادگان امام حسن علیه السلام در زندان، علیه منصور دوانیقی قیام کردند؛ محمد در مدینه و ابراهیم در منطقه پاخمیری (بین بصره و کوفه)، ابراهیم لشکری عظیم گرد آورد و بعد از فتح بصره، لشکری به سوی اهواز و

استان بصره



● علی بن یقطین

علی بن یقطین، از اصحاب حضرت موسی بن جعفر علیه السلام است که در سال ۱۲۴ در کوفه به دنیا آمد. یقطین، پدر علی، با همسر و فرزندان، علی و عبید، از ترس مروان حمار، به مدینه فرار کردند و مخفی بودند تا مروان به قتل رسید و دولت عباسیان ظهور کرد؛ یقطین خود را ظاهر کرد و همسر و فرزندان به وطن خود کوفه بازگشتند. یقطین با اینکه در خدمت سفاح و منصور بود، ولی خود و پسرانش قاتل به امامت بودند و وجوهات خود را خدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام می فرستاد. بارها نزد منصور و مهدی از یقطین سعایت کردند اما خداوند او را از شر دشمنان حفظ کرد.

علی بن یقطین، دارای منزلتی عظیم است و امام موسی کاظم علیه السلام، بهشت را برای او ضامن شد و فرمود: **ضمنت لعلی بن یقطین ان لا تمسه النار ابداً**. علی بن یقطین سال ۱۸۲، در زمانی که امام موسی علیه السلام در زندان هارون محبوس بود، وفات کرد.

● مسجد امام علی علیه السلام (قدسگاه امام علی)

«کنتم جند المرأة، وأتباع البهيمة،

... کانی بمسجدکم کجوزجؤ سفینه

قد بعث الله علیها العذاب من فوقها

ومن تحتها، وغرق من فی ضمنها»

سیاه زن بودید و از چهارپای پیروی نمودید!

گویی مسجد شما چون سینه کشتی

است؛ به امر خدا زیر و زبر آن در عذاب

است و هر که در آن است غرقه در آب،

اخیراً مسجد را بازسازی کرده اند و با اشاره به خطبه

حضرت آن را به شکل کشتی تجدید بنا کرده اند.

این مسجد، قدیمی ترین مسجد عراق است که در سال ۱۴ هجری، قبل از مسجد کوفه ساخته شده است. امیرمؤمنان علیه السلام در هنگام جنگ جمل، به سال ۳۶ به مدت یک ماه، این مسجد را مرکز فرماندهی جنگ قرار داده بود و در این مسجد نماز می گزارد. خطبه ۱۳ بهج البلاغه که حضرت در نکوهش مردم بصره ایراد فرمودند، در این مسجد بوده است. حضرت در آن خطبه، می فرمایند:

www.abbas@yaho.com

استان واسط - کوت

حجاج بیش از پانزده روز زنده نماند.
مرقد سعید بن جبیر، در ۵۰ کیلومتری شرق
شهر کُوت، کنار نهر غراف قرار دارد.

□ بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۳۶، حدیث ۲۳



● محمد بن الحسن السابسی

سید محمدتقی، از نوادگان زید شهید است که
با هفت واسطه به آن شهید بزرگوار می‌رسد.
وی سیمت نقیب النقبای بغداد را از پدر به ارث
برد و همچنین امیر الحجاج بود.
سید محمد، با خواهر سید رضی و سید مرتضی
ازدواج کرد.
مرقدش در محله انوار در راه کُوت قرار دارد.

پرسید: کدام یک را بیشتر دوست داری؟
جواب داد: آن که خدا از او راضی باشد.
گفت: خوب، خدا از کدامشان راضی است؟
جواب داد: این را کسی می‌داند که از اسرار
آنها آگاه هست.
حجاج گفت: حاضر نیستی حرف‌های من را
تصدیق کنی؟

سعید فرمود: دوست ندارم تو را تکذیب کنم.
حجاج گفت: دوست داری تو را چگونه بکشم؟
او گفت: هر طور می‌خواهی بکش، ولی من هم
در قیامت، همان گونه از تو انتقام خواهم گرفت.
حجاج دستور داد او را بکشند. سعید خندید.
حجاج پرسید: چرا می‌خندی؟ گفت: به جواب
احمقانه تو و بردباری خدا می‌خندم.

جلال‌الدین حجاج خواستند سر از بدن سعید جدا
کنند. او به و خدائیت خداوند و نبوت پیامبر و
کفر حجاج اقرار کرد و به خدا عرضه داشت:
اللهم لا تسلطه علی احد...! خدا با به حجاج
فرصت نده پس از من کسی را بکشد!
دعای او به سرعت مستجاب شد. حجاج دچار
بیماری روانی سختی شد و مرتب می‌گفت:
سعید بن جبیر با من چکار دارد، هر وقت
می‌خواهم بخوابم گلوی مرا فشار می‌دهد.

● سعید بن جبیر

سعید، از تابعین و از شیعیان برجسته‌ی حضرت
سجاد علیه السلام بود که در مکه سکونت داشت و تمام
قرآن را در دو رکعت نماز خود تلاوت می‌کرد.
وقتی او را نزد حجاج بردند، حجاج به او گفت:
نام تو «شقی» است؟



جواب داد: مادرم که مرا سعید نامید، نام مرا
بهتر می‌داند.

حجاج گفت: در مورد ابوبکر و عمر، چه
می‌گویی؟ آیا آنها در آتش‌اند یا در بهشت؟
گفت: اگر به بهشت یا جهنم رفته بودم، حتماً
می‌دانستم چه کسانی در کجا هستند.
حجاج گفت: نظارت درباره‌ی خلفا چیست؟
او گفت: من وکیل مدافع آنها نیستم.

استان نینوا - موصل

دوباره جرجیس عليه السلام نزد پادشاه رفت. سپهسالار لشکر پادشاه که جرجیس را زنده دید، ایمان آورد و چهار هزار نفر از لشکریانش نیز ایمان آوردند. پادشاه همه آنان را از دم شمشیر گذراند و سپس امر کرد سرب گداخته در گلوئی جرجیس ریختند و میخ بر چشمان و سر او زدند، بعد میخ‌ها را کشیدند و سرب گداخته به جای آنها ریختند. پادشاه چون دید که با این‌ها هم جرجیس کشته نشد، امر کرد آن حضرت را در آتش سوزانند و خاکسترش را به باد دادند. به امر خداوند، جرجیس باز دیگر هم زنده شد و باز برای تبلیغ رسالت الهی نزد پادشاه رفت. پادشاه امر کرد آن حضرت را در میان دو چوب گذاشتند و آن چوب‌ها را با آن حضرت با آره به دو نیم کردند بعد دیگر بزرگی حاضر کردند و گوگرد و سرب در آن ریختند و جسد شریف آن حضرت را در آن دیگ گذاشتند و زیر دیگ آتش افروختند، تا جسد آن حضرت با آنها به هم آمیخته شد، پس زمین تاریک شد و خداوند حضرت اسرافیل را فرستاد، نعره‌ای زد که همه به رو درافتادند و دیگ را سرنگون کرده گفت: برخیز ای جرجیس به اذن خدا، پس به قبرت حق تعالی آن حضرت صحیح و سالم ایستاد و رفت به نزد آن پادشاه ملعون گمراه، باز تبلیغ رسالت نمود چون مردم او را دیدند تعجب کردند، پس باز آن حضرت را گردن زدند و برگشتند، اما این بار همه به یک باره به عذاب الهی هلاک شدند.

□ حیات القلوب، علامه مجلسی، باب ۳۳

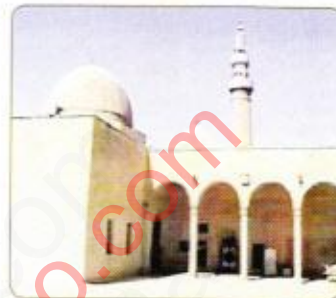
پادشاه دید که جرجیس با این همه شکنجه و آزار کشته نشد؛ بار دیگر امر کرد میخ‌های آهن بر ران‌ها و زانوهای و کف پاها و او کوبیدند، با این‌ها هم کشته نشد؛ امر کرد میخ‌های بلند از آهن ساختند و بر سرش فرو بردند که مغز سرش روان شد و دستور داد سرب مذاب بر بدنش ریختند و سپس ستون آهنی بسیار سنگینی را بر روی بدنش گذاشتند.

چون شب تاریک شد و مردم پراکنده شدند، ملکی به نزد آن حضرت آمد و گفت: ای جرجیس! خداوند می فرماید: صبر کن و شاد باش و ترس که خدا با توست و درد این آزارها را از تو بر می‌دارد.

روز دیگر، پادشاه، ماهرترین جادوگران را برای مبارزه با جرجیس فرستاد؛ اما جادوها نیز بر جرجیس تأثیر نکرد؛ جادوگر زهر کشنده‌ای آورد و به جرجیس خوراند، اما جرجیس این دعا را خواند: **بسم الله الذي يضل عند صدقه كذب الفجرة و سحر السحرة و زهر هیچ تأثیری در آن حضرت نکرد.** ساحر که این منظره را دید، گفت: اگر من این زهر را به اهل زمین می‌خورانیدم، همه را از بین می‌برد، پس ای جرجیس! به خدا، بر حق تو ایمان آوردم و از آنچه مرکب شده، توبه می‌کنم؛ پادشاه، ساحر را کشت و دستور داد جرجیس را پاره پاره کردند و در چاهی انداختند؛ بعد مجلسی آراست و مشغول شربخواری شد.

خداوند میکائیل را به کمک جرجیس فرستاد. میکائیل آن حضرت را زنده از چاه بیرون آورد.

موصل مهمترین و بزرگترین شهر شمال عراق و مرکز استان نینوا است. رود دجله از میان آن می‌گذرد و پنج یل دو قسمت شهر را به هم پیوند می‌دهند. این شهر در ۳۹۶ کیلومتری شمال غرب بغداد قرار داشته و جمعیتی بالغ بر ۶۰۰ هزار نفر دارد.



● حضرت جرجیس عليه السلام

در شام پادشاه بت پرستی بود به نام «دائنه»: خداوند حضرت جرجیس پیغمبر را به سویش فرستاد. جرجیس به او گفت: ای پادشاه! نصیحت مرا قبول کن، سزاوار نیست مردم غیر خدا را عبادت کنند. پادشاه دستور داد جرجیس را زندانی کردند و بدن مبارکش را به شانه‌های آهنین مجروح کردند تا گوشت‌های او ریخت و سرکه بر بدنش می‌ریختند. همچنین دستور داد سیخ‌های آهن گداختند و بدن جرجیس را با آنها سوزانند.



● مسجد عبدالله باهر

فرزند امام زین العابدین علیه السلام



● فاطمه بنت الحسین (شهید)



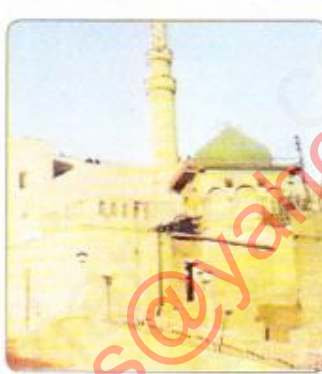
● شهربانو دختر یزدگرد

مادر امام زین العابدین علیه السلام
مشهور به (امّ السّعة یعنی مادر نه امام)



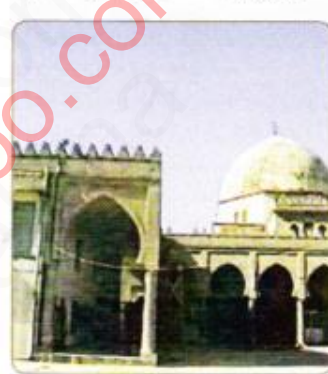
● عمرو بن حمق الخزاعی

از یاران خالص امیرالمؤمنین علیه السلام در سال ۵۱ به امر معاویه در موصل به شهادت رسید. آل حمدان بر مقبره اش قبه ای بنا کردند؛ اما سالیانی بعد متعضیان، پارگاشی را منهدم کردند.



● حضرت یونس نبی علیه السلام

شرح در صفحه بعد (پیامبران در عراق)



● حضرت شیت نبی علیه السلام

شرح در صفحه بعد (پیامبران در عراق)

• پیامبران در عراق

• یونس نبی الله ﷺ



یونس در زبان عبری به معنی کبوتر است. او از پیامبران بنی اسرائیل است. او مردم نینوا را به خدایستی دعوت کرد ولی آنان بر طغیان خود افزودند. یونس نفرتشان کرد و از میان قوم بیرون آمد. اما آن قوم که نشانه‌های عذاب را دیدند، توبه کردند و عذاب از آنان برداشته شد. اما حضرت یونس که سوار کشتی شده بود، در دهان ماهی بزرگی گرفتار شد و پس از مناجات با خدای خود، از شکم ماهی بیرون آمد و دوباره برای پیامبری به نینوا برگشت. این بار مردم نینوا دعوتش را پذیرفتند.

قبر حضرت یونس علیه السلام در شهر موصل مرکز استان نینوا از استانهای شمالی عراق بر فراز تپه‌ای قرار دارد.

• شیث هبة الله ﷺ



شیث، سومین فرزند آدم و حوا پس از هابیل و قابیل است. کلمه شیث کلمه‌ای سریانی به معنای نخستین یا هدییه است. چون خداوند شیث را بعد از کشته شدن هابیل، در سن ۱۳۰ سالگی به حضرت آدم عطا فرمود، به این نام، نامیده شد و در زبان عربی، او را «هبة الله» می‌گویند. در مجموع شیث ۹۱۲ سال عمر نمود و صاحب فرزندان بسیاری شد. قبرش در شهر موصل قرار دارد.

• آدم و نوح علیهما السلام



قبر حضرت آدم و حضرت نوح علیه السلام در کنار قبر مطهر و منور مولای متقیان امیرمؤمنان علی علیه السلام قرار دارد، چنانکه در زیارت بالا سر می‌گوییم:

السلام علیک یا مولای علی شجاعیک آدم و نوح
یعنی سلام بر تو ای مولای من و بر دو بزرگوار
که در کنار مضجع شریف آرمیده‌اند: آدم و نوح.

• عزیز بن سرحیا علیه السلام



مرقد عزیز بن سرحیا - در استان میسان

• حضرت ایوب علیہ السلام



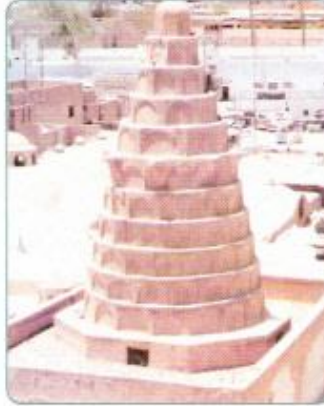
در منطقه «ارنجه» در ۴ کیلومتری جنوب شرقی شهر حله دفن شده است. گویند خداوند نعمات فراوانی را به وی داد آن گاه يك يك از او باز ستاند و خودش نیز به مرض جذام مبتلا شد. بیش از چهل سال این گونه زیست و خدا را شاکر بود و صبر کرد. صبر فوق العاده او ضرب المثل شد. خداوند دوباره سلامتی و نعمت را به او برگرداند. حضرت ایوب ۹۳ سال عمر کرد.

• حضرت یوشع علیہ السلام



در قبه مسجد بُرائثا در بغداد، قبر جناب یوشع علیہ السلام قرار دارد که فعلاً از آن اثری نیست.

• حضرت ذوالکفل پیامبر قوم یهود



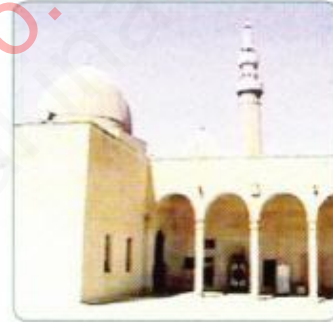
مرقد ذی الکفل در چند فرسخی شهر کوفه در کنار فرات و در شهر «کفل» است. این شهر که در ۳۰ کیلومتری شمال شرقی نجف قرار دارد، نام خود را هم از پیامبر ذوالکفل گرفته است. نام اصلی این پیامبر «یهودا» است و چون قوم یهود را کفالت کرد و از دست بابلیان نجات داد، به او لقب ذوالکفل دادند. یهودا بزرگترین فرزند حضرت یعقوب است. او همان کسی است که وقتی برادرانش خواستند یوسف را بکشند، پیشنهاد داد که او را در چاه بیندازند و این گونه بود که یوسف را از مرگ نجات داد.

• هود و صالح علیهما السلام

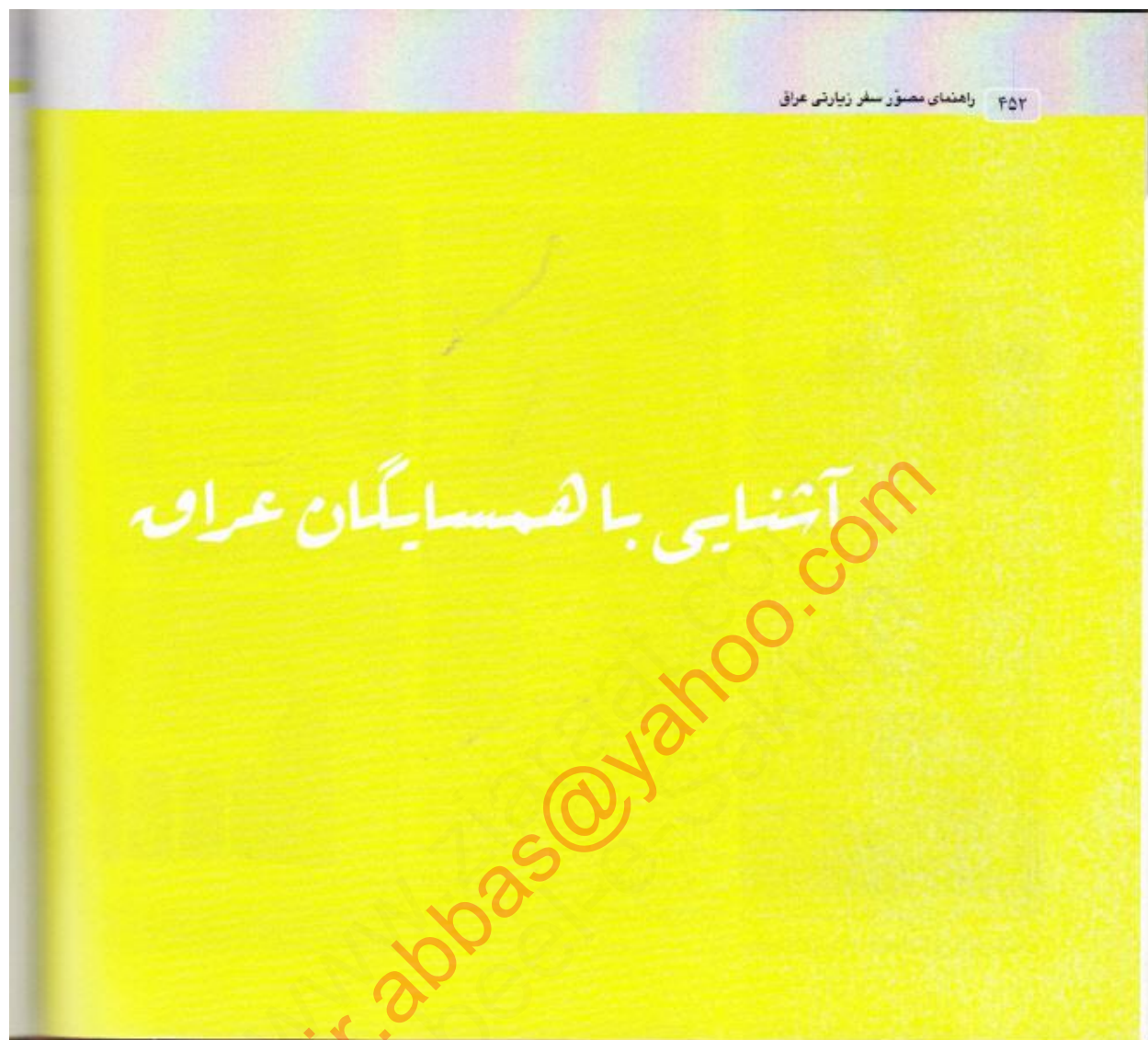


قبر این دو پیامبر در قبرستان وادی السلام نجف، سمت راست کسی است که از خیابان شیخ طوسی وارد قبرستان می شود.

• جر جیس علیہ السلام شهر موصل



• سلیمان بن داوود علیه السلام بصره



- قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۸ ش)، آخرین تغییرات سال ۱۹۸۹ (۱۳۶۸ ش) مجلس شورای اسلامی یا ۳۹۰ عضو که برای یک دوره چهار ساله انتخاب می شوند. مصوبات مجلس شورای اسلامی به لحاظ عدم مغایرت با موازین شرعی و قانون اساسی بایستی به تأیید شورای نگهبان نیز برسد.
- مساحت: ۱،۶۴۸،۱۹۵ کیلومتر مربع (هجدهمین کشور جهان)
- جمعیت (۲۰۱۱): ۷۴،۹۶۱،۷۰۲ نفر
- تراکم جمعیت: ۳۹/۷ نفر در کیلومتر مربع
- نرخ رشد جمعیت (۲۰۱۱): ۱/۳
- امید به زندگی (۲۰۰۹): مردان ۶۹/۶۵ سال؛ زنان ۷۲/۷۲ سال
- توزیع سنی (۲۰۰۹):
- زیر ۱۵ سال: ۲۱/۷٪، ۱۵ تا ۶۴: ۷۲/۹٪، بالای ۶۵ سال: ۵/۴٪
- جمعیت شهری (۲۰۱۱): ۷۱٪
- میزان یا سواد (۲۰۰۳): ۷۷٪: مردان ۸۳/۵٪، زنان: ۷۰/۴٪
- تعداد پزشک (۱۹۹۹): ۶۰،۰۰۰ نفر (هر ۱۰۳۳ نفر یک پزشک)
- نژاد (۱۹۹۵): فارس ۵۱٪، آذربایجانی ۲۴٪، گیلکی و مازندرانی ۸٪، کرد ۷٪
- دین (۲۰۰۰): اسلام (دین رسمی)، مسلمان ۹۵/۶٪ (۹۰/۱٪ شیعه، ۵/۵٪ سنی)
- زبان: فارسی (زبان رسمی)، ترکی آذری، کردی
- واحد پول: ریال (R.I.) = ۱۰۰ دینار؛ یک دلار = ۱۰۲۰۰ ریال
- تولید ناخالص ملی (۲۰۰۸): ۸۴۳،۷۰۰،۰۰۰،۰۰۰ دلار
- سرانه تولید ناخالص ملی (۲۰۰۸): ۱۲/۸۰۰ دلار
- نرخ تورم (۲۰۰۸): ۲۵/۶٪
- نیروی کار (۱۹۹۶): کشاورزی ۲۳٪، صنعت ۳۱٪، خدمات ۴۵٪
- میزان بیکاری (۲۰۰۸): ۱۲/۵٪
- کد تلفن ایران: ۰۰۹۸

◀ اطلاعات از کتاب: شناسنامه کشورهای جهان - ص ۲۷



- نام رسمی: جمهوری اسلامی ایران
- نام محلی: ایران، Iran
- پایتخت: تهران ۸،۷۹۱،۳۷۸ نفر (۱۳۸۹)
- روز ملی: دوازدهم فروردین و بیست و دوم بهمن
- نوع حکومت: جمهوری اسلامی
- بنیانگذار حکومت: امام خمینی (۱۳۶۸ - ۱۲۸۱)
- رئیس حکومت: ولی فقیه: آیت الله سید علی خامنه‌ای، از سال ۱۹۸۹ (۱۳۶۸)
- رئیس دولت: رئیس جمهور: محمود احمدی نژاد، از سال ۲۰۰۵ (۱۳۸۴)

■ مشهد ■ قم ■ شهرری ■ قزوین ■ زنجان ■ شیراز

• اماکن زیارتی ایران

● مشهد، پایتخت معنوی ایران - زیارت امام رضا (ع)



■ قال رسول الله ﷺ:

سَتَدْفَنُ بَضْعَةً مِنِّي

بِأَرْضِ خُرَاسَانَ

لَا يَزُورُهَا مُؤْمِنٌ إِلَّا

أَوْجَبَ اللَّهُ لَهُ الْجَنَّةَ

وَحَرَّمَ جَسَدَهُ عَلَى النَّارِ

■ پیامبر خدا ﷺ فرمود:

بزودی پاره‌ای از تن من،

در سرزمین خراسان به خاک سپرده خواهد شد.

هیچ مؤمنی نیست که او را زیارت کند،

مگر آن که خداوند، بهشت را بر او واجب می‌کند.

و بدنش را بر آتش دوزخ حرام می‌سازد.

■ من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۸۵.

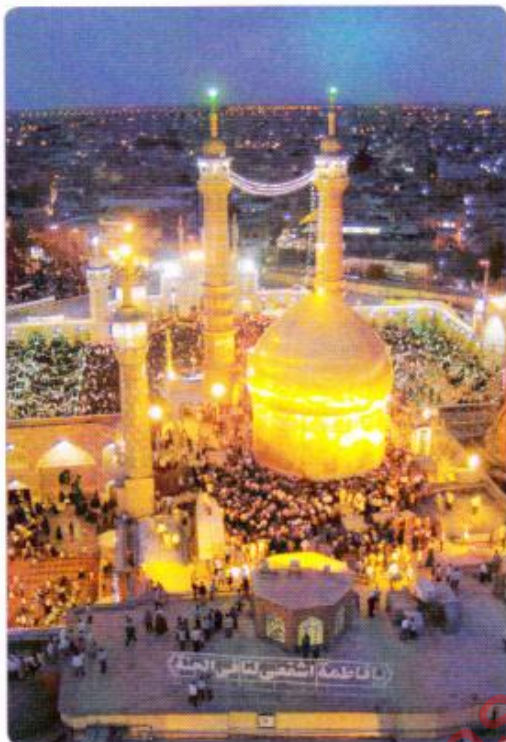
● مشخصات معصوم دهم: امام هشتم، حضرت رضا علیه السلام

نام:	علی <small>علیه السلام</small>
کنیه:	ابوالحسن
لقب:	رضا، صابر، رضی، وفی
پدر و مادر:	امام موسی کاظم <small>علیه السلام</small> و نجمه
زمان ولادت:	پنجشنبه ۱۱ ذی قعدة ۱۴۸ هجری قمری
مکان ولادت:	مدینه
نقش انگشتر:	ماشاء الله ولا قوة الا بالله
اولاد:	۳ فرزند
مدت امامت:	۳۰ سال
زمان شهادت:	آخر صفر سال ۲۰۳ هجری قمری
مکان شهادت:	مرو
سبب شهادت:	مسموم به امر مأمون
عمر:	۵۵ سال
مرقد شریف:	مشهد مقدس
دوران عمر:	۱. قبل از امامت (۲۵ سال) ۲. دوران امامت در مدینه (۱۷ سال) ۳. دوران امامت در طوس (۳ سال)



jabir.abbas@yahoo.com

● قم - حرم مطهر حضرت معصومه



■ قال الصادق

ان الله حرمًا وهو مكة،

ولرسوله حرمًا وهو المدينة،

ولامير المؤمنين حرمًا وهو الكوفة،

ولنسا حرمًا وهو قم، و ستدفن فيها امرأة من

ولدی تسمى فاطمة، من زارها وجبت له الجنة.

(قال ذلك ولم تحمّل بموسی أمه)

□ بحار الانوار ج ۴۰ ص ۲۱۶

■ امام صادق در عظمت و ثواب زیارت

حضرت معصومه فرمود:

خدا دارای حرمی است که آن مکه است،

و پیامبرش هم حرمی دارد که مدینه است،

و امیرالمؤمنین هم حرمی دارد که کوفه است،

و ما هم دارای حرمی هستیم که قم است،

و به زودی بانویی از فرزندان آن جا دفن می شود که نامش

فاطمه است، هر که او را زیارت کند بهشت بر او واجب می شود.

(راوی گفت: امام صادق این جمله را هنگامی فرمود که

هنوز مادر امام موسی کاظم به او حامله نشده بود).

● شهری - حضرت عبدالعظیم حسنی

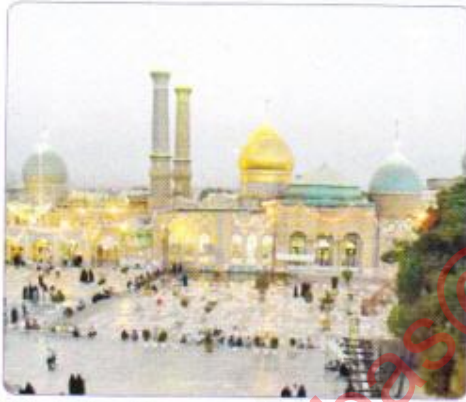
■ ثواب زیارت حضرت عبدالعظیم در ری مانند زیارت حضرت سیدالشهدا علیه السلام در کربلاست.
صاحب بن عباد می گوید: یکی از اهالی ری بر امام هادی علیه السلام وارد شد. امام پرسید: کجا بودی؟ عرض کرد: زیارت امام حسین علیه السلام. امام فرمود:

أَمَّا إِنَّكَ لَوْ زُرْتَ قَبْرَ عَبْدِ الْعَظِيمِ عِنْدَكُمْ

لَكُنْتَ كَمَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ علیه السلام.

اما اگر به زیارت قبر عبدالعظیم که نزد شماست، رفته بودی، مثل کسی بودی که امام حسین علیه السلام را زیارت کرده است.

■ سفینه البحار، چاپ اسوه، ج ۶، ص ۳۳



● قم - مسجد مقدس جمکران

■ حسن بن مثله (جمکرانی) از حضرت مهدی علیه السلام نقل می کند که امام زمان علیه السلام (بعد از دستور ساختن مسجد جمکران) فرمود:

مَنْ صَلَّاهَا فَكَأَنَّمَا صَلَّاهَا فِي الْبَيْتِ الْعَتِيقِ.

کسی که در این مسجد نماز بخواند،

مانند این است که در خانه عتیق (یعنی کعبه) نماز خوانده است.

■ مستدرک الوسائل، نشر مؤسسه آل البیت قم، ۳/۴۴۷



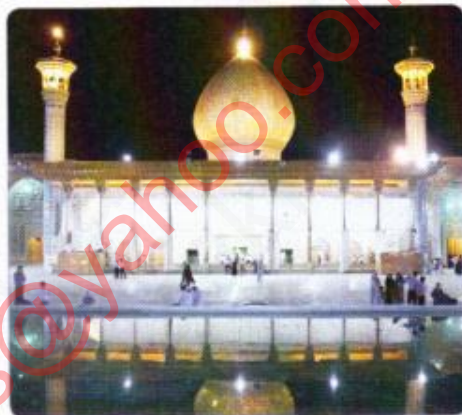
www.jabir.abbas@yahoo.com

● شیراز - شاهچراغ و سایر فرزندان امام موسی کاظم (ع)

■ سید میراحمد بن موسی

میر احمد، برادر بزرگتر امام رضا (ع) و معروف به شاهچراغ می‌باشد. ایشان در فاصله سالهای ۱۹۳ تا ۳۱۰ ه. ق. در زمان خلافت مأمون عباسی برای دیدار حضرت امام رضا (ع) از راه فارس عازم طوس می‌شوند که در شهر شیراز به شهادت رسیده و همان جا به خاک سپرده می‌شود.

در زمان اتابکان به هنگام ساخت و ساز در مکان فعلی شاهچراغ، قبر ایشان کشف و در همان عصر بنای اولیه ساختمان در سال ۶۲۳ ه. ق ساخته شد.



■ سید میرعلاءالدین حسین

آرامگاه سید میرعلاء الدین حسین، برادر شاهچراغ، در میدان آستانه در جنوب شرقی شیراز واقع شده است.



■ سید میر محمد بن موسی

برادر دیگر شاهچراغ است که آرامگاه وی در ضلع شرقی حرم شاهچراغ واقع شده است. بنای این بقعه در سال ۶۲۳ ه. ق در زمان اتابکان احداث گردید. در مجاورت قبر سید میر محمد، قبری منسوب به ابراهیم مجاب و همچنین قبر شهید دستغیب قرار دارد.



■ حضرت علی بن حمزه

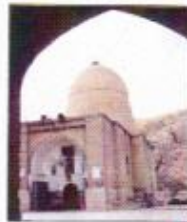
نوه امام موسی بن جعفر (ع) است که مرقد آن نزدیک دروازه اصفهان در شهر شیراز واقع شده است.



www.abbas@jabir@yahoo.com



حضرت دانیال علیه السلام شوش



حضرت قیدار علیه السلام خدابنده ارجان

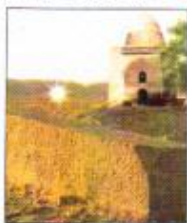


حضرت یوشع علیه السلام

تکیه آسان آراسی تخت قوم لاد استقلان



حضرت حقیق علیه السلام کوسرکان



حضرت شعبیا علیه السلام اصفهان



حضرت حجتی علیه السلام خمدان



حضرت اسماعیل علیه السلام



مزار چهار انبیاء سلام، سلوم، سهول و القیا علیه السلام - قزوین

jabir.abbas@yahoo.com

- جمعیت: (۲۰۰۹): ۷۶,۸۰۵,۵۲۴ نفر (پانزدهمین کشور جهان)
- تراکم جمعیت: ۸۹ نفر در کیلومتر مربع
- میزان رشد طبیعی جمعیت (۲۰۰۹): ۱/۳۱۲ نفر
- امید به زندگی (۲۰۰۹): مردان ۷۰/۱۲ سال؛ زنان ۷۳/۸۹ سال
- توزیع سنی (۲۰۰۹):
- زیر ۱۵ سال ۲۷/۲٪، ۱۵ تا ۶۴٪، ۶۵ سال ۶/۱٪
- جمعیت شهری (۲۰۰۸): ۶۹٪
- میزان باسوادی (۲۰۰۴): ۸۷/۴٪؛ مردان ۹۵/۳٪، زنان ۷۹/۶٪
- تعداد پزشک (۱۹۹۷): ۷۳,۶۵۹ نفر (هر ۸۵۳ نفر یک پزشک)
- نژاد (۲۰۰۰): ترک ۶۵/۱٪، کرد ۱۸/۹٪، تاتار ۷/۲٪، بقیه ۸/۸٪
- دین (۲۰۰۰):
- مسلمان (عمدتاً سنی) ۹۹/۸٪، مسیحی ۰/۶٪، بقیه ۲/۲٪
- زبان: ترکی (زبان رسمی)
- واحد پول: لیره ترکیه = ۱۰۰ قروش؛ ۱۰۰۰ لیره ترکیه = ۴/۹ ریال
- تولید ناخالص ملی (۲۰۰۸): ۲۰۲,۱۳۱,۰۰۰,۰۰۰ دلار
- سرانه تولید ناخالص ملی (۲۰۰۸): ۱۱,۹۰۰ دلار
- نرخ تورم: (۲۰۰۸): ۱۰/۴٪
- نیروی کار (۱۹۹۹):
- کشاورزی ۴۵/۸٪، صنعت ۲۰/۵٪، خدمات ۳۳/۷٪
- میزان بیکاری (۲۰۰۸): ۱۱٪
- کد تلفن ترکیه: ۰۰۹۰

اطلاعات از کتاب: شناسنامه کشورهای جهان - ص ۵۱



- نام رسمی: جمهوری ترکیه
- نام محلی: Türkiye
- پایتخت: آنکارا، ۶۱۱,۰۰۰ نفر (۲۰۰۱)
- روز ملی: بیست و نهم اکتبر، روز جمهوری (۱۹۲۳)
- نوع حکومت: جمهوری چند حزبی
- رئیس حکومت: عبدالله گل
- رئیس دولت: نخست وزیر: رجب طیب اردوغان، از سال ۲۰۰۳
- قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۸۲، آخرین تغییرات سال ۱۹۹۵
- مجلس بزرگ ملی با ۵۵۰ عضو به مدت ۵ سال
- مساحت: ۸۱۴,۵۷۸ کیلومتر مربع (سی و هفتمین کشور جهان)

سوریه

- مساحت: ۱۸۵۱۸۰ کیلومتر مربع (هشتاد و هشتمین کشور جهان)
- جمعیت (۲۰۰۹): ۲۰,۱۷۸,۴۸۵ نفر (پنجاه و هفتمین کشور جهان)
- تراکم جمعیت: ۹۲/۶ نفر در کیلومتر مربع
- میزان رشد طبیعی جمعیت (۲۰۰۹): ۲۵/۴ نفر در هر هزار نفر
- امید به زندگی (۲۰۰۹): مردان ۶۹/۸ سال، زنان ۷۲/۶۸ سال
- توزیع سنی (۲۰۰۰):
- زیر ۱۵ سال ۳۵/۹٪، ۱۵ تا ۶۰ سال ۶۰/۸٪، بالای ۶۵ سال ۳/۴٪
- جمعیت شهری (۲۰۰۱): ۵۱/۸٪
- میزان باسوادی (۲۰۰۴): ۷۹/۶٪؛ مردان: ۸۶٪، زنان: ۷۳/۶٪
- تعداد پزشک (۱۹۹۸): ۲۲,۲۹۳ نفر (هر ۶۹۴ نفر یک پزشک)
- نژاد (۲۰۰۰): عرب ۸۶/۲٪، کرد ۷/۳٪، بقیه ۶/۵٪
- دین (۱۹۹۳):
- مسلمان ۷۴٪؛ سنی ۷۴٪، شیعه ۱۲٪؛ مسیحی ۶٪، بقیه ۸٪
- زبان: عربی (زبان رسمی)، کردی، ارمنی
- واحد پول:
- لیره (پوند سوریه (LS)) = ۱۰۰ پیاستر؛ یک لیره = ۱۵۶ ریال
- تولید ناخالص ملی (۲۰۰۸): ۵۵,۲۰۰,۰۰۰ دلار
- سرانه تولید ناخالص ملی (۲۰۰۸): ۴/۶۰۰ دلار
- نرخ تورم: (۲۰۰۸): ۱۵/۷٪
- نیروی کار (۱۹۹۹):
- کشاورزی ۲۸/۴٪، صنعت ۲۷/۳٪، خدمات ۴۵/۷٪
- بیکاری (۲۰۰۸): ۸/۶٪
- کد تلفن سوریه: ۰۰۹۶۳

اطلاعات از کتاب: سیاحتنامه کشورهای جهان - ص ۷۰



سوریه



- نام رسمی: جمهوری عربی سوریه
- نام محلی: سوریه، سوريا
- پایتخت: دمشق
- تاریخ استقلال: ۱۹۴۶/۴/۱۷ از فرانسه
- روز ملی: هفدهم آوریل (روز استقلال)
- نوع حکومت: جمهوری چند حزبی
- رئیس حکومت: رئیس جمهور؛ بشار اسد، از سال ۲۰۰۰
- رئیس دولت: نخست وزیر؛ محمد مصطفی میرو، از سال ۲۰۰۰
- قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۷۳؛ مجلس خلق با ۲۵۰ عضو به مدت ۴ سال

• مساحت: ۱۸۵۱۸۰ کیلومتر مربع

• جمعیت (۲۰۰۹): ۲۰,۱۷۸,۴۸۵ نفر

• تراکم جمعیت: ۹۲/۶ نفر در کیلومتر مربع

• میزان رشد طبیعی جمعیت (۲۰۰۹): ۲۵/۴ نفر در هر هزار نفر

• امید به زندگی (۲۰۰۹): مردان ۶۹/۸ سال، زنان ۷۲/۶۸ سال

• توزیع سنی (۲۰۰۰):

• زیر ۱۵ سال ۳۵/۹٪، ۱۵ تا ۶۰ سال ۶۰/۸٪، بالای ۶۵ سال ۳/۴٪

• جمعیت شهری (۲۰۰۱): ۵۱/۸٪

• میزان باسوادی (۲۰۰۴): ۷۹/۶٪؛ مردان: ۸۶٪، زنان: ۷۳/۶٪

• تعداد پزشک (۱۹۹۸): ۲۲,۲۹۳ نفر (هر ۶۹۴ نفر یک پزشک)

• نژاد (۲۰۰۰): عرب ۸۶/۲٪، کرد ۷/۳٪، بقیه ۶/۵٪

• دین (۱۹۹۳):

• مسلمان ۷۴٪؛ سنی ۷۴٪، شیعه ۱۲٪؛ مسیحی ۶٪، بقیه ۸٪

• زبان: عربی (زبان رسمی)، کردی، ارمنی

• واحد پول:

• لیره (پوند سوریه (LS)) = ۱۰۰ پیاستر؛ یک لیره = ۱۵۶ ریال

• تولید ناخالص ملی (۲۰۰۸): ۵۵,۲۰۰,۰۰۰ دلار

• سرانه تولید ناخالص ملی (۲۰۰۸): ۴/۶۰۰ دلار

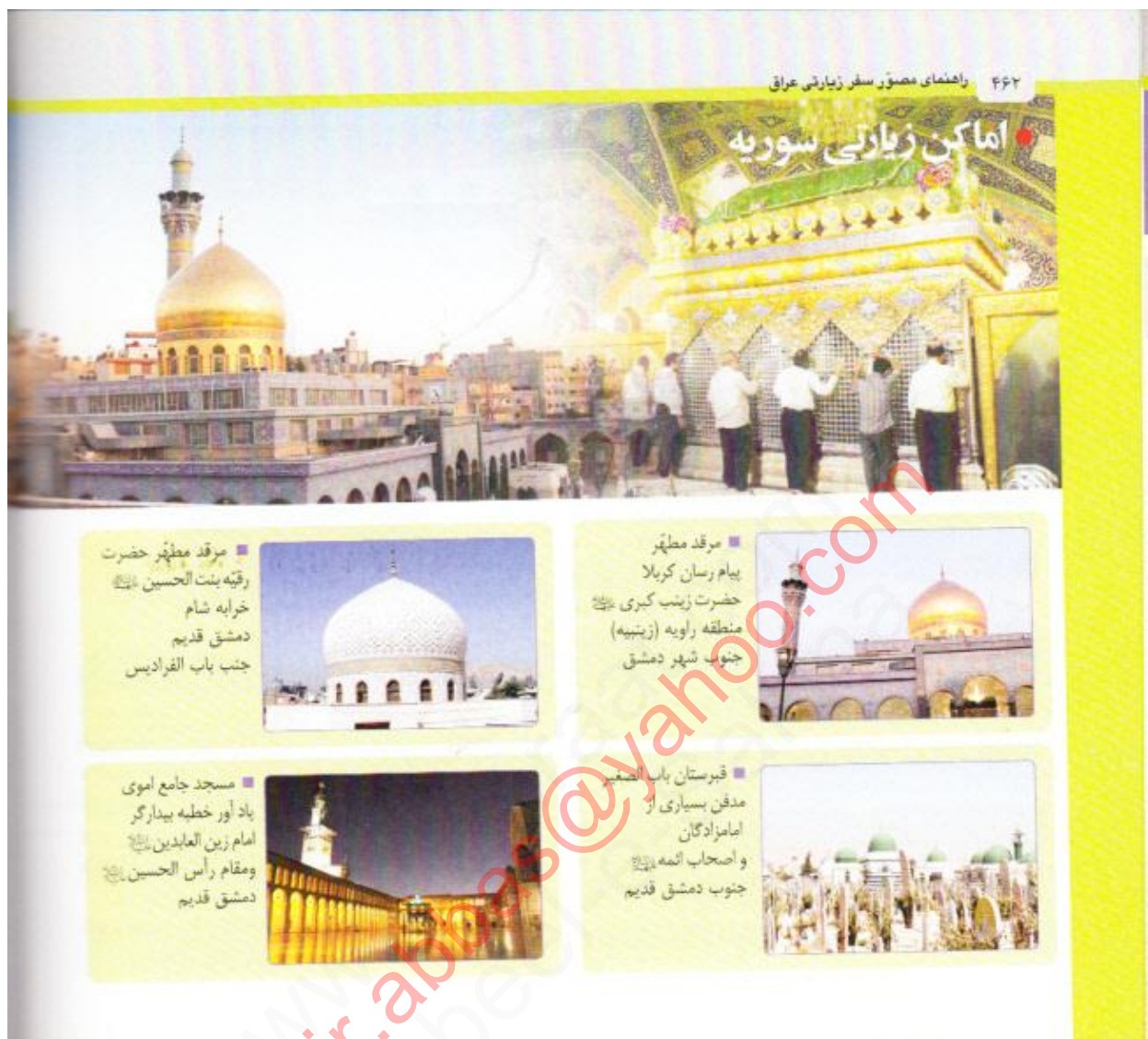
• نرخ تورم: (۲۰۰۸): ۱۵/۷٪

• نیروی کار (۱۹۹۹):

• کشاورزی ۲۸/۴٪، صنعت ۲۷/۳٪، خدمات ۴۵/۷٪

• بیکاری (۲۰۰۸): ۸/۶٪

• کد تلفن سوریه: ۰۰۹۶۳





مجلس اعیان با ۴۰ عضو انتصابی توسط پادشاه و مجلس نمایندگان با ۱۱۰ عضو انتخابی توسط مردم برای مدت ۴ سال

- مساحت: ۹۲۳۰۰ کیلومتر مربع (صد و یازدهمین کشور جهان)
- جمعیت (۲۰۰۹): ۶,۳۴۲,۹۴۸ نفر (صد و چهارمین کشور جهان)
- تراکم جمعیت: ۵۸/۸ نفر در هر کیلومتر مربع
- میزان رشد طبیعی جمعیت (۲۰۰۱): ۲۲/۸ نفر در هر هزار نفر
- امید به زندگی (۲۰۰۹): مردان ۷۶/۳۴ سال؛ زنان ۸۱/۵۶ سال
- توزیع سنی (۲۰۰۹):
- زیر ۱۵ سال: ۳۱/۳٪؛ ۱۵ تا ۶۴/۵٪؛ بالای ۶۵ سال ۴/۲٪
- جمعیت شهری (۲۰۰۸): ۸۷٪
- میزان بایسواد (۲۰۰۳): ۸۹/۹٪؛ مردان ۹۵/۱٪، زنان ۸۴/۷٪
- تعداد پزشک (۱۹۹۸): ۷۴۸۰ نفر (هر ۶۲۵ نفر یک پزشک)
- نژاد (۲۰۰۰): عرب ۹۷/۸٪، چرکس ۱/۲٪، بقیه ۱٪
- دین (۲۰۰۱):

- اسلام (دین رسمی): مسلمان سنی ۹۲٪؛ مسیحی ۶٪؛ بقیه ۲٪
- زبان: عربی (زبان رسمی)
- واحد پول: دینار اردن (JD) = ۱۰۰۰ فلس؛ یک دینار = ۱۱,۵۶۲ ریال
- تولید ناخالص ملی (۲۰۰۸): ۳۱,۶۸۰,۰۰۰,۰۰۰
- سرانه تولید ناخالص ملی (۲۰۰۸): ۵,۲۰۰ دلار
- نرخ تورم: (۲۰۰۸): ۱۴/۹٪
- نیروی کار (۱۹۹۹): کشاورزی ۶/۱٪؛ صنعت ۲۲/۲٪؛ خدمات ۷۱/۷٪
- میزان بیکاری (۲۰۰۸): ۱۲/۶٪
- کد تلفن اردن: ۰۰۹۶۲

اطلاعات از کتاب «مقامات کشورهای جهان - ص ۱۵»



اردن



- نام رسمی: پادشاهی اردن هاشمی
- نام محلی: المملكة الأردنية الهاشمية
- پایتخت: عمان ۹۶۹,۵۹۸ نفر (۱۹۹۴)
- تاریخ استقلال: ۱۹۴۶/۳/۲۲ از انگلستان
- روز ملی: بیست و پنجم ماه مه (روز استقلال)
- نوع حکومت: مشروطه سلطنتی
- رئیس حکومت: پادشاه: ملک عبدالله دوم، از سال ۱۹۹۹
- رئیس دولت: نخست‌وزیر: علی ابوالراغب، از سال ۲۰۰۰
- قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۵۲؛ آخرین تغییرات سال ۱۹۹۲

jabir.abbas@yahoo.com

جعفر ابن ابی طالب ملقب به ذوالجناحین و مشهور به جعفر طیار، برادر امیرالمؤمنین علیه السلام و یکی از صحابه پیامبر اسلام بود. وی در سال پنجم بعثت، سرکرده گروهی از مسلمانان بود که با اجازه رسول خدا به سرزمین حبشه هجرت کردند. داستان دفاع جعفر ابن ابی طالب از اسلام و مسلمین در برابر نجاشی پادشاه حبشه شنیدنی است.

جعفر در غزوه مونه (سال هفتم هجرت) پرچمدار سپاه اسلام بود، جنگید تا آن که دو دستش را قطع کردند و او با دستان بریده سعی در برپا نگاه داشتن رایت اسلام داشت. پیامبر اکرم در مورد وی فرمود: «خداوند به جای آن دو دست، دو بال به جعفر عطا فرمود که با آنها در بهشت پرواز می کند». قبر وی در سرزمین مونه شمال کشور اردن است.

عبدالله فرزند جعفر بن ابی طالب، شوهر حضرت زینب علیها السلام است.



موقد مطهر
جعفر ابن ابی طالب علیه السلام
مونه - اردن



- **قوه مقننه:** اولین قانون اساسی عربستان سعودی که بر اساس شریعت اسلام تهیه شده است، توسط ملک فهد در سال ۱۹۹۲ اعلام گردید. مجلس شورا با ۹۰ عضو انتصابی پادشاه که ۴ عضو آن از شیعیان این کشور می باشند، فقط از نقش مشورتی برخوردار است. هیچ حزب سیاسی در عربستان سعودی اجازه فعالیت ندارد.
- **مساحت:** ۲,۱۴۹,۶۹۰ کیلومتر مربع (چهاردهمین کشور جهان)
- **جمعیت (۲۰۰۹):** ۲۸,۶۸۶,۶۳۳ (چهل و یکمین کشور جهان)
- **تراکم جمعیتی:** ۱۰/۴ نفر در کیلومتر مربع
- **میزان رشد طبیعی جمعیت (۲۰۰۹):** ۱/۸۴۸
- **امید به زندگی (۲۰۰۹):** مردان ۷۴/۲۲ سال، زنان ۷۸/۴۸ سال
- **توزیع سنی (۲۰۰۹):**
- **زیر ۱۵ سال:** ۲۸٪، ۱۵ تا ۶۴ سال ۵۹/۵٪، بالای ۶۵ سال ۱۲/۵٪
- **جمعیت شهری (۲۰۰۸):** ۸۲٪
- **میزان بایسواد (۲۰۰۳):** ۷۸/۸٪، مردان: ۸۴/۷٪، زنان: ۷۰/۸٪
- **تعداد پزشک (۱۹۹۶):** ۶۱ نفر (هر ۲,۱۲۷ نفر یک پزشک)
- **نژاد (۲۰۰۰):** عرب ۸۸/۴٪، هند و پاکستانی ۵/۵٪، بقیه ۶/۱٪
- **دین (۱۹۹۳):** اسلام (دین رسمی): ۹۳/۳٪، شیعه ۳/۳٪
- **زبان:** عربی (زبان رسمی)
- **واحد پول:** ریال سعودی (SRLs) = ۱۰۰ هالهه
- **یک ریال سعودی = ۲۱۸۷ ریال**
- **تولید ناخالص ملی (۲۰۰۸):** ۵۷۷,۹۰۰,۰۰۰,۰۰۰ دلار
- **سرانه تولید ناخالص ملی (۲۰۰۸):** ۲۰,۵۰۰ دلار
- **برخ تورم (۲۰۰۸):** ۹/۹٪
- **کشاورزی:** ۱۴/۳٪، صنعت ۳۳/۵٪، خدمات ۵۲/۱٪
- **میزان بیکاری (۲۰۰۸):** ۱۱/۸٪
- **کد تلفن عربستان:** ۰۰۹۶

◀ اطلاعات از کتاب: «نامنامه کشورهای جهان - ص ۷۴»

عربستان سعودی



- **نام رسمی:** پادشاهی عربستان سعودی
- **نام محلی:** المملكة العربية السعودية
- **پایتخت:** ریاض ۴,۵۴۹,۰۰۰ نفر (۲۰۰۰)
- **تاریخ استقلال:** ۱۹۳۲/۱۰/۲۳ از انگلستان
- **روز ملی:** بیست و سوم سپتامبر، روز اتحاد
- **نوع حکومت:** سلطنتی مطلقه اسلامی
- **رئیس حکومت:** پادشاه: عبدالله بن عبدالعزيز السعود، از سال ۲۰۰۵
- **رئیس دولت:** پادشاه: عبدالله بن عبدالعزيز السعود، از سال ۲۰۰۵





● قبرستان بقیع مرقد مطهر امام حسن،
امام سجاد، امام باقر و امام صادق (علیهم السلام)



● مسجد نوبختین - مکانی که قبله از
مسجد اقصی به کعبه تغییر کرد.



● کوه احد - مدفن حضرت حمزه عموی
پیامبر (صلی الله علیه و آله) و سایر شهدای جنگ احد



jabir.abbas@yahoo.com

مشخصات معصوم اول، پیامبر اکرم حضرت محمد ﷺ		مشخصات معصوم سوم، حضرت فاطمه زهرا ﷺ	
نام:	محمد، احمد ﷺ	نام:	فاطمه ﷺ
کنیه:	ابوالقاسم	کنیه:	أم ابیها ، أم الحسنین ، أم الائمه
لقب:	رسول الله ، خاتم النبیین، مصطفی	لقب:	زهرا صدیقه، طاهره راضیه، مرضیه، انسیه، بتول، زهره، محدثه
پدر و مادر:	عبدالله، آمنه بنت وهب	پدر و مادر:	محمد رسول الله ﷺ، خدیجه کبری
زمان ولادت:	جمعہ ۱۷ ربیع الاول سال ۵۷۱ میلادی (۵۳ سال قبل هجرت)	زمان ولادت:	جمعہ ۲۰ جمادی الثانی سال ۵ بعثت
مکان ولادت:	مکہ مکرمہ	مکان ولادت:	مکہ مکرمہ
اولاد:	۸ فرزند	نقش انگشت:	ان الله بالغ امره
دوران نبوت:	۴۰ سالگی، ۱۳ سال در مکہ، ۱۰ سال در مدینہ	هجرت به مدینہ:	۸ سالگی
مدت نبوت:	۲۳ سال	ازدواج:	۹ سالگی یا امیرالمؤمنین
نقش انگشت:	اشهد ان لا اله الا الله، اشهد ان محمداً رسول الله	اولاد:	۵ فرزند
زمان رحلت:	دوشنبه ۲۸ صفر سال ۱۱ هجرت	زمان شهادت:	۱۳ تا ۱۵ جمادی الاول یا ۱ تا ۳ جمادی الثانی ۱۱ هجری
مکان رحلت:	مدینہ	مکان شهادت:	مدینہ
عمر شریف:	۶۳ سال	سبب شهادت:	هجوم منافقان به بیت رسالت
مرقد شریف:	مسجد النبی	عمر:	۱۸ سال
دوران عمر:	سه بخش: ۱. قبل از نبوت (۲۳ سال) ۲. بعد از نبوت در مکہ (۱۳ سال) ۳. هجرت به مدینہ و تشکیل حکومت اسلامی (۱۰ سال)	مرقد شریف:	خدا می داند، بعد از ظهور امام زمان آشکار می شود
		دوران عمر:	سه بخش: ۱. در خانه پدرش رسول خدا ﷺ (۹ سال) ۲. در خانه همسرش امیرالمؤمنین ﷺ (۹ سال) ۳. بعد از رحلت رسول خدا (۷۵ روز یا ۹۵ روز)

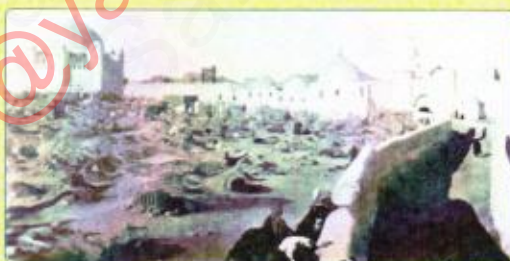
● معصوم ششم، امام چهارم، حضرت سجاد علی

نام:	علی
کنیه:	ابومحمد
لقب:	سجاد، زین العابدین
پدر و مادر:	امام حسین (دختر یزدگرد سوم)
زمان ولادت:	یکشنبه پنجم شعبان سال ۳۸ هجرت
مکان ولادت:	مدینه
نقش انگشتر:	العزة لله
اولاد:	۱۵ فرزند
مدت امامت:	۳۴ سال
زمان شهادت:	۱۲ یا ۱۸ یا ۲۵ محرم سال ۹۵ هجری
مکان شهادت:	مدینه طیبه
سبب شهادت:	مسموم به دست هشام بن عبدالملک (علیهما اللعنة)
عمر:	۵۷ سال
مرقد شریف:	قبرستان بقیع، مدینه
دوران عمر:	در ۳ بخش: ۱. همراه با پدرش امام حسین (۲۲ سال) ۲. امامت خودش (حدود ۳۵ سال)



● معصوم چهارم، امام دوم، حضرت حسن مجتبی

نام:	حسن
کنیه:	ابومحمد
لقب:	زکی، مجتبی، سبط اکبر
پدر و مادر:	امام علی و حضرت فاطمه
زمان ولادت:	سه شنبه ۱۵ رمضان سال ۳ هجرت
مکان ولادت:	مدینه
نقش انگشتر:	العزة لله
اولاد:	۱۵ فرزند
مدت امامت:	۹ سال و ۵ ماه
زمان شهادت:	پنجشنبه ۷ صفر سال ۴۹ هجری
مکان شهادت:	مدینه
سبب شهادت:	مسموم به دستور معاویه، توسط جعده (مسران حضرت)
عمر:	۴۸ سال
مرقد شریف:	قبرستان بقیع، مدینه
دوران عمر:	سه بخش: ۱. عصر رسول خدا (ص) (حدود ۷ سال) ۲. دوران مالکیت با پدر (حدود ۲۰ سال) ۳. عصر امامت (حدود ۱۰ سال)



۴۷۱ رده نوبت

مشخصات معصوم هشتم، امام نهم، حضرت صادق	مشخصات معصوم هفتم، امام پنجم، حضرت باقر
نام: جعفر	نام: محمد
کنیه: ابو عبدالله	کنیه: ابو جعفر
لقب: صادق	لقب: باقر العلوم، شاکر، هادی، امین
پدر و مادر: امام باقر، ام فروه دختر قاسم بن محمد بن ابی بکر	پدر و مادر: امام سجاد و فاطمه (دختر امام حسن مجتبی)
زمان ولادت: ۱۷ ربیع الاول سال ۸۳ هجرت	زمان ولادت: اول رجب یا سوم صفر سال ۵۷ هجرت
مکان ولادت: مدینه	مکان ولادت: مدینه
نقش انگشتر: الله خالق کل شیء	نقش انگشتر: العزة لله جميعا
اولاد: ۱۰ فرزند	اولاد: ۷ فرزند
مدت امامت: ۲۴ سال	مدت امامت: ۲۰ سال
زمان شهادت: دوشنبه ۲۵ شوال سال ۱۴۸ هجری	زمان شهادت: دوشنبه ۷ ذی حجه سال ۱۱۴ هجری
مکان شهادت: مدینه طیبه	مکان شهادت: مدینه طیبه
سبب شهادت: مسموم بدست منصور دوانیقی بوسیله انگور زهر آلود	سبب شهادت: مسموم بدستور هشام، توسط ابراهیم بن ولید
عمر: ۶۵ سال	عمر: ۵۷ سال
موقد شریف: قبرستان بقیع، مدینه	موقد شریف: قبرستان بقیع، مدینه
دوران عمر: ۱. دوران قبل از امامت (۳۱ سال) ۲. دوران امامت (۲۴ سال)	دوران عمر: سه بخش: ۱. یا جدش امام حسن (۳ سال و شش ماه) ۲. یا پدرش امام سجاد (۲۴ سال) ۳. امامت خودش (حدود ۲۰ سال)



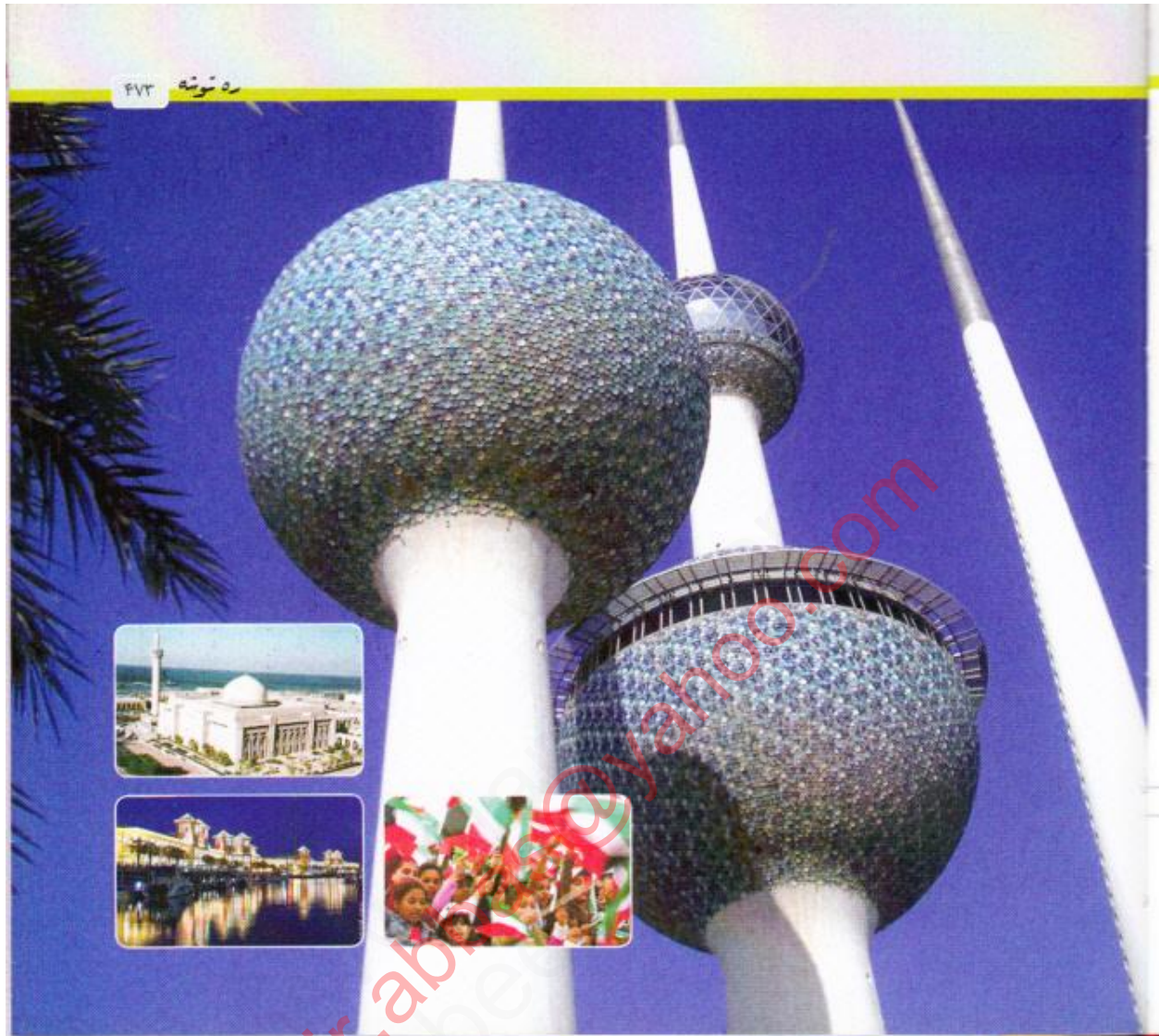
کویت

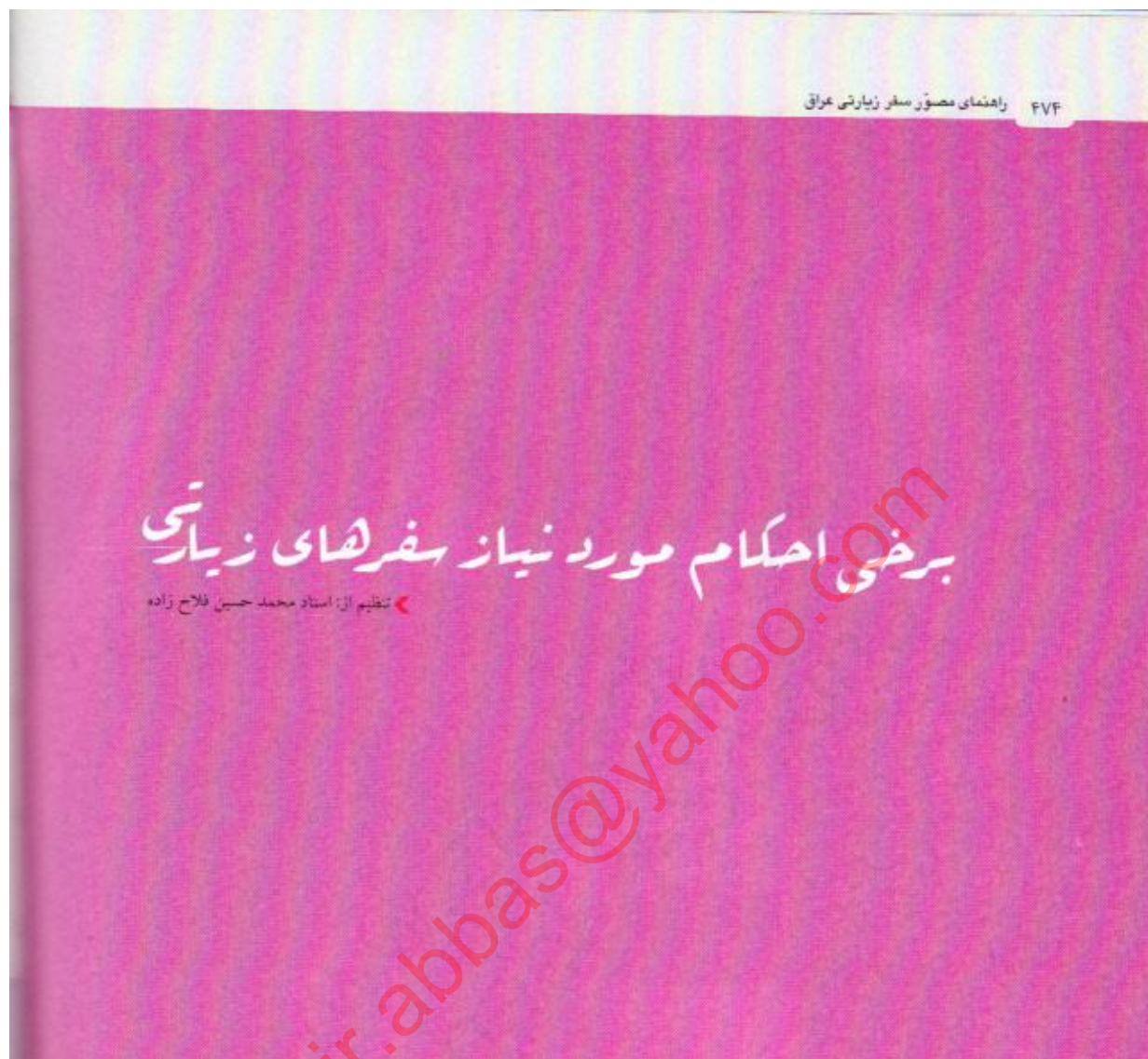


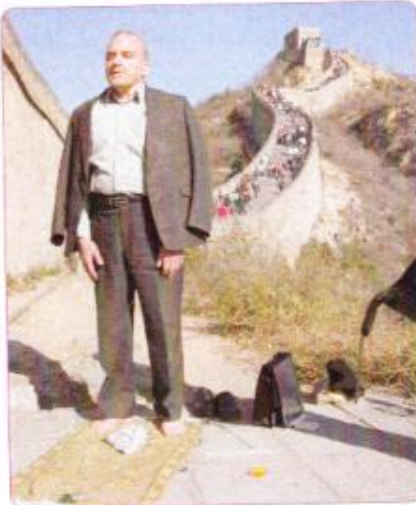
- مساحت: ۱۷,۸۱۸ کیلومتر مربع (صد و پنجاه و هفتمین کشور جهان)
- جمعیت (۲۰۰۹): ۲,۶۹۱,۱۵۸ نفر (حد و سی و نهمین کشور جهان)
- تراکم جمعیت: ۱۲۶/۴ نفر در کیلومتر مربع
- میزان رشد طبیعی جمعیت (۲۰۰۹): ۳/۵۴۷ نفر در هر هزار نفر
- امید به زندگی (۲۰۰۹): مردان ۷۶/۵۱ سال، زنان ۷۸/۹۵ سال
- توزیع سنی (۲۰۰۹):
- زیر ۱۵ سال: ۲۶/۴٪، ۱۵ تا ۶۴ سال: ۷۰/۷٪، بالای ۶۵ سال: ۲/۹٪
- جمعیت شهری (۲۰۰۸): ۹۸٪
- میزان باسوادی (۲۰۰۵): ۹۳/۳٪ مردان، ۹۴/۴٪ زنان، ۹۱٪
- تعداد پزشک (۱۹۹۸): ۳,۴۴۷ نفر (هر ۵۳۱ نفر یک پزشک)
- نژاد (۲۰۰۰):
- عرب ۷۴٪، کرد ۱۰٪، هند و پاکستانی ۸٪، ایرانی ۴٪، بقیه ۴٪
- دین (۱۹۹۵): اسلام (دین رسمی)، مسلمان ۸۵٪، بقیه ۱۵٪
- زبان: عربی (زبان رسمی)
- واحد پول: دینار کویت (KD) = ۱۰۰۰ فلس؛ یک دینار = ۲,۵۴۶/۵ ریال
- تولید ناخالص ملی (۲۰۰۸): ۱۴۹,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰ دلار
- سرانه تولید ناخالص ملی (۲۰۰۸): ۵۷,۵۰۰ دلار
- نرخ تورم: ۱۰/۶٪
- نیروی کار: کشاورزی ۱/۳٪، صنعت ۲۴/۳٪، خدمات ۷۴/۴٪
- میزان بیکاری: (۲۰۰۴) ۲/۲٪
- کد تلفن کویت: ۰۰۹۶۵

◀ اطلاعات از کتاب: شناسنامه کشورهای جهان - ص ۸۴

- نام رسمی: دولت کویت
- نام محلی: الکویت
- پایتخت (۲۰۰۳): کویت ۸۸۸,۰۰۰ نفر یا حومه
- تاریخ استقلال: ۱۹۶۱/۷/۱۹ از انگلستان
- روز ملی: بیست و پنجم فوریه
- نوع حکومت: مشروطه سلطنتی
- رئیس حکومت: صباح الاحمد الجابر الصباح، از سال ۲۰۰۶
- رئیس دولت: نخست وزیر: صباح الاحمد الجابر الصباح، از سال ۲۰۰۳
- قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۶۲، آخرین تغییرات سال ۱۹۹۷، مجلس ملی با ۵۰ عضو انتخابی و ۲۵ عضو انتصابی امیر به مدت ۴ سال







● نماز مسافر

مسافری که کمتر از ده روز در جایی می ماند، باید در سفر، نمازهای چهار رکعتی را شکسته یعنی دو رکعتی به جا آورد، به شرط آنکه مسافرتش از ۸ فرسخ که حدود ۴۵ کیلومتر است، کمتر نباشد.^۱

مقصود از ده روز، ده روز کامل است. بنابراین اگر کسی اول روز مثلاً ساعت ۱۰ صبح به نجف رسید، اگر تصمیم دارد حداقل تا ساعت ۱۰ صبح روز یازدهم بماند، نمازش تمام است ولی اگر بخواهد زودتر برود، چون ده روز کامل نخواهد بود نماز شکسته است، البته چون برنامه سفر مسافرانی که به طور رسمی به زیارت عتبات مشرف می شوند، به گونه ای تنظیم شده که بیش از ۳ یا ۴ روز در يك شهر نمی مانند، در نتیجه باید نمازهای ۴ رکعتی را ۲ رکعتی به جا آورند، (مگر در حائر حسینی و مسجد کوفه، که در فصل اماکن تخییر توضیحش می آید).

کسی که شغل او مسافرت است؛ (مثل راننده قطار، ماشینهای برون شهری، خلبان و ملوان) اگر برای زیارت بیاید، نمازش شکسته است.

۱. توضیح المسائل، ص ۱۷۳،
نماز مسافر.

• اماکن تخییر

امام صادق علیه السلام فرمود:

در چهار مکان نماز تمام است:

مسجد الحرام، مسجد النبی صلی الله علیه و آله، مسجد کوفه و حرم امام حسین علیه السلام^۱
این ها را «اماکن تخییر» می نامند، یعنی مکان هایی که مسافر می تواند نماز را تمام یا شکسته بخواند.^۲



سزا آن که مسافر می تواند نمازش را تمام بخواند، این است که در این جاها نباید احساس غربت کند و مثل آن است که در خانه خودش نماز می خواند چون:

۱ - مسجد الحرام (خانه الوهیت) است و اولین خانه ای است که برای مردم بنا شده است^۳، و معمار آن خانه حضرت ابراهیم علیه السلام پدر همه مسلمانان است، چون قرآن می فرماید: ﴿مَلَأْنَا إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ﴾^۴ و هیچ کس در خانه پدری نمازش را شکسته نمی خواند و مسجد النبی (مکان نبوت) و مسجد کوفه (مکان ولایت و حکومت حضرت علی علیه السلام) نیز چنین است، چون پیامبر فرموده است: **أَنَا وَعَلِيٌّ أَنْبَا هَذِهِ الْأُمَّةِ، مِنْ وَعَلَى دُوْ بَدْرٍ أَمَّتْ هَسْتِمِ.**

۱. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۵۴۶

۲. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۶۴

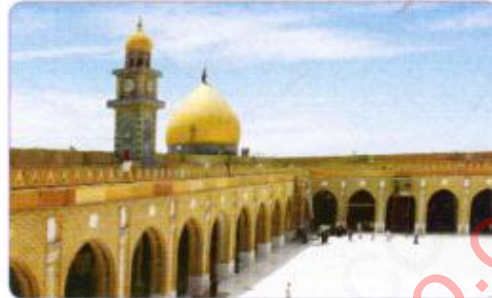
القول فی احکام المسافر، م ۸، توضیح المسائل، م ۱۳۵۶

۳. ان اول بیت وضع للناس للذي بكة مباركا و هدى للعالمين. سوره آل عمران، آیه ۹۶

۴. سوره حج، آیه ۷۸

و در حرم امام حسین (ع) (مکان شهادت) که یادآور شهادت است، همه حکم شاهد و حاضر را دارند و مسافر نیز مانند حاضر و مجاور نمازش را می تواند تمام بخواند و حرم امام حسین (ع) در ردیف حرم خداوند و حرم رسول خدا (ص) قرار گرفته است.

۲ - تمام روزه شریفه حرم مطهر امام حسین (ع) و رواق ها و مسجد متصل به آن همین حکم را دارد و مسافر می تواند در آن جا نیز نماز را تمام بخواند^۱، ولی در غیر روزه شریفه؛ یعنی در رواق ها و مسجد متصل به آن، احتیاط مستحب است که مسافر نمازش را شکسته بخواند.^۲



۱. به فتوای برخی از مراجع معظم تقلید، مسافر تنها در قسمت های قدیمی مسجد و روزه شریفه امام حسین (ع) می تواند نماز را تمام بخواند و به فتوای برخی دیگر در تمام شهر کربلا، مسافر می تواند نماز را تمام بخواند.

۲. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۶۴، احکام المسافر، م ۸.

۳. همان.

۴. همان، م ۱۰.

۳ - مسافر می تواند در اماکن تخیر بدون نیت تمام یا شکسته، نماز را شروع کند و در وسط آن یکی را اختیار کند و بر همان اساس نماز را به پایان ببرد و حتی در اثنای نماز می تواند نیت را برگرداند، مثلاً به نیت شکسته خواندن، نماز را شروع کرده و در اثنای نماز قصد کند که نماز را چهار رکعتی تمام کند و همچنین به عکس (تا وقتی که محل عدول نگذشته باشد) پس اگر به نیت نماز چهار رکعتی شروع کند و در رکعت اول یا دوم تصمیم بگیرد که نماز را شکسته بخواند، اشکال ندارد.^۳

۴ - حکم تخیر بین نماز تمام و شکسته مخصوص نماز است، بنابراین، شخص مسافر حتی اگر تمام روز را در حرم امام حسین (ع) یا در کربلا بماند، نمی تواند روزه بگیرد، مگر روزه مستحبی یا نذر که حکم جداگانه ای دارد.^۴

احکام مسجد و حرم

نماز خواندن در مسجد و حرم:

- ◀ نماز خواندن در مساجد مستحب است، بلکه حاضر نشدن در مسجد مخصوصاً برای همایگان مسجد در صورتی که عذری مثل بارش برف و باران نباشد، مکروه است.^۱
- ◀ نماز در حرم امامان علیهم السلام مستحب است، بلکه بهتر از مسجد است.^۲
- ◀ تعطیل کردن مسجد مکروه است و مستحب است انسان نماز را در مسجدی بخواند که نمازگزار ندارد تا تعطیل نشود. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که سه چیز در قیامت از مردم شکایت می کنند: اول، مسجد متروکی که اهالی آن جا در آن نماز نمی خوانند؛ دوم، عالمی که بین عده ای جاهل قرار دارد و از او استفاده نمی کنند؛ سوم، قرآنی که متروک مانده و غبار گرفته است و آن را تلاوت نمی کنند.^۳
- ◀ زیاد رفتن به مسجد مستحب است، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است که هر کس به مسجد رود از وقتی که روانه مسجد می شود تا به خانه برگردد، برای هر قدم که بر می دارد، ده حسنه نوشته می شود.^۴
- س: نماز اول وقت که در غیر مسجد خوانده شود افضل است یا نماز در مسجد که با تأخیر از اول وقت خوانده می شود؟
- ج: ظاهراً فضیلت نماز در مسجد بیشتر است به شرط اینکه تأخیر زیاد نباشد.

نماز تحیت مسجد

- وقتی انسان به مسجد می رود، مستحب است دو رکعت نماز به قصد تحیت و احترام مسجد بخواند و اگر نماز واجب یا مستحب دیگری هم بخواند، کافی است.^۵

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، فی مکان المصلی، ص ۱۵۱، م ۱۶.

۲. توضیح المسائل، م ۸۹۵.

۳. العروة الوثقی، ج ۱، فی مکان المصلی، ص ۵۹۶، م ۶.

۴. العروة الوثقی، ج ۱، فی مکان المصلی، ص ۵۹۷، م ۹.

۵. توضیح المسائل، م ۹۱۳.

● جا گرفتن برای نماز

مسجد و حرم امامان علیهم السلام از اماکن مشترک و عمومی مسلمانان است که همه آنان در استفاده از آن مساوی هستند. پس اگر شخصی قبل از دیگری، جایی برای نماز یا عبادتی دیگر یا قرائت قرآن یا خواندن دعا در اختیار گرفت، دیگری نمی تواند آن جا را از او بگیرد.^۱
اگر کسی در مسجد یا حرم، جایی برای خود بگیرد و دیگری نگذارد که از آن جا استفاده کند، حق او را غصب کرده است.^۲

کسی که در مسجد یا حرم نشسته است، اگر دیگری جای او را غصب کند و در آن جا نماز بخواند، بنابر احتیاط واجب، باید دوباره نمازش را در محل دیگری بخواند.^۳

گذاشتن رخل^۴ برای نشستن در حرم یا مسجد، مانند نشستن است، یعنی صاحب رخل حق اولیبتی نسبت به آن مکان پیدا می کند و دیگران نمی توانند جای او را بگیرند به شرط آن که رخل، چیزهایی مثل سجاده و عبا باشد که تمام محل نماز خواندن یا قسمت عمده آن را بگیرد، نه مثل گذاشتن مهر یا تسبیح یا مسواک و شانه و امثال اینها. بنابراین با گذاشتن مهر یا تسبیح و حتی هر دو، حتی برای او ثابت نیست و دیگران می توانند بردارند و در آن مکان نماز بخوانند.^۵

بین گذاشتن رخل و آمدن فرد، نباید فاصله زیاد باشد، به طوری که آن مکان معطل بماند، پس اگر رحلی بگذارد و برود و برگردد در صورتی که بدون برداشتن نتوان در آن محل نماز خواند، دیگران می توانند آن را بردارند، ولی کسی که آن را برمی دارد، ضامن نگهداری آن است تا صاحبش برگردد.^۶
اگر شخصی در مسجد جهت نماز جماعت رخل گذاشته و بیرون رفته و جماعت بر پا شده و صاحب رخل مراجعه نکرده است، بعد از منعقد شدن نماز جماعت، احتیاط آن است که تا امام به رکوع رکعت اول نرفته جای او را اشغال نکنند.^۷

● بردن مهر و قرآن مسجد و حرم

بیرون بردن مهر، قرآن و کتب ادعیه مخصوص حرم مطهر و مساجد جایز نیست و چنانچه کسی عمداً یا سهواً برده باشد، باید به جای آن برگرداند.^۸

۱. تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب

احیاء الموات و المشرکات، ص ۲۱۴، م ۱۵.

۲. توضیح المسائل، م ۲۵۴۵.

۳. توضیح المسائل، م ۸۶۸.

۴. رخل = اثاث و وسایل مانند سجاده، عبا و...

۵. تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۲۱۵، م ۱۷.

۶. همان، ص ۲۱۵.

۷. مجمع المسائل، ج ۱، ص ۱۳۵، س ۳۲.

۸. استفتاآت، ج ۲، ص ۳۴۵، س ۲۶.

● حفظ حرمت مسجد و حرم

● نجس کردن مسجد و حرم

- ◀ نجس کردن زمین، سقف، بام و طرف داخل دیوار مسجد و حرم امامان (ع) حرام است.^۱
- ◀ احتیاط واجب آن است که طرف بیرون دیوار مسجد و حرم را هم نجس نکنند.^۲
- ◀ نجس کردن فرش مسجد و حرم نیز بنا بر احتیاط واجب حرام است.^۳

● تطهیر مسجد و حرم

- ◀ برطرف کردن نجاست از مسجد و حرم، واجب است و فرقی در این مسأله بین داخل و سقف و پشت بام و حتی طرف داخل دیوار مسجد و حرم نیست، یعنی هر جای مسجد یا حرم نجس شود، باید تطهیر شود یا به گونه‌ای دیگر، نجاست برطرف گردد.^۴
- ◀ بنا بر احتیاط واجب اگر طرف بیرون دیوار مسجد یا حرم نجس شود، برطرف کردن نجاست از آن واجب است.^۵
- ◀ هنگامی که انسان از نجاست مسجد یا حرم مطلع شد، فوراً باید آن را تطهیر کند، پس نیاید به قدری معطل کند که عرفاً بگویند تأخیر کرده است.^۶
- ◀ برطرف کردن نجاست از مسجد یا حرم، واجب کفایی است و به کسی که آن جا را نجس کرده یا سبب نجس شدن آن شده، اختصاص ندارد، بلکه بر همه افرادی که می‌توانند آن جا را تطهیر کنند، واجب است.^۷
- ◀ اگر فرش مسجد یا حرم نجس شود، بنا بر احتیاط واجب باید آن را تطهیر کنند ولی چنانچه به واسطه آبرکشی خراب می‌شود و بریدن و تراشیدن جای نجس بهتر است، باید محل نجس را بتراشند و یا ببرند و اگر کسی که می‌برد یا می‌تراشد خودش نجس کرده باشد، باید آن را اصلاح کند.^۸
- ◀ اگر انسان نتواند جایی را که نجس شده، تطهیر کند یا کمک لازم داشته باشد و پیدا نکند، بنا بر احتیاط واجب باید به کسی که می‌تواند آن را تطهیر کند، اطلاع دهد، بنا بر این چون زائران محترم خودشان نمی‌توانند به این امر اقدام کنند، باید به مسئولان نظافت و خدام حرم اطلاع دهند.^۹

۱. توضیح المسائل، م ۹۰۰.

۲. همان.

۳. العروة الوثقی، ج ۱، فی احکام النجاسات، ص ۸۶ م ۸ و توضیح المسائل، م ۹۰۵.

۴. العروة الوثقی، ج ۱، فی احکام النجاسات، ص ۸۴ م ۲.

۵. العروة الوثقی، ج ۱، فی احکام النجاسات، ص ۸۴ م ۲.

۶. العروة الوثقی، ج ۱، فی احکام النجاسات، ص ۸۴ م ۲.

۷. العروة الوثقی، ج ۱، فی احکام النجاسات، ص ۸۴ م ۲.

۸. العروة الوثقی، ج ۱، فی احکام النجاسات، ص ۸۶ م ۸ و توضیح المسائل، م ۹۰۵.

۹. توضیح المسائل، م ۹۰۱.

● خواندن نماز یا تطهیر مسجد و حرم

اگر انسان در وقت نماز و قبل از شروع آن، متوجه شود جایی از مسجد یا حرم نجس است، مثلاً ببیند چند قطره خون بر فرش مسجد یا حرم ریخته است و:

❖ وقت نماز وسعت دارد، تطهیر آن بر خواندن نماز مقدم است.

❖ وقت نماز تنگ است؛ یعنی اگر بخواهد آن جا را تطهیر کند و بعد از آن نماز بخواند، تمام یا قسمتی از آن پس از وقت خوانده می‌شود، نماز خواندن بر تطهیر آن جا مقدم است.^۱

❖ اگر در بین نماز متوجه شود یا یادش بیاید که جایی از مسجد یا حرم نجس است، اگر با تمام کردن نماز، در تطهیر تأخیر نمی‌شود، نمازش را تمام کند و بعد از نماز آن جا را تطهیر کند و در صورتی که تأخیر می‌شود و وقت نماز هم وسعت دارد باید نماز را رها کند و آن جا را تطهیر کند و بعد از آن نمازش را بخواند.^۲

❖ کسی که باید ابتدا مسجد یا حرم را تطهیر کند، اگر اول نمازش را خواند، هر چند به جهت ترك تطهیر مسجد یا حرم، گناه کرده، ولی نمازش باطل نیست.^۳

❖ اگر نجس بودن مسجد یا حرم را فراضوش کرد و نماز را خواند و پس از نماز یادش آمد، نمازش صحیح است.^۴

۱. العروة الوثقی، ج ۱، فی

احکام النجاسات، ص ۸۵ م ۴.

۲. همان، ص ۸۴ م ۲.

۳. همان، ص ۸۴ م ۲.

۴. همان، ص ۸۴ م ۲.

۵. تحریر الوسیله، ج ۱، القول

فی احکام الجنب، ص ۳۸ و ۳۹.

۶. تحریر الوسیله، ج ۱، القول

فی احکام الجنب، ص ۳۸ و ۳۹.

● رفتن جنب و حائض به مسجد و حرم

❖ جنب و زن حائض یا نقساء نباید به مسجد الحرام و مسجد النبی ﷺ وارد شوند، هر چند از يك در داخل شده و از در دیگر بیرون روند، یعنی حتی عبور از این دو مسجد نیز برای چنین افرادی جایز نیست.^۱

❖ اما در حرم امامان معصومین ﷺ و مساجد دیگر، فقط توقف جنب و حائض و نقساء حرام است ولی عبور آنان مانعی ندارد.^۲

jabir.abbas@yahoo.com

● نماز جماعت

گذشته از آن که در روایات، برای نماز جماعت اجر و پاداش بسیاری وارد شده است، با دقت در برخی از مسائل فقهی، به اهمیت نماز جماعت پی می‌بریم و در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

- ◀ مستحب است نمازهای واجب، به خصوص نمازهای یومیه را به جماعت بخوانند و در روایات بر این مسأله تأکید فراوانی شده است.
- ◀ شرکت در نماز جماعت، برای هر کسی مستحب است به ویژه برای همسایه مسجد.
- ◀ مستحب است انسان صبر کند که نماز را به جماعت بخواند.
- ◀ نماز جماعت هر چند اول وقت خوانده نشود، از نماز فردای اول وقت بهتر است.
- ◀ نماز جماعتی که مختصر خوانده می‌شود، از نماز فردایی که طول بدهد، بهتر است.
- ◀ سزاوار نیست انسان بدون عذر، نماز جماعت را ترک کند، به ویژه نماز جماعتی که در مسجد خوانده می‌شود.
- ◀ حاضر نشدن در نماز جماعت از روی بی‌اعتنایی به آن، جایز نیست.
- ◀ وقتی که جماعت بر پا می‌شود، مستحب است کسی که نمازش را فردا خوانده، دوباره به جماعت بخواند.
- ◀ امام یا مأموم می‌تواند نمازی را که به جماعت خوانده، دوباره به جماعت بخواند، در صورتی که جماعت دوم و اشخاص آن، غیر از جماعت اول باشد.^۱

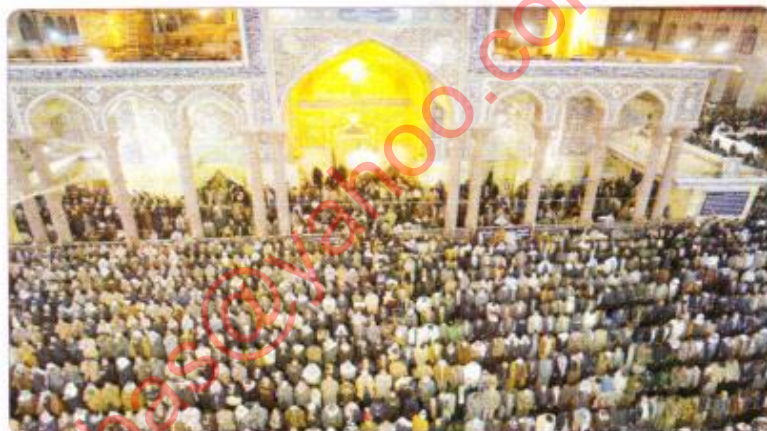
● شرایط نماز جماعت

- شرایط زیر هنگام برپایی نماز جماعت، باید رعایت شود:
- ◀ مأموم از امام جلوتر نبایستد و احتیاط واجب آن است که کمی عقب‌تر بایستد.
- ◀ جایگاه امام جماعت از جایگاه مأومین بالاتر نباشد.
- ◀ فاصله امام و مأموم و فاصله صفوف زیاد نباشد.
- ◀ بین امام و مأموم و همچنین بین صفوف، چیزی مانند دیوار یا پرده مانع نباشد؛ ولی نصب پرده بین صف مردها و زنان اشکال ندارد.

- ۱. توضیح المسائل، م ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۴.
- ۲. العروة الوثقی، ج ۱، ص ۷۷۷ و ۷۷۸، توضیح المسائل، م ۱۴۱۵ و ۱۴۳۲.

● نماز جماعت مسافران

- ◀ مسافری که نمازش را ۲ رکعتی می خواند، در نمازهای ۴ رکعتی نباید در صف اول نماز جماعت بایستد.
- ◀ مسافری که نماز جماعت می خواند، بعد از آن که در رکعت دوم نمازش را تمام کرد و سلام داد، بهتر است برای آن که اتصال صفوف به هم تریزد، برخیزد و نماز یومیه دیگری را به امام اقتدا کند؛ اما باید چند نکته را در نظر بگیرد:
- ◀ الف - هنگامی که امام مشغول خواندن تسبیحات اربعه است، اگر مأموم بخواهد اقتدا کند، باید حمد و سوره را خودش بخواند و اگر مأموم مرد است و یکی از نمازهای چهار رُکعتی را نیت کرده، باید حمد و سوره و حتی بسم الله آن را آهسته بخواند.
- ◀ ب - اگر مأموم می داند که به اندازه خواندن حمد و سوره و یا حمد تنها فرصت ندارد، باید صبر کند تا امام به رکوع برود، آن گاه اقتدا نماید.
- ◀ ج - نمازی را که مأموم می خواهد اقتدا نماید، لازم نیست حتماً ۲ رکعتی باشد و هر نماز یومیه ای را چه ادا وجه قضا می تواند به امام اقتدا نموده و بعد از سلام امام، دنباله نماز را خودش ادامه دهد.



۱. نمازهای صبح، مغرب و عشا که بر نمازگزار مرد واجب است حمد و سوره آن را بلند بخواند.

● نماز قضا در سفر

سفر زیارتی فرصت مناسبی است برای به جای آوردن نماز قضا. در این بخش، برخی از احکام نماز قضا را می‌آوریم، امید است زائران عزیز در اوقات فراغت خود به ویژه در حرم‌های مطهر یا مساجد، نمازهای قضا شده خود را به جا آورند که از هر عمل مستحبی بهتر است و ممکن است در آینده چنین فرصتی به دست نیاید، افزون بر اینکه به وظیفه شرعی خود عمل می‌کنند، از ثواب بسیار زیاد نماز در حرم‌های مطهر و مساجد چون مسجد کوفه و سینه نیز بهره‌مند خواهند شد.

- نماز قضا را به جماعت می‌توان خواند، چه نماز جماعت ادا باشد یا قضا و لازم نیست هر دو یک نماز را بخوانند؛ مثلاً اگر نماز قضای صبح را یا نماز ظهر یا عصر امام جماعت بخواند، اشکال ندارد.^۱
- در سفر نمی‌توان روزه گرفت، حتی روزه قضا، مگر چند مورد استثنایی که در صفحه بعد آمده و لی نماز قضا را می‌توان خواند.^۲
- اگر انسان در سفر بخواهد نمازهایی را که در غیر سفر قضا شده، به جا آورد، باید نمازهای ظهر و عصر و عشا را چهار رکعتی قضا کند.^۳
- اگر در سفر نماز ظهر یا عصر یا عشا را بخواند یا باطل خوانده باشد، باید قضای آنها را دو رکعتی به جا آورد، هرچند در وطن آنها را قضا کند.^۴
- نماز قضا را در هر وقت می‌توان به جا آورد؛ یعنی قضای نماز صبح را می‌توان در ظهر یا شب به جای آورد.

نماز مستحبی در حرم امامزادگان

نماز خواندن در حرم انبیاء و اولیاء و صالحین و عابدان حتی در زمانی که زنده هستند، مستحب است.^۵

۱. توضیح المسائل، م ۱۳۷۴ و ۱۳۸۳.

۲. توضیح المسائل، م ۱۳۶۸.

۳. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۲۴، ۵ و العروة الوثقی، ج ۱، ص ۷۳۴، م ۱۰.

۴. همان

۵. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۹۳، م ۱ و العروة الوثقی، ج ۱، ص ۷۳۴، م ۱۰.

۶. العروة الوثقی، ج ۱، فی الأمکنة المستحبة، م ۱۰.

● روزه مسافر

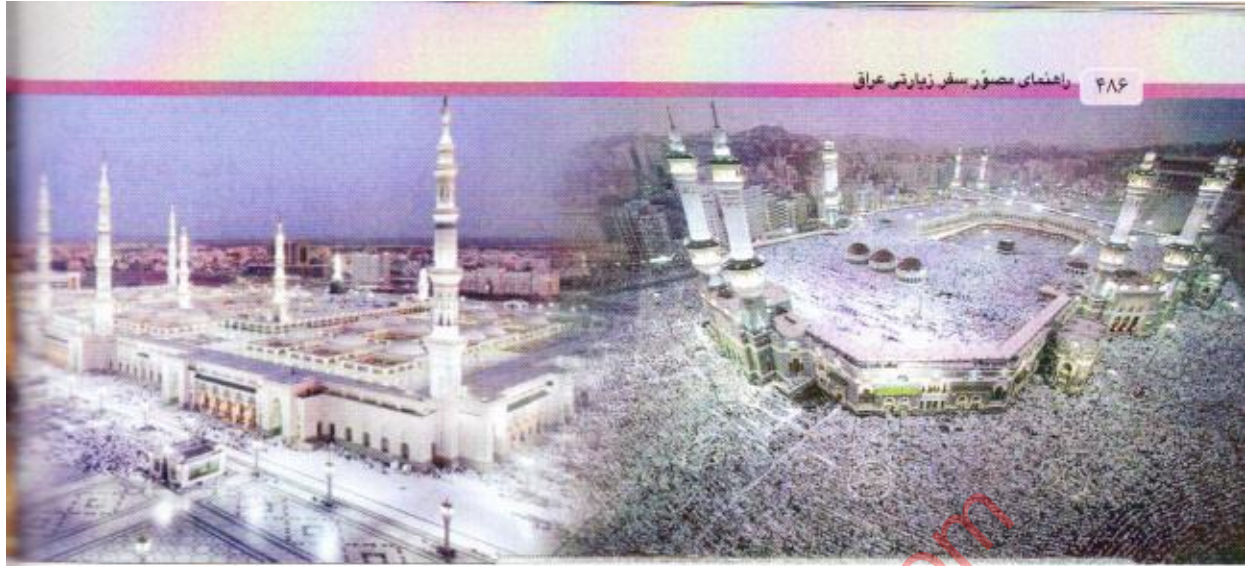
مواردی که استثنائاً در سفر می‌توان روزه گرفت:

۱. روزه نذری که مقید به سفر باشد، واجب است که در سفر، طلق نذر خود، روزه بگیرد.
۲. کسی که در حج، قربانی نداده است، واجب است در همان سفر حج، ۳ روز و پس از بازگشت به وطن، ۷ روز روزه بگیرد.
۳. برای مسافر مستحب است که ۳ روز در مدینه، برای برآورده شدن حاجتش، روزه بگیرد.

● نذر و وقف

یکی از سنت‌های پسندیده مسلمانان، نذر اعمال یا اموال است برای معصومین علیهم‌السلام و همچنین وقف ملک یا مالی برای آنان و این سنت حسنه همچنان رواج دارد. توجه به برخی از احکام نذر و وقف، برای زائران مفید خواهد بود:

- اگر نذر کند که به زیارت یکی از امامان علیهم‌السلام برود، چنانچه به زیارت امام دیگر برود، کافی نیست و چنانچه به واسطه عذر نتواند آن امام را زیارت کند، چیزی بر او نیست، بنابر این اگر نذر کرده باشد به زیارت امام حسین علیه‌السلام برود و نتواند به زیارت ایشان برود، چیزی بر او واجب نیست.
 - کسی که نذر کرده به زیارت برود و غسل زیارت و نماز آن را نذر نکرده، لازم نیست غسل و نماز را انجام دهد.
 - اگر برای حرم امامان علیهم‌السلام چیزی نذر کند، باید آن را به مصارف حرم برساند، از قبیل فرش و پرده و روشنایی. بنابراین می‌تواند به مسئولین دفاتر نذورات تحویل دهد تا به مصارف معین برسد.
 - اگر چیزی را نذر خود امام علیه‌السلام کند، چنانچه مصرف معینی را قصد کرده، باید به همان مصرف برساند و اگر مصرف معینی را قصد نکرده، باید به فقیران و ائمه‌البداهت یا مسجد و مانند آن بسازد و ثواب آن را به امام هدیه کند.
 - اگر چیزی را بر حرم امامان علیهم‌السلام وقف کرده باشد، منافع آن صرف در تعمیر امور حرم و خدمتکاران و نگهداری حرم و سایر امور مربوط به حرم می‌شود.
۱. توضیح المسائل، م ۲۶۶۰.
۲. توضیح المسائل، م ۲۶۶۱.
۳. توضیح المسائل، م ۲۶۶۲.
۴. توضیح المسائل، م ۲۶۶۳.
۵. تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۷۴.
- کتاب الوقف، م ۵۷.



٤٨٦ راهنمای مصوّر سفر زیارتی عراق

• ثواب نماز در مساجد و حرم ائمه

- قال رسول الله ﷺ: صلاة في مسجد تعدل عند الله عشرة آلاف صلاة في غيره من المساجد إلا المسجد الحرام فإن الصلاة فيه تعدل مائة ألف صلاة.
□ وسائل الشريعة، ج ٣، ص ٥٣٦، حديث ٥
- عن أبي عبد الله ﷺ: قال صلاة في مسجد الكوفة تعدل ألف صلاة في غيره من المساجد.
□ وسائل الشريعة، ج ٥، ص ٢٥٥، حديث ٦٤٧٧
- عن علي ﷺ: قال صلاة في بيت المقدس ألف صلاة و صلاة في مسجد الأعظم مائة صلاة و صلاة في مسجد القبيلة خمس و عشرون صلاة و صلاة في مسجد السوق اثنا عشرة صلاة و صلاة الرجل في بيته وحده صلاة واحدة.
□ وسائل الشريعة، ج ٣، ص ٥٥١، حديث ٢
- وقد روى أن الصلاة عند علي ﷺ بمائتي ألف.
□ منهاج الصالحين آية الله العظمى سيستاني، ص ١٨٧



- ۴۸۷ سه توتنه
- یک شبهه:
- چرا ثواب نماز در حرم امیرالمؤمنین علیه السلام بیشتر از ثواب نماز در مسجد النبی صلی الله علیه و آله است؟
- پاسخ:
- ◀ ثواب یک نماز در مسجد الحرام، برابر است با ۱۰۰/۰۰۰ نماز در مساجد دیگر.
 - ◀ ثواب یک نماز در مسجد النبی صلی الله علیه و آله، برابر است با ۱۰/۰۰۰ نماز در مساجد دیگر.
 - ◀ ثواب یک نماز در مسجد کوفه، برابر است با ۱۰۰۰ نماز در مساجد دیگر.
 - ◀ ثواب یک نماز در حرم امیرالمؤمنین علیه السلام، برابر با ۲۰۰/۰۰۰ نماز است.
 - ◀ ثواب یک نماز در بیت المقدس، برابر با ۱/۰۰۰ نماز است.
 - ◀ ثواب یک نماز در مسجد اعظم، برابر با ۱۰۰ نماز است.
 - ◀ ثواب یک نماز در مسجد قبیله، برابر با ۲۵ نماز است.
 - ◀ ثواب یک نماز در مسجد بازار، برابر با ۱۲ نماز است.
 - ◀ نماز هرکس در خانه اش، فقط یک نماز است.
- توابع:
- توابع نماز در مسجد الحرام و مسجد النبی و مسجد کوفه چندین برابر ثواب نماز در مساجد دیگر است؛ به طور مثال ثواب نماز در مسجد النبی ۱۰،۰۰۰ برابر مساجد دیگر است و این مسجد دیگر، اگر قریض مسجد قبیله باشد، نمازش ۲۵ برابر ثواب دارد یعنی (۲۵ × ۱۰،۰۰۰) که می شود ۲۵۰،۰۰۰ برابر ولی حرم امیرالمؤمنین علیه السلام یا جای دیگری مقایسه نشده و نماز در آن جا، همان ۲۰۰،۰۰۰ ثواب را دارد. بنا بر این اصل سؤال غلط است و ثواب نماز در حرم امیرالمؤمنین علیه السلام، بیشتر از ثواب نماز در مسجد النبی صلی الله علیه و آله نیست.

• سوغات کربلا

■ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

إِذَا خَرَجَ أَحَدُكُمْ إِلَى سَفَرٍ ثُمَّ قَدَّمَ عَلَى أَهْلِهِ
فَلْيَهْدِهِمْ وَلْيُطِرْهُمْ وَلَوْ حِجَارَةً.

پیامبر خدا ﷺ

هرگاه یکی از شما به سفر رفت، در بازگشت
حتی اگر شده يك قطعه سنگ برای خانواده‌اش هدیه و تحفه بیاورد.

■ میزان الحکمة، ج ۵، ص ۲۴۸
از قدیم سوغات کربلا سه چیز بوده است: «مهر»، «تسبیح» و «خرما»؛
بهترین سوغات زائر کربلا در بازگشت می‌تواند تربت کربلا باشد و بازگویی
خاطرات سفر.

اما اگر کسی بخواهد بیشتر از این مقدار، سوغاتی متنوع بیاورد، می‌تواند
هدایایی بیاورد که بار معنوی هم داشته باشند؛ مانند زیتون، دُر نجف، چغیه،
عبای عربی و به امثال اینها بسنده کند؛ چرا که لطف سوغاتی به بومی
بودن آن است و بهتر است که زائران محترم وقت خود را به بازارگردی
و خرید کالاهای بی‌کیفیت چینی و ... هدر ندهند. چرا که بهتر از این
اجناس در ایران هم پیدا می‌شود. آنچه پیدا نمی‌شود، حرم امام حسین،
حرم امیرمؤمنان و حرم ابوالفضل العباس (علیهم‌السلام) است.

ما همه مشکلات، گرد و غبار، گرما و ناملايمات سفر را به عشق زیارت
این بزرگواران تحمل می‌کنیم، نه به خاطر بازار،
هرچه زائر در بازار بچرخد، به همان اندازه وقت کمتری را به زیارت
حرم‌های شریف اختصاص می‌دهد.



www.jabir.abbas@yahoo.com

رد نوشته ۴۸۹

در نجف

فی الحلیة عن المفضل قال: دخلت علی مولای الصادق علیه السلام فقال: یا مفضل، أحب لکّل مؤمن أن یتختّم بخمس خواتیم و عدّ منها درّ النّجف الأشرف الذی یظهره الله، ومن تختّم به أعطاه الله ثواب حجة أو عمرة ثواب التّبيين والصالحین، ولولا رحمة الله لشیعتنا لبلغ القص منه مالا یوجد بضمن ولكن الله رخصه لیتختّم به فقیرهم غنیهم.

مفضل بن عمرو نقل می کند که خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم، حضرت فرمود: ای مفضل دوست می دارم که هر مؤمنی ۵ انگشتری داشته باشد و یکی از آنها را در نجف برشورد.

هر کس آن را به انگشت داشته باشد، خداوند پاداش حج یا عمره ای که انبیاء و صالحین آن را به جای آورده باشند، به وی اعطا می کند.

و اگر نبود رحمت الهی بر شیعیان ما، بهای آن، آن چنان بالا می رفت که نمی شد آن را قیمت گذاری کرد ولی خداوند قیمتش را پایین نگه داشت تا دارا و ندار همه بتوانند آن را داشته باشند.

□ حلیة المتقین، علامه مجلسی، ص ۱۹



بی رنج زین پیاله کسی می، نمی خورد
بی دود، زین تنور به کس نان نمی دهند
برون اعتمادی

آن روز که عمو شعیبانی از کربلا آمده بود، برایمان گفت:
گفته‌اند کربلا سوغات ندارد، اما من برای شما چیزی به یادگار
آورده‌ام و به هر کدام یک پیاله و یک جفت گز در حالی که
به زیبایی بسته‌بندی شده بودند، داد؛ او غافلگیرمان کرد.
یک پیاله خالی از آب که درونش آیه الکرسی حک شده بود
و به همین جهت اصرار داریم همیشه قدری آب درونش
باقی بماند.

سوغات کربلا مثل هر بار مهر و تسبیح نبود و پیاله هم تنها
یک سوغات نبود؛ انگار پیامی بود که از کربلا آمده بود.

کربلا خاک دارد، مهر دارد، تسبیح هم دارد.

کربلا آب دارد، بابا آب ندارد - عمو پیاله داد، پیاله آب ندارد.

نقل از: <http://noghteyeb.persianblog.ir>

jabir.abbas@yahoo.com

• صلوات نامه

بَلِّغِ الْعَالِي بِكَمَالِهِ
كَشِّفِ الدُّجَى بِجَمَالِهِ
حَسُنْتَ جَمِيعُ خِصَالِهِ
صَلُّوا عَلَيْهِ وَآلِهِ

گوئیم از دل و جان، صلوات بر محمد
بر عرش خوش نوشته، صلوات بر محمد
کوری هر منافق، صلوات بر محمد
گر تو ز خیل اویی، صلوات بر محمد
می گو خوشی خدا را، صلوات بر محمد
خوش عاشقانه گفتیم، صلوات بر محمد
جان من است و من تن، صلوات بر محمد
شادی روی یاران، صلوات بر محمد
ختم همه علی بود، صلوات بر محمد
خوش گو به عشق الله، صلوات بر محمد
◀ شاه نعمت الله ولی

خوش رحمتی است یاران صلوات بر محمد
در آسمان فرشته، مهرش به جان سرشته
گر مؤمنی و صادق، با ما شوی موافق
صلوات اگر بگویی، یابی هر آنچه جویی
ای نور دیده ما، خوش مجلسی بیارا
مانند گل شکفتیم، دُری لطیف سُفتیم
و الله که دیده من، از نور اوست روشن
گفتیم از دل و جان، با عارفان کرمان
بی شک علی ولی بود، پرورده نبی بود
خوش گفت نعمت الله، رمزی زلی مع الله

صلوات محمد و آل محمد

اول خوانم خدا را	رسول مصطفی را	علی مرتضی را	صل علی محمد صلوات بر محمد
صلوات را خدا گفت	جبریل بارها گفت	در شأن مصطفی گفت	صل علی محمد صلوات بر محمد
شاه نجف علی ست	سرور دین علی ست	شیر خدا علی ست	صل علی محمد صلوات بر محمد
یارب به حق زهرا	شفیعه ی دو سرا	یعنی که خیر النساء	صل علی محمد صلوات بر محمد
بعد از علی حسن بود	چون غنچه در چمن بود	نور دو چشم من بود	صل علی محمد صلوات بر محمد
بوی حسین شنیدیم	چو گل شکفته دیدیم	به مدعا رسیدیم	صل علی محمد صلوات بر محمد
زین العباد سجاده	بیمار هست و بیدار	یعنی که شاه کبار	صل علی محمد صلوات بر محمد
باقر امام دین است	نور خدا یقین است	فرزند عابدین است	صل علی محمد صلوات بر محمد
جعفر به صبح صادق	هم نور و هم موافق	تاج سر خلائیق	صل علی محمد صلوات بر محمد
موسای با سعادت	با ذکر و با عبادت	سردار بنا جلالیت	صل علی محمد صلوات بر محمد
هشتم رضا امام است	برضامنی تمام است	شاه غریب نام است	صل علی محمد صلوات بر محمد
ما شیعه تقی ایم	خاک ره نقی ایم	مشتاق عسکری ایم	صل علی محمد صلوات بر محمد
مهدی به تاج نورش	با احمد رسولش	نزدیک شد ظهورش	صل علی محمد صلوات بر محمد



شاهنشاه جمله اولیاء را صلوات
آن صاحب تاج انما را صلوات
داماد نبی زوج بتول عذرا
میر دو سرا شیر خدا را صلوات

به رسول مسیح دم صلوات
به شه مکه و حرم صلوات
باز بر مصطفی و اولادش
تا صف حشر دم به دم صلوات

به آیه آیه قرآن احمدی صلوات
به بهترین گل گلزار سرمدی صلوات
به اهل بیت رسول گرامی اسلام
به غنچه غنچه باغ محمدی صلوات

در بین زمین و آسمانها و کرات
در بین مناجات و تمام کلمات
زیباتر از این دعا ندیده ست کسی
بر خاتم انبیاء محمد صلوات

بر چهره دلگشای مهدی صلوات
بر قامت دلربای مهدی صلوات
تا پرده زرخ گرفت قدسی نفسان
خواندند به رو نمای مهدی صلوات

بر چهره زیبای محمد صلوات
بر گنبد خضرای محمد صلوات
سر تا به قدم آینه او زهراست
تقدیم به زهرا و محمد صلوات

یا فاطمه! ای منشاء خیر و برکات
مهر تو بود قبولی صوم و صلات
فرمود نبی خدا گناهای بخشد
هر کس که برای تو فرستد صلوات

بر جلوه روی مهدی صلوات
بر جذبه هر نگاه مهدی صلوات
ما را نبود چو هدیه‌ای در خور او
بفرست به پیشگاه مهدی صلوات

بر احمد و بر کوثر قرآن صلوات
بر طلعت محبوبه یزدان صلوات
بر روح مطهر امام و شهیدا
بر فاطمه مادر شهیدان صلوات

اول به مدینه مصطفی را صلوات
بر شاه نجف شیر خدا را صلوات
بر فاطمه آن دخت پیمبر صلوات
بر سبطینش شبیر و شبر صلوات

ای دوست به خنجر شهیدان صلوات
بر قامت بی سر شهیدان صلوات
از دامن زن مرد به معراج رود
بر دامن مادر شهیدان صلوات

ای آن که تویی نتیجه صوم و صلات
هم مصحف توحیدی و هم حج و زکات
اسلام بود رهین خون تو حسین
بر خون مقدس درود و صلوات

به روح خجسته پیمبر صلوات
بر شیر خدا حیدر صفدر صلوات
بر فاطمه و دو سبط پاک احمد
همواره ویوسته مکرر صلوات

به میم اول نام محمدی صلوات
به دال دایره دین احمدی صلوات
بلند گوی اگر عیب بر زیانت نیست
به یازده خلف مرتضی علی صلوات

که بر حبیب خدا ختم انبیا صلوات
بر ابن عم نبی شاه لافتی صلوات
به یازده پسران علی عمرانی
به ماه انور هر یک جدا جدا صلوات

به باب فاطمه پیغمبر خدا صلوات
به شهسوار عرب میر لافتی صلوات
به مادر حسنین خیرة النساء صلوات
به زهر خورده الماس از جفا صلوات
به سر بریده صحرای کربلا صلوات
به دست بریده صحرای نینوا صلوات
در کرب و بلا به شمر ملعون لعنت
در طوس غریب الغربا را صلوات
به شاه قبه طالا حضرت رضا صلوات

دم به دم در همه دم بر گل رخسار محمد صلوات
بر علی شیر خدا ساقی کوثر صلوات

بارها گفت پیمبر که علی جان منست
هم به جان علی و جان محمد صلوات



jabir.abbas@yahoo.com

• برخی لغات عربی مورد استفاده زائران در عراق

● زمان و تاریخ		● خویشاوندی		● رنگها	
لحظة	لحظه	أب	پدر	أخضر	سبز
ثانية	ثانیه	أم	مادر	أحمر	قرمز
دقيقة	دقیقه	أخ	برادر	أصفر	زرد
ساعة	ساعت	إخوان	برادران	أبيض	سفید
نهار	روز	أخت	خواهر	أسود	سیاه
ليل	شب	أخوات	خواهران	أزرق	آبی
ليالي	شب ها	زجل	مرد	بنی	قهوه ای
فجر	سپیده دم	رجال	مردان	بنفسجي	بنفش
يوم	روز	امراة	زن	رمادی	خاکستری
أيام	روزها	نيسوان	زنان	وردی	صورتی
روزهای هفته		ابن	پسر	برتقالی	نارنجی
السبت	شنبه	ابناء	پسران	خُمصی	کرم
الأحد	یکشنبه	ابنة	دختر	ذهبی	طلایی
الاثنين	دوشنبه	بنات	دختران	فضی	نقره ای
الثلاثاء	سه شنبه	خال	دایی	رصاصی	سرمه ای
الأربعاء	چهارشنبه	خاله	خاله	کحلی	سرمه ای
الخميس	پنجشنبه	عم	عمو	فاتح	روشن
الجمعة	جمعه	عمة	عمه	غامق	تیره

اعضای بدن				اعداد ترتیبی		اعداد	
مُج	رِشغ	بدن	جسم	یکم	الأول	۳۰	واحد
بازو	ذراع	سر	رأس	دوم	الثاني	۴۰	اثنين
آرنج	كوع	مو	شعر	سوم	الثالث	۵۰	ثلاثة
شانه	كتف	زبان	لسان	چهارم	الرابع	۶۰	أربعة
ران	فخذ	صورت - رو	وجه	پنجم	الخامس	۷۰	خمسة
ساق پا	ساق	پیشانی	جبین	ششم	السادس	۸۰	سنة
زانو	رُكبة	چشم	عين	هفتم	السابع	۹۰	سبعة
پا	قدم	بینی	أنف	هشتم	الثامن	۱۰۰	ثمانية
پوست	جلد	گوش	أذن	نهم	التاسع	۲۰۰	تسعة
خون	دم	ذهان	فم	دهم	العاشر	۳۰۰	عشرة
پشت	ظهر	لب	شفة	الحادی عشر	بازدهم	۴۰۰	أحد عشر
سینه	صدر	حلق	خلق	الثانی عشر	دوازدهم	۵۰۰	اثنی عشر
شکم	بطن	گونه	خذ	کسر اعداد		۶۰۰	ثلاثة عشر
پزشک	الطبيب	گردن	رقبة	ضعف	دو برابر	۷۰۰	أربعة عشر
ضغط الدم فشار خون		چانه	ذقن	نصف	نیم	۸۰۰	خمسة عشر
داروخانه	صيدلية	دندان	أسنان	ثلث	یک سوم	۹۰۰	سنة عشر
باند	ضمادة	سبیل	شارب	رُبع	رُبع	۱۰۰۰	سبعة عشر
چسب زخم	لُزقة	ریش	لحیة	ثلاثة ارباع	سه ربع	۲۰۰۰	ثمانية عشر
أرقدهنا اینجا دراز بکش		دست	ید	خمس	یک پنجم	۳۰۰۰	تسعة عشر
افتح فمک دهانت را باز کن		انگشت	اصبع	سدس	یک ششم	ملايين	عشرون
سرفه کن	إسعل	ناخن	ظفر	عشر	یک دهم	خمسين بالمائة ۵۰ %	واحد وعشرين

● ماه های عربی میلادی

January	کانون الثانی (ژانویه)
February	شباط (فوریه)
March	آذار (مارس)
April	نيسان (آوریل)
May	أيار (می)
June	حزيران (ژوئن)
July	تموز (جولای)
August	آب (آگوست)
September	أيلول (سپتامبر)
October	تشرين الأول (اکتبر)
November	تشرين الثاني (نوامبر)
December	کانون الأول (دسامبر)

● مشاغل

طبيب	پزشک
محامي	وکيل
ممرض	پرستار
محاسب	حسابدار
کناس	رفتگر
سائق	راننده
عميل	کارگر
موظف	کارمند

● تعارفات

نعم	بله
کلا نه ، خير	
تفضل بفرمائيد	
من فضلك لطفاً	
شکراً متشکرم	
عفواً ببخشيد	
سهمجنی غنم رليدير	
آسف متأسفم	

● صفات متضاد

کامل	کامل	تند	سريع	پهن	عريض	ارزان	رخيص
ناقص	ناقص	کند	بطيء	پهن	واسع	گران	غالي
زود	مبكر	کلفت	سميك	تنگ	ضيق	راست	يمين
دير	متأخر	نازک	رقيق	بزرگ	کبير	چپ	يسار
پُر	ملیء	چاق	سمين	کوچک	صغير	بالا	فوق
خالی	فارغ	لاغر	نحيف	جلوی	امام	پایین	تحت
خوايیده	ناهم	آسان	سهل	پشت	وراء	نزدیک	قريب
بیدار	مستيقظ	سخت	صعب	سنگین	ثقیل	دور	بعيد
روشن	ساطع	درست	صح	سبک	خفيف	سرد	بارد
تاریک	مظلم	اشتباه	خطأ	زیبا	جميل	گرم	حار
ایستاده	واقف	خندان	ضاحك	زشت	قبيح	تلخ	مر
نشسته	جالس	گریان	باكي	خوب	جيد	ترش	حامض
جوان	شاب	سروصدا	ضجيج	بد	سئء	شیرین	جلو
پیر	شایب	آرامش	هدوء	ناراحت	حزين	قدیمی	عتيق
	صفات برتر	نرم	طري	خوشحال	سعيد	جدید	جديد
بهتر	أفضل	سفت	قاسي	خوبی	خير	کثیف	وسخ
بدتر	أسوء	بلند	طويل	بدی	شر	تمیز	نظيف
گرانتر	أغلى	کوتاه	قصير	درون	داخل	روز	نهار
ارزانتر	أرخص	بلند	عال	بیرون	خارج	شب	ليل
کوچکتر	أصغر	پست	منخفض	مايع	سانل	باز	مفتوح
بزرگتر	أكبر	پیر	عجوز	جامد	جامد	پسته	مغلق

رد نموده ۴۹۹

● حیوانات

آسد شیر
بقرة گاو ماده
ثعبان مار
ثور گاو نر
جمل شتر
حمامه کبوتر
دجاجة مرغ
سمكة ماهی
عصفور گنجشک
خروف گوسفند
قط گربه
ناقة شتر ماده
نحلة زنبور عسل
نملة مورچه
پست
رساله نامه
طابع برید
برید سریع
عنوان آدرس
الموسل فرستنده
المرسل إليه گیرنده

● رستوران

صحن گوشت
ملعقه مرغ
شوكة تخم مرغ
سکین ماهی
ولاعة سرخ کرده
نقاب کبریت
سله سبذ
کاس لیوان
ابریق پارچ
نلاجة یخچال
خنفية شیر آب
جزر هویج
خس کاهو
بصل پیاز
خيار خیار
شمندور چغندر
فجل ترب
قرنبيط گل کلم
کزبرة گشنیز
بسمسم کنبذ

● میوه جات

لحم رستوران
دجاج مرغ
بيض تخم مرغ
سمک ماهی
مقلية سرخ کرده
زيت روغن مایع
خبز نان
سلطة سالاد
شوربة سوپ
ماء ساخن آبجوش
مرطبات نوشیدنی
خوخ آلو - هلو
عرموط گلابی
تین انجیر
فاکهة میوه
طازج تازه
عصیر آبمیوه
بطاطا سیب زمینی
نوم سیب
بازلاء نخود فرنگی

● در بازار

سوق بازار
بدله کت و شلوار
قميص پیراهن
تنوره دامن
حزام کمربند
سروال قصير شلوارک
بطلون شلوار
سروال داخلی شورت
جوارب جوراب
رجالی مردانه
نسائی زنانه
قبعة کلاه
ربطه روسری
قطن پنبه
صوف پشم
کتان کتان
حریر ابریشم
قمایش پارچه
منشفه حوله
لعبة اسباب بازی
شمسینه چتر
ساده
ساده
منقط خالدار
مخطط راه راه
مربعات چهارخانه
ساعة يد ساعت مچی
ثياب لباس
نظاره عینک
خرید و فروش
بیع فروش
شراء خرید
سعر نرخ
نوعیة جلیقه جنس خوب
نوعیة سینه جنس بد
عالی
منخفض پایین
غال گران
رخيص ارزان
معقول مناسب
تذکار یادگاری
اکرامیه انعام
تخفيضات تخفیف

در سفر		در هتل		در حرم و مسجد	
گنبد	جواز سفر	مکنسه	جارو	فندق	جامع، مصلی مسجد
بطاقة- تذکره	برگشت	کهربائیة	برقی	عمارة	صلاة قصر نماز شکسته
درجه اولی درجه ی یک	اتومبیل	طاولة	میز	باب	تجاه القبلة رو به قبله
درجه ثانیة درجه ی دو	اتومبیلها	علاقة	پاکت دستهدار	نافذة، شبک	ثربة
الأجرة کرایه ی مسافر	اتوبوس	فرن غاز	اجاق گاز	غرفة	سبحه
بطاقة	قطار	فرشاة آستان مسواک	معجون آستان خمیر دندان	شقة سوئیت، آپارتمان	سجاد
شناسایی	هویه	سائق	سکک جدیدیه	مطعم	کیشوائیه
دیر کرده	متأخر	طائرة	سائق	سریر	حافی
می رسد	یصل	مطار	هواپیما	مخددة	مکبرات الصوت بلندگو
روانه می شود	یرحل	شارع	فرودگاه	نسج	جهر
می ایستد	یتوقف	زقاق، فرع	خیابان	اکسسوارات لوازم یدکی	إخفات صدای آهسته
باز کن	افتح	ساحة، دوار	کویچه	خیوط	در شهر
بست	أغلق	طريق	میدان	مراحيض، مرافق توالت	بَلَد
بار سفر	أمتعة	طريق مشاة	راه	مقعد جای نشستن	محافظة
کشتی	الباحرة	طريق مسدود	پاده رو	كرسى	مدینة
کامیون	شاحنة- لاری	خريطة	نقشه	هاتف	قضاء
راست	إلى اليمين	موقف	ایستگاه	إبرة	قرية
چپ	إلى اليسار	محطة	جایگاه	أثاث	بريد
مستقیم	على طول	جسر	پل	بساط	متحف
در جلو	باب القدام	سلم - درجه	راه پله	مشفة وجه	مستشفى
در عقب	باب الخلفی	فرم	استماره	سریر	مستوصف

سیاست		پژوهشگر	دعم	حمایت	هزیمه	شکست	تحرک من بعد
شعار	آرم	لافته	پلاکارد	خلوق خوش اخلاق	تغذیب	شکنجه	السلطة القضائية
احصاء	آمار گرفتن	ملجأ	پناهگاه	مراسل	خبرنگار	قضاء	السلطة التنفيذية
اتیاء	اخبار	مقر، قاعدة	پایگاه	سری	محرمانه	مصیری	السلطة التشريعية
جیش	ارتش	جنسیت	تابعیت	مدعی	دادستان	مشروع	صليب الاحمر
العملة	ارز	اقتراح	پیشنهاد	محامي	وکيل	ديمقراطية	لغة رسمية
الكتلة	اقلیت	مقاطعة	تحریم	علاقة	رابطه	أبرياء	أمانة العامة
ثورة	انقلاب	تدمير	تخریب	تصويت	رای دادن	كارثة	أمن العام
انقلاب	کودتا	إرهابی	تروریست	ناخب	رای دهنده	شامل	مخفر شرطة
أزمة	بحران	نویوة	هسته ای	انكماش	رکود	إنتهازی	مخفر جنودی
تشحین	شار	بندقیة	تفنگ	رقم قیاسی	رکورد	إنهيار	شارع رئيسی
مفتش	بازرس	تضخم	تورم	مسار	روند	ثقافة	فرهنگ
ميناء	بندر	مؤامرة	فتنه گری	مساوم	سازشکار	إنفاقية	قرارداد
میزانیه	بودجه	إنتاج	تولید	منظمة	سازمان	نهب	غارت کردن
معمسکر	پادگان	مهرجان	سمینار	إشتباک	درگیری	طارئ	غير عادی
ملف	پرونده	مزيف	جعلی	مجال	زمینه	الدستور	قانون اساسی
وطنی	ملی	شباب	جوانان	سجن	زندان	صراع	کشمکش
خریطة	نقشه	مواطن	هموطن	صاروخ	موشک	مجزرة	کشتار
مؤخذ	یکپارچه	إنذار	هشدار	قلق	نگرانی	مُرشح	کاندیدا
قصف	بمباران کردن	وقد	هیئت	معرض	نمایشگاه	قتضیة	کنسولگری
إلتجاء	پناهنده شدن	مذكرة	یادداشت	متناسق	هماهنگ	قناة	کانال ماهواره
سیطرة	ایست بازرسی	إعتقال	دستگیر کردن	تعایش	همزیستی	فمرصناعی	ماهواره
						بطاقة هوية	کارت شناسایی

● چاووش خوانی



لَقَاءَ اللَّهِ نَفْسُهُ فَلْيَرْحَلْ مَعَنَا قَاتِي رَاحِلٍ مُصْبِحاً إِنَّ شَاءَ اللَّهُ» که دعوتی بود به آن که هرکس آماده فدا کردن خون و جان و مہنای دیدار خداست، سحرگاهان همراه امام حرکت کند. دعوت به خط شہادت و ایثار، در مرام حسینیان و عاشورائیان، نهفته است و کربلا و زیارت مرقد سید الشہداء^{علیہ السلام}، رمز این دل سپردن است. نمونه هایی از شعرهای چاووش خوانی:

ز طوس، بسوی رضای غریب می آید
هر که دارد سر همراهی ما، بسم الله
هر که دارد هوس حب خدا، بسم الله
هر که شد همسفر و همراه ما، بسم الله
قد برافراز و بگو نام خدا، بسم الله
ترسم آخر جان دهم در آرزوی کربلا
هر کس هوای کربلا دارد بیاید
ما خبر کرده ورق تیم، سفر بی خطر است

ز تربت شہدا بسوی سیب می آید
هر که دارد هوس کرب و وبلا، بسم الله
هر که دارد هوس کرب و وبلا، بسم الله
هر که دارد سفر کرب و وبلا، بسم الله
سفری خوشتر از این نیست، اگر مردی
بر مشام می رسد هر لحظه بوی کربلا
هر کس که پیمان یلا دارد بیاید
ای عزیزان سفر کرب بلا در نظر است

به نوشته دهخدا:

چاووش خوان، کسی است که دعوت رفتن به زیارت عتبات عالیات کند.

در گذشته در شهرها و روستاها، رسم بود که طبق مراسم سنتی، هنگام رفتن اشخاص به زیارت عتبات عالیات، خراسان یا سفر حج، هنگام بدرقه زائر، «چاووش خوانان» اشعاری را با لحنی سوزناک می خواندند.

زمان راهی شدن زوار، دوستان و آشنایان به خانه آنها می رفتند و برای آنها به اصطلاح «فتح راه» می بردند و زوار هم هنگام برگشت برای آشنایان سوغات می آوردند.

چاووش خوان با علم، به همراه بستگان، زوار را تا پای کاروان همراهی می کردند. و در بازگشت کاروان هم، چاووش خوانان در پیشواز و استقبال اشعاری می خواندند. اما متأسفانه بسیاری از این سنت ها امروز فراموش شده است.

هر که دارد هوس کرب و وبلا بسم الله؛

این شعر که در چاووش خوانی های کاروان های کربلا خوانده می شد، برگرفته از کلام امام حسین^{علیہ السلام} هنگام خروج از مکه و حرکت به سوی کوفه و کربلاست: «أَلَا...

وَمَنْ كَانَ بِأَذَلَّ فَأَيْنَا مَهْجَتَهُ وَمَوْطِنًا عَلِيًّا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْكَ يَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ

خزرم دلی که منبع انهار کوثر است
نام حسین و کرب و بلا هر دو دلریاست
رفتم به کربلا به سر قبر هر شهید
هر يك مزار تربتشان چار گوشه است
پرسیدم از کسی سببش را به گریه گفت
پایین پای قبر علی اکبر جوان
در سمت راست، قبر یکی پیر جلوه کرد
پرسیدم از خادمان که این مزار کیست؟
نزدیک نهر علقمه دیدم یکی شهید
گفتا خموش باش که عباس مه لقا
رفتم به خیمه گاه شنیدم به گوش دل
رفتم ز کربلا به سر تربت علی
برگشتم از رواق و شدم وارد حرم
ناصر چو بر نجف پرسید و به گریه گفت

کوثر کجا ز دیده پُر اشک، بهتر است
نام علی اکبر از آن دلریاست
دیدم که تربت شهدا مشک و عنبر است
شش گوشه یک مزار، در آن هفت کشور است
پایین پای قبر حسین، قبر اکبر است
هفتاد و یک شهید چو خورشید خاور است
زان گوشه رواق که نزدیکی در است
گفتا حبیب، نور دو چشم مظاهر است
گفتم چرا جدا ز شهیدان دیگر است
منظور او ادب به جناب برادر است
آن جافشان زینب مظلوم اطهر است
دیدم که بارگاه علی، عرش اکبر است
دیدم که چشم نوح نبی، جای حیدر است
هر صبح و شام چشم امیدم به این در است

◀ شعر از ناصرالدین شاه قاجار

چاووش برگشتن از کربلا

چاووش خوانان به پیشواز آمده، می پرسند؟

ای زائر کوی عشق و ایمان چه خبر؟
از تربت گلگون شهیدان چه خبر؟
از شهر نجف که بارگاه مولاست
از کوفه و از غربت قرآن چه خبر؟
زان چاه که بود محرم اسرار علی
شب تا سحر از رنج فراوان چه خبر؟
از دامن تل زینیه که بلند
شد اه دل زینب و طفلان چه خبر؟
از باغ به خون نشسته آل رسول
از زینب و آن شام غریبان چه خبر؟
زان خیمه که عصر عاشورا سوخت
از آتش دامن یتیمان چه خبر؟
از سیلی و از صورت گل های خزان
از آتش خیمه های سوزان چه خبر؟
از علقمه و دست جدای عباس
از آب فرات و لب عطشان چه خبر؟
گویند که جای پای زهرا آن جاست
از مادر و از پیکر عریان چه خبر؟

● ثواب پیشواز زائران رفتن

عن معلى بن خنيس قال :

سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول :

إذا انصرف الرجل من إخوانكم من
زيارة قبرنا أو زيارة قبرنا فاستقبلوه و
سلموا عليه وهنؤوه بما وهب الله له
فإن لكم مثل ثوابه من رحمة الله و
إنه ما من رجل يزورنا أو يزور قبرنا
إلا غشيتة الرحمة و غفرت له ذنوبه.

□ بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۳۰۳

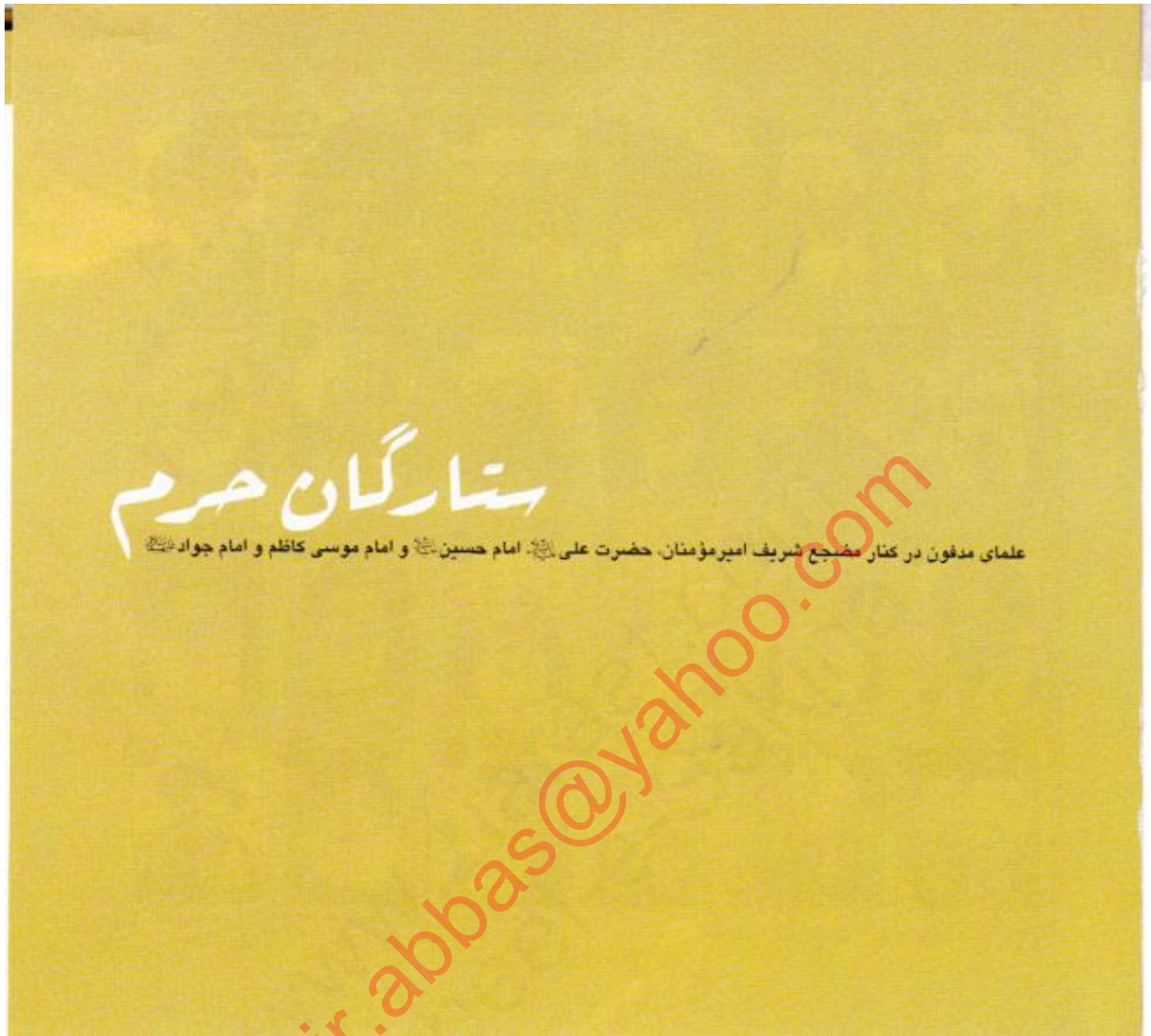
معلى بن خنيس می گوید : از امام صادق عليه السلام
شنیدم که می فرمود:

هرگاه کسی از برادرانمان از زیارت ما یا از
زیارت قبور ما بازگشت، به استقبالش بروید
و سلامش کنید و به خاطر نعمتی که خداوند
به او ارزانی داشته، تهنیتش گوید، که شما
نیز همانند وی از رحمت الهی بهره دارید.
بدانید هیچکس به زیارت ما یا زیارت قبور ما
نمی آید، مگر آن که رحمت الهی او را در بر
می گیرد و گناهانش بخشیده می شود.

چاووش برگشتن از کربلا

زائران بازگشته از کربلا جواب می دهند :

ما سلام از روضه شیر خدا آورده ایم
روی پر گرد و غبار از کربلا آورده ایم
بس که رخ مالیده ایم بر مرقد شاه نجف
بوی مشک و عنبر و عطر گلاب آورده ایم
قتلگاه حضرت شاه شهیدان دیده ایم
چشم گریانی از آن ماتم سرا آورده ایم
طواف عباس علی را کرده ایم از جان و دل
ما طواف کعبه را از خیمه گاه آورده ایم
مرقد موسای کاظم در بغل بگرفته ایم
خاک در گاهش برای توتیا آورده ایم
هم طواف عسکری و هم تقی و هم نقی
راه و رسم بندگی را ما به جا آورده ایم
در بیابان ما بسی جور و جفاها دیده ایم
مهر و تسبیح از شهید کربلا آورده ایم
وقت رفتن بود با ما حالت شوق و شغف
وقت برگشتن دلی از غم کباب آورده ایم
برده بودیم ما بسی جور و جفا در کربلا
شکر لله در عوض بار ثواب آورده ایم



◀ شماره هاء مربوط به حجره محل دفن هر عالم در حرم مطهر امیرالمؤمنین (ع) است.



شیخ محمد طه هافز
متوفی ۱۳۳۳ هـ.ق



شیخ مرتضی انصاری متوفی
۱۲۸۱ هـ.ق



سید محمد سوادانی تبریزی
متوفی ۱۳۸۷ هـ.ق



آقا خندان عراقي
متوفی ۱۳۶۱ هـ.ق



سید عبدالهادی شیرازی
متوفی ۱۳۸۲ هـ.ق



میرزا محمد حسن شیرازی
متوفی ۱۳۰۰ هـ.ق



شیخ محمد فروری اصفهانی
متوفی ۱۳۶۱ هـ.ق



سید مصطفی حسینی
متوفی ۱۳۵۶ هـ.ق



سید علی اکبر حویزی
متوفی ۱۳۷۱ هـ.ق



شیخ فضل الله شیخ الشریعة
متوفی ۱۳۳۹ هـ.ق



میرزا محمد حسن لاهیجی
متوفی ۱۳۵۵ هـ.ق



شیخ حامد
متوفی ۱۳۱۹ هـ.ق



سید حسن بجنوردی
متوفی ۱۳۹۵ هـ.ق



سید ابوالحسن اصفهانی
متوفی ۱۳۶۵ هـ.ق



شیخ حبیب الله رشتی
متوفی ۱۳۱۲ هـ.ق



آخوند محمد کاتم خراسانی
متوفی ۱۳۴۹ هـ.ق



سید ابوالقاسم حویزی
متوفی ۱۴۱۳ هـ.ق



سید حسین قاسبی
متوفی ۱۳۶۶ هـ.ق



شیخ محمد فاضل شیرینی
متوفی ۱۳۲۲ هـ.ق



ملا محمد مهدی برقی
متوفی ۱۲۰۹ هـ.ق



ملا محمد برقی
متوفی ۱۲۲۵ هـ.ق



سید محمود شاهرودی
متوفی ۱۳۵۳ هـ.ق



سید عبدالحسن شرف الدین
متوفی ۱۳۷۷ هـ.ق



سید محمد کاتم یزدی
متوفی ۱۳۳۷ هـ.ق



• علامه حلی

علامه حلی در شب ۲۹ ماه رمضان سال ۶۴۸ هـ.ق در حله به دنیا آمد. پدرش شیخ یوسف سدید الدین، از فقهای حله بود.

۲۸ ساله بود که در احکام شرعی صاحب فتوا شد و به مرجعیت رسید.

حاکم عصر وی «سلطان محمد اولجائیو» بود که در ایران بر متصرفات مغول حکومت می کرد. اولجائیو، شهر «سلطانیه» را (در استان زنجان) تأسیس کرد. در آن جا قصری برای خودش ساخت و مدرسه بزرگی بنا کرد و از هر سو، علمای اسلام را برای تدریس به آن دعوت کرد.

نوشته اند: روزی سلطان از روی خشم، یکی از زتانش را در یک مجلس سه طلاقه کرد. پس از مدتی پشیمان شد و از علمای سنی مذهب دربار، حکم چنین طلاق را پرسید. همگی در پاسخ گفتند که چون سه طلاقه کرده ای دیگر حق رجوع به آن همسر را نداری.

یکی از وزراء به سلطان گفت که در شهر حله فقیهی است که فتوا به بطلان «سه طلاق» در یک مجلس می دهد. سلطان قاصدان را به شهر حله فرستاد و علامه حلی را به مرکز حکومت دعوت کرد.

سلطان محمد خدابنده را برای خود برگزید و مذهب اهل بیت (ع) در سراسر ایران منتشر شد.

علامه حلی بسیار زاهد بود؛ سه یا چهار بار نمازهای تمام عمرش را به جای آورد و به این هم اکتفا نکرد و وصیت نمود که تمام نمازها و روزه هایش را بعد از رحلتش قضا کنند و با اینکه به حج مشرف شده بود، وصیت کرد از طرف او حج انجام دهند.

علامه حلی به پیروی از مولایش امیرالمؤمنین (ع)، نواحی وسیعی را با دست خود آباد کرد و برای استفاده مردم وقف کرد.

علامه در اولین جلسه، با پاسخ های دقیق و مستدل خود، علمای مذاهب چهارگانه اهل سنت را به پذیرش نظر خویش ملزم کرد و حکم به بطلان آن طلاق داد.

سلطان از قدرت علامه حلی در بحث و مناظره خوشش آمد و علاقه زیادی به این فقیه شیعی پیدا کرد.

حضور علامه حلی در ایران، با خیر و برکت همراه بود. وی در جلسات بحث و مناظره به اثبات حقانیت مذهب اهل بیت (ع) می پرداخت. پس از این جلسات بود که اولجائیو مذهب شیعه را انتخاب کرد و لقب



آن حدیث را در همان صفحه و سطر پیدا کرد و به خط خود در حاشیه آن نوشت این حدیثی است که حضرت صاحب الامر (عج) به آن خبر داد و راهنمایی کرد. سرانجام، علامه حلی در ۲۱ محرم سال ۷۲۶ بعد از ۷۸ سال عمر پربار، دارفانی را وداع گفت. پیکر پاکش را از حله تا نجف تشییع کردند و در حرم مولایش امیرالمؤمنین (ع)، سمت راست رواقی، در حجره‌ای در کنار مآذنه شمالی به خاک سپردند.

□ تلخیص از کتاب گلشن ابرار ج ۱، ص ۱۳۷ تا ۱۴۷

گفت: شیخ طوسی در کتاب «تهذیب» در فلان صفحه و سطر حدیثی را در این باره ذکر کرده است. علامه حلی در حیرت شد که این شخص کیست؟ از او پرسید: آیا در این زمان که غیبت کبراست، می‌توان صاحب الامر (عج) را دید؟ در این هنگام، عصا از دست علامه افتاد و آن شخص خم شد و عصا را از زمین برداشت و به دست علامه داد و گفت: چگونه صاحب الامر را نمی‌توان دید و حال آن که دست او در دست توست، علامه بی‌اختیار، خود را در مقابل پای آن حضرت انداخت و بی‌هوش شد. وقتی به هوش آمد کسی را ندید. پس از بازگشت به حله، به کتاب تهذیب مراجعه کرد و

علامه، هر هفته روزهای پنجشنبه برای زیارت سیدالشهداء (ع) از حله به کربلا می‌رفت. در یکی از روزها که به تنهایی در حال سفر بود، فرد ناشناسی همراه وی به راه افتاد و با یکدیگر مشغول صحبت شدند. در ضمن صحبت‌ها برای علامه معلوم شد که این شخص مرد فاضلی است که تیخر خاصی در علوم مختلف دارد؛ به همین دلیل مسائل مشکلی را که در علوم مختلف برایش لاینحل مانده بود، مطرح کرد و پاسخ همه را دریافت کرد؛ تا این که بحث به یک مسأله فقهی رسید و آن شخص فتوایی داد ولی علامه گفت دلیل و حدیثی برای این فتوا نداریم. آن شخص

مقدس اردبیلی سرانجام در ماه صفر سال ۹۹۳ هـ.ق در نجف اشرف درگذشت و در جوار قبر امیر مؤمنان (ع) در ایوان طلا در بقعه کنار مآذنه جنوبی مدفون گردید. تالیفات و آثار:

۱. زیادة البیان فی آیات احکام القرآن، ۲. مجمع الفائدة والبرهان فی شرح ارشاد الاذهان علامه حلی، ۳. حدیقة النبیة در تفصیل احوال پیامبر (ع) و ائمه (ع) (فارسی)، ۴. شرح الهیات تجرید فوشجی، ۵. اثبات واجب تعالی، ۶. اثبات امامت، ۷. تعلیقه‌ای بر شرح مختصر الاصول عضدی، ۸. تعلیقه‌ای بر خواجه محقق ثانی، ۹. استیناس المعنویة (عربی) در علم کلام، ۱۰. اصول الدین.



• مقدس اردبیلی

احمد بن محمد اردبیلی، معروف به مقدس اردبیلی در شهر اردبیل دیده به جهان گشود. پس از تحصیلات ابتدایی، به نجف اشرف مهاجرت کرد و از فضای علمی و معنوی آن بهره‌ها برد و پس از شهید ثانی مرجعیت و ریاست تائمه شیعه را در نجف بر عهده گرفت.

jabir.abbas@yahoo.com



• شیخ طوسی

«محمد بن حسن طوسی» ملقب به «شیخ طوسی» یا «شیخ الطائفه» در ماه رمضان سال ۳۸۵ ق در طوس (ستاباد قدیم) به دنیا آمد. ۲۳ ساله بود که رهسپار بغداد شد. ۵۰ سال از محضر شیخ مفید بهره برد و در جوانی به درجه اجتهاد رسید. در همان دوران به پیشنهاد استادش، کتاب «تهذیب الاحکام» از کتب اربعه شیعه، را به رشته تحریر در آورد. بعد از وفات شیخ مفید (۴۱۲ ق) از محضر سید مرتضی بهره‌ها برد و کتاب‌های مهمی را در این دوره نگاشت: از جمله «استبصار» (یکی دیگر از کتب اربعه)، تلخیص الشافعی و ... بعد از وفات سید مرتضی (۴۳۶ ق)، شیخ

شیخ طوسی - را به آتش کشیدند این توطئه‌ها، شیخ را بر آن داشت تا در پی حفظ میراث فرهنگی شیعه، هجرتی دیگر آغاز کند و راهی نجف اشرف شود. با ورود شیخ به نجف (۴۴۸ ق) این شهر شاهد جنب و جوشی وصف ناپذیر شد.

طوسی پیشوای شیعیان شد و ۱۲ سال در بغداد بر دنیای شیعه زعامت داشت. در سال ۴۴۷ ق طغرل بیک سلجوقی به بغداد حمله کرد و محله شیعه نشین آن را مورد تاخت و تار خود و لشکریان لجام‌گسیخته‌اش قرار داد. تا سال ۴۵۱ ق، چندین بار کتابخانه‌ها - از جمله کتابخانه شخصی و دست‌نوشته‌های

• حوزه هزار ساله نجف

نجف در آن زمان، شهر نبود؛ حتی عنوان قریه هم نداشت. تنها زائرین امیرالمؤمنین (ع) به آن جا رفت و آمد داشتند.

شیخ طوسی، حوزه علمیه جدیدی را در آن جا بنیان نهاد که بعد از گذشت نزدیک به هزار سال هنوز اصالت علمی خود را حفظ کرده و دیگر مراکز اسلامی را تغذیه فرهنگی می‌کند. گذشته از آثار گرانبهای علمی شیخ الطائفه، دانشمندان بسیاری نیز در حوزه درسی بودند که به اذعان بسیاری، بیش از ۳۰۰ تن از آنان





◀ مر در مسجد شیخ طوسی متزل و مدفن شیخ طوسی ومدفن علامه بحر العلوم و تعدادی از خاندان بحر العلوم

مجتهد بوده‌اند. حتی بسیاری از دانشمندان اهل تسنن نیز از محضر شیخ به درجات عالی علمی رسیده‌اند.

شیخ طوسی سرانجام، پس از ۷۶ سال زندگی پُربرکت، در ۲۲ محرم سال ۴۶۰ ق از این جهان رخت برپاست.

او را در خانه مسکونی‌اش در نجف دفن کردند. این خانه - بنا به وصیت خودش - تبدیل به مسجد شد و هم اکنون به نام «مسجد شیخ طوسی» در شمال حرم مطهر، ابتدای خیابان منتهی به وادی السلام قرار دارد.

□ تلخیص از کتاب گلشن ابراهیم ج ۱، ص ۸۰ تا ۸۴

• علامه بحر العلوم

او فرزندان سید مرتضی طباطبایی بروجردی و از نوادگان حضرت امام حسن مجتبی (ع) است که نسب شریفش به سید ابراهیم ملقب به «طباطبای» می‌رسد و نیز علامه مجلسی اول (ره) جد مادری و علامه محمد باقر مجلسی، دایی او است. علامه سید مهدی بحر العلوم، شب جمعه از ماه شوال به سال ۱۱۵۵ هـ. ق، در شهر مقدس کربلا متولد شد. او مرد هجرت و سفر بود؛ در سال ۱۱۶۹

صدر الدین عاملی ۳. شیخ ابوعلی حائری ۴. حاج شیخ جعفر کاشف الغطاء را می‌توان نام برد.

از جمله تألیفات او عبارتند از: ۱. کتاب الصلاة ۲. کتاب الطهارة ۳. الذرة النجفة ۴. مشکاة الهدایة ۵. الفوائد الرجالية ۶. الفوائد الاصولية.

علامه سید مهدی بحر العلوم (ره)، پس از عمری تلاش و مجاهدتهای پی‌گیر، در سال ۱۲۱۳ هـ. ق وعده حق را لیبیک گفت. بدن ایشان را طبق وصیتش در جوار مرقد شیخ طوسی (ره) به خاک سپردند.

هـ. ق به نجف اشرف و حوزه بزرگ علوم اسلامی مشرف شد و سپس به کربلای معلی بازگشت. ولی در اواخر همان سال، بار دیگر به نجف اشرف برگشت و در آن جا رحلت یافت.

در سال ۱۱۸۶ هـ. ق به جهت کسب فیض و زیارت مرقد مطهر حضرت علی بن موسی الرضا (ع) به خراسان مهاجرت کرد و هفت سال در آن جا ساکن شد. در سال ۱۱۹۳ هـ. ق بار دیگر به نجف اشرف بازگشت و مورد استقبال مردم قرار گرفت. علامه بحر العلوم، سعی در تربیت شاگردان داشت از آن جمله: ۱. ملا احمد نراقی ۲. سید

• شیخ جعفر کاشف الغطاء

شیخ جعفر کاشف الغطاء در سال ۱۱۵۴ هـ ق در نجف اشرف به دنیا آمد؛ مقدمات را نزد پدر آموخت، سپس از محضر آیه الله وحید بهبهانی و آیه الله سید مهدی بحر العلوم بهره ها برد. شهرت وی برگرفته از کتاب معروف او در فقه به نام «کشف الغطاء» است. وی شاگردان بسیاری تربیت کرد.



پس از انجام شیخ جعفر کاشف الغطاء پس از گذراندن عمری سرشار از خدمت به مکتب و امت اسلام، در روز چهارشنبه، ۲۷ رجب سال ۱۲۲۸ هـ ق، در سن ۷۴ سالگی به لقای معبود شتافت و در مدرسه اش در محله «العماره» نجف، دفن شد.



شهید سید عمر الدین بحر العلوم شهید سید علاء الدین بحر العلوم شهید سید جعفر بحر العلوم



شهید سید علی بحر العلوم شهید سید محمد جواد بحر العلوم شهید سید حسین بحر العلوم



شهید سید محمد رضا بحر العلوم شهید سید محمد حسین بحر العلوم شهید سید مصطفی بحر العلوم



آرامگاه
علاقه
بحر العلوم و
تعدادی از
قرزندان و
نوادگانش در
مسجد شیخ
طوسی قرار
دارد.



حساسی ما را تنها می‌گذاری؟!
 شیخ انصاری گفت: رفته بودم به مسجد سهله تا برای بهبود حال شما دعا کنم.
 صاحب جواهر گفت: زمام امور دینی را که به من مربوط است به تو می‌سپارم و پس از من مرجع مردم شما هستید.
 صاحب جواهر روز اول شعبان ۱۲۶۶ هـ.ق وفات کرد؛ شیعیان بسیار احترام کردند و پیکر او را در مقبره‌ای که خودش در جنب مسجدش آماده کرده بود، دفن کردند.

□ تلخیص از کتاب گلشن ابرار، ج ۱، ص ۳۵۳

آورد. برخی از شاگردان او عبارتند از: آیه‌الله سید حسین کوه‌گمری، آیه‌الله شیخ جعفر شوشتری، ملاعلی کنی و شیخ محمد ابروانی.
 شیخ انصاری درباره کتاب جواهر می‌گفت:
 برای مجتهدی که می‌خواهد احکام الهی را استنباط کند، کافی است که این کتاب و کتاب «وسایل الشیعه» شیخ حر عاملی را داشته باشد. آیه‌الله نجفی از ۲۵ سالگی شروع به نوشتن کتاب جواهر کرد و در مدت ۳۲ سال آن را تکمیل کرد. علامه سید محسن امین می‌گوید: در فقه اسلام کتابی مانند جواهرالکلام نیست. صاحب جواهر، لباس تمیز می‌پوشید، ظاهری آراسته داشت، بسیار قانع و فروتن بود، برای شاگردانش احترام خاصی قایل بود، طلاب کوشا را گرمی می‌داشت.

ساختن گلدسته برای مسجد کوفه، احداث وضوخانه و مکانی برای سکونت خادمان مسجد سهله، احداث ساختمان حرم مسلم بن عقیل و حرم هانی در کوفه، از خدمات صاحب جواهر است. صاحب جواهر در اواخر ماه رجب سال ۱۲۶۶ هـ.ق به پستری بیماری افتاد، ایشان همه علمای بزرگ نجف را دعوت کرد و پس از این که همه آمدند نگاهی به آنسال کرد و گفت:

شیخ مرتضی انصاری کی‌است؟
 گفتند: نیامده است، گفت: او را بیاورید.
 شیخ انصاری را یافتند و آوردند، صاحب جواهر به شاگردش شیخ انصاری گفت: در چنین وقت

● محمد حسن نجفی (صاحب جواهر)



در سال ۱۲۰۰ هـ.ق در خانه شیخ محمد باقر نجفی، کودکی به دنیا آمد که محمد حسن نامیده شد. جد سوم محمد حسن از اصفهان به نجف اشرف رفت و در آن جا ساکن شد و به این ترتیب خاندان وی، لقب نجفی به خود گرفتند. محمد حسن، دوران کودکی خود را در دامان خاندان علم و فضیلت سپری کرد و وارد حوزه علمیه نجف شد. او دروس مقدماتی را به سرعت فراگرفت و در سایه تلاش زیاد، در جوانی به درس خارج فقه و اصول، راه یافت. محمد حسن، سالیان دراز در درس‌های اساتید بزرگی چون آیات عظام شیخ جعفر کاشف الغطاء، سید مهدی بحر العلوم، سید جواد عاملی و شیخ موسی کاشف الغطاء شرکت کرد و در ۲۵ سالگی به درجه اجتهاد رسید و به تدریس علوم اسلامی همت گمارد. تقریباً همه شاگردان صاحب جواهر از علمای بزرگ و سرشناس بودند که در گوشه و کنار جهان اسلام پراکنده شده و به مرجعیت رسیدند. تعداد شاگردان حوزه درسی صاحب جواهر را نمی‌توان به شماره

www.abbasjahir.com



● میرزا محمد حسن شیرازی



● شیخ مرتضیٰ انصاری

آیه الله العظمی میرزا محمد حسن شیرازی در سال ۱۲۳۰ هـ. ق در شیراز چشم به جهان گشود. میرزای شیرازی در سن ۸ سالگی مقدمات را به پایان برد و در ۲۹ سالگی وارد کربلا شد و پس از آن به نجف اشرف عزیمت کرد و در درس شیخ اعظم انصاری، شرکت جست و از خواص شاگردان او گردید.

پس از مرگ شیخ مرتضیٰ انصاری، در سال ۱۲۸۱ هـ. ق، زعامت شیعه به میرزای شیرازی محول گردید و او نزدیک به ۳۰ سال در این مقام به رفع مشکلات مردم و اداره حوزه‌های علمیه مشغول بود و هم‌زمان شاگردان بسیاری را به جامعه اسلامی تقدیم و کتب متعددی را تألیف کرد. میرزای نائینی، سید محمد کاظم یزدی، آخوند خراسانی، میرزا محمد تقی شیرازی معروف به میرزای دوم، شیخ فضل الله نوری، حاج میرزا حسین نوری و ده‌ها عالم دیگر از جمله شاگردان اویند.

فتوای تاریخی میرزای شیرازی، در معاهده انحصار تنباکو در زمان ناصرالدین شاه، چنان مردم را به صحنه کشاند که شاه قاجار مجبور به فسخ قرارداد استعماری تنباکو گردید.

وقتی میرزای شیرازی در سامرا سکونت گزید، تشیع بار دیگر در این شهر جان گرفته این ظهور ناگهانی تشیع، خشم عثمانی‌ها را برانگیخت. میرزا در ۸۲ سالگی چشم از جهان فرو بست و جسدش را از سامرا تا نجف تشییع کردند و در جوار مرقد امیرالمؤمنین (ع) به خاک سپردند.

نسب شیخ مرتضیٰ انصاری به جابر بن عبدالله انصاری، می‌رسد. پدرش شیخ محمد امیر (متوفی ۱۲۴۸)، از مبلغین اسلام و مادرش (متوفی ۱۲۷۹)، دختر یکی از علمای عصر خود بوده‌اند. مادر شیخ مرتضیٰ انصاری قبل از تولد وی، ششی امام جعفر صادق (ع) را در عالم رؤیا دید که قرآنی طلاکاری شده به او داد. معبرین خویش را به تولد فرزندی صالح و بلندمرتبه تعبیر کردند.

او در ۱۸ ذیحجه سال ۱۲۱۴، در روز غدیر، در ذوق به دنیا آمد. والدینش به مناسبت روز تولد، او را مرتضی نامیدند. از دوران کودکی قرآن و معارف اسلامی را فرا گرفت. پس از خواندن قرآن و ادبیات عرب، به فراگیری فقه و اصول پرداخت و در جوانی به درجه اجتهاد رسید.

پس از درگذشت صاحب جواهر، در سال ۱۲۶۶ هـ. ق، شیخ مرتضیٰ به مرجعیت عام شیعه رسید.

شیخ انصاری ریاست و اداره حوزه علمیه نجف را از سال ۱۲۶۶ تا ۱۲۸۱ هـ. ق، به مدت ۱۵ سال، به عهده داشت و مرجع تقلید شیعیان جهان به شمار می‌رفت.

شیخ در ۱۸ جمادی الثانی سال ۱۲۸۱ هـ. ق، در سن ۶۷ سالگی، در نجف درگذشت.

jabir.abbas@yahoo.com



آیت الله العظمی کاظم خراسانی

آیه الله العظمی سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، در یزد به دنیا آمد. مقدمات را در یزد آموخت، سپس به مشهد مهاجرت کرد و علم هیئت و ریاضیات را نزد اساتید این جا آموخت. در اصفهان نیز در محضر آقا نجفی اصفهانی، صاحب روضات الجنات و عده ای دیگر از اساتید وقت، شاگردی نمود و در سال ۱۲۸۱ به نجف مهاجرت کرد و از محضر میرزای شیرازی، شیخ راضی نجفی و مهدی کاشف الغطاء بهره مند شد.

پس از مهاجرت میرزای شیرازی به سامرا، وی عهده دار تدریس فقه در نجف گردید. سید، زندگی زاهدانه ای داشت و شاگردان زیادی را در حوزه نجف پرورش داد؛ کتاب «عروة الوثقی» از ایشان، مورد توجه فقها تا عصر حاضر قرار گرفته است. در مبارزه با استعمار انگلیس - «ثورة العشرين» - شرکت فعال داشت و فرزندش «سید محمد» را در این راه از دست داد. سرانجام در ۲۸ رجب سال ۱۳۳۷ در سن ۹۱ سالگی، چشم از جهان فرو بست و در حرم امام علی (ع) در نجف دفن شد. قسمتی از مناجات نامه اش:

فکر خود کن تا که داری عقلی
شرم بادت از خدای لایزال
توشه ای از بهر خود همراه کن
خورده خورده روی کن سوی خدای

کافلما، تا کسی به خواب غفلتی
کافلما عمرت هدر شد در خیال
کافلما برخیز و فکر راه کن
کافلما از بی خودی سوی خود ای

مهمترین تألیفات ایشان کتاب «کفایة الاصول» است که اکنون در دوره های عالی حوزه تدریس می شود و از موجزترین، منقح ترین و عزیزترین رسائل و کتب اصولی مسلمانان است.

سرانجام این عالم فرهیخته در سحرگاه سه شنبه، ۲۰ ذی حجه ۱۳۳۹ قمری به طور مشکوکی رحلت کرد. مقبره ایشان در حجره ۲۶ حرم مطهر کنار مناره باب الساعة قرار دارد.



سید محمد کاظم یزدی

آیه الله العظمی سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، در یزد به دنیا آمد. مقدمات را در یزد آموخت، سپس به مشهد مهاجرت کرد و علم هیئت و ریاضیات را نزد اساتید این جا آموخت. در اصفهان نیز در محضر آقا نجفی اصفهانی، صاحب روضات الجنات و عده ای دیگر از اساتید وقت، شاگردی نمود و در سال ۱۲۸۱ به نجف مهاجرت کرد و از محضر میرزای شیرازی، شیخ راضی نجفی و مهدی کاشف الغطاء بهره مند شد. پس از مهاجرت میرزای شیرازی به سامرا، وی عهده دار تدریس فقه در نجف گردید. سید، زندگی زاهدانه ای داشت و شاگردان زیادی را در حوزه نجف پرورش داد؛ کتاب «عروة الوثقی» از ایشان، مورد توجه فقها تا عصر حاضر قرار گرفته است.

در مبارزه با استعمار انگلیس - «ثورة العشرين» - شرکت فعال داشت و فرزندش «سید محمد» را در این راه از دست داد. سرانجام در ۲۸ رجب سال ۱۳۳۷ در سن ۹۱ سالگی، چشم از جهان فرو بست و در حرم امام علی (ع) در نجف دفن شد. قسمتی از مناجات نامه اش:

فکر خود کن تا که داری عقلی
شرم بادت از خدای لایزال
توشه ای از بهر خود همراه کن
خورده خورده روی کن سوی خدای

کافلما، تا کسی به خواب غفلتی
کافلما عمرت هدر شد در خیال
کافلما برخیز و فکر راه کن
کافلما از بی خودی سوی خود ای

مرعشی نجفی.

مشهورترین اثر آیه الله العظمی اصفهانی، کتاب «وسيلة التجدد» است، بسیاری از فقها و مراجع تقلید، بر این کتاب حاشیه زده و شرح نوشته‌اند که تحریر وسیله امام خمینی رحمه الله نمونه‌ای از آنهاست. فروتنی، خویش داری، ایثار، ساده‌زیستی، سخاوت و توسل به امامان معصوم علیهم السلام از ویژگی‌های بارز اخلاقی‌اش بود.

آیه الله اصفهانی، تبلیغ اسلام را منحصر به کشور عراق نکرده بود، بلکه در دیگر نقاط جهان در حدود ۳۰۰۰ وکیل داشت.

وی در سن ۸۱ سالگی، یعنی در سال ۱۳۶۵ هـ.ق، در کانلمین دار فانی را وداع گفت؛ پیکرش را به نجف انتقال داده و در صحن مطهر امیرالمؤمنین علیه السلام و در کنار قبر فرزند شهیدش - سید محمد حسن - و آخوند خراسانی به خاک سپردند.



سید ابوالحسن اصفهانی

آیه الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی به سال ۱۲۸۴ هـ.ق، در روستای «مدیسه» لنجان اصفهان، یا به عرصه وجود نهاد.

درس‌های مقدماتی را در زادگاه خود خواند و سپس در حدود ۱۰ مجلس از مجالس درس استادان اصفهان شرکت می‌کرد.

در ۲۳ سالگی رهسپار عراق شد، وی در سامرا، تسلط علمی‌اش را نشان داد و در شمار شاگردان خاص میرزای شیرازی قرار گرفت. سپس به نجف رفت و از محضر بزرگانی چون میرزا حبیب الله رشتی، سید محمد کاظم یزدی، آخوند خراسانی و میرزا محمد تقی شیرازی استفاده کرد.

پس از وفات آیه الله نائینی، مقام مرجعیت دینی شیعه منحصر در وجود آیه الله العظمی اصفهانی شد و مدت ۱۰ سال ردای سنگین مرجعیت را بر دوش داشت. تعلای از شاگردانی وی عبارتند از: علامه طباطبائی، میرزا হাসم امینی، آیه الله سید محسن حکیم، آیه الله سید هادی میلانی، آیه الله گلپایگانی، شهید دستغیب، شهید مدنی و آیه الله



میرزا محمد حسین نائینی

آیه الله میرزا محمد حسین نائینی، در سال ۱۲۷۷ هـ.ق در شهر نائین از توابع اصفهان به دنیا آمد. پدرش، شیخ الاسلام میرزا عبدالرحیم بود.

میرزا تحصیلات ابتدایی را در نائین آغاز کرد، ۱۷ ساله بود که رهسپار اصفهان شد و دروس عالی فقه، اصول، فلسفه و حکمت را در آن جا آموخت.

در سال ۱۳۰۳ هـ.ق راهی نجف و سپس سامرا شد تا از محضر میرزای شیرازی استفاده کند. بعد از رحلت میرزای شیرازی (سال ۱۳۱۴ هـ.ق) به کربلا رفت و بعد از ۲ سال به نجف بازگشت. نائینی از اساتید بزرگی مانند: جهانگیرخان قشقایی، سید اسماعیل صدر، میرزای شیرازی، ملاحسین قلی همدانی، آخوند خراسانی و ... کسب فیض نمود.

درس فقه و اصول میرزای نائینی، پس از حوزه درس آخوند خراسانی، مقام اول را یافت.

آیه الله میرزای نائینی، در سال ۱۳۵۵ هـ.ق از دنیا رفت و پیکرش در جوار حرم مطهر امیرالمؤمنین علیه السلام به خاک سپرده شد.

jabir.abbas@yahoo.com



سید علی قاضی طباطبائی

حاج سید علی قاضی - فرزند حاج سید حسین قاضی - در ۱۳ ذی الحجة ۱۲۸۲ هـ.ق. در تبریز متولد شد. در سن ۲۶ سالگی به نجف اشرف مشرف شد و تا آخر عمر آن جا را موطن اصلی خویش قرار داد. در سن ۲۷ سالگی به درجه اجتهاد رسید و سرانجام در روز دوشنبه ۴ ربیع المولود ۱۳۶۶ در سن ۸۳ سالگی در نجف اشرف وفات کرد و در وادی السلام نزد پدر خود دفن شد.



وادی السلام - مقبره خانوادگی آیه الله قاضی طباطبائی

سالی بدین منوال گذشت و از اینکه مسای کتابی بودم و از رو می خواندم خیلی رنج می بردم؛ مایل بودم ناصحی نطق و ذاکری زبان آور باشم. به ائمه مخصوصاً سالار شهیدان علیه السلام متوسل بودم و در عین حال تا دل شب راه چاره می جستم تا به خواب می رفتم.

تا اینکه شبی در عالم رؤیا دیدم که گویی در صحرای کربلا هستم و دو لشکر متخاصم روبروی هم صف بسته اند. من خودم را فوراً به خیمه گاه حسینی رساندم، وارد خیمه شدم و سلام کردم. آن حضرت پس از التفاتی مرا به کنار خویش خواند و رو به حبیب بن مظاهر نمود و فرمود: حبیب، آب که جهت میهمان عزیز نداریم، با آن آرد و روغن غذایی برایش آماده کن.

حبیب برخاست و به دستور حضرت عمل نمود و من مختصری از آن غذا خوردم و بیدار شدم و از آن پس، از برگشتن آن غذا بدون همراه بردن کتاب، سخنرانی می کردم.

این زاهد پارسا در مراجعت از زیارت مشهد در عصر ۲۸ صفر سال ۱۳۰۳ هـ.ق. در «کربند» از توابع کرمانشاه وفات نمود. شیعیان عراق و ایران او را با احترام در نجف اشرف به خاک سپردند.



شیخ جعفر شوشتری

شیخ جعفر شوشتری در سال ۱۲۳۰ هـ. ق در شهر شوشتر متولد شد.

در کودکی همراه پدر به نجف اشرف رفت و از محضر بزرگانی چون: صاحب جواهر، شیخ مرتضی انصاری، شیخ علی کاشف الغطاء و دیگر بزرگان بهره برد و پس از ختمه درس، از نجف به زادگاه خویش مراجعت نمود. شوشتری مهارت علمی و استادی خویش را در آثار مهم خود به ثبوت رسانید.

کتاب «منهج الرشاد، فوائد المشاهد و خصائص الحسینیه» در فقه، اصول و امامت از یادگارهای اوست.

میرزا حسین نوری با شیخ شوشتری معاصر بود و حکایتی از زبان خود شیخ نقل می فرماید: «مذتی از روی کتاب «تفسیر صافی» موعظه می کردم و از روی کتاب «روضه الشهداء» برای آنها روضه می خواندم.



● حاج شیخ عباس قمی

شیخ عباس قمی، معروف به محدث قمی، از محدثان شیعی پرکار قرن ۱۴ هجری است که در سال ۱۲۹۴ هـ. ق (۱۲۵۳ هـ. ش) در قم متولد شد.

شیخ عباس در سن ۲۲ سالگی به نجف رفت و ۶ سال آنجا ماند. پس از آن دوباره به ایران برگشت و تا آخر عمر، یعنی تا ۶۵ سالگی در قم درس خواند و درس داد. معروفترین کتاب شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان است.

۶۳ جلد کتاب در رشته‌های رجال، اخلاق، فقه، کلام، لغت، ادعیه، تاریخ و به ویژه حدیث، از آثار باقی مانده محدث قمی است که برخی از آنها عبارتند از:

منتهی الامال، تاریخ ۱۴ معصوم، نفس المهموم، وقایع کربلا، الانوار البهیة، تاریخ ۱۴ معصوم، تنمۃ المنتهی، تاریخ خلفاء تحفة الاحیاء در علم رجال، شرح الوجیزة در علم حدیث، الکنی و الاقاب، زندگینامه علما، ترجمه مصباح المتجهد ادعیه، سبیل الرشاد در عقاید شیعه، ذخیره الابرار و تلخیص کتاب انیس التجار.



● ملا احمد نراقی

ملا احمد نراقی ۱۵ سال از ایام نوجوانی و جوانی اش را که عمده دوران تحصیلتی به حساب می‌آید شاگرد پدرش بود. در سال ۱۲۱۲ همراه پدر به عتبات عالیات رفت و هر دو در درس آقا محمد باقر وحید بهبهانی شرکت کردند سپس به ایران بازگشتند.

ملا احمد مجدداً به عراق رفت و پس از مدتی تحصیل، تدریس و تحقیق، به درجه اجتهاد رسید. در سال ۱۲۰۹ هـ. ق به دلیل فوت پدر، ناچار شد به زادگاهش - کاشان - بازگردد و به جای پدر، مسئولیت اداره حوزه علمیه و تدریس را به عهده بگیرد.

مسجد آقا بزرگ که برای نماز، تبلیغ و تدریس ملا مهدی نراقی موم ساخته شد، از زیباترین بناهای اسلامی به شمار می‌آید. او به دلیل بیماری و دلی عمومی و گسترده‌ای که در کاشان و اطراف آن (از جمله نراق) شیوع پیدا کرده بود، در اول شب یکشنبه بیست و سوم ربیع الثانی سال ۱۲۲۵ هـ. ق در نراق وفات کرد و در نجف، در صحن علی بن ابیطالب (ع) و در کنار آرامگاه پدرش دفن شد.



● ملا مهدی نراقی

حاج ملا محمد مهدی نراقی معروف به «محقق نراقی» کنار فرزندش ملا احمد نراقی در صحن امیرالمؤمنین (ع) مدفون است.

این دو به قاضین نراقی معروف‌اند. ملا مهدی بیشتر دوران تحصیل را در اصفهان گذراند؛ سپس به نجف و کربلا رفت و از محضر ساداتی چون: وحید بهبهانی و شیخ یوسف بحرانی صاحب حدائق - بهره برد، او بعد به کاشان برگشت و به برکت وجودش، آن شهر، دارالعلم، دارالتحقیق و مجمع علما گردیده است.

مرحوم ملا مهدی نراقی دارای تألیفات بسیار در زمینه فقه، اصول، فلسفه، کلام، تفسیر، ادبیات، ریاضی و نجوم است. برخی تألیفات وی عبارتند از: لوامع جامع السعادات در علم اخلاق، مشکلات العلوم، انیس التجار، معتمد التبیعة، التحفة الرضویة، التجرید و محرق القلوب.

این عالم ربانی در روز شنبه ۱۸ شعبان ۱۲۰۹ در سن ۸۱ سالگی در کاشان به دیار ابدی شتافت. پیکر پاکش، با شکوه و عظمت تشییع شد و سپس به نجف اشرف منتقل گردید و در صحن امیرالمؤمنین (ع) به خاک سپرده شد.

jabir.abbas@yahoo.com



● شیخ آقا بزرگ تهرانی

شیخ آقا بزرگ تهرانی که نام اصلی او محمد محسن بود و بعدها در سال ۱۹۳۱ م. لقب «متزوی» گرفت، از دانشمندان کتاب‌شناس قرن چهاردهم هجری است و با تألیف دائرة المعارف بزرگ «الذریعه» و کتاب «طبقات اعلام الشیعه» گامی بزرگ در شناسایی آثار و نسخ خطی اسلامی در حوزه‌های مختلف علوم برداشت. وی در شب پنجشنبه: ۱۱ ربیع الأول ۱۲۹۳ هـ.ق. در تهران به دنیا آمد و در ۱۳ ذیحجه ۱۳۸۹ هـ.ق. در نجف از دنیا رفت.



● شیخ محمد غروی اصفهانی

آیه الله محمد حسین غروی اصفهانی در روز دوم محرم ۱۲۹۶ هـ.ق. در کاظمین به دنیا آمد و در ۵ ذی حجه ۱۳۶۱ هـ.ق. در نجف درگذشت. وی در علوم قزوینی تبحر داشت و در اشعارش «مقتدر» تخلص می‌کرد.

۲۰ ساله بود که به سامرا مشرف شد. ۱ سال بعد، با مهاجرت میرزای شیرازی از سامرا به نجف، علامه نیز به نجف مهاجرت کرد و از اساتیدی چون آقا رضا اصفهانی، شیخ محمد طاهای نجف، آخوند خراسانی، شیخ الشریعه اصفهانی، سید محمد کاظم یزدی و میرزا حسین نوری بهره‌ها برد.

شرف الدین در ۳۲ سالگی به درجه اجتهاد رسید و در سال ۱۳۲۲ هـ.ق. رهسپار جبل عامل شد. علامه در سال ۱۳۲۹ هـ.ق. راهی دیار مصر شد و با شیخ سلیم - مفتی بزرگ دانشگاه الازهر - دیدار داشت که میباحثات و مکاتبات این دو عالم که در کتاب «المراجعات» آمده در راه اتحاد ملل مسلمان تأثیرگذار بود. علامه در سال ۱۳۳۰ هـ.ق. عازم لبنان شد و رهبری مردم جبل عامل را تقبل کرد.

علامه سال ۱۳۷۷ هـ.ق. در بیروت از دنیا رفت؛ پیکرش را به نجف انتقال دادند و در صحن مطهر امام علی (ع) به خاک سپردند.

پس از رحلت علامه شرف الدین، امام موسی صدر رهبری شیعیان لبنان را به عهده گرفت.



● سید عبادالحسین شرف الدین

علامه شرف الدین عاملی، در سال ۱۳۹۰ هـ.ق. در شهر کاظمین عراق به دنیا آمد. پدرش، سید یوسف، از علمای کاظمین بود. ۱ ساله بود که به همراه پدر و خانواده‌اش عازم نجف شد و از سن ۶ سالگی مشغول آموختن علوم دینی شد و بعد از ۲ سال به همراه پدر به جبل عامل مهاجرت کرد.

jabir.abbas@yahoo.com

• علامه امینی



شیخ عیدالحسین امینی، معروف به علامه امینی - صاحب الغدير - در سال ۱۳۲۰ هـ.ق مطابق با ۱۲۸۱ هـ.ش در روستای «سردها» از توابع شهرستان سراب به دنیا آمد.

علامه‌ی امینی را غیر از الغدير، تألیفات ارزشمند دیگری است، هم‌چون: تحقیق و تعلیق بر کتاب کامل‌الزیارات، سیرتنا و سنتنا، سیره نبینا، اعلام‌الانام فی معرفة الملک، شهنای راه فضیلت، تفسیر سوره حمد، ثمرات الأسفار، رساله در علم درایه، رساله در نیت، ریاض الاتسار، راه و روش ما، راه و روش پیامبر ماست،



اما گل سرسبد تألیفات علامه که حاصل زحمات ۴۰ ساله و موجب شهرت ایشان در ممالک اسلامی است، کتاب بی‌مانند «الغدير» می‌باشد.

کتاب الغدير در حسن تنظیم و انشاء بسیار ممتاز است و کثرت منابع و نقل مدارک که به فرموده خود علامه بیش از ده هزار

جلد می‌باشد و استنتاج به تجزیه و تحلیل، کشف اغراض سوء مخالفان در کتب خودشان، پرده برداشتن از چهره شخصیت‌های مغرض و خیانتکار ناقضین اخبار، شناسایی روایات مجهول از راویان مجهول الهویه و غیر این‌ها، از ویژگی‌های بسیار استثنایی و بی‌مانند این کتاب محسوب می‌شود.

تلاش بی‌وقفه، معمار مدینه غدیر راه دچار فتور جسمانی کرد و بیمارارش نمود؛ بیماری اندک اندک رو به قزونی گرفت تا این که آن پیر فرزانه و فقیه پرمایه در روز جمعه ۱۲ تیر ماه ۱۳۴۹ هـ.ش برابر با ۲۸ ربیع الثانی ۱۳۹۰ هـ.ق نزدیک اذان ظهر در آستانه ۷۰ سالگی، به ملکوت اعلی پیوست. روز بعد پیکر پاک وی در تهران تشییع و پس از چند روز به

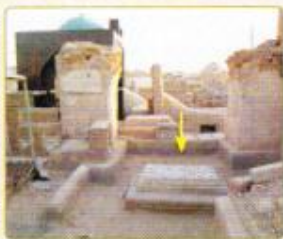
نجف اشرف حمل و در آن جا بعد از تشییع و طواف گرد مزار دوست در کتابخانه عمومی، که خود تأسیس کرده بود، به خاک سپرده شد. او رفت ولی «الغدير» وی چراغ خانه دل‌های باصفا و مشعل هدایت امت تا طلوع خورشید ولایت شد.



jabir.abbas@yahoo.com

کنار امام ادامه داد. در سال ۴۸ به دنبال يك سلسله فعالیت علیه رژیم بعثی عراق، دستگیر و به بغداد منتقل شد. سرانجام در نیمه شب اول آبان ۱۳۵۶، به شکل مرموزانه‌ای به شهادت رسید.

شهادت سید مصطفی خمینی، نهضت اسلامی ایران را جان تازه‌ای بخشید و به شکل انقلابی فراگیر درآمد که پس از ۱۵ ماه منجر به سقوط رژیم پهلوی شد. شاید به همین جهت بود که امام خمینی به شهادت ایشان را از الطاف خفیه الهی دانستند.



● شهید رئیس علی دلواری

قهرمان مبارزه با استعمار انگلیس
از خطه تنگستان بوشهر
وادی السلام، نزدیک مقام صاحب الزمان

فی علم التفسیر، نفحات الاعجاز فی علوم القرآن، منهج الصالحین، معجم رجال حدیث (۴۲ مجلد در علم رجال)، آیه الله العظمی خویی در ۱۷ مرداد ۱۳۷۱ هـ.ش در نجف از دنیا رفت و در حرم مطهر امیرالمؤمنین (ع) به خاک سپرده شد.



● شهید سید مصطفی خمینی

شهید سید مصطفی خمینی فرزند امام خمینی در سال ۱۳۰۹ در قم متولد شد و در سن جوانی به درجه اجتهاد نائل شد. وی از سال ۱۳۴۲ که نهضت امام خمینی آغاز شد، همواره در کنار امام و مشایخ ایشان بود. پس از ۱۵ خرداد، به علت اقدامات اعتراضی نیز خود بر علیه رژیم شاه توسط ساواک دستگیر شد و به ترکیه تبعید شد.

ایشان پس از ورود به نجف، در کنار برنامه‌های درسی و علمی، مبارزه با



● سید ابوالقاسم خویی

آیه الله العظمی سید ابوالقاسم خویی رجب ۱۳۱۷ هـ.ق در شهر خوی به دنیا آمد. به همراه پدرش به نجف آمد و از محضر بزرگانی چون مهدی مارندران، ضیاءالدین عراقی و میرزای نائینی بهره برد.

آیه الله العظمی خویی در حوزه‌های مختلف علوم حوزوی صاحب رأی بود و شاگردان بسیاری تربیت کرد، از جمله: شهید سید محمد باقر صدر، سید علی سیستانی، میرزا جواد آقا تبریزی، حسین وحید خراسانی، امام موسی صدر، محمد اسحاق فیاض، سید عبدالکریم موسوی اردبیلی، میرزا علی فلسفی، سید محمد صادق روحانی، سید محمد شیرازی، عبدالکریم حق شناس، سید جلال الدین فقیه ایمانی، سید محمد حسین فضل الله و عاصف محسنی.

از وی کتب بسیاری به یادگار مانده است چون: اجود التغيرات در اصول فقه، البیان



آیه‌الله حکیم در ۲۷ ربیع‌الاول ۱۳۹۰ در سن ۸۴ سالگی درگذشت. تشییع جنازه او که در آن صدها هزار نفر شرکت داشتند، به تظاهرات وسیعی بر ضد رژیم بعث عراقی تبدیل شد. او را در نجف اشرف در جنب کتابخانه خود دفن کردند.

خاندان حکیم، خاندان شهادت

در خلال حدود ۲۴ سال، بیش از ۵۰ نفر از خاندان حکیم به دست حزب بعث حاکم بر عراق به شهادت رسیدند.

پس از خاندان حکیم، می‌توان از خاندان‌های «صدر»، «شیر» و «بحرالعلوم» یاد کرد که متحمل آسیب‌های فراوانی از سوی رژیم بعث حاکم بر عراق شدند.

اسلامی، فعال بود و اعلامیه‌های متعددی راجع به فلسطین و نجات بیت‌المقدس صادر نمود. وی، پس از رحلت آیه‌الله بروجردی در سال ۱۳۴۰، به مرجعیت عامه شیعیان جهان رسید و با صدور نامه اعلامیه و تلگراف، از مواضع علمای ایران به رهبری امام خمینی، حمایت می‌کرد و حمله به مدرسه فیضیه در فروردین ۱۳۴۲ را به شدت محکوم کرد.

آیه‌الله حکیم، آثار ارزشمندی از خود برجای گذارد. برخی از آن‌ها عبارتند از: مستمسک العروة الوثقی، نهج الفقاهة، حقائق الاصول، دلیل المفاسد، رسالة فی اثبات الزوجة من الزوج، تعلیقه بر کتاب ریاض، رساله در درایه، مختصر منهاج الصالحین، جوابی بر نجات العباد، شرح تبصره علامه حلی، حاشیه بر رساله صلاتیه.



سید محسن حکیم

آیه‌الله العظمی سید محسن طباطبائی حکیم، در سال ۱۲۶۷ هـ. ق در نجف اشرف به دنیا آمد. پدرش، حاج سید مهدی حکیم، مرجع تقلید شیعیان بنت‌جنبل لبنان بود. سید محسن، ۷ ساله بود که پدرش را از دست داد و عمویش سید محمود، سرپرستش را عهده‌دار شد. سید محسن دروس مقدمات و مبادی فقه و اصول را خواند و در بیست و چند سالگی در درس خارج علمای بزرگ حاضر شد و در حوزه علمیه نجف درخشید. آیه‌الله حکیم در کمک به جنبش‌های آزادی‌بخش



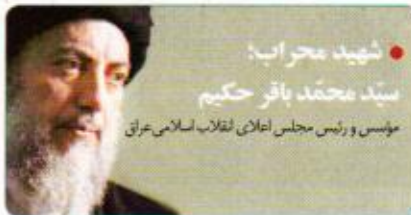
jabir.abbas@yahoo.com



● شهید عراب:

سید محمد باقر حکیم

مؤسس و رئیس مجلس اعلاى انقلاب اسلامى عراق



◀ مرحوم سید عبد العزيز حکیم

جمله مؤسسه شهید صدر، موسسه‌های پزشکی - درمانی و مرکز مستند حقوق بشر در عراق اقدام کرد.

سرانجام در روز جمعه و نخستین روز از ماه رجب سال ۱۴۳۴ هـ. ق، آیه‌الله سید محمد باقر حکیم، پس از اقامه نماز جمعه، هنگام خروج از حرم علوی، در اثر انفجار خودروی بمب‌گذاری شده، به همراه ۸۳ نفر از همراهانشان به شهادت رسید.

پس از شهادت حکیم، برادرش سید عبدالعزیز حکیم، به ریاست مجلس اعلا برگریده شد. وی پس از سالیانی درد و رنج ناشی از بیماری سرطان ریه، سرانجام روز ۵ رمضان ۱۴۳۱ هـ. ق در تهران در گذشت. پیکر آخرین فرزند سید محسن حکیم را، به نجف انتقال دادند و در جوار مرقد برادرش سید محمد باقر، کنار میدان ثورة العشرین، به خاک سپرده شد. هم اکنون سید عمار حکیم، فرزند سید عبدالعزیز، ریاست مجلس اعلا را به عهده دارد.

سید محمد باقر حکیم، پس از شهادت آیه‌الله سید محمد باقر صدر، در سال ۱۹۸۰ م. و چند ماه پیش از آغاز جنگ تحمیلی عراق، به ایران مهاجرت کرد و در ایران، مجلس اعلاى انقلاب اسلامى عراق را تأسیس کرد و از سال ۱۹۸۶ م. تا زمان شهادتش، به عنوان رئیس این تشکّل فعالیت داشت. وی همچنین در تأسیس نیروهای داوطلب نظامی «سیاه بدر» نقش موثری داشت.

شهید همچنین به تأسیس مؤسسه‌های خبریه از

آیه‌الله سید محمد باقر حکیم، فرزند آیه‌الله العظمی سید محسن حکیم، در روز ۳۰ جمادی الاول ۱۳۵۸ هـ. ق در شهر نجف دیده به جهان گشود. وی نزد پدرش رشد یافت و علوم دینی را از او فراگرفت. در سال ۱۳۷۵ هـ. ق، وارد سطوح عالیّه شد و نزد برادران بزرگتر خود، آیه‌الله سید یوسف و آیه‌الله سید محمدحسین حکیم، و همچنین نزد آیه‌الله العظمی سید ابوالقاسم خونی و آیه‌الله العظمی شهید سید محمد باقر صدر، به تحصیل پرداخت و در سن ۲۵ سالگی از آیه‌الله شیخ مرتضی آل یاسین درجه اجتهاد دریافت کرد.

شهید، کفایه الاصول را در مسجد هندی در نجف اشرف تدریس می‌کرد و از سال ۱۹۶۴ م. تدریس در رشته علوم قرآنی را در دانشکده اصول دین، در بغداد آغاز کرد. وی همچنین در ایران، در دانشگاه‌های امام صادق (ع) و مذاهب اسلامی، علوم قرآنی و علم اصول درس می‌داد. وی همراه با آیه‌الله سید محمد باقر صدر، در بازبینی کتاب‌های «فلسفتنا و اقتصادنا» نقش داشت. همچنین تألیف‌های ارزشمندی از شهید حکیم به یادگار مانده است.

شهید سید محمد باقر حکیم بارها توسط دولت وقت عراق، مورد هدف اقدامات تروریستی قرار گرفت.



◀ مجتمع فرهنگی و مرقد شهید آیه الله سید محمد باقر حکیم و برادرش سید عبدالعزیز.

نجف اشرف متداول بود، پسندیده نکرد بلکه به سایر موضوعات و دیدگاه‌های فکری اسلامی چون فلسفه، اقتصاد، منطق، اخلاق، تفسیر و تاریخ نیز پرداخت و در هریک از این زمینه‌ها مباحثی ژرف و فراگیر را مطرح کرد. از جمله مهم‌ترین آثار قلمی ایشان می‌توان به کتاب‌های فلسفتنا، اقتصادنا، غایه الفکر فی علم الاصول، فذک فی التاریخ، بحث حول المهدی و ده‌ها اثر ارزشمند دیگر اشاره کرد.

پس از رحلت مرحوم آیه الله حکیم، به دنبال یک نبرد طولانی با حزب بعث عراق، شهید صدر به تدریج، به عنوان یک رهبر شناخته شده مورد توجه خاص مردم قرار گرفت. این عالم وارسته به علت مبارزات خستگی‌ناپذیرش با حکومت بعثی عراق و همچنین حمایت بی‌دریغ وی از حرکت امام خمینی و انقلاب اسلامی، بارها توسط رژیم بعثی عراق دستگیر، زندانی و شکنجه شد. در آخرین مرحله، بعثیان عراقی، دست به دسیسه‌ی تازه‌ای زدند و آیه الله العظمی صدر را در خانه خود زندانی کرده و از رفت و آمد مردم به خانه‌اش به طور جدی جلوگیری نمودند. ماه‌ها وضع به همین منوال گذشت، تا اینکه سرانجام در تاریخ ۱۹ جمادی الاولی ۱۴۰۰ هـ.ق. ایشان را دستگیر کرده و به بغداد بردند و پس از شکنجه‌های فراوان در تاریخ ۲۲ جمادی الاولی ۱۴۰۰ هـ.ق. ۱۹ فروردین ۱۳۵۹ هـ.ش. ایشان و خواهرش بنت‌الهدی را به شهادت رساندند. اندیشه‌ها و کتب شهید صدر بر روی قانون اساسی جمهوری اسلامی اثرگذار بوده است.



سید محمد باقر صدر



● ثورة العشرين

انگلیس در سال (۱۳۳۲/۱۹۱۴م.) به عراق یورش برد. در آن زمان مردم مسلمان عراقی به ندای جهاد مرجعیت لیبک گفتند. در نهایت این تحریکات به انتفاضه سال (۱۳۳۷/۱۹۱۸م.) نجف انجامید. در حالی که دو سال از انتفاضه نجف سپری نشده بود، انقلاب بزرگ ۱۹۲۰ عراق به وقوع پیوست و مرجعیت شیعه علیه اشغالگران قوی جهاد داد. علما ندای وحدت شیعه و سنی را مطرح کردند و علاوه بر یکپارچگی قبائل عرب، کردها و نیز به هماهنگی با اعراب فراخواندند. مرجعیت بارز آن زمان، شیخ محمد تقی حائری، مشهور به شیرازی بود که اهداف حقیقی انقلاب را بیان داشت. وقتی نیروهای انگلیسی خواستند که یک فرد انگلیسی را حاکم ثابت و دائم عراق تعیین کنند و عراقی‌ها نقش مشاور او را داشته باشند، چنین فتوا داد:

«هیچ مسلمانی نمی‌تواند غیرمسلمانی را برای حکومت مسلمانان انتخاب کند.»

پس از انقلاب ۱۹۲۰، مراجع سرشناسی چون مرحوم آصفهانی و میرزای نائینی، نقش مخالفت با قومیت را ادامه دادند و بیعت با ملک فیصل اول را که انگلیسی‌ها او را به عنوان پادشاه عراق تعیین کرده بودند، رد کردند. به یادبود آن انقلاب بزرگ، میدانی را در ابتدای راه نجف به کوفه به نام «ثورة العشرين» نامگذاری کرده‌اند و آن را به صورت یک «عگال» که نمادی از قبایل عرب است، طراحی کرده‌اند.

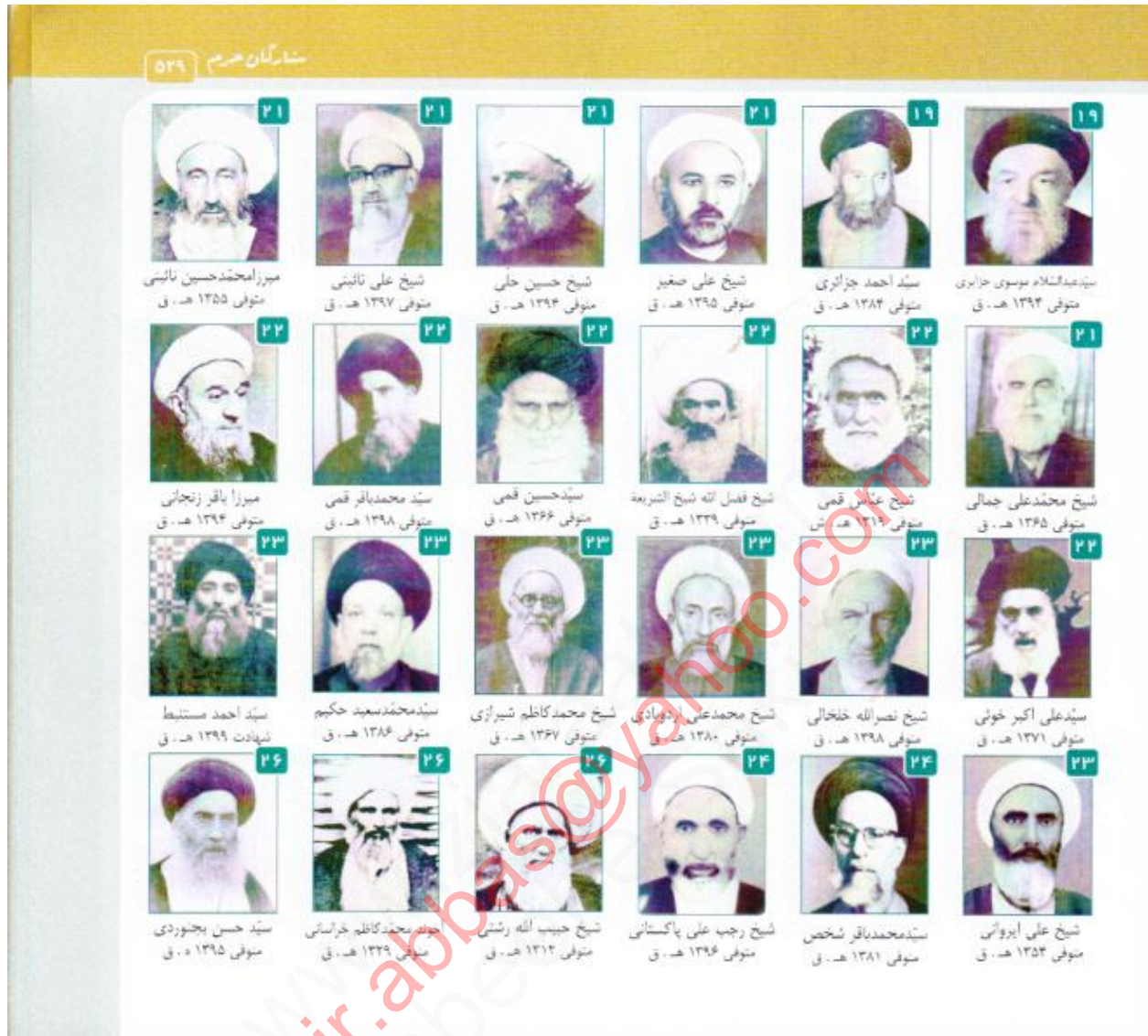
۱. عگال: جایی است که قبایل عرب عراق بر سر می‌نهادند.

jabir.abbas@yahoo.com

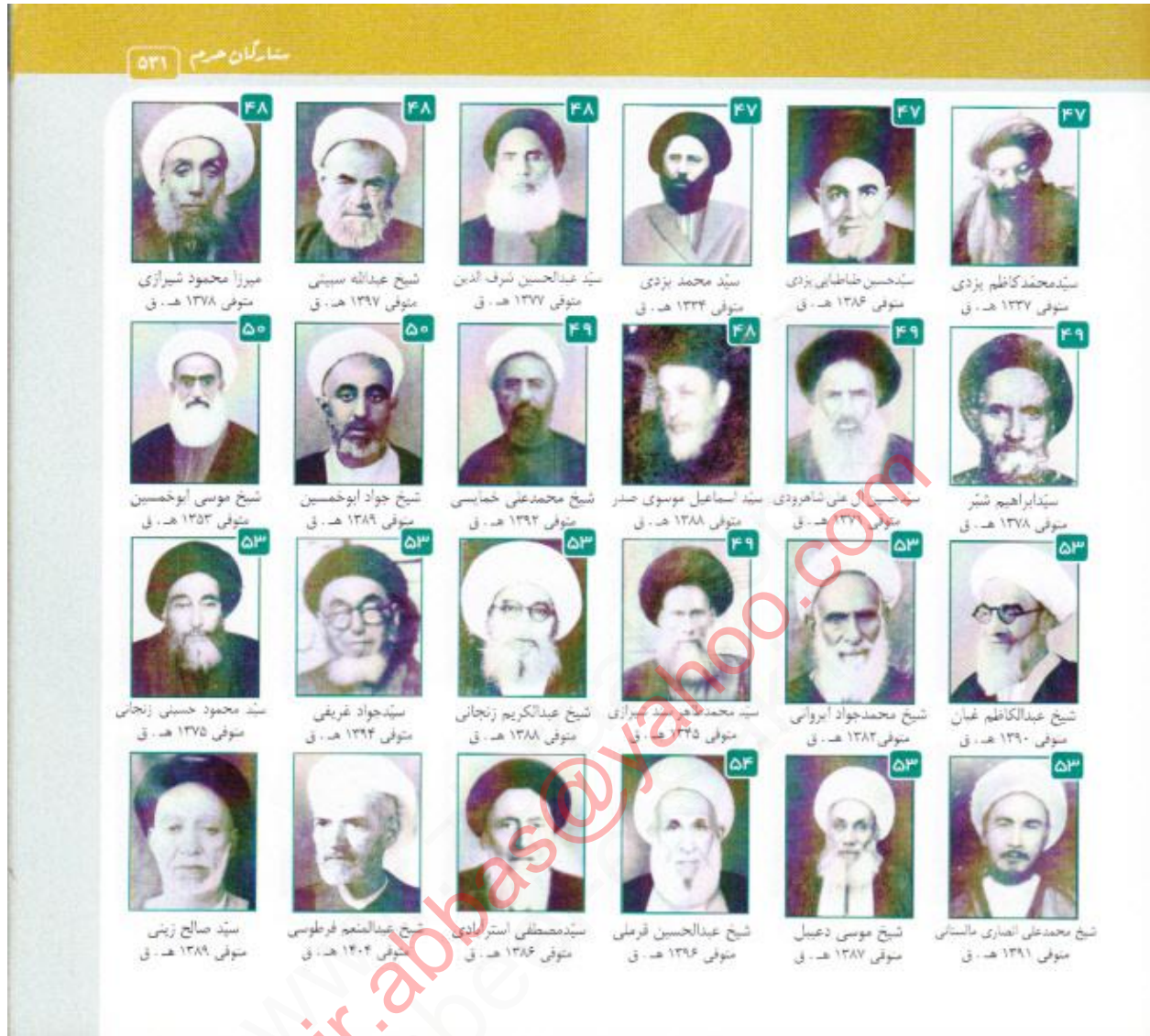

















 سید محمد علی ناسری
 متوفی ۱۳۸۹ هـ. ق.

 سید علی بهشتی
 متوفی ۱۴۰۶ هـ. ق.

 سید جمال الدین گلی‌باغی
 متوفی ۱۳۷۷ هـ. ق.

 شیخ محمد رضا مفاقر
 متوفی ۱۳۸۶ هـ. ق.

 سید عبدالاعلی سیرواری
 متوفی ۱۳۸۳ هـ. ق.

 سید حسین حمامی
 متوفی ۱۳ هـ. ق.

 شیخ مهدی الدین مامقانی
 متوفی ۱۳۸۷ هـ. ق.

 شیخ غلامحسین جمی
 متوفی ۱۳۸۷ هـ. ق.

 سید ابراهیم شیرازی
 متوفی ۱۳۹۶ هـ. ق.

 شیخ محمدحسین سعیم
 متوفی ۱۳۴۰ هـ. ق.

 سید مصطفی کاشانی
 متوفی ۱۳۳۷ هـ. ق.

 شیخ محمدحسین کاشانی
 متوفی ۱۳۳۳ هـ. ق.

 سید ابوتراب موسوی خوسروی
 متوفی ۱۳۳۶ هـ. ق.

 سید محمد مولانا
 متوفی ۱۳۶۳ هـ. ق.

 سیدحسین داماد
 متوفی ۱۳۸۲ هـ. ق.

 شیخ احمد خالصی راده
 متوفی ۱۳۳۰ هـ. ق.

 دکتر احمد والئی
 متوفی ۱۴۲۶ هـ. ق.

 میرزا جواد مجتهد تبریزی
 متوفی ۱۳۱۳ هـ. ق.

 سید محمود میرزانی
 شهادت ۱۴۱۱ هـ. ق.

 سید عبدالکریم موسوی کاظمینی
 شهادت ۱۴۰۲ هـ. ق.

 سید احمد میرزانی
 شهادت ۱۴۱۱ هـ. ق.

 سید محمود میرزانی
 شهادت ۱۴۱۱ هـ. ق.

 سید محمود تالی مرعشی
 شهادت ۱۴۱۱ هـ. ق.

 سید شیخ محمود هافت قورجانی
 شهادت ۱۴۰۲ هـ. ق.





• زیارت قبور علما "رضوان الله علیهم"

■ علمای بزرگوار اسلام که ادامه دهندگان راه پیامبر و امامان علیهم السلام می باشند، حق بزرگی به جامعه اسلامی دارند و زیارت قبور آنان به گونه ای قدردانی از حق آنان است؛ لذا از کتاب مزار مرحوم شیخ مفید رحمته الله نقل شده است که هنگام زیارت هر یک از آنان بگو:

السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بَحْرَ الْعُلُومِ وَ كَنْزَهَا، وَ مُحِیَّ الرُّسُومِ وَ مَرُوجَهَا، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا حَافِظَ الدِّینِ،
وَ عَوْنَ الْمُؤْمِنِینَ، وَ مَرْجَ شَرِیعَةِ سَیِّدِ الْمُرْسَلِینَ وَ آلِهِ الْاِئِمَّةِ الْمُعْصُومِینَ، عَلَیْهِ وَ عَلَیْهِمْ
أَفْضَلُ صَلَاةِ الْمُصَلِّینَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ أَنْهَا الشَّيْخُ الْعَالِمُ الْعَامِلُ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا عَضِدَ الْأَسْلَامِ
وَ فَقِیْهِ أَهْلِ الْبَيْتِ، عَلَیْهِمْ أَفْضَلُ الصَّلَاةِ وَ السَّلَامِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ أَنْهَا الْعَارِفُ الْمُؤَيَّدُ وَ الْعَابِدُ
الْمُسَدَّدُ، أَشْهَدُ أَنَّكَ الْأَمِينُ عَلَى الدِّینِ وَ الدُّنْيَا، وَأَنَّكَ قَدْ بَالِغْتَ فِي إِحْيَاءِ الدِّینِ، وَ اجْتَهَدْتَ فِي
حِفْظِ شَرِیعَةِ أَشْرَفِ الْأَوَّلِینَ وَ الْآخِرِینَ، عَلَیْهِ وَ آلِهِ صَلَوَاتُ الْمُصَلِّینَ، وَ اتَّبَعْتَ سُنَنَ الْأَبْرَارِ، وَ
رَوَيْتَ عَنْهُمْ الْأَخْبَارَ، وَ عَمِلْتَ بِمَا رَوَيْتَ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ أَظْهَرْتَ الْحَقَّ، وَ أَبْطَلْتَ الْبَاطِلَ، وَ سَهَّلْتَ
السَّبِيلَ، وَ أَوْضَحْتَ الطَّرِيقَ، وَ نَصَرْتَ الْمُؤْمِنِینَ، فَجَزَاكَ اللَّهُ عَنِ الْإِيْمَانِ وَ أَهْلِهِ أَفْضَلَ جَزَاءِ
التَّابِعِینَ، وَ حَشَرَكَ مَعَ النَّبِیِّینَ وَ الْوَصِیِّینَ، وَ الشُّهَدَاءِ، وَ الصَّالِحِینَ، وَ حَسَنَ أَوْلَیِّكَ رَفِیقًا، اللَّهُمَّ
امْلَأْ قَبْرَهُ نُورًا وَ رَوْحًا وَ رِیحَانًا، وَ اسْكُنْهُ فِي بُحْبُوحَةِ جَنَّةِ النَّعِیمِ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ

ستارگان حرم

علمای مدفون در کنار مضجع شریف امام حسین (ع)

• ابن فهد حلی

نامش احمد بن شمس الدین محمد بن فهد است و در سال ۷۵۷ هـ.ق در «حله» به دنیا آمد. ابن فهد حلی ۵۶ سال از مدت ۸۵ سال حیات خود را در حله به سر برده است. وی با تحصیل در حوزه علمیه حله و تلاش و زحمت شبانه‌روزی، عالمی بزرگ و قیّمی سترگ شد که در آسمان حله درخشید. ابن فهد در محضر استادانش همگام با ابعاد علمی به بالایش روح و تهذیب نفس پرداخت و در سال‌های آخر عمر به کربلا هجرت کرد و در آن دیار مرجعی پرنفوذ بود. این عالم بزرگوار، هرگز زمین کربلا را به قضای حاجتش آلوده نکرد تا حرمت حرم را حفظ کرده باشد و حریم آن پاک و معطر بماند. در کربلا باغی داشت که به باغ «نقیب علویان» معروف بود و در آن، با تولید محصول پاکیزه‌ای که خود کشت می‌کرد، زندگی می‌گذرانید. روزی در باغ بود که شخصی یهودی وارد شد و گفت: شما می‌گویید پیغمبرتان گفته: عالمان امت من از انبیای بنی اسرائیل برترند؟ احمد بن فهد جواب داد: آری! یهودی پرسید: نشانه این ادعا چیست؟ موسای کلیم عصا را از دها می‌کرد.

حضور سلطان به پایان رفت و ابن فهد حلی توانست حقانیت تشیع را به اثبات برساند. بدین ترتیب اسپند میرزا، حاکم بغداد، مذهب شیعه را اختیار کرد؛ سکه به نام دوازه امام زهد و مذهب شیعه راه مذهب رسمی حوزه حکمرانی‌اش قرار داد.

ابن فهد، سرانجام در سال ۸۴۱ هـ.ق در سن ۸۵ سالگی در گذشت و به سوی همان باغ نقیب علویان در کربلا تشییع و به خاک سپرده شد. قبر او اکنون در خیابان قبله حرم امام حسین (ع)، کنار مدرسه‌ای از مدارس علوم دینی قرار دارد و زیارتگاه عام و خاص است.



از راست به چپ: سید محمد رضا طوسی، سید عبدالحسین قزوینی، شیخ محمد گلپایس، میرزا مهدی شیرازی، سید محمد صادق قزوینی، سید محمد شیرازی، شیخ علی ترائی.

از چپ: آقای حاج حیدر واعظی کربلایی که در تکمیل تصاویر مشاهیر کربلا اهتمام نمودند، کمال امتنان داریم.



jabir.abbas@yahoo.com



علمای مدفون در کنار مضجع شریف امام موسی کاظم و امام جواد علیهما السلام

ستارگان
حرم

■ ابن قولویه قمی

ابوالقاسم جعفر بن محمد، استاد شیخ مفید و صاحب کتاب «کامل الزیارات»، وفات ۳۶۹: در رواق مطهر، پایین پای مبارک، نزدیک شیخ مفید.

■ خواجه نصیرالدین طوسی

۱۱ جمادی الاولی سال ۵۹۷ در طوس بدنیا آمد، روز عید غدیر سال ۶۷۲ در بغداد از دنیا رفت و در رواق بالای سر قبر مطهر دفن شد.

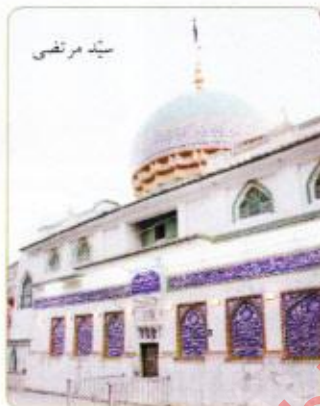


■ شیخ مفید

محمد بن محمد بن نعمان، ۱۱ ذی قعدة ۳۳۶ در عكبرای بغداد به دنیا آمد و ۳ رمضان ۴۱۳ از دنیا رفت. مردم بغداد به امامت سید مرتضی بر بدنش نماز خواندند و در رواق پایین پای امامین دفن شد. در عصر غیبت از حضرت حجت علیه السلام، تاکنون برای احادیثی توفیق صادر نشده مگر برای شیخ مفید. برخی معتقدند که شیخ در حلول ۳۰ سال، ۳۰ توفیق از ناحیه حضرت ولی عصر دریافت کرده است. شیخ طوسی، سید رضی و سید مرتضی از شاگردان او هستند.



◀ مرقده سید رضی و سید مرتضی جنوب شرقی حرم مطهر



سید مرتضی

سید مرتضی علم الهدی
سید مرتضی در سال ۳۵۵ هـ.ق در بغداد
به دنیا آمد و به سال ۴۳۶ از دنیا رفت. بدن
مطهرش را در خانه‌اش در محله کرخ بغداد به
امانت سپردند. پس از مدتی به کربلا منتقل
کردند و در کنار قبر پدرش، سید رضی، در
حرم اباعبدالله الحسین (ع) در مقبره نیای
بزرگش، ابراهیم مجانب، دفن گردید.
هم اکنون در سمت جنوب شرقی بیرون حرم
مطهر، مرقده‌ی برای آن بزرگوار و مرقده‌ی هم
به یاد برادرش سید رضی وجود دارد.



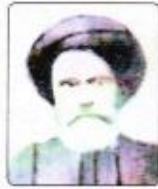
سید رضی



ستارگان حرم ۵۴۲



سید عبدالامیر حیدری



سید عبدالکریم حیدری



سید رازی مهدی حیدری



سید مصطفی حیدری



سید احمد مهدی حیدری



سید مهدی حیدری



سید قاسم میر قزق



سید حسن حیدری



سید محمد طاهر حیدری



سید علی تاجی حیدری



سید عباس حیدری



سید هاشم حیدری



سید هادی حسینی



شیخ مهدی نمدی



شیخ علی زنجانی



شیخ کارنم آل نوح



سید محمد طاهر آغرجی



سید عبداللطیف الوردی

با تشکر از حضرات حج
اسلام حاج سید علی
خراسانی، و حاج سید
عادل علوی که در تنظیم
این صفحات و تکمیل
تصاویر مشاهیر کانون
اهتمام نمودند



شیخ هادی شحیط



سید مهدی خراسانی



سید رضا خراسانی



سید حسن خراسانی



شیخ علی اکبر عسکری



شیخ حامد واعظی



سید ابراهیم خراسانی



سید علی علوی



سید محسن تبریزی



سید صدرالدین صدر

اعلام کاظمین مدفون در قم



سید حسن صدر



سید اسماعیل صدر



سید محمد باقر صدر



سید محمدصادق صدر



سید محمدصادق صدر

اعلام کاظمین مدفون در نجف اشرف

■ شیخ اسدالله کاظمینی

متوفی ۱۲۳۴ ه.ق.

■ محمد بن احمد بن داود

وفات ۱۳۶۸؛ مدفون بین کاظمین و بغداد.

■ سید عبدالله شیر

صاحب کتاب «تفسیر شیر» و «اخلاق»

متوفی ۱۱۸۸ ه.ق.

■ احمد بن محمد بن یوسف

(ابن الحجاج) ۲۷ جمادی الآخر ۳۹۱ وفات

یافت و در جوار کاظمین دفن شد.

■ سید محسن کاظمینی

وفات ۱۲۴۰ ه.ق.

■ سید ابراهیم حسینی بغدادی کاظمینی

وفات ۱۲۶۵ ه.ق. در رواق نزدیک قبر شیخ

مفید دفن شد. وی جد سادات کاظمین است

که معروف اند به آل سید حیلر.



ایضاً سید حسین صدر از علمای کاظمین

همراه با تولیت فعلی حرم کاظمین

■ شیخ جواد بغدادی کاظمینی

مدفون بین کاظمین و بغداد.

■ شیخ محمد حسن آل کبة

متوفی ۱۳۳۶ ه.ق.

■ احمد بن محمد بن یوسف بحرانی

صاحب کتاب ریاض المسائل، متوفی ۱۱۰۲

ه.ق. در عراق به مرض طاعون از دنیا رفت و

در کاظمین دفن شد.

■ سید محسن اعرجی

متوفی ۱۲۲۷ ه.ق.

■ عبدالله حسینی کاظمینی مشهور به بشر

صاحب کتاب «مثیر الاحزان»، وفات ۱۲۴۲.

که مایلید، اما در کاظمین نمی‌خواهم هیچ‌گونه تشریفاتی به عمل آورید و در حجره شخصی‌ای که برای خود در صحن حضرت موسی بن جعفر علیه السلام ساخته‌ام، دفن نمایید. علی فلسفی، مؤلف «مجموعه علمی» می‌گوید: شاید از صد نفر از بزرگان منبری شنیده‌ام که گفته‌اند: حاج فرهاد میرزا گفت:

می‌دانم تا بغداد برای من تشیع بی‌نظیری خواهد شد ولی فرزندان من! وقتی که نزدیک بغداد رسیدید جنازه مرا به روی تخته پاره‌ای بگذارید و چهار نفر حمال آن را بردارند و بدون هیچ تشریفاتی بلکه به صورت یک نفر غریب دفن کنید، چون از حضرت موسی کاظم علیه السلام خجالت می‌کشم. فرزندان به دستور او عمل کردند. یک دفعه دیدند از کاظمین جمعیت زیادی با عماري و پرچم‌ها آمدند به استقبال فرزندان آن مرحوم روی پشه جمعیت کرده و به متولی حرم که با جمعیت آمده بود، سفارش آن بزرگوار را گفتند.

متولی در جواب گفت: در خواب، موسی بن جعفر علیه السلام را دیدم که به من فرمود: با جمعیت و تشریفات بروید جنازه حاج فرهاد را بگیرید و با عزت تمام تشیع کنید.

این است نتیجه سرمایه‌گذاری در بانک موسی بن جعفر علیه السلام.

قبر فرهاد میرزا در اولین حجره باب المراد سمت راست کسی است که وارد حرم می‌شود.

بزرگان دین، ج ۴، سید نعمت‌الله حسینی



• فرهاد میرزا

عموی ناصرالدین شاه
و از سازندگان ساختمان حرم

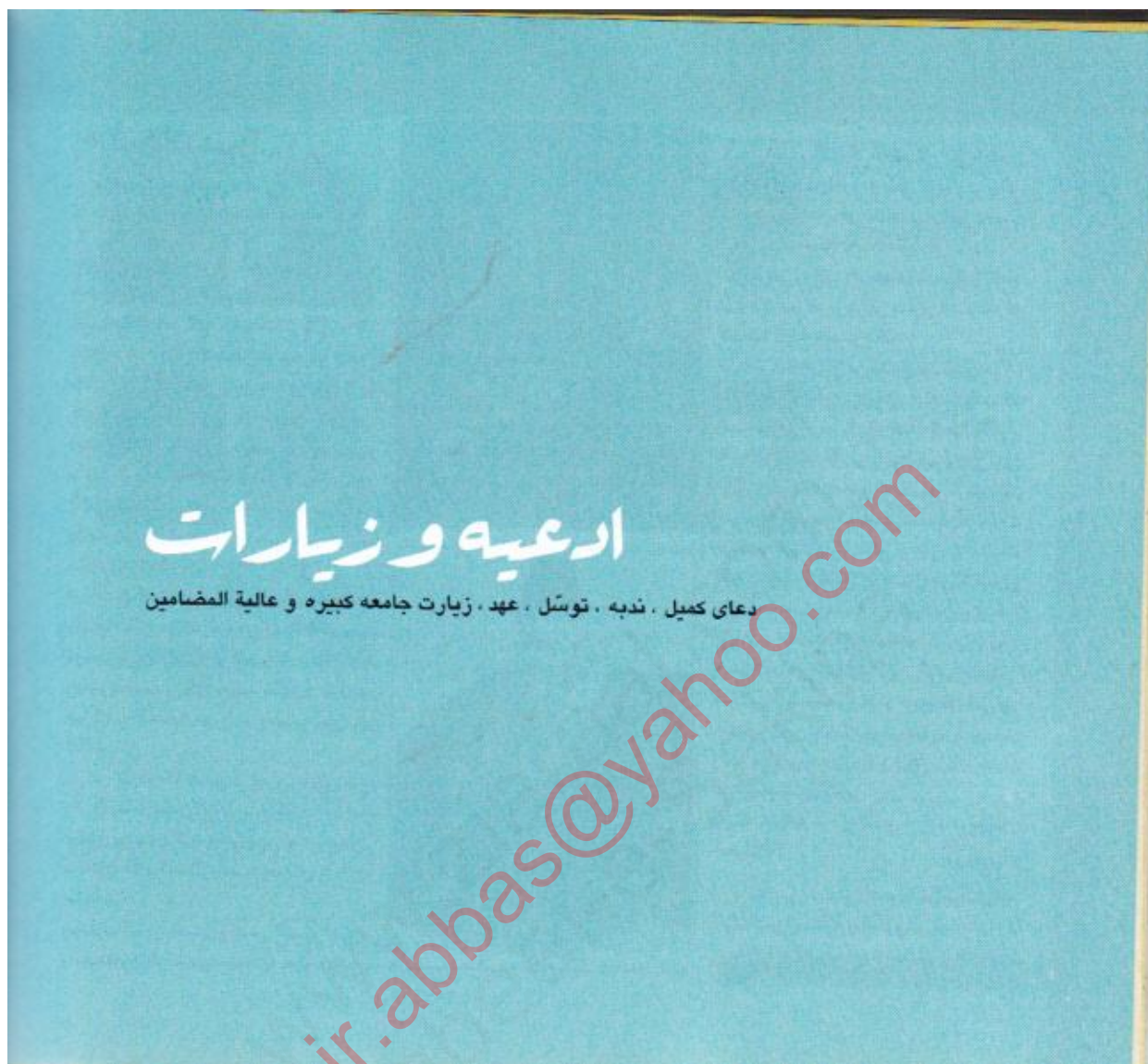
حاج فرهاد میرزا، پسر عباس میرزا - ولیعهد فتحعلی شاه - و عموی ناصرالدین شاه از دانشمندان نامی اسلام است. در سال ۱۳۰۰ هـ.ق. صحن، رواق، گنبد، تزیینات حرم و صحن مقدس حضرت موسی بن جعفر علیه السلام را به هزینه خود تعمیر نمود و یک ضریح نقره بسیار قیمتی هم تقدیم قبر آن حضرت کرد. بعضی به او اشکال کردند که شما از علما و مؤلف کتاب «مقام» و کتاب «جام جم» و غیره می‌باشید؛ یکصد هزار مثقال طلا برای ساختن این گنبد مصرف نمودید؟

در پاسخ گفت: ثروتمندان پول‌های خود را در بانک‌ها ذخیره می‌گذارند و من در بانک حضرت موسی بن جعفر علیه السلام و حضرت جواد علیه السلام و حضرت حسین علیه السلام سرمایه‌گذاری کردم و هم کتاب «مقام» خود را به حساب پس‌انداز گذاشتم.

وی در سال ۱۳۰۵ هـ.ق. در تهران مریض شد و در وقت احتضار که اکثر بزرگان در اطراف او جمع بودند و گریه و زاری می‌کردند، فرمان سکوت داد و گفت: از جمله وصایای من این است که:

پس از مرگ مرا غسل و کفن کنید؛ از تهران و شهرهای دیگر تشیع نمایید، به هر تشریفاتی

jabir.abbas@yahoo.com



• دعای کمیل

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ، وَبِقُوَّتِكَ الَّتِي قَهَرَتْ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ،
وَبِخَضَعِ لَهَا كُلَّ شَيْءٍ، وَذَلِّ لَهَا كُلَّ شَيْءٍ، وَبِجَبَرُوتِكَ الَّتِي غَلَبَتْ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ،
وَبِعِزَّتِكَ الَّتِي لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ، وَبِعِظَمَتِكَ الَّتِي مَلَأَتْ كُلَّ شَيْءٍ، وَبِإِسْلَاطِكَ الَّتِي
عَلَا كُلَّ شَيْءٍ، وَبِوَجْهِكَ الْبَاقِي بَعْدَ فَنَاءِ كُلِّ شَيْءٍ، وَبِأَسْمَانِكَ الَّتِي مَلَأَتْ أَرْكَانَ كُلِّ
شَيْءٍ، وَبِعِلْمِكَ الَّذِي أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ، وَبِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَضَاءَ لَهُ كُلَّ شَيْءٍ،
يَا نُورُ يَا قُدُّوسُ، يَا أَوَّلَ الْأَوَّلِينَ وَيَا آخِرَ الْآخِرِينَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ
الْعِصْمَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنْزِلُ النِّقَمَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ
النِّعَمَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُجَبِّسُ الدُّعَاءَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنْزِلُ
الْبَلَاءَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ، وَكُلَّ خَطِيئَةٍ أَخْطَأْتُهَا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ
إِلَيْكَ بِذِكْرِكَ، وَأَسْتَشْفِعُ بِكَ إِلَى نَفْسِكَ، وَأَسْأَلُكَ بِجُودِكَ أَنْ تُدْنِيَنِي مِنْ قُرْبِكَ، وَأَنْ

تُوْزِعْنِي شُكْرَكَ، وَأَنْ تُلْهَمْنِي ذِكْرَكَ، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ سُؤَالَ خَاضِعٍ مُّتَذَلِّلٍ خَاشِعٍ
 اَنْ تُسَامِحْنِي وَتَرْحَمْنِي وَتَجْعَلَنِي بِقِسْمِكَ رَاضِيًا قَانِعًا وَفِي جَمِيعِ الْاَحْوَالِ مُتَوَاضِعًا،
 اَللّٰهُمَّ وَاسْأَلُكَ سُؤَالَ مَنْ اَشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ، وَانْزِلْ بِكَ عِنْدَ الشَّدَائِدِ حَاجَتَهُ، وَعَظَمِ
 فِيمَا عِنْدَكَ رَغْبَتَهُ، اَللّٰهُمَّ عَظَمِ سُلْطَانَكَ وَعَلَامَكَ وَخَفِيَ مَكْرَكَ وَظَهَرَ اَمْرَكَ
 وَغَلَبَ قَهْرَكَ وَجَرَتْ قُدْرَتُكَ وَلَا يُمْكِنُ الْفِرَارُ مِنْ حُكُومَتِكَ، اَللّٰهُمَّ لَا اَجِدُ لِدُنُوْبِيْ
 غَافِرًا، وَلَا لِقَبَانِحِيْ سَاتِرًا، وَلَا لَشَيْءٍ مِنْ عَمَلِي الْقَبِيْحِ بِالْحَسَنِ مُبَدِّلًا غَيْرَكَ لَا اِلَهَ
 اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ ظَلَمْتُ نَفْسِيْ، وَتَجَرَّاتُ بِجَهْلِيْ وَسَكَنْتُ اِلَى قَدِيْمِ ذِكْرِكَ
 لِيْ وَمَنْكَ عَلَيَّ، اَللّٰهُمَّ مَوْلَايْ كَمْ مِنْ قَبِيْحٍ سَتَرْتَهُ وَكَمْ مِنْ فَادِحٍ مِنَ الْبَلَاءِ اَقْلَتَهُ وَكَمْ
 مِنْ عِثَارٍ وَقَيْتَهُ، وَكَمْ مِنْ مَكْرُوْدٍ دَفَعْتَهُ، وَكَمْ مِنْ ثَنَاءٍ جَمِيْلٍ لَسْتُ اَهْلًا لَهُ نَشَرْتَهُ،
 اَللّٰهُمَّ عَظَمِ بَلَانِيْ وَافْرَطِ بِيْ سُوءَ حَالِيْ، وَقَصُرَتْ بِيْ اَعْمَالِيْ وَقَعْدَتْ بِيْ اَغْلَالِيْ،
 وَحَبَسْنِيْ عَنْ نَفْعِيْ بَعْدَ اَمَلِيْ، وَخَدَعْنِي الدُّنْيَا بِغُرُورِهَا، وَنَفْسِيْ بِجِنَايَتِهَا وَمِطَالِيْ
 يَا سَيِّدِيْ فَاسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ اَنْ لَا يَحْجُبَ عَنْكَ دُعَائِيْ سُوءَ عَمَلِيْ وَفِعَالِيْ، وَلَا تَفْضَحْنِيْ

بِخَفِي مَا أَطْلَعْتَ عَلَيْهِ مِنْ سِرِّي، وَلَا تَعَاجِلْنِي بِالْعُقُوبَةِ عَلَى مَا عَمِلْتَهُ فِي خُلُواتِي
 مِنْ سُوءِ فِعْلِي وَإِسَاءَتِي وَدَوَامِ تَفْرِيطِي وَجَهَالَتِي وَكَثْرَةِ شَهَوَاتِي وَغَفْلَتِي، وَكُنِ اللَّهُمَّ
 بِعِزَّتِكَ لِي فِي كُلِّ الْأَحْوَالِ رَوْوفاً وَعَلَى فِي جَمِيعِ الْأُمُورِ عَطُوفاً إِلَهِي وَرَبِّي مَنْ
 لِي غَيْرُكَ أَسْأَلُهُ كَشْفَ ضُرِّي وَالنَّظَرَ فِي أَمْرِي، إِلَهِي وَمَوْلَايَ أَجْرَيْتَ عَلَيَّ حُكْماً
 اتَّبَعْتُ فِيهِ هَوَى نَفْسِي وَلَمْ أَحْتَرَسْ فِيهِ مِنْ تَزْيِينِ عَدُوِّي، فَغَرَّنِي بِمَا أَهْوَى وَأَسْعَدَهُ
 عَلَيَّ ذَلِكَ الْقَضَاءُ فَتَجَاوَزْتُ بِمَا جَرَى عَلَيَّ مِنْ ذَلِكَ بَعْضَ حُدُودِكَ، وَخَالَفْتُ بَعْضَ
 أَوْامِرِكَ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ وَلَا حُجَّةَ لِي فِيمَا جَرَى عَلَيَّ فِيهِ قِضَاؤُكَ
 وَالزَّمَنِي حُكْمَكَ وَبِلَاؤُكَ، وَقَدْ أَتَيْتُكَ يَا إِلَهِي بَعْدَ تَقْصِيرِي وَإِسْرَافِي عَلَيَّ نَفْسِي
 مُعْتَذِراً نَادِماً مُنْكَسِراً مُسْتَقِيلاً مُسْتَغْفِراً مُنِيباً مُقِرّاً مُذْعِناً مُعْتَرِفاً لَا أَجِدُ مَفْزَراً مِمَّا كَانَ
 مِنِّي وَلَا مَفْزَعاً أَتَوَجَّهُ إِلَيْهِ فِي أَمْرِي غَيْرَ قَبُولِكَ عُذْرِي وَإِذْخَالِكَ إِيَّايَ فِي سَعَةِ
 رَحْمَتِكَ اللَّهُمَّ فَاقْبَلْ عُذْرِي وَارْحَمْ شِدَّةَ ضُرِّي وَفَكْنِي مِنْ شَدِّ وَثَاقِي، يَا رَبِّ ارْحَمْ
 ضَعْفَ بَدَنِي وَرِقَّةَ جِلْدِي وَدِقَّةَ عَظْمِي، يَا مَنْ بَدَأَ خَلْقِي وَذَكَرِي وَتَرَبَّيْتِي وَبَرَى

وَتَغْذِيَّتِي هَبْنِي لِابْتِدَاءِ كَرَمِكَ وَسَالِفِ بَرِّكَ بِي يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي وَرَبِّي، أَتْرَاكَ مُعْذِي
 بِنَارِكَ بَعْدَ تَوْحِيدِكَ وَبَعْدَ مَا انْطَوَى عَلَيْهِ قَلْبِي مِنْ مَعْرِفَتِكَ وَلَهَجَ بِهِ لِسَانِي مِنْ
 ذِكْرِكَ، وَاعْتَقَدَهُ ضَمِيرِي مِنْ حُبِّكَ، وَبَعْدَ صِدْقِ اعْتِرَافِي وَدُعَائِي خَاضِعاً لِرُبُوبِيَّتِكَ،
 هَيْهَاتَ أَنْتَ أَكْرَمُ مَنْ أَنْ تُضَيِّعَ مَنْ رَبَّيْتَهُ أَوْ تَبْعِدَ مَنْ أَدْنَيْتَهُ أَوْ تُشَرِّدَ مَنْ آوَيْتَهُ أَوْ
 تُسَلِّمَ إِلَى الْبَلَاءِ مَنْ كَفَيْتَهُ وَرَحِمْتَهُ، وَلَيْتَ شِعْرِي يَا سَيِّدِي وَإِلَهِي وَمَوْلَايَ اتَّسَلَطَ
 النَّارُ عَلَى وَجْهِهِ خَرَّتْ لِعَظَمَتِكَ سَاجِدَةً، وَعَلَى السِّنِّ نَطَقْتَ بِتَوْحِيدِكَ صَادِقَةً،
 وَبِشُكْرِكَ مَادِحَةً، وَعَلَى قُلُوبِ اعْتَرَفَتْ بِإِلَهِيَّتِكَ مُحَقِّقَةً، وَعَلَى ضَمَائِرِ حَوَتْ مِنْ
 الْعِلْمِ بِكَ حَتَّى صَارَتْ خَاشِعَةً، وَعَلَى جَوَارِحِ سَعَتْ إِلَى أَوْطَانِ تَعْبُدُكَ طَائِعَةً
 وَأَشَارَتْ بِاسْتِغْفَارِكَ مُذْنِبَةً، مَا هَكَذَا الظَّنُّ بِكَ وَلَا أَخْبِرْنَا بِفَضْلِكَ عَنْكَ يَا كَرِيمُ
 يَا رَبِّ وَأَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفِي عَنْ قَلِيلٍ مِنْ بَلَاءِ الدُّنْيَا وَعُقُوبَاتِهَا وَمَا يَجْرِي فِيهَا مِنَ الْمَكَارِهِ
 عَلَى أَهْلِهَا، عَلَى أَنَّ ذَلِكَ بَلَاءٌ وَمَكْرُوهٌ قَلِيلٌ مَكْثُهُ، يَسِيرُ بِقَاوُذِهِ، قَصِيرٌ مُدَّتُهُ فَكَيْفَ
 احْتِمَالِي لِبَلَاءِ الْآخِرَةِ وَجَلِيلِ وَقُوعِ الْمَكَارِهِ فِيهَا وَهُوَ بَلَاءٌ تَطُولُ مُدَّتُهُ وَيَدُومُ

مَقَامُهُ وَلَا يَخَفُ عَنْ أَهْلِهِ لِأَنَّهُ لَا يَكُونُ إِلَّا عَنْ غَضَبِكَ وَانْتِقَامِكَ وَسَخَطِكَ،
وَهَذَا مَا لَا تَقُومُ لَهُ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ يَا سَيِّدِي فَكَيْفَ لِي وَأَنَا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ
الذَّلِيلُ الْحَقِيرُ الْمُسْكِينُ الْمُسْتَكِينُ، يَا إِلَهِي وَرَبِّي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ لِأَيِّ الْأُمُورِ
إِلَيْكَ أَشْكُو وَلَمَّا مِنْهَا أَضِجَ وَأَبْكَى لِأَلِيمِ الْعَذَابِ وَشِدَّتِهِ، أَمْ لَطُولِ الْبَلَاءِ وَمُدَّتِهِ،
فَلَنْ صَبَّرْتَنِي لِلْعُقُوبَاتِ مَعَ أَعْدَانِكَ وَجَمَعْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ أَهْلِ بِلَانِكَ وَفَرَقْتَ بَيْنِي
وَبَيْنَ أَحِبَّائِكَ وَأَوْلِيَانِكَ، فَهَبْنِي يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَرَبِّي صَبَّرْتُ عَلَى عَذَابِكَ
فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَلَى فِرَاقِكَ، وَهَبْنِي صَبَّرْتُ عَلَى حَرِّ نَارِكَ فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَنِ النَّظَرِ إِلَى
كَرَامَتِكَ أَمْ كَيْفَ أَسْكُنُ فِي النَّارِ وَرَجَائِي عَفْوُكَ فَبِعِزَّتِكَ يَا سَيِّدِي وَمَوْلَايَ أَقْسِمُ
صَادِقًا لَنْ تَرَكْتَنِي نَاطِقًا لِأَضْحَجِ إِلَيْكَ بَيْنَ أَهْلِهَا ضَجِيجِ الْأَمْلِينَ وَلَا صُرْخِ إِلَيْكَ
صُرَاخِ الْمُسْتَضْرَحِينَ، وَلَا بَكْيِ عَلَيْكَ بَكَاءِ الْفَاقِدِينَ، وَلَا نَادِيَنَّكَ أَيْنَ كُنْتَ يَا وَلِيَّ
الْمُؤْمِنِينَ، يَا غَايَةَ آمَالِ الْعَارِفِينَ، يَا غَايَةَ الْمُسْتَغِيثِينَ، يَا حَبِيبَ قُلُوبِ الصَّادِقِينَ،
وَيَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ، أَفْتَرَاكَ سُبْحَانَكَ يَا إِلَهِي وَبِحَمْدِكَ تَسْمَعُ فِيهَا صَوْتَ عَبْدٍ مُسْلِمٍ سَجَنَ

فِيهَا بِمُخَالَفَتِهِ، وَذَاقَ طَعْمَ عَذَابِهَا بِمَعْصِيَتِهِ وَحَبَسَ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا بِجُرْمِهِ وَجَرِيرَتِهِ
 وَهُوَ يَضْحِكُ إِلَيْكَ ضَحِيحٌ مُؤْمِلٌ لِرَحْمَتِكَ، وَيُنَادِيكَ بِلِسَانِ أَهْلِ تَوْحِيدِكَ، وَيَتَوَسَّلُ
 إِلَيْكَ بِرُبُوبِيَّتِكَ، يَا مُوَلَايَ فَكَيْفَ يَبْقَى فِي الْعَذَابِ وَهُوَ يَرْجُو مَاسَلَفَ مَنْ حَلِمَكَ،
 أَمْ كَيْفَ تَوَلَّمَهُ النَّارَ وَهُوَ يَأْمُلُ فَضْلَكَ وَرَحْمَتَكَ أَمْ كَيْفَ يَحْرِقُهُ لَهْيُهَا وَأَنْتَ تَسْمَعُ
 صَوْتَهُ وَتَرَى مَكَانَهُ أَمْ كَيْفَ يَشْتَمِلُ عَلَيْهِ زَفِيرُهَا وَأَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفَهُ، أَمْ كَيْفَ يَتَقَلَّقِلُ
 بَيْنَ أَطْبَاقِهَا وَأَنْتَ تَعْلَمُ صِدْقَهُ، أَمْ كَيْفَ تَزْجُرُهُ زَبَانِيَّتُهَا وَهُوَ يُنَادِيكَ يَا رَبِّهِ، أَمْ كَيْفَ
 يَرْجُو فَضْلَكَ فِي عَتَقِهِ مِنْهَا فَتَتَرَكُهُ فِيهَا هَيْهَاتَ مَا ذَلِكَ الظَّنُّ بِكَ وَلَا الْمَعْرُوفُ مِنْ
 فَضْلِكَ وَلَا مُشَبِّهٌ لِمَا عَامَلْتَ بِهِ الْمُوَحِّدِينَ مِنْ بَرَكَ وَإِحْسَانِكَ، فَبِالْيَقِينِ أَقْطَعُ لَوْلَا
 مَا حَكَمْتَ بِهِ مِنْ تَعْذِيبٍ جَاحِدِيكَ، وَقَضَيْتَ بِهِ مِنْ إِخْلَادٍ مُعَانِدِيكَ لَجَعَلْتَ النَّارَ
 كُلَّهَا بَرْدًا وَسَلَامًا وَمَا كَانَتْ لِأَحَدٍ فِيهَا مَقْرَأٌ وَلَا مَقَامًا لِكِنَّكَ تَقْدَسَتْ أَسْمَاؤُكَ أَقْسَمْتَ
 أَنْ تَمْلَأَهَا مِنَ الْكَافِرِينَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ، وَأَنْ تَخْلُدَ فِيهَا الْمُعَانِدِينَ وَأَنْتَ
 جَلَّ ثَنَاؤُكَ قُلْتَ مُبْتَدَأً، وَتَطَوَّلْتَ بِالْإِنْعَامِ مُتَكَرِّمًا أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا

لَا يَسْتَوُونَ، إِلَهِي وَسَيِّدِي فَاسْأَلْكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي قَدَرْتَهَا، وَبِالْقَضِيَّةِ الَّتِي حَتَمْتَهَا
وَحَكَمْتَهَا وَغَلَبْتَ مَنْ عَلَيْهِ أَجْرِيَّتُهَا أَنْ تَهَبَ لِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَفِي هَذِهِ السَّاعَةِ كُلَّ
جُرْمٍ أَجْرَمْتُهُ، وَكُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ، وَكُلَّ قَبِيحٍ أَسْرَرْتُهُ، وَكُلَّ جَهْلٍ عَمِلْتُهُ، كَتَمْتُهُ
أَوْ أَعْلَنْتُهُ أَخْفَيْتُهُ أَوْ أَظْهَرْتُهُ، وَكُلَّ سَيِّئَةٍ أَمَرْتُ بِإِثْبَاتِهَا الْكِرَامَ الْكَاتِبِينَ الَّذِينَ
وَكَلَّتَهُمْ بِحِفْظِ مَا يَكُونُ مِنِّي وَجَعَلْتَهُمْ شُهَدَاءَ عَلَيَّ مَعَ جَوَارِحِي، وَكُنْتَ أَنْتَ الرَّقِيبُ
عَلَيَّ مِنْ وَرَائِهِمْ، وَالشَّاهِدُ لِمَا خَفِيَ عَنْهُمْ، وَبِرَحْمَتِكَ أَخْفَيْتُهُ، وَبِفَضْلِكَ سَتَرْتُهُ،
وَأَنْ تَوْفِّرَ حَظِّي مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ أَوْ أَحْسَنَ فَضْلَتَهُ أَوْ بَرَّ نَشْرَتَهُ أَوْ رَزَقَ بَسْطَتَهُ
أَوْ ذَنْبٍ تَغْفِرُهُ أَوْ خَطَا تَسْتُرُهُ، يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَمَالِكِ
رَقِي، يَا مَنْ بِيَدِهِ نَاصِيَّتِي يَا عَلِيمًا بَضْرِي وَمَسْكَنَتِي، يَا خَبِيرًا بِفَقْرِي وَفَاقَتِي يَا رَبِّ
يَا رَبِّ يَا رَبِّ أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ وَقُدْسِكَ وَأَعْظَمَ صِفَاتِكَ وَأَسْمَائِكَ أَنْ تَجْعَلَ أَوْقَاتِي مِنَ
اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ بِذِكْرِكَ مَعْمُورَةً، وَبِخِدْمَتِكَ مَوْضُوعَةً، وَأَعْمَالِي عِنْدَكَ مَقْبُولَةً حَتَّى
تَكُونَ أَعْمَالِي وَأَوْرَادِي كُلُّهَا وَرْدًا وَاحِدًا وَحَالِي فِي خِدْمَتِكَ سَرْمَدًا، يَا سَيِّدِي

يَا مَنْ عَلَيْهِ مُعَوْلَى يَا مَنْ إِلَيْهِ شَكُوتُ أَحْوَالِي يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ، قُوْ عَلَى خِدْمَتِكَ
 جَوَارِحِي وَاشْدُدْ عَلَى الْعَزِيمَةِ جَوَانِحِي وَهَبْ لِي الْجِدَّ فِي خَشْيَتِكَ، وَالِدَوَامَ
 فِي الْإِتِّصَالِ بِخِدْمَتِكَ، حَتَّى أَسْرَحَ إِلَيْكَ فِي مَيَادِينِ السَّابِقِينَ وَأَسْرِعَ إِلَيْكَ فِي
 الْبَارِزِينَ وَأَشْتَأِقَ إِلَى قُرْبِكَ فِي الْمَشْتَأِقِينَ وَأَذْنُو مِنْكَ ذُنُو الْمُخْلِصِينَ، وَأَخَافُكَ
 مَخَافَةَ الْمُوقِنِينَ، وَاجْتَمِعْ فِي جِوَارِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ، اللَّهُمَّ وَمَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَارِدْهُ
 وَمَنْ كَادَنِي فَكُدْهُ، وَاجْعَلْنِي مِنْ أَحْسَنِ عِبِيدِكَ نَصِيباً عِنْدَكَ، وَأَقْرَبِهِمْ مَنْزِلَةً مِنْكَ،
 وَأَخْصِهِمْ زَلْفَةً لَدَيْكَ، فَإِنَّهُ لَا يَنَالُ ذَلِكَ إِلَّا بِفَضْلِكَ، وَجِدْ لِي بِجُودِكَ وَاعْظِفْ
 عَلَيَّ بِمَجْدِكَ وَاحْفَظْنِي بِرَحْمَتِكَ، وَاجْعَلْ لِسَانِي بِذِكْرِكَ لَهْجاً وَقَلْبِي بِحُبِّكَ مُتِمّاً
 وَمَنْ عَلَيَّ بِحُسْنِ إِبْجَابَتِكَ، وَأَقْلُنِي عَشْرَتِي وَأَغْفِرْ زَلَّتِي، فَإِنَّكَ قَضَيْتَ عَلَيَّ عِبَادَتَكَ
 بِعِبَادَتِكَ، وَأَمَرْتَهُمْ بِدُعَائِكَ، وَضَمِنْتَ لَهُمُ الْإِجَابَةَ، فَالَيْكَ يَا رَبِّ نَصَبْتُ وَجْهِي
 وَإِلَيْكَ يَا رَبِّ مَدَدْتُ يَدِي، فَبِعِزَّتِكَ اسْتَجِبْ لِي دُعَائِي وَبَلِّغْنِي مُنَايَ وَلَا تَقْطَعْ
 مِنْ فَضْلِكَ رَجَائِي، وَاكْفِنِي شَرَّ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ مِنْ أَعْدَائِي، يَا سَرِيعَ الرِّضَا اغْفِرْ لِمَنْ

لَا يَمْلِكُ إِلَّا الدُّعَاءُ فَإِنَّكَ فَعَالٌ لِّمَا تَشَاءُ، يَا مَنْ اسْمُهُ دَوَاءٌ وَذِكْرُهُ شِفَاءٌ وَطَاعَتُهُ غِنَى،
 اَرْحَمْ مَنْ رَأْسَ مَا إِلَيْهِ الرَّجَاءُ وَسِلَاحَهُ الْبُكَاءُ، يَا سَابِغَ النِّعَمِ، يَا دَافِعَ النِّقَمِ، يَا نُورَ
 الْمُسْتَوْحِشِينَ فِي الظُّلَمِ، يَا عَالِمًا لَا يَعْلَمُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِي مَا
 أَنْتَ أَهْلُهُ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ وَالْأَنْمَةِ الْيَامِينَ مِنْ آلِهِ وَسَلَّمْ تَسْلِيمًا كَثِيرًا.

• دعای ندبہ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ وَآلِهِ وَسَلَّمْ تَسْلِيمًا،
 اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا جَرَى بِهِ قَضَاؤُكَ فِي أَوْلِيَانِكَ الَّذِينَ اسْتَخْلَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ
 وَدِينِكَ، إِذْ اخْتَرْتَ لَهُمْ جَزِيلَ مَا عِنْدَكَ مِنَ النِّعَمِ الْمُقِيمِ الَّذِي لَا زَوَالَ لَهُ
 وَلَا اضْمِحَالٍ، بَعْدَ أَنْ شَرَطْتَ عَلَيْهِمُ الزُّهْدَ فِي دَرَجَاتِ هَذِهِ الدُّنْيَا الدُّنْيَةِ وَزُخْرُفِهَا
 وَزِينَتِهَا، فَشَرَطُوا لَكَ ذَلِكَ وَعَلِمْتَ مِنْهُمْ الْوَفَاءَ بِهِ فَقَبِلْتَهُمْ وَقَرَّبْتَهُمْ، وَقَدَّمْتَ لَهُمْ
 الذِّكْرَ الْعَلِيِّ وَالشَّنَاءَ الْجَلِيلِيَّ، وَاهْبِطْتَ عَلَيْهِمْ مَلَائِكَتَكَ وَكَرَّمْتَهُمْ بِوَحْيِكَ، وَرَفَدْتَهُمْ

بِعِلْمِكَ، وَجَعَلْتَهُمُ الذَّرِيعَةَ إِلَيْكَ وَالْوَسِيلَةَ إِلَى رِضْوَانِكَ، فَبَعْضُ اسْكَنْتَهُ جَنَّتَكَ
 إِلَى أَنْ أَخْرَجْتَهُ مِنْهَا، وَبَعْضُ حَمَلْتَهُ فِي فُلِكَ وَنَجَّيْتَهُ وَمَنْ آمَنَ مَعَهُ مِنَ الْهَلَكَةِ
 بِرَحْمَتِكَ، وَبَعْضُ اتَّخَذْتَهُ لِنَفْسِكَ خَلِيلاً وَسَأَلَكَ لِسَانُ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ فَاجْتَبَيْتَهُ
 وَجَعَلْتَ ذَلِكَ عَلِيّاً، وَبَعْضُ كَلَّمْتَهُ مِنْ شَجَرَةِ تَكْلِيمٍ وَجَعَلْتَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ رِذْأً
 وَوَزِيراً، وَبَعْضُ أَوْلَدْتَهُ مِنْ غَيْرِ ابٍ وَأَتَيْتَهُ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْتَهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ، وَكُلَّ
 شَرَعْتَ لَهُ شَرِيعَةً، وَنَهَجْتَ لَهُ مِنْهَا جِأً، وَتَخَيَّرْتَ لَهُ أَوْصِيَاءَ، مُسْتَحْفَظاً بَعْدَ مُسْتَحْفَظٍ
 مِنْ مُدَّةٍ إِلَى مُدَّةٍ، أَقَامَةً لِدِينِكَ، وَحُجَّةً عَلَى عِبَادِكَ، وَلِنَّا يَزُولَ الْحَقُّ عَنْ مَقَرِّهِ
 وَيَغْلِبَ الْبَاطِلُ عَلَى أَهْلِهِ، وَلَا يَقُولَ أَحَدٌ لَوْلَا أَرْسَلْتَ الْيَنَارَ سَوْلاً مُنْذِراً وَأَقَمْتَ لَنَا
 عِلْماً هَادِياً فَتَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَذِلَّ وَنُخْزَى، إِلَى أَنْ أَنْتَهَيْتَ بِالْأَمْرِ إِلَى حَبِيبِكَ
 وَنَجَّيْتَ مُحَمَّدَ صَلَى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَكَانَ كَمَا أَنْتَجَبْتَهُ سَيِّدَ مَنْ خَلَقْتَهُ، وَصَفْوَةً
 مِنْ أَصْطَفَيْتَهُ، وَأَفْضَلَ مِنْ اجْتَبَيْتَهُ، وَأَكْرَمَ مِنْ اعْتَمَدْتَهُ، قَدَمْتَهُ عَلَى أَنْبِيَائِكَ،
 وَبَعَثْتَهُ إِلَى الثَّقَلَيْنِ مِنْ عِبَادِكَ، وَأَوْطَأْتَهُ مَشَارِقَكَ وَمَغَارِبَكَ، وَسَخَّرْتَ لَهُ الْبَرَّاقَ،

وَعَرَّجَتْ بِرُوحِهِ إِلَى سَمَائِكَ، وَأَوْدَعَتْهُ عِلْمُ مَا كَانَ وَمَا يَكُونُ إِلَى انْقِضَاءِ خَلْقِكَ،
ثُمَّ نَصَرَتْهُ بِالرُّعْبِ، وَحَفَفَتْهُ بِجَبْرِ نِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَالْمُسُومِينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ وَوَعْدَتْهُ
أَنْ تَظْهَرَ دِينَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ، وَذَلِكَ بَعْدَ أَنْ بَوَّأَتْهُ مَبُوءاً صَدَقَ
مِنْ أَهْلِهِ، وَجَعَلَتْ لَهُ وَلَهُمْ أَوَّلَ بَيْتٍ وَضَعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بَيْكَةً مُبَارَكاً وَهُدًى
لِلْعَالَمِينَ، فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِناً، وَقُلْتُ «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ
لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» ثُمَّ جَعَلَتْ أَجْرَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِكَ
عَلَيْهِ وَآلِهِ مَوَدَّتَهُمْ فِي كِتَابِكَ فَقُلْتُ: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»
وَقُلْتُ «مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ» وَقُلْتُ: «مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ
يَتَّخِذَ إِلَى رَبِّهِ سَبِيلاً، فَكَانُوا هُمْ السَّبِيلَ إِلَيْكَ وَالْمَسْلَكُ إِلَى رِضْوَانِكَ، فَلَمَّا
انْقَضَتْ أَيَّامُهُ أَقَامَ وَلِيُّهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمَا وَآلُهُمَا هَادِياً، إِذْ كَانَ
هُوَ الْمُنْذِرُ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ، فَقَالَ وَالْمَلَأَ أَمَامَهُ: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَى مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ
وَالِ مَنْ وَالِدَهُ وَعَادِ مَنْ عَادَهُ وَانصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ، وَقَالَ: مَنْ كُنْتُ أَنَا

نَبِيَّهٖ فَعَلِيٍّ اَمِيْرَهٗ، وَقَالَ اَنَا وَعَلِيٌّ مِنْ شَجَرَةٍ وَاحِدَةٍ وَسَايِرُ النَّاسِ مِنْ شَجَرَتَيْنِ،
 وَاحِلَهٗ مَحَلُّ هَارُونَ مِنْ مُوسَى فَقَالَ لَهُ اَنْتَ مِنْنِي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى اِلَّا اَنْهُ
 لَا نَبِيَّ بَعْدِي، وَزَوْجَهٗ ابْنَتُهُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِيْنَ، وَاحِلٌ لَهُ مِنْ مَسْجِدِهِ مَا حَلَّ لَهُ،
 وَسَدُّ الْاَبْوَابِ الْاَبَابِهٖ، ثُمَّ اُوْدِعَهُ عِلْمُهُ وَحِكْمَتُهُ فَقَالَ: اَنَا مَدِيْنَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا،
 فَمَنْ اَرَادَ الْمَدِيْنَةَ وَالْحِكْمَةَ فَلْيَاْتِهَا مِنْ بَابِهَا، ثُمَّ قَالَ: اَنْتَ اَخِي وَوَصِيِّي وَوَارِثِي،
 لِحْمِكَ مِنْ لَحْمِي وَدَمِّكَ مِنْ دَمِي وَسِلْمُكَ سِلْمِي وَحَرْبُكَ حَرْبِي وَالْاِيْمَانُ مُخَالِطُ
 لِحْمِكَ وَدَمِّكَ كَمَا خَالِطُ لِحْمِي وَدَمِي، وَاَنْتَ غَدَاً عَلَيَّ الْحَوْضُ خَلِيْفَتِي وَاَنْتَ
 تَقْضِي دِيْنِي وَتَنْجِزُ عِدَاتِي وَشِيْعَتُكَ عَلَيَّ مَنَابِرٌ مِنْ نُوْرِ مُبِيْضَةٍ وَجُوهُهُمْ حَوْلِي
 فِي الْجَنَّةِ وَهُمْ جِيْرَانِي، وَلَوْ لَا اَنْتَ يَا عَلِيٌّ لَمْ يَعْرِفِ الْمُؤْمِنُوْنَ بَعْدِي، وَكَانَ بَعْدَهُ
 هُدًى مِنَ الضَّلَالِ وَنُورٌ مِنَ الْعَمَى، وَحَبْلُ اللّٰهِ الْمَتِيْنَ وَصِرَاطُهُ الْمُسْتَقِيْمُ، لَا يَسْبِقُ
 بِقَرَابَةٍ فِي رَحْمٍ وَلَا بِسَابِقَةٍ فِي دِيْنٍ، وَلَا يُلْحِقُ فِي مَنَقِبَةٍ مِنْ مَنَاقِبِهِ، يَحْذُو حَذْوَ
 الرَّسُوْلِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا، وَيُقَاتِلُ عَلَيَّ التَّوَالِيْلَ وَلَا تَأْخُذْهُ فِي اللّٰهِ لَوْمَةٌ لَّا نَهْمُ،

قَدْ وَتَرَفِيهِ صَنَادِيدَ الْعَرَبِ وَقَتْلَ أَبْطَالِهِمْ وَنَاوَشَ ذُوبَانَهُمْ، فَأَوْدَعَ قُلُوبَهُمْ أَحْقَاداً
 بَدْرِيَّةً وَخَيْبَرِيَّةً وَحَنِينِيَّةً وَغَيْرَهُنَّ، فَأَضَبَتْ عَلَى عِدَاوَتِهِ وَأَكْبَتْ عَلَى مُنَابَذَتِهِ،
 حَتَّى قَتَلَ النَّاكِثِينَ وَالْقَاسِطِينَ وَالْمَارِقِينَ، وَلَمَّا قَضَى نَحْبَهُ وَقَتْلَهُ أَشَقَى الْآخِرِينَ
 يَتَّبِعُ أَشَقَى الْأَوَّلِينَ، لَمْ يُمَثِّلْ أَمْرَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الْهَادِينَ بَعْدَ
 الْهَادِينَ، وَالْأُمَّةُ مُصْرَّةٌ عَلَى مَقْتِهِ مُجْتَمِعَةٌ عَلَى قَطِيعَةِ رَحِمِهِ وَأَقْصَا، وَلَدَهُ إِلَّا
 الْقَلِيلَ مِمَّنْ وَفَى لِرِعَايَةِ الْحَقِّ فِيهِمْ، فَقَتَلَ مَنْ قَتَلَ، وَسَبَى مَنْ سَبَى وَأَقْصَى مَنْ
 أَقْصَى وَجَرَى الْقَضَاءُ لَهُمْ بِمَا يُرْجَى لَهُ حُسْنُ الْمَثُوبَةِ، إِذْ كَانَتْ الْأَرْضُ لِلَّهِ يُوْرِثُهَا
 مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ، وَسُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا، وَلَنْ
 يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ، فَعَلَى الْأَطْنَابِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا فَلَيْتَ بَكَ الْبَاكُونَ، وَإِيَاهُمْ فَلَيْتَ نَدْبِ النَّادِبُونَ، وَلِمِثْلِهِمْ
 فَلْتَذْرِفِ الدَّمُوعُ، وَلْيَصْرِخِ الصَّارِخُونَ، وَيَضِجِ الضَّاجُونَ، وَيَعِجِ الْعَاجُونَ، أَيْنَ
 الْحَسَنُ أَيْنَ الْحُسَيْنُ أَيْنَ أَبْنَاءِ الْحُسَيْنِ، صَالِحٌ بَعْدَ صَالِحٍ، وَصَادِقٌ بَعْدَ صَادِقٍ، أَيْنَ

السَّيْلُ بَعْدَ السَّيْلِ، أَيْنَ الْخَيْرِ بَعْدَ الْخَيْرِ، أَيْنَ الشَّمْسِ الطَّالِعَةِ، أَيْنَ الْأَقْمَارِ
 الْمُنِيرَةِ، أَيْنَ الْأَنْجُمِ الزَّاهِرَةِ، أَيْنَ أَعْلَامِ الدِّينِ وَقَوَاعِدِ الْعِلْمِ، أَيْنَ بَقِيَّةِ اللَّهِ الَّتِي
 لَا تَخْلُو مِنَ الْعِثْرَةِ الْهَادِيَةِ، أَيْنَ الْمَعْدِلِ قَطْعَ دَابِرِ الظُّلْمَةِ، أَيْنَ الْمُنْتَظَرِ لِإِقَامَةِ الْأُمَمِ
 وَالْعَوَجِ، أَيْنَ الْمُرْتَجَى لِإِزَالَةِ الْجَوْرِ وَالْعُدْوَانِ، أَيْنَ الْمُدْخَرِ لِتَجْدِيدِ الْفَرَائِضِ
 وَالسَّنَنِ، أَيْنَ الْمُتَخَيَّرِ لِإِعَادَةِ الْمِلَّةِ وَالشَّرِيعَةِ، أَيْنَ الْمُؤَمَّلِ لِأَحْيَاءِ الْكِتَابِ وَحُدُودِهِ،
 أَيْنَ مُحْيِي مَعَالِمِ الدِّينِ وَأَهْلِهِ، أَيْنَ قَاصِمِ شُوكَةِ الْمُعْتَدِينَ، أَيْنَ هَادِمِ أُنْبِيَةِ الشَّرِكِ
 وَالنِّفَاقِ، أَيْنَ مُبِيدِ أَهْلِ الْفُسُوقِ وَالْعِصْيَانِ وَالطُّغْيَانِ، أَيْنَ حَاصِدِ فُرُوعِ الْغِيِّ
 وَالشَّقَاقِ، أَيْنَ طَامِسِ أَمْثَارِ الزَّيْغِ وَالْأَهْوَاءِ، أَيْنَ قَاطِعِ حَبَائِلِ الْكِذْبِ وَالْإِفْتِرَاءِ، أَيْنَ
 مُبِيدِ الْعَتَاةِ وَالْمَرَدَةِ، أَيْنَ مُسْتَأْصِلِ أَهْلِ الْعِنَادِ وَالتَّضْلِيلِ وَالْإِلْحَادِ، أَيْنَ مُعِزِّ الْأَوْلِيَاءِ
 وَمُذِلِّ الْأَعْدَاءِ، أَيْنَ جَامِعِ الْكَلِمَةِ عَلَى التَّقْوَى، أَيْنَ بَابِ اللَّهِ الَّذِي مِنْهُ يُوتَى، أَيْنَ
 وَجْهِ اللَّهِ الَّذِي إِلَيْهِ يَتَوَجَّهُ الْأَوْلِيَاءُ، أَيْنَ السَّبَبِ الْمُتَّصِلِ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ،
 أَيْنَ صَاحِبِ يَوْمِ الْفَتْحِ وَنَاشِرِ رَايَةِ الْهُدَى، أَيْنَ مُؤَلِّفِ شَمْلِ الصَّلَاحِ وَالرِّضَا، أَيْنَ

الطَّالِبُ بِذُحُولِ الْأَنْبِيَاءِ وَأَبْنَاءِ الْأَنْبِيَاءِ، أَيْنَ الطَّالِبُ بِدَمِ الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلَاءَ، أَيْنَ
 الْمَنْصُورُ عَلَى مَنْ اعْتَدَى عَلَيْهِ وَافْتَرَى، أَيْنَ الْمُضْطَرُّ الَّذِي يُجَابُ إِذَا دَعَا أَيْنَ
 صَدْرُ الْخَلَائِقِ ذُو الْبِرِّ وَالتَّقْوَى، أَيْنَ ابْنُ النَّبِيِّ الْمُصْطَفَى، وَابْنُ عَلِيِّ الْمُرْتَضَى، وَابْنُ
 خَدِجَةَ الْغَرَاءِ، وَابْنُ فَاطِمَةَ الْكُبْرَى، يَا بِي أَنْتَ وَأُمِّي وَنَفْسِي لَكَ الْوَقَاءُ وَالْحِمَى،
 يَا بَنَ السَّادَةِ الْمُقَرَّبِينَ، يَا بَنَ التَّجْبَاءِ الْأَكْرَمِينَ، يَا بَنَ الْهَدَاةِ الْمُهْدِيِّينَ، يَا بَنَ الْخَيْرَةِ
 الْمُهْدِيِّينَ، يَا بَنَ الْغَطَارِفَةِ الْأَنْجَبِينَ، يَا بَنَ الْأَطْنَابِ الْمُطَهَّرِينَ، يَا بَنَ الْخَضَارِمَةِ
 الْمُنتَجَبِينَ، يَا بَنَ الْقِمَاقِمَةِ الْأَكْرَمِينَ، يَا بَنَ الْبُدُورِ الْمُنِيرَةِ، يَا بَنَ السُّرُجِ الْمُضِيئَةِ،
 يَا بَنَ الشُّهْبِ الثَّاقِبَةِ، يَا بَنَ الْأَنْجَمِ الزَّاهِرَةِ، يَا بَنَ السُّبُلِ الْوَاضِحَةِ، يَا بَنَ الْأَعْلَامِ
 اللَّانِحَةِ، يَا بَنَ الْعُلُومِ الْكَامِلَةِ، يَا بَنَ السَّنَنِ الْمَشْهُورَةِ، يَا بَنَ الْمَعَالِمِ الْمَأْثُورَةِ، يَا بَنَ
 الْمُعْجَزَاتِ الْمَوْجُودَةِ، يَا بَنَ الدَّلَائِلِ الْمَشْهُودَةِ، يَا بَنَ الصَّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ، يَا بَنَ النَّبَأِ
 الْعَظِيمِ، يَا بَنَ مَنْ هُوَ فِي أَمِّ الْكِتَابِ لَدَى اللَّهِ عَلَى حَكِيمٍ، يَا بَنَ الْآيَاتِ وَالْبَيِّنَاتِ،
 يَا بَنَ الدَّلَائِلِ الظَّاهِرَاتِ، يَا بَنَ الْبَرَاهِينِ الْوَاضِحَاتِ الْبَاهِرَاتِ، يَا بَنَ الْحُجَجِ

الْبَالِغَاتِ، يَا بِنَ النَّعْمِ السَّابِغَاتِ، يَا بِنَ طَهٍ وَالْمُحْكَمَاتِ، يَا بِنَ يَسٍ وَالذَّارِيَاتِ، يَا بِنَ
 الطُّورِ وَالْعَادِيَاتِ، يَا بِنَ مَنْ دَنَا فَتَدَلَّى فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى دُنُوًّا وَاقْتِرَابًا مِنْ
 الْعَلِيِّ الْأَعْلَى، لَيْتَ شِعْرِي أَيْنَ اسْتَقَرَّتْ بِكَ النُّوَى، بَلْ أَىْ أَرْضٍ تُقْلِكَ أَوْ تُرَى،
 أِبْرَضَوَى أَوْ غَيْرَهَا أَمْ ذَى طَوَى، عَزِيزُ عَلَيَّ أَنْ أَرَى الْخَلْقَ وَلَا تُرَى وَلَا أَسْمَعَ لَكَ
 حَسِيًّا وَلَا نَجْوَى، عَزِيزُ عَلَيَّ أَنْ تُحِيطَ بِكَ دُونِي الْبَلَوَى وَلَا يَنَالَكَ مِنِّي ضَجِيجُ
 وَلَا شَكْوَى، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُغَيِّبٍ لَمْ يَخْلُ مِنَّا، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ نَازِحٍ مَا نَزَحَ عَنَّا،
 بِنَفْسِي أَنْتَ أَمْنِيَّةٌ شَانِقٌ يَتَمَنَّى، مِنْ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ ذَكَرَافِحْنَا، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ عَقِيدِ
 عَزْلَايَسَامِي، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ أَثِيلٍ مَجْدٍ لَا يَجَارِي، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ تِلَادٍ نَعْمَ لَا تُضَاهِي،
 بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ نَصِيفٍ شَرَفٍ لَا يَسَاوِي، إِلَى مَتَى أَحَارُ فَيْكَ يَا مَوْلَايَ وَإِلَى مَتَى،
 وَإَى خِطَابٍ أَصِفُ فَيْكَ وَإَى نَجْوَى، عَزِيزُ عَلَيَّ أَنْ أَجَابَ دُونَكَ وَأَنَاغِي، عَزِيزُ عَلَيَّ
 أَنْ أَبْكِيكَ وَيَخْذُلَكَ الْوَرَى، عَزِيزُ عَلَيَّ أَنْ يَجْرِيَ عَلَيْكَ دُونَهُمْ مَا جَرَى، هَلْ مِنْ
 مُعِينٍ فَاطِيلٍ مَعَهُ الْعَوِيلُ وَالْبُكَاءُ، هَلْ مِنْ جُرُوعٍ فَاسَاعِدْ جَزَعَهُ إِذَا خَلَا، هَلْ

قَدِيتْ عَيْنٌ فَسَاعَدَتْهَا عَيْنِي عَلَى الْقَدَى، هَلْ إِلَيْكَ يَا بَنَ أَحْمَدَ سَبِيلٌ فَتُلْقَى، هَلْ
 يَتَّصِلُ يَوْمَنَا مِنْكَ بَعْدَ فَنَحْظِي، مَتَى نَرُدُّ مِنْهَا هَلْكَ الرُّيَّةَ فَتُرَوَّى، مَتَى نَنْتَفِعُ مِنْ
 عَذَابِ مَا نِكَ فَقَدْ طَالَ الصَّدَى، مَتَى نَغَادِيكَ وَنَرَاوُحَكَ فَتَقَرَّ عَيْنًا، مَتَى تَرَانَا وَتَرَاكَ
 وَقَدْ نَشَرْتَ لَوَاءَ النَّصْرِ تَرَى، أَتَرَانَا نَحْفُ بِكَ وَأَنْتَ تَأْمُ الْمَلَأَ وَقَدْ مَلَأْتَ الْأَرْضَ عَدْلًا
 وَادَّقْتَ أَعْدَاءَكَ هَوَانًا وَعِقَابًا، وَأَبْرَتِ الْعَتَاةَ وَجَحْدَةَ الْحَقِّ، وَقَطَعْتَ دَائِرَ الْمُتَكَبِّرِينَ،
 وَاجْتَمَعَتْ أَصُولُ الظَّالِمِينَ، وَنَحْنُ نَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ أَنْتَ كَشَّافُ
 الْكَرْبِ وَالْبَلَوَى، وَإِلَيْكَ اسْتَعْدَى فَعِنْدَكَ الْعُدَى، وَأَنْتَ رَبُّ الْأُخْرَةِ وَالْدُّنْيَا، فَأَغِثْ
 يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ عِبِيدَكَ الْمُبْتَلَى، وَارِهِ سَيِّدَهُ يَا شَدِيدَ الْقُوَى، وَأَزِلْ عَنْهُ بِهِ
 الْأَسَى وَالْجَوَى، وَبَرِّدْ غَلِيلَهُ يَا مَنْ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى، وَمَنْ إِلَيْهِ الرُّجْعَى
 وَالْمُنْتَهَى، اللَّهُمَّ وَنَحْنُ عِبِيدُكَ الْتَائِقُونَ إِلَى وَلِيِّكَ الْمَذْكُورِ وَبَنِيِّكَ، خَلَقْتَهُ لَنَا
 عِصْمَةً وَمَلَاذًا، وَأَقَمْتَهُ لَنَا قَوَامًا وَمَعَاذًا، وَجَعَلْتَهُ لِلْمُؤْمِنِينَ مِنَّا إِمَامًا، فَبَلِّغْهُ مِنَّا
 تَحِيَّةً وَسَلَامًا، وَزِدْنَا بِذَلِكَ يَا رَبِّ أَكْرَامًا، وَاجْعَلْ مُسْتَقَرَّهُ لَنَا مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا، وَاتِّمِّمْ

نِعْمَتِكَ بِتَقْدِيمِكَ إِيَّاهُ أَمَامَنَا حَتَّى تُورِدَنَا جَنَّاتِكَ وَمُرَافَقَةَ الشُّهَدَاءِ مِنْ خُلَصَائِكَ،
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ جَدِّهِ وَرَسُولِكَ السَّيِّدِ الْأَكْبَرِ،
 وَعَلَى أَبِيهِ السَّيِّدِ الْأَصْغَرِ، وَجَدَّتِهِ الصَّدِيقَةِ الْكُبْرَى فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ
 عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَعَلَى مَنْ اصْطَفَيْتَ مِنْ آبَائِهِ الْبَرَّةِ، وَعَلَيْهِ أَفْضَلُ وَأَكْمَلُ وَأَتَمُّ وَأَدْوَمُ
 وَأَكْثَرُ وَأَوْفَرُ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَصْفِيائِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَصَلِّ عَلَيْهِ
 صَلَاةً لَا غَايَةَ لِعَدَدِهَا وَلَا نِهَايَةَ لِمَدَدِهَا وَلَا نَفَادَ لِأَمَدِهَا، اللَّهُمَّ وَأَقِمْ بِهِ الْحَقَّ
 وَأَدْحِضْ بِهِ الْبَاطِلَ وَأَدِلْ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ وَأَذِلْ بِهِ أَعْدَاءَكَ وَصَلِّ اللَّهُمَّ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ
 وَصَلَّةً تُوَدِّي إِلَى مُرَافَقَةِ سَلَفِهِ، وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَأْخُذُ بِحُجُزَتِهِمْ، وَيَمْكُثُ فِي ظِلِّهِمْ،
 وَاعِنَّا عَلَى تَأْدِيَةِ حُقُوقِهِ إِلَيْهِ، وَالْاجْتِهَادِ فِي طَاعَتِهِ، وَاجْتِنَابِ مَعْصِيَتِهِ، وَامْنِ
 عَلَيْنَا بِرِضَاهُ، وَهَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ وَرَحْمَتَهُ وَدُعَاءَهُ وَخَيْرَهُ مَا نُنَالُ بِهِ سَعَةً مِنْ رَحْمَتِكَ
 وَفَوْزاً عِنْدَكَ، وَاجْعَلْ صَلَاتَنَا بِهِ مَقْبُولَةً، وَذُنُوبَنَا بِهِ مَغْفُورَةً، وَدُعَاءَنَا بِهِ مُسْتَجَاباً
 وَاجْعَلْ أَرْزَاقَنَا بِهِ مَبْسُوطَةً، وَهَمُومَنَا بِهِ مَكْفِيَةً، وَحَوَآجَنَا بِهِ مَقْضِيَةً.

وَاقْبَلِ الْيَنَابُوجَ الْكَرِيمَ وَاقْبَلِ تَقَرُّبَنَا إِلَيْكَ، وَانْظُرْ إِلَيْنَا نَظْرَةَ رَحِيمَةٍ نَسْتَكْمِلْ
بِهَا الْكَرَامَةَ عِنْدَكَ، ثُمَّ لَا تَصْرِفْهَا عَنَّا بِجُودِكَ، وَاسْقِنَا مِنْ حَوْضِ جَدِّهِ صَلَّى اللَّهُ
عَلَيْهِ وَآلِهِ بِكَاسِهِ وَيَبْدِهِ رِيًّا رَوِيًّا هَنِيئًا سَائِغًا لَا ظَمًا بَعْدَهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

• دعای توسّل

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ وَاتَوَجَّهُ اِلَیْكَ بِنَبِیِّكَ نَبِیِّ الرَّحْمَةِ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ،
یا اَبَا الْقَاسِمِ یا رَسُوْلَ اللّٰهِ یا اِمَامَ الرَّحْمَةِ یا سَیِّدَنَا وَموْلانا اِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا
وَتَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى اللّٰهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَیْنَ یَدَیْ حَاجَاتِنَا یا وَجِیْهًا عِنْدَ اللّٰهِ اَشْفَعْ
لَنَا عِنْدَ اللّٰهِ، یا اَبَا الْحَسَنِ یا اَمِیرَ الْمُؤْمِنِیْنَ یا عَلِیَّ بْنَ اَبِی طَالِبٍ، یا حُجَّةَ اللّٰهِ
عَلٰی خَلْقِهِ یا سَیِّدَنَا وَموْلانا اِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى اللّٰهِ وَقَدَّمْنَاكَ
بَیْنَ یَدَیْ حَاجَاتِنَا، یا وَجِیْهًا عِنْدَ اللّٰهِ اَشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللّٰهِ، یا فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ یا بِنْتَ
مُحَمَّدٍ یا قُرَّةَ عَیْنِ الرَّسُوْلِ، یا سَیِّدَتَنَا اِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى اللّٰهِ

وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِ حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهَةً عِنْدَ اللَّهِ اِشْفَعِي لَنَا عِنْدَ اللَّهِ، يَا أَبَا مُحَمَّدٍ
 يَا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ أَيُّهَا الْمُجْتَبَى يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا
 وَمَوْلَانَا اأَنَا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِ حَاجَاتِنَا
 يَا وَجِيهَةً عِنْدَ اللَّهِ اِشْفَعِي لَنَا عِنْدَ اللَّهِ، يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَا حُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ، أَيُّهَا الشَّهِيدُ
 يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا اأَنَا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا
 وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِ حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهَةً عِنْدَ اللَّهِ اِشْفَعِي لَنَا عِنْدَ اللَّهِ،
 يَا أَبَا الْحَسَنِ يَا عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ، يَا زَيْنَ الْعَابِدِينَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا حُجَّةَ اللَّهِ
 عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا اأَنَا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ
 بَيْنَ يَدَيِ حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهَةً عِنْدَ اللَّهِ اِشْفَعِي لَنَا عِنْدَ اللَّهِ، يَا أَبَا جَعْفَرٍ يَا مُحَمَّدَ، بْنَ عَلِيٍّ
 أَيُّهَا الْبَاقِرُ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا اأَنَا تَوَجَّهْنَا
 وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِ حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهَةً عِنْدَ اللَّهِ
 اِشْفَعِي لَنَا عِنْدَ اللَّهِ، يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ، أَيُّهَا الصَّادِقُ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ

يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ
 وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِ حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ، يَا أَبَا الْحَسَنِ
 يَا مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ، أَيُّهَا الْكَاطِمُ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا
 وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِ حَاجَاتِنَا،
 يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ، يَا أَبَا الْحَسَنِ يَا عَلِيَّ بْنَ مُوسَى أَيُّهَا الرِّضَا يَا بْنَ
 رَسُولِ اللَّهِ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا
 بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِ حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ،
 يَا أَبَا جَعْفَرٍ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ أَيُّهَا النَّقِيُّ الْجَوَادُ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى
 خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ
 يَدَيِ حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ، يَا أَبَا الْحَسَنِ يَا عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ
 أَيُّهَا الْهَادِي النَّقِيُّ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا
 إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِ حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهًا

عِنْدَ اللَّهِ اَشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ، يَا اَبَا مُحَمَّدٍ يَا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ، اَنْهَا الزَّكِيُّ الْعَسْكَرِيُّ
 يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلٰى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا اَنَا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا
 وَتَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِ حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ اَشْفَعْ لَنَا
 عِنْدَ اللَّهِ، يَا وَصِيَّ الْحَسَنِ وَالْخَلْفِ الْحُجَّةِ اَنْهَا الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ الْمَهْدِيُّ يَا بْنَ
 رَسُولِ اللَّهِ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلٰى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا اَنَا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا
 بِكَ اِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِ حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ اَشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ
 ■ سپس حاجات خود را از خدا بخواه، انشاء الله تعالى برآورده می شود . در روایت دیگری آمده است که بعد از این بگوید:
 يَا سَادَتِي وَمَوَالِيَّ اَنْتِي تَوَجَّهْتُ بِكُمْ اَنْتُمُي وَعَدْتِي لِيَوْمٍ فَقَرِي وَحَاجَتِي اِلَى اللَّهِ،
 وَتَوَسَّلْتُ بِكُمْ اِلَى اللَّهِ، وَاسْتَشْفَعْتُ بِكُمْ اِلَى اللَّهِ، فَاشْفَعُوا لِي عِنْدَ اللَّهِ، وَاسْتَنْقِذُونِي
 مِنْ ذُنُوبِي عِنْدَ اللَّهِ، فَاَنْتُمْ وَسَيَّلْتُمْنِي اِلَى اللَّهِ وَبِحَبِّكُمْ وَيَقْرَبُكُمْ اَرْجُو نَجَاةً مِنَ اللَّهِ،
 فَكُونُوا عِنْدَ اللَّهِ رَجَانِي يَا سَادَتِي يَا اَوْلِيَاءَ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ اَجْمَعِينَ
 وَلَعَنَ اللَّهُ اَعْدَاءَ اللَّهِ ظَالِمِيهِمْ مِنَ الْاَوَّلِينَ وَالْاٰخِرِينَ اٰمِيْنَ رَبَّ الْعَالَمِيْنَ.

• دعای عهد

اَللّٰهُمَّ رَبَّ النُّوْرِ الْعَظِيْمِ، وَرَبَّ الْكَرْسِيِّ الرَّفِيعِ، وَرَبَّ الْبَحْرِ الْمَسْجُوْر، وَمُنْزِلَ التَّوْرَةِ
وَالْاِنْجِيْلِ وَالزَّبُوْرِ، وَرَبَّ الظِّلِّ وَالْحَرُوْرِ، وَمُنْزِلَ الْقُرْاٰنِ الْعَظِيْمِ، وَرَبَّ الْمَلٰٓئِكَةِ
الْمُقَرَّبِيْنَ وَالْاَنْبِيَاۡءِ وَالْمُرْسَلِيْنَ، اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْكَرِيْمِ، وَبَنُوْرِ وَجْهِكَ الْمُنِيْرِ
وَمُلْكِكَ الْقَدِيْمِ، يَا حَیُّ يَا قَیُّوْمُ اَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِیْ اَشْرَقْتَ بِهٖ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضُوْنَ،
وَبِاسْمِكَ الَّذِیْ یُصْلِحُ بِهٖ الْاَوَّلُوْنَ وَالْاٰخِرُوْنَ، يَا حَیُّ اَقْبَلَ كُلِّ حَیٍّ وَّیَا حَیُّ اَبْعَدْ كُلِّ حَیٍّ
وَّیَا حَیُّ حِيْنَ لَا حَیَّ یَا مُجِیَّ الْمَوْتِی وَمَمِیَّتِ الْاَحْیَاۡ، يَا حَیُّ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ، اَللّٰهُمَّ بَلِّغْ
مَوْلَانَا الْاِمَامَ الْهَادِیَّ الْمُهَدِّیَّ الْقَائِمَ بِاَمْرِكَ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَیْهِ وَعَلٰی اٰبَاۡئِهِ الطَّاهِرِيْنَ
عَنْ جَمِیْعِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمُؤْمِنٰتِ فِی مَشَارِقِ الْاَرْضِ وَمَغَارِبِهَا سَهْلِهَا وَجَبَلِهَا وَبَرِّهَا
وَبَحْرِهَا، وَعَنْ وَدَیْنِیْ مِنَ الصَّلٰوٰتِ زُنَّةَ عَرْشِ اللّٰهِ وَمِدَادَ کَلِمٰتِهِ، وَمَا اَحْصَاهُ
عِلْمُهُ وَاَحَاطَ بِهٖ کِتٰبُهُ، اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَجِدُّدُ لَهٗ فِی صَبِيْحَةٍ یَّوْمِیْ هٰذَا وَمَاعِشَتِ

مِنْ أَيَّامِي عَهْدًا وَعَقْدًا وَيَّعَةً لَهُ فِي عُنُقِي، لَا أَحُولُ عَنْهَا وَلَا أَزُولُ أَبَدًا، اللَّهُمَّ
 اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَالذَّائِبِينَ عَنْهُ وَالْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ،
 وَالْمُمْتَثِلِينَ لِأَوَامِرِهِ وَالْمُحَامِلِينَ عَنْهُ، وَالسَّابِقِينَ إِلَى إِرَادَتِهِ وَالْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ
 يَدَيْهِ، اللَّهُمَّ إِنْ حَالَ بَيْنِي وَبَيْنَهُ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا
 فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي مُؤْتَرًّا كَفَنِي شَاهِرًا سَيْفِي مُجَرَّدًا قَنَاتِي مُلَبِّيًا دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي
 الْحَاضِرِ وَالْبَادِي، اللَّهُمَّ ارْنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ، وَالْغُرَّةَ الْحَمِيدَةَ، وَاكْحُلْ نَاضِرِي بِنَظَرَةٍ
 مِنْهُ إِلَيْهِ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُ وَسَهِّلْ مَخْرَجَهُ، وَأَوْسِعْ مِنْهَجَهُ وَاسْلُكْ بِي مَحَجَّتَهُ،
 وَأَنْفِذْ أَمْرَهُ وَاشْدُدْ أَزْرَهُ، وَاعْمُرِ اللَّهُمَّ بِهِ بِلَادَكَ، وَآخِ بِهِ عِبَادَكَ، فَإِنَّكَ قُلْتَ
 وَقَوْلُكَ الْحَقُّ: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ»، فَأَظْهِرِ اللَّهُمَّ
 لَنَا وَلِيَّكَ وَابْنَ بِنْتِ نَبِيِّكَ الْمُسَمَّى بِاسْمِ رَسُولِكَ حَتَّى لَا يَظْفَرُ بِشَيْءٍ مِنَ الْبَاطِلِ
 الْأَمْرَقَهُ، وَيُحِقِّقَ الْحَقَّ وَيُحَقِّقَهُ، وَاجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مَفْرَعًا لِمَظْلُومِ عِبَادِكَ، وَنَاصِرًا لِمَنْ
 لَا يَجِدُ لَهُ نَاصِرًا غَيْرَكَ، وَمُجَدِّدًا لِمَا عَطِلَ مِنْ أَحْكَامِ كِتَابِكَ، وَمُشِيدًا لِمَا وَرَدَ مِنْ

أَعْلَامَ دِينِكَ وَسُنَنَ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَاجْعَلْهُم مِّنْ حَصْنَتِهِ مِنْ بَأْسِ الْمُعْتَدِينَ، اللَّهُمَّ وَسِّرْ نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِرُؤْيَيْهِ وَمَنْ تَبِعَهُ عَلَى دَعْوَتِهِ، وَارْحَمْ اسْتِكَانَتَنَا بَعْدَهُ، اللَّهُمَّ اكْشِفْ هَذِهِ الْعَمَّةَ عَنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ بِحُضُورِهِ، وَعَجِّلْ لَنَا ظَهْرَهُ، إِنَّهُمْ يَرُونَهُ بَعِيداً وَنَرَاهُ قَرِيباً، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

■ سپس سه مرتبه دست بر ران راست خود می زنی و در هر مرتبه می گویی: الْعَجَلُ الْعَجَلُ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ

• دعای عالیة المضامین

■ دعائی است با مضامین عالیہ کہ بعد از زیارت هریک از ائمه (علیهم السلام) خوانده می شود و این دعا را سید بن طاووس نقل کرده است:

اللَّهُمَّ إِنِّي زُرْتُ هَذَا الْإِمَامَ مُقَرَّأً بِأَمَامَتِهِ مُعْتَقِداً لِفَرَضِ طَاعَتِهِ، فَقَصَدْتُ مَشْهَدَهُ بِذُنُوبِي وَعُيُوبِي وَمُوبِقَاتِ آثَامِي وَكَثْرَةِ سَيِّئَاتِي وَخَطَايَايَ، وَمَا تَعَرَّفَهُ مِنِّي مُسْتَجِيراً بِعَفْوِكَ مُسْتَعِذاً بِحِلْمِكَ رَاجِئاً بِرَحْمَتِكَ لِاجْتِنَائِي إِلَى زُكْنِكَ عَائِداً بِرَأْفَتِكَ، مُسْتَشْفِعاً بِوَلِيَّتِكَ وَأَبْنِ أَوْلِيَانِكَ وَصَفِيِّكَ وَأَبْنِ أَصْفِيَانِكَ، وَأَمِينِكَ وَأَبْنِ أَمَنَانِكَ وَخَلِيفَتِكَ وَأَبْنِ خُلَفَائِكَ، الَّذِينَ جَعَلْتَهُمُ الْوَسِيلَةَ إِلَى رَحْمَتِكَ وَرِضْوَانِكَ وَالذَّرِيعَةَ إِلَى رَأْفَتِكَ وَغُفْرَانِكَ، اللَّهُمَّ وَأَوَّلُ

حَاجَتِي إِلَيْكَ أَنْ تَغْفِرَ لِي مَا سَلَفَ مِنْ ذُنُوبِي عَلَى كَثَرَتِهَا، وَأَنْ تَعْصِمَنِي فِيمَا بَقِيَ مِنْ
 عُمْرِي وَتُطَهِّرَ دِينِي مِمَّا يَدْنُسُهُ وَيَشِينُهُ وَيُزِرِّي بِهِ، وَتَحْمِيَهُ مِنَ الرَّيْبِ وَالشَّكِّ وَالْفَسَادِ
 وَالشَّرِكِ، وَتُثَبِّتَنِي عَلَى طَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ وَذُرِّيَّتِهِ النَّجَبِ السَّعْدَاءِ صَلَوَاتِكَ
 عَلَيْهِمْ وَرَحْمَتِكَ وَسَلَامِكَ وَبَرَكَاتِكَ، وَتُحْيِيَنِي مَا أَحْيَيْتَنِي عَلَى طَاعَتِهِمْ وَتُمِيتَنِي إِذَا
 أَمَتَنِي عَلَى طَاعَتِهِمْ، وَأَنْ لَا تَمْحُو مِنْ قَلْبِي مَوَدَّتَهُمْ وَمَحَبَّتَهُمْ وَبُغْضَ أَعْدَائِهِمْ وَمُرَافَقَةَ
 أَوْلِيَائِهِمْ وَبِرَّهُمْ، وَأَسْأَلُكَ يَا رَبِّ أَنْ تَقْبَلَ ذَلِكَ مِنِّي وَتُحِبِّبَ إِلَيَّ عِبَادَتَكَ وَالْمُوَاطَّابَةَ
 عَلَيْهَا وَتَنْشِطَنِي لَهَا وَتُبْغِضَ إِلَيَّ مَعَاصِيكَ وَمَحَارِمَكَ وَتَدْفَعَنِي عَنْهَا وَتُجَنِّبَنِي التَّقْصِيرَ
 فِي صَلَوَاتِي وَالِاسْتِهْانَةَ بِهَا وَالتَّرَاخِي عَنْهَا وَتُوفِّقَنِي لِتَأْدِيبِهَا كَمَا فَرَضْتَ وَأَمَرْتَ بِهِ
 عَلَى سُنَّةِ رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَرَحْمَتِكَ وَبَرَكَاتِكَ خُضُوعاً وَخُشُوعاً، وَتُشْرَحَ
 صَدْرِي لِإِيْتَاءِ الزَّكَاةِ وَاعْطَاءِ الصَّدَقَاتِ وَبَذْلِ الْمَعْرُوفِ وَالْإِحْسَانِ إِلَى شِيعَةِ آلِ مُحَمَّدٍ
 عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَمُؤَاسَاتِهِمْ، وَلَا تُتَوَفَّأَنِي إِلَّا بَعْدَ أَنْ تَرْزُقَنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ وَزِيَارَةَ قَبْرِ
 نَبِيِّكَ وَقُبُورِ الْأَنْمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَأَسْأَلُكَ يَا رَبِّ تَوْبَةَ نَصُوحاً تَرْضَاهَا وَنِيَّةً تَحْمَدُهَا

وَعَمَلًا صَالِحًا تَقْبَلُهُ، وَأَنْ تَغْفِرَ لِي وَتَرْحَمَنِي إِذَا تَوَفَّيْتَنِي وَتَهَوَّنَ عَلَيَّ سَكَرَاتِ الْمَوْتِ،
وَتَحْشُرَنِي فِي زُمَرَةِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَتَدْخِلَنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ،
وَتَجْعَلَ دَمْعِي غَزِيرًا فِي طَاعَتِكَ وَعَبْرَتِي جَارِيَةً فِيمَا يَقْرُبُنِي مِنْكَ وَقَلْبِي عَطُوفًا عَلَى
أَوْلِيَائِكَ، وَتَصُونَنِي فِي هَذِهِ الدُّنْيَا مِنَ الْعَاهَاتِ وَالْآفَاتِ وَالْأَمْرَاضِ الشَّدِيدَةِ وَالْإِسْقَامِ
الْمُزْمِنَةِ وَجَمِيعِ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ وَالْحَوَادِثِ، وَتَصْرِفَ قَلْبِي عَنِ الْحَرَامِ وَتُبْغِضَ إِلَيَّ مَعَاصِيكَ
وَتُحِبِّبَ إِلَيَّ الْحَلَالَ وَتَفْتَحَ لِي أَبْوَابَهُ وَتُثَبِّتَ نِيَّتِي وَفَعْلِي عَلَيْهِ، وَتَمُدَّ فِي عُمُرِي
وَتُغْلِقَ أَبْوَابَ الْمَحْنِ عَنِّي، وَلَا تَسْلُبْنِي مَا مَنَنْتَ بِهِ عَلَيَّ وَلَا تَسْتَرِدَّ شَيْئًا مِمَّا أَحْسَنْتَ
بِهِ إِلَيَّ وَلَا تَنْزِعْ مِنِّي النِّعَمَ الَّتِي أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ، وَتَزِيدَ فِيمَا خَوَّلْتَنِي وَتُضَاعِفَهُ أَضْعَافًا
مُضَاعَفَةً، وَتَرْزُقَنِي مَا لَا كَمِيرًا وَاسْعَاسَانِغًا هَنِينًا نَافِيًا وَافِيًا، وَعِزًّا بَاقِيًا كَافِيًا وَجَاهًا
عَرِيضًا مَنِيْعًا، وَنِعْمَةً سَابِغَةً عَامَّةً، وَتُغْنِيَنِي بِذَلِكَ عَنِ الْمَطَالِبِ الْمُنْكَدَةِ وَالْمَوَارِدِ
الصَّعْبَةِ، وَتُخَلِّصَنِي مِنْهَا مُعَافًى فِي دِينِي وَنَفْسِي وَوُلْدِي وَمَا أَعْطَيْتَنِي وَمَنْحَتَنِي
وَتَحْفَظَ عَلَيَّ مَالِي وَجَمِيعَ مَا خَوَّلْتَنِي، وَتَقْبِضَ عَنِّي أَيْدِيَ الْجَبَابِرَةِ وَتَرُدَّنِي إِلَى وَطَنِي،

وَتَبَلَّغْنِي نِهَایَةَ اَمَلِي فِي دُنْيَايَ وَآخِرَتِي وَتَجْعَلْ عَاقِبَةَ اَمْرِي مَحْمُودَةً حَسَنَةً سَلِيمَةً،
وَتَجْعَلْنِي رَحِيبَ الصَّدْرِ وَاسِعَ الْحَالِ حَسَنَ الْخُلُقِ، بَعِيداً مِنَ الْبَخْلِ وَالْمَنَعِ وَالنِّفَاقِ
وَالْكَذِبِ وَالْبُهْتِ وَقَوْلِ الزُّورِ، وَتُرْسِخْ فِي قَلْبِي مَحَبَّةَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَشِعْيَتِهِمْ
وَتَحْرُسْنِي يَا رَبِّ فِي نَفْسِي وَاهْلِي وَمَالِي وَوَلَدِي وَاهْلِي خِزَانَتِي وَاخْوَانِي وَاهْلِي
مَوَدَّتِي وَذُرِّيَّتِي بِرَحْمَتِكَ وَجُودِكَ، اَللّهُمَّ هَذِهِ حَاجَاتِي عِنْدَكَ وَقَدْ اسْتَكْرَثْتُهَا لِلْيَوْمِ
وَشُحِي وَهِيَ عِنْدَكَ صَغِيرَةٌ حَقِيرَةٌ وَعَلَيْكَ سَهْلَةٌ يَسِيرَةٌ فَاسْأَلُكَ بِجَاهِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ عِنْدَكَ، وَيَحْقَهُمْ عَلَيْكَ وَيَمَا اَوْجَبْتَ لَهُمْ وَيَسَائِرِ اَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ
وَاصْفِيَائِكَ وَاَوْلِيَائِكَ الْمُخْلِصِينَ مِنْ عِبَادِكَ، وَبِاسْمِكَ الْاَعْظَمِ الْاَعْظَمِ لَمَّا قَضَيْتَهَا كُلُّهَا
وَأَسْعَفْتَنِي بِهَا وَلَمْ تُخَيِّبْ اَمَلِي وَرَجَائِي، اَللّهُمَّ وَشَفِّعْ صَاحِبَ هَذَا الْقَبْرِ فِي يَاسِيدِي
يَا وَلِيَّ اللّٰهِ يَا اَمِينَ اللّٰهِ اَسْأَلُكَ اَنْ تُشَفِّعَ لِي اِلَى اللّٰهِ عَزَّوَجَلَّ فِي هَذِهِ الْحَاجَاتِ كُلِّهَا
بِحَقِّ آبَائِكَ الطَّاهِرِينَ، وَبِحَقِّ اَوْلَادِكَ الْمُتَجَبِّينَ فَاِنَّ لَكَ عِنْدَ اللّٰهِ تَقَدَّسَتْ اَسْمَاءُ
الْمَنْزِلَةِ الشَّرِيفَةِ وَالْمَرْتَبَةِ الْجَلِيلَةِ وَالْجَامِ الْعَرِضِ، اَللّهُمَّ لَوْ عَرَفْتُ مَنْ هُوَ اَوْجُهُ

عِنْدَكَ مِنْ هَذَا الْإِمَامِ وَمِنْ آبَائِهِ وَأَبْنَائِهِ الطَّاهِرِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَالصَّلَاةُ لَجَعَلَتْهُمْ
 شَفَعَانِي وَقَدَّمَتْهُمْ أَمَامَ حَاجَتِي وَطَلِبَاتِي هَذِهِ، فَاسْمَعْ مِنِّي وَاسْتَجِبْ لِي وَافْعَلْ بِي مَا
 أَنْتَ أَهْلُهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، اللَّهُمَّ وَمَا قَصَرْتُ عَنْهُ مَسْأَلَتِي وَعَجَزْتُ عَنْهُ قُوَّتِي وَلَمْ
 تَبْلُغْهُ فِطْنَتِي مِنْ صَالِحِ دِينِي وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي فَأَمْنُنْ بِهِ عَلَيَّ وَاحْفَظْنِي وَاحْرُسْنِي وَهَبْ
 لِي، وَاغْفِرْ لِي وَمَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ أَوْ مَكْرُوهٍ مِنْ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ أَوْ سُلْطَانٍ عَنِيدٍ أَوْ مُخَالَفٍ
 فِي دِينٍ أَوْ مَنَازِعٍ فِي دُنْيَا أَوْ حَاسِدٍ عَلَيَّ نِعْمَةً أَوْ ظَالِمٍ أَوْ بَاغٍ، فَاقْبِضْ عَنِّي يَدَهُ وَاصْرِفْ
 عَنِّي كَيْدَهُ وَاشْغَلْهُ عَنِّي بِنَفْسِهِ وَاكْفِنِي شَرَّهُ وَشَرَّ تَبَاعِهِ وَشَيْطَانِيهِ، وَأَجِرْنِي مِنْ كُلِّ
 مَا يَضُرُّنِي وَيُجْحِفُ بِي وَاعْظِنِي جَمِيعَ الْخَيْرِ كُلِّهِ مِمَّا أَعْلَمُ وَمِمَّا لَا أَعْلَمُ، اللَّهُمَّ صَلِّ
 عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِإِخْوَانِي وَأَخَوَاتِي وَأَعْمَامِي وَعَمَّاتِي
 وَأَخْوَالِي وَخَالَاتِي وَأَجْدَادِي وَجَدَّاتِي وَأَوْلَادِهِمْ وَذُرَارِيهِمْ وَأَزْوَاجِي وَذُرِّيَّاتِي وَأَقْرَبَائِي
 وَأَصْدِقَائِي وَجِيرَانِي وَإِخْوَانِي فِيكَ مِنْ أَهْلِ الشَّرْقِ وَالْغَرْبِ، وَلِجَمِيعِ أَهْلِ مَوَدَّتِي مِنَ
 الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ، وَلِجَمِيعٍ مَنْ عَلَّمَنِي خَيْرًا وَتَعَلَّمْتُ مِنْهُ

عِلْمًا، اللَّهُمَّ اشْرِكْهُمْ فِي صَالِحِ دُعَائِي وَزِيَارَتِي لِمَشْهَدِ حُجَّتِكَ وَوَلِيِّكَ وَاشْرِكْنِي فِي
 صَالِحِ ادْعِيَتِهِمْ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَبَلِّغْ وَلِيَّكَ مِنْهُمْ السَّلَامَ، وَالسَّلَامَ عَلَيْكَ
 وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ، يَا سَيِّدِي يَا مَوْلَانِي يَا فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ ■ (به جای این کلمه نام امامی را که زیارت
 می کند و نام پدر آن بزرگوار را بگوید)
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ، أَنْتَ وَسَيَّلْتَنِي إِلَى اللَّهِ وَذَرِيعَتِي إِلَيْهِ وَلِيَّ حَقِّ
 مُوَالَاتِي وَتَأْمِيلِي فَكُنْ شَفِيعِي إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي الْوُقُوفِ عَلَى قِصَّتِي هَذِهِ وَصَرَفِي
 عَنْ مَوْقِفِي هَذَا بِالنَّجْحِ بِمَا سَأَلْتُهُ كُلَّهُ بِرَحْمَتِهِ وَقُدْرَتِهِ، اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي عَقْلاً كَامِلاً
 وَلِبَّاراً حِجْلاً وَعِزّاً بَاقِياً وَقَلْباً زَكِياً وَعَمَلاً كَثِيراً وَأَدَباً بَارِعاً، وَاجْعَلْ ذَلِكَ كُلَّهُ لِي
 وَلَا تَجْعَلْهُ عَلَيَّ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

• زیارت جامعه کبیره •

■ این زیارت از زیارت های مهم است که شکی در صدور آن ندارد از این جهت، آن را «جامعه» نامیده اند که همه پیشوایان معصوم (علیهم السلام) یا آن زیارت می شوند
 السَّلَامَ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النُّبُوَّةِ وَمَوْضِعِ الرِّسَالَةِ، وَمُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ، وَمَهْبِطِ
 الْوَحْيِ، وَمَعْدِنِ الرَّحْمَةِ، وَخَزَانِ الْعِلْمِ، وَمُنْتَهَى الْحِلْمِ، وَأَصُولِ الْكَرَمِ، وَقَادَةَ

الْأُمَمَ، وَأَوْلِيَاءَ النَّعَمِ، وَعَنَاصِرَ الْأَثَرِ، وَدَعَانِمَ الْأَخْيَارِ، وَسَاسَةَ الْعِبَادِ، وَأَرْكَانَ الْبِلَادِ،
 وَأَبْوَابَ الْإِيمَانِ، وَأَمْنَاءَ الرَّحْمَنِ، وَسُلَالَةَ النَّبِيِّينَ، وَصَفْوَةَ الْمُرْسَلِينَ، وَعِتْرَةَ خَيْرَةِ
 رَبِّ الْعَالَمِينَ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ، السَّلَامُ عَلَى أُنْمَةِ الْهُدَى، وَمَصَابِيحِ الدُّجَى،
 وَأَعْلَامِ الثَّقَى، وَذَوَى النَّهْيِ، وَأَوْلَى الْحُجَى، وَكَهْفِ الْوَرَى، وَوَرَثَةِ الْأَنْبِيَاءِ، وَالْمَثَلِ
 الْأَعْلَى، وَالدَّعْوَةِ الْحُسْنَى، وَحُجَجِ اللَّهِ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَالْأُولَى
 وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ، السَّلَامُ عَلَى مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ، وَمَسَاكِينِ بَرَكَاتِهِ اللَّهِ، وَمَعَادِنِ
 حِكْمَةِ اللَّهِ، وَخَفِظَةِ سِرِّ اللَّهِ، وَحَمَلَةِ كِتَابِ اللَّهِ، وَأَوْصِيَاءِ نَبِيِّ اللَّهِ، وَذُرِّيَّةِ
 رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ، السَّلَامُ عَلَى الدُّعَاةِ إِلَى اللَّهِ،
 وَالْأَدْلَاءِ عَلَى مَرْضَاتِ اللَّهِ، وَالْمُسْتَقْرِينَ فِي أَمْرِ اللَّهِ، وَالتَّامِينَ فِي مَحَبَّةِ اللَّهِ،
 وَالْمُخْلِصِينَ فِي تَوْحِيدِ اللَّهِ، وَالْمُظْهِرِينَ لِأَمْرِ اللَّهِ وَنَهْيِهِ، وَعِبَادِهِ الْمُكْرَمِينَ الَّذِينَ لَا
 يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ، السَّلَامُ عَلَى الْأَنْمَةِ
 الدُّعَاةِ، وَالْقَادَةِ الْهُدَاةِ، وَالسَّادَةِ الْوَلَاةِ، وَالذَّادَةِ الْحُمَاةِ، وَاهْلِ الذِّكْرِ وَأَوْلَى الْأَمْرِ،

وَبَقِيَّةِ اللَّهِ وَخَيْرَتِهِ وَحُزْبِهِ وَعَيْبَةِ عِلْمِهِ وَحُجَّتِهِ وَصِرَاطِهِ وَنُورِهِ وَبُرْهَانِهِ
 وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ كَمَا شَهِدَ اللَّهُ
 لِنَفْسِهِ وَشَهِدَتْ لَهُ مَلَائِكَتُهُ وَأَوَّلُو الْعِلْمِ مِنْ خَلْقِهِ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ،
 وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ الْمُنْتَجَبُ، وَرَسُولُهُ الْمُرْتَضَى، أَرْسَلَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ
 لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ، وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ الْأَيُّمَةُ الرَّاشِدُونَ الْمَهْدِيُّونَ
 الْمُعْصُومُونَ الْمُكْرَمُونَ الْمُقَرَّبُونَ الْمُتَّقُونَ الصَّادِقُونَ الْمُصْطَفَوْنَ الْمُطِيعُونَ لِلَّهِ،
 الْقَوَامُونَ بِأَمْرِهِ، الْعَامِلُونَ بِرَأْدَتِهِ، الْفَائِزُونَ بِكَرَامَتِهِ، اصْطَفَاكُمْ بِعِلْمِهِ، وَارْتَضَاكُمْ
 لِعَيْنِهِ، وَاخْتَارَكُمْ لِسِرِّهِ، وَاجْتَبَاكُمْ بِقُدْرَتِهِ، وَأَعَزَّكُمْ بِهُدَاهُ، وَخَصَّكُمْ بِبُرْهَانِهِ،
 وَانْتَجَبَكُمْ لِنُورِهِ، وَأَيَّدَكُمْ بِرُوحِهِ، وَرَضِيَكُمْ خُلَفَاءَ فِي أَرْضِهِ، وَحُجَّجًا عَلَى بَرِّيَّتِهِ،
 وَأَنْصَارًا لِدِينِهِ، وَحَفَظَةً لِسِرِّهِ، وَخَزَنَةً لِعِلْمِهِ، وَمُسْتَوْدَعًا لِحُكْمَتِهِ،
 وَتَرَاجِمَةً لَوْحِيهِ، وَأَرْكَانًا لِتَوْحِيدِهِ، وَشُهَدَاءَ عَلَى خَلْقِهِ، وَأَعْلَامًا لِعِبَادِهِ، وَمَنَارًا فِي
 بِلَادِهِ، وَآدِلَاءَ عَلَى صِرَاطِهِ، عَصَمَكُمْ اللَّهُ مِنَ الزَّلَلِ، وَأَمَنَكُمْ مِنَ الْفِتَنِ، وَطَهَّرَكُمْ مِنَ

الدَّئِيسَ، وَأَذْهَبَ عَنْكُمْ الرِّجْسَ وَطَهَّرَكُمْ تَطْهِيراً، فَعَظَّمْتُمْ جَلَالَهُ، وَأَكْبَرْتُمْ شَأْنَهُ،
وَمَجَّدْتُمْ كَرَمَهُ، وَأَدَمْتُمْ ذِكْرَهُ، وَوَكَّدْتُمْ مِيثَاقَهُ، وَأَحْكَمْتُمْ عَقْدَ طَاعَتِهِ، وَنَصَحْتُمْ لَهُ
فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ، وَدَعَوْتُمْ إِلَى سَبِيلِهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، وَبَذَلْتُمْ
أَنْفُسَكُمْ فِي مَرْضَاتِهِ، وَصَبَرْتُمْ عَلَى مَا أَصَابَكُمْ فِي جَنْبِهِ، وَأَقَمْتُمْ الصَّلَاةَ، وَآتَيْتُمْ
الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَجَاهَدْتُمْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ حَتَّى
أَعْلَنْتُمْ دَعْوَتَهُ، وَبَيَّنْتُمْ فَرَائِضَهُ، وَأَقَمْتُمْ حُدُودَهُ، وَنَشَرْتُمْ شَرَائِعَ أَحْكَامِهِ، وَسَنَنْتُمْ
سُنَّتَهُ، وَصِرْتُمْ فِي ذَلِكَ مِنْهُ إِلَى الرِّضَا، وَسَلَّمْتُمْ لَهُ الْقَضَاءَ، وَصَدَقْتُمْ مِنْ رُسُلِهِ مَنْ
مَضَى، فَالرَّاعِبُ عَنْكُمْ مَارِقٌ، وَاللَّازِمُ لَكُمْ لَاحِقٌ، وَالْمَقْصَرُ فِي حَقِّكُمْ زَاهِقٌ،
وَالْحَقُّ مَعَكُمْ وَفِيكُمْ وَمِنْكُمْ وَالْيَكْمُ وَأَنْتُمْ أَهْلُهُ وَمَعْدِنُهُ، وَمِيرَاثُ النُّبُوَّةِ عِنْدَكُمْ،
وَإِيَابُ الْخَلْقِ إِلَيْكُمْ، وَحِسَابُهُمْ عَلَيْكُمْ، وَفُضِلَ الْخِطَابُ عِنْدَكُمْ، وَآيَاتُ اللَّهِ
لَدَيْكُمْ، وَعَزَائِمُهُ فِيكُمْ، وَنُورُهُ وَبُرْهَانُهُ عِنْدَكُمْ، وَأَمْرُهُ إِلَيْكُمْ، مَنْ وَالَاكُمْ فَقَدْ
وَالَى اللَّهَ، وَمَنْ عَادَاكُمْ فَقَدْ عَادَ اللَّهَ، وَمَنْ أَحْبَبَكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ، وَمَنْ أَبْغَضَكُمْ

فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهُ، وَمَنْ اعْتَصَمَ بِكُمْ فَقَدْ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ، أَنْتُمْ الصِّرَاطُ الْأَقْوَمُ، وَشَهِدَاءُ دَارِ
الْفَنَاءِ، وَشَفَعَاءُ دَارِ الْبَقَاءِ، وَالرَّحْمَةُ الْمَوْصُولَةُ، وَالْآيَةُ الْمَخْزُونَةُ، وَالْأَمَانَةُ
الْمَحْفُوظَةُ، وَالْبَابُ الْمُبْتَلَى بِهِ النَّاسُ، مَنْ آتَاكُمْ نَجَا، وَمَنْ لَمْ يَأْتِكُمْ هَلَكَ،
إِلَى اللَّهِ تَدْعُونَ، وَعَلَيْهِ تَدُلُّونَ، وَبِهِ تَوَمِّنُونَ، وَلَهُ تَسْلُمُونَ، وَبِأَمْرِهِ تَعْمَلُونَ، وَإِلَى
سَبِيلِهِ تَرْشُدُونَ، وَيَقُولُ لَهُ تَحْكُمُونَ، سَعْدٌ مَنْ وَالَاكُمْ، وَهَلَكٌ مَنْ عَادَاكُمْ، وَخَابَ مَنْ
جَحَدَكُمْ، وَضَلَّ مَنْ فَارَقَكُمْ، وَفَازَ مَنْ تَمَسَّكَ بِكُمْ، وَأَمِنَ مَنْ لَجَأَ إِلَيْكُمْ، وَسَلِمَ مَنْ
صَدَّقَكُمْ، وَهَدَى مَنْ اعْتَصَمَ بِكُمْ، مَنْ اتَّبَعَكُمْ فَالْجَنَّةُ مَأْوَاهُ، وَمَنْ خَالَفَكُمْ
فَالنَّارُ مَثْوَاهُ، وَمَنْ جَحَدَكُمْ كَافِرٌ، وَمَنْ حَارَبَكُمْ مُشْرِكٌ، وَمَنْ رَدَّ عَلَيْكُمْ فِي اسْفَلِ
دَرَكٍ مِنَ الْجَحِيمِ، أَشْهَدُ أَنْ هَذَا سَابِقُ لَكُمْ فِيمَا مَضَى، وَجَارٍ لَكُمْ فِيمَا بَقِيَ، وَإِنْ
أَرْوَا حُكْمَ وَنُورَكُمْ وَطِينَتَكُمْ وَاحِدَةً، طَابَتْ وَطَهَرَتْ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ، خَلَقَكُمْ اللَّهُ
أَنْوَارًا فَجَعَلَكُمْ بَعْرِشَهُ مُحَدِّقِينَ حَتَّى مِنْ عَلَيْنَا بِكُمْ، فَجَعَلَكُمْ فِي بُيُوتِ أَذْنِ اللَّهِ أَنْ
تَرْفَعَ وَيَذْكُرَ فِيهَا اسْمُهُ، وَجَعَلَ صَلَوَاتِنَا عَلَيْكُمْ وَمَا خَصَّنَا بِهِ مِنْ وَلَايَتِكُمْ طَيِّبًا

لَخَلَقْنَا، وَطَهَّرْنَا لِنَفْسِنَا، وَتَزَكِيَّةَ لَنَا، وَكَفَّارَةَ لِدُنُوبِنَا، فَكُنَّا عِنْدَهُ مُسْلِمِينَ بِفَضْلِكُمْ،
وَمَعْرُوفِينَ بِتَصَدِيقِنَا إِيَّاكُمْ، فَبَلَغَ اللَّهُ بِكُمْ أَشْرَفَ مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ، وَأَعْلَى مَنَازِلِ
الْمُقَرَّبِينَ، وَارْفَعَ دَرَجَاتِ الْمُرْسَلِينَ، حَيْثُ لَا يُلْحَقُهُ لَاحِقٌ، وَلَا يَفُوقُهُ فَائِقٌ،
وَلَا يَسْبِقُهُ سَابِقٌ، وَلَا يَطْمَعُ فِي ادْرَاكِهِ طَامِعٌ، حَتَّى لَا يَبْقَى مَلَكٌ مُقَرَّبٌ، وَلَا نَبِيٌّ
مُرْسَلٌ، وَلَا صَدِيقٌ وَلَا شَهِيدٌ، وَلَا عَالِمٌ وَلَا جَاهِلٌ، وَلَا ذَنْبِي وَلَا فَاضِلٌ، وَلَا مُؤْمِنٌ
صَالِحٌ، وَلَا فَاجِرٌ طَالِحٌ، وَلَا جَبَّارٌ عَنِيدٌ، وَلَا شَيْطَانٌ مُرِيدٌ، وَلَا خَلْقٌ فِيمَا بَيْنَ ذَلِكَ
شَهِيدٌ إِلَّا عَرَفَهُمْ جَلَالَةُ أَمْرِكُمْ، وَعَظَمَ خَطْرَكُمْ، وَكَبَّرَ شَأْنَكُمْ وَتَمَامَ نُورَكُمْ، وَصَدَقَ
مَقَاعِدَكُمْ، وَثَبَاتَ مَقَامَكُمْ، وَشَرَفَ مَحَلَّكُمْ وَمَنْزِلَتَكُمْ عِنْدَهُ، وَكَرَّامَتَكُمْ عَلَيْهِ،
وَخَاصَّتَكُمْ لَدَيْهِ، وَقَرَّبَ مَنْزِلَتَكُمْ مِنْهُ، يَا بِي أَنْتُمْ وَأَهْلِي وَمَالِي وَأَسْرَتِي
أَشْهَدُ اللَّهَ وَأَشْهَدُكُمْ أَنِّي مُؤْمِنٌ بِكُمْ وَبِمَا آمَنْتُمْ بِهِ، كَافِرٌ بَعْدُوكُمْ وَبِمَا كَفَرْتُمْ بِهِ،
مُسْتَبْصِرٌ بِشَأْنِكُمْ وَبِضَلَالَةٍ مَنْ خَالَفَكُمْ، مُوَالٍ لَكُمْ وَلِأَوْلِيَانِكُمْ، مُبْغِضٌ لِأَعْدَائِكُمْ
وَمُعَادٍ لَهُمْ، سَلَامٌ لِمَنْ سَالَمَكُمْ، وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ، مُحَقِّقٌ لِمَا حَقَّقْتُمْ، مُبْطِلٌ لِمَا

أَبْطَلْتُمْ، مُطِيعَ لَكُمْ، عَارِفَ بِحَقِّكُمْ، مُقَرَّبَ بِفَضْلِكُمْ، مُحْتَمِلَ لِعِلْمِكُمْ، مُحْتَجِبَ
بِذِمَّتِكُمْ، مُعْتَرِفَ بِكُمْ، مُؤْمِنَ بِأَيَّامِكُمْ، مُصَدِّقَ بِرَجْعَتِكُمْ، مُنْتَظِرَ لِأَمْرِكُمْ، مُرْتَقِبَ
لِدَوْلَتِكُمْ، أَخَذَ بِقَوْلِكُمْ، عَامِلَ بِأَمْرِكُمْ، مُسْتَجِيرَ بِكُمْ، زَانِرَ لَكُمْ، لَا نَذَّاعًا نَذْبُورَكُمْ،
مُسْتَشْفِعًا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِكُمْ، وَمُتَقَرِّبَ بِكُمْ إِلَيْهِ، وَمُقَدِّمَكُمْ أَمَامَ طَلِبَتِي وَحَوَائِجِي
وَأَرَادَتِي فِي كُلِّ أَحْوَالِي وَأُمُورِي مُؤْمِنَ بِسِرِّكُمْ وَعَلَانِيَتِكُمْ وَشَاهِدَكُمْ وَغَائِبِكُمْ
وَأَوَّلَكُمْ وَآخِرَكُمْ، وَمَقْضُوفَ فِي ذَلِكَ كُلِّهِ إِلَيْكُمْ وَمُسَلِّمَ فِيهِ مَعَكُمْ، وَقَلْبِي لَكُمْ
مُسَلِّمٌ، وَرَأْيِي لَكُمْ تَبِعٌ، وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّى يُحْيِيَ اللَّهُ تَعَالَى دِينَهُ بِكُمْ، وَيُرْزِقَكُمْ
فِي أَيَّامِهِ، وَيُظْهِرَكُمْ لِعَدْلِهِ، وَيُمْكِّنَكُمْ فِي أَرْضِهِ، فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ غَيْرِكُمْ، آمَنْتُ
بِكُمْ وَتَوَلَّيْتُ آخِرَكُمْ بِمَا تَوَلَّيْتُ بِهِ أَوَّلَكُمْ، وَبَرَنْتُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ أَعْدَائِكُمْ
وَمِنْ الْجَبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَالشَّيَاطِينِ وَحَزْبِهِمُ الظَّالِمِينَ لَكُمْ، الْجَاهِدِينَ لِحَقِّكُمْ،
وَالْمَارِقِينَ مِنْ وِلَايَتِكُمْ، وَالْغَاصِبِينَ لَارِثِكُمْ الشَّاكِينَ فِيكُمْ الْمُنْحَرِفِينَ عَنْكُمْ، وَمِنْ
كُلِّ وَلِيَّةٍ دُونَكُمْ وَكُلِّ مُطَاعٍ سِوَاكُمْ، وَمِنْ الْأَنْفَةِ الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ، فَثَبَّتَنِي اللَّهُ

أَبْدَأُ مَا حَيَّتْ عَلَى مَوَالِيكُمْ وَمَحَبَّتِكُمْ وَدِينِكُمْ، وَوَفَّقَنِي لِمَا أَعْتَكُم، وَرَزَقَنِي
شَفَاعَتَكُمْ، وَجَعَلَنِي مِنْ خِيَارِ مَوَالِيكُمْ التَّابِعِينَ لِمَا دَعَوْتُمْ إِلَيْهِ، وَجَعَلَنِي مِمَّنْ
يَقْتَصُّ آثَارَكُمْ، وَيَسْلُكُ سَبِيلَكُمْ، وَيَهْتَدِي بِهَدَاكُمْ وَيُحْشَرُ فِي زَمَرَتِكُمْ، وَيَكْرَفِي
رَجْعَتَكُمْ، وَيَمْلِكُ فِي دَوْلَتِكُمْ، وَيَشْرَفُ فِي عَافِيَتِكُمْ، وَيُمْكِنُ فِي أَيَّامِكُمْ، وَتَقَرُّ
عَيْنُهُ غَدًا بِرُؤْيَتِكُمْ، يَا بِي أَنْتُمْ وَأَمِي وَنَفْسِي وَاهْلِي وَمَالِي مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بَدَأَ بِكُمْ،
وَمَنْ وَحَدَهُ قَبْلَ عَنْكُمْ، وَمَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِكُمْ، مَوَالِي لَا أَحْصِي ثَنَانَكُمْ وَلَا أَلْبَغُ مِنْ
الْمَدْحِ كُنْهَكُمْ وَمِنْ الْوَصْفِ قَدْرَكُمْ، وَأَنْتُمْ نُورُ الْأَخْيَارِ وَهَدَاةُ الْأَبْرَارِ وَحُجَجُ
الْجَبَّارِ، بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَبِكُمْ يَخْتَمُ، وَبِكُمْ يَنْزِلُ الْغَيْثُ، وَبِكُمْ يُمْسِكُ السَّمَاءُ أَنْ تَقَعَ
عَلَى الْأَرْضِ الْإِبَادَنَةُ، وَبِكُمْ يَنْفُسُ الْهَمُّ وَيَكْشِفُ الضَّرَّ، وَعِنْدَكُمْ مَا نَزَلَتْ بِهِ
رُسُلُهُ، وَهَبَطَتْ بِهِ مَلَائِكَتُهُ وَالْيَ حُدُكُم. و اگر زیارت امیر المؤمنین باشد به جای "والی جدکم" بگو:
وَالْيَ أَخِيكَ بَعَثَ الرُّوحَ الْأَمِينَ، آتَاكُمْ اللَّهُ مَا لَمْ يُؤْتَ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ، طَاطَا كُلُّ
شَرِيفٍ لَشَرَفِكُمْ، وَبِجَعِ كُلِّ مُتَكَبِّرٍ لَطَاعَتَكُمْ، وَخَضَعَ كُلُّ جَبَّارٍ لِفَضْلِكُمْ، وَذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ

لَكُمْ، وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِكُمْ، وَفَازَ الْفَائِزُونَ بِوَلَايَتِكُمْ، بِكُمْ يَسْلُكُ إِلَى الرِّضْوَانِ،
وَعَلَى مَنْ جَحَدَ وَلَايَتَكُمْ غَضِبَ الرَّحْمَنُ، يَا بِي أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي وَاهْلِي وَمَالِي،
ذِكْرُكُمْ فِي الذَّاكِرِينَ، وَأَسْمَاؤُكُمْ فِي الْأَسْمَاءِ، وَأَجْسَادُكُمْ فِي الْأَجْسَادِ، وَأَرْوَاحُكُمْ
فِي الْأَرْوَاحِ، وَأَنْفُسُكُمْ فِي النَّفُوسِ، وَأَثَارُكُمْ فِي الْأَثَارِ، وَقُبُورُكُمْ فِي الْقُبُورِ، فَمَا أَحْلَى
أَسْمَانِكُمْ وَأَكْرَمَ أَنْفُسِكُمْ، وَأَعْظَمَ شَأْنَكُمْ، وَأَجَلَ خَطَرِكُمْ، وَأَوْفَى عَهْدِكُمْ، وَأَصْدَقَ
وَعْدِكُمْ، كَلَامِكُمْ نُورٌ وَأَمْرُكُمْ رُشْدٌ وَوَصِيَّتُكُمْ تَقْوَى، وَفِعْلُكُمْ خَيْرٌ، وَعَادَتُكُمْ
الْإِحْسَانُ، وَسَجِيَّتُكُمْ الْكَرَمُ، وَشَأْنُكُمْ الْحَقُّ وَالصَّدَقُ وَالرَّفْقُ، وَقَوْلُكُمْ حَكْمٌ وَحَقٌّ،
وَرَأْيُكُمْ عِلْمٌ وَحِلْمٌ وَحَزْمٌ، إِنْ ذَكَرَ الْخَيْرَ كُنْتُمْ أَوَّلُهُ وَأَصْلُهُ وَفَرْعُهُ وَمَعْدِنُهُ وَمَأْوِيهِ
وَمُنْتَهَاهُ، يَا بِي أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي كَيْفَ أَصِفُ حَسَنَ ثَنَائِكُمْ، وَأَخْصِي جَمِيلَ بِلَانِكُمْ،
وَبِكُمْ أَخْرَجَنَا اللَّهُ مِنَ الذَّلِّ وَفَرَجَ عَنَّا غَمَرَاتِ الْكُرُوبِ، وَأَنْقَذَنَا مِنْ شَفَا جُرْفِ
الْهَلَكَاتِ وَمِنَ النَّارِ، يَا بِي أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي بِمُؤَاظَمَتِكُمْ عَلَّمَنَا اللَّهُ مَعَالِمَ دِينِنَا، وَأَصْلَحَ
مَا كَانَ فَسَدَ مِنْ دُنْيَانَا، وَبِمُؤَاظَمَتِكُمْ تَمَّتِ الْكَلِمَةُ، وَعَظُمَتِ النِّعْمَةُ، وَأَتَلَفَتِ الْفَرْقَةُ،

وَبِمَوَالِكُمْ تُقْبَلُ الطَّاعَةُ الْمُفْتَرَضَةُ، وَلَكُمْ الْمَوَدَّةُ الْوَاجِبَةُ، وَالدرجات الرفيعة،
وَالْمَقَامُ الْمَحْمُودُ، وَالْمَكَانُ الْمَعْلُومُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَالْجَاهُ الْعَظِيمُ، وَالشَّانُ الْكَبِيرُ،
وَالشَّفَاعَةُ الْمَقْبُولَةُ، رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتَبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ، رَبَّنَا
لَا تُرْغِ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ، سُبْحَانَ رَبَّنَا
إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا مَفْعُولًا، يَا وَلِيَّ اللَّهِ إِنْ بَيْنِي وَبَيْنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ ذُنُوبًا لَا يَأْتِي عَلَيْهَا
الْإِضَاحُ، فَبِحَقِّ مَنْ انْتَمَنَّاكَ عَلَى سِرِّهِ وَاسْتَرْعَاكُمْ أَمْرَ خَلْقِهِ وَقَرْنَ طَاعَتَكُمْ بِطَاعَتِهِ،
لَمَّا اسْتَوْهَبْتُمْ ذُنُوبِي وَكُنْتُمْ شُفَعَانِي، فَإِنِّي لَكُمْ مُطِيعٌ، مَنْ أَطَاعَكُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ،
وَمَنْ عَصَاكُمْ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ، وَمَنْ أَحْبَبَكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ، وَمَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ
أَبْغَضَ اللَّهَ، اللَّهُمَّ إِنِّي لَوْ وَجَدْتُ شَفْعَاءَ أَقْرَبَ إِلَيْكَ مِنْ مُحَمَّدٍ وَآهْلِ بَيْتِهِ الْأَخْيَارِ
الْأَنْمَةِ الْأَبْرَارِ لَجَعَلْتَهُمْ شُفَعَانِي، فَبِحَقِّهِمُ الَّذِي أَوْجَبْتَ لَهُمْ عَلَيْكَ إِسْأَلَكَ أَنْ تَدْخِلَنِي
فِي جُمْلَةِ الْعَارِفِينَ بِهِمْ وَبِحَقِّهِمْ، وَفِي زُمَرَةِ الْمَرْحُومِينَ بِشَفَاعَتِهِمْ، إِنَّكَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ،
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَسَلَّمْ تَسْلِيمًا كَثِيرًا، وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ

• ذکر ایام هفته

■ شنبه	یا رَبِّ الْعَالَمین	■ یکشنبه	یا ذَ الْجَلالِ وَ الْاِکرام
■ دوشنبه	یا قاضی الحاجات	■ سه شنبه	یا اَرْحَمَ الرَّاحمین
■ چهارشنبه	یا حیی و یا قیوم	■ پنجشنبه	لا اله الا الله الْمَلِکُ الْحَقُّ الْمُبِین
■ جمعه	اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ		

www.ziaraat.com
Sabeer-Sakina
jabir.abbas@yahoo.com

فهرست منابع و مآخذ

تشکر از همکاری و همفکری:

نواقص کار این کتاب را مستولان و حامیان و یارهای عزیز و یارهای پایشتهای دوستان فرولقی بدست آمد که نظر دارند و پذیرفتیم و به کار بستیم و کمک کردند تا کار به کمالش نزدیک شود و چشمه نوار شد و به همین سبب از همه آنان تشکر می کنیم چه آنان که نامشان را در ذیل آورده ایم و چه آنان که فراموشمان شد:

- علی اکبر مهدی پور
- سید عادل علوی
- جواد محدثی
- محمد حسین فلاح زاده
- شمس الدین نوری
- حبیب الله سلمانی آرائی
- سید قاسم حسین جلالی
- محمد مهدی معراجی
- عبدالرحیم حجتی
- حسینی شریف
- علی اکبر منقی
- سید روح الله هاشمی
- حسین احمدی قمی
- سید علیرضا تکیه‌ای
- سفارت و کنسولگری عراقی
- سید علی خراسانی
- حیدر واعظی کربلایی
- محمود شریفی
- سید ابوالحسن علوی
- محمد علی یوسفی (ابوموشم)

قرآن کریم	■	مفتاح الجنان	■	شیخ عباس قمی	■
مفتاح الجنات	■	مفتاح الجنات	■	سید محسن امین	■
عروة الوثقی	■	عروة الوثقی	■	سید محمد کاظم یزدی	■
نورالمنیر	■	نورالمنیر	■	مراجع معتمد تقلید	■
مفتاح نوین	■	مفتاح نوین	■	آیه الله مکارم شیرازی	■
لحقة الزائرین	■	لحقة الزائرین	■	علامه مجلسی	■
ترجمه کامل الزیارات	■	ترجمه کامل الزیارات	■	ابن قولویه / ذهنی تهرانی	■
شناسنامه کشورهای جهان	■	شناسنامه کشورهای جهان	■	موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی	■
فرهنگ عاشورا	■	فرهنگ عاشورا	■	جواد محدثی	■
فرهنگ غدیر	■	فرهنگ غدیر	■	جواد محدثی	■
گلشن ابرار	■	گلشن ابرار	■	یزوهشکده باقرالموم	■
بحار الانوار	■	بحار الانوار	■	علامه مجلسی	■
وسایل التسلية	■	وسایل التسلية	■	شیخ حرّ عاملی	■
مقتل معصومین	■	مقتل معصومین	■	یزوهشکده باقرالموم	■
حدیث کبیه و کربلا	■	حدیث کبیه و کربلا	■	مولی عبدالجبار / سید جواد طباطبائی	■
عنایات عالیات عراق	■	عنایات عالیات عراق	■	دکتر اصغر قائدان	■
کربلا و حریمهای مطهر	■	کربلا و حریمهای مطهر	■	سلیمان هادی آل طهمه / حسین ساری	■
گنجینه الاسرار	■	گنجینه الاسرار	■	جمال سلیمانی	■
منتخب التواریخ	■	منتخب التواریخ	■	محمد هاشمی / محمد علی خراسانی	■
مساجد و معالم فی الروضة الحیدریة	■	مساجد و معالم فی الروضة الحیدریة	■	سید عبدالمطلب موسوی خراسانی	■
احکام فقهی سفر زیارتی عتبات	■	احکام فقهی سفر زیارتی عتبات	■	محمد حسین فلاح زاده	■
شهداء العلم والمفسلة فی العراق	■	شهداء العلم والمفسلة فی العراق	■	لجنة التألیف والتحقیق	■
مزارات اهل البيت	■	مزارات اهل البيت	■	محمد حسین حسینی جلالی	■
ادب الزائر ممن یمیم الحائز	■	ادب الزائر ممن یمیم الحائز	■	علامه شیخ عبدالحسن امینی	■
تراث النجف / العدد الاول	■	تراث النجف / العدد الاول	■	سید سامی البدری	■
مقاصد الزائرین	■	مقاصد الزائرین	■	سید محمود القرینی	■
دلیل العتبات والمزارات و... فی العراق	■	دلیل العتبات والمزارات و... فی العراق	■	دیوان الوقف الشیعی	■
تراث کربلا	■	تراث کربلا	■	سلیمان هادی آل طهمه	■
المراقد و المقامات فی کربلا	■	المراقد و المقامات فی کربلا	■	عبد الامیر قرینی	■
و -	■	و -	■	مؤسسة الاعلی بیروت / ۱۴۲۲	■
				مؤسسة مطبوعاتی اسماعیلیان / ۱۳۷۸	■
				جامعه مدرّسین حوزه علمیه قم / ۱۳۷۷	■
				مدرسه الامام علی بن ابی طالب / ع	■
				مؤسسة الامام الهادی	■
				بیام حق	■
				گیتاشناسی / ۱۳۸۲	■
				نشر معروف	■
				نشر معروف	■
				نشر معروف	■
				دار الکتب الاسلامیه	■
				دار الکتب الاسلامیه	■
				نشر معروف	■
				به نشر	■
				نشر مشعر	■
				نشر مشعر	■
				انتشارات لاهوت	■
				العتبة العلویة المقدسة / ۱۳۳۷	■
				نشر مشعر / ۱۳۸۶	■
				مجمع العالمی لاهل البيت / ۱۴۲۶ هـ	■
				دار الزهراء بیروت / ۱۴۰۹ هـ	■
				مکتبه الامام امیر المؤمنین (ع) / ۱۳۲۰	■
				مؤسسة تراث النجف الحضاری / ۱۳۳۰	■
				تألیف النجف / ۱۳۲۵	■
				مکتب دجله - بغداد / ۱۴۲۲ هـ	■
				مؤسسة الاعلی بیروت / ۱۴۰۲	■
				بیستالعلم للناشرین / ۱۳۳۷	■

